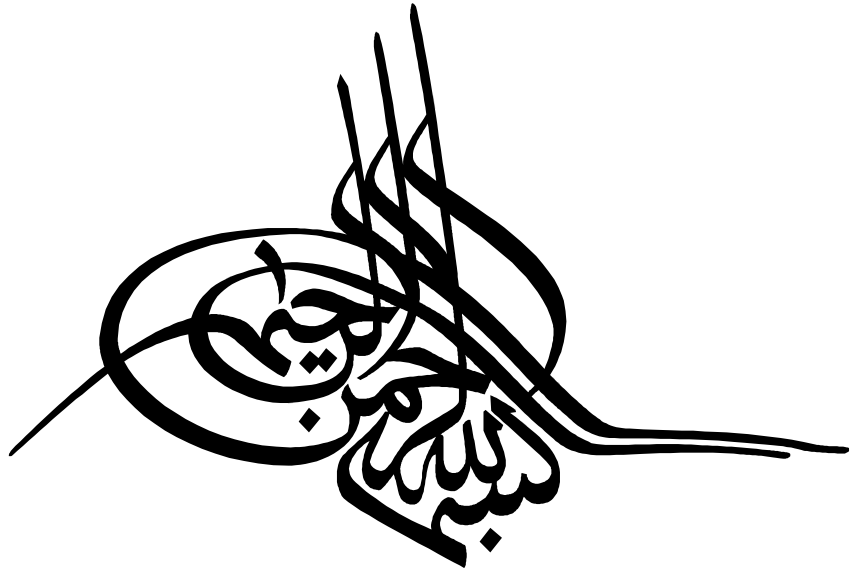


۱۷	تأثیر یادگیری مشاهده‌ای بر ترویج رفتار فراشناختی دانش‌آموزان سپیده حامدی، بهروز عبدلی، علیرضا فارسی
۳۱	شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های عملکردی مربیان ورزش دانشگاهی ایران (مطالعه موردی: المپیاد دانشجویی) محسن اسمعیلی، شمس‌الدین رضایی
۵۳	اثر سبک‌های تدریس معلمان تربیت‌بدنی بر هدف‌مداری ورزشی دانش‌آموزان محسن لقمانی، مهدقلی قلی‌دهنه، مجتبی حسن‌نژاد
۷۳	تحلیل مضمون تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی مبتنی بر آیات قرآن کریم حسن بحرالعلوم، جواد قاسمی روشناوند، معصومه امامی روشناوند
۹۵	ارتباط بین سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی در دانشگاه‌های شهر تهران مریم مختاری دینانی، سعیده طبری
۱۱۷	طراحی مدل قداست ورزشی در دانشجویان ورزشکار صلاح دستوم، محمدصادق افروزه، مهدی جوکار، حکیمه افروزه
۱۳۹	آسیب‌شناسی تربیت‌بدنی و ورزش مدارس با استفاده از مدل سه‌شاخگی هادی قنبری، ناهید شتاب بوشهری، پروانه شفیق‌نیا، بدالله مهرعلیزاده
۱۶۱	طراحی الگوی عوامل مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش با استفاده از الگوی نقشه شناختی-فازی محمد رواسی‌زاده، زهرا نوبخت رضانی، شهاب بهرامی
۱۷۹	ارزیابی کارایی نسبی تیم‌های ورزشی دانشگاه‌ها در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزش کشور با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها سیدمحمدجواد رضوی، محمد زارعی محمودآبادی، محمد پورکیانی، فرشاد امامی
۲۰۱	اثر آگاهی، احساسات و شدت اخلاقی در قصد خرید پوشاک ورزشی تقلبی پهزاد ایزدی، عابد محمودیان
۲۲۳	مدل‌سازی معادلات ساختاری: عامل‌های مؤثر بر فرایند مشارکت ورزشی محمد مهدی رحمتی، فردین علیخواه، سیده‌معصومه شادمنفعت، سعید کبیری
۲۴۷	شناسایی و اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران احمدعلی آصفی
۲۷۱	ارزیابی میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی استان اصفهان با حقوق ورزشی مینا مستحفظیان، سمیه رهبری، مسعود راعی دهقی
۲۹۳	فهم فرایند شکل‌گیری بازاریابی اجتماعی برای توسعه ورزش همگانی علی صابری، قدرت‌الله باقری، محمد خبیری، حمیدرضا یزدانی، ابراهیم علی‌دوست قهفرخی
۳۱۷	ساخت و روایی‌سنجی پرسش‌نامه جایگاه ورزش در پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر مهدی بشیری، سیدحجت زمانی ثانی، پهزاد شالچی، زهرا فتحی‌رضانی

7	The Effect of Observation Learning on Students' Promoting Metacognitive Behavior S. Hamed, B. Abdoli, A. R. Farsi
8	Identifying and Assessing the Performance of University Sport Coaches in Iran (Case Study: Student Olympiad) M. Esmaeili, S. Rezaei
9	The Effect of Physical Educator's Teaching Styles on Student's Goal Orientation M. Loghmani, M. Gholidahaneh, M. Hassannejad
10	Thematic Analysis of Physical Education and Improvement Physical Strength Based on Quran Verses H. Bahrololom, J. Ghasemi Rooshnavand, M. Emami Rooshnavand
11	The Relationship Between Information Literacy and Entrepreneurial Capabilities of Sports Science Graduated Students of Tehran Universities M. Mokhtari Dinani, S. Tatari
12	Designing a Model of Sports Sacred Sanctity among Students Athlete S. Dastoom, M. S. Afrozeh, M. Jokar, H. Afrouzeh
13	Pathology of Physical Education and School Sports by Applying Three Dimensional Model H. Ghanbari, N. Shetabbusheshri, P. Shafiniya, Y. Mehralizadeh
14	Designing of Affective Factors of Knowledge Maturity in Employees of Physical Education and Health Department Uses the FCM Model M. Ravasizadeh, Z. Nobakht Ramezani, Sh. Bahrami
15	Evaluation of the Relative Efficiency of Universities Sport Teams at the Thirteenth Iranian National Cultural-Sport Olympiad Using DEA S.M.J. Razavi, M. Zarei Mahmoudabadi, M. Pourkiani, F. Emami
16	The Impact of Awareness, Emotions, and Moral Intensity on Intention to Buy Counterfeit Sports Apparel B. Izadi, A. Mahmoudian
17	Sociological Study of Sport Participation Process Based on Symbolic Interaction Approach M. M. Rahmati, F. Alikhah, S. M. ShadManfaat, S. Kabiri
18	The identifying and Prioritizing Effective Groups in the Institutionalization of Sport for All in Iran A. Asefi
19	The Investigate of Familiarity Rate of Physical Education Teachers with Sports Law in Isfahan M. Mostahfezian, S. Rahbari, M. Raci
20	Understanding the Process of Formation of Social Marketing for the Development of Sport for All A. Saberi, Gh. Bagheri, M. Khabiri, H. R. Yazdani, E. Alidoust
21	Construction and Validation of Sport Status in Drug Abuse Prevention Questionnaire M. Bashiri, S. H. Zamani Sani, B. Shalchi, Z. Fathi Rezaei



دو فصلنامه علمی – پژوهشی

پژوهش در ورزش تربیتی

سال ششم، شماره پانزدهم

پاییز و زمستان ۱۳۹۷

شماره استاندارد بین المللی: ۲۷۲۱-۲۵۳۸

این نشریه بر اساس گواهی کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی
در مرکز استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه‌سازی گردیده است.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

دو فصلنامه علمی- پژوهشی

پژوهش در ورزش تربیتی

- مدیرمسئول: رضا قراخانو
- سردبیر: رضا اندام
- دبیر تخصصی: محمدحسین قربانی
- مدیر داخلی: سمیرا غلامیان
- هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)
 - ✓ ابولفضل فراهانی (استاد دانشگاه پیام نور -مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی)
 - ✓ حسن اسدی (استاد دانشگاه تهران - مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی)
 - ✓ محمد اسماعیل افضل پور (استاد دانشگاه بیرجند- فیزیولوژی ورزشی)
 - ✓ ولی اله دیدی روشن (استاد دانشگاه مازندران - فیزیولوژی ورزشی)
 - ✓ رضا رجبی (استاد دانشگاه تهران - طب ورزشی)
 - ✓ فرهاد رحمانی نیا (استاد دانشگاه گیلان- فیزیولوژی ورزشی)
 - ✓ محمد حسین رضوی (استاد دانشگاه مازندران - مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی)
 - ✓ مهدی طالب پور (دانشیار دانشگاه فردوسی - مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی)
 - ✓ مهرداد عنبریان (استاد دانشگاه بوعلی سینا- بیومکانیک کلینیکی)
 - ✓ حبیب هنری (دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی - مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی)
- صاحب امتیاز: پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
- چاپخانه: کیامرئی
- شماره استاندارد بین المللی : 2538-2721
- شماره پیاپی: ۱۵- پاییز و زمستان ۱۳۹۷
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱
- تلفن: ۸۸۷۵۰۸۸۴ دورنگار: ۸۸۷۵۰۸۸۴
- نشانی پست الکترونیک: journal@ssrc.ac.ir
- نشانی سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی: Journals.ssrc.ac.ir

اسامی مشاوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفباء)

- دکتر محسن اسمعیلی (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
- دکتر احمد علی آصفی (استادیار دانشگاه اصفهان)
- دکتر سید مهدی آقاپور (استادیار دانشگاه تهران)
- دکتر رضا اندام (دانشیار دانشگاه صنعتی شاهرود)
- دکتر هادی باقری (استادیار دانشگاه صنعتی شاهرود)
- دکتر مهدی بشیری (استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)
- دکتر علیرضا بهرامی (دانشیار دانشگاه اراک)
- دکتر دنیا پاداش (دکترای مدیریت ورزشی)
- دکتر محمد پورکیانی (استادیار دانشگاه شهید بهشتی)
- دکتر زهرا تسلیمی (دکتری مدیریت ورزشی)
- دکتر محسن حلاجی (استادیار دانشگاه فرهنگیان)
- دکتر اسفندیار خسروی زاده (دانشیار دانشگاه اراک)
- دکتر حسین زارعیان (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
- دکتر امیر شمس (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
- دکتر مرجان صفاری (استادیار دانشگاه تربیت مدرس)
- دکتر حمیدرضا صفری جعفرلو (استادیار دانشگاه جهرم)
- دکتر حسین عیدی (استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه)
- دکتر رسول فرجی (استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)
- دکتر محمدحسین قربانی (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
- دکتر محمد کشتی دار (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر معصومه کلاته سیفری (استادیار دانشگاه مازندران)
- دکتر بهنام نقی پور گیوی (دکترای مدیریت ورزشی)
- دکتر محسن وحدانی (دکترای مدیریت ورزشی)

اصول نگارش و ارسال مقاله برای نشریه علمی و پژوهشی

پژوهش در ورزش تربیتی

مجله علمی- پژوهشی پژوهش در ورزش تربیتی اولویت ارزیابی، داوری و انتشار را به مقالاتی اختصاص خواهد داد که از قرابت موضوعی و مفهومی بیشتری با حوزه تخصصی مزبور برخوردار باشند.

حیطه های پذیرش مقاله:

- نظام های تعلیم و تربیت در ورزش
- آموزش و یادگیری تربیت بدنی و علوم ورزشی
- مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، تکنولوژی و کیفیت خدمات آموزشی در تربیت بدنی و علوم ورزشی
- آینده پژوهی و مطالعات راهبردی در ورزش تربیتی
- مطالعات مبانی اسلامی در ورزش تربیتی
- فلسفه و تاریخ تربیت بدنی و علوم ورزشی
- جامعه شناسی و روانشناسی تعلیم و تربیت در حوزه ورزش
- مدیریت دانش و سرمایه های اجتماعی در ورزش
- مطالعات فرهنگی در محیط های ورزشی
- سواد حرکتی و ورزشی
- مطالعات حقوق و اخلاق در ورزش
- سبک زندگی و غنی سازی اوقات فراغت جامعه از طریق ورزش
- ورزش همگانی و ترویج آن در جامعه

اصول کلی

- مقاله ارسالی باید اصیل باشد.
- مقاله های ترجمه شده، تحلیلی، موردی و تک بررسی، برای چاپ در این مجله اولویت ندارند.
- مقاله مروری از اشخاص مجرب، که حداقل ۲۰ مقاله در موضوعات مرتبط در نشریات داخلی یا خارجی چاپ کرده باشند، پذیرفته می شود و باید شامل عنوان، چکیده فارسی و انگلیسی، کلیات و تاریخچه ای در مورد موضوع، هدف از انجام پژوهش، مطالب علمی و مطالعات انجام شده درباره موضوع، تجزیه و تحلیل و بحث در رابطه با پژوهش های ارائه شده و نتیجه گیری باشد. نتیجه گیری باید شامل جمع بندی و نتیجه کلی باشد. همچنین پیشنهادهای سازنده برای آینده بیان شود. علاوه بر آن، پژوهش باید دربردارنده گزارش موارد نادر و جالب، شرح حال مربوط به مراجع، بحث درباره گزارش تهیه شده، بدون نیاز به مروری بر مقالات و کارهای انجام شده قبلی، نکات مهم و مورد توجه و بیان آموخته های قبلی پژوهشگر به تناسب موضوع باشد.
- نویسندگان مقالات موظف به رعایت استانداردهای علمی و اخلاقی در نگارش مقالات خود می باشند.

شیوه نامه ارسال مقالات

مقالات باید از طریق سامانه نشریه پژوهش در ورزش تربیتی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی www.journals.ssric.ac.ir به صورتی که شرح داده شده است، ارسال شود.

تمامی مقالاتی که به صورت الکترونیکی در سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی ثبت گردند در ابتدا توسط سردبیر نشریه بررسی و در صورت دارا بودن ملاک های لازم برای انجام بررسی های تخصصی بیشتر وارد فرایند داوری می شوند. این مقالات، بدون نام نویسندگان توسط حداقل ۲ داور که از سوی سردبیر و هیات تحریریه انتخاب می شوند ارزیابی خواهند شد و نویسنده مسئول از پذیرش، رد یا نیاز به اعمال اصلاحات درخواستی از سوی داوران در اسرع وقت مطلع خواهد شد. چنانچه مقاله کاملاً مطابق موارد ذکر شده در این راهنما بوده و پذیرش کامل داوران را نیز اخذ نماید، در نوبت چاپ قرار خواهد گرفت. استفاده از مندرجات مجله با ذکر کامل مأخذ آزاد است.

نحوه تنظیم مقالات

– مطالب مقاله به صورت یک ستونی با رعایت حاشیه لازم (حداقل ۲ سانتی متر از هر طرف) با قلم B-Nazanin 12 برای متون فارسی و قلم Times New Roman 13 برای متون انگلیسی تایپ شوند.

– تعداد صفحات مقاله نباید از ۱۵ صفحه (تمامی بخش ها شامل صفحه اول، چکیده، متن اصلی، فهرست منابع و جداول) تجاوز کند.

– مقاله باید ضمن رعایت قواعد دستوری، به فارسی سلیس و روان نوشته شده باشد و تا حد امکان از کاربرد اصطلاحات بیگانه که معادل مناسب فارسی دارند، پرهیز گردد. در صورتی که واژه جایگزین فارسی مصطلح یا مناسب نباشد، می توان با حروف فارسی از آوانویسی استفاده و اصل واژه انگلیسی در زیرنویس نگاشته شود. همچنین مولف باید معادل انگلیسی نام های خارجی و اصطلاحات مورد استفاده را در پایین صفحه زیر نویس نماید. شماره زیرنویس ها در هر صفحه از شماره یک شروع شود.

واژه ها و یا عباراتی که بصورت علائم اختصاری بکار برده می شوند نیز در اولین استفاده، نام کامل آنها ذکر گردد. البته در خصوص واژه های اختصاری و مخفف و نمادها لازم به ذکر است که فقط موارد استاندارد آنها قابل استفاده می باشد و به هیچ وجه در عنوان و چکیده ها نباید مورد استفاده قرار گیرند. تمامی متن اصلی مقاله می بایست دارای شماره صفحه (در پایین و مرکز صفحه) باشد.

– **فایل مشخصات نویسندگان:** شامل عنوان مقاله (عنوان مقاله، با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات، نباید از ۶۰ حرف تجاوز کند)، نام و نام خانوادگی نویسندگان همراه با درجه علمی و محل اشتغال آنها به دو زبان فارسی و انگلیسی، و در صورت وجود مؤسسه ناظر، حامیان مالی و محل انجام پژوهش باشد. هنگامی که مولف محل کار یا وابستگی ندارد، باید رتبه تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل خود را در زیر نام و نام خانوادگی خود بنویسد. نشانی، تلفن و پست الکترونیک نویسنده مسئول (همراه با ذکر نام نویسنده مسئول) به صورت مشخص باید ذکر گردد. تمامی مکاتبات نشریه تنها با نویسنده مسئول انجام خواهد شد.

- **صفحه اول فایبل اصلی:** عنوان فارسی مقاله، چکیده فارسی و کلید واژگان به ترتیب ذکر می‌گردند. چکیده مقاله در یک پاراگراف، حداکثر ۲۵۰ کلمه و در متن آن هدف، روش‌ها، یافته‌ها و نتیجه‌گیری ذکر شده باشد (نیازی نیست تا در متن چکیده این چهار بخش تفکیک شده و عنوان هر بخش ذکر گردد). در متن چکیده از فعل‌های معلوم استفاده شود. برای توصیف آنچه انجام شده از فعل گذشته و برای نتیجه‌گیری از فعل زمان حال استفاده گردد. از ذکر مقدار سطح معنی‌داری، آر و منابع استفاده شده برای آزمون یا پرسش‌نامه و استفاده از کلمات، حروف و علائم اختصاری انگلیسی در چکیده کوتاه اجتناب شود. کلید واژگان نیز بین ۳-۵ کلمه بوده و با کاما از یکدیگر جدا شوند.

- **صفحه دوم:** شامل عنوان انگلیسی مقاله، چکیده انگلیسی و کلید واژگان مرتبط می‌باشد. شایسته است چکیده انگلیسی و کلید واژگان دقیقاً با چکیده و کلید واژگان فارسی مطابقت نماید.

اصل مقاله باید شامل موارد زیر باشد:

- متن اصلی مقاله به ترتیب شامل ۶ بخش مقدمه، روش‌شناسی، نتایج، بحث و نتیجه‌گیری، تشکر و قدردانی و منابع می‌باشد. کلیه بخش‌های فوق به صورت مجزا و با همین عناوین باید بیان شوند. در مقابل این عناوین از قرار دادن علامت " : " پرهیز گردد.

- **مقدمه:** مقدمه باید توضیح دهد که مساله چیست؟ چگونه با کارهای قبلی مرتبط است و چه تفاوتی با آنها دارد؟ این بخش در دو تا سه صفحه به گزارش بیان مسئله با مروری بر مطالعات گذشته، چالش‌های موجود در این مسئله، ضرورت، کاربرد نتایج و اهداف تحقیق می‌پردازد. در نوشتن مقدمه از نوشتن مطالب عمومی، غیر ضروری و غیر مفید خودداری کنید. همچنین مقدمه نباید به گونه‌ای نوشته شود که فقط برای افراد حرفه‌ای قابل استفاده باشد.

- **روش‌شناسی:** روش‌شناسی به نحوی باید نوشته شود که هر خواننده‌ای بتواند با آن، تجربه نویسنده مقاله را تکرار کند. در این بخش جزئیات روش تحقیق و علت انتخاب آن، مدت زمان اجرای طرح و پی‌گیری، زمان و مکان اجرای تحقیق، نمونه‌های مورد آزمون و ملاک انتخاب آنها، روش نمونه‌گیری و منطق تعداد نمونه، نحوه جمع‌آوری اطلاعات، رعایت موازین اخلاق در پژوهش، ابزارهای اندازه‌گیری (روایی و پایایی وسایل و ابزارها در خارج و داخل کشور) آزمون‌های آماری مورد استفاده می‌بایست گزارش شود.

- **نتایج:** نتایج شامل شرح کامل یافته‌های پژوهش می‌باشد. نتایج تحقیق با توجه به اصول علمی به صورت کاملاً شفاف و روشن می‌بایست ارائه گردند. ارائه نتایج دقیق شامل گزارش عدد با درصد، گزارش میانگین با حدود اطمینان، ذکر دقیق مقادیر آماره آزمون‌ها بالاخص مقدار دقیق سطح معناداری به عنوان مثال ($P=۱۲/۰$) در آزمون‌های آمار استنباطی ضروری می‌باشد. مولفین لازم است، تنها به گزارش مهم‌ترین یافته‌های به دست آمده اکتفا کنند. همچنین استفاده مناسب از جدول و نمودارهای فارسی با حداقل تعداد ممکن به صورت سیاه و سفید و دو بعدی موجب سهولت مطالعه مقاله خواهد شد. کلیه شکل‌ها، نمودارها و تصاویر با واژه "شکل" نام گذاری شده و عنوان شکل در زیر آن درج شود. عناوین جداول نیز در بالای آنها قرار داده می‌شود. برای درج عنوان هر شکل یا جدول پس از کلمه شکل یا جدول و شماره آن، خط تیره و سپس عنوان ذکر گردد. عکس‌ها باید به وضوح و کیفیت بالا تهیه شوند و نویسندگان محترم می‌بایست از قرار دادن تصویر شکل‌ها

خودداری نموده و تنها از فایل های اصلی برگرفته از نرم افزارهای مربوطه استفاده کنند. بهتر است برای متمایز کردن ستون نمودارها به جای استفاده از رنگ های مختلف از هاشور به شیوه های مختلف استفاده کرد. با توجه به محدودیت صفحات مجله، بدیهی است از تکرار مطالبی که در متن آورده شده اند در جداول و بالعکس اجتناب نمود. نکته مهم دیگر این که جداول و نمودارهای مورد نیاز می بایست مطابق ضوابط و الگوهای ای. پی. ای ارائه گردند. استفاده از جدول وقتی مجاز است که نتوان اطلاعات به دست آمده (نتیجه) را به راحتی در متن آورد. عنوان جدول باید گویا باشد به نحوی که نیاز نباشد به متن مراجعه شود. اعداد جدول حتی الامکان بدون اعشار و در صورت لزوم تا دو رقم اعشار داشته باشد. اختصارات و علائم متن جدول را می توان با زیر نویس روشن کرد. در جدول فقط از خطوط افقی (ترجیحاً سه خط) آن هم برای مشخص کردن تیترو انتهای جدول استفاده شود. اعداد و ارقام و مطالب جدول نباید در متن مقاله تکرار شده باشد. ابعاد جداول باید طوری تنظیم شوند که در یک صفحه مجله (طولی یا عرضی) جا بگیرد.

-بحث و نتیجه گیری: شرح نکات مهم یافته ها، آثار و اهمیت و محدودیت آن ها، مقایسه نتایج تحقیق با یافته های حاصل از مطالعات دیگر، توجیه و تفسیر موارد مشترک و مورد اختلاف، بیان کاربرد احتمالی یافته ها، و در نهایت نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات حاصل از یافته های پژوهش از موارد مورد بحث در این بخش مقاله است. در این بخش از تکرار بخش یافته ها خودداری گردد و نباید نتایج جدید که در قسمت یافته ها به آن اشاره نشده است، عرضه شود. از اظهار نظر در مواردی که یافته های مطالعه آن را مطرح نمی کنند نیز باید خودداری شود.

نکته: در انتهای مقاله دو پاراگراف کوچک ارائه داده شود؛ یکی درباره آنچه تاکنون در مورد موضوع پژوهش می دانستیم و دیگری درباره اینکه مقاله حاضر چه اطلاعات جدیدی به حیطة و موضوع مورد مطالعه اضافه کرده است.

نحوه نگارش منابع مورد استفاده:

منابعی که در متن استفاده می شوند باید مطابق با دستورالعمل «ای. پی. ای» به صورت زیر معرفی شوند:

- تعداد منابع بیش از ۴۰ شماره نباشد.
- در انتهای مقاله، منابع به ترتیب حروف الفبا، آورده شوند.
- به منظور نگارش منابع فایل موجود در راهنمای نویسندگان روی صفحه اصلی سامانه را مطالعه کنید و بر مبنای چارچوب ذکر شده اقدام گردد.

شیوه نگارش منابع بر اساس فرمت APA

منابع فارسی نیز باید به زبان انگلیسی نوشته و در داخل پرانتز واژه (Persian) آورده شود.

مثال:

Koozechian, H., Khatibzadeh, M., & Honarvar, A. (1390). The role of sport tourism service quality dimensions in sport tourists' satisfaction. *Sport management studies and Movement Science*, 2, 19-32. (Persian).

شیوه نامه نوشتن متن مقاله و ارجاع منابع داخل متن

مقاله نباید اشکالات نگارشی و ادبی داشته باشد. نکات زیر برخی از مهم ترین موارد نگارشی است که باید رعایت شود:

- پس از نقطه یک فاصله بگذارید و سپس کلمه بعدی را بنویسید.
- داخل متن فارسی نباید کلمه‌های انگلیسی بیایند. به جای آنها، معادل فارسی آنها را در متن بنویسید، حتی علائم اختصاری‌ای مانند «اس.پی.اس.اس»، و سپس در اولین ارجاع زیرنویس کنید.
- فونت زیرنویس‌ها باید Times New Roman 8 باشد و پس از شماره، نقطه و یک فاصله گذاشته شود و سپس نام خاص انگلیسی یا توضیحات مربوط نوشته شود. نوشته‌ها و اعداد باید در یک امتداد باشند. برای این کار، اگر دو بار ساب اسکرپیت را کلیک کنید، هر دو در یک امتداد قرار خواهند گرفت.
- نباید نام کوچک نویسنده در داخل متن یا زیر نویس نوشته شود و تنها نام خانوادگی باید ذکر شود.
- در داخل متن، هر جا که نیاز به استفاده از کمانک (پرانتز) باشد، باید بین حرف آخر کلمه قبل از کمانک و کمانک اول و پس از کمانک دوم و کلمه بعد یک فاصله باشد. مثلاً: بررسی اشمیت (۲۰۰۴) نشان داد...
- در منبع‌نویسی داخل متن نیازی نیست به ازای نام هر نویسنده شماره پانویس بدهید. تمام آنها را پشت سر هم بنویسید و بین آنها علامت "،" بیاورید و پیش از کلمه آخر «و» بگذارید. پس از آخرین نام، شماره پانویس بگذارید. در پانویس نیز تمام اسامی را پشت سر هم بنویسید. مانند: وینبرگ و گولد

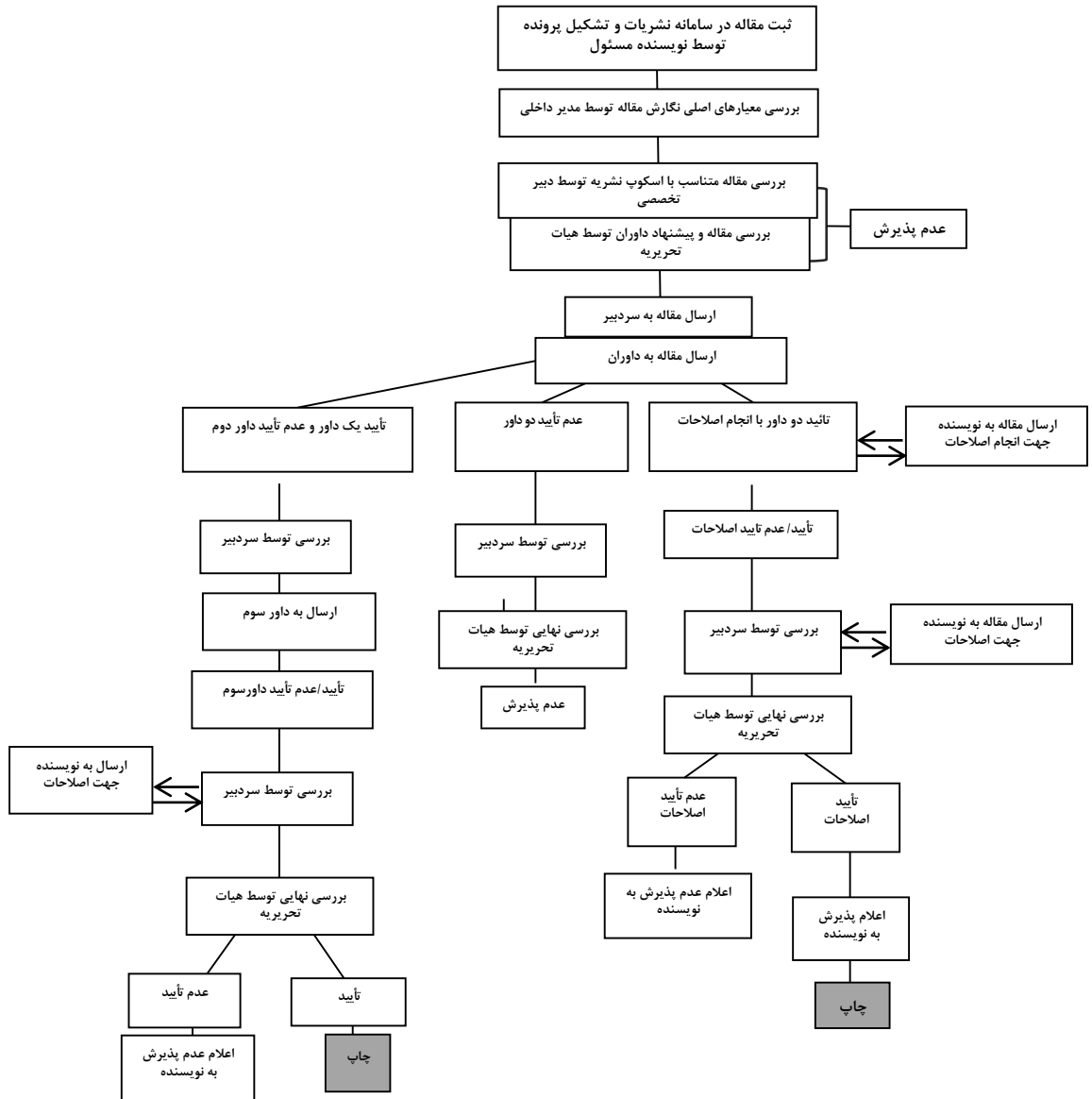
نکات اداری و تعهدی

- هیئت تحریریه نشریه در پذیرش، رد یا ویرایش مقاله آزاد است.
- مقالات منتشر شده نباید پیش از این در هیچ نشریه داخلی و خارجی‌ای چاپ شده باشند. در صورت مشاهده این موضوع، مقاله از فرآیند داوری این نشریه حذف خواهد شد و ضمن انعکاس عدم تعهد نویسنده به سایر نشریات علمی کشور، مدیریت نشریه مقالات دیگر آن نویسنده را بررسی نخواهد کرد.
- ارائه‌دهنده مقاله متعهد است تا زمانی که جواب نهایی (پذیرش یا رد) مقاله خود را دریافت نکرده باشد، مقاله خود را به نشریه‌های داخلی و خارجی دیگری ارسال نکند.
- در صورتی که نویسنده مسئول، تغییرات درخواست شده از سوی داوران و کارشناسان مجله را ظرف مدت ۳۰ روز انجام و از طریق سامانه ارسال نکند، مقاله از فرآیند بررسی و داوری حذف می‌شود.
- لازم به ذکر است در صورت پذیرش مقاله به شرط انجام اصلاحات محقق می‌بایست توضیحات لازم در خصوص کلیه سوالات را در قالب یک نامه در ابتدای مقاله ارائه نموده و اصلاحات انجام گرفته را نیز با رنگی متمایز (برای هر داور با یک رنگ مشخص) مشخص نماید. بهتر است این اعمال در نسخه‌ای از مقاله انجام شود که داور توضیحات را در آن ارائه نموده و این توضیحات حذف نشوند تا داور با یک نظر بتواند تغییرات لازم را بررسی نماید.
- مسوولیت محتوای علمی مقاله، با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- استفاده از مندرجات نشریه با ذکر کامل مأخذ آزاد است.
- از به کار بردن نام و نام خانوادگی کامل یا مخفف در فایل‌های ارسالی خودداری شود. ذکر کلمه با نام و بی نام برای عنوان فایل مقاله کافی خواهد بود.
- پس از صدور نامه پذیرش، امکان هیچگونه تغییری در نام و ترتیب نویسندگان مقالات وجود ندارد.
- در پایان، از نویسنده محترم درخواست می‌شود که ضمن مطالعه مندرجات این راهنما و مشاهده نمونه مقالات چاپ شده در جدیدترین شماره نشریه، مقاله خود را تنظیم و از طریق سامانه به نشریه ارسال کند.

نشانی سامانه نشریه: <http://journals.ssrc.ac.ir>

پست الکترونیک نشریه: journal@ssrc.ac.ir

فرایند چاپ مقاله در دو فصلنامه پژوهش در ورزش تربیتی



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
● تأثیر یادگیری مشاهده‌ای بر ترویج رفتار فراشناختی دانش‌آموزان	۱۷
سپیده حامدی، بهروز عبدلی، علیرضا فارسی	
● شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های عملکردی مربیان ورزش دانشگاهی ایران (مطالعه موردی: المپیاد دانشجویی).....	۳۱
محسن اسمعیلی، شمس‌الدین رضایی	
● اثر سبک‌های تدریس معلمان تربیت‌بدنی بر هدف‌مداری ورزشی دانش‌آموزان	۵۳
محسن لقمانی، مهدیقلی قلی‌دهنه، مجتبی حسن‌نژاد	
● تحلیل مضمون تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی مبتنی بر آیات قرآن کریم	۷۳
حسن بحرالعلوم، جواد قاسمی روشن‌نوند، معصومه امامی روشن‌نوند	
● ارتباط بین سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی در دانشگاه‌های شهر تهران	۹۵
مریم مختاری دینانی، سعیده ططری	
● طراحی مدل قداست ورزشی در دانشجویان ورزشکار	۱۱۷
صلاح دستوم، محمدصادق افروزه، مهدی جوکار، حکیمه افروزه	
● آسیب‌شناسی تربیت‌بدنی و ورزش مدارس با استفاده از مدل سه‌شاخگی	۱۳۹
هادی قنبری، ناهید شتاب بوشهری، پروانه شفیع‌نیا، یدالله مهرعلیزاده	
● طراحی الگوی عوامل مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش با استفاده از الگوی نقشه‌شناختی-فازی.....	۱۶۱
محمد رواسی‌زاده، زهرا نوبخت رضانی، شهاب بهرامی	
● ارزیابی کارایی نسبی تیم‌های ورزشی دانشگاه‌ها در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزش کشور با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها	۱۷۹
سیدمحمدجواد رضوی، محمد زارعی محمودآبادی، محمد پورکیانی، فرشاد امامی	
● اثر آگاهی، احساسات و شدت اخلاقی در قصد خرید پوشاک ورزشی قلبی.....	۲۰۱
بهزاد ایزدی، عابد محمودیان	
● مدل‌سازی معادلات ساختاری: مطالعه‌ی عامل‌های مؤثر بر فرایند مشارکت ورزشی.....	۲۲۳
محمدمهدی رحمتی، فردین علیخواه، سیده‌معصومه شادمفعت، سعید کبیری	
● شناسایی و اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران	۲۴۷
احمدعلی آصفی	
● ارزیابی میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی استان اصفهان با حقوق ورزشی	۲۷۱
مینا مستحفظیان، سمیه رهبری، مسعود راعی دهقی	
● فهم فرایند شکل‌گیری بازاریابی اجتماعی برای توسعه ورزش همگانی	۲۹۳
علی صابری، قدرت‌الله باقری، محمد خبیری، حمیدرضا یزدانی، ابراهیم علی‌دوست قهفرخی	
● ساخت و روایی‌سنجی پرسش‌نامه جایگاه ورزش در پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر	۳۱۷
مهدی بشیری، سیدحجت زمانی ثانی، بهزاد شالچی، زهرا فتحی‌رضائی	

تأثیر یادگیری مشاهده‌ای بر ترویج رفتار فراشناختی دانش‌آموزان

سپیده حامدی^۱، بهروز عبدلی^۲، علیرضا فارسی^۳

۱. دانشجوی دکتری رفتار حرکتی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شهید بهشتی
۲. دانشیار دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شهید بهشتی*
۳. دانشیار دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۲

چکیده

هدف این مطالعه، بررسی اثربخشی یادگیری مشاهده‌ای بر ترویج رفتارهای فراشناختی دانش‌آموزان در تکلیف چیب فوتبال بود. در این پژوهش، ۴۲ دانش‌آموز داوطلب ۱۱ تا ۱۳ سال از منطقه دوی شهر تهران شرکت کردند. شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی به سه گروه کنترل، مشاهده‌الگوی ماهر و مشاهده‌الگوی ماهر به همراه فعالیت فراشناختی، تقسیم شدند. برای ارزیابی میزان فعالیت فراشناختی، دانش‌آموزان قبل و بعد از مداخله پرسش‌نامه فراشناخت را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون مقایسه زوجی، آنوا و آزمون تعقیبی استفاده شد. نتایج نشان داد که بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. براساس نتایج، علاوه بر تأثیر راهبردهای فراشناختی بر بهبود رفتار فراشناختی، یادگیری مشاهده‌ای نیز یکی از راه‌های تأثیرگذار بر بهبود رفتار فراشناختی در کلاس درس تربیت‌بدنی است.

واژگان کلیدی: الگودهی، فراشناخت، مهارت حرکتی، یادگیری مشاهده‌ای.

مقدمه

رابطهٔ فراشناخت (به‌عنوان مفهومی متداول در امر آموزش) با فرایند یادگیری انکارنشده است. فراشناخت به «دانستن دربارهٔ دانستن» اطلاق می‌شود و شامل سه جزء دانش فراشناختی، تنظیم فراشناختی و تجربهٔ فراشناختی است. (فلاول، ۱۹۸۷؛ اسپراو، ۲۰۰۲). دانش فراشناختی شامل دانش اخباری، رویه‌ای و شرطی است. دانش اخباری به دانش یادگیرنده دربارهٔ خود و عوامل مؤثر در عملکرد فردی اشاره دارد. دانش رویه‌ای، دانش چگونگی اجرای یک تکلیف خاص است و دانش شرطی به شناخت زمان و دلیل استفاده از یک مهارت یا راهبرد^۳ می‌پردازد (اسپراو، ۲۰۰۲). تنظیم فراشناختی به چگونگی کنترل یادگیری دانش‌آموزان توسط خودشان اشاره می‌کند و شامل سه مهارت اساسی است: ۱- برنامه‌ریزی، که به انتخاب مناسب راهبرد برای یک عملکرد مؤثر اشاره دارد؛ ۲- نظارت، که درمورد آگاهی فرد از درک و عملکرد تکلیف خودش است؛ ۳- ارزیابی، که به ارزیابی محصول کار دانش‌آموز و بهره‌وری وی از یادگیری خودش مرتبط است (اسپراو، ۲۰۰۲). فلاول (۱۹۷۶) راهبردهای یادگیری را به راهبردهای شناختی و فراشناختی تقسیم می‌کند و معتقد است که راهبردهای شناختی برای تسهیل یادگیری و تکمیل تکلیف به کار می‌روند؛ درحالی‌که راهبردهای فراشناختی برای بازبینی این پیشرفت استفاده می‌شوند. شناخت، همهٔ فرایندهای عالی ذهن را شامل تفکر، استدلال، خلاقیت و هوش و نیز فرایندهای درگیر در پردازش اطلاعات را از قبیل دقت، ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات در برمی‌گیرد؛ درحالی‌که فراشناخت به دانش فرد دربارهٔ همهٔ فرایندهای شناختی یادشده و نیز نحوهٔ به‌کارگیری آن‌ها برای تحقق اهداف یادگیری اطلاق می‌شود (فلاول، ۱۹۷۶).

پژوهش‌های گوناگونی در زمینهٔ فراشناخت و تأثیر آن بر یادگیری انجام شده‌اند. این پژوهش‌ها بر اثرهای مثبت نقش فعالیت‌های فراشناختی بر یادگیری تکلیف جدید (صادقی و محتشمی، ۲۰۱۰) و مهارت حل مسئله (براون، ۱۹۸۰) اشاره کرده‌اند؛ اما در زمینهٔ مهارت‌های حرکتی پژوهش‌های کمی روی فرایندهای فراشناختی به‌عنوان کنترل خودارزیابی یادگیرنده تمرکز کرده‌اند (دومینیک و روبرت، ۲۰۰۱؛ چتری پانتلی و دی‌جلیدیس، ۲۰۱۱؛ پاپایانو، تئودوزیس، پاشالی و دی‌جلیدیس، ۲۰۱۲)؛

-
1. Favell
 2. Schraw
 3. Strategy
 4. Brown
 5. Dominic & Robert
 6. Chatzipanteli & Digelidis
 7. Papaioannou, Theodosiou, Pashali & Digelidis

ماکلنتیر، ایگو، کمبل، موران و متئوس؛^۱ ۲۰۱۴؛ چتری پانتلی، دی جلیدیس، کاراتزوگلیدیس و دین؛^۲ ۲۰۱۵). این درحالی است که برخی پژوهشگران معتقدند فراشناخت از جمله مکانیسم‌های زیربنایی شناختی است که به‌طور شگفت‌انگیزی در حوزه مهارت اجراکننده‌های ورزشی درخور بررسی است (موران، ۱۹۹۶؛ ماکلنتیر و موران، ۲۰۱۰).

از جمله نظریه‌هایی که در حوزه فراشناخت مطرح شده‌اند، نظریه «فراپانمایی فراشناخت»^۳ است. این نظریه بیان می‌کند که فراشناخت به فکرکردن درمورد تفکر اشاره دارد؛ یعنی آنچه به وضعیت ذهنی خود نسبت می‌دهید (گوپنیک؛^۴ ۱۹۹۳؛ بوگدان؛^۵ ۲۰۰۱، ۲۰۰۵؛ وگنر؛^۶ ۲۰۰۲؛ فلاول،^۷ ۲۰۰۴؛ کاروترز؛^۸ ۲۰۰۹؛ لارکین؛^۹ ۲۰۱۰). براساس این نظریه، ساختار ضروری قضاوت‌های فراشناختی عبارت است از: ۱- یک گزاره (به‌عنوان مثال، این باران است)؛ ۲- نگرش اول برای بازنمایی؛ برای مثال، نظیر باور و قصد که با مفاهیم روان‌شناسی مشخص می‌شوند؛ ۳- نگرش دوم؛ یعنی قضاوت فراشناختی هدایت‌شده‌ای از نگرش اول و گزاره آن (پروست؛^{۱۰} ۲۰۰۷)؛ بنابراین، قضاوت‌های فراپانمایی به محتوای باورهای حوزه‌ای خاص از دانش اشاره می‌کنند که از حافظه بازیابی می‌شوند (کوریت؛^{۱۱} ۲۰۰۷). براساس این نظریه، افراد به‌طور مداوم صحنه‌های بصری را با هدف درک تمام جزئیات مرتبط مرور می‌کنند (آرانگومونوز؛^{۱۲} ۲۰۱۱). مطالبی که در نظریه فراپانمایی فراشناخت به آن‌ها اشاره شد، بسیار نزدیک و مرتبط با آنچه در یادگیری مشاهده‌ای اتفاق می‌افتد، به‌نظر می‌رسند. یادگیری مشاهده‌ای، مشاهده حرکت قبل از تلاش برای انجام مجدد آن است (اشمیت و ریسبرگ؛^{۱۳} ۲۰۰۳) که در نتیجه آن، بازنمایی شناختی ایجاد می‌شود که هم پاسخ بعدی را راه‌اندازی می‌کند و هم به‌عنوان مرجعی برای تعیین درستی این پاسخ عمل می‌کند (بندورا؛^{۱۴} ۱۹۷۷، ۱۹۸۶). در توضیح و تبیین یادگیری مشاهده‌ای، پیازه^{۱۵} (۱۹۵۱) و شفیلد^{۱۶} (۱۹۶۱) مبنایی غیرمستقیم و براساس بازنمایی برای یادگیری

-
1. MacIntyre, Igou, Campbell, Moran & Matthews
 2. Chatzipanteli, Digelidis Karatzoglidis & Dean
 3. Metarepresentational of Metacognition
 4. Gopnik
 5. Bogdan
 6. Wegner
 7. Carruthers
 8. Larkin
 9. Proust
 10. Koriat
 11. Arango-Muñoz
 12. Schmidt & Wrisberg
 13. Bandura
 14. Piaget
 15. Sheffield

مشاهده‌ای فرض کردند. بندورا (۱۹۸۴) نیز با مطرح کردن نظریه «وساطت شناختی» یادگیری مشاهده‌ای را تبدیل اطلاعات حرکتی مشاهده‌شده به رمزهای حافظه‌ای دانست که اساس تشکیل یک تصویر ذهنی را به وجود می‌آورد تا مغز بتواند این تصویر شناختی حافظه‌ای را مرور و سازمان‌دهی کند، برای اجرای مهارت فرد آن را به رمزهای کنترل حرکتی ترجمه کند و در واقع، بازنمایی حافظه‌ای انجام دهد. مسلم است که یادگیری مشاهده‌ای به آنچه از حافظه بصری بازنمایی می‌شود، متکی است و ماهیتی شناختی دارد. با نگاهی تیزبینانه و عمیق‌تر به دو نظریه فراپازنمایی فراشناخت و وساطت شناختی می‌توان به نقاط مشترکی در مبانی نظری دو مقوله فراشناخت و یادگیری مشاهده‌ای دست یافت. این نقاط مشترک دنیایی جدید را پیش روی پژوهشگران و متخصصان حوزه علوم ورزشی و علوم شناختی می‌گسترانند. همان‌گونه که در یافته‌های پژوهش در حوزه یادگیری حرکتی اشاره شده است، یادگیری مشاهده‌ای از معمول‌ترین روش‌های یادگیری است (پیازه، ۱۹۵۱؛ باندورا، ۱۹۸۶). اینک، این سؤال مطرح می‌شود که آیا از دلایل برتری روش‌های مشاهده‌ای در حوزه یادگیری مهارت‌های حرکتی، می‌توان به اثرگذاری این روش بر توسعه رفتار فراشناختی اشاره کنیم؟ در راستای پاسخ به این پرسش می‌توانیم از مطالعه‌ای که بروکسما، اندنبرگ، ریچ لارسدام و وان هوت-ولتر^۲ (۲۰۰۴) انجام داده‌اند، استفاده کنیم. آنان در پژوهشی که در زمینه تکلیف نوشتن انجام دادند، علت برتری یادگیری مشاهده‌ای را در تحریک شدن دانش‌آموزان برای دریافت اطلاعات ورودی با استفاده از راهبردهای فراشناختی نظیر مشاهده، ارزیابی و تعمق دانستند. آن‌ها معتقد بودند که دانش‌آموزان گروه مشاهده‌ای برای تغییر در انجام تکلیف، دوباره می‌بینند، دوباره تفکر می‌کنند و دوباره ارزیابی می‌کنند؛ در نتیجه، مشاهده‌کننده با تمرین کردن راهبردهای فراشناختی، دانش آن‌ها را در این زمینه افزایش می‌دهد. در مطالعه حاضر، پژوهشگران به دنبال یافتن پاسخ برای سؤال مطرح‌شده هستند تا بتوانند عوامل درگیر در یادگیری مشاهده‌ای را شناسایی کنند و بدین وسیله بتوانند با توسعه عوامل زیربنایی یادگیری مشاهده‌ای به تسهیل و تسریع یادگیری حرکتی کمک کنند.

روش‌شناسی پژوهش

روش اجرای این پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی بود. در این مطالعه، ۴۲ دانش‌آموز پسر ۱۱ تا ۱۳ سال منطقه دوی شهر تهران به‌طور داوطلبانه شرکت کردند. شرایط ورود به این پژوهش، داشتن سلامت کامل، دید عادی و نداشتن تجربه قبلی در تکلیف چپ فوتبال بود. این افراد به صورت تصادفی در سه گروه ۱۴ نفره کنترل، مشاهده‌الگوی ماهر (گروه مشاهده‌ای) و مشاهده‌الگوی ماهر به‌همراه

1. Cognitive Mediation

2. Braaksma, Van den Bergh, Rijlaarsdam & Van Hout-Wolters

فعالیت فراشناختی (گروه مشاهده‌ای فراشناختی) قرار گرفتند. در هر سه گروه، قبل و بعد از جلسات تمرین تکلیف چپ فوتبال، فراشناخت با استفاده از پرسش‌نامه «فرایند فراشناختی در تربیت‌بدنی»^۱ به صورت کمی ارزیابی شد و داده‌ها برای ارزیابی رفتار فراشناختی جمع‌آوری شدند تا بدین وسیله مشخص شود که دانش‌آموزان حرکاتشان را در طول یادگیری مهارت ضربه چپ فوتبال چگونه برنامه‌ریزی و ارزیابی می‌کنند.

مبنای این پرسش‌نامه از چهارچوب براون (۱۹۸۷) برگرفته شده است که تئودوزیس و پاپایانو^۲ (۲۰۰۶) این ابزار را توسعه دادند. فرم اولیه این پرسش‌نامه دارای نه مقیاس و ۵۲ گزینه بود (تئودوزیس و پاپایانو، ۲۰۰۶)؛ اما فرم کوتاه آن شامل نه مورد است و تک‌بعدی می‌باشد. تئودوزیس، مانتیس و پاپایانو^۳ (۲۰۰۸) از طریق تحلیل عاملی تأییدی وجود مقیاس‌ها را در این پرسش‌نامه تأیید کردند و ضریب اعتبار آلفای کرونباخ (همسانی درونی) این پرسش‌نامه را در دامنه ۰/۷۴ تا ۰/۸۷ گزارش کردند. در مطالعه کنونی، ضریب اعتبار آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۴ به دست آمد. پاسخ‌ها براساس مقیاس رتبه‌بندی پنج‌گانه لیکرت از خیلی موافقم = پنج تا خیلی مخالفم = یک، ثبت می‌شود (جدول شماره یک).

جدول ۱- پرسش‌نامه فرایند فراشناختی در تربیت‌بدنی (پاپایانو و همکاران، ۲۰۱۲)

فعالیت‌های فراشناختی	گزینه‌ها
۱- دانش اخباری	«... من می‌دانم کدام تمرین را می‌توانم درست انجام دهم.»
۲- دانش رویه‌ای	«... من نحوه به کارگیری آنچه به من آموزش داده شده است را می‌دانم.»
۳- دانش شرطی	«... برای اینکه بتوانم بهتر بازی کنم باید راهبرد یادگیری را تمرین کنم.»
۴- مدیریت اطلاعات	«... من با خودم فکر می‌کنم آیا بازی من شبیه بازی دیگران است؟»
۵- برنامه‌ریزی	«... من می‌دانم چه چیزی را می‌خواهم یاد بگیرم.»
۶- خودنظارتی	«... وقتی تمرین انجام می‌دهم، حرکت خودم را بررسی می‌کنم که آیا واقعاً درست یاد گرفته‌ام؟»
۷- راهبردهای حل مسئله	«... وقتی تمرین را اشتباه انجام می‌دهم، توقف می‌کنم و همه چیز را از اول شروع می‌کنم.»
۸- ارزیابی	«... وقتی تمرین را یادگرفتم، آن را با راه‌های دیگر مقایسه می‌کنم.»
۹- تصویرسازی	«... قبل از اینکه تمرین را انجام دهم، خودم را در حال اجرای آن تصور می‌کنم.»

1. Metacognitive Process in Physical Education Questionnaire (MPIPEQ)
2. Theodosiou & Papaioannou
3. Theodosiou, Mantis & Papaioannou

تکلیف آزمودنی‌ها اجرای ضربه چپ فوتبال بود که برای تمامی شرکت‌کننده‌ها ناآشنا بود. این ضربه باید از مسافت هشت‌متری هدف و با عبور از مانعی با ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر و طول ۲۰۰ سانتی‌متر که در فاصله چهارمتری از نقطه شروع قرار داشت، اجرا می‌شد (أهارا و همکاران، ۲۰۰۸). نحوه انجام تکلیف بدین‌صورت بود که آزمون به‌صورت انفرادی اجرا می‌شد. قبل از شروع اولین جلسه تمرین، باید شرکت‌کننده‌ها ۱۰ دقیقه با تمرینات سبک و کششی بدنشان را گرم می‌کردند. سپس، به آن‌ها توضیح داده شد که ضربه یا پاس چپ توسط رو یا نوک پا به زیر توپ زده شود تا توپ به هوا رود و پس از رسیدن به ارتفاعی بالا و گذشتن از حریف به زمین برگردد. در این آزمایش، هدف تکلیف، عبور توپ از روی مانع و فرود آن در مرکز دایره بود. سپس، شش ضربه برای آشنایی با توپ به‌سمت آزمونگر که با فاصله پنج تا شش‌متری قرار داشت، زده شد. بعد از تلاش‌های آشنایی، شرکت‌کنندگان پیش‌آزمون را که شش تلاش بود، انجام دادند. در ادامه، بعد از دو دقیقه استراحت، کوشش‌های اکتساب را آغاز کردند. مرحله اکتساب بدین‌صورت بود که شرکت‌کننده‌ها مهارت چپ فوتبال را به‌صورت فیلم ویدئویی از اجرای الگوی ماهر با مدت زمان ۲۶ ثانیه و با شش تکرار مشاهده کردند. فیلم تهیه‌شده، کل بدن و شکل اجرای الگوی ماهر، لحظه ضربه پا به توپ، مسیر حرکت توپ، هدف و لحظه برخورد توپ با هدف را در برمی‌گرفت. سپس، ۱۰ بلوک تمرینی را اجرا کردند. در هر بلوک، ابتدا یک نمایش الگو و سپس، شش تمرین بدنی را انجام دادند و در بین بلوک‌ها دو دقیقه استراحت کردند. در روز دوم نیز شرکت‌کننده‌ها باید ۱۰ بلوک تمرینی را به همان ترتیب روز اول انجام می‌دادند. گروه فراشناختی علاوه بر تمرین مشاهده‌ای و بدنی ذکرشده، قبل و بعد از هر بلوک، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته‌ای را با پنج دسته سؤال باز و بسته (چتری پانتلی و دی‌جلیدیس، ۲۰۱۱) که فعال‌کننده راهبردهای فراشناختی است، کامل کردند. برطبق ادبیات پژوهشی اخیر، سؤال‌های این ابزار برای افزایش فعالیت فراشناختی طراحی شده‌اند و روایی و پایایی آن تأیید شده‌اند (چتری پانتلی و دی‌جلیدیس، ۲۰۱۱). نحوه پاسخ‌گویی به سؤال‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بدین‌صورت بود که شرکت‌کننده‌ها پیش از هر بلوک از مرحله اکتساب، باید به دو دسته از سؤال‌های فعالیت فراشناختی مربوط به حل مسئله و برنامه‌ریزی پاسخ می‌دادند و بعد از انجام تلاش‌های آن بلوک، به سه دسته دیگر از سؤال‌های فعالیت فراشناختی که مربوط به نظارت، ارزیابی و تعمق بودند، پاسخ می‌دادند. برای اندازه‌گیری فعالیت فراشناختی هر سه گروه با استفاده از پرسش‌نامه «فرایند فراشناختی در تربیت‌بدنی، دو مرحله وجود داشت: قبل از شروع مداخله و بعد از پایان مرحله اکتساب. در طول ساعات مدرسه، پرسش‌نامه با نظارت آزمونگر به‌طور منظم اجرا می‌شد. در هر مرحله، تکمیل پرسش‌نامه حدود ۱۵ دقیقه طول می‌کشید.

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش آماری آزمون مقایسه زوجی و تحلیل واریانس یک‌طرفه تجزیه و تحلیل شدند. این بررسی بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر گروه و همچنین، بین گروه‌ها در مراحل آزمون انجام گرفت. به علاوه، برای بررسی بیشتر، از آزمون تعقیبی بن‌فرونی استفاده شد. برای تمامی آزمون‌ها، سطح معناداری $P < 0/05$ در نظر گرفته شد.

نتایج

با استفاده از گزارش شاپیرو-ویلک، طبیعی بودن داده‌ها تأیید شد. سپس، برای مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون هر گروه از آزمون مقایسه زوجی استفاده شد. در جدول شماره دو، میانگین و انحراف معیار داده‌های گروه‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون و نیز نتایج آزمون مقایسه زوجی ارائه شده است. نتایج این آزمون نشان داد که تفاوت معناداری بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه مشاهده‌ای و گروه مشاهده‌ای فراشناختی وجود داشت ($P = 0/004$)؛ اما این تفاوت در گروه کنترل مشاهده‌ای ($P = 0/547$)، به عبارت دیگر، مداخله روی هر دو گروه تأثیرگذار بوده است. برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها در هر آزمون، از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که در پیش‌آزمون تفاوت معناداری بین گروه‌ها وجود نداشت ($P = 0/524$)؛ اما در پس‌آزمون تفاوت معناداری بین گروه‌ها مشاهده شد ($P = 0/004$). در جدول شماره سه، خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داده شده است. آزمون تعقیبی بن‌فرونی تفاوت معناداری را در پس‌آزمون بین گروه‌های مشاهده‌ای و مشاهده‌ای فراشناختی ($P = 0/024$) و گروه مشاهده‌ای فراشناختی و گروه کنترل ($P = 0/005$) نشان داد. تفاوت معناداری بین گروه مشاهده‌ای و گروه کنترل دیده نشد ($P = 1/000$). در واقع، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که گروه مشاهده‌ای فراشناختی در مقایسه با گروه مشاهده‌ای نمرات بالاتری در رفتارهای فراشناختی داشتند؛ در حالی که گروه مشاهده‌ای نیز مانند گروه فراشناختی مشاهده‌ای پیشرفت معناداری در نمرات پس‌آزمون داشتند. در جدول شماره چهار، به طور خلاصه نتایج آزمون تعقیبی نشان داده شده است.

-
1. Bonferroni
 2. Shapiro-Wilk

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار داده‌های گروه‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون و نتایج آزمون مقایسه‌

زوجی

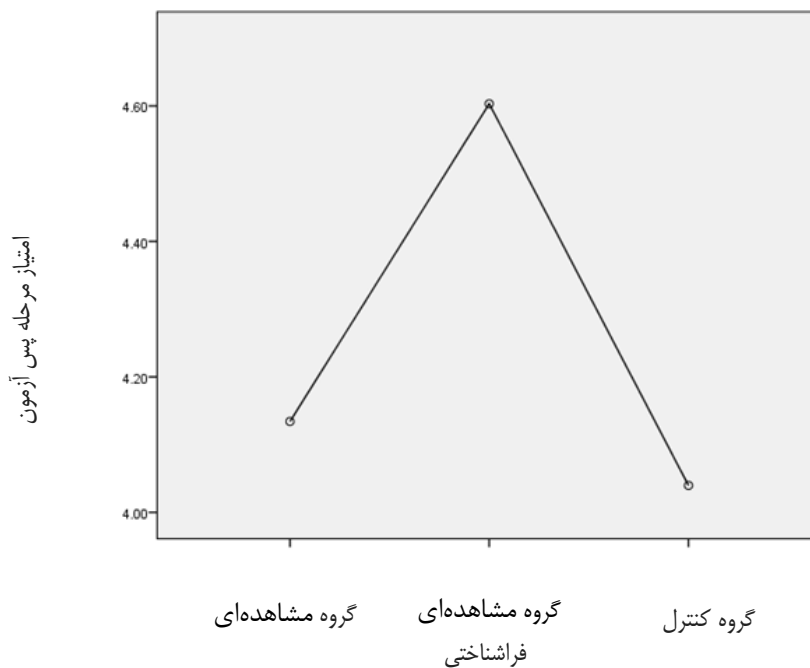
معناداری	تی	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
۰/۰۰۰۴	-۶/۵۸۲	۱۳	۰/۴۰۰ ۰/۴۲۸	۳/۸۴۹ ۴/۳۱۷	گروه مشاهده‌ای	گروه مشاهده‌ای
۰/۰۰۰۴	-۹/۰۷۰	۱۳	۰/۵۷۴ ۰/۳۱۹	۳/۸۸۸ ۴/۶۰۳	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
۰/۵۴۷	۰/۶۱۸	۱۳	۰/۵۲۴ ۰/۵۷۷	۴/۰۵۵ ۴/۰۳۹	پیش‌آزمون	پس‌آزمون

جدول ۳- نتایج آزمون تحلیل واریانس بین‌گروهی در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

سطح معناداری	اف	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
۰/۵۲۴	۰/۶۵۷	۰/۱۶۸	۲	۰/۳۳۶	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
۰/۰۰۴	۶/۴۸۳	۱/۲۷۵	۲	۲/۵۵۰	پس‌آزمون	پس‌آزمون

جدول ۴- نتایج آزمون تعقیبی مرحله پس‌آزمون در گروه‌های مشاهده‌ای، مشاهده‌ای فراشناختی و کنترل

گروه مشاهده‌ای	گروه مشاهده‌ای فراشناختی	گروه مشاهده‌ای	پس‌آزمون
P>۰/۰۵	P=۰/۰۲۴		گروه مشاهده‌ای
P=۰/۰۰۵		P=۰/۰۲۴	گروه مشاهده‌ای فراشناختی
	P=۰/۰۰۵	P>۰/۰۵	گروه کنترل



شکل ۱- امتیاز پس از آزمون در گروه‌ها

بحث و نتیجه‌گیری

رابطه فراشناخت با فرایند یادگیری انکارناپذیر است. افزون‌براین، مهارت‌های حرکتی از جمله اساسی‌ترین و رایج‌ترین مهارت‌هایی هستند که افراد باید در طول زندگی خود کسب کنند (فراری، ۱۹۹۶). یادگیری مشاهده‌ای یکی از معمول‌ترین روش‌ها برای یادگیری رفتارها است (پیاز، ۱۹۵۱؛ باندورا، ۱۹۸۶) و فراشناخت از جمله مکانیسم‌های زیربنایی شناختی است که به‌طور شگفت‌انگیزی در حوزه مهارت اجراکننده‌های ورزشی درخور بررسی است (موران، ۱۹۹۶؛ ماکلنتیر و موران، ۲۰۱۰)؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر به اثربخشی یادگیری مشاهده‌ای تکلیف چیپ فوتبال در ترویج رفتار فراشناختی پرداخته است.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که گروه مشاهده‌ای فراشناختی در مقایسه با گروه مشاهده‌ای نمرات بالاتری در رفتارهای فراشناختی داشتند؛ درحالی‌که گروه مشاهده‌ای نیز همانند گروه مشاهده‌ای فراشناختی پیشرفت چشمگیر و معناداری در نمرات پس از آزمون داشتند؛ هرچند میزان این پیشرفت نسبت به گروه مشاهده‌ای فراشناختی کمتر بود.

بندورا (۱۹۸۴) در نظریه وساطت شناختی، یادگیری مشاهده‌ای را اساس تشکیل یک تصویر ذهنی می‌داند که اطلاعات حرکتی مشاهده‌شده را به رمزهای حافظه‌ای تبدیل می‌کند. در این نظریه، مغز

به مرور تصویر شناختی حافظه‌ای می‌پردازد، آن را سازمان می‌دهد و برای اینکه فرد بتواند آن را به مرحله اجرا برساند، اطلاعات را به رمزهای کنترل حرکتی ترجمه می‌کند. همان‌طور که اشاره شد، یادگیری مشاهده‌ای به آنچه از حافظه بصری بازنمایی می‌شود، متکی است و ماهیتی شناختی دارد. در نظریه فرازانمایی فراشناخت نیز مطرح شده است که افراد به‌طور مداوم صحنه‌های بصری را برای درک تمام جزئیات مرتبط مرور می‌کنند (آرانگومونوز، ۲۰۱۱) و قضاوت‌های فرازانمایی به حوزه‌ای خاص از دانش اشاره می‌کند که از حافظه بازیابی می‌شوند (کوریت، ۲۰۰۷). به‌نظر می‌رسد آنچه در این دو نظریه مطرح است، بر حافظه دیداری و ماهیت شناختی آن تأکید دارد؛ بنابراین، با توجه به نکات ذکر شده و نتایج پژوهش حاضر شاید بتوان گفت که بخشی از آنچه در یادگیری مشاهده‌ای رخ داده است، با استفاده از فعال‌شدن راهبردهای فراشناختی نظیر حل مسئله، برنامه‌ریزی، نظارت، ارزیابی و تعمق انجام شده است. درواقع، در این مطالعه، شرکت‌کنندگان با هر بار مشاهده الگوی ماهر و انجام تمرین بدنی، با مرور تصویر شناختی حافظه‌ای از الگوی ماهر به مقایسه عملکرد خود با الگوی ماهر پرداختند و با توجه به تفاوت بین عملکردشان با الگوی ماهر، تلاش خود را برای حل مسئله آغاز کردند. سپس، برای اجرای بهتر و اصلاح اجرای خود، برنامه‌ریزی کردند و بر اجرای خود نظارت کردند و همچنین، خود را ارزیابی کردند که این، درواقع همان استفاده از راهبردهای فراشناختی است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یادگیری مشاهده‌ای به توسعه رفتار فراشناختی منجر می‌شود. این نتیجه‌گیری همسو با نتایج پژوهش بروکسما و همکاران (۲۰۰۴) است. آن‌ها بررسی کردند که چرا یادگیری مشاهده‌ای بر یادگیری تکالیف جدید نوشتاری تأثیر مثبت دارد. آن‌ها دریافتند که رفتارهای فراشناختی حاصل از یادگیری مشاهده‌ای هستند که به تغییر در دانش طرحواره‌های تکلیف و دانش طرز اجرای آن کمک می‌کنند. به عقیده آن‌ها در یادگیری مشاهده‌ای، دانش‌آموزان برای دریافت اطلاعات ورودی تکلیف درحین یادگیری، با استفاده از راهبردهای فراشناختی نظیر مشاهده، ارزیابی و تعمق تحریک می‌شوند. با استفاده از این راهبردها، دانش‌آموزان اطلاعاتی به‌دست می‌آورند که آنچه را می‌دانند و انجام می‌دهند، تغییر می‌دهند. آن‌ها رفتار نوشتاری، روش کار و راهبردهای اصلاح را برای استفاده در تکالیف نوشتاری جدید دوباره مفهوم‌سازی و دوباره ارزیابی می‌کنند. با تمرین راهبردهای فراشناختی، مشاهده‌کننده‌ها معیارهای نوشتاری مؤثر در یک نوع خاص را در خود درونی می‌کنند و بنابراین، دانش خود را از این نوع متن و روش‌های نوشتن افزایش می‌دهند. در پژوهش حاضر نیز مشاهده‌کنندگان گروه مشاهده‌ای بعد از مشاهده الگوی ماهر و انجام تمرین بدنی توانستند امتیاز خود را در میزان استفاده از راهبردهای فراشناختی افزایش دهند. این مطلب حاکی از به‌کارگیری فرایندهای فراشناختی درحین یادگیری مشاهده‌ای است.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر در زمینه گروه مشاهده‌ای فراشناختی نیز همسو با پژوهش‌هایی است که حاکی از تأثیر مثبت فرایندهای فراشناختی بر یادگیری مهارت‌های حرکتی هستند (دومنیک و روبرت، ۲۰۰۱؛ چتری پانتلی و دی‌جلیدیس، ۲۰۱۱؛ پاپایانو و همکاران، ۲۰۱۲؛ ماکلنتیر و همکاران، ۲۰۱۴؛ چتری پانتلی و همکاران، ۲۰۱۵).

با توجه به موارد ذکر شده و براساس نتایج این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که مبانی نظری مشترک در دو مقوله فراشناخت و یادگیری مشاهده‌ای، به‌طور عینی توانسته است تأثیر خود را نشان دهد. درحقیقت، می‌توان یادگیری مشاهده‌ای را از عواملی دانست که رفتارهای فراشناختی را توسعه می‌دهد و در روند یادگیری مشاهده‌ای فعال‌سازی فراشناختی نیز صورت می‌گیرد؛ البته نتایج این پژوهش نشان داد چنانچه یادگیری مشاهده‌ای همراه با استفاده از راهبردهای فراشناختی باشد، اثرهای بیشتری خواهد داشت؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد که یادگیری مشاهده‌ای به‌عنوان یکی از معمول‌ترین روش‌های یادگیری می‌تواند مکمل خوبی برای به‌کارگیری رفتارهای فراشناختی یادگیرنده باشد و مربیان تربیت‌بدنی می‌توانند در کلاس درس برای به‌فعالیت‌و‌اداشتن فرایندهای فراشناختی و تسهیل در فرایند یادگیری فراگیران، از یادگیری مشاهده‌ای استفاده کنند.

منابع

1. Arango-Muñoz, S. (2011). Two levels of metacognition. *Philosophia*, 39, 71–82.
2. Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
3. Bandura, A. (1984). *Principles of behavior modification*. New York: Hart, Rinehart, Winston.
4. Bandura, A. (1986). *Principles of behavior modification*. New York: Hart, Rinehart, Winston.
5. Braaksma, M. A. H., Van den Bergh, H., Rijlaarsdam, G., & Van Hout-Wolters, B. H. A. M. (2004). Observational learning and its effects on the orchestration of writing processes. *Cognition and Instruction*, 22(1), 1–36.
6. Brown, A. L. (1980). Metacognitive development and reading. In R. J. Spiro, B. B. Bruce, & W. F. Brewer (Eds.), *Theoretical issues in reading comprehension* (pp. 453–481). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
7. Brown, A. L. (1987). Metacognition, executive control, self-regulation and other more mysterious mechanisms. In F. E. Weinert, & R. H. Kluwe (Eds.), *Metacognition, motivation and understanding* (pp. 65–116). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
8. Bogdan, R. J. (2001). Developing mental abilities by representing intentionality. *Synthese*, 129(2), 233–258.
9. Bogdan, R. J. (2005). Why self-ascriptions are difficult and develop late? In B. F. Malle, & S. D. Hodges (Eds.), *Other minds. How humans bridge the divide between self and the others* (pp. 190–206). New York: Guilford.
10. Carruthers, P. (2009). How we know our own minds: the relationship between mindreading and metacognition. *Behavioral and Brain Sciences*, 32, 1–18.

11. Chatzipanteli, A., & Digelidis, N. (2011). The influence of metacognitive prompting on students' performance in a motor skills test in physical education. *International Journal of Sports Science and Engineering*, 5(2), 93-98.
12. Chatzipanteli, A., Digelidis, N., Karatzoglidis, C., & Dean, R. (2015). Promoting students' metacognitive behavior in physical education through TGFU. *American Journal of Educational Science*, 1(2), 28-36.
13. Dominic, A. S., & Robert, A. B. (2001). Metacognition in motor learning. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*, 27(4), 907-912.
14. Flavell, J. H. (1976). Metacognitive aspects of problem solving. In L. Resnick (Ed), *The nature of intelligence* (pp. 231-235). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
15. Flavell, J. H. (1987). Speculation about the nature and development of metacognition. In F. Weinert, & R. Kluwe (Eds.), *Metacognition, motivation, and understanding* (pp. 2-29). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
16. Flavell, J. H. (2004). Theory-of-mind development: Retrospect and prospect. *Merrill-Palmer Quarterly*, 50, 274-290.
17. Gopnik, A. (1993). How we know our minds: The illusion of first-person knowledge of intentionality. *Behavioral and Brain Sciences*, 16(1-15), 90-101.
18. Koriat, A. (2007). Metacognition and consciousness. In P D Zelazo, M Moscovitch & E Thompson (eds.), *Cambridge Handbook of Consciousness*. Cambridge University Press.
19. Larkin, S. (2010). *Metacognition in young children*. New York: Routledge.
20. MacIntyre, T., Igou, E., Campbell, M., Moran, A., & Matthews, J. (2014). Metacognition and action: A new pathway to understanding social and cognitive aspects of expertise in sport. *Frontiers in Psychology*, doi: 10.3389/fpsyg.2014.01155.
21. MacIntyre, T., & Moran A. P. (2010). Meta-imagery processes among elite sports performers. In A. Guillot, & C. Collet (Eds.), *The neurophysiological foundations of mental and motor imagery* (pp. 227-244). Oxford: Oxford University Press.
22. Mohtashami, R., & Sadeghi, Z. (2010). The role of metacognition in the learning process. *Learning Strategies*, 3(4), 143-148. (Persian).
23. Moran, A. P. (1996). *The psychology of concentration in sport performers: A cognitive analysis*. Hove, East Sussex: Psychology Press.
24. Papaioannou, A., Theodosiou, A., Pashali, M., & Digelidis, N. (2012). Advancing task involvement, intrinsic motivation and metacognitive regulation in physical education classes: The self-check style of teaching makes a difference. *Advances in Physical Education*, 2(3), 110-118.
25. Piaget, J. (1951). *Play, dreams, and imitation in childhood*. New York: Norton.
26. Proust, J. (2007). Metacognition and metarepresentation: Is a self-directed theory of mind a precondition for metacognition? *Synthese*, 159, 271-295.
27. Schmidt, R. A., & Wrisberg, C. A. (2008). *Motor Learning and Performance: A Situation-Based Learning Approach*, 4th edition. Champaign, IL: Human Kinetics.
28. Sheffield, F. N. (1961). Theoretical considerations in the learning of complex sequential tasks from demonstrations and practice. In A. A. Lumsdaine (Ed.), *Student response in programmed instruction* (pp. 13-32). Washington, DC: National Academy of Sciences.

29. Schraw, G. (2002). Promoting general metacognitive awareness. In H. Hartman (Ed.), *Metacognition in Learning and Instruction* (pp. 3-16). Netherlands: Kluwer Academic Publishers.
30. Theodosiou, A., Mantis, K., & Papaioannou, A. (2008). Student self-reports of metacognitive activity in physical education classes: Age-group differences and the effect of goal orientations and perceived motivational climate. *Educational Research and Reviews*, 3, 353-364.
31. Theodosiou, A., & Papaioannou, A. (2006). Motivational climate, achievement goals and metacognitive activity in physical education and exercise involvement in out-of-school settings. *Psychology of Sport and Exercise*, 7, 361-380.
32. Uehara, L. A., Button, C., & Davids, K. (2008). The effects of focus of attention instructions on novices learning soccer chip. *Brazilian Journal of Biomotricity*, 4, 63-77.
33. Wegner, D. M. (2002). *The illusion of the conscious will*. Cambridge, MA: MIT Press.

استناد به مقاله

حامدی، سپیده، عبدلی، بهروز، فارسی، علیرضا. (۱۳۹۷). تأثیر یادگیری مشاهده‌ای بر ترویج رفتار فراشناختی دانش‌آموزان. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۳۰-۱۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4625.1346

Hamed, S., Abdoli, B., Farsi, A. R. (2019). The Effect of Observation Learning on Students' Promoting Metacognitive Behavior. *Research on Educational Sport*, 6(15): 17-30. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.4625.1346

شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های عملکردی مربیان ورزش دانشگاهی ایران (مطالعه موردی: المپیاد دانشجویی)

محسن اسمعیلی^۱، شمس‌الدین رضایی^۲

۱. عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی*

۲. عضو هیئت‌علمی دانشگاه ایلام

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۳

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های عملکرد مربیان تیم‌های ورزشی دانشگاه‌های ایران بود. تعداد ۵۴۳ نفر از چهار گروه مرتبط با عملکرد مربیان ورزش دانشگاهی شامل ورزشکاران (۳۲۴ نفر)، مربیان (۹۹ نفر)، مدیران (۴۱ نفر) و سرپرستان (۷۹ نفر) تیم‌های ورزشی شرکت‌کننده در دوازدهمین المپیاد ورزشی دانشجویان ایران که در سال ۱۳۹۳ برگزار شد، نمونه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. روش گردآوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسش‌نامه پژوهشگرساخته بود که روایی و پایایی آن تأیید شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی از طریق نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. نسخه ۲۲ انجام شد و برای طراحی مدل از نرم‌افزار آموس نسخه ۱۸ استفاده شد. همچنین، برای اولویت‌بندی معیارها از گروه متخصصان متشکل از هشت نفر با تکنیک تصمیم‌گیری چندمعیاره‌ای.ا.چ.بی. استفاده شد. بدین ترتیب، هشت عامل مهارت‌های ارتباطی، دانش فنی، مهارت‌های مدیریتی، مدل نقش، موفقیت برنامه، حمایت از الگوی دانشجوی-ورزشکار، به‌کارگیری نیروهای جدید و مهارت‌های مالی از طریق تحلیل عاملی استخراج و تأیید شدند و مدل پژوهش ترسیم شد و برازش آن تأیید شد. به مدیران ورزش دانشگاه توصیه می‌شود برای ارزشیابی عملکرد مربیان به عوامل این مدل توجه کنند.

واژگان کلیدی: ارزشیابی، عملکرد، مربیان، دانشگاه، المپیاد دانشجویی.

مقدمه

تدوین و به‌کارگیری شاخص‌ها یکی از مهم‌ترین مراحل طرح جامع ارزیابی عملکرد است و در صورتی که با دقت و براساس اصول و چهارچوبی مشخص، علمی و قابل‌استناد تدوین شوند، به بازیابی وضعیت موجود و کیفیت عملکرد نظام‌ها منجر خواهند شد. مفهوم ارزشیابی چنان گسترده است که طیف وسیعی از مقصدها و دیدگاه‌ها را در برمی‌گیرد. امروزه، در سازمان‌ها به‌عنوان مرکزی که وظیفه نظم‌بخشیدن به فعالیت‌های بشری را به‌عهده دارند، برای اطمینان از هم‌خوانی تلاش‌های فردی با هدف‌های تعیین‌شده، بخشی از فرایند کنترل به‌طور رسمی به ارزشیابی عملکرد انسان اختصاص یافته است. از عامل‌های مهم در موفقیت و اثربخشی هر سازمانی انتخاب افراد شایسته برای پست‌های آن سازمان است. مربیان نیز یکی از عوامل مهم در موفقیت و شکست تیم‌های ورزشی محسوب می‌شوند. انتخاب مربیان زبده مستلزم داشتن معیارها و ویژگی‌های مربیگری است تا با استفاده از آن‌ها مناسب‌ترین فرد برای هدایت و رهبری تیم برگزیده شود. صاحب‌نظران در مورد حرفه مربیگری و ویژگی‌های آن مطالب متنوعی ارائه کرده‌اند. در محیط ورزش، مربی، چهره‌ای اصلی و مرکزی محسوب می‌شود و مسئولیت فراهم‌آوردن فرصت‌هایی را برای افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های ورزشکاران در زمینه‌های گوناگون فنی، بدنی و اخلاقی برعهده دارد (هاردمن، جونز و جونز، ۲۰۱۰). مربیگری شامل هدایت و رهبری ورزشکاران در یادگیری و آموزش‌های فنی، تاکتیکی و مهارت‌های زندگی از جمله هماهنگی و راهنمایی ورزشکاران در اجرای این مهارت‌ها است (دراکو، کامبیتسیس، کاراکوسو و تی‌سیتزیس، ۲۰۰۶). بسیاری از پژوهش‌ها بیان کرده‌اند که مربی کلیدی‌ترین شخص در ارتباط با ورزشکاران است (لی روکس، ۲۰۰۷). دراکو و همکاران (۲۰۰۶) تأکید کردند که مربیان برای آموزش و تعلیم ورزشکاران خود نیازمند مهارت، تکنیک و تاکتیک هستند؛ از این رو، کسب دانش ورزشی به مقدار مناسب و کافی برای مربیان ضروری است. محمدی، ایزدی و صالحی (۲۰۱۱، ۲۳) پیشنهاد کردند که مربیان ورزش باید دانش و مهارت‌های خود را با هدف غلبه بر تحولات پیچیده و محیط همیشه در حال تغییر ورزش به‌طور مستمر به‌روز کنند.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نقش مربیان در ورزش متنوع و گوناگون است؛ از یک آموزگار، استاد و دوست گرفته تا یک مشاور، مربی سازمان‌دهنده، برانگیزاننده، رهبر، برنامه‌ریز، تصمیم‌گیرنده و نیز منبع اصلی دانش مرتبط با ورزش و تمرین است (زابو، ۲۰۱۲). مربیان باید آموزش‌های اخلاقی

-
1. Hardman, Jones & Jones
 2. Drakou, Kambitsis, Charachousou & Tsetzis
 3. Le Roux
 4. Szabo

را ارائه کنند و ورزشکاران را در کسب همهٔ ظرفیت‌های خود کمک و تشویق کنند و نقشی حمایتگر داشته باشند و به ایجاد و تقویت اعتمادبه‌نفس ورزشکاران کمک کنند (هاردمن و همکاران، ۲۰۱۰). سؤال اصلی این است که مشخص کنیم یک مربی خوب به چه عواملی برای داشتن یک عملکرد مناسب و شایسته نیازمند است. موآن و فدریچی (۲۰۱۳) عقیده دارند که مربیان باید توانایی سازمان-دهی، اجرا و ارزیابی کوتاه‌مدت و بلندمدت راهبردها، هدایت جلسات تمرینی و حمایت از ورزشکاران در حین تمرین و رقابت را داشته باشند و نیز توانایی مدیریت و هماهنگی منابع انسانی را دارا باشند. داشتن توانایی در کمک به ورزشکاران در توسعه و طراحی یک برنامهٔ تمرینی متمایز، کمک به ورزشکار برای توسعهٔ مهارت‌های جدید، برقراری ارتباطی مؤثر با ورزشکاران، استفاده و طراحی آزمون-های ارزیابی برای نظارت بر پیشرفت و فرایند آموزش و پیش‌بینی عملکرد ورزشی برای مربی یک تیم موردنیاز است (زابو، ۲۰۱۲، ۴۱)؛ براین اساس، مربیان ورزشی برای موفقیت در مربیگری باید دارای مهارت‌های گوناگونی باشند.

امروزه، مربیان در کمک به ورزشکاران برای دستیابی به بالاترین ظرفیت خود و تحقق بخشیدن به اهداف تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی نقشی محوری ایفا می‌کنند. به‌علاوه، با بررسی مطالعات گذشته مشخص شد که تلاش‌های کمی در زمینهٔ طراحی مدلی از معیارهای عملکردی مربیان ورزشی در حوزهٔ دانشگاهی شده است؛ زیرا، این مربیان با جامعه‌ای سروکار دارند که تحصیلکرده هستند و دارای شرایط جمعیت‌شناختی مختص به خود می‌باشند. با توجه به اینکه مربیان از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر موفقیت ورزشکاران هستند (گراهام و رن شاو؛ گوردون، ۲۰۰۹؛ تنودورسکو؛ ۲۰۱۳)، برخی پژوهشگران معتقدند که مربیان باید از مهارت‌های عاطفی و احساسی نیز در کنار مهارت‌های فنی برای تأثیرگذاری بیشتر بر ورزشکاران بهره بگیرند. مربیان باید با استفاده از ابزارهای مدیریتی به تغییرات اساسی در رفتار و نگرش ورزشکاران بپردازند؛ زیرا، از یک طرف عملکرد مربی به نتیجهٔ ورزشکار مربوط می‌شود (تنودورسکو، ۲۰۱۳). دراکو و همکاران (۲۰۰۶) به مربیگری به‌عنوان یک فعالیت آموزشی می‌نگرند که به توسعه و پیشرفت ورزشکاران در حوزهٔ ورزش کمک می‌کند. لی‌روکس (۲۰۰۷) خاطر نشان می‌کند که مربیگری لزوماً جزو سخت‌ترین مشاغل دنیا نیست؛ اما هر فردی برای تبدیل شدن به یک مربی، مناسب نخواهد بود؛ از این رو، تبدیل شدن به یک مربی نیازمند داشتن مهارت و توانایی در یک ورزش خاص همراه با دانش، خرد و بینش نسبت به خود و دیگران است و همچنین، نیازمند

-
1. Moen & Federici
 2. Strategies
 3. Graham & Renshaw
 4. Gordon
 5. Teodorescu

تعهد و دلبستگی عاطفی به ورزش است. با توجه به اهمیت مسابقات دانشجویی در شناخت برترین دانشجویان ورزشکار و تشکیل تیم‌های ملی دانشجویی به‌عنوان نماینده کشور و حضور در مسابقات ورزشی جهانی دانشجویان، توجه به معیارهای مورد توجه برای ارزشیابی مربیان بسیار ضروری است. پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه بیشتر در مورد یک رشته خاص هستند و قشر خاصی از مربیان که در این پژوهش مربیان قشر دانشجویی هستند، هدف نبوده‌اند. پژوهش‌های گذشته در مورد مربیان ورزش دانشگاهی نشان دهنده آنند که با توجه به جوان و تحصیل کرده بودن جامعه مخاطب مرتبط با مربیان دانشگاهی، معیارهای عملکردی مربیان می‌توانند متفاوت باشند. مک‌لین (۱۹۹۶) در مطالعه خود روی مربیان دانشگاهی کانادا به این نکته اشاره کرده است؛ به‌عنوان مثال، دانشجویان الگوپذیری زیادی از مربیان خود دارند و نقش‌های مختلفی که مربی به‌عنوان الگو یا هدایتگر در زندگی درسی و شخصی دانشجویان دارد می‌تواند با سایر اقشار ورزشکار متفاوت باشد. این مطلب نکته‌ای است که نتایج پژوهش حاضر نیز به آن اشاره دارد و تفاوت کار را با سایر پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه نشان می‌دهد؛ از این رو، هدف از انجام این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر در ارزشیابی عملکرد مربیان تیم‌های ورزش دانشگاهی ایران بود. یافته‌های این مطالعه می‌تواند برای توسعه برنامه‌های آموزشی دوره‌های مربیگری و ایجاد و توسعه مدلی برای ارزیابی عملکرد مربیان استفاده شود و همچنین، به مربیان در شناخت نقاط ضعف و نقاط قوت خود کمک کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایشی و به صورت میدانی انجام شد. هدف کلی پژوهش، طراحی مدل ارزیابی عملکرد مربیان ورزش دانشگاهی بوده است. برای تدوین معیارهای عملکرد مربیان، پس از مطالعه منابع نظری و ادبیات پژوهش، فهرستی از فعالیت‌ها و معیارهای لازم برای یک مربی دانشگاهی فراهم شدند و سپس، از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران و مربیان برجسته به تعداد ۱۵ نفر، فهرست گویه‌های پرسش‌نامه پژوهش تکمیل و نهایی شد؛ بدین ترتیب، پرسش‌نامه‌ای با ۴۵ سؤال تدوین شد و اعتبار محتوایی آن به تأیید ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی رسید. همچنین، با توزیع اولیه پرسش‌نامه در جامعه‌ای مشابه با پژوهش حاضر و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ضریب پایایی پرسش‌نامه برابر با $\alpha = 0/88$ به دست آمد. پرسش‌نامه براساس مقیاس شش‌ارزشی لیکرت (یک = کاملاً مخالفم؛ دو = مخالفم؛ سه = تاحدودی مخالفم؛ چهار = تاحدودی موافقم؛ پنج = موافقم؛ شش = کاملاً موافقم) طراحی شد و بین نمونه‌های آماری توزیع شد. این طیف براین مبنا و منطق انتخاب شد که بین نظر موافق یا مخالف پاسخ‌دهندگان تمایز ایجاد شود و آنان نتوانند بی‌طرف باقی بمانند؛

براین اساس، پاسخ‌دهندگان مجبور بودند نظر خود را یا به‌طور موافق یا مخالف اعلام کنند. تعداد ۵۴۳ نفر از چهار گروه مرتبط با عملکرد مربیان ورزش دانشگاهی شامل ورزشکاران (۳۲۴ نفر)، مربیان (۹۹ نفر)، مدیران (۴۱ نفر) و سرپرستان (۷۹ نفر) تیم‌های ورزشی شرکت‌کننده در دوازدهمین المپیاد ورزشی دانشجویان ایران که در سال ۱۳۹۳ برگزار شد، نمونه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. تعداد نمونه آماری با توجه به روش تحلیل عاملی اکتشافی مورد استفاده (حداقل دو برابر و حداکثر ۱۰ برابر تعداد گویه‌ها) انتخاب شد و روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی طبقه‌ای با تخصیص متناسب بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی از طریق نرم‌افزار اس.پی.اس.اس^۱ نسخه ۲۰ انجام شد و برای طراحی مدل از نرم‌افزار آموس نسخه ۱۸ استفاده شد. همچنین، در آمار توصیفی از شاخص‌های مرکزی مانند میانگین و فراوانی‌ها استفاده شد. در این پژوهش، پس از مشخص شدن مؤلفه‌ها از طریق تحلیل عاملی، پرسش‌نامه‌ای در قالب مقایسه‌های زوجی مؤلفه‌ها طراحی شد و در اختیار گروه هشت‌نفری از اعضای هیئت‌علمی صاحب‌نظر و مدیران اجرایی ورزش دانشگاهی در اداره کل تربیت‌بدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و فدراسیون ورزش دانشگاهی قرار داده شد. سپس، پرسش‌نامه با استفاده از روش تصمیم‌گیری فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی^۲ و با استفاده از نرم‌افزار اکسپرت چویس^۳ تحلیل شد. با توجه به تحلیل سلسله‌مراتب گروهی برای محاسبه اوزان حاصل از ماتریس مقایسه‌های زوجی از میانگین هندسی برای هر ردیف ماتریس و سپس، نرمالیزه کردن آن میانگین‌ها استفاده شد. همچنین، نرخ ناسازگاری مناسب به‌دست آمد.

نتایج

از مجموع ۵۷۰ پرسش‌نامه توزیع شده در نمونه آماری، پس از حذف پرسش‌نامه‌های مخدوش و ناقص، تعداد ۵۴۳ پرسش‌نامه تکمیل شده تجزیه و تحلیل شدند؛ براین اساس، نرخ برگشت پرسش‌نامه‌ها ۹۵/۲۶ درصد بود. در جدول شماره یک، اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش نشان داده شده است.

-
1. Spss
 2. Amos
 3. Analytical Hierarchy Process
 4. Expert Choice

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

درصد فراوانی	فراوانی	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	
۵۵/۳۲	۲۹۵	مرد	جنسیت
۴۵/۶۸	۲۴۸	زن	
۵۹/۱۱	۳۲۱	۲۰ - ۲۹	
۲۲/۸۳	۱۲۴	۳۰ - ۳۹	
۹/۵۷	۵۲	۴۰ - ۴۹	سن
۸/۴۷	۴۶	۵۰ سال و بالاتر	
۳۶/۶۴	۱۹۹	کمتر از ۳ سال	
۳۲/۹۶	۱۷۹	۴ تا ۶ سال	
۱۵/۶۵	۸۵	۷ تا ۱۰ سال	سابقه ورزشی
۱۰/۳۱	۵۶	۱۱ تا ۲۰ سال	
۲/۲۰	۱۲	بیشتر از ۲۰ سال	
۲/۲۰	۱۲	بدون پاسخ	
۴۷/۳۲	۲۵۷	اولین بار	تجربه حضور در رقابت‌های المپید
۲۷/۸۰	۱۵۱	دومین بار	
۱۹/۳۳	۱۰۵	سومین بار	
۳/۸۶	۲۱	بیشتر	
۱/۶۵	۹	بدون پاسخ	

با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش واریمکس، متغیرهای تبیین‌کننده اصلی ارزشیابی عملکرد مربیان ورزشی مشخص شدند. آماره آزمون‌های کایسر^۱ و بارتلت نشان‌دهنده کفایت نمونه و مناسب بودن انجام تحلیل عاملی برای متغیرهای پژوهش است. آماره آزمون کایسر بین صفر و یک متغیر است و مقادیر بیشتر از ۰/۷ به‌عنوان سطح قابل قبول و نشان‌دهنده تناسب داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی است. مقدار آماره کایسر برای این مطالعه برابر با ۰/۹۵۴ بود. همچنین، معنادار بودن آزمون بارتلت در سطح ۰/۰۵ نشانگر دیگری برای مناسب بودن داده‌ها در انجام تحلیل عاملی اکتشافی است (جدول شماره سه).

در این پژوهش، برای مشخص کردن رتبه هر یک از مؤلفه‌ها برای هر یک از گروه‌ها، از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره دو مشاهده می‌شود.

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

جدول ۲- نتایج آزمون فریدمن به شکل مستقل در هر گروه

متغیرها	ورزشکاران		مربیان		سرپرستان		مدیران	
	رتبه	میانگین رتبه	رتبه	میانگین رتبه	رتبه	میانگین رتبه	رتبه	میانگین رتبه
مهارت تکنیکی	۵	۴/۸۳	۱	۵/۵۵	۱	۷/۴۳	۱	۷/۴۳
مهارت‌های مالی	۸	۲/۵۳	۷	۲/۹۹	۸	۳/۱۰	۸	۳/۱۰
موفقیت برنامه	۱	۵/۴۴	۳	۵/۱۰	۲	۵/۴۹	۲	۵/۴۹
مهارت ارتباطی	۲	۵/۲۱	۴	۴/۷۲	۴	۴/۹۸	۴	۴/۹۸
مهارت مدیریتی	۶	۴/۴۳	۶	۳/۷۶	۷	۳/۱۹	۷	۳/۱۹
مدل نقش	۳	۴/۹۶	۲	۵/۱۶	۳	۴/۴۴	۳	۴/۴۴
دانشجو- ورزشکار	۴	۴/۹۱	۵	۴/۷۵	۵	۳/۶۰	۵	۳/۶۰
به‌کارگیری نیروی جدید	۷	۳/۶۹	۸	۴/۲۱	۶	۳/۶۷	۶	۳/۶۷
خی‌دو	۳۶۶/۱۴۰		۲۶۶/۷۲۱		۶۹/۸۸۵		۸۸/۰۳۸	
درجه آزادی	۷		۷		۷		۷	
سطح معنی داری	۰/۰۰۱		۰/۰۰۱		۰/۰۰۱		۰/۰۰۱	

نکته قابل توجه در رتبه‌بندی در هر گروه، تفاوت اهمیت معیارهای مختلف نزد گروه‌ها در مقایسه با یکدیگر است.

جدول ۳- نتایج آزمون کرویت بارتل

کایزر مایر الکین		۹۵۴
آزمون کرویت بارتل	درجه آزادی	۱۵۵۰۳/۹۳۳
	سطح معناداری	۹۹۰
		۱

بررسی نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که هیچ‌یک از ۳۵ گویه پرسش‌نامه در ارتباط با عوامل اصلی ارزشیابی عملکرد مربیان ورزشی دانشگاهی، به لحاظ داشتن بار عاملی مساوی یا بیشتر از ۰/۴۵ (معیار مبنا) حذف نشدند و هشت عامل دسته‌بندی شدند. بار عاملی این حیطه‌ها از ۰/۵۴۳ تا ۰/۸۰۱ متغیر بود (جدول شماره چهار). تعداد عامل‌های به‌دست‌آمده در این مطالعه از ترکیب معیارهای زیر تعیین شد: الف- شناخت اولیه تعداد عامل‌ها براساس مرور مقالات؛ ب- انتخاب عامل‌ها براساس مقادیر ویژه بیشتر از یک؛ ج- استفاده از معیار توصیف واریانس؛ د- قابلیت درک عامل‌های اقتباس شده.

1. Eigenvalue

هشت عامل شناخته شده در این پژوهش، ۶۸/۶۴ درصد واریانس را نشان دادند. نام گذاری این عوامل براساس مفاد آیتم‌های توصیف کننده هر یک از عوامل پایه ریزی شد.

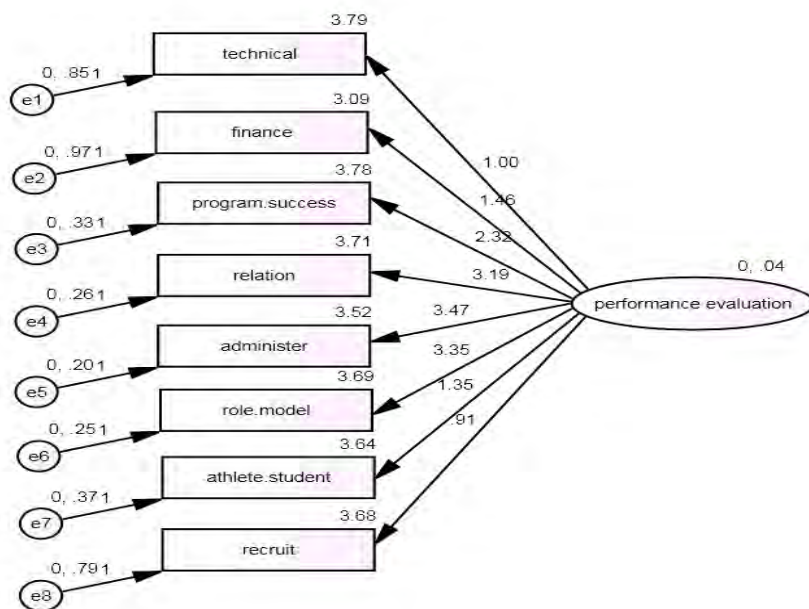
جدول ۴- تحلیل عاملی اکتشافی مؤلفه‌های اصلی

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	بار عاملی	مقدار واریانس	مقدار ویژه
مهارت‌های ارتباطی	ایجاد تعامل فکری با ورزشکاران	۰/۶۲۱	۹/۸۴	۹/۵۱۸
	احترام متقابل و روابط خوب میان مربی و ورزشکاران	۰/۶۹۸		
	توسعه تعامل مثبت با ورزشکاران	۰/۵۷۸		
	حفظ روابط خوب با بخش‌های مختلف جامعه دانشگاهی	۰/۶۱۳		
دانش فنی	ایجاد تصویری عمومی و مثبت از برنامه در دانشگاه	۰/۶۵۴	۹/۷۱	۶/۶۵۷
	اجرای راهبردهای مناسب در طول رقابت‌ها	۰/۶۵۰		
	به کارگیری دانش مربوط به مهارت‌ها در طول تمرینات و رقابت‌ها	۰/۶۴۵		
	اجرای تکنیک‌ها در طول تمرینات	۰/۷۰۴		
	شرح اطلاعات مسابقه در طول تمرین برای بازیکنان	۰/۷۱۲		
	توسعه مهارت‌های ورزشکاران	۰/۷۰۴		
مهارت‌های مدیریتی	توسعه قابلیت‌های ورزشکاران	۰/۵۷۱	۹/۴۱	۳/۲۸۴
	برقراری تعادل بین خواسته‌های متعدد سازمانی توسط مربی	۰/۶۰۴		
	ایجاد راهبردهای انگیزشی در ورزشکاران	۰/۷۲۸		
	آیا از مهارت‌های سازمانی خوبی برخوردار است؟	۰/۶۱۲		
	مربی تقسیم وظیفه و مسئولیت به ورزشکاران را به طور مناسب انجام می دهد.	۰/۶۱۸		
	برنامه ریزی‌های مختلف و تعیین هدف برای تمرینات و مسابقه	۰/۷۰۸		
کنترل و ارزیابی بر کار ورزشکاران	۰/۶۹۴			

ادامهٔ جدول ۴- تحلیل عاملی اکتشافی مؤلفه‌های اصلی

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	بار عاملی	مقدار واریانس	مقدار ویژه
مدل نقش	رفتار مربی معرف خوبی از سازمان (دانشگاه) خود است.	۰/۶۴۶	۸/۹۱	۲/۲۵۸
	نمایش و رفتار مناسب مربی در داخل و خارج از زمین	۰/۷۵۲		
	مربی الگوی رفتاری خوبی برای ورزشکاران است.	۰/۷۱۶		
	ایجاد تعادل بین نیازهای ورزشی و علمی ورزشکاران	۰/۵۲۸		
موفقیت برنامه	اهمیت برنده شدن در رقابت‌ها برای مربی	۰/۶۵۲	۸/۷۰	۲/۲۱۲
	حفظ جایگاه و رتبهٔ تیم در مسابقات و در برابر حریفان قدرتمند	۰/۶۸۴		
	داشتن برنامه‌ای برای برد	۵/۹۱		
	اهمیت شرکت در رقابت‌های تدارکاتی	۷/۸۴		
حمایت از الگوی دانشجو - ورزشکار	اهمیت نتیجه گرفتن با ورزشکاران مبتدی برای مربی	۵/۶۲	۷/۵۱	۱/۸۰۵
	اهمیت دانشجوی بودن ورزشکار برای مربی	۵/۷۲		
	اهمیت به کارگیری ورزشکاران مبتدی برای مربی	۵/۲۶		
	انتظار مربی از ورزشکاران برای حفظ تلاش‌های علمی	۵/۵۷		
به کارگیری نیروهای جدید	اهمیت به کارگیری قوانین اخلاقی توسط ورزشکاران برای مربی	۶/۲۸	۶/۶۴	۱/۵۱۴
	اهمیت جذب ورزشکاران نخبه در دانشگاه برای مربی	۶/۶۵		
مهارت‌های مالی	اهمیت به کارگیری ورزشکاران با استعداد برای مربی	۵/۵۲	۵/۵۲	۱/۱۵۸
	تلاش مربی برای حمایت مالی از برنامه‌ها	۵/۶۵		
	تلاش مربی برای جذب منابع مالی برای برنامه‌های ورزشی تیم	۵/۶۸		
	توجه مربی برای رسیدن به هدف‌های مالی برنامه	۵/۴۱		

در ادامه، با استفاده از نرم‌افزار تبیین معادلات ساختاری آموس به استخراج مدل پژوهش و شاخص‌های برازش مدل پرداخته شد.



شکل ۱- مدل ترسیمی استاندارد شده براساس نرم افزار آموس

پس از ترسیم مدل، در جدول بعدی، شاخص‌های اصلی برازش مدل تدوین شده‌اند.

جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص	حد قابل قبول	امتیاز کسب شده مدل
نسبت کای اسکوئر به درجات آزادی	کوچکتر از ۲	۱/۱۸۹
شاخص برازش هنجار شده ^۱	بالاتر از ۰/۹	۰/۹۰
شاخص برازش نسبی ^۲	بالاتر از ۰/۹	۰/۸۹
شاخص برازش افزایشی ^۳	بالاتر از ۰/۹	۰/۹۲
شاخص برازش تطبیقی ^۴	بالاتر از ۰/۹	۰/۹۱
ریشه میانگین مجذور خطای میانگین ^۵ RMSEA	کوچکتر از ۰/۰۵	۰/۰۴۶
شاخص هلتر ^۶ (مناسب برای تعیین حجم نمونه‌ها)	۱۱۵ (حداقل حجم نمونه)	۵۵۴

1. Normed Fit Index
2. Rate Fit Index
3. Incremental Fit Index
4. Comparative Fit Index
5. Root Mean Square Error of Approximation
6. Hoelter

با توجه به استفاده از روش ای.اچ.پی. برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها در شکل زیر نمودار مستخرج از نرم‌افزار اکسپرت چویس مشاهده می‌شود.



شکل ۲- نمودار مستخرج از مقایسه‌های زوجی مؤلفه‌ها از طریق نرم‌افزار اکسپرت چویس

نرخ ناسازگاری کلی تحلیل سلسله‌مراتبی برابر با $0/09$ به‌دست آمد که با توجه به کم‌تر بودن نرخ ناسازگاری از عدد $0/1$ ، نشان‌دهنده مناسب بودن مقایسه‌های زوجی در این روش است. نتایج نشان داد که از نظر گروه صاحب‌نظران و مدیران سطح عالی ورزش دانشگاهی، مهارت ارتباطی مهم‌ترین معیار انتخاب مربیان تیم‌های دانشگاهی است و به‌کارگیری دانشجویان ورودی جدید و تازه‌کار کمترین اهمیت را دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه به‌دنبال تبیین و مقایسه مؤلفه‌های عملکردی مربیان تیم‌های ورزشی در دانشگاه‌های کشور بود. هشت عامل مهارت‌های ارتباطی، دانش فنی، مهارت‌های مدیریتی، مدل نقش، موفقیت برنامه، حمایت از الگوی دانشجوی- ورزشکار، به‌کارگیری نیروهای جدید و مهارت‌های مالی، از طریق تحلیل عاملی استخراج شدند و تأیید گردیدند. درنهایت، با استفاده از نرم‌افزار آموس، مدل پژوهش ترسیم شد و برازش آن تأیید شد. نتایج پژوهش نشان داد که عامل مهارت‌های ارتباطی با مقدار ویژه $9/84$ ، $9/518$ درصد از واریانس عملکرد مربیان تیم‌های ورزشی دانشگاهی را تبیین کرد. این بدان معنا است که برای ورزشکاران دانشجوی، با توجه به شرایط خاص دانشگاه، وجود ارتباط درست و مناسب بین مربی با ورزشکار و دیگران اهمیت بسیار زیاد و تأثیرگذاری خواهد داشت. مربیانی که در محیط‌های ورزش دانشگاه نتوانند از نظر فکری با ورزشکاران تعامل مناسبی برقرار کنند و به احترام‌های متقابل و تعاملات سازنده با ورزشکاران متعهد نباشند، نمی‌توانند موفقیت چندانی کسب کنند. همچنین، داشتن ارتباطات مناسب نه‌تنها با ورزشکاران، بلکه با مدیران ورزشی دانشگاه، سرپرست تیم‌ها و تمامی بخش‌های اداری و اجرایی مرتبط با تیم‌های ورزشی می‌تواند برای موفقیت تیم و مربی کارساز باشد. این رابطه باعث می‌شود که دیگران از روی علاقه و با انگیزه بیشتر در خدمت پیشبرد

اهداف تیم باشند. یکی از فعالیت‌هایی که مربی باید در این جهت داشته باشد، توضیح و شرح برنامه‌های تیم ورزشی برای بخش‌های مختلف و آشنا کردن آن‌ها با فعالیت‌های تیم ورزشی است. ایجاد تصویر مثبت از تیم ورزشی دانشگاه موجب توسعه ارتباط مثبت می‌شود. احمدی (۱۳۸۹) بیان کرد که توانایی غالب مربیان تیم‌های ورزشی دانشگاه‌ها در انتقال پیام به ورزشکاران، «خوب» بوده است. مک‌لین (۱۹۹۶) بیان کرد که رفتارهای مربوط به روابط عمومی از رفتارهای مهم برای یک مربی ورزشی است که با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. شرمین (۱۹۹۹) و گالو و مارکو (۲۰۰۸) ارتباطات را یکی از مهم‌ترین ابعاد عملکردی مربی معرفی کرده‌اند. پلسنر، آنکلچ، ممرت، بالتس و کولب (۲۰۰۹) اشاره کردند که بین رفتارهای مربی و همبستگی تیمی رابطه معناداری وجود دارد. تردول، کوت و برنارد (۱۹۹۶) بیان کردند در نیمی از زمانی که مربیان ورزشی مورد مطالعه و مشاهده بودند، هیچ‌گونه تعاملی با بازیکنان یا کمک مربیان خود نداشتند. یکی از نکات مهم در برقراری ارتباط، درک رفتار و گفتار مربی توسط بازیکنان است؛ به‌طوری‌که اسمیت، روبرت، والس و برنارد (۲۰۱۲) معتقدند درک رفتار مربی به‌وسیله ورزشکاران مهم‌تر از رفتار مربی است. شیمازاکی و کیکاوا (۲۰۱۵) اشاره کردند که حتی ارتباطات غیرکلامی مربیان می‌توانند در عملکرد ورزشکاران تأثیرگذار باشند و ملاکی برای ارزیابی عملکرد مربیان ورزشی هستند. لو^۷ و همکاران (۲۰۱۵) با بررسی نمونه‌های ورزشکاران دانشجوی رشته‌های ورزشی انفرادی بیان کردند که داشتن تعاملات مناسب و قابلیت ارتجاع مربیان باعث کاهش استرس و افسردگی زندگی ورزشکاران می‌شود.

از فاکتورهای دیگر تأثیرگذار بر عملکرد مربیان، داشتن دانش فنی و تکنیکی بود که با مقدار ویژه ۶/۶۵۷، ۹/۷۱ درصد از واریانس عملکرد مربیان را تبیین کرد. مربیان می‌توانند از دانش قابل‌قبولی برخوردار باشند یا از یک تیم فنی در کنار خود بهره‌گیرند. در هر حال، مربی باید تا حد امکان از دانش فنی برخوردار باشد. در این بعد، فاکتورهایی مانند توسعه مهارت تکنیکی ورزشکاران، توسعه قابلیت‌های جسمانی و روانی، شناخت دقیق ظرفیت‌های ورزشکار، به‌کارگیری مجموعه دانش مربی در تمرینات و مسابقه و انتخاب راهبردها و تاکتیک‌های مناسب، برای تیم مهم هستند. یکی از عواملی که می‌تواند دانش فنی مربی را ارزیابی کند، دارا بودن مدارک مربیگری و به‌روزرسانی دانش مربی است. یکی از مشکلاتی که در مربیان ورزشی وجود دارد، احساس نیاز نداشتن به یادگیری و کسب دانش

-
1. Shermane
 2. Gallo & Marco
 3. Plessner, Unkelbach, Memmert, Baltés & Kolb.
 4. Trudel, Cote & Bernard
 5. Smith, Roberts, Wallace & Forrester
 6. Shimazaki & Kikkawa
 7. Lu

است که باعث می‌شود دانش فنی مربیان قدیمی باقی بماند و همگام با زمان پیش نرود. همچنین، توانایی اجرای تکنیک‌ها و مهارت‌ها توسط مربی می‌تواند موجب یادگیری سریع‌تر ورزشکاران و اعتماد به مهارت‌های مربی شود. در پژوهش کهندل (۱۳۸۱)، ویژگی‌های علمی- تخصصی و ویژگی‌های ورزشی‌ای که مرتبط با دانش فنی مربی هستند، از فاکتورهای مهم موردنیاز مربی محسوب می‌شوند که این مطلب با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. همچنین، رضائی، خسروی و ملایی (۱۳۹۲) هدایت و رهبری جلسات تمرین را یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد مربیان ورزشی عنوان کرده‌اند که با نتایج این پژوهش هم‌خوانی دارد. نتایج پژوهش اسمیت (۲۰۱۲) نشان داد که به عقیده ورزشکاران دانش فنی مربی نقش مهمی در پیشرفت عملکرد آن‌ها داشته است. ولا، کرو و اودز^۱ (۲۰۱۳) در ارزیابی اثربخشی مربیان مطرح کردند که مهارت تدریس مهم‌ترین وظیفه مربی است که نشأت گرفته از دانش فنی و تخصصی مربی است. از نظر انسمینگر^۲ و همکاران (۲۰۱۵)، مهارت تکنیکی از مهم‌ترین وظیفه‌های یک مربی است که هم‌خوان با نتایج پژوهش حاضر است. کایا^۳ (۲۰۱۴) معتقد است که مهارت فنی به‌عنوان توانایی مربی در به‌کارگیری تصمیم‌های درست در زمان مناسب از رقابت است. و داشتن دانش فنی یکی از معیارهای تصمیم‌گیری درست توسط مربی است که درنهایت، به موفقیت تیم ورزشی منجر می‌شود و از ضروریات مجموعه مهارت‌های مربی می‌باشد.

فاکتور مهارت‌های مدیریتی از متغیرهای دیگر تأثیرگذار بر عملکرد مربیان ورزشی بود که با مقدار ویژه ۳/۲۸۴، ۹/۴۱ درصد از واریانس ارزیابی عملکرد مربیان را تبیین نکرد. هنر مدیریت در یک تیم ورزشی از جمله مواردی است که ورزشکاران تیم ورزشی را به تبعیت از مربی تیم وا می‌دارد. مهارت رهبری باعث حفظ انسجام تیم، روابط مناسب عوامل تیم و کسب نتیجه مطلوب می‌شود. مشاهده‌ها و یافته‌ها نشان می‌دهند که غیر از ورزشکاران، گروه‌های دیگری در دانشگاه وجود دارند که خواسته‌های مختلفی از مربی تیم دارند. مربی باید توانایی برقراری تعادل بین این خواسته‌ها را داشته باشد تا بتواند رضایت تمامی گروه‌ها را در حد توان حفظ کند. همچنین، یک مدیر باید دارای توانایی ایجاد انگیزش برای ورزشکاران باشد. تفویض اختیار و دادن مسئولیت و درمقابل آن، تقاضای نتیجه و فعالیت از ورزشکاران، از مهارت‌های مدیریتی مربی هستند. برنامه‌ریزی و تعیین هدف در امور مختلف تیم همچون تمرینات، مسابقات تدارکاتی، تغذیه، آمادگی بدنی و سلامتی، حمل‌ونقل، مسابقات و غیره، از وظایف مهم یک مربی هستند. همچنین، کنترل و ارزیابی نتیجه تیم و شناخت نقاط ضعف و تلاش برای اصلاح آن‌ها جزو مهارت‌های مدیریتی مربی به‌شمار می‌روند. برخی پژوهشگران

-
1. Vela, Crowe & Oades
 2. Ensminger
 3. Kaya

(باربر و اخریچ، ۱۹۹۸؛ تبریزی، ۱۳۸۰؛ کهندل، ۱۳۸۱) به مهارت‌های مدیریتی به‌عنوان یکی از شاخص‌های انتخاب مربیان تیم‌های ملی اشاره کرده‌اند که این مطلب با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. مومفورد و گرگلی (۲۰۰۵) بیان کردند که ۴۱ درصد از مربیان، از دیدگاه ورزشکاران شیوه‌های سازمان‌دهی و مدیریت متفاوتی با یکدیگر دارند (دوبرسکو، ۲۰۱۴). نتایج مطالعه گیمنو، کاستلو و مارسن^۳ (۲۰۱۲) نشان دادند که مهارت‌های مدیریتی و رهبری مربیان، قبل از فصل و بعد از فصل تفاوت معناداری با هم ندارند و برای تغییر در سبک رهبری مربیان باید برای آن‌ها دوره‌های آموزشی برقرار کرد.

مدل نقش، چهارمین متغیر تبیین‌کننده واریانس عملکرد مربیان با مقدار ۸/۹۱ و مقدار ویژه ۲/۲۵۸ بود. مفهوم این متغیر آن است که نقش مربی به داخل زمین محدود نمی‌شود. یک مربی دانشگاهی به‌عنوان نماینده یک سازمان علمی است و نوع رفتار و اعمال وی باید به‌صورتی باشد که نشان‌دهنده شخصیت و ویژگی‌های یک فرد دانشگاهی باشد. حتی نوع پوشش می‌تواند نشأت گرفته از این موقعیت باشد و وظایف و تعهدات مربی فقط با پایان زمان تمرینات پایان نمی‌یابند. رفتار مربی در داخل و خارج از زمین باید متناسب با موقعیت اجتماعی و علمی و ورزشی وی باشد. به‌طور کلی، ورزشکاران همواره به مربیان ورزشی به‌عنوان یک معلم، راهنما و الگوی رفتاری می‌نگرند. نقش الگوبودن به‌خاطر ارتباطات نزدیک و مستمری است که مربی و ورزشکار همواره با یکدیگر برقرار می‌کنند. مربی‌ای که دارای این مهارت باشد می‌تواند ورزشکار را در تمامی مسائل ورزشی و غیرورزشی هدایت کند و بین نیازهای مختلف ورزشکار تعادل برقرار کند. مربی باید براساس نیازهای ورزشکار برنامه‌ریزی کند و به‌طور شایسته‌ای درصد رفع آن‌ها برآید. مدیران نیز باید به اهمیت نقش مربی برای ورزشکاران توجه داشته باشند. داوسون و فیلیپس^۴ (۲۰۱۳) در بررسی وضعیت مربیان استرالیا اشاره کردند که مسئله توسعه شغلی مربیان باوجود نقش مهمی که مربیان در ورزشکاران دارند، از نظر سیاست‌گذاران ورزشی نادیده گرفته می‌شود. اریکسون و کوت^۵ و همکاران (۲۰۱۵) بیان کردند که در بسیاری از موارد، ارتباط بین مربی و ورزشکار از ارتباط معلم و شاگردی فراتر می‌رود و در این ارتباط، نقش‌های مختلفی می‌توانند مطرح شوند. با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش ورزشکاران دانشجو بودند، متغیر مدل نقش در سایر پژوهش‌ها کمتر استفاده شده است و این موضوع مقایسه نتایج را با سایر مطالعات دشوار می‌کند. پژوهش گادور، ترولود، گوستاوسن و دیسکاس^۶ (۲۰۱۵) نشان دادند که روابط بین

-
1. Barber & Eckrich
 2. Dobrescu
 3. Gimeno, Castillo & Marcen
 4. Dawson & Phillips
 5. Erickson & Cote
 6. Gauthier, Trouilloud, Gustafsson & Descas

مربی و ورزشکار می‌تواند تأثیر معناداری بر افسردگی ورزشکاران داشته باشد؛ یعنی هرچه میزان رابطهٔ مربی با ورزشکاران بیشتر و صمیمی‌تر باشد، ورزشکاران با افسردگی کمتری روبه‌رو هستند. در واقع، نه‌تنها عملکرد شغلی مربیان، بلکه تمامی رفتارهای آن‌ها زیر نظر و ارزیابی است و ارزیابی نباید صرفاً بر اساس نتایج و تعداد برد و باخت‌ها انجام شود.

از متغیرهای دیگر تأثیرگذار بر عملکرد مربیان، موفقیت برنامه است. بسیاری از مدیران ورزشی این عامل را تنها معیار ارزیابی عملکرد مربیان ورزشی مدنظر قرار می‌دهند و موفقیت مربیان در کسب نتیجهٔ مناسب و برد در مسابقات، مدرک عمل آن‌ها در حفظ یا تغییر مربی تیم خواهد بود. در این پژوهش، گوئی‌های دیگری نیز در ارتباط با این عامل مدنظر قرار گرفته‌اند. اهمیت برنده‌شدن برای مربی موضوعی است که صرف‌نظر از میزان تلاش ورزشکاران، مورد توجه مربیان است. برخی از مربیان نیز به‌خاطر حفظ جایگاه خود تنها به دنبال کسب نتیجه هستند و تلاش فراوان بدون کسب نتیجه اهمیت چندانی برای آن‌ها نخواهد داشت (اسمعیلی و طالب پور، ۱۳۸۶). این مربیان سعی دارند جایگاه تیم را در جدول مسابقات حفظ کنند یا بهبود دهند؛ البته این هدف منوط به داشتن برنامه‌ای از پیش تعیین‌شده برای برد و کسب نتیجه در مسابقات است. اهمیت شرکت در رقابت‌های تدارکاتی از موارد دیگری است که در ارتباط با این عامل مورد توجه است و بدون شک مربیان باتجربه برای سنجش میزان آمادگی تیم خود به این موضوع توجه خاص دارند. اهمیت نتیجه‌گیری با ورزشکاران مبتدی از گوئی‌های دیگر این عامل است. با توجه به اینکه طول دوران دانشجویی محدود است و فاصلهٔ برگزاری المپیادهای دانشجویی دو سال است، در بیشتر دوره‌ها ورزشکاران جدیدی عضو تیم‌های ورزشی می‌شوند. بسیاری از این ورزشکاران دوران ورزشی خود را از زمان دانشجویی آغاز کرده‌اند و از آن‌ها به‌عنوان ورزشکاران مبتدی یاد می‌شود. حال، نتیجه‌گرفتن با این ورزشکاران و میزان استفاده از آن‌ها در ترکیب تیم ورزشی دانشگاه موضوعی است که به نظر مربیان بستگی دارد. اگر نتیجه‌گیری برای مربیان بسیار با اهمیت باشد، معمولاً سعی خواهند کرد در حد توان از ورزشکاران با سابقه و تجربهٔ بیشتر در ترکیب تیم استفاده کنند؛ ولی مربیانی که کسب تجربهٔ ورزشکاران برایشان در اولویت باشد، معمولاً این فرصت را در اختیار ورزشکاران دانشجو قرار می‌دهند. مک‌لین (۱۹۹۶) بیان کرد که دیدگاه مدیران و مربیان نسبت به موفقیت برنامه تفاوت معناداری با یکدیگر دارد و از نظر مدیران، این عامل اهمیت بیشتری دارد. برخی پژوهشگران اشاره کردند که از نظر ورزشکاران، داشتن راهبردهای بازی با هدف کسب نتیجه، مهم‌ترین بعد مورد نیاز یک مربی است (میرز، بوچامپ و چیس، ۲۰۱۱). ماتر و پاولفسکی^۲ (۲۰۱۴) معتقدند که موفقیت برنامه‌های یک تیم در سطح حرفه‌ای باعث افزایش تقاضا

-
1. Myers, Beauchamp & Chase
 2. Mutter & Pawlowski

در مشارکت ورزشی در سطح مبتدی می‌شود. اگر چنین چیزی در تیم‌های ورزشی دانشگاهی مصداق داشته باشد، می‌توان مدعی شد که موفقیت برنامه در تیم‌های ورزشی دانشگاه باعث ایجاد انگیزش و افزایش مشارکت دانشجویان غیرورزشکار یا ورزشکاران مبتدی می‌شود که افزایش حضور یکی از اهداف اصلی مدیران و مسئولان ورزشی دانشگاه‌ها است.

حمایت از الگوی دانشجوی- ورزشکار با مقدار ویژه $1/805$ و تبیین $7/51$ درصد از واریانس عملکرد مربیان از فاکتورهای دیگر بررسی شده در پژوهش حاضر بود. یک مربی ورزشی باید درک کند که در محیط دانشگاهی مشغول به فعالیت شده است؛ محیطی که شرایط متفاوتی از محیط‌های ورزشی خارج از دانشگاه دارد و جو علمی حاکم بر محیط دانشگاه بر محیط‌های ورزشی نیز تأثیرگذار است. رعایت ادب، اخلاق و فرهنگ علمی از ویژگی‌هایی است که مربی باید به اهمیت آن پی ببرد و با توجه به آن عمل کند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، اغلب ورزشکاران در تیم‌های دانشگاهی سابقه کمی دارند و میزان به‌کارگیری آن‌ها در تیم‌های ورزشی به فلسفه کار مربی بستگی دارد. یکی از گویه‌های این عامل، انتظار مربی از ورزشکاران برای حفظ تلاش‌های علمی است؛ متغیری که شاید مربیان خارج از فضای دانشگاه هیچ توجهی به آن نداشته باشند؛ یعنی مربی دانشگاهی به اهمیت کسب علم و دانش توسط ورزشکاران واقف باشد. توصیه‌هایی که مربی به ورزشکاران در جهت حفظ و تقویت بنیه علمی می‌کند و همراهی و کمک به آن‌ها در ایجاد فرصت‌های یادگیری علمی، نشانگر میزان اهمیت این متغیر نزد مربی است. همچنین، با توجه به فرهنگ دانشگاهی، ضرورت رعایت نکات و آداب اخلاقی برای مربیان ضروری است. در این دسته از مربیان، داشتن ورزشکارانی که دارای مهارت ورزشی باشند، ولی فاقد شایستگی‌های لازم برای کسب علم و تحصیل باشند قابل قبول نیست. همان‌طور که ذکر شد، با توجه به اینکه این فاکتورها مختص جامعه دانشگاهی هستند، پژوهش‌های چندانی برای مقایسه نتایج یافت نشدند. اسمعیلی و طالب پور (۱۳۸۶) در بررسی خودارزیابی مربیان ورزش دانشگاهی در رشته‌های انفرادی و تیمی نشان دادند که در هر دو دسته ورزش در محیط دانشگاهی، توجه به عامل تحصیلات و اهمیت کار با قشر دانشجویی برای مربیان اهمیت دارد. رزانيا و جرنی (۲۰۱۴) در بررسی ارتباطات بین ورزشکار- دانشجوی و مربیان خود بیان کردند که وجود تعهد در مربیان باعث بهبود اشتراک اطلاعات، تمرین و تشویق کار تیمی و شکل‌دهی به روابط می‌شود. افزون‌براین، به‌کارگیری و جذب نیروهای جدید ماهر فاکتوری است که می‌تواند نقش مهمی در کسب نتیجه یک تیم ورزشی داشته باشد. درواقع، این عامل بدین مسئله می‌پردازد که یک مربی در سطح تیم دانشگاه به چه میزان به جذب دانشجویان ورزشکار در سطح خوب اهمیت می‌دهد؛ این دانشجویان می‌توانند در داخل یا خارج از دانشگاه تحصیل کنند. در برخی مواقع، مشاهده می‌شود دانشجویانی در دانشگاه وجود دارند

که رغبتی برای حضور در تیم ورزشی دانشگاه ندارند. این بازیکنان ممکن است عضو باشگاه‌های مختلف ورزشی غیردانشگاهی باشند. مربیان می‌توانند با شناسایی این بازیکنان و تلاش برای جذب و به‌کارگیری آنان، به ارتقای سطح کیفی تیم دانشگاه کمک کنند. همچنین، بورس‌های تحصیلی که دانشگاه‌ها به ورزشکاران قهرمان و مدال‌آور می‌دهند، می‌تواند ورزشکارانی باکیفیت را در اختیار مربیان قرار دهد. همچنین، تقاضایی که برخی ورزشکاران دانشگاه‌های دیگر برای انتقال به سایر دانشگاه‌ها دارند، این امکان را در اختیار مربی تیم دانشگاه می‌دهد تا بتواند بازیکنان بهتری داشته باشد. میزان تلاش و اهمیتی که مربی در این بین به کار می‌برد، نشان‌دهنده اهمیت این عامل برای مربی است. اسمعیلی (۱۳۸۸) نشان دادند که در مورد به‌کارگیری دانشجویان نخبه ورزشکار، بین دیدگاه مربیان و مدیران ورزشی تفاوت معناداری وجود دارد و مربیان به جذب این دانشجویان بسیار اهمیت می‌دهند؛ زیرا، عقیده دارند این بازیکنان می‌توانند در کسب نتیجه مطلوب بسیار تأثیرگذار باشند؛ اگرچه مدیران اهمیت کمتری برای این عامل قائل هستند. بلدگت و چینک (۲۰۱۵) در پژوهشی که روی ورزشکاران دانشجوی رشته‌های انجام دادند، نتیجه گرفتند که به‌کارگیری همیشگی ورزشکاران در مسابقات به‌عنوان بازیکن ذخیره، اعتماد به نفس آن‌ها را تنزل خواهد داد و لازم است در برخی مواقع به‌عنوان بازیکن ثابت از بازیکنان ذخیره استفاده شود؛ از این رو، به مربیان نیز توصیه می‌شود در مسابقاتی که اهمیت کمتری به لحاظ نتیجه برای تیم دارد، از بازیکنان ذخیره به‌طور ثابت استفاده کنند. براون و همکاران (۲۰۱۵) پیشنهاد می‌کنند که برای جذب و به‌کارگیری ورزشکاران نخبه در یک تیم ورزشی، دانشگاه علاوه بر شناخت موانع موجود در این راه، باید به رفع نیازهای شخصی ورزشکاران مثل آگاهی‌های شخصی و نیازهای خارجی همچون انعطاف‌پذیری علمی، حمایت‌های اجتماعی و مالی توجه داشته باشد.

مهارت‌های مالی نیز از جمله مسائلی هستند که عملکرد مربیان را تبیین کردند. کمبود بودجه و مشکلات مالی چندین سال است که با توجه به تحریم‌هایی که کشور با آن‌ها روبه‌رو است، در ورزش مطرح هستند که ورزش دانشگاهی نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ به‌طوری‌که در بسیاری از موارد تیم‌های ورزشی حتی برای اعزام به مسابقات دانشگاهی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شوند. بسیاری از مربیان معتقدند که مهارت‌های مالی به وظایف مربی مرتبط نیستند و مدیران تیم‌های ورزشی باید این تکلیف را انجام دهند؛ در صورتی که طبق نظر مدیران دانشگاهی، مربیان باید به‌دنبال کسب این مهارت باشند (اسمعیلی و طالب پور، ۱۳۸۶). با توجه به اینکه در بسیاری از تیم‌های ورزشی دانشگاهی، ساختاری همچون تیم‌های باشگاهی در سطح حرفه‌ای وجود ندارد، بسیاری از وظایف به‌صورت مختلط با هم انجام می‌شوند و تفکیک وظایف به‌درستی وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد که در

سطح تیم‌های دانشگاهی، مربی، خود باید تا حدود زیادی به دنبال جذب منابع مالی برای تیم باشد. این وظیفه نیز با ارائه گزارش‌های منظم و برنامه‌های مدون از هزینه‌های مورد نیاز و هزینه‌های انجام شده برای تیم و نیز داشتن ارتباط و تعامل مناسب با مدیران دانشگاه امکان‌پذیر خواهد بود؛ البته در صورتی که امکان جذب حامی مالی برای تیم وجود داشته باشد، مربی می‌تواند خود به ایجاد ارتباط با حامیان با هماهنگی مسئولان ورزشی دانشگاه اقدام کند. در واقع، مربیان می‌توانند در برنامه‌ریزی‌های تیمی، برای امور مالی نیز هدف‌گذاری کنند و راه‌های دستیابی به این هدف را طراحی کنند و در نهایت، میزان کار انجام شده را ارزیابی کنند و اصلاحات لازم را انجام دهند. میزان اهمیتی که این کار برای مربیان ورزشی دانشگاهی دارد، نشان‌دهنده اهمیت این مهارت در عملکرد مربیان است که در این پژوهش همچون برخی دیگر از متغیرها تأثیرگذاری زیادی نداشته است؛ یعنی مربیان عقیده دارند باید تمرکز خود را بر سایر امور تیم همچون تمرینات و غیره قرار دهند و انجام امور مالی را به افراد دیگر واگذار کنند که این یافته با نتایج پژوهش اسمعیلی (۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد؛ البته موضوع کمبود منابع مالی تنها به کشور ایران محدود نیست و در برخی کشورهای پیشرفته نیز گاهی ملاحظه می‌شود. ویکر و بروئر^۱ (۲۰۱۱) در بررسی باشگاه‌های غیرانتفاعی کشور آلمان نشان دادند که باشگاه‌ها همواره با کمبود برخی منابع همچون منابع انسانی، منابع مالی و منابع تجهیزاتی روبه‌رو هستند. همچنین، وی بیان کرد که باشگاه‌ها باید در پی افزایش منابع درآمدی خود باشند که حق عضویت، حق خدمات، هدیه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی می‌توانند از جمله این راهکارها باشند. مدیریت ورزش دانشگاه‌ها نیز باید در پی تنوع منابع درآمدی خود باشد که مربیان در این بین می‌توانند در برخی از راهکارها ایفای نقش کنند. برت و اسلک^۲ (۲۰۰۱) از طریق مصاحبه با کارشناسان بازاریابی سازمان‌های ورزشی غیرانتفاعی کانادا دریافتند که فعالیت‌های رسانه‌ای و نرخ مشارکت دو عامل مهمی هستند که موجب جذب حامیان به تیم‌های ورزشی می‌شوند. یک مربی می‌تواند با حضور پررنگ خود در رسانه‌های مختلف و ارتباط مناسب موجب جذب حامیان به‌خاطر حضور آن مربی در تیم ورزشی شوند. همچنین، مربیان محبوب هواداران ویژه خود را دارند و بسیاری از هواداران به‌خاطر شخصیت مربی، علاقه‌مند به هواداری از تیم ورزشی می‌شوند. پیشنهاد می‌شود که مربیان تیم‌های ورزشی دانشگاهی نیز با استفاده از ابزارهای مختلفی که در اختیار دارند، سعی کنند منابع مالی را برای تیم ورزشی خود جذب کنند. نتایج تحلیل عاملی با استفاده از نرم‌افزار آموس بیانگر این بود که شاخص‌های به‌دست آمده از طراحی مدل، قابل دفاع و معنادار است؛ یعنی فاکتورهای مطرح شده در این پژوهش می‌توانند به‌عنوان مدلی در ارزیابی عملکرد مربیان ورزشی دانشگاه‌های کشور به‌کار گرفته شوند. برای

1. Wicker Breuer
2. Berrett & Slack

بررسی معناداری ارتباط بین متغیرهای مشاهده‌شده (سؤال‌ها) و متغیرهای مکنون (عامل‌ها) نمی‌توان براساس بزرگی یا کوچکی ضرایب قضاوت کرد؛ بلکه باید از شاخص تی برای تعیین معناداری این ضرایب مسیر استفاده کرد (کلاین، ۲۰۱۱، ۱۰۲). مشاهده پارامترها و شاخص تی (این شاخص در نرم‌افزار آموس با C.R. نشان داده می‌شود) درمورد رابطه بین سؤال‌ها با خرده‌مقیاس‌های مربوط، نشان می‌دهد که مقدار تی در همه سؤال‌ها بالاتر از ۱/۹۶ بوده است که حاکی از وجود رابطه معنادار بین سؤال‌ها و عامل‌های مربوط است؛ به گونه‌ای که همه متغیرهای مشاهده‌شده (سؤال‌ها) قادر به پیش‌گویی عامل‌های خود هستند که درنهایت، عامل‌ها نیز می‌توانند عملکرد مربیان ورزشی دانشگاهی را پیش‌بینی کنند. همچنین، رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از برتری مهارت‌های ارتباطی و دانش فنی حکایت داشت که باید در ارزیابی عملکرد توجه بیشتری به آن شود؛ اگرچه با توجه به موقعیت، سایر فاکتورها نیز باید مدنظر قرار گیرند. به مدیران ورزشی دانشگاه توصیه می‌شود که با توجه به نتایج و مدل مستخرج از پژوهش، از به‌کارگیری و استخدام مربیان تیم‌های ورزشی دانشگاه استفاده کنند. همچنین، مربیانی که هم‌اکنون در خدمت تیم‌های ورزشی دانشگاه هستند، از ابعاد مختلف مطرح‌شده در پژوهش و نتایج آن استفاده کنند.

منابع

- Ahmadi, A. (1998). Study of the abilities and performance of sports instructors of universities of the country. (Unpublished master's thesis). Tarbiat Modarres University, Tehran. (Persian).
- Barber, H., & Eckrich, J. (1998). Methods and criteria employed in the evaluation of intercollegiate coaches. *Journal of Sport Management*, 12(4), 301-322.
- Berrett, T., & Slack, T. (2001). A framework for the analysis of strategic approaches employed by non-profit sport organizations in seeking corporate sponsorship. *Sport Management Review*, 4(1), 21-45.
- Blodgett, A., & Schinke, R. (2015). "When you're coming from the reserve you're not supposed to make it": Stories of aboriginal athletes pursuing sport and academic careers in "mainstream" cultural contexts. *Psychology of Sport and Exercise*, 21, 115-125.
- Brown, D., Fletcher, D., Henry, I., Borrie, A., Buzza, A & Simon Wombwell, S. (2015). A British university case study of the transitional experiences of student-athletes. *Psychology of Sport and Exercise*. 21, 78-90.
- Dawson, A., & Phillips, P. (2013). Coach career development: Who is responsible? *Sport Management Review*, 16(4), 477-487.
- Dobrescu, T. (2014). The role of non-verbal communication in the coach-athlete relationship. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 149, 286-291.
- Drakou, A., Kambitsis, C., Charachousou, Y. & Tsetzis, G. (2006). Exploring life satisfaction of sport coaches in Greece. *European Sport Management Quarterly*, 6(3), 239-252.

9. Ensminger, D., Kallemeyn, L., Rempert, T., Wade, J & Polanin, M. (2015). Evaluation and program planning. A case study of an evaluation coaching model: Exploring the role of the evaluator, *Evaluation and Program Planning* 49, 124–136.
10. Erickson, K., & Côté, J. (2015). A season-long examination of the intervention tone of coach-athlete interactions and athlete development in youth sport. *Psychology of Sport and Exercise*. 22:264-272.
11. Esmaili, M., & Talebpour, M. (2008). Prioritization and evaluation of coaching dimensions in sports teams of universities of the country. *Journal of Research in Sport Sciences*, 16, 92-106. (Persian).
12. Esmaili, M., & Talebpour, M. (2010). Comparison of self-evaluation of the performance of sports coaches in individual and group disciplines of the universities of the country. *Sport Management and Motor Behavior*, 8, 123-136. (Persian).
13. Gallo, J., & De Marco, G. (2008). Self-assessment and modification of a division strength and conditioning coach's instructional behavior. *Journal of Strength and Conditioning Research*, 22(4), 1228-1235.
14. Gauthier, S., Trouilloud, D., Gustafsson, H., & Guillet-Descas, E. (2015). Associations between the perceived quality of the coach–athlete relationship and athlete burnout: An examination of the mediating role of achievement goals. *Psychology of Sport and Exercise*, 22, 210–217.
15. Gimeno, F., Castillo, R., Marcen, C. (2012). Psychological Skills Evolution during a Sport Season of Coaches of Women's Handball Teams. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. Volume 82, Pages 727–729.
16. Gordon, D. A. (2009). *Coaching science*. Exeter, Sage publication.
17. Graham, A., & Renshaw, B. (2005). *Super coaching: The missing ingredient for high performance*. London: Random House Business.
18. Hardman, A., Jones, C., & Jones, R. (2010). Sports coaching, virtue ethics and emulation. *Physical Education and Sport Pedagogy*, 15(4), 345-359.
19. Kaya, A. (2014). Decision making by coaches and athletes in sport. *Social and Behavioral Sciences*. 152, 333 – 338.
20. Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York: Guilford Press.
21. Kohandel, M. (2002). Determine and prioritize the criteria for selecting national team coaches in several team exercises. *Olympic Journal*, 21, 17-28. (Persian).
22. Le Roux, K. (2007). Motivational strategies of sport coaches in South Africa. *South African Journal for Research in Sport, Physical Education and Recreation*, 29(2), 83-95.
23. Lu, F., Horng, G. (2015). Interaction of athletes' resilience and coaches' social support on the stress-burnout relationship: A conjunctive moderation perspective. *Psychology of Sport and Exercise*, 22, 202–209.
24. Maclean, J. (1996). Factors considered important for evaluation Canadian university athletic coaches, *Journal of Sport Management*, (10), 446-462.
25. Moen, F., & Federici, R. A. (2013). Coaches' coaching competence in relation to athletes' perceived progress in Elite sport. *Journal of Education and Learning*, 2(1), 240-252.

26. Mohammadi, S., Izadi, B., & Salehi, N. (2011). Attitudes of the national tennis coaches towards the role and importance of it in sport. *Sport Management International Journal*, 7(2), 19-35. (Persian).
27. Mutter, F., & Pawlowski, T. (2014). Role models in sports – Can success in professional sports increase the demand for amateur sport participation? *Sport Management Review*, 17(3), 324–336.
28. Myers, N. D., Beauchamp, M. R. & Chase, M. A. (2011). Coaching competency and satisfaction with the coach: A multi-level structural equation model. *Journal of Sports Sciences*, 29(4), 411-422.
29. Plessner, H., Unkelbach, C., Memmert, D., Baltes, A., & Kolb, A. (2009). Regulatory fit as a determinant of sport performance: How to succeed in a soccer penalty shooting. *Psychology of Sport and Exercise*, 10, 108-115.
30. Ramezani Nejad, R., Rezaei, M., Khosravi, A & Mollaei, M. (2014). Comparison of the indicators of the performance evaluation of club coaches from the point of view of experts, athletes and coaches. *Sport management*. 5 (2), 191-214.
31. Rezania, D., & Gurney, R. (2014). Building successful student-athlete coach relationships: Examining coaching practices and commitment to the coach. *Springerplus*, 3(383), doi: 10.1186/2193-1801-3-383.
32. Shermene, M. A. (1999). Investigate of youth sport coach behavior. *Journal of Sport Management*, 2(3), 27-35.
33. Shimazaki, T., & Kikkawa, M. (2015). A study of nonverbal communication by coaches: Relationships between communication ability and coaching evaluation. *International Journal of Sport and Health Science*, 13, 43-60.
34. Smith, A., Roberts, J., Wallace, E., & Forrester, S. (2012). Professional golf coaches' perceptions of the key technical parameters in the golf swing. *Procedia Engineering*, 34, 224–229.
35. Szabo, A. S. (2012). What is the meaning of sport coaching? Expectations, possibilities, realities. *Sport Scientific & Practical Aspects*, 9(2), 39-44.
36. Tabrizi, R. (2003). Prioritizing some of the trainer's characteristics from the viewpoint of national level instructors and wrestlers. *Journal of Motion*, 11, 119-131.
37. Teodorescu, S., & Urzeala, C. (2013). Management tools in sports performance. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 81, 84-88.
38. Trudel, P., Cote, J., & Bernard, D. (1996). Systematic observation of youth Ice Hockey coaches during games. *Journal of Sport Behavior*, 19, 50-65.
39. Vella, S. A., Crowe, T. P., & Oades, L. G. (2013). Increasing the effectiveness of coach education: Evidence of a parallel process. *International Journal of Sports Science and Coaching*, 8(2), 417-430.
40. Wicker, P., & Breuer, C. (2011). Scarcity of resources in German non-profit sport clubs. *Sport Management Review*, 14(2), 188–201.

استناد به مقاله

اسماعیلی، محسن، رضایی، شمس‌الدین. (۱۳۹۷). شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های عملکردی مربیان ورزش دانشگاهی ایران (مطالعه موردی: المپیاد دانشجویی). پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۳۱-۵۲. شناسه دیجیتال: 0.22089/RES.2017.4330.1313

Esmaeili, M., Rezaei, S. (2019). Identifying and Assessing the Performance of University Sport Coaches in Iran (Case Study: Student Olympiad). Research on Educational Sport, 6(15): 31-52. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.4330.1313

اثر سبک‌های تدریس معلمان تربیت‌بدنی بر هدف‌مداری ورزشی دانش‌آموزان

محسن لقمانی^۱، مهدیقلی قلی‌دهنه^۲، مجتبی حسن‌نژاد^۳

۱. استادیار مدیریت ورزشی مؤسسه آموزش عالی شفق تنکابن*

۲. کارشناسی‌ارشد مدیریت ورزشی مؤسسه آموزش عالی شفق تنکابن

۳. استادیار مدیریت ورزشی مؤسسه آموزش عالی شفق تنکابن

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک‌های تدریس معلم‌محور، بینابینی و دانش‌آموز‌محور معلمان تربیت‌بدنی در هدف‌مداری (تکلیف‌مداری و خودمداری) ورزشی دانش‌آموزان در کلاس تربیت‌بدنی، طراحی شده است. در این پژوهش نیمه‌تجربی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، ۶۶ دانش‌آموز پسر پایه پنجم ابتدایی و سه معلم تربیت‌بدنی از مدارس شهرستان کلاله به صورت تصادفی انتخاب شدند و در سه گروه سبک تدریس معلم‌محور (۲۱ نفر)، بینابینی (۲۳ نفر) و دانش‌آموز‌محور (۲۲ نفر) قرار گرفتند. دانش‌آموزان هر گروه در سه مرحله شروع، هفته پنجم و هفته دهم به پرسش‌نامه استاندارد هدف‌مداری (کامینگ و همکاران، ۲۰۰۸) پاسخ دادند. آزمون اندازه‌گیری مکرر نشان داد که تکلیف‌مداری و خودمداری در دانش‌آموزان آموزش‌دیده به سبک تدریس معلم‌محور کاهش معناداری داشتند. درمقابل، دانش‌آموزانی که از معلم خود به سبک تدریس دانش‌آموز‌محور آموزش دیده بودند، خودمداری آن‌ها افزایش یافت؛ درحالی‌که بعد از ۱۰ هفته تکلیف‌مداری روبه‌افول رفت. در مکانیسم هدف‌مداری، تغییرات در هریک از محیط‌های ورزشی (باشگاه درمقابل مدرسه)، نوع افراد (حرفه‌ای درمقابل مبتدی) و سایر عوامل کلیدی متفاوتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بهترین سبک تدریس برای هدف‌مداری دانش‌آموزان در کلاس تربیت‌بدنی مدارس، سبک بینابینی است.

واژگان کلیدی: سبک تدریس، هدف‌مداری، خودمداری، تکلیف‌مداری، کلاس تربیت‌بدنی.

مقدمه

برای ارتقای ورزش هر کشور، مدل‌های سلسله‌مراتبی فراوانی ارائه شده‌اند که به درک چگونگی توسعه ورزش کمک کرده‌اند. این مدل‌ها عمدتاً از چهار بخش ورزش تربیتی، ورزش همگانی و تفریحی، ورزش قهرمانی و ورزش حرفه‌ای تشکیل شده‌اند. براساس مدل سلسله‌مراتبی توسعه ورزش مول، بایلس و جمیسون^۱ (۲۰۰۵)، بیشترین سطح مشارکت در قاعدهٔ هرم (ورزش تربیتی) است و با نزدیک شدن به رأس هرم (ورزش حرفه‌ای) از تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش کاسته می‌شود. این مدل و سایر مدل‌های مشابه نشان می‌دهند که ورزش پایه به‌ویژه در سطح آموزشگاهی از اهمیت زیادی برخوردار است. به‌عبارت‌دیگر، در این سطح از ورزش است که انگیزه‌ها و تمایلات ورزشی دانش‌آموزان شکل می‌گیرند و آن‌هایی که در ورزش‌های فوق‌برنامه شرکت می‌کنند (به‌ویژه رشته‌های تیمی)، علائم اضطراب اجتماعی کمتر و رفتارهای اجتماعی بهتری را از خود در کلاس درس نشان می‌دهند (شوماشردیمچ و سیلر^۲، ۲۰۱۱).

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه انگیزش و شاخص‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان در زنگ ورزش و درس تربیت‌بدنی مدارس نشان می‌دهند که هدف‌مداری و ارزش‌های موفقیت عناصر کلیدی برای موفقیت دانش‌آموزان به‌شمار می‌روند؛ برای مثال، دیاکونا-قراسیم و مارین^۴ (۲۰۱۶) نشان دادند که هدف‌مداری به‌طور معناداری نقش میانجی در رابطهٔ بین سبک‌های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا کرده است؛ از این‌رو، هدف‌مداری در مرکز ثقل اکثر موفقیت‌های دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشگاهی و تربیت‌بدنی قرار دارد (اسپرای و واربرتون^۵، ۲۰۱۱) و حتی زاهاریادیس و بیدل^۶ (۲۰۰۰) کارایی نظریهٔ اهداف موفقیت^۷ را علاوه بر سایر مدل‌ها و نظریه‌ها (مانند مدل ۲×۲^۸، الیوت و مک‌گریگور، ۲۰۰۱) برای بررسی انگیزه‌های مشارکت ورزشی دانش‌آموزان در تربیت‌بدنی مدارس نشان دادند. به‌طور کلی، مهم‌ترین مؤلفهٔ نظریهٔ اهداف موفقیت، هدف‌مداری است. طبقه‌بندی‌های مختلفی برای تفکیک هدف‌مداری افراد وجود دارند؛ اما در بین پژوهشگران دو هدف به توافق عمومی رسیده‌اند: اولین هدف، بر چگونگی یادگیری مهارت و استاد شدن در آن فعالیت متمرکز است

-
1. Mull, Bayless & Jamieson
 2. Extra-Curricular Sport
 3. Schumacher Dimech & Seiler
 4. Diaconu-Gherasim & Mairean
 5. Spray & Warburton
 6. Zaharadis & Bidlle
 7. Achievement Goal Theory (AGT)
 8. The 2*2 Modified Framework of Achievement Goal
 9. Elliot & McGregor

که به تکلیف‌مداری معروف است؛ دومین هدف، به مقایسه‌ای که فرد از توانایی‌های خود نسبت به دیگران انجام می‌دهد، اشاره می‌کند که به آن خودمداری می‌گویند (نیکولز، ۱۹۸۹). مطالعات نشان داده‌اند که افراد خودمدار بیشتر با انگیزه‌هایی از قبیل رقابت، کسب مقام و اثبات توانایی‌های خود نسبت به دیگران، به فعالیت ورزشی روی می‌آورند؛ در حالی که افراد تکلیف‌مدار بر توسعه آمادگی و انجام ماهرانه مهارت‌ها تأکید می‌کنند (بنار و لقمانی، ۲۰۱۴). همچنین، افرادی که جو انگیزشی عملکردی را از دیگران درک کرده‌اند موجب تعلق به خودمداری می‌شوند و برعکس. در مطالعات دیگر، نقش مربی و معلم ورزش نیز به مثابه حامیان اجتماعی ارزشمند بررسی شده است (کیگان، هاروود، اسپری و لاولی، ۲۰۰۹).

جدا از عوامل کلیدی اثرگذار بر هدف‌مداری دانش‌آموزان در محیط مدرسه، معلمان تربیت‌بدنی نقش برجسته‌تری در هدف‌مداری و انگیزه‌های ورزشی دانش‌آموزان دارند؛ برای مثال، مک‌دیوید، کاکس و آموروس (۲۰۱۲) نشان دادند که حمایت مستقل، درگیری و مدل‌سازی معلمان ورزش اثر معناداری بر انگیزه خودتنظیمی برای فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت در میان دانش‌آموزان کلاس ششم تا هشتم می‌گذارد. به همین دلیل، بسیاری از کشورها معلمان و اساتید تربیت‌بدنی را در ابعاد مختلف تعلیم می‌دهند تا اثربخشی تدریس آن‌ها افزایش یابد (مک‌اووی، مک‌فیل و هکینارو-جانسون، ۲۰۱۵). آنچه معلمان تربیت‌بدنی برای اثربخشی موفقیت ورزشی دانش‌آموزان به آن نیاز دارند، استفاده درست از سبک‌های تدریس است؛ زیرا، هریک از سبک‌های تدریس دارای بازخوردهای منحصربه‌فردی هستند که می‌توانند نگرش‌ها، تمایلات و انگیزه‌های ورزشی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهند. مطالعات قبلی نیز نشان می‌دهند که ارائه بازخورد تکلیف‌مداری و خودمداری از جانب حامیان اجتماعی (مانند والدین، مربیان و همسالان) نقش تعیین‌کننده‌ای در هدف‌مداری و عملکرد نوجوانان ورزشکار دارد (کیگان و همکاران، ۲۰۰۹؛ گرشگورن، تننباوم، گرشگورن و اکلوند، ۲۰۱۱).

به هر حال، نباید از این نکته غفلت کرد که علاوه بر سایر پیشایندها، بازخوردهای معلمان تربیت‌بدنی که در قالب سبک‌های تدریس نهفته هستند، عاملی برای پیشرفت ورزشی دانش‌آموزان به شمار می‌روند؛ مثلاً بازخورد مبتنی بر آگاهی از خطا، بازخورد مبتنی بر شناسایی خطا و بازخورد مبتنی بر

-
1. Task Orientation
 2. Ego Orientation
 3. Nickolls
 4. Keegan, Harwood, Spray & Lavalley
 5. McDavid, Cox & Amorose
 6. McEvoy, MacPhail & Heikinaro-Johansson
 7. Gershgoren, Tenenbaum, Gershgoren & Eklund

شناسایی اصلاحات، پیام‌های اصلاحی مرتبط با تکلیف‌مداری و خودمداری هستند که معلمان تربیت‌بدنی با استفاده از سبک‌های تدریس از آن‌ها برای پیشرفت ورزشی دانش‌آموزان استفاده می‌کنند (موستون و آشورث، ۲۰۰۸، ۳۴)؛ البته سبک‌های مورد استفاده معلمان تربیت‌بدنی برگرفته از نظریه اسپکتروم سبک‌های تدریس^۲ ارائه شده به وسیله موستون هستند (موستون و آشورث، ۲۰۰۸، ۸). این نظریه ۱۱ سبک تدریس معلمان تربیت‌بدنی را معرفی کرده است که از معلم‌محور تا دانش‌آموز محور قرار دارد. همچنین، رضانی‌نژاد (۱۳۹۲) با استفاده از نظریه اسپکتروم سبک‌های تدریس موستون، روش‌های دستوری، تکلیف یا تمرین، هدایت گام‌به‌گام، حل مسئله و اکتشافی را ارائه کرد؛ به این ترتیب، سبک تدریس معلم‌محور شامل سبک‌های دستوری و تکلیف است و سبک تدریس دانش‌آموز‌محور شامل سبک‌های حل مسئله و اکتشافی است. براساس ادغام این طبقه‌بندی با سایر طبقه‌بندی‌های مرتبط باید بیان کرد که سبک تدریس معلم‌محور بر مبنای هدف بازتولید دانش قرار دارد؛ در حالی که سبک‌های تدریس بینابینی و دانش‌آموز‌محور مبتنی بر تولید دانش هستند (موستون و آشورث، ۲۰۰۸). همچنین، براساس نتایج مطالعات قبلی (هاروود و اسواین، ۱۹۹۸؛ گرشگورن و همکاران، ۲۰۱۱)، باید بیان کرد که دانش‌آموزان از طریق آموزش با سبک تدریس معلم‌محور عمدتاً بازخوردهای تکلیف‌مداری دریافت می‌کنند؛ اما اگر این آموزش هرچه به سمت سبک تدریس دانش‌آموز‌محور حرکت کند، احتمال درک دانش‌آموزان با بازخوردهای خودمداری بیشتر می‌شود؛ بنابراین، انتظار می‌رود که در سبک تدریس معلم‌محور، بازتولید دانش از طریق ارائه بازخوردهای تکلیف‌مداری معلمان اتفاق بیفتد و موجب تکلیف‌مداری دانش‌آموزان شود؛ حال آنکه در سبک تدریس دانش‌آموز‌محور، فرایند بازتولید دانش از طریق بازخوردهای خودمداری حاصل می‌شود. بازخوردهای معلمان تربیت‌بدنی آن‌چنان اهمیت دارند که پانگ و سونگ^۴ (۲۰۱۶) در پژوهش کیفی خود از بازخورد معلمان برای تحلیل دانش‌آموزان استفاده کردند و نشان دادند که معلمان تربیت‌بدنی بازخوردهای متفاوتی را برای دانش‌آموزان خود فراهم می‌کنند که عمدتاً بر پایه ایجاد خلاقیت و دانش‌آموز‌محوری است؛ با این حال، هنوز تلاش خاصی برای تعیین دقیق اثرهای سبک تدریس دانش‌آموز‌محور معلمان بر هدف‌مداری دانش‌آموزان انجام نشده است.

تمامی این پژوهش‌ها حاصل اینند که هریک از حامیان اجتماعی (مانند مربیان، والدین و دوستان همسن‌وسال) سهم بزرگی در نگرش و هدف‌مداری موفقیت ورزشی نوجوانان دارند؛ اما نکته مهم این است که تمامی این پژوهش‌ها در محیط‌های باشگاهی که مبتنی بر بردو باخت هستند و مدت زمان

-
1. Mosston & Ashworth
 2. Spectrum of Teaching Styles
 3. Harwood & Swin
 4. Pang & Soong

ارتباط بازیکن با مربی و دوستان کمتر از محیط‌های آموزشی است، انجام شده‌اند؛ درحالی که محیط‌های آموزشی مانند مدارس که مبتنی بر لذت‌بردن از فعالیت‌های ورزشی و نگرش مثبت نسبت به ورزش در طول عمر هستند و مدت زمان ارتباط دانش‌آموزان با مربی ورزش نیز زیاد است، سهم بزرگی در این نگرش‌ها و یادگیری ایفا می‌کنند. براساس این دیدگاه، در مدارس انتظار می‌رود که دانش‌آموزان درک بهتری از معلمان خود داشته باشند. به‌همین دلیل، اگر نگرش هدف‌مداری ورزشی افراد در محیط‌های آموزشی و مدارس به‌خوبی شکل گیرد، می‌توان انتظار داشت که ورزش در تمام طول عمر انجام شود و مشکلات کناره‌گیری قهرمانی ناشی از محیط‌های باشگاهی از بین روند. افزون‌براین، مطالعات گذشته بازخوردهای سبک تدریس معلمان تربیت‌بدنی را عمدتاً براساس ویژگی‌های خودمداری و موفقیت بررسی کردند؛ اما هنوز تلاش جدی در زمینه شناسایی دقیق این مکانیسم نشده است. به‌عبارت‌دیگر، هنوز به‌روشنی و براساس شواهد تجربی مشخص نیست که سبک تدریس دانش‌آموزمحور معلمان تربیت‌بدنی مدارس که در محیط آموزشی صورت می‌گیرد، چگونه می‌تواند هدف‌مداری ورزشی دانش‌آموزان را شکل دهد؛ البته براساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش می‌توان انتظار داشت که سبک تدریس دانش‌آموزمحور موجب خودمداری دانش‌آموزان در درس تربیت‌بدنی می‌شود؛ اما هنوز مشخص نیست که این تغییرات در چه زمانی و با چه شدتی در دانش‌آموزان ایجاد می‌شوند. درواقع، سؤال‌های اصلی پژوهش این هستند که هریک از سبک‌های تدریس معلم‌محور (فرضیه اول)، دانش‌آموزمحور (فرضیه دوم) و بینابینی (فرضیه سوم) چه اثرهایی بر هدف‌مداری (تکلیف‌مداری و خودمداری) ورزشی دانش‌آموزان در کلاس تربیت‌بدنی دارند؟ ازاین‌رو، پژوهش حاضر برای پاسخ به این سؤال‌ها و سایر چالش‌های موجود، به‌صورت نیمه‌تجربی طراحی شده است تا نسخه‌های کاربردی را برای معلمان تربیت‌بدنی و درنهایت، توسعه ورزش آموزشی و پرورشی تجویز کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش براساس روش تجربی و طرح نیمه‌تجربی با استفاده از آزمون اندازه‌گیری‌های مکرر طراحی شده است. همه دانش‌آموزان کلاس پنجم آموزشگاه‌های شهرستان کلاله جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در حال تحصیل در کلاس پنجم بودند که تعداد آن‌ها با استناد به استعلام سازمان مدارس آموزش و پرورش شهرستان کلاله، در زمان انجام پژوهش، ۲۰۰۰ نفر دانش‌آموز در قالب ۶۸ کلاس درس بود. از این تعداد، ۶۶ دانش‌آموز در سه گروه معلم‌محور (۸۴/۰ = انحراف استاندارد؛ ۱۱/۱۴ = میانگین سنی؛ ۲۱ = تعداد)، بینابینی (۶۵/۰ = انحراف استاندارد؛ ۱۱/۲۵ = میانگین سنی؛ ۲۳ = تعداد) و دانش‌آموزمحور (۹۳/۰ = انحراف استاندارد؛ ۱۱/۱۵ = میانگین سنی؛ ۲۲ = تعداد) تقسیم شدند. روش نمونه‌گیری با توجه به ماهیت تجربی بودن آن، به‌صورت تصادفی بود.

که برای پژوهش‌های تجربی این تعداد نمونه قابل قبول است؛ برای مثال، در پژوهش گرشگورن و همکاران (۲۰۱۱)، با استفاده از ۴۰ آزمودنی پژوهش تجربی طراحی شد. همچنین، لقمانی و عیدی (۱۳۹۵) از ۳۸ داور بین‌المللی، بازیکن نخبه و هواداران وفادار فوتبال برای طراحی پژوهش خود استفاده کردند. در واقع، در پژوهش‌های تجربی، اساس نمونه‌گیری بر تعداد آزمودنی‌ها متمرکز نیست؛ بلکه عمدتاً بر نحوه توزیع آن‌ها در گروه‌های آزمایش و شاهد است که اول اینکه، باید این تقسیم‌بندی‌ها تصادفی انجام شوند و دوم اینکه، بین آزمودنی‌های هر گروه، تفاوت معناداری در متغیر اندازه‌گیری شده وجود نداشته باشد. به همین دلیل، در این پژوهش نیز ابتدا نمونه‌ها از کلاس‌های مدارس درجه دوی شهرستان کلاله انتخاب شدند و به صورت کاملاً تصادفی به سه گروه تقسیم شدند. همچنین، برای اطمینان از تفاوت‌نداشتن آزمودنی‌ها در بین گروه‌ها، از آزمون تجزیه و تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. نتایج نشان داد که در ابتدای پژوهش، در نمرات هیچ‌کدام از گروه‌های تجربی پژوهش تفاوت معناداری وجود نداشت. در جدول شماره یک، نمرات مربوط به شروع متغیرهای هر گروه آمده است. معلمان تربیت‌بدنی هر سه گروه، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بودند که در سال ۱۳۸۹ وارد آموزش و پرورش شدند و در مدارس درجه دوی شهرستان کلاله به فعالیت مشغول شدند. این معلمان از نظر نژادی، فرهنگ و قومیت، طایفه، زبان و محل سکونت، با دانش‌آموزان یکسان در نظر گرفته شدند که همه آن‌ها، از نژاد ترکمن، اهل سنت و از طایفه گوگلان بودند که با زبان ترکمنی صحبت می‌کردند.

از آنجایی که پژوهش حاضر بر مبنای آزمایش اثر سبک‌های سه‌گانه معلمان بر هدف‌مداری ورزشی دانش‌آموزان طراحی شده بود، سه دستورالعمل برای آموزش تربیت‌بدنی به دانش‌آموزان در نظر گرفته شد. این دستورالعمل‌ها مبتنی بر مفاد ۱۱ گانه سبک‌های تدریس موستون و آشورث (۲۰۰۸) بودند. برای یکسانی در مهارت‌های آموزشی، تمامی معلمان در زنگ ورزش، مهارت‌های مختلف ورزش فوتبال را به دلیل رایج بودن این رشته ورزشی آموزش دادند. در سبک تدریس معلم‌محور، معلم مهارت‌ها را به اجزای کوچک تقسیم می‌کند و نحوه اجرای درست را نشان می‌دهد. سپس، هر دانش‌آموز باید پس از تمرین و ارائه بازخورد توسط معلم، دوستان و خودش، همان مهارت را که معلم نشان داده بود، دقیقاً اجرا کند. نمونه‌ای از پیام‌های معلم در این سبک بدین صورت بود: من از دیدن ضربه پنالتی تو متوجه شدم که بیشتر روی این موضوع تمرکز داری که بیشتر از بقیه امتیاز کسب کنی؛ درحالی‌که پای تکیه‌گاه تو در جای مناسبی قرار نداشت و اصول را رعایت نکردی. باید دقیقاً همان کاری را

۱. منظور از مدارس درجه دو مدارسی هستند که از نظر برخورداری از امکانات ورزشی و مسافت آن‌ها به شهر، توسط اداره آموزش و پرورش شهرستان کلاله ارزیابی شدند.

در حین اجرا انجام دهی که من انجام دادم. گل‌زدن و کسب امتیاز زیاد مهم نیست؛ بلکه نحوه صحیح انجام مهارت مهم است.»

براساس مفاد دستورالعمل سبک تدریس بینابینی، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد راه‌حلی برای یک مشکل حرکتی کشف کنند. همه دانش‌آموزان راه‌حل‌ها را بیان می‌کنند تا در نهایت به راه‌حل معلم برسند. نحوه تدریس در این سبک طوری است که هم بر تکلیف‌مداری و هم بر خودمداری دانش‌آموزان تأکید می‌شود. نمونه‌ای از پیام معلم در این سبک این بود: «من از دیدن ضربه پنالتی تو متوجه شدم که بدون هدف مهارت را اجرا می‌کنی. باید روی این موضوع تمرکز داشته باشی که بیشتر از بقیه امتیاز کسب کنی و درعین حال، با تمرین و تکرار بتوانی نحوه صحیح مهارت را اجرا کنی.»

دستورالعمل آخر مربوط به سبک تدریس دانش‌آموزمحور بود. براساس این سبک از تدریس، معلم بهترین راه را برای اجرای مهارت انتخاب و معرفی می‌کند؛ اما هر دانش‌آموز با توجه به تجربه یادگیری خود و راهنمایی معلم، یک برنامه فردی برای خودش طراحی می‌کند و در نهایت خود دانش‌آموز برای یادگیری مهارت‌های دیگر تصمیم می‌گیرد. نمونه‌ای از پیام‌های معلم در این سبک این بود: «من از دیدن ضربه پنالتی تو متوجه شدم که بیشتر روی این موضوع تمرکز داری که دقیقاً همان اجرای من را انجام دهی؛ درحالی که من انتظار دارم راه‌های دیگری را برای ضربه پنالتی امتحان کنی و امتیاز بیشتری نسبت به بقیه به دست بیاوری. انجام مهارت دقیقاً همانند من زیاد مهم نیست؛ بلکه امتیاز بیشتر و خلاقیت در اجرا اهمیت دارد.» مکانیسم‌های تدریس برای هر سه گروه آزمایش به مدت ۱۰ هفته و در ۳۰ جلسه (هر هفته سه جلسه) تکرار شدند تا در نگرش و اجرای دانش‌آموزان به‌خوبی شکل بگیرند.

جمع‌آوری داده‌های خام پژوهش با استفاده از یک پرسش‌نامه استاندارد انجام شد. در مطالعه حاضر نیز پرسش‌نامه‌ای جی.اس.وای.اس با ۱۲ سؤال (شش سؤال مربوط به تکلیف‌مداری و شش سؤال مربوط به خودمداری) و مقیاس پنج‌ارزشی لیکرت درمیان دانش‌آموزان توزیع شد (پیوست شماره یک). پرسش‌نامه ذکرشده در پژوهش کامینگ، اسمیت، اسمولب، استانتگا و گروسبارد (۲۰۰۸) از اعتبار و پایایی موردقبولی برخوردار بود. روایی ابزار پژوهش به وسیله ۱۱ نفر از اساتید، دانشجویان دکتری و بعضی از آزمودنی‌ها، بررسی و تأیید شد. همچنین، برای بررسی پایایی درونی سؤال‌های پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج این ضریب برای زمان شروع، هفته پنجم و هفته دهم، به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ به دست آمد که پایایی قابل‌قبولی است. در ابتدای کار،

1. AGSYS

2. Cumming, Smith., Smollb, Standagea, M., & Grossbard

پس از دراختیار قرار دادن اطلاعات در مورد اهداف و چگونگی اجرای پژوهش، والدین و معلمان دانش-آموزان رضایت‌نامه‌ها و فرم‌های مربوط را تکمیل کردند. در ادامه، دستورالعمل‌های تکمیل پرسش‌نامه به همه شرکت‌کنندگان ارائه شد. ابتدا قبل از آموزش تمامی دانش‌آموزان به پرسش‌نامه مربوط پاسخ دادند و سپس، از طریق آموزش‌های مداخله‌ای از پیش تعیین شده برای هر گروه، بعد از هفته پنجم و سپس هفته دهم آموزش، بار دیگر به همان پرسش‌نامه هدف‌مداری پاسخ دادند. برای آزمون تغییرات میانگین شروع- هفته پنجم و هفته دهم هدف‌مداری دانش‌آموزان، از آزمون اندازه‌گیری مکرر واریانس با اثر تعاملی زمان (شروع تدریس، پنج هفته بعد و ۱۰ هفته بعد) به مثابه عامل درون‌گروهی و گروه (گروه تدریس دانش‌آموز محور در مقابل گروه کنترل) به مثابه عامل بین‌گروهی استفاده شد. در زمان معناداری اثر گروه‌ها در آزمون اندازه‌گیری مکرر واریانس، از آزمون تعقیبی بونفرونی^۱ (جدول تقابل) و اندازه اثر استفاده شد. علاوه بر این، نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۲ برای متغیرهای پژوهش نشان داد که تمامی متغیرها از توزیع داده‌های طبیعی برخوردار هستند. علاوه بر این، نتایج توصیفی متغیرها بر اساس نمودار جعبه‌ای حاکی از آن است که داده‌های پرت در توزیع داده‌ها وجود ندارند.

نتایج

توصیف ویژگی‌های آزمودنی‌های پژوهش بیانگر آن است که سطح سواد والدین دانش‌آموزان آموزش‌دیده به سبک تدریس معلم محور، از مجموع ۲۱ نفر، ۲۱ نفر از والدین مادر (۱۰۰ درصد) دارای مدرک تحصیلی تا دیپلم هستند که در مقابل، ۱۸ نفر از والدین پدر (نزدیک به ۸۶ درصد) دارای مدرک تحصیلی تا دیپلم، دو نفر (در حدود ۹ درصد) دارای مدرک تحصیلی کاردانی و یک نفر (نزدیک به پنج درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی هستند. در سبک تدریس بینابینی، سطح سواد والدین دانش‌آموزان از مجموع ۲۳ نفر، ۲۳ نفر (۱۰۰ درصد) از والدین مادر دارای سطح سواد تا دیپلم هستند که در مقابل، ۲۱ نفر (حدود ۹۱ درصد) از والدین پدر دارای سطح سواد تا دیپلم، دو نفر (نزدیک به ۹ درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی هستند. سطح سواد والدین دانش‌آموزان آموزش‌دیده به سبک تدریس دانش‌آموز محور، از مجموع ۲۲ نفر، ۱۶ نفر (۷۳ درصد) از والدین پدر و ۲۱ نفر (۹۵ درصد) از والدین مادر دارای مدرک تا دیپلم، ۵ نفر (۲۳ درصد) از والدین پدر و یک نفر (پنج درصد) از والدین مادر دارای مدرک کاردانی و یک نفر (چهار درصد) از والدین پدر دارای مدرک

1. RM-ANOVA
2. Bonferoni
3. Kolomogrov-Smirnov

کارشناسی ارشد هستند. همچنین، نتایج آزمون تجزیه و تحلیل واریانس یک‌راهه نشان داد که دانش-آموزان هر سه گروه در شروع آزمون در هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش تفاوت‌های معناداری نداشتند. میانگین زمان شروع متغیرها در جدول شماره یک آمده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد تمام متغیرهای پژوهش

گروه‌ها	گروه معلم‌محور			گروه بینابینی			گروه دانش‌آموز‌محور		
	میانگین (انحراف معیار)			میانگین (انحراف معیار)			میانگین (انحراف معیار)		
زمان	هفته ۱۰	هفته ۵	شروع	هفته ۱۰	هفته ۵	شروع	هفته ۱۰	هفته ۵	شروع
تکلیف‌مداری	۴/۵۹	۳/۸۳	۴/۰۰	۴/۷۷	۴/۳۳	۴/۴۵	۴/۹۲	۲/۹۴	۴/۶۱
	(۰/۳۵)	(۰/۶۱)	(۰/۳۹)	(۰/۲۲)	(۰/۳۲)	(۰/۲۹)	(۰/۶۸)	(۰/۵۷)	(۰/۲۴)
خودمداری	۳/۷۲	۳/۳۴	۳/۷۰	۳/۶۰	۳/۱۴	۳/۴۷	۴/۷۴	۴/۸۸	۳/۸۷
	(۰/۳۳)	(۰/۷۹)	(۰/۷۶)	(۰/۴۸)	(۰/۴۸)	(۰/۵۳)	(۰/۲۶)	(۰/۲۲)	(۰/۷۲)

نتایج این آزمون نشان داد که هرگونه تغییرات در گروه‌های سه‌گانه آزمایش می‌تواند با مداخله آموزشی مرتبط باشد. براساس جدول شماره یک، نتایج توصیفی نشان می‌دهد که میانگین نمرات تکلیف‌مداری و خودمداری در گروه دانش‌آموز‌محور، با گذشت زمان به ترتیب کاهش و افزایش یافته است. همچنین، براساس نتایج انحراف استاندارد باید گزارش داد که پراکندگی نمرات خودمداری در گروه‌های بینابینی و دانش‌آموز‌محور با گذشت زمان کمتر می‌شود؛ درحالی‌که پراکندگی نمرات خودمداری در گروه معلم‌محور و پراکندگی نمرات تکلیف‌مداری در گروه دانش‌آموز‌محور، با گذشت زمان روبه‌افزایش می‌رود.

جدول ۲- نتایج آزمون تجزیه و تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر برای تغییرات هدفمداری دانش آموزان

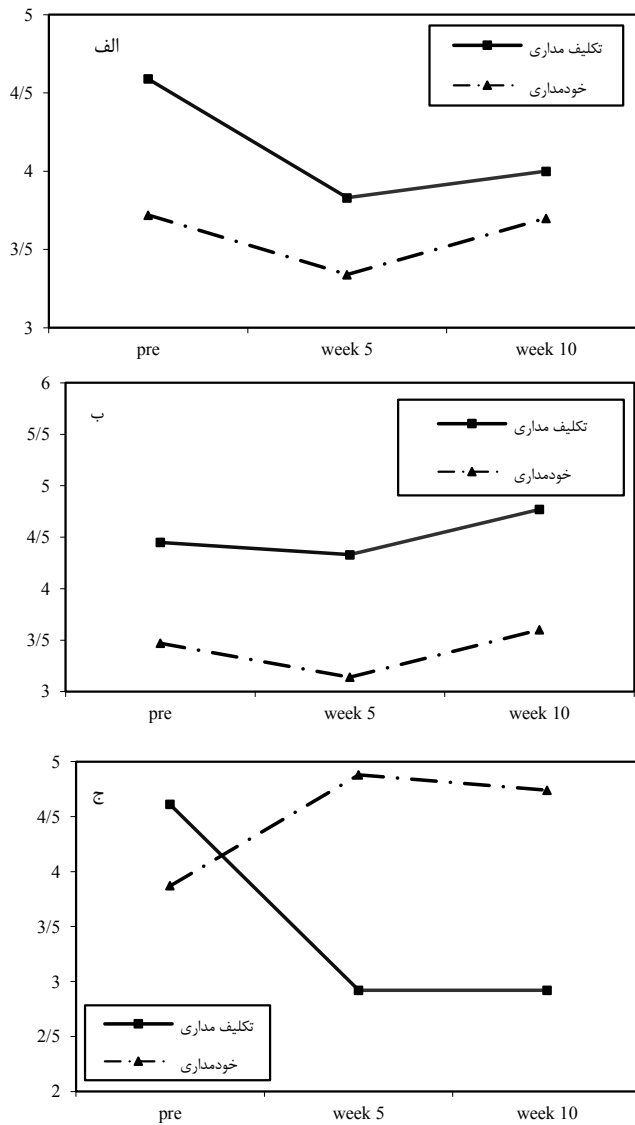
اثر	گروه	مقدار لامبدا	درجه آزادی	مقدار بحرانی	سطح معنی داری	باقیمانده
گروه * هدفمداری * زمان		۰/۳۳	۴ ، ۱۲۸	۲۲/۴۴	۰/۰۰۱	۰/۴۲
هدفمداری * زمان	معلم محور	۰/۸۳	۲ ، ۴۰	۲/۰۲	۰/۱۶۰	۰/۱۷
	بینابینی	۰/۸۴	۲ ، ۴۴	۱/۸۸	۰/۱۷۷	۰/۱۶
	دانش آموز محور	۰/۱۰	۲ ، ۴۲	۸۵/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۹۰
	تکلیفمداری معلم محور	۰/۳۲	۲ ، ۴۰	۲۱/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۶۸
	خودمداری معلم محور	۰/۷۷	۲ ، ۴۰	۲/۷۶	۰/۰۸۹	۰/۲۳
زمان	تکلیفمداری بینابینی	۰/۳۳	۲ ، ۴۴	۲۱/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۶۷
	خودمداری بینابینی	۰/۶۵	۲ ، ۴۴	۵/۵۲	۰/۰۱۲	۰/۳۵
	تکلیفمداری دانش آموز محور	۰/۰۶	۲ ، ۴۲	۱۴۷/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۹۴
	خودمداری دانش آموز محور	۰/۳۵	۲ ، ۴۲	۱۸/۳۴	۰/۰۰۱	۰/۶۵

در ادامه تجزیه و تحلیل داده‌ها، این فرضیه آزمون شد که هدفمداری دانش آموزان در گروه‌های سه‌گانه تغییر می‌کند؛ براین اساس، انتظار می‌رود که تکلیفمداری در گروه معلم محور افزایش یابد و در گروه دانش آموز محور کاهش یابد و برای متغیر خودمداری نیز برعکس روی دهد. برای آزمون این فرضیه، از تجزیه و تحلیل واریانس با اندازه گیری‌های مکرر استفاده شد. نتایج این آزمون در سه بخش می‌تواند گزارش داده شود. ابتدا، نتایج نشان داد که بین گروه‌های سه‌گانه، ابعاد هدفمداری و زمان، اثرهای تعاملی معناداری وجود دارد (قسمت بالای جدول شماره دو). در وهله دوم نتایج نشان داد که اثرهای تعاملی ابعاد هدفمداری (تکلیفمداری و خودمداری) و زمان، فقط در گروه دانش آموز محور معنادارند (قسمت میانی جدول شماره دو). در بخش سوم نیز اثر خالص زمان برای تمامی گروه‌ها در تمامی ابعاد (به استثنای بعد خودمداری در گروه معلم محور) معنادار است (قسمت انتهایی جدول شماره دو).

جدول ۳- نتایج آزمون تعقیبی تقابل برای تعیین نقطه دقیق معناداری

اندازه اثر	سطح معنی-داری	مقدار بحرانی	درجه آزادی	تقابل	متغیرها	گروه‌ها
۰/۷۳	۰/۰۰۱	۲۳/۵۸	۱ ، ۲۰	شروع درمقابل هفته دهم	تکلیف‌مداری	معلم‌محور
۰/۲۸	۰/۱۹۴	۱/۸۱	۱ ، ۲۰	هفته پنجم درمقابل هفته دهم		
۰/۰۳	۰/۹۳۸	۰/۰۶	۱ ، ۲۰	شروع درمقابل هفته دهم	خودمداری	
۰/۴۴	۰/۰۳۲	۵/۲۹	۱ ، ۲۰	هفته پنجم درمقابل هفته دهم		
۰/۷۴	۰/۰۰۱	۲۸/۱۳	۱ ، ۲۲	شروع درمقابل هفته دهم	تکلیف‌مداری	بینابینی
۰/۷۷	۰/۰۰۱	۳۳/۱۹	۱ ، ۲۲	هفته پنجم درمقابل هفته دهم		
۰/۲۰	۰/۳۰۴	۱/۱۰	۱ ، ۲۲	شروع درمقابل هفته دهم	خودمداری	
۰/۵۶	۰/۰۰۴	۱۰/۳۶	۱ ، ۲۲	هفته پنجم درمقابل هفته دهم		
۰/۹۲	۰/۰۰۱	۱۲۴/۷۳	۱ ، ۲۱	شروع درمقابل هفته دهم	تکلیف‌مداری	دانش‌آموز‌محور
۰/۰۱	۰/۹۱۵	۰/۰۱	۱ ، ۲۱	هفته پنجم درمقابل هفته دهم		
۰/۷۳	۰/۰۰۱	۲۵/۲۵	۱ ، ۲۱	شروع درمقابل هفته دهم	خودمداری	
۰/۴۱	۰/۰۴۹	۴/۳۸	۱ ، ۲۱	هفته پنجم درمقابل هفته دهم		

برای تعیین نقطه دقیق معناداری و محاسبه اندازه اثر از نتایج جدول تقابل استفاده شد. نتایج جدول تقابل نشان می‌دهد که تکلیف‌مداری دانش‌آموزان آموزش‌دیده به سبک معلم‌محور، در فاصله بین شروع تا هفته دهم معنادار است؛ درحالی‌که خودمداری دانش‌آموزان این گروه از هفته پنجم تا هفته دهم معنادار است (قسمت بالای جدول شماره سه)؛ بنابراین، با توجه به شکل شماره یک. الف باید بیان کرد که روند تغییرات تکلیف‌مداری دانش‌آموزان گروه معلم‌محور پس از ۱۰ هفته آموزش کاهش معناداری داشت؛ حال آنکه خودمداری آن‌ها پس از یک افت جزئی تا هفته پنجم، پس از آن تا هفته دهم افزایش معناداری پیدا کرد.



شکل ۱- میانگین تغییرات ابعاد هدف‌مداری در گروه‌های الف- معلم‌محور؛ ب- بینابینی؛ ج- دانش‌آموز‌محور

از طرف دیگر، نتایج جدول تقابل در قسمت میانی جدول شماره سه و شکل شماره یک. ب نشان داد که الگوی تغییرات خودمداری در دانش‌آموزان آموزش‌دیده به سبک بینابینی مشابه با الگوی تغییرات خودمداری در دانش‌آموزان آموزش‌دیده به سبک معلم‌محور است و پس از هفته پنجم روبه‌افزایش می‌رود؛ اما تفاوت در متغیر تکلیف‌مداری است که برخلاف دانش‌آموزان گروه معلم‌محور، دانش‌آموزان آموزش‌دیده به سبک بینابینی هم از شروع تا هفته دهم و هم از هفته پنجم تا هفته دهم روند افزایشی معناداری داشته‌اند که اندازه اثر این افزایش از هفته پنجم بیشتر بود ($T = 0.74$). یافته‌های مربوط به تغییرات هدف‌مداری ورزشی دانش‌آموزان آموزش‌دیده به سبک تدریس دانش‌آموز‌محور در قسمت انتهایی جدول شماره سه مشخص شده است.

براین اساس و با توجه به شکل شماره یک. ج، روند نزولی تکلیف‌مداری دانش‌آموزان گروه دانش‌آموز‌محور پس از ۱۰ هفته، با اندازه اثر 0.92 بسیار قوی‌تر و شدیدتر از روند کاهشی این متغیر در دانش‌آموزان گروه معلم‌محور با اندازه اثر 0.73 بود. همچنین، برطبق انتظار، سیر صعودی خودمداری دانش‌آموزان گروه دانش‌آموز‌محور با اندازه اثر 0.73 ، بسیار بیشتر از روند افزایش این متغیر در گروه‌های معلم‌محور و بینابینی با اندازه اثر به ترتیب 0.44 و 0.56 بود.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد، هدف پژوهش حاضر تعیین اثرهای انواع سبک‌های تدریس معلمان بر جهت‌گیری ورزشی دانش‌آموزان در درس تربیت‌بدنی بود. پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، مهم‌ترین نتایج حاصل این بود که خودمداری و تکلیف‌مداری در گروه دانش‌آموز‌محور، پس از ۱۰ هفته به ترتیب افزایش و کاهش یافته‌اند که این نتایج تاحدود زیادی می‌تواند حاصل جو انگیزشی ادراک‌شده و سایر متغیرهای تأثیرگذار باشد.

یافته‌های استنباطی حاصل از پژوهش نشان داد دانش‌آموزانی که به سبک تدریس معلم‌محور آموزش دیده بودند، میزان گرایش به تکلیف‌مداری آن‌ها در هفته پنجم نسبت به شروع آموزش، کاهش معناداری پیدا کرد و بعد از آن، در یک روند تقریباً ثابتی قرار گرفت؛ درحالی‌که نوسانات گرایش همین دانش‌آموزان به خودمداری در طول ۱۰ هفته معنادار نبود. به عبارت دیگر، می‌توان این‌گونه استنتاج کرد که با تدریس سبک معلم‌محور نمی‌توان انتظار داشت که حداقل در طول ۱۰ هفته، میزان گرایش دانش‌آموزان به سمت خودمداری سوق پیدا کند؛ البته با توجه به مکانیسم سبک تدریس معلم‌محور، بروز نتایج مربوط به خودمداری توجیه‌شدنی است؛ اما نکته قابل تأمل این است که تکلیف‌مداری

دانش‌آموزان بلافاصله بعد از آموزش معلم‌محور کاهش یافته است. از آنجایی که مکانیسم آموزش معلم‌محور بر تکلیف و مهارت ورزشی متمرکز است و به‌نوعی از بازخوردهای مبتنی بر تکلیف‌گرایی برخوردار است، به‌نظر می‌رسد که در محیط‌های آموزشی این مکانیسم با چالش‌هایی جدی مواجه است. ارائه چنین بازخوردهایی از جانب مربیان و والدین اثرهای افزایشی برای نوجوانان ورزشکار دارند (گرشگورن و همکاران، ۲۰۱۱)؛ اما به‌احتمال زیاد دریافت چنین مکانیسمی از سوی معلمان تربیت‌بدنی در مدارس، استرس دانش‌آموزان را به‌همراه می‌آورد. نکته جالب آن است که دانش‌آموزان بازخوردهای مبتنی بر تکلیف‌مداری را از معلم خود به‌طور معناداری درک کرده‌اند؛ اما در عمل گرایش‌های منفی به این هدف ورزشی داشتند؛ البته در پژوهشی مشابه مشخص شد که تکلیف‌مداری دانش‌آموزان روستایی بیشتر از دانش‌آموزان شهری در ایالت کنتاکی امریکا است (فریمن و آندرمین، ۲۰۰۵). در تبیین علل این ناهم‌سویی می‌توان به تفاوت‌های نژادی و عواملی نظیر فرهنگ حاکم بر منطقه اشاره کرد که می‌تواند در میزان گرایش به سمت تکلیف‌مداری مؤثر باشد. در همین ارتباط، مالت و فلتز (۲۰۰۱) نشان دادند که افراد از نظر فرهنگ‌های مختلف با انگیزه و دلایل مشابهی در ورزش شرکت می‌کنند و هدف‌مداری آن‌ها با انگیزه‌ها و الگوی شرکت در ورزش ارتباط دارد.

بنابراین، به‌احتمال زیاد آنچه موجب بهبود نیافتن تکلیف‌مداری در دانش‌آموزان مورد مطالعه در سبک معلم‌محوری شده است، بیشتر تحت تأثیر تفاوت‌های فرهنگی و نژادی قرار گرفته است تا تفاوت‌های منطقه‌ای شهری و روستایی که آندرمین و فریمین اشاره کردند. در این زمینه باید بیان کرد که اساس فرهنگ جغرافیایی جامعه مورد مطالعه (نژاد بوکلان ترکمن) بر پایه توجه ویژه به قهرمانان، به‌خصوص در مسابقاتی نظیر اسب‌دوانی و کشتی محلی گوراش است؛ به‌طوری‌که این رویدادها با فرهنگ منطقه عجین شده‌اند و آن‌چنان بعد قهرمانی برجسته شده است که مردمان از قهرمانان خود به نیکی یاد می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، قهرمانان ورزشی به‌عنوان نماد و الگو در نژاد بوکلان ترکمن مطرح می‌شوند؛ تا اندازه‌ای که این توجه در اشعار شاعر بزرگ حماسی سرای ترکمن، مختوم‌قلی فراغی نیز به‌وفور مشاهده می‌شود. تمامی این شواهد می‌توانند تمایل به پیروزی را در این جامعه تقویت کنند و عامل بسیار مهمی در گرایش نداشتن دانش‌آموزان به تکلیف‌مداری باشند. به‌همین دلیل، دانش‌آموزان آموزش‌دیده با سبک معلم‌محور بازخوردهای تکلیف‌محوری را درک کرده‌اند؛ اما در عمل تمایل به تکلیف‌مداری آن‌ها کاهش یافته بود. در پژوهش کیفی پانگ و سونگ (۲۰۱۶) مشخص شد که دانش‌آموزان چینی مقیم در استرالیا از معلمان خود آشکارا بازخوردهای خودمداری دریافت نکردند؛ اما به‌طور قابل‌توجهی استرس زیادی برای اجرای موفقیت‌آمیز مهارت‌های ورزشی داشتند. این نتایج نشان می‌دهد که معلمان بر هیچ بازخورد خاصی تأکید نداشتند و از سبک تدریس منحصر به فردی

برای تدریس استفاده نکردند؛ اما به احتمال زیاد، نژاد و فرهنگ حاکم بر دانش‌آموزان چینی موجب تمایل آن‌ها به موفقیت و خودمداری شده بود.

نکته مهم دیگر آن است که فریمن و آندرمن (۲۰۰۵) تغییرات هدف‌مداری دانش‌آموزان را در محیط کلاسی و در دروس غیر تربیت‌بدنی بررسی کردند. به همین دلیل، نمی‌توان همان تغییرات به‌وجودآمده در کلاس درس مدارس را در محیط زنگ ورزش و به مهارت‌های ورزشی دانش‌آموزان تعمیم داد. این نتایج نشان می‌دهد که درس تربیت بدنی از انحصار ویژه‌ای در میان دروس دیگر در مدارس برخوردار است و نوسانات روان‌شناختی دانش‌آموزان در درس تربیت‌بدنی و زنگ ورزش به مراتب بیشتر از محیط کلاسی سایر دروس است. افزون‌براین، بروز این نتایج را می‌توان به دسته اول (باورهای مرتبط با موفقیت) تقسیم‌بندی روابط بین تکلیف‌مداری و خودمداری در تربیت‌بدنی مدارس تعمیم داد که دودا و ان‌تومانیس^۱ (۲۰۰۳) ارائه کردند. براساس پژوهش مروری آن‌ها، دانش‌آموزان تکلیف‌مدار تعریف موفقیت در درس تربیت‌بدنی را در تلاش و همکاری بیشتر می‌دانند. به همین دلیل، به نظر می‌رسد حتی با ارائه سبک تدریس معلم‌محور که بر مهارت‌ها و تکلیف‌مداری تمرکز دارد، تعریف دانش‌آموزان از یادگیری مهارت‌ها و تکلیف‌مداری چیز دیگری است؛ تمرکز بر بیشترین تلاش و همکاری.

سایر یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که دانش‌آموزان در پایان ۱۰ هفته آموزش به سبک تدریس دانش‌آموز‌محور، از خودمداری بیشتری برخوردار شدند و تکلیف‌مداری کمتری داشتند. این نتایج به‌روشنی نشان می‌دهد که تأکید بر تفاوت‌های فردی و فراهم کردن بستری برای نشان دادن خلاقیت‌های دانش‌آموزان در زنگ ورزش می‌تواند حس برتری و رقابت را در آن‌ها افزایش دهد؛ بنابراین، به مدیران ورزشی به‌خصوص مدیران مدارس پیشنهاد می‌شود که اگر درصدد کسب نتایج قهرمانی فارغ از یادگیری و بهبود مهارت‌های ورزشی یا در هر شرایط خاصی در مسابقات آموزشی و درون‌مدرسه‌ای هستند، با توجه به وقت کمی که برای آماده‌کردن تیم‌های ورزشی دارند و نیز افزایش سریع خودمداری و انگیزه‌های رقابت‌طلبی دانش‌آموزان در کوتاه‌مدت، از سبک تدریس دانش‌آموز‌محور استفاده کنند. تمرکز و یادگیری مهارت‌های ورزشی جزو جدانشدنی از روح ورزش است؛ اما نباید از این نکته غافل شد که پیش‌نیاز اساسی برای توسعه ورزش قهرمانی ایجاد انگیزه‌های برتری و قهرمانی است. پژوهش حاضر نشان داد که از طریق آموزش دانش‌آموز‌محور (اکتشافی و حل مسئله) می‌توان زیربنای انگیزه‌های قهرمانی و توسعه ورزش حرفه‌ای را فراهم کرد. این نتایج درحالی مشاهده شده است که دانش‌آموزان آموزش‌دیده با همین سبک به‌همان اندازه که خودمداری آن‌ها افزایش می‌یابد، تکلیف‌مداری و تمرکز بر مهارت‌های ورزشی آن‌ها روبه‌افول می‌روند؛ بنابراین، با توجه به مکانیسم

سبک تدریس دانش‌آموزمحور، بازخوردهای مبتنی بر خودمداری، طبیعی به نظر می‌رسند. در همین راستا، نتایج مطالعات گذشته نشان داد که روش یادگیری فعال به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد که محیط یادگیری مطابق با نیازهایشان را بیابند، تجارب موفق کسب کنند و خودکارآمدی‌شان را افزایش دهند. همچنین سایر تحقیقات قبلی نشان دادند که استفاده از راهبردهای پژوهشی در آموزش و ارتباط دوستانه بین معلم و دانش‌آموز، بر خودکارآمدی مؤثر است (پانگ و سونگ، ۲۰۱۶) که این یافته هم‌سو با نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر است.

یافته‌های دیگر حاکی از آن بود که دانش‌آموزان آموزش‌دیده به سبک بینابینی، پس از وجود نوسانات معنادار در هفته پنجم، با گذشت ۱۰ هفته تمایل زیادی به هر دو هدف تکلیف‌مداری و خودمداری پیدا کردند. با توجه به اینکه سبک تدریس بینابینی فرصت تفکر و به‌عبارت‌دیگر، آزمون و خطا را به دانش‌آموزان در زنگ ورزش می‌دهد و سپس، معلم سعی در اصلاح مهارت و یاددادن شکل درست آن دارد، نتایج نشان داد که بعد از گذشت ۱۰ هفته، خلاقیت به‌کارگیری در دانش‌آموزان هم بر انگیزه‌های قهرمانی و برتری و هم بر انگیزه‌های مهارتی اثر مثبت می‌گذارد؛ البته براساس نتایج پژوهش حاضر نباید از ذکر این نکته غافل شد که ابتدا دانش‌آموزان تمایل منفی به هدف‌مداری دارند که شاید ریشه آن در پراکندگی ادراک دانش‌آموزان از خواسته‌های معلم تربیت‌بدنی باشد. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که به‌احتمال‌زیاد بهترین سبک تدریس در زنگ ورزش برای بهبود هدف‌مداری دانش‌آموزان، سبک تدریس بینابینی یا هدایت گام‌به‌گام است. هم‌سو با نتایج پژوهش، گرشگورن و همکاران (۲۰۱۱) در بررسی اثر هدف‌مداری بر میزان موفقیت ورزشی به این نتیجه رسیدند که تأکید بر هر دو هدف مهارتی و رقابتی، موفقیت و پیشرفت بیشتری را نسبت به جهت‌گیری روی یک هدف برای ورزشکار فراهم می‌کند.

بنابراین می‌توان بیان کرد که اگر مدیران ورزش مدارس به‌دنبال تغییرات کوتاه‌مدت و فوری در ایجاد خودمداری و انگیزه‌های قهرمانی دانش‌آموزان هستند، باید معلمان ورزش را به استفاده از سبک تدریس دانش‌آموزمحور سوق دهند. درحالی‌که اگر تغییرات بلندمدت و پایدار مدنظر باشند، باید از معلمان تربیت‌بدنی بهره ببرند که مهارت‌های لازم را در زمینه استفاده از سبک تدریس بینابینی یا هدایت گام‌به‌گام داشته باشند. در مجموع، نتایج پژوهش نشان داد که هدف‌مداری ورزشی دانش‌آموزان به‌شدت تحت تأثیر سبک‌های تدریس معلمان تربیت‌بدنی قرار دارد که این تأثیرات عمدتاً در سبک‌های تدریس دانش‌آموزمحور و بینابینی نمود می‌یابند؛ به‌طوری‌که بهترین سبک تدریس برای ایجاد هدف‌مداری ورزشی دانش‌آموزان، سبک تدریس بینابینی است؛ زیرا، تغییرات به‌وجودآمده در هدف‌مداری دانش‌آموزان با آموزش این نوع از سبک تدریس با پایداری بیشتری همراه خواهد بود؛ با این حال، محدودیت‌هایی در این پژوهش وجود دارند که انتظار می‌رود در آینده پژوهشگران بتوانند

سایر نتایج کلیدی در این زمینه را ارائه دهند؛ برای مثال، این پژوهش فقط روی دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی انجام شد؛ در حالی که در آینده پژوهشگران می‌توانند مقایسه‌هایی تطبیقی بین دانش‌آموزان دختر و پسر در مقاطع مختلف تحصیلی انجام دهند. همچنین، این پژوهش در مدارس روستایی انجام شد که می‌تواند مقایسه‌ها در سطوح شهری نیز مطالعه شود تا نتایج قاطعانه‌تری به دست آید.

منابع

1. Benar, N., & Loghmani, M. (2014). Factor analysis of teenage athletes' goal orientation and sports participation motives in leisure time. *Annals of Applied Sport Science*, 1, 2322-4479.
2. Cumming, S. P., Smith, R. E., Smoll, F. L., Standage, M., & Grossbard, J. R. (2008). Development and validation of 500 the Achievement Goal Scale for Youth Sports. *Psychology of Sport and Exercise*, 9, 686-703.
3. Diaconu-Gherasim, L. R., & Măirean, C. (2016). Perception of parenting styles and academic achievement: The mediating role of goal orientations. *Learning and Individual Differences*, doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.lindif.2016.06.026>.
4. Freeman, T. M., & Anderman, L. H. (2005). Changes in mastery goals in urban and rural middle school students. *Journal of Research in Rural Education*, 20(1), 1-13.
5. Gershgoren, L., Tenenbaum, G., Gershgoren, A., & Eklund, R. C. (2011). The effect of parental feedback on young athletes, perceived motivational climate, goal involvement, goal orientation, and performance, 12: 481-489.
6. Harwood, C. G., & Swain, A. B. J. (1998). Antecedents of pre-competition achievement goals in elite junior tennis players. *Journal of Sports Sciences*, 16, 357-371.
7. Keegan, R., Harwood, C. G., Spray, C. M., & Lavalley, D. E. (2009). A qualitative investigation exploring the motivational climate in early career sports participants: Coach, parent and peer influences on sport motivation. *Psychology of Sport and Exercise*, 10, 361-372.
8. Loghmani, M., & Eydi, H. (2016). Players and fans' perspectives about effect of observe angle on recognition of fouls. *Sport Management Studies*, 8(35), 33-50. (Persian).
9. McDavid, L., Cox, A. E., & Amorose, A. J. (2012). The relative roles of physical education teachers and parents in adolescents' leisure-time physical activity motivation and behavior. *Psychology of Sport and Exercise*, 13, 99-107.
10. McEvoy, E., MacPhail, A., & Heikinaro-Johansson, P. (2015). Physical education teacher educators: A 25-year scoping review of literature. *Teaching and Teacher Education*, 51, 162-181.
11. Mosston, M., & Ashworth, S. (2008). *Teaching physical education* (1st ed.). New York: Benjamin Cummings.
12. Mull, R. F., Bayless, K. G., & Jamieson, L. M. (2005). *Recreational sport management* (4th ed.). Champaign, IL: Human Kinetics.

13. Nicholls, J. (1989). *The competitive ethos and democratic education*. Cambridge: Harvard University Press.
14. Pang, B., & Soong, H. (2016). Teachers' experiences in teaching Chinese Australian students in health and physical education. *Teaching and Teacher Education*, 56, 84-93.
15. Ramzaninejad, R. (2013). *Physical education in schools*. Tehran: Samt. (Persian).
16. Schumacher Dimech, D., & Seiler, R. (2011). Extra-curricular sport participation: A potential buffer against social anxiety symptoms in primary school children. *Psychology of Sport and Exercise*, 12(4), 347-354.
17. Spray, C. M., & Warburton, V. E. (2011). Temporal relations among multidimensional perceptions of competence and dichotomous achievement goals in physical education. *Psychology of Sport and Exercise*, 12, 515-524.
18. White, S. A. (1996). Goal orientation and perceptions of the motivational climate initiated by parents. *Pediatrics Exercise Science*, 8(2), 122-129.
19. Zahariadis, P. N., & Biddle, S. J. H. (2000). Goal orientations and participation motives in physical education and sport: Their relationships in English schoolchildren. *Journal of Sport Psychology*, 2(1), 1-12.

استناد به مقاله

لقمانی، محسن، قلی‌دهنه، مهدیقلی، حسن‌نژاد، مجتبی. (۱۳۹۷). اثر سبک‌های تدریس معلمان تربیت بدنی بر هدف‌مداری ورزشی دانش‌آموزان. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۷۲-۵۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4426.1325

Loghmani, M., Gholidahaneh, M., Hassannejad, M. (2019). The Effect of Physical Educator's Teaching Styles on Student's Goal Orientation. *Research on Educational Sport*, 6(15): 53-72. (Persian).
Doi: 10.22089/RES.2017.4426.1325

پیوست ۱: پرسشنامه استاندارد هدفمندی در ورزش (کامینگ و همکاران، ۲۰۰۸)

کد:

کد:		/ قد:		/ وزن:		کیلوگرم	
سطح تحصیلات پدر: زیر دیپلم □		دیپلم □		فوق دیپلم □		لیسانس □	
سطح تحصیلات مادر: زیر دیپلم □		دیپلم □		فوق دیپلم □		لیسانس □	
ردیف	در زنگ ورزش.....	کاملاً مخالفم	مطمئن نیستم	موافقم	کاملاً موافقم		
۱	هدف من یادگیری مهارت‌های جدید و حدالامکان ماهر شدن است.						
۲	مهم‌ترین انگیزه من این است که بهترین ورزشکار باشم.						
۳	مهم‌ترین انگیزه من این است که مهارت‌هایم را بهتر کنم.						
۴	هدفم پیشرفت تا حدی می‌باشد که بهتر از دیگران باشم.						
۵	تلاش زیادی می‌کنم تا بهترین باشم.						
۶	می‌خواهم بهتر از دیگران باشم.						
۷	وقتی مهارت‌های جدیدی یاد می‌گیرم احساس موفقیت می‌کنم.						
۸	برای من موفقیت یعنی بهتر از دیگران بودن است.						
۹	وقتی بیشترین تلاش خود را انجام می‌دهم احساس موفقیت می‌کنم.						
۱۰	می‌خواهم ثابت کنم که بهتر از دیگران هستم.						
۱۱	هدف من انجام ماهرانه مهارت‌هاست.						
۱۲	هدف من بهترین شدن نسبت به بقیه است.						

تحلیل مضمون تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی مبتنی بر آیات قرآن کریم

حسن بحر العلوم^۱، جواد قاسمی روشناوند^۲، معصومه امامی روشناوند^۳

۱. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه صنعتی شاهرود*

۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۶

چکیده

ورزش، تفریح و سرگرمی سالم که به جسم و عقل نشاط می‌بخشد، از اصول ضروری در زندگی انسان‌ها هستند. از آنجایی که اسلام دین فطرت است این تمایل را به رسمیت شناخته و آن را تأیید و تحکیم کرده است؛ اما هنوز مفهوم و مصادیق آن در قالب یک الگوی علمی ارائه نشده‌اند؛ حال آنکه امروزه ورزش یکی از اموری است که به عناوین مختلف در جهان مطرح شده است و گروه‌های زیادی به شکل‌های گوناگون با آن سروکار دارند. این پژوهش با الگو قراردادن قرآن به‌عنوان راهنمای عملی زندگی، به بررسی آیه‌های قرآن در زمینه ورزش و تقویت قوای جسمانی پرداخته است. هدف این پژوهش، بررسی سه سؤال اساسی چرایی؛ چیستی و چگونگی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی از دریچه قرآن و ارائه یک الگوی جامع در این زمینه است. در این مطالعه که پژوهشی بنیادی از نوع توصیفی-اکتشافی است، برای بررسی الگوی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی از روش تحلیل مضمون استفاده شد. برای گردآوری و شناسایی مضامین مرتبط با ورزش، نخست مبانی نظری صاحب‌نظران بررسی شد. سپس، با مطالعه کامل قرآن کریم، مضمون‌های مرتبط استخراج و کدگذاری شدند. نتایج نشان داد که در اسلام آن تقویت قوای جسمانی‌ای ارزشمند است که در جهت تقرب به خداوند و رضای الهی باشد و با ویژگی‌هایی نظیر ایمان، امانت‌داری، علم، عقل و تقوا همراه باشد. الگوی به‌دست‌آمده دارای سه مضمون غالب، هفت مضمون فراگیر، ۱۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۵۰ مضمون پایه بود. روابط میان این مضمون‌ها نیز در قالب یک الگو ارائه شد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود برای انتخاب مدیران سازمان‌های ورزشی، به شایسته‌سالاری و تخصص آن‌ها توجه شود.

واژگان کلیدی: قرآن، تربیت‌بدنی، تقویت قوای جسمانی، روش‌شناسی کیفی، تحلیل مضمون.

مقدمه

امروزه، ورزش به‌عنوان یک پدیده مهم اجتماعی در تمامی جوامع پیشرفته مطرح است و یکی از اموری است که به عناوین مختلف در جهان مطرح شده است و گروه‌های زیادی به شکل‌های گوناگون با آن سروکار دارند و آیین مقدس اسلام نیز تربیت‌بدنی را به‌طور عام در نظر دارد. از دیدگاه اسلام، انسان از سه بعد جسمانی، عقلانی و نفسانی تشکیل شده است و در پیمودن راه کمال و تقرب همواره با سه امر مرتبط با یکدیگر؛ یعنی فرد، جامعه و عالم هستی سروکار دارد. اسلام، مکتبی است که مخصوص یک یا چند زاویه از زندگی انسان نیست؛ بلکه برای تمام وجود درمدت حیات برنامه دارد. کسانی که معتقدند اسلام مخصوص آخرت است و به دنیا کاری ندارد، یا تمامی برنامه‌هایش معطوف به پرورش و تقویت روح است و جسم را در ضعف و نقصان می‌خواهد تا روح قوی شود، به مطالعه بیشتر و بازنگری در آموزه‌های دینی نیاز دارند (خلجی، ۱۳۸۸). در مکتب اسلام، جسم و روح با یکدیگر تلفیق شده‌اند و فکر و روح سالم را در بدن و جسم سالم می‌توان یافت. در اسلام، به تربیت‌بدنی با توجه به شکل و اهداف آن بیشتر از سایر جنبه‌های حرکت اهمیت داده شده است. باید توجه داشت که در این دیدگاه ضعیف‌بودن مقدمه ظلم و ستم است و تا فرد یا ملتی ضعیف نباشد، گرفتار ظلم و ستم نمی‌شود و اسیر و زبون نمی‌گردد (طاهریان، ۱۳۸۹، ۸-۴). ورزش، از نظر لغوی به‌معنای ورزیدگی، ورزیده‌بودن و سالم‌بودن است و فواید زیادی دارد که از جمله می‌توان به کسب توانمندی جسمانی برای انجام کارهای سخت و سنگین زندگی اشاره کرد؛ ولی فایده ورزش منحصر به نیرومندی بدنی نیست؛ بلکه انجام وظایف شرعی حتی تکالیفی که جنبه معنوی محض دارند، مانند نماز و روزه، در گرو سلامت بدن هستند و ورزش نقش مؤثر و گاه نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت دارد؛ از این‌رو، بسیار پسندیده و ارزشمند است.

افزون‌براین، بسیاری از تکالیف اجتماعی مانند جهاد، دفاع و حمایت از محرومان و مستضعفان در شکل‌های گوناگون، به نیروی بدنی نیاز دارند و کسانی که نیرومندتر باشند، بهتر می‌توانند از عهده این‌گونه تکالیف برآیند و از این راه‌ها تقرب بیشتری به خدای متعال پیدا کنند؛ بنابراین، به‌دلیل اینکه ورزش موجب نیرومندی بدن می‌شود و زمینه انجام این‌گونه تکالیف را فراهم می‌کند، مطلوب و ارزشمند است؛ از این‌رو، راز تأکید اسلام بر تیراندازی، اسب‌سواری و شنا روشن می‌شود و نیز اینکه جوانان کشور در دوران انقلاب باید بیشتر به ورزش و تقویت بدن اهتمام داشته باشند.

در اسلام، به مؤمنان قوی‌زیستن و بانشاط‌بودن و برخوردارشدن از سلامتی تن توصیه می‌شود؛ از این‌رو، تربیت‌بدنی باید جزئی از برنامه زندگی و بخشی از مراحل آموزش و پرورش هر مسلمان قرار گیرد. مطالعه تاریخ حیات رسول گرامی (ص)، ائمه اطهار علیهم‌السلام و صحابه و تابعین گران‌قدر آنان نشان می‌دهد که آنان به ورزش و تربیت و تقویت بدن خود می‌پرداختند و در فعالیت‌هایی از قبیل

مسابقه دو، اسب‌سواری، تیراندازی و شنا شرکت می‌کردند. در بینش اسلامی، به تربیت و تقویت بدن و آمادگی همه‌جانبه آن توجه می‌شود. به‌طور کلی، در تمام عبادات مفهوم ورزش وجود دارد (صبوری، ۱۳۸۴).

ورزش این قابلیت را دارد تا در بیشتر مقوله‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی نقش ایفا کند و به‌راستی در جهان کنونی کمتر پدیده‌ای را می‌توان یافت که از چنین ویژگی و قابلیت برخوردار باشد؛ اما این پدیده جهانی امروز با چالش‌های جدی روبه‌رو است. نخست اینکه، مردم ایران خیلی کمتر از استاندارد به فعالیت بدنی می‌پردازند و بسیاری از آن‌ها از چاقی و امراض مرتبط با آن رنج می‌برند. دوم اینکه، بیشتر به بعد رقابتی ورزش توجه شده است و ارزش‌های اسلامی آن به فراموشی سپرده شده‌اند؛ به‌طوری‌که هر روز شاهد رسانه‌ای شدن بداخلاقی، فساد اخلاقی و پرخاشگری ورزشکاران و تماشاگران هستیم. این درحالی است که رفتار ورزشکاران کشورهای اسلامی در جهان باید الگو و نمایانگر رفتار یک مسلمان باشد تا از طریق ورزش که از تأثیرگذارترین امور است، بهره ببریم و اسلام را به مردم جهان معرفی کنیم. چالش سومی که ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را هدف قرار داده است و به‌راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت، ازدست‌رفتن روح ورزش و اخلاق ورزشی در جامعه عظیم ورزش است که شامل ورزشکاران، مربیان، داوران، تماشاگران و رسانه‌های گروهی و مدیران باشگاه می‌شود (ندایی و علوی، ۱۳۸۷). چالش چهارم مربوط به ورزش مدارس است که هم در مکان نامناسب اجرا می‌شود و هم در سیستم آموزشی نگاه به آن به‌مراتب از دروس دیگر پایین‌تر است. درنهایت، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها استفاده‌نکردن از افراد متخصص و آشنا با علوم تربیت‌بدنی در مسئولیت‌های اصلی حوزه ورزش است.

با توجه به اینکه اسلام برترین دین و قرآن برترین کتاب آسمانی است که در آن از هیچ موضوعی فروگذار نشده است و به گفته خود قرآن کریم «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَأْسُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»، و همچنین، با توجه به مطالب بیان‌شده برآنیم با بررسی جامع قرآن، آیات مرتبط با تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی را استخراج کنیم؛ زیرا، قرآن، کتاب آسمانی اسلام، بزرگ‌ترین سرمشق و راه‌گشای زندگی انسان‌ها در همه شئون و امور تا روز قیامت است. در این کتاب بزرگ و بی‌نقص - که کلام خالق انسان و تمام هستی است - آیاتی وجود دارند که بر اهمیت ورزش و نیرومندسازی جسم در کنار تقویت روح و بعد عملی دلالت دارند؛ بنابراین، در این پژوهش تلاش شده است با تحلیل مضمون این آیات به جایگاه ورزش در قرآن پی ببریم و فلسفه و هدف تربیت جسم را کشف کنیم. همچنین، با پی‌بردن به چگونگی تربیت جسم و ویژگی‌های ورزشکاران از نظر قرآن، راهکارهایی برای برون‌رفت از مشکلات مطرح‌شده در بالا که گریبان‌گیر ورزش شده است، پیشنهاد کنیم تا ورزشکاران مسلمان با عملکرد خود اسلام را بهتر به جهانیان معرفی کنند و به آن‌ها بفهمانند که در اسلام انسان و انسانیت مهم‌تر

از قهرمان شدن است. تحلیل مضمون^۱ روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (ردادی، افتخاری، درخشه، ۱۳۹۴، ۵۳). تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. به‌طور کلی، تحلیل مضمون روشی برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات به‌ظاهر نامرتب، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به کمی است (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۵۳).

در نوشتار حاضر، مراحل انجام این روش برای استخراج شبکه مضمونی^۲ ورزش و تقویت قوای جسمانی در قرآن کریم گام‌به‌گام پیش برده می‌شود. این روش فرایندی است که ورودی آن آیات قرآن هستند و پس از طی فرایند تحلیل مضامین، به شبکه‌هایی از مفاهیم که دارای سطح‌بندی هستند می‌رسیم. سطح‌بندی مضامین به این معنا است که برخی از مضامین مهم‌تر (که انتزاعی‌تر نیز هستند) در جایگاه مرکزی قرار می‌گیرند و سایر مضامین پیرامون این مضامین اصلی سازمان می‌یابند. با مطالعه قرآن کریم، متوجه می‌شویم که همیشه قوی بودن در قرآن به‌عنوان یک عامل مثبت و امتیاز ارزیابی شده است (طاهریان، ۱۳۸۹، ۴). در جهان امروز، ورزش فراگیر شده است و افراد زیادی به آن می‌پردازند. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی چرایی، چیستی و چگونگی ورزش و ارائه الگوی جامع ورزش از منظر قرآن کریم است. این پژوهش تلاش می‌کند به این پرسش‌های اساسی درخصوص الگوی ورزش پاسخ دهد و الگویی برای ورزش، مبتنی بر قرآن کریم ارائه کند. پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ به پرسش‌های زیر است:

الگوی ورزش از دیدگاه قرآن چیست؟ فلسفه وجودی (چرایی) ورزش از دیدگاه قرآن چیست؟ ماهیت و ویژگی‌های (چیستی) ورزش از دیدگاه قرآن چیست؟ فرایند (چگونگی) ورزش از دیدگاه قرآن چیست؟

از آنجایی که این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است و در مطالعات کیفی، درمورد نتایج و پاسخ‌ها پیش‌بینی نمی‌شود، سؤال‌های کلی و عمومی مطرح می‌شوند و جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها از طریق توصیف رویدادها و منتج از موضوع‌های اصلی است. گفتنی است این پژوهش فرضیه‌ای ندارد.

-
1. Thematic Analysis
 2. Thematic Network

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، برای پاسخ‌دادن به سؤال‌های پژوهش از روش تحلیل مضمون و شبکه مضمون‌ها استفاده می‌شود. برای شناسایی و تشریح چرایی و چیستی یک پدیده می‌توان از تحلیل مضمون و برای تشریح چگونگی می‌توان از شبکه مضامین استفاده کرد. تحلیل مضمون به دنبال استخراج مضامین برجسته یک متن در سطوح مختلف است. شبکه مضمون‌ها نیز به دنبال سهولت در ساختاردهی و ترسیم این مضمون‌ها است. شبکه مضمون‌ها براساس یک رویه مشخص، این مضمون‌ها را نظام‌مند می‌کند: الف- مضمون‌های اصلی^۱ (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)؛ ب- مضمون‌های سازمان‌دهنده^۲ (مقوله‌های به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های اصلی)؛ ج- مضمون‌های فراگیر^۳ (مضمون‌های عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل). سپس، این مضمون‌ها به صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضمون‌های برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شوند (آترید-استیرلینگ، ۲۰۰۱، ۳۹۰).

به دلیل اینکه پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی و بنیادی است، جامعه آماری برای آن همانند پژوهش‌های کمی وجود ندارد و روش نمونه‌گیری نیز نظری (تئوری) خواهد بود؛ بدین معنا که منابعی انتخاب می‌شوند که بیشترین اطلاعات و داده را برای پاسخ به سؤال پژوهش فراهم می‌کنند. روش اعتبارسنجی این پژوهش روایی تفسیری است و با ارائه و بازخورد نتایج پژوهش به پنج تن از صاحب‌نظران قرآنی، ورزشی و پژوهشگرانی که سابقه کار کیفی داشتند، تأیید نهایی صورت گرفت. برای سنجش روایی پژوهش حاضر، علاوه بر اینکه مضمون‌های فراگیر، سازمان‌دهنده، اصلی و فرعی با مطالعه مبانی نظری، پیشینه پژوهش، اهداف پژوهش و منبع مورد بررسی انتخاب شدند، نظریه‌ها و رهنمودهای گروه خبرگان در این خصوص نیز لحاظ شدند و قبل از کدگذاری، تعدیل نهایی انجام شد. تحلیل مضمون طیف گسترده‌ای از روش‌ها و فنون را در برمی‌گیرد. در فرایند تحلیل مضمون با توجه به اهداف و سؤال‌های پژوهش می‌توان از روش‌های تحلیلی مناسب آن استفاده کرد. روش کاربردی مناسب در این تحلیل مضمون تحلیل قالب مضمون‌ها، شبکه مضمون‌ها، ماتریس مضمون‌ها و تحلیل مقایسه‌ای است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. منظور از الگو مدلی است که از طریق نظم مفهومی داده‌های مستخرج به دست می‌آید. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و

-
1. Basic Themes
 2. Organizing Themes
 3. Global Themes
 4. Attride Stirling

تفصیلی تبدیل می‌کند (بران و کلارک، ۲۰۰۶). تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. به‌طور کلی، تحلیل مضمون روشی برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات به‌ظاهر نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و فرهنگ و درنهایت، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است (بویاتزیس، ۱۹۹۸، به نقل از مهری، یزدخواستی، پناهی، ۱۳۹۳، ۸۱). تحلیل مضمون فرایندی سه‌مرحله‌ای است که شامل سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر است. در مرحله کدگذاری توصیفی، حداقل یک بار قبل از شروع کدگذاری کل داده‌ها مطالعه شده‌اند. در این حالت، هنگام مطالعه متن برخی از ایده‌ها و الگوها شناخته شدند. این گام ستون فقرات مراحل بعدی است. کدگذاری تفسیری زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر داده‌ها را مطالعه کرده است و با آن‌ها آشنا شده است. این مرحله مستلزم ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها است. در این گام، از کدها برای تقسیم داده‌های متنی به قسمت‌های فهمیدنی مانند بند، عبارت، کلمه یا سایر معیارهایی که برای تحلیل خاص لازم هستند، استفاده می‌شود. کدهای موجود در چهارچوب کدگذاری باید حدومرز کاملاً مشخصی داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که تغییرپذیر یا تکراری نباشند. در گام یا مرحله یکپارچه‌سازی، کدها تجزیه و تحلیل می‌شوند و به نحوه ترکیب و تلفیق کدهای مختلف برای تشکیل مضمون پایه توجه می‌شود (مهری و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۲).

نتایج

برای انجام پژوهش، تمام کلماتی را که معنی و مفهوم قدرت، ورزش، جسم، نیرومندی و تقویت جسمانی را بیان می‌کنند، در قرآن جست‌وجو کردیم و سپس، تمام آیات مرتبط را استخراج کردیم. معنی و مفهوم کلمات مرتبط در جدول شماره یک بیان شده است.

-
1. Braun & Clarke
 2. Boyatzis

جدول ۱- معنی و مفهوم کلمات کلیدی برای جست‌وجو

ردیف	کلمه	منبع	معنی و مفهوم
۱	مکن	قاموس جلد ۶	افعالی از «مکن» مشتق‌اند؛ از قبیل امکن، مکن، تمکن و غیره که همه به معنای قدرت و اقتدار و قدرت‌دادن به کار می‌روند.
۲	عصب	قاموس جلد ۵	جماعت فشرده، نیرومند و کمک همدیگر
۳	قوه	قاموس جلد ۶	نیرومندی. نیرو «قوی یقوی قوه: ضد ضعف». در قرآن، جمع قوه قوی آمده است.
۴	اشد	قاموس جلد ۴	اشد (به ضم ش) جمع شد است؛ مثل اضر جمع ضر و شد به معنای قوه است و مراد از اشد، استحکام نیروی جوانی و سن است.
۵	لعب	قاموس جلد ۶	معنای جامع آن بازی است؛ چنانکه در قاموس و اقرب ضد جد گفته است و در نهج البلاغه با جد، مقابل آمده است.
۶	رتع	قاموس جلد ۳	رتع به معنای گردش است
۷	سبق	قاموس جلد ۳	تقدم، پیش‌افتادن. راغب: اصل سبق پیش‌افتادن در راه رفتن است. استباق به معنای مسابقه و پیشی گرفتن بر یکدیگر است.
۸	طوع	قاموس جلد ۴	استطاعت به معنای قدرت و طلب طاعت است؛ ولی در قرآن، پیوسته به معنای قدرت آمده است.

در ادامه و با توجه به کلمات کلیدی ذکر شده در جدول شماره یک، آیات مرتبط استخراج شدند که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود. مجموع آیه‌های مرتبط با ورزش که از قرآن استخراج شده‌اند، ۴۳ مورد است.

جدول ۲- آیه‌های مرتبط با ورزش و تقویت قوای جسمانی

ردیف	سوره	آیه	متن عربی	ترجمه
۱	بقره (۲)	۱۶۵	إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ	هنگامی که عذاب خدا را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام نیروها، تنها به دست خداست و او دارای عذاب شدید است.
۲	بقره (۲)	۲۴۷	وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكاً قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ...	و پیامبرشان به آن‌ها گفت: همانا خداوند «طالوت» را برای زمام‌داری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است. گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد در حالی که ما از او به فرمانروایی شایسته‌تریم و به او ثروت زیادی داده نشده است؟ پیامبرشان گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و توان علمی و جسمی او را افزون نموده است ...
۳	آل عمران (۳)	۹۷	فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمناً وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً	در آن (خانه) نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است و هر کس به آن درآید، در امان است و برای خدا برعهده مردم است که قصد حج آن خانه را نمایند؛ (البته) هر که توانایی این راه را دارد.

ادامه جدول ۲- آیه‌های مرتبط با ورزش و تقویت قوای جسمانی

ردیف	سوره	آیه	متن عربی	ترجمه
۴	انعام (۶)	۶	أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ	آیا ندیدند که چه بسیار امت‌های پیش از آنان را هلاک کردیم؛ باآنکه در زمین به آنان جایگاه و توانی داده بودیم که به شما نداده‌ایم؟
۵	اعراف (۷)	۱۰	وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ	و همانا در زمین به شما تمکن دادیم و برای شما در آن (انواع) وسایل زندگی را فراهم ساختیم، (اما) شما اندک شکرگزاری می‌کنید.
۶	اعراف (۷)	۶۹	وَ ادْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَ زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصُطَةً فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ	و به یاد آورید هنگامی را که خداوند، شما را پس از قوم نوح جانشینان آن‌ها قرار داد و شما را در آفرینش توانایی افزود؛ پس، نعمت‌های خدا را به یاد آورید؛ باشد که رستگار شوید.
۷	انفال (۸)	۱۷	وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى	و این تو نبودی (ای پیامبر که سنگ به صورت آن‌ها) پرتاب کردی بلکه خدا پرتاب کرد.
۸	انفال (۸)	۶۰	وَ ادْعُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قَوْلًا وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ	و برای (آماجگی مقابله با) دشمنان، هرچه می‌توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی‌شناسید، ولی خداوند آن‌ها را می‌شناسد، به وسیله آن بترسانید.
۹	توبه (۹)	۶۹	كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ	(حال منافقان) همچون کسانی است که پیش از شما بودند، آنان نیرومندتر از شما و ثروتمندتر و صاحب فرزندان بیشتری بودند؛ پس، آنان از نصیبشان بهره‌مند شدند. شما نیز همان‌گونه که پیشینیان شما متمتع شدند، بهره خود را بردید.
۱۰	هود (۱۱)	۵۲	وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَّا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ	ای قوم من! از خدا به خاطر گناهانتان طلب بخشش کنید؛ سپس، توبه کنید و به سوی او بازگردید. اگر شما چنین کنید، به آسمان فرمان می‌دهد قطره‌های حیات‌بخش باران را بر شما پی‌درپی فرو فرستد و نیرویی بر نیروی شما می‌افزاید و گنه‌کارانه روی (از حق) برنتابید.
۱۱	یوسف (۱۲)	۸	إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَ أَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنْنَا وَ نَحْنُ عُصْبَةٌ	هنگامی که (برادران) گفتند: «یوسف و برادرش نزد پدر از ما محبوب‌ترند؛ درحالی‌که ما مردان نیرومندی هستیم.
۱۲	یوسف (۱۲)	۱۲	أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَ يَلْعَبُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ	او را فردا با ما بفرست تا (در صحرا) بگردد و بازی کند و قطعاً ما نگهبانان (خوبی) برای او خواهیم بود.
۱۳	یوسف (۱۲)	۱۴	قَالُوا لَنْ نَأْكُلَهُ الذَّنْبُ وَ نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَاسِرُونَ	(فرزندان یعقوب) گفتند: اگر گرگ او را بخورد، باآنکه ما گروهی قوی هستیم، در آن صورت ما زیانکار (و بی‌کفایت) خواهیم بود.
۱۴	یوسف (۱۲)	۱۷	قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا	گفتند: ای پدر! ما رفتیم که مسابقه دهیم و یوسف را نزد وسایل خود (تنها) گذاشتیم.

ادامهٔ جدول ۲- آیه‌های مرتبط با ورزش و تقویت‌قوای جسمان

ردیف	سوره	آیه	متن عربی	ترجمه
۱۵	یوسف (۱۲)	۲۱	وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَ لَعَلَّهُمْ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ	و این‌گونه ما به یوسف در آن سرزمین جایگاه و مکتب دادیم (تا اراده ما تحقق یابد) و تا او را از تعبیر خواب‌ها بیاموزیم و خداوند بر کار خویش تواناست؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند.
۱۶	یوسف (۱۲)	۲۲	وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ	و چون (یوسف) به رشد و قوت خود رسید به او حکم (نبوت یا حکمت) و علم دادیم و ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.
۱۷	یوسف (۱۲)	۵۶	وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَ لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ	و ما این‌گونه به یوسف در آن سرزمین، مکتب و قدرت دادیم که در آن هر جا که خواهد قرار گیرد (و تصرف کند)، ما رحمت خود را بر هر کس که بخواهیم می‌رسانیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گردانیم.
۱۸	اسرا (۱۷)	۸۰	وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا	و برای من از پیش خودت سلطه و برهانی نیرومند قرار ده.
۱۹	کهف (۱۸)	۸۴	إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ آتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا	همانا ما در زمین به او (ذوالقرنین) قدرت دادیم و از هر چیزی وسیله‌ای به او عطا کردیم.
۲۰	انبیا (۲۱)	۸	وَ مَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ	آنان را پیکره‌هایی که غذا نمی‌خورند قرار ندادیم.
۲۱	حج (۲۲)	۴۱	الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ	کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند.
۲۲	نمل (۲۷)	۳۳	قَالُوا نَحْنُ أَوْلَا قُوَّةً وَ أَوْلُوا بِأَسِ شَدِيدٍ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ فَانظُرِي مَا ذَا تَأْمُرِينَ	(اشراف) گفتند: ما سخت نیرومند و دلاوریم (و نباید در برابر یک نامه از موضع ضعف برخورد کنیم)؛ ولی اختیار کار با توست. نظر خود را بیان فرما تا ببینیم چه دستور می‌دهی؟ (و ما با قدرت انجام دهیم).
۲۳	نمل (۲۷)	۳۹	قَالَ عَفْرِيَّتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَ إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِي أَمِينٌ	عفریتی از جن (که دارای قدرت و زیرکی خاصی بود به سلیمان) گفت: من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آن‌که از جای خود برخیزی. و من قطعاً بر این کار هم قدرت دارم و هم مورد اعتمادم.
۲۴	قصص (۲۸)	۱۴	وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ اسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ	چون موسی نیرومند شد و کامل گردید، به او حکمت و دانش عطا کردیم و ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.
۲۵	قصص (۲۸)	۱۵	فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ	پس آنکه از پیروان موسی بود، از او در برابر دشمنش یاری خواست؛ پس، موسی (به حمایت از دوست خود) مستی بر او زد که کار او را ساخت.

ادامه جدول ۲- آیه‌های مرتبط با ورزش و تقویت قوای جسمانی

ردیف	سوره	آیه	متن عربی	ترجمه
۲۶	قصص (۲۸)	۱۷	قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ	(سپس موسی) گفت: پروردگارا! به خاطر (قدرت و) نعمتی که بر من ارزانی داشتی، پس هرگز پشتیبان تبهکاران نخواهم بود.
۲۷	قصص (۲۸)	۲۶	قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ	یکی از آن دو (دختر) گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا، بهترین کسی که (می‌توانی) استخدام کنی، شخص توانا و امین است.
۲۸	قصص (۲۸)	۷۸	قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرَ جَمْعاً	(قارون در جواب) گفت: همانا این (ثروت فراوان) به واسطه دانشی که نزد من است، به من داده شده. آیا او نمی‌دانست که خداوند قبل از او از میان نسل‌ها، کسانی را که از او نیرومندتر و مال‌اندوزتر بودند، هلاک کرده است؟
۲۹	روم (۳۰)	۹	أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا	آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟ آن‌ها نیرومندتر از اینان بودند و زمین را زیور و کردند و بیش از آنچه اینان آباد کردند، آن را آباد ساختند.
۳۰	فاطر (۳۵)	۴۴	أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيماً قَدِيراً	آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند که سرانجام کسانی که قبل از ایشان بودند و قدرتشان بیش از آنان بود چه شد؟ و هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین نیست که خداوند را به عجز درآورد (و از حیطة قدرت او خارج باشد). البته او بس آگاه و تواناست.
۳۱	ص (۳۸)	۱۷	اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ	(ای پیامبر!) بر آنچه می‌گویند شکیبا باش و بنده ما داود را یاد کن که صاحب قدرت بود؛ اما باین حال، همواره روی به سوی درگاه ما داشت.
۳۲	غافر (۴۰)	۲۱	أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَاراً فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ	آیا در زمین سیر نکردند تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند و قوت و آثارشان در زمین سخت‌تر و نیرومندتر از اینان بوده چگونه بوده است؟ پس، خداوند آنان را به خاطر گناهانشان (به قهر خود) گرفت و در برابر (قهر) خداوند برای آنان هیچ مدافعی نبود.
۳۳	غافر (۴۰)	۶۷	هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخاً وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ مِنْ قَبْلِ	او کسی است که شما را از خاک آفرید. سپس از نطفه‌ای، سپس از علقه‌ای (خون بسته‌شده)، سپس شما را به صورت نوزادی (از رحم‌ها) بیرون می‌آورد، سپس (رشدتان می‌دهد) تا به کمال قوت خود برسید (و) آنگاه تا پیر شوید و بعضی از شما پیش از رسیدن به پیری می‌میرد.

ادامهٔ جدول ۲- آیه‌های مرتبط با ورزش و تقویت‌قوای جسمان

ردیف	سوره	آیه	متن عربی	ترجمه
۳۴	غافر (۴۰)	۸۲	أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَ أَشَدَّ قُوَّةً وَ أَنَاراً فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ	پس آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بوده‌اند چه شد (و چگونه نابود شدند؟ آنان) تعدادشان از اینان بیشتر و قدرت و آثارشان در زمین سخت‌تر (و فزون‌تر) بود؛ اما آنچه را به دست آورده بودند به کارشان نیامد.
۳۵	فصلت (۴۱)	۱۵	فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ قَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً	پس قوم عاد به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: «کیست که از ما قدرتمندتر باشد؟» آیا ندیدند که همان خداوندی که آنان را آفرید قوی‌تر از آن‌هاست؟
۳۶	زخرف (۴۳)	۸	فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشاً وَ مَضَى مَثَلُ الْآوَلِينَ	پس ما کسانی را که از نظر قدرت سخت‌تر از این اسراف‌کاران بودند هلاک کردیم و سرنوشت پیشینیان تکرار شد.
۳۷	احقاف (۴۶)	۱۵	حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ وَ وَالِدِيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً	تا آنگاه که به رشد کامل رسد و چهل ساله شود، گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادر من لطف کردی، شکرگزاری کنم و عمل شایسته‌ای انجام دهم
۳۸	احقاف (۴۶)	۲۶	وَ لَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعاً وَ أَبْصَاراً وَ أَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَ لَا أَبْصَارَهُمْ وَ لَا أَفْئِدَتَهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ	و همانا به قوم عاد چنان امکاناتی دادیم که به شما (اهل مکه) ندادیم و به آنان گوش و چشم و دل دادیم؛ ولی گوش و چشم و دل آنان به حالشان سودی نبخشید؛ زیرا، پیوسته آیات خدا را انکار می‌کردند.
۳۹	محمد (۴۷)	۱۳	وَ كَاتِبِينَ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ	و چه بسیار (مردم) شهرها که از (مردم) شهری که تو را بیرون کردند، نیرومندتر بودند. ما آنان را هلاک کردیم و برای آنان هیچ یابوری نبود.
۴۰	ق (۵۰)	۳۶	وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشاً فَنَقَبُوا فِي الْبِلَادِ	و پیش از اینان چه بسیار نسل‌هایی را که نیرومندتر از ایشان بودند و (با قدرت و خود و کشورگشایی) به شهرها نفوذ کردند، هلاک کردیم.
۴۱	نجم (۵۳)	۶ و ۵	عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى. ذُو مِرَّةٍ فَأَسْتَوَىٰ	(وحی را خداوند) قوی قدرت به او آموخت. (خداوند) صاحب صلابت که سلطه یافت.
۴۲	مجادله (۵۸)	۲۰ و ۲۱	كَتَبَ اللَّهُ لِلْأَعْلِينَ أَنَا وَ رُسُلِي إِنْ اللَّهُ قُوَىٰ عَزِيزٌ	خدا چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم؛ چراکه خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.
۴۳	انشقاق (۸۴)	۶	يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحاً فَمَلَأْ قَبِيهَ	هان ای انسان! تو به‌سوی پروردگارت تلاش بسیاری داری و سرانجام به لقای او خواهی رسید.

همان‌طور که در جدول شماره سه مشاهده می‌شود، مجموع کل کدگذاری‌ها از قرآن کریم ۱۳۵ مورد است. ۴۲/۵۳ درصد (۵۷ کد) از کدهای استخراج‌شده درباره چگونگی، ۳۲/۱ درصد (۴۴ کد) درباره چیستی و ۲۵/۳۷ درصد (۳۴ کد) درباره چرایی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی هستند. این مطلب بیان می‌کند که در قرآن بیشتر بر چگونگی و سپس، چیستی تأکید شده است. همچنین، بیشترین فراوانی متعلق به مضمون‌های ماهیت تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی (۳۰ کد)، تربیت‌بدنی مطلوب اسلام (۳۰ کد) و اصول تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی (۲۸ کد) است که نشان می‌دهد تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی به‌تنهایی ارزش نیست؛ بلکه باید با اخلاق همراه باشد و مطلوب اسلام باشد.

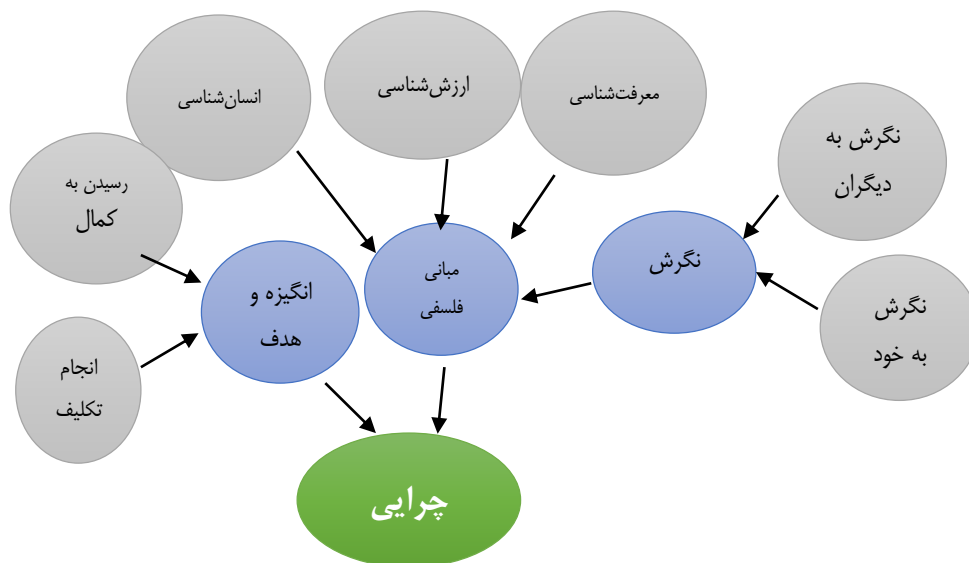
جدول ۳- ابعاد مدل تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی از منظر قرآن

فراوانی کد	مضامین فراگیر	اهداف پژوهش
۹	انگیزه و هدف تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی	چرایی
۱۹	مبانی فلسفی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی	
۶	نگرش تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی	
۱۳	آثار تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی	چیستی
۳۰	ماهیت تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی	
۳۰	تربیت‌بدنی مطلوب اسلام	چگونگی
۲۸	اصول تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی	
۱۳۵		جمع کل کدگذاری‌ها

طبق تحلیل مضمون‌ها در قرآن کریم، یک الگوی سه‌بعدی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی طراحی شد که هر بعد به یکی از پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دهد. این الگو دارای سه بعد چرایی، چیستی و چگونگی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی از دیدگاه قرآن کریم است. در ادامه، به تبیین هر یک از ابعاد این الگو و پاسخ‌دادن به سؤال‌های پژوهش می‌پردازیم.

چرایی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی از منظر قرآن کریم

ابتدا به بررسی چرایی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی در قرآن می‌پردازیم. ۳۴ کد؛ یعنی حدود ۲۶ درصد از کدهای استخراج‌شده از قرآن کریم، به بعد چرایی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی اشاره دارند. همان‌گونه که در شکل شماره یک نشان داده شده است، به‌طور کلی لزوم تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی را می‌توان در مبانی فلسفی، نگرش‌ها، و انگیزه و هدف تربیت‌بدنی جست‌وجو کرد.



شکل ۱- شبکه‌ی مضمون‌های مرتبط با بعد چرایی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی از منظر قرآن کریم

تحرك و فعاليت بدنی از ضروریات زندگی بشر و لازمه‌ی رشد و سلامتی است؛ زیرا، انسان از زمانی که قدرت فعاليت و تحرك پیدا می‌کند، با هدایت تکوینی که خدا در نهاد او قرار داده است حرکت و دست‌وپازدن را آغاز می‌کند و تا پایان عمر هرچه تحرك و فعاليت منظم داشته باشد، از رشد و سلامتی بهتر نیز برخوردار خواهد بود و هرچه فعاليت او کمتر شود، به‌همان اندازه رشد و سلامتی‌اش در معرض آسیب قرار خواهد گرفت. همان‌طور که در شکل شماره‌ی یک مشاهده می‌شود، در اسلام تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی به‌تنهایی ارزش نیست؛ بلکه تقویت جسم باید در جهت کمک به خود و دیگران، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، انسان‌شناسی، انجام تکالیف الهی و درنهایت، رسیدن به کمال و سعادت اخروی باشد. در ادامه، برای اینکه به دیدگاه اسلام در مورد تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی بپردازیم، مضمون‌های مرتبط با مبانی فلسفی، نگرش، و انگیزه و هدف آن را در جدول شماره‌ی چهار آورده‌ایم.

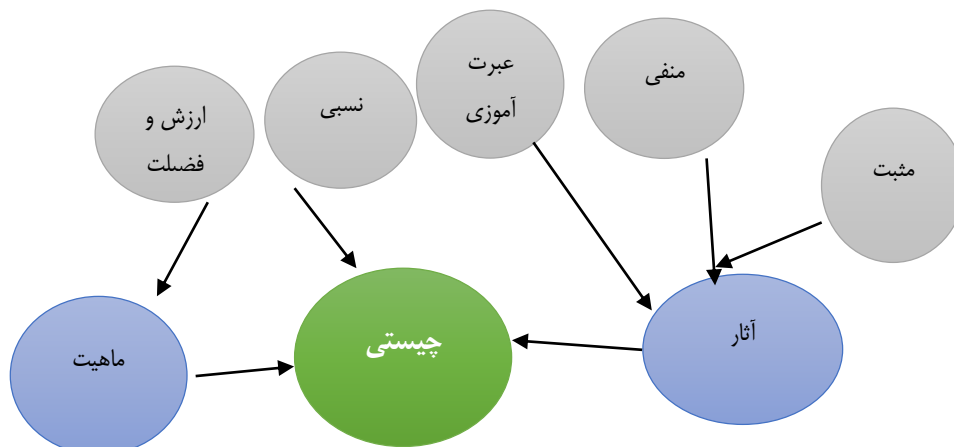
جدول ۴- مضمون‌های مرتبط با مبانی فلسفی، نگرش، و انگیزه و هدف تربیت‌بدنی

مضمون‌های فراگیر	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون‌های پایه	فراوانی کد
مبانی فلسفی	معرفت‌شناسی	خواستۀ ادیان الهی	۳
		لازمۀ کسب دانش و حکمت	۴
		ضرورت جامعه	۱
	ارزش‌شناسی	ارزش و فضیلت قدرت	۲
		عامل پیروزی و موفقیت	۳
		انسان نیازمند تفریح است.	۱
انسان‌شناسی	انسان نیازمند تغذیه است.	۲	
	انسان فانی است.	۳	
	نداشتن حب نفس و غرور	۲	
نگرش	نگرش به خود	مراقبت از خود	۱
		اتحاد	۱
	نگرش به دیگران	مراقبت و حمایت	۲
انگیزه و هدف	انجام تکالیف الهی	امر به معروف و نهی از منکر	۲
		اقامۀ نماز	۱
	رسیدن به کمال	اقامۀ حکومت عدل	۱
		رضایت خداوند	۳
		انجام کارهای بزرگ	۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تقویت جسم هم خواستۀ ادیان الهی و هم جامعه است و برای کسب دانش و حکمت نیز ضروری است. همان‌طور که انسان به غذا و همسر نیاز دارد، به تفریح و ورزش نیز نیاز دارد. تقویت جسم موردنظر و تأکید اسلام است که بتواند ورزشکاری را تربیت کند که برای رضایت خداوند گام بردارد و انسان را به سعادت و کمال برساند و در جهت کمک به دیگران گام بردارد.

چیستی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی از منظر قرآن کریم

منظور از چیستی مجموعه ویژگی‌هایی است که تقویت قوای جسمانی باید داشته باشد. نتیجۀ تحلیل مضمون‌های استخراج‌شده از قرآن کریم درباره چیستی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی در قالب شبکه مضمون‌ها، در شکل شماره دو نشان داده شده است.



شکل ۲- شبکه مضمون‌های مرتبط با بعد چستی تربیت‌بدنی از منظر قرآن

در ادامه، برای اینکه به دیدگاه اسلام در مورد تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی پرداخته شود، در جدول شماره پنج، مضمون‌های مرتبط با آثار و ماهیت تربیت‌بدنی آمده‌اند.

جدول ۵- مضمون‌های مرتبط با آثار و ماهیت تربیت‌بدنی

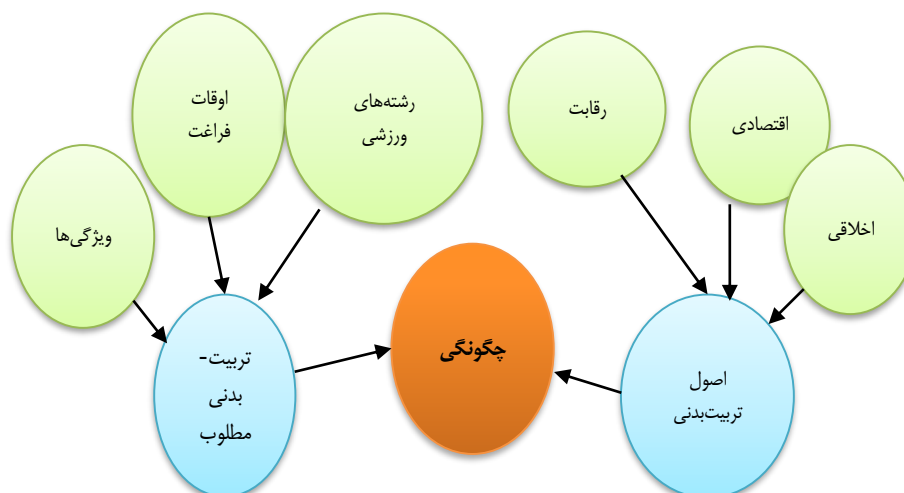
مضمون‌های فراگیر	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون‌های پایه	فراوانی کد
		مانع ایمان	۱
	منفی	مایه غفلت	۱
		مانع پذیرفتن حق	۱
آثار	مثبت	مسئولیت‌پذیری	۴
		اجرای عدالت	۱
		وسیله فریب	۱
	عبرت‌آموز	نابودی قدرت‌های ستمگر	۲
		بازدارنده غرور	۲
	نسبی	فانی	۱۱
		تغییرپذیر	۴
ماهیت		به‌تنهایی ارزش نیست.	۷
	ارزش و فضیلت	لطف و احسان خداوند است.	۵
		مسئولیت‌آفرین است.	۳

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تقویت جسم هم آثار مثبت و هم آثار منفی دارد که چنانچه در دست فرد باایمان و صالح باشد، باعث برپایی عدل، اقامه نماز و تشکیل حکومت صالح و عادل می‌شود و

چنانچه در دست افراد بی‌ایمان و ظالمی مانند فرعون باشد، باعث غرور و سرپیچی از حق و ظلم به دیگران می‌شود. همچنین، نتایج بیانگر این است که قدرت، نسبی و تغییرپذیر است و حتی قدرتمندترین انسان‌ها نیز روزی قدرت خود را از دست خواهند داد. افراد قدرتمند باید همیشه خداوند را در نظر داشته باشند و قدرت خود را لطف و احسان خداوند بدانند و به «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ایمان داشته باشند.

چگونگی تربیت بدنی و تقویت قوای جسمانی

در شکل شماره سه، نتیجه تحلیل مضمون‌های استخراج‌شده از قرآن کریم درباره چگونگی تربیت بدنی و تقویت قوای جسمانی در قالب شبکه مضمون‌ها نشان داده شده است.



شکل ۳- شبکه مضمون‌های مرتبط با بعد چگونگی تربیت بدنی از منظر قرآن

در ادامه، برای اینکه به دیدگاه اسلام در مورد چگونگی تربیت بدنی و تقویت قوای جسمانی پرداخته شود، مضمون‌های مرتبط با اصول تربیت بدنی و تربیت بدنی مطلوب در جدول شماره شش نمایش داده شده‌اند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌کنید، اصول اخلاقی تربیت بدنی عبارت‌اند از: تواضع، احترام به پیشکسوت، استفاده مناسب و بجا از قوای جسمانی، غرورنداشتن و ظلم‌ستیزی. همچنین، از اصول اقتصادی حاکم بر تربیت بدنی این است که تربیت بدنی به صرف هزینه نیاز دارد و دیگر اینکه، در هزینه‌کردن باید صرفه‌جویی کرد و از ریخت‌وپاش‌های اضافی و نابجا خودداری کرد. اسلام برای رقابت نیز اصولی را مطرح می‌کند و علاوه بر بیان اهمیت مسابقه، ذکر می‌کند افزون‌براینکه رقابت باید عادلانه باشد و فرد برای پیروزی در رقابت نیازمند تلاش و پشتکار است، وی نیازمند یک مربی متعهد

و توانمند نیز است. از نظر اسلام، تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی در صورتی ارزش است که همراه با ایمان، علم، عقل، امانت‌داری، صبر و احسان باشد و در محیطی مناسب و به‌دور از آلودگی و ناپاکی باشد و برای کودکان و نوجوانان زیر نظر والدینشان باشد.

جدول ۶- مضمون‌های مرتبط با اصول تربیت‌بدنی و تربیت‌بدنی مطلوب

مضمون‌های فراگیر	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون‌های پایه	فراوانی کد
		تواضع	۳
		احترام به پیشکسوت	۱
		استفاده مناسب	۲
	اخلاقی	غرورنداشتن	۶
		ظلم‌ستیزی	۲
		نیازمند بودجه	۲
	اقتصادی	صرفه‌جویی	۱
		عادلانه	۴
		نیازمند تلاش	۲
	رقابت	اهمیت مسابقه	۳
		توانمندی مربی	۲
		محیط مناسب	۲
	اوقات فراغت	با نظارت ولی	۲
		همراهی با علم و عقل	۱۰
		همراهی با ایمان	۸
	ویژگی‌ها	همراهی با امانت‌داری، صبر و احسان	۶
	رشته‌های ورزشی	تیراندازی و سوارکاری	۲

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، بیان جایگاه و اهمیت تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی از نظر قرآن بود. نتایج پژوهش از سه بعد چرایی، چیستی و چگونگی قابل‌بررسی است. بررسی‌ها در مورد چرایی نشان دادند که در اسلام تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی ارزش و فضیلت است و علاوه بر یک ضرورت بودن برای تأمین سلامت جسمی و روانی جامعه، خواسته ادیان الهی است و اسلام به موازات تقویت جنبه‌های علمی و ایمانی به تقویت جسمانی نیز توجه کرده است؛ به‌صورتی که در قرآن بارها کلمه «اشد» از ماده «شدت» به‌معنای نیرومند شدن و کلمه «استوی» از ماده «استواء» به‌معنای کمال خلقت و اعتدال بیان شده‌اند که گویا ارتباط مستقیمی بین سلامتی و نیرومندی جسمانی و یادگرفتن حکمت و دانش

وجود دارد. متأسفانه، باوجود اهمیت زیاد تربیت‌بدنی در سنین تحصیلی به‌عنوان واقعی‌ترین و کاربردی‌ترین نیاز، به‌علت برخی مسائل فرهنگی، مسئولان، اولیا و قوانین کمترین توجه به این حوزه کرده‌اند. افزون‌براین، جامعه ما از انواع بیماری‌هایی که مستقیم با نبود تحرک و فعالیت بدنی در ارتباط هستند، رنج می‌برد؛ اما هنوز تربیت‌بدنی و ورزش در ذهن و روان جامعه امری زائد و جانبی است و این آفت نگرشی درمورد تحرک و فعالیت بدنی بر تمام لایه‌ها و اقشار جامعه مستولی است و به‌نظر می‌رسد باوجود بهبودهای چشمگیر تا سرمنزل مقصود راه بسی دشوار درپیش است. درس تربیت‌بدنی مظلوم‌ترین درس در آموزش و پرورش است؛ زیرا، اساساً مکان اجرای این درس وجود ندارد و جایگاه انجام این درس محل رفت‌وآمد و عبور و مرور اولیا، معلمان، دانش‌آموزان و غیره است. درواقع، معلمان تربیت‌بدنی این درس را در مکانی اجرا می‌کنند که در همان زمان هر شخص دیگری به‌اندازه آنان به آن محیط دسترسی دارد و دراختیار وی است. این درحالی است که خداوند در آیه ۱۲ سوره یوسف بر ضرورت انجام فعالیت جسمانی برای کودکان در محیط پاک و امن تأکید دارد. همان‌طور که در داستان حضرت موسی (ع) آمده است، اسلام ورزشی را مفید می‌داند که باعث قوی شدن انسان از نظر جسمی و روحی شود و به‌تبع آن، فرد بتواند برای کمک به مظلوم از نیروی خود استفاده کند و درجهت رضای خداوند گام بردارد.

نتایج پژوهش نشان داد که انسان برای نیرومندشدن علاوه بر فعالیت جسمی به تغذیه مناسب و خواب کافی نیاز دارد و باید بداند که همه قدرت‌ها، نسبی و فناپذیر هستند و تنها قدرت خداوند است که مافوق همه قدرت‌ها است و فناپذیر است؛ بنابراین، انسان باید از حب‌نفس و غرور پرهیز کند و علاوه بر خود از دیگران نیز حمایت و مراقبت کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که هدف غایی و نهایی تربیت‌بدنی و قوای جسمانی، انجام تکالیف الهی و رسیدن به کمال و جلب رضایت خداوند متعال است. همچنین، نتایج پژوهش درمورد چیستی تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی حاکی از آن است که قدرت می‌تواند هم آثار مثبت و هم آثار منفی داشته باشد. چنانچه قدرت در دست افراد صالح باشد، باعث مسئولیت‌پذیری و اجرای عدالت خواهد بود و مایه خیر و برکت برای همه است و چنانچه در دست افراد کافر باشد، مانع ایمان، مایه غفلت و نپذیرفتن حق خواهد بود؛ بنابراین، باید ورزشکاران ما توجه داشته باشند قدرتی که دارند لطف و احسان خداوند است و برای افراد توانمند مسئولیت‌آفرین است؛ از این رو، باید تلاش کنند که از قدرت خود استفاده مناسب کنند و درجهت رضای خداوند گام بردارند و با رعایت سجایای اخلاقی الگوی مناسبی برای جوانان باشند. موضوع دیگر، فراموشی ورزش تربیتی است؛ درحالی که توجه به جنبه‌های تربیتی ورزش می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه را از جمله ناهنجاری‌های بدنی، مشکلات اخلاقی و مشکلات جسمانی حل و فصل کند و از این رهگذر، علاوه بر داشتن جامعه‌ای سالم که هدف تربیت‌بدنی در اسلام است، صرفه‌جویی اقتصادی نیز داشته باشد.

درمورد چگونگی نیز نتایج پژوهش نشان داد که تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی موردنظر اسلام است که با ایمان، عقل، امانت‌داری، احسان و علم همراه باشد؛ بنابراین، اسلام هم بر ورزش همگانی تأکید دارد؛ زیرا، هدف اصلی آن تأمین سلامت عمومی جامعه است و با آیه «واعدو ماستتعم من قوه» هماهنگ است و هم بر ورزش قهرمانی که با تکیه بر اخلاقیات باشد، کاملاً موافق است و چنانچه ورزشکار حرفه‌ای دارای فضائل اخلاقی باشد، برای اسلام و جامعه خود افتخار است؛ همچنان که جهان‌پهلوان تختی در دل‌ها جای گرفته است و از محبوبیت زیاد جهانی برخوردار است که این نه تنها به خاطر قهرمانی‌های متعدد، بلکه به دلیل سجایای اخلاقی ایشان است؛ بنابراین، برنامه‌های پاس‌داری از سلامت جسم باید چنان باشند که به سلامت روح، قلب و اخلاق انسان ضرر و زیانی نرسانند. خلاصه اینکه، روح و حقیقت انسان و اخلاق اصل هستند و جسم و کارهای جسمانی همه فرع هستند؛ البته فرعی که پرورش آن برای به‌ثمررسیدن اصل لازم است. اسلام ویژگی‌های یک ورزشکار مسلمان را داشتن ایمان، امین بودن، داشتن دانش و بینش وسیع، سبقت در کار خیر، حمایت از مظلوم، گذشت و بخشش و پرهیز از غرور بیان می‌کند. بارزترین نمونه یک ورزشکار در اسلام، حضرت علی (ع) است که قدرت بدنی بی‌نظیری داشته است. آن حضرت برای حفظ سلامت و آمادگی جسمانی خود همیشه ورزش‌هایی مانند ورزش‌های زورخانه‌ای، شمشیربازی و اسب‌سواری را انجام می‌دادند و ملقب به «اسدالله الغالب»؛ یعنی «شیر همیشه پیروز خدا» شده است. بدون تردید، بین تن و روان ارتباط نزدیک و نیرومندی وجود دارد. بدین دلیل است که در اسلام، تنها به تربیت و پرورش جسم توجه نشده است؛ بلکه به موازات جسم، به روح نیز توجه شده است و دستورهای فراوانی در زمینه تربیت و تقویت آن وارد شده‌اند؛ از قبیل دعاکردن، به‌جا آوردن نماز، روزه و به‌طور کلی انجام عبادات؛ وگرنه پرداختن به جسم به‌تنهایی دارای ارزش انسانی نیست و انسان را از محدوده حیوان بودن خارج نمی‌کند. با توجه به اینکه اسلام به ورزش و نیرومندی اهمیت داده است و در کنار ورزش به کسب فضائل اخلاقی تأکید کرده است، بر ورزشکاران و جامعه ورزش فرض است که در هر نوع ورزشی که فعالیت می‌کنند خود را به فضائل اخلاقی آراسته کنند.

نتایج پژوهش نشان داد که نیرومندی و داشتن توان جسمی مسئولیت‌آفرین هستند و افرادی شایسته رهبری هستند که علاوه بر توان جسمی، از ایمان، امانت‌داری و توان علمی نیز برخوردار باشند؛ همان‌گونه که خداوند در قرآن با اشاره به داستان طالوت و قوم بنی‌اسرائیل دو دلیل انتخاب ایشان را توانایی علمی؛ یعنی دانش و قدرت بدنی؛ یعنی قوای جسمانی و ورزشی بیان می‌کند؛ نه قدرت مالی و افتخار نژادی و نسبی که از نظر قدرتمندان قوم بنی‌اسرائیل فضیلت بود. همچنین، در داستان حضرت موسی (ع) دلیل انتخاب ایشان را نیروی بدنی و امین بودن معرفی می‌کند؛ درحالی که از نظر اشراف بنی‌اسرائیل، مال و ثروت و نیز اصل و نسب دلیل برتری بودند و به‌همین دلیل، با انتخاب طالوت برای فرماندهی مخالف بودند؛ ولی خداوند فرمود: طالوت را برای شما انتخاب کردیم و علم و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیدیم. با توجه به نظر قرآن بهتر است در سازمان‌های ورزشی به افرادی توانمند، جوان و متخصص تربیت‌بدنی که دارای علم و ایمان هستند، مسئولیت واگذار کنیم و اصل شایسته‌سالاری

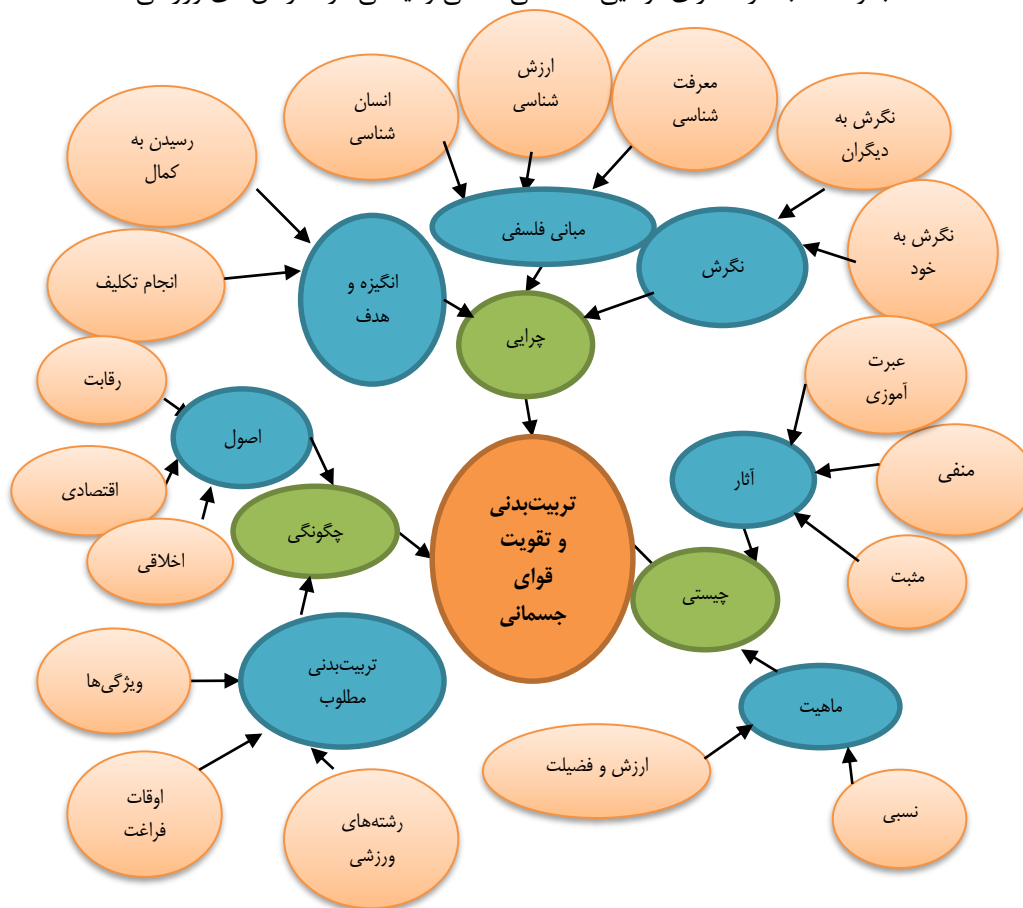
و جوان‌گرایی را رعایت کنیم؛ زیرا، ما در طول تاریخ اسلام شاهد انتخاب افرادی جوان و شایسته همچون حضرت علی (ع)، طلوت و اسامه به سمت فرماندهی بوده‌ایم؛ در صورتی که افراد باتجربه‌تر از لحاظ سنی نیز بودند که می‌توانستند مسئولیت را بپذیرند؛ بنابراین، در ایران که کشوری اسلامی است، مسئولان باید حضرت محمد (ص) را الگو قرار دهند و معیارشان برای انتخاب مسئولان دارای، شهرت و وابستگی حزبی نباشد؛ بلکه باید بر شایسته‌سالاری دینی و علمی تأکید کنند.

ورزش فواید زیادی دارد که از جمله می‌توان به کسب توانمندی جسمانی برای انجام کارهای سخت و سنگین زندگی اشاره کرد؛ ولی فایده ورزش منحصر به نیرومندی بدنی نیست؛ بلکه باعث پیشگیری از بیماری‌ها، تأمین سلامت جسمی، روانی و اخلاقی، ایجاد تناسب اندام و انجام‌دادن بهتر و قوی‌تر تکالیف دینی می‌شود. آنچه اسلام به آن تأکید دارد، ورزش است که به روحیه ایمان اشخاص همراه با سجایای اخلاقی فرد افزوده شود؛ یعنی همان‌طور که بدن انسان قوت و نیرو می‌گیرد، به همان اندازه و بلکه بالاتر روح انسان نیز رشد و تعالی پیدا کند.

در نهایت، با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

- ۱- نسل جوان و بزرگسال را متناسب با وضعیت روحی و روانی‌شان به انجام فعالیت‌های ورزشی تشویق کنیم تا افزایش سرانه ورزش سطح سلامت جامعه - که خواسته اسلام است - افزایش پیدا کند. این مهم از طریق ارزان‌تر کردن استفاده از مراکز ورزشی، بیان عواقب و هزینه‌های ناشی از نداشتن فعالیت بدنی، استفاده از تریبون‌های نماز جمعه و ائمه جماعات در جهت تشویق مردم به ورزش با توجه به احادیث و روایات دینی، تغییر فرهنگ مردم در جهت استفاده از روش‌های مختلف ورزشی نظیر دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی و تغییر دید مردم به افراد ورزشگر به عنوان افراد ارزشی به جای افراد غیرکارآمد امکان‌پذیر است؛
- ۲- برای اینکه دید جامعه به ورزشکاران تغییر کند و به آن‌ها به عنوان الگوهای ارزشمند نگاه کنند، بهتر است رسانه‌ها ورزشکارانی را که سجایای اخلاقی و ارزش‌های اسلامی را رعایت می‌کنند، به عنوان الگو مطرح کنند و با پررنگ کردن و بازتاب کارهای ارزشی آن‌ها و پرهیز از بازتاب بداخلاقی‌های برخی ورزشکاران، در حد امکان موجب گرایش جوانان به ارزش‌های اسلامی شوند؛
- ۳- اولویت‌دادن به ورزش تربیتی در مدارس به جای توجه صرف تفریحی به ورزش؛ زیرا، اولویت‌دادن به ورزش تربیتی می‌تواند با اصلاح ناهنجاری‌های جسمی، روحی و روانی زمینه تربیت جامعه‌ای سالم را فراهم کند و جامعه را از مزایای اقتصادی پیشگیری نیز بهره‌مند کند؛
- ۴- فراهم کردن محیطی سالم و امن برای ساعات ورزش مدارس از طریق احداث فضاهای سرپوشیده یا ایمن‌سازی محیط مدرسه دبیران ورزش در مدارس. همچنین، بیان داستان‌های ورزشی آموزنده از زندگی ائمه (ع) برای دانش‌آموزان در ساعات تربیت‌بدنی با اولویت‌دادن به ارزش‌های اخلاقی و ارزش‌های اسلامی و نیز نصب عکس دانش‌آموزان با اخلاق در ساعات تربیت‌بدنی در تابلوی اعلانات مدرسه؛
- ۵- نصب احادیث ورزشی در دیوار مدارس با هدف فرهنگ‌سازی ارزشی برای انجام فعالیت ورزشی؛

۶- انتخاب و انتصاب افراد دارای توانایی تخصصی، علمی و ایمانی در سازمان‌های ورزشی.



شکل ۴- شبکه مضمون‌های مرتبط با تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی از منظر قرآن

در مقدمه و بیان مسئله گفته شد که تاکنون پژوهش جامعی درمورد تربیت‌بدنی از منظر قرآن انجام نشده است و به‌دنبال ارائه مدلی جامع درمورد تربیت‌بدنی از منظر قرآن هستیم. با توجه به یافته‌های پژوهش، مدل به‌دست‌آمده در شکل شماره چهار مشاهده می‌شود که شامل سه سؤال اصلی پژوهش؛ یعنی چرایی، چگونگی و چستی تربیت‌بدنی است.

منابع

1. Attride- Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1, 385-405.

2. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 82-84.
3. Beheshti, A. (2010). Basics of physical education in Islam. Tehran: department of physical education of education. (Persian)
4. Gharati, M. (2010). Tafsir-e noor. Tehran: Cultural Center Lessons from the Qur'an. (Persian).
5. Khalaji, H., & Bahram, A. (2015). Fundamentals of physical education and sport sciences. Tehran: Samt. (Persian).
6. Mehri, K., Yazd Khasti, B., & Panahi, M. H. (2015). Ethnic policy based on the Supreme Leader's point of view: Thematic analysis. *Two Quarterly Studies on Soft Power*, 4 (10), 75-96. (Persian).
7. Nedaei, T., & Alavi, Kh. (2008). Exercise ethics with a fair play approach. *Quarterly Journal of Qom University*, 10(2), 187-220. (Persian).
8. Radadi, M., Eftekhari, A., & Derakhsheh, J. (2016). Analysis of the content of trust in Ayatollah Khamenei's thought Contemporary political quotes. *Institute of Humanities and Cultural Studies*, 3, 53-72. (Persian).
9. Sabori, H. (2014). Sports in Islam. Tehran: Sabori, third edition. (Persian).
10. Seikh Zadeh, M. (2012). Develops a model of servant leadership from Imam Khomeini's point of view and comparing it with some of the patterns of servant leadership in modern management. (Doctoral disseration). Tehran University, Tehran. (Persian).
11. Taherian, T. (2011). Physical education and sports from the perspective of Islam. *Religious education*, 11(1), 3-7. (Persian).

استناد به مقاله

بحرالعلوم، حسن، قاسمی روشناوند، جواد، امامی روشناوند، معصومه. (۱۳۹۷).
 تحلیل مضمون تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی مبتنی بر آیات
 قرآن کریم. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۷۳-۹۴.
 شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4504.1336

Bahrololom, H., Ghasemi Rooshnavand, J., Emami Rooshnavand, M.
 (2019). Thematic Analysis of Physical Education and Improvement
 Physical Strength Based on *Quran* Verses. *Research on Educational
 Sport*, 6(15): 73-94. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.4504.1336

ارتباط بین سواد اطلاعاتی و قابلیت کار آفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی

رشته علوم ورزشی در دانشگاه‌های شهر تهران

مریم مختاری دینانی^۱، سعیده ططری^۲

۱. استادیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه الزهرا (س)*

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه الزهرا (س)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۳۱

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بین سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی در دانشگاه‌های تهران بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران بود (تعداد = ۱۱۰۰) که با استناد به جدول کرجسی و مورگان، از بین آن‌ها ۲۷۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه استاندارد سواد اطلاعاتی انجمن کتابخانه‌های دانشکده‌ها و مراکز پژوهشی آمریکا (۲۰۰۳) و پرسش‌نامه استاندارد قابلیت کارآفرینی دانشگاه دورهام انگلستان (۱۹۹۱) بود. براساس نتایج به‌دست آمده، بین ابعاد سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سواد اطلاعاتی توانایی پیش‌بینی قابلیت کارآفرینی را دارد. به علاوه، از بین مؤلفه‌های سواد اطلاعاتی، «توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات» و «توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات» به ترتیب بیشترین توانایی پیش‌بینی معنادار را برای قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران داشتند. با توجه به نقش اثرگذار «توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات» در پیش‌بینی قابلیت کارآفرینی دانشجویان، لازم است دانشگاه‌ها در راستای ارائه اطلاعات ویژه و تخصصی مرتبط با کارآفرینی و اشتغال به دانشجویان علاقه‌مند، به کارآفرینی در حوزه ورزش اقدام کنند.

واژگان کلیدی: قابلیت کارآفرینی، سواد اطلاعاتی، دانشجو.

مقدمه

امروزه بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره از جمله دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است (نوذری و کریمی، ۲۰۱۷). در کشور ما نیز بیش از سه میلیون نفر بیکار جویای کار هستند که سهم قابل توجهی از آن‌ها را (۱۸/۵ درصد) دانش‌آموختگان دانشگاهی تشکیل می‌دهند (خبرگزاری تسنیم). این درحالی است که ترکیب جوان جمعیتی کشور و ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی، لزوم رهایی اقتصاد کشور از وابستگی به مواد خام اولیه به‌ویژه نفت خام و همچنین، خروج از وضعیت اقتصاد تک‌محصولی از یک‌سو و روندهای موجود در جامعه از سوی دیگر، عواملی هستند که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان کلان کشور را وامی‌دارند تا به منبع قابل‌انکایی به‌جز مواد اولیه بیندیشند. بدون شک، با توجه به الزاماتی که جامعه اطلاعاتی دارد، این منبع حیاتی چیزی جز خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی^۱ نیست (احمدپور و مقیمی، ۲۰۰۶).

هیسریچ و پیترز^۲ (۲۰۰۲) کارآفرینی را فرایند خلق هرچیز نو و باارزش، با صرف وقت و تلاش، همراه داشتن خطرهای مالی، روحی و اجتماعی، به‌دست‌آوردن پاداش‌های مالی، رضایت فردی و استقلال که از آن ناشی می‌شود، تعریف کرده‌اند. کارآفرینی از عوامل اصلی ایجاد ارزش اقتصادی و ابزاری کارآمد برای ایجاد اشتغال اثربخش و کاهش تعداد بیکاران محسوب می‌شود و امروزه در عرصه جهانی، افراد خلاق و مبتکر کارآفرینان منشأ تحولات بزرگی در زمینه صنعتی، تربیتی و خدماتی شده‌اند. همچنین، چرخ‌های توسعه اقتصادی، همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت درمی‌آیند.

برای کارآفرینان ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی متفاوتی ارائه شده‌اند که عبارت‌اند از: کانون کنترل درونی، خطرپذیری متوسط، تحمل ابهام، نیاز به توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، داشتن نوآوری، آینده‌نگری، عزم، اراده و پشتکار، و فرصت‌طلبی (مولر و توماس^۳، ۲۰۰۱). اهمیت کارآفرینی و نقش کلیدی آن در پیشرفت جوامع موجب شده است که اغلب دانشگاه‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، به بهره‌گیری از آن توجه کنند و در این مسیر از طریق تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های علمی و راهبردهای کاربردی، در راستای بسط و تقویت فرهنگ، روحیه و رفتار کارآفرینانه میان آحاد جامعه به‌طور عام و دانشجویان و به‌طور خاص، دانشگاهیان تلاش کنند (نعمتی، ۲۰۱۳).

-
1. Entrepreneurship
 2. Hisrich & Peters
 3. Mueller & Thomas

سازمان علمی آموزشی ملل متحد، در چشم‌انداز جهانی آموزش عالی برای قرن بیست‌ویکم، دانشگاه‌های نوین را این‌گونه توصیف کرده است: جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی با هدف تسهیل قابلیت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان و برای تبدیل‌شدن به ایجادکنندگان کار توسعه می‌یابند (گزارش سازمان علمی آموزشی ملل متحد، ۲۰۰۳). اکنون، این سؤال مطرح است که سازوکارهای کارآفرین‌کردن افراد و پرورش قابلیت‌های کارآفرینانه در افراد چیست و چه عواملی افزایش این قابلیت‌ها را آسان می‌کنند؟ در پاسخ به این سؤال‌ها باید گفت که هیچ دانش جدید و هیچ طرح و ایده مبتکرانه‌ای ایجاد نمی‌شود، مگر برپایه طرح‌ها و دانسته‌های قبلی مربوط به آن دانش؛ بنابراین، گام اول در ایجاد ایده خلاق و به‌دنبال آن کارآفرینی، احاطه نظری به علوم و نظریه‌های مرتبط با حیطة کار و نقاط ضعف و نقاط قوت این نظریه‌ها و طرح‌ها است (میرزاصفی، رجب‌پور و جمشیدیان، ۲۰۱۱). به‌نظر می‌رسد در عصر حاضر که به عصر اطلاعات معروف است و در جامعه‌ای که جامعه اطلاعاتی نام نهاده شده است، مهارت دستیابی مؤثر به اطلاعات موردنیاز با صرف حداقل زمان و هزینه، یک مهارت ارزشمند و اساسی برای همه افرادی است که به‌دنبال کارآفرینی هستند؛ مهارتی که امروزه آن را «سواد اطلاعاتی» می‌نامند (انجمن کتابخانه‌های دانشکده‌ای و تحقیقاتی آمریکا، ۲۰۰۳).

اولین بار، پل زورکوفسکی^۳ در سال ۱۹۷۴ اصطلاح «سواد اطلاعاتی» را مطرح کرد. از نظر وی، افرادی که در زمینه کاربرد منابع اطلاعاتی در خصوص تخصص کاری خود آموزش دیده‌اند، باسواد اطلاعاتی نامیده می‌شوند. آن‌ها تکنیک‌ها و مهارت‌های استفاده و کاربرد میزان گسترده‌ای از ابراهای اطلاعاتی را به‌خوبی منابع ابتدایی، در قالب راه‌حل‌های اطلاعاتی حل مسائل می‌دانند (باودن، ۲۰۰۱). سواد اطلاعاتی بر مواردی همچون محتوا، ارتباطات، تجزیه و تحلیل، کاوش اطلاعات و سرانجام، ارزیابی آن تأکید می‌کند. در واقع، سواد اطلاعاتی مجموعه‌ای از توانمندی‌ها است که افراد را قادر می‌سازد دریابند چه موقع به اطلاعات نیاز دارند و نیز توانایی مکان‌یابی، ارزیابی و به‌کارگیری مؤثر اطلاعات موردنیاز را فراهم می‌کند (انجمن کتابخانه‌های دانشکده‌ای تحقیقاتی، ۲۰۰۳). سواد اطلاعاتی با استفاده از توانایی‌ها و قابلیت فردی، اساس یادگیری مداوم را پایه‌گذاری می‌کند و از فناوری بهره می‌جوید؛ اما در نهایت مستقل از آن عمل می‌کند. به اعتقاد آنتونی کامپر، سواد اطلاعاتی سنگ‌بنای زیرین موفقیت در قرن بیست‌ویکم است (بردستانی، ۲۰۰۴).

-
1. Association of Library and Research Faculties
 2. Information Literacy
 3. Paul Zurkowski
 4. Bawden

بنابراین داشتن سواد اطلاعاتی که در واقع شناخت ابزارهای دستیابی به اطلاعات است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و حیاتی به‌نظر می‌رسد و کسانی که به‌عنوان دانش‌آموخته وارد عرصه دانش و پژوهش درباره مهارت شوند، به داشتن توانایی و مهارت‌های لازم در زمینه سواد اطلاعاتی نیاز دارند؛ به‌جای سرمایه‌های عظیم مالی و انسانی که صرف تهیه، خرید، مجموعه‌سازی و سازمان‌دهی انواع مواد و منابع علمی خارجی و داخلی می‌شوند (بختیارزاده، ۲۰۰۲).

سواد اطلاعاتی به‌عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌ها با هدف توانایی شناسایی درست منابع اطلاعاتی، دسترسی به آن‌ها و توانایی استفاده هدفمند از آن‌ها، ابزاری برای توانمندی فردی است. دانشجویان به‌سبب ماهیت کاری و ارتباط گسترده با منابع اطلاعاتی و روند شتابان فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به این ابزار نیازمند هستند؛ از این‌رو، در بخش آموزش عالی، هیئت‌های حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی ایالت متحده آمریکا (انجمن کتابخانه‌های دانشکده‌ای و تحقیقاتی، ۲۰۰۳) استانداردهایی را برای سنجش میزان سواد اطلاعاتی تعیین کرده‌اند که شامل پنج مؤلفه اصلی است:

۱. توانایی تعیین ماهیت و وسعت اطلاعات موردنیاز؛
۲. توانایی دسترسی مؤثر و کارآمد به اطلاعات موردنیاز؛
۳. توانایی ارزشیابی نقادانه اطلاعات و منابع آن‌ها؛
۴. توانایی به‌کاربردن و استفاده از اطلاعات برای رسیدن به یک منظور خاص؛
۵. توانایی درک و موارد حقوقی و اقتصادی مربوط به استفاده از اطلاعات. داشتن چنین مهارت‌هایی، اولین و مهم‌ترین گام در جهت خلق ایده‌ها و درنهایت کارآفرینی است. با داشتن این مهارت، فرد قادر به دستیابی به دانش جدید و علوم روز دنیا خواهد شد و مهم‌تر آنکه قادر است از میان این میدان وسیع دانش، آن قسمتی از دانش را که بیشتر با نیازهای اطلاعاتی او مرتبط است، استخراج کند. به نقاط ضعف، نقاط قوت، فرصت‌ها و کمبودها پی برد و در زمینه‌هایی که کمبود و خلأ دانشی وجود دارد، به ابداع و نوآوری بپردازد و برپایه دانش موجود به ایده‌های جدید برسد. خلق ایده‌های نو، خلق کارها و فعالیت‌های نو را به‌دنبال دارد؛ بنابراین، ایده‌آفرینی و کارآفرینی در نتیجه توانایی احاطه به دانش موجود است که از طریق مهارت‌های سواد اطلاعاتی تسهیل و روزافزون می‌شود و این امر خود نیازمند برخورداری از خلاقیت و نوآوری در درک سواد دانشی و گزینش اطلاعات موردنیاز از میان انبوه اطلاعات موجود است (میرزاصفی و همکاران، ۲۰۱۱).

با توجه به اینکه یاددهی و یادگیری مهم‌ترین فرایند نظام آموزشی است و اساس آن بر ساختن و تبادل اطلاعات است (پیکیانو، ۲۰۰۸)، در نتیجه به‌کارگیری سواد اطلاعاتی در دانشگاه‌ها، میزان فعالیت دانشجویان افزایش می‌یابد و نقش استاد از انتقال‌دهنده اطلاعات به تسهیل‌کننده یادگیری تغییر می‌یابد. از آنجایی که یکی از اصول دانشگاه‌ها اصل فعالیت است، با افزایش یافتن فعالیت

دانشجو، آموزش و یادگیری کارآمد خواهد بود و زمینه بروز و پرورش قابلیت کارآفرینی را برای دانشجویان فراهم می‌آورد.

درمورد مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، میرزاصفی و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان «رابطه بین سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان» نشان دادند که بین میزان سواد اطلاعاتی و قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که قابلیت‌های کارآفرینی بیشترین رابطه را با توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات و کمترین رابطه را با توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات داشته است.

نتایج پژوهش، طبرسا، شریفی و حسینی (۲۰۱۶) با عنوان «بررسی تأثیر سواد اطلاعاتی کارکنان بر چابکی سازمان» نشان داد که تأثیر تمامی مؤلفه‌های سواد اطلاعاتی اعم از تشخیص ماهیت و وسعت اطلاعات، دسترسی مؤثر و کارآمد به اطلاعات، ارزیابی اطلاعات و منابع آن‌ها و تلفیق اطلاعات انتخاب‌شده با دانش قبلی، استفاده از اطلاعات برای رسیدن به منظوری خاص و آشنایی با موارد حقوقی بر چابکی سازمان، به صورت معناداری مثبت ارزیابی می‌شود.

سیامک (۲۰۱۱) پژوهشی درباره آموزش سواد اطلاعاتی و توانایی استفاده از منابع اطلاعاتی مختلف به طور مؤثر، روی دو گروه از دانشجویان انجام داد. نتایج نشان داد که دانشجویان از سواد اطلاعاتی رایانه‌ای مناسب برخوردارند؛ اما آن‌ها به یقین به طور کامل با سواد اطلاعاتی آشنا نیستند و تعداد زیادی از دانشجویان در پژوهش‌های خود به سایت‌ها و مقاله‌هایی با محتوای پایین استناد کرده‌اند. هم‌راستا با نتایج پژوهش وی، ساین (۲۰۱۲) نیز معتقد است بیشتر دانشجویان در حال دورشدن از کتابخانه‌ها و در نظر گرفتن گوگل به عنوان مرجعی برای حل مشکلات خود در زمینه آموزش و یادگیری هستند. همچنین، راه‌رهایی دانشجویان از گرایش به گوگل، ارائه دوره‌های آموزشی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در همه سطوح آموزش و پرورش است. نتایج پژوهش مادر^۱ (۲۰۱۲) حاکی از آن است که یکی از راه‌های توسعه قابلیت‌های سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی برای دانشجویان دانشگاه‌ها این است که فعالانه و از طریق تولید اطلاعات و توزیع پژوهش‌های خود، در فرایند ارتباطات علمی درگیر شوند و افراد دیگر از طریق یک مخزن سازمانی دیجیتال به تولیدات علمی آن‌ها دسترسی داشته باشند. به علاوه، تیموزیک^۳ (۲۰۱۳) در پژوهشی که با هدف بررسی وضعیت آموزش سواد اطلاعاتی دانشجویان دانشگاه تایلند از نظر الگوهای تدریس، جزئیات دوره و محتوا، روش تدریس و یادگیری،

1. Singh
2. Mader
3. Tuamsuk

ارزیابی یادگیری و نقش کتابخانه‌ها در آموزش سواد اطلاعاتی دانشجویان انجام شد، نشان داد که ۷۰ درصد از این دوره‌ها با استانداردهای سواد اطلاعاتی مطابقت دارند. پترسون^۱ (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل نیازمندی‌ها برای برگزیدن سواد اطلاعاتی برای پژوهش» در دانشگاه دوبلین انجام داد. این پژوهش با هدف پایه‌گذاری سواد اطلاعاتی در بین دانشجویان کارشناسی ارشد انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اکثر دانشجویان مورد مطالعه در درک سؤال‌های پژوهش و استفاده از فنون جست‌وجوی پیشرفته با مشکلاتی مانند نداشتن اعتماد به نفس روبه‌رو هستند. لازمه مهارت‌های خواندن و نوشتن اطلاعات، به دانستن سواد رایانه‌ای است و بدون مهارت‌های رایانه‌ای، دستیابی به هرگونه استاندارد سواد اطلاعاتی امکان‌پذیر نیست. تریون^۲ (۲۰۰۹) پژوهشی درباره ارزیابی سطح سواد اطلاعاتی دانشجویان زبان فرانسه در بلژیک انجام داد. نتایج نشان داد که دانشجویان از نظر سواد اطلاعاتی در سطح ضعیفی قرار دارند؛ درحالی‌که در پژوهش چری، دلوار و کای^۳ (۲۰۰۸) که با عنوان «مهارت‌های سواد اطلاعاتی دانشجویان قبل و بعد از آموزش» انجام شد، نتایج نشان داد که گنجاندن آموزش‌های سواد اطلاعاتی در برنامه درسی دانشجویان، ضرورتی برای ارتقای کیفیت دانش دانش‌آموختگان است.

قابلیت کارآفرینی مقوله‌ای فراگیر و جامع است که در سطوح مختلف دانشگاه‌ها و در هر جامعه‌ای مطرح است. با توجه به اینکه دانشجویان یکی از مهم‌ترین اقشار جامعه هستند که در روند توسعه حال و آینده کشور نقش مهمی ایفا می‌کنند، لازم است دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی برای پرورش قابلیت کارآفرینی در دانشجویان به‌عنوان سرمایه‌های بنیادی و باارزش همت کنند و موجب توسعه قابلیت کارآفرینی شوند و به تبع آن، موجب ایجاد زمینه‌های اشتغال اتربخش و رشد و توسعه اقتصادی شوند؛ از این‌رو، شناسایی عوامل مرتبط با این مشکل می‌تواند در زمینه اشتغال افراد مؤثر باشد. در این مسیر، یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند قابلیت کارآفرینی دانشگاه‌ها را متأثر کند، توجه به سواد اطلاعاتی دانشجویان است. با توجه به ادبیات و نتایج پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌توان بیان کرد که سواد اطلاعاتی در خارج از کشور زمینه جذابیت‌های پژوهشی فراوانی را فراهم کرده است؛ اما در ایران به‌طور عام و در حوزه ورزش به‌طور خاص، چندان به آن توجه نشده است؛ بنابراین، با توجه به کمبود پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه در حوزه ورزش، پژوهش حاضر درصدد است علاوه بر ارزیابی سطح سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی در دانشگاه‌های تهران، به این سؤال بپردازد که چه ارتباطی بین سواد اطلاعاتی و

-
1. Patterson
 2. Thirion
 3. Chery, Delwar & Kaye

قابلیت کارآفرینی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی در دانشگاه‌های تهران وجود دارد؟ همچنین، در صورت تأیید ارتباط بین دو متغیر ذکر شده، آیا سواد اطلاعاتی توانایی پیش‌بینی قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران را دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، به‌طور ویژه کدامیک از مؤلفه‌های سواد اطلاعاتی قابلیت پیش‌بینی قوی‌تری برای قابلیت کارآفرینی دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-همبستگی است که به‌صورت میدانی انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر همه دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران (تربیت‌مدرس، تهران، علامه طباطبایی، شهید رجایی، شهید بهشتی، الزهرا (س) و خوارزمی) (حدوداً ۱۱۰۰ نفر) بودند. آمار دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران با مراجعه پژوهشگر به بخش آموزش این دانشکده‌ها قبل از شروع مرحله جمع‌آوری داده‌ها به‌دست آمد و حدود تقریبی دانشجویان هر دانشکده برای تیم پژوهش، محرز شد. از این تعداد، ۲۷۰ نفر با استناد به جدول کرجسی و مورگان^۱ (۱۹۷۰) و با شیوه طبقه‌ای متناسب با حجم و تصادفی انتخاب شدند. همچنین، برای مقابله با افت بازگشت، ۳۰ نفر به این نمونه اضافه شدند و در مجموع، ۳۰۰ پرسش‌نامه در بین جامعه آماری توزیع شدند که ۲۴۳ پرسش‌نامه سالم و کامل به بازگردانده شدند. در جدول شماره یک، حجم تقریبی دانشجویان هر دانشکده و حجم نمونه موردنیاز هر گروه به تفکیک ارائه شده‌اند.

جدول ۱- حجم جامعه و حجم نمونه موردنیاز پژوهش به تفکیک هر دانشگاه

نام دانشگاه	حجم تقریبی جامعه	حجم نمونه موردنیاز
تربیت‌مدرس	۳۰	۷
تهران	۳۴۰	۸۳
علامه طباطبایی	۲۰۰	۴۹
شهید رجایی	۱۰۰	۲۴
شهید بهشتی	۱۱۰	۲۷
الزهرا (س)	۱۶۰	۳۹
خوارزمی	۲۰۰	۴۹

برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد چهارچوب موضوع مورد بررسی، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی، از پرسش‌نامه به‌عنوان ابزار اصلی پژوهش استفاده شد. پرسش‌نامه‌های استفاده‌شده در این پژوهش شامل پرسش‌نامه سواد اطلاعاتی انجمن کتابخانه‌های دانشکده‌ای و تحقیقاتی آمریکا (۲۰۰۳) و پرسش‌نامه استاندارد قابلیت کارآفرینی انجمن تحقیقاتی دانشگاه دورهام انگلستان^۱ (۱۹۹۱) بودند. پرسش‌نامه سواد اطلاعاتی دارای ۳۵ سؤال بسته‌پاسخ با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) است که سواد اطلاعاتی دانشجویان را در قالب پنج مؤلفه تعیین وسعت و ماهیت اطلاعات، توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات، توانایی ارزیابی نقدانه اطلاعات، توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات و توانایی درک موارد حقوقی اقتصادی اطلاعات می‌سنجد. همچنین، پرسش‌نامه قابلیت کارآفرینی شامل ۵۴ سؤال بسته‌پاسخ با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) در قالب پنج مؤلفه توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، خلاقیت، مخاطره‌پذیری و مرکز کنترل است. در پژوهش حاضر پژوهشگر به تعیین روایی و پایایی این دو ابزار اقدام کرد. برای تعیین روایی صوری و محتوایی، پرسش‌نامه‌های ذکرشده در اختیار ۱۱ نفر از اساتید متخصص در حوزه مدیریت ورزشی به‌ویژه اساتید داری سابقه پژوهش در این حوزه قرار گرفتند و اصلاحات مدنظر آنها در پرسش‌نامه‌های پژوهش اعمال شد. همچنین، برای تعیین پایایی، در یک مطالعه مقدماتی^۲، با توزیع پرسش‌نامه‌های حاضر روی ۳۰ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی تربیت‌بدنی دانشگاه‌های تهران و از طریق روش آلفای کرونباخ، به ترتیب برای پرسش‌نامه‌های سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی ضریب پایایی برابر با ۰/۷۹ و ۰/۸۲ به دست آمد که مورد قبول هستند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد. برای سازمان‌دادن، خلاصه‌کردن، طبقه‌بندی نمرات خام و توصیف اندازه‌های نمونه از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، درصدها و انحراف استاندارد) استفاده شد. در بخش آمار استنباطی، برای بررسی و آزمون چگونگی توزیع داده‌ها از آزمون کلموگوروف-اسمیرنوف^۳ و از روش آماری رگرسیون چندگانه برای بررسی متغیرهای مطالعه و آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شد.

نتایج

بر اساس یافته‌های توصیفی به دست آمده، از مجموع ۲۴۳ نفر افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، ۵۰/۲ درصد زن و ۴۹/۸ درصد مرد بودند. ۸۶/۴ درصد از نمونه‌های پژوهش دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد بودند و بیشتر نمونه‌های پژوهش (۵۰/۶ درصد) در دامنه سنی ۲۳ تا ۲۵ سال قرار

-
1. Durham County Council
 2. Pilot Study
 3. Kolmogorov-Smirnov Test

داشتند. تحصیلات پدر و مادر بیشتر نمونه‌های پژوهش زیردیپلم بوده است (به ترتیب ۴۳/۲ و ۵۳/۵ درصد). شغل پدر ۵۰/۶ درصد و شغل مادر ۷۹/۴ درصد از نمونه‌های پژوهش، به ترتیب دولتی و خانه‌دار بوده است. در جدول شماره دو، سایر اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش خلاصه شده است.

جدول ۲- توصیف آماری ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

جنسیت	زن	مرد		
	۵۰/۲ درصد	۴۹/۸ درصد		
مقطع تحصیلی	کارشناسی ارشد	دکتری		
	۸۶/۴ درصد	۱۳/۶ درصد		
وضعیت تأهل	مجرد	متأهل		
	۷۰/۸ درصد	۲۸ درصد		
شغل پدر	دولتی	آزاد		
	۴۹/۴	۵۰/۶		
شغل مادر	خانه‌دار	شاغل		
	۷۹/۴ درصد	۲۰/۶ درصد		
سن	۲۳-۲۵ سال	۲۶-۲۹ سال	بالاتر از ۳۳ سال	
	۵۰/۶ درصد	۳۱/۷ درصد	۹/۹ درصد	۷/۸ درصد
تحصیلات پدر	زیردیپلم	دیپلم	کارشناسی	کارشناسی ارشد
	۴۳/۲ درصد	۳۲/۱ درصد	۲۱ درصد	۱/۶ درصد
تحصیلات مادر	زیردیپلم	دیپلم	کارشناسی	کارشناسی ارشد
	۵۳/۵ درصد	۳۳/۷ درصد	۱۱/۱ درصد	۱/۶ درصد
رشته تحصیلی	مدیریت ورزشی	رفتار حرکتی	آسیب‌شناسی	بیومکانیک
	۳۰/۹ درصد	۳۱/۷ درصد	۸/۶ درصد	۱/۲ درصد
			فیزیولوژی عمومی	
			۲/۵ درصد	۲۵/۱ درصد

برای بررسی چگونگی توزیع داده‌ها و تعیین نوع آزمون مورد استفاده، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. براساس نتایج به دست آمده از اجرای این آزمون که در جدول شماره سه ارائه شده است، به دلیل اینکه سطح معناداری تمامی متغیرها و مؤلفه‌های پژوهش بیشتر از $\alpha = 0/05$ است، توزیع همه داده‌ها طبیعی است؛ بنابراین، برای بررسی فرضیه‌های آماری مربوط به آن‌ها از آزمون‌های پارامتری استفاده شد.

جدول ۳- نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای تعیین طبیعی بودن توزیع داده‌ها

متغیر	سطح معناداری	متغیر	سطح معناداری	نتیجه آزمون
قابلیت کارآفرینی	۰/۲۲۷	سواد اطلاعاتی	۰/۴۹۳	توزیع داده‌ها طبیعی است.
توفیق طلبی	۰/۰۹۱	توانایی تعیین وسعت و ماهیت اطلاعات	۰/۱۷۱	توزیع داده‌ها طبیعی است.
استقلال طلبی	۰/۱۹۱	توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات	۰/۰۸۳	توزیع داده‌ها طبیعی است.
خلاقیت	۰/۰۷۴	توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات	۰/۰۷۷	توزیع داده‌ها طبیعی است.
مخاطره‌پذیری	۰/۰۸۷	توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات	۰/۰۹۳	توزیع داده‌ها طبیعی است.
مرکز کنترل	۰/۰۷۹	توانایی درک موارد حقوقی و اقتصادی اطلاعات	۰/۱۶۱	توزیع داده‌ها طبیعی است.

برای تعیین وضعیت سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران، از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. براساس نتایج به‌دست‌آمده از اجرای این آزمون که در جدول شماره چهار ارائه شده است، با توجه به میزان t و $p < ۰/۰۵$ می‌توانیم بیان کنیم که سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران با توجه به معیار تعیین‌شده (میانگین نمره سه از دیدگاه متخصصان برای وضعیت متوسط) برای مقایسه با میانگین حاصل از نمونه‌های پژوهش، از وضعیت مطلوبی برخوردار است و مقدار آن بیشتر از حد متوسط است.

جدول ۴- نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای تعیین وضعیت سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان

ارزش آزمون = ۳					
متغیر	میانگین و انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین تفاوت‌ها
سواد اطلاعاتی	$۳/۵۶۲۰ \pm ۰/۴۶۵۴۱$	۱۸/۸۲۵	۲۴۲	۰/۰۰۱	۰/۵۶۲۰۴
قابلیت کارآفرینی	$۳/۲۱۷۲ \pm ۰/۲۳۹۰۱$	۱۴/۱۶۷	۲۴۲	۰/۰۰۱	۰/۲۱۷۲۲

برای تعیین ارتباط بین سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران، از آزمون آماری رگرسیون چندگانه استفاده شد.

جدول ۵- خلاصه مدل رگرسیون چندگانه برای تعیین ارتباط «سواد اطلاعاتی» با «قابلیت کارآفرینی»

مدل	آر	مجذور آر	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین
۱	۰/۲۸۴	۰/۰۸۰	۰/۰۶۱	۰/۲۳۱۶۰

جدول ۶- رگرسیون چندگانه برای تعیین ارتباط «سواد اطلاعاتی» با «قابلیت کارآفرینی»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان اف	سطح معناداری
رگرسیون	۱/۱۱۲	۵	۰/۲۲۲	۴/۱۴۶	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۲/۷۱۳	۲۳۷	۰/۰۵۴		
کل	۱۳/۸۲۵	۲۴۲			

با توجه به نتایج ارائه شده در جداول شماره پنج و شش با تأکید بر میزان F به دست آمده، می توان مطرح کرد که ارتباط معناداری بین «سواد اطلاعاتی» و «قابلیت کارآفرینی» در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ مشاهده می شود؛ از این رو، برای شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون ضروری است جدول ضرایب رگرسیون ارائه شوند.

جدول ۷- ضرایب رگرسیون مرتبط با جدول ۶

متغیر ملاک	متغیرهای مدل	ارزش بی	بنا	تی	سطح معناداری
قابلیت کارآفرینی	وسعت و ماهیت اطلاعات	-۰/۰۲۹	-۰/۰۷۱	-۰/۷۴۸	۰/۴۵۵
	دسترسی مؤثر به اطلاعات	۰/۰۷۸	۰/۱۹۳	۲/۲۰۴	۰/۰۲۹
	ارزیابی نقادانه اطلاعات	-۰/۰۵۹	-۰/۱۴۲	-۱/۳۶۲	۰/۱۷۴
	کاربرد هدفمند اطلاعات	۰/۱۲۷	۰/۳۳۰	۳/۵۱۲	۰/۰۰۱
	درک موارد حقوقی و اقتصادی اطلاعات	-۰/۰۲۹	-۰/۰۸۱	-۱/۱۵۲	۰/۲۵۱

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره هفت و بر مبنای ضرایب رگرسیون چندگانه به دست آمده به روش ورود هم زمان، $\{R^2 = ۰/۰۸۰, F = ۴/۱۴۶, P < ۰/۰۵\}$ تمامی ابعاد سواد اطلاعاتی در معادله رگرسیون وارد شده اند. همچنین، بر اساس ضرایب بتای به دست آمده در معادله رگرسیون چندگانه، دو مؤلفه «توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات» و «توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات» تنها نقش را در پیش بینی معنادار قابلیت کارآفرینی داشته اند ($P > ۰/۰۵$)؛ در حالی که سه مؤلفه «توانایی درک وسعت و ماهیت اطلاعات»، «توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات» و «توانایی درک موارد حقوقی و اقتصادی اطلاعات» توانایی پیش بینی معناداری برای قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه های تهران نداشته اند ($P < ۰/۰۵$).

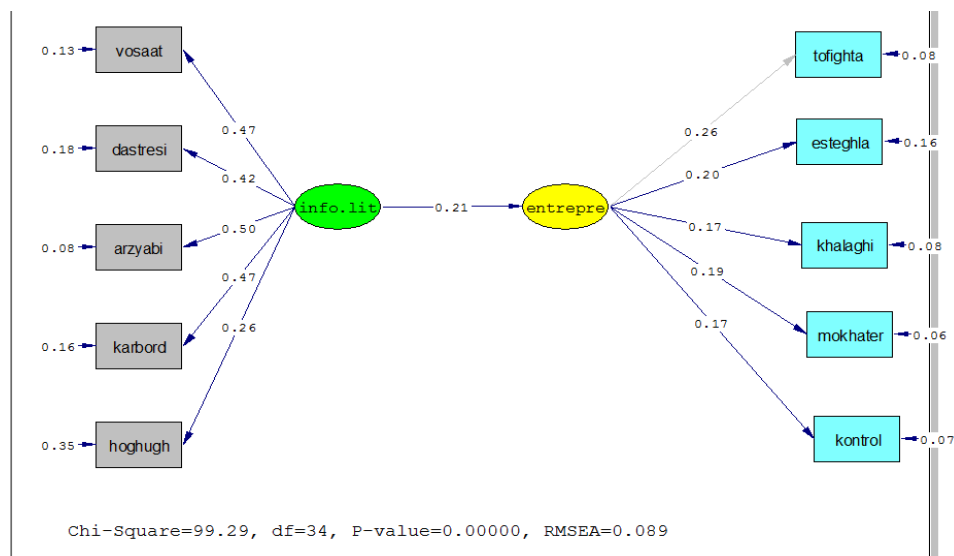
در ادامه، متغیرهای پژوهش در نرم‌افزار لیزرل^۱ ۸,۸ بررسی شدند و شاخص‌های نیکویی برازش و خطاهای اندازه‌گیری مربوط به آن‌ها به دست آمدند. در این زمینه، از سه شاخص متفاوت استفاده شد. با تأکید بر تمامی این سه شاخص، مدل ذکر شده از برازش مطلوبی برخوردار است و کارایی بالایی در توصیف روابط بین متغیرها دارد. جدول شماره هشت معرف شاخص‌های مرتبط با برازش مدل پژوهشگر است.

جدول ۸- شاخص‌های برازش مدل

تفسیر	میزان	شاخص برازش	
برازش مطلوب	۲/۹۲	X ² /df	
برازش مطلوب	۰/۰۰۰	سطح معناداری ^۲	مطلق
برازش مطلوب	۰/۹۲	شاخص نیکویی برازش ^۳	
برازش مطلوب	۰/۹۲	شاخص برازش تطبیقی ^۴	تطبیقی
برازش مطلوب	۰/۰۸۹	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد ^۵	
برازش مطلوب	۰/۶۷	شاخص مقتصد هنجار شده ^۶	مقتصد

همان‌طور که نتایج ارائه شده در جدول شماره هشت نشان می‌دهد، با در نظر گرفتن شاخص‌های برازش مدل در سه دسته شاخص‌های مطلق، تطبیقی و مقتصد، مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است و نشان‌دهنده تأیید مدل پژوهش است. در نهایت، مدل نهایی پژوهش به صورت زیر است:

1. LISREL
2. P value
3. GFI
4. CFI
5. RMSEA
6. PNFI



شکل ۱- مدل نهایی پژوهش

علاوه بر اینکه مدل نظری برآزش از مفروض‌های تجربی- نظری مناسبی برخوردار بود، سواد اطلاعاتی با ضریب مسیر $0/21$ بر قابلیت کارآفرینی اثرگذار است. در اثرگذاری سواد اطلاعاتی بر قابلیت کارآفرینی، به ترتیب توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات با بار عاملی $0/50$ ، تعیین وسعت و ماهیت اطلاعات و نیز توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات با بار عاملی $0/47$ ، توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات با بار عاملی $0/42$ و توانایی درک موارد حقوقی اقتصادی اطلاعات با بار عاملی $0/26$ نقش داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تعیین ارتباط بین سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین «سواد اطلاعاتی» و «قابلیت کارآفرینی» وجود دارد. نتایج به دست آمده در این بخش از پژوهش، علاوه بر تأیید نتایج پژوهش‌های قبلی انجام شده توسط پژوهشگرانی چون میرزاصفی و همکاران (۲۰۱۱)، پیترسون (۲۰۰۹) و تریون (۲۰۰۹) حاکی از آن است که هرچه سواد اطلاعاتی دانشجویان بیشتر باشد، قابلیت آن‌ها در پرداختن به قابلیت‌های کارآفرینانه بیشتر می‌شود. همچنین، نتایج پژوهش‌های گذشته نشان داده است که سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی بر عملکرد دانشجویان تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، با افزایش سواد اطلاعاتی دانشجویان، قابلیت کارآفرینی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد (میرزاصفی و همکاران، ۲۰۱۱).

در توجیه نتایج به‌دست‌آمده حاضر باید گفت که کارآفرینی به مفهوم فرصت‌ها، با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش خطرهای مالی، روانی و اجتماعی است (هیسریچ و پیترز، ۲۰۰۲). بهره‌گیری از فرصت‌ها، در درجه اول مستلزم شناخت فرصت‌ها و در درجه دوم، مستلزم شناخت ویژگی‌ها و مهارت‌های موردنیاز برای استفاده از این فرصت‌ها است و این شناخت و آگاهی مستلزم کسب اطلاعات است. سواد اطلاعاتی به‌عنوان ابزار دستیابی به دانش و اطلاعات، در شناخت فرصت‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها به کارآفرینان کمک شایانی می‌کند و این نقطه اشتراک سواد اطلاعاتی و کارآفرینی است. به اعتقاد پژوهشگران این حوزه، قابلیت کارآفرینی به سواد اطلاعاتی افراد بستگی دارد؛ درحالی‌که برخی مؤسسات آموزشی از پیامدهایی واقعی که ممکن است سواد اطلاعاتی داشته باشد، آگاه نیستند؛ بنابراین، داشتن سواد اطلاعاتی که در واقع شناخت ابزارهای دستیابی به اطلاعات است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و حیاتی به‌نظر می‌رسد و کسانی که به‌عنوان دانش‌آموخته وارد عرصه دانش و پژوهش می‌شوند، به داشتن توانایی و مهارت‌های لازم در زمینه سواد اطلاعاتی نیاز دارند؛ به‌جای سرمایه‌های عظیم مالی و انسانی که صرف تهیه، خرید، مجموعه‌سازی و سازماندهی انواع مواد و منابع علمی خارجی و داخلی می‌شوند (بختیارزاده، ۲۰۰۲). همچنین، با توجه به یافته‌های پژوهش و ضرایب رگرسیون چندگانه به‌دست‌آمده با روش ورود هم‌زمان، در بین مؤلفه‌های سواد اطلاعاتی، دو مؤلفه «توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات» و «توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات» با توجه به ضرایب بتای خود بیشترین نقش را در پیش‌بینی معنادار قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران داشته‌اند؛ اما سه مؤلفه «توانایی درک وسعت و ماهیت اطلاعات»، «توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات» و «توانایی درک موارد حقوقی و اقتصادی اطلاعات»، توانایی پیش‌بینی معناداری برای قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران نداشته‌اند که از این منظر، نتایج این پژوهش با نتایج مطالعه میرزاصفی و همکاران (۲۰۱۱) همسو نیست و آن را تأیید نمی‌کند.

ضرایب بتا بدین معنا است که به‌ازای یک واحد تغییر در هر کدام از مؤلفه‌های سواد اطلاعاتی، به مقدار ضریب بتای همان مؤلفه، در قابلیت کارآفرینی تغییر ایجاد می‌شود؛ به‌این ترتیب، محاسبه ابعاد قابلیت کارآفرینی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران بیانگر وزن و اهمیت زیاد دو مؤلفه «توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات» و «توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات» در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها است. این نتایج نشان می‌دهد که برای ارتقای سطح قابلیت کارآفرینی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران، لازم است به دو مؤلفه یادشده توجه ویژه شود و این نشان‌دهنده ضرورت توجه هرچه‌بیشتر مدیران و

دست‌اندرکاران حوزهٔ تعلیم و تربیت و وزارت علوم به این دو مؤلفه برای دستیابی به سطوح بالایی از قابلیت کارآفرینی در بین دانشجویان است.

در تبیین نتایج حاصل از این بخش از پژوهش و نقش معنادار مؤلفهٔ «توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات» می‌توان گفت که در جامعهٔ کنونی، بهترین و جامع‌ترین اطلاعات در هر زمینه‌ای می‌تواند در کوتاه‌ترین مدت در دسترس همگان قرار گیرد؛ اما دسترسی به این اطلاعات نیازمند داشتن مهارت است. دسترسی مؤثر و کارآمد به اطلاعات موردنیاز با صرف حداقل زمان و هزینه، یک مهارت ارزشمند و اساسی برای کارآفرینان است و بدون داشتن سواد اطلاعاتی این امر غیرممکن است. اصولاً توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات با مهارت‌هایی مانند استفاده از روش‌های مختلف و متنوع برای کسب اطلاعات و نیز تشخیص کاستی‌های احتمالی موجود در اطلاعات همراه است. این مهارت به فرد کارآفرین در جمع‌آوری و کاربرد مؤثر اطلاعات کمک می‌کند.

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی سواد اطلاعاتی که در پژوهش حاضر نقشی اساسی در تبیین قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشتهٔ علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران داشت، «توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات» است. کاربرد هدفمند اطلاعات به معنای به‌کارگیری اطلاعات برای رسیدن به یک هدف از قبیل تعیین‌شده و مشخص است. بی‌هدفی و سرگردانی در هنگام جست‌وجوی اطلاعات سبب می‌شود افراد بین دریای وسیعی از اطلاعات قرار گیرند که دقیقاً نمی‌دانند کدام دسته از اطلاعات که همگی به یک موضوع تعلق دارند، می‌تواند به پژوهش و هدف آن‌ها کمک کند (نظری، ۲۰۰۵). کاربرد هدفمند اطلاعات با مهارت‌هایی مانند توانایی استفاده از مآخذ و مراجع مختلف، جست‌وجوی اطلاعات خاص و نیز به‌کاربردن دانش و تجربه‌های قبلی برای خلق یک محصول جدید ارزیابی می‌شود. توانایی استفاده از مراجع و مآخذ مختلف این امکان را به فرد کارآفرین می‌دهد که دیدگاه جامعی نسبت به موضوعی که تمایل به کسب‌وکار در آن دارد، پیدا کند و درمورد آن اطلاعات به‌دست آورد و دیدگاه صاحب‌نظران مختلف را مقایسه و بررسی کند؛ در نتیجه، می‌تواند اطلاعات کسب‌شده را به‌صورت هدفمند به‌کار گیرد؛ زیرا، به درک روشنی از مسئله رسیده است. از مهارت‌های دیگر مربوط به کاربرد هدفمند اطلاعات، استفاده از تجربه‌های قبلی برای خلق یک محصول جدید است؛ بدین‌معناکه فرد با استفاده از دانشی که دربارهٔ مطلب یا موضوعی به‌دست می‌آورد، بتواند یک محصول جدید را خلق کند. این محصول جدید می‌تواند در قالب یک محصول اقتصادی و راه‌حل ابتکاری و جدید برای حل یک مشکل باشد.

درمورد مؤلفهٔ «توانایی درک وسعت و ماهیت اطلاعات» باید گفت که فرد باسواد اطلاعاتی نیاز به اطلاعات را مشخص می‌کند و به‌صراحت بیان می‌کند، انواع و اقسام مختلف منابع بالقوهٔ اطلاعاتی را می‌شناسد، منابع و مآخذ فراهم‌کردن اطلاعات موردنیاز را می‌سنجد و ماهیت و میزان اطلاعات

موردنیاز را ارزیابی مجدد می‌کند (سان، ۲۰۰۲). به اعتقاد قاسمی و دیانی (۲۰۰۷)، توانایی تعیین وسعت و ماهیت اطلاعات موردنیاز نقشی اساسی در تقویت قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان ایفا می‌کند. این مهارت گام اولیه و اساسی در دستیابی به اطلاعات به‌شمار می‌آید. توانایی تعیین وسعت و ماهیت اطلاعات در قالب مهارت‌هایی مانند توانایی استفاده از منابع پژوهشی الکترونیک، توانایی تلفیق اطلاعات موجود با افکار و تجربه‌های قبلی و نیز تسلط به زبان انگلیسی به عنوان زبان بین-المللی تعریف می‌شود (انجمن کتابخانه‌های دانشکده‌ای و تحقیقاتی، ۲۰۰۳). توانایی در استفاده پیشرفته از منابع پژوهشی الکترونیک باعث می‌شود فرد کارآفرین بتواند به اطلاعات جدید دست یابد؛ زیرا، مجله‌ها و اطلاعات به‌روز دنیا اغلب در منابع پژوهشی الکترونیک و سایت‌های تخصصی موجودند. دارا بودن این مهارت‌ها فرد را در تطبیق با شرایط یاری می‌دهد (میرزاصفی و همکاران، ۲۰۱۱).

همسو با نتایج پژوهش حاضر، در پژوهش قاسمی (۲۰۰۶) نیز دانشجویان پزشکی به ضعف نسبی خود در تشخیص ماهیت و گستره اطلاعات موردنیاز و تعیین نیاز اطلاعاتی خود اذعان داشتند. حجم عظیمی از اطلاعات در حوزه منابع اینترنتی و آنلاین نهفته است (اعظمی و صالحی‌نیا، ۲۰۱۴) و کسب اطلاعات از طریق سایت‌های تخصصی مستلزم تسلط به زبان انگلیسی است (میرزاصفی و همکاران، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد که نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر به‌دلیل آشنایی ناکافی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران با مهارت‌های اطلاع‌یابی، اینترنت و پایگاه‌های اطلاعاتی، مهارت کافی نداشتن آن‌ها در استفاده از رایانه و نرم‌افزارها و تسلط نداشتن به زبان انگلیسی است؛ از این‌رو، لازم است کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی در زمینه مهارت‌های ذکر شده برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران برگزار شوند.

در مورد فقدان توانایی پیش‌بینی معنادار مؤلفه «توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات» برای قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران باید گفت که به‌طور قطع، هدف اصلی هر مؤسسه آموزش عالی تربیت فراگیرانی است که دارای قابلیت‌ها و توانایی‌های ذهنی استدلال و تفکر انتقادی باشند و همچنین، این فراگیران بعد از فراغت از تحصیل، قادر به یادگیری مستقل در تمام عمرشان باشند (مؤمنی، ولی‌زاده و قربانی، ۲۰۱۴). فرد باسواد اطلاعاتی عقاید اصلی جمع‌آوری شده از منابع گوناگون را خلاصه می‌کند، ملاک‌هایی را برای ارزشیابی اطلاعات و منابع آن‌ها به‌کار می‌برد، برای ایجاد مفاهیم جدید آرای اصلی را با یکدیگر تلفیق می‌کند، دانش جدید را با دانش قبلی مقایسه می‌کند تا به تناقض‌ها، ارزش‌های افزایش یافته و

دیگر ویژگی‌های اطلاعات پی ببرد؛ تأثیرگذاری معلومات جدید بر نظام ارزش افزوده را مشخص می‌کند و اقداماتی برای سازمان‌دهی آن‌ها انجام می‌دهد و در نهایت، به درک و تفسیر اطلاعات از طریق گفت‌وگو با افراد دیگر، متخصصان موضوع، افراد باتجربه و استادکاران اعتبار می‌بخشد (سان، ۲۰۰۲). مؤلفه «توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات» نیز با مهارت‌هایی مانند توانایی بررسی و مقایسه اطلاعات گرفته‌شده از منابع مختلف برای تعیین اعتبار و درستی و نادرستی اطلاعات، تشخیص تقلب و دستکاری در اطلاعات، توانایی تحلیل و بررسی دیدگاه‌های مختلف و متناقض همراه است. مجموعه این مهارت‌ها به فرد کارآفرین امکان می‌دهد که از درستی و قابلیت کاربرد درست اطلاعات اطمینان حاصل کند (میرزاصفی و همکاران، ۲۰۱۱). با افزایش توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات، قابلیت‌های کارآفرینی افراد نیز افزایش می‌یابد. اطلاعات هنگامی می‌تواند مفید باشد و افراد را در کسب‌وکار خویش موفق کند که درست و معتبر باشد. اطلاعات غلط و نامعتبر نه تنها کمکی به افراد نمی‌کند و درک روشنی در خصوص فرایند کسب‌وکار ارائه نمی‌دهد، بلکه آنان را در مسیر حرکت خود گمراه می‌کند (سالاری و حسن‌آبادی، ۲۰۰۴)؛ از این رو، با توجه به فقدان قابلیت پیش‌بینی معنادار مؤلفه «توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات» برای قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران، به نظر می‌رسد این دانشجویان علاوه بر اینکه نمی‌توانند اطلاعات مورد استفاده در منابع مختلف را با یکدیگر مقایسه کنند تا از درستی، نادرستی و دقت آن‌ها اطلاع یابند، در تشخیص موارد تقلب و دستکاری در منابع و مأخذ استفاده‌شده در رشته علوم ورزشی توانایی کافی ندارند و نمی‌توانند نقایص احتمالی موجود در اطلاعات را مشخص کنند و دیدگاه‌های متناقض موجود در اطلاعات را تشخیص دهند. نتیجه حاصل‌شده در این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش رحیمی، یزدخواستی و فیضی (۲۰۱۴) هم‌راستا نیست. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در مورد این مؤلفه، لازم است مسئولان دانشکده‌های علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران با اتخاذ تدابیر ویژه، علاوه بر ارتقای سطح وسعت و عمق اطلاعات دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم ورزشی، زمینه اطلاع از درستی یا نادرستی این اطلاعات را فراهم آورند. در این راستا، می‌توان با برگزاری کارگاه‌های تخصصی در مورد حوزه‌های مختلف رشته علوم ورزشی زمینه تحقق هرچه بیشتر این هدف فراهم آورد.

در مورد فقدان توانایی پیش‌بینی معنادار مؤلفه «توانایی درک موارد حقوقی و اقتصادی اطلاعات» برای قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران، باید گفت که درک موارد حقوقی و اقتصادی مربوط به کاربرد اطلاعات از ملزومات اساسی استفاده از اطلاعات است. بدون درک این موارد، استفاده از اطلاعات جنبه غیراخلاقی و غیرعلمی می‌یابد (سالاری و حسن‌آبادی، ۲۰۰۴). اطلاع از قوانین و اصول حقوقی و اخلاقی مربوط به استفاده از

اطلاعات باعث می‌شود که استفاده از اطلاعات در چهارچوب‌های قانونی و اخلاقی خود صورت گیرد. رعایت این قوانین سبب می‌شود که قضاوت درباره‌ی درستی یا نادرستی اطلاعات نیز آسان‌تر شود. آگاهی از این قوانین و حقوق باعث استفاده‌ی بهتر و درست‌تر از اطلاعات و در نتیجه، افزایش قابلیت‌های کارآفرینی می‌شود (میرزاصفی و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین، به اعتقاد سان (۲۰۱۳)، فرد باسواد اطلاعاتی به بسیاری از مسائل اخلاقی، قانونی، اجتماعی و اقتصادی که اطلاعات و فناوری اطلاعاتی را احاطه می‌کنند، واقف است. چنین فردی از قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌های سازمانی، ضوابط مربوط به دستیابی به منابع اطلاعاتی و استفاده از آن‌ها پیروی می‌کند و هنگام تبادل محصول یا عمل، به استفاده از منابع اطلاعاتی نیاز دارد.

از این رو، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در مورد این مؤلفه، به نظر می‌رسد که دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌ی علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران به‌خوبی از قوانین و مقررات حقوقی حاکم بر استفاده و کاربرد اطلاعات مطلع نیستند و نسبت به آن‌ها آگاهی کافی ندارند. نتیجه‌ی به‌دست‌آمده در این بخش از پژوهش حاضر با نتایج مطالعات اشرفی، رضانی، آقاجانی و کاظم‌پور (۲۰۱۳) و رحیمی و یزدخواستی و فیضی (۲۰۱۴) همسو نیست. اشرفی‌ریزی و همکاران (۲۰۱۳) پژوهشی روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که دانشجویان این دانشگاه علاوه بر استفاده از تولیدات علمی دیگران و رعایت امانت‌داری در نقل مطالب دیگران، به استفاده‌ی همراه با مسئولیت از رسانه‌ها، احترام به قوانین و مقررات رسانه‌ها، توجه به حریم خصوصی افراد در رسانه‌ها و نیز دسترسی به منابع اطلاعاتی به‌صورت قوانین اهمیت می‌دهند. رحیمی و همکاران (۲۰۱۴) پژوهشی روی دبیران دبیرستان‌های عادی و هوشمند شهر کاشان انجام دادند. نتایج نشان داد که وضعیت دبیران در بعد توانایی درک حقوقی و اقتصادی اطلاعات در حد مطلوب است و آن‌ها درکی که از سرقت ادبی دارند در اقدامات خود نشان می‌دهند و اثری را که منتسب به دیگران است به‌عنوان اثر خود عرضه نمی‌کنند. همچنین، آن‌ها متن، داده، تصویر و صدا را به‌صورت قانونی کسب، ذخیره و منتشر می‌کنند و مطالبی را که در آینده بنا به مناسبت نقل‌قول خواهند شد، به‌طور دقیق مشخص می‌کنند تا علاوه بر رعایت امانت در نقل قول، از تداخل تعبیر خود با آن‌ها جلوگیری شود. آن‌ها رسم امانت‌داری را در استفاده از منابع اطلاعاتی، تجهیزات، سامانه‌ها و امکانات حفظ می‌کنند، آیین‌نامه‌هایی که درباره‌ی دسترسی به منابع اطلاعاتی تدوین شده است رعایت می‌کنند، برای نتیجه‌ی پژوهش، انواع برنامه‌های کاربردی فناوری اطلاعات را به‌کار می‌گیرند، یادداشت‌هایی را که به‌مجاز استفاده از موارد دارای کپی‌رایت مربوط هستند، ذکر می‌کنند و موضوع‌های مرتبط با سانسور و آزادی بیان را می‌شناسند. در مطالعه‌ی سیامک، علی‌پور و خالقی (۲۰۱۳) که در زمینه‌ی سنجش سطح سواد اطلاعاتی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم انجام شد، نتایج حاکی

از آن بود که این دانشجویان پایین‌ترین نمره را در مؤلفه درک موضوع‌های اقتصادی، حقوقی و اجتماعی مربوط به دسترسی و استفاده از اطلاعات کسب کرده‌اند. قاسمی (۲۰۰۶) در مورد دانشجویان تحصیلات تکمیلی به این نتیجه رسید که دانشجویان به حقوق معنوی مرتبط با منابع اطلاعاتی توجه اندک دارند. وی چنین نتیجه‌گیری کرد که این بی‌توجهی شاید به دلیل عضو نبودن ایران در پیمان‌های بین‌المللی حق مؤلف یا در محدودیت دسترسی پژوهشگران ایرانی به منابع علمی (به‌ویژه منابع غیررایگان) باشد.

در نهایت، با توجه به نقش معنادار دو مؤلفه «توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات» و «توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات» در پیش‌بینی قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران، لازم است برای گسترش قابلیت‌های کارآفرینانه در دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه‌های تهران به این دو مؤلفه توجه ویژه شود. برای دستیابی به این هدف، در مورد مؤلفه «توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات» لازم است مسیرهای مختلف دسترسی هرچه بیشتر دانشجویان به اطلاعات مربوط به کسب و کارهای ورزشی از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت ورزش و جوانان، وزارت کار و امور اجتماعی و سایر نهادها و سازمان‌های مسئول در اختیار دانشجویان قرار گیرد و با برگزاری جلسه‌های مشاوره، کاستی‌ها و نقایص دانشی موجود در این زمینه از ذهن دانشجویان برطرف شود. همچنین، در مورد مؤلفه «توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات» لازم است برای ارائه اطلاعات ویژه به دانشجویان علاقه‌مند به کارآفرینی در حوزه ورزش، کارگروه‌های تخصصی کارآفرینی و اشتغال در دانشکده‌های علوم ورزشی تشکیل شوند تا علاوه بر ارائه اطلاعات تخصصی به افراد کارآفرین ورزشی، اطلاعات ذهنی آن‌ها پالایش شود. و همچنین، مسیرهای دستیابی هرچه بهتر آن‌ها به فعالیت‌های کارآفرینانه بیش‌ازپیش روشن و مشخص شود تا علاوه بر استفاده از دانش و تجربه‌های دانشجویان علاقه‌مند، از به‌هدر رفتن اطلاعات ذهنی و فکری خلاقانه دانشجویان کارآفرین جلوگیری شود.

منابع

1. Ahmadpour Dariani, M., & Moghimi, M. (2006). The basics of entrepreneurship. Tehran: Farandish Publishing. (Persian).
2. Ashrafi, H., Ramezani, A., Aghagani, H., & Kazempour, Z. (2013). Studying the media and information literacy of students of medical sciences Isfahan University. Quarterly Journal of Information Systems and Services, 2(6), 17-34. (Persian).
3. Association of Library and Research Faculties. (2003). Guidelines for educational programs in college libraries. (A. H. Ghasemi & F. Danesh, translators). Available at: http://www.ala.org/ala/mgrps/divs/acrl/standards/is_al_10farsi.pdf. (30 Dec 2015).

4. Azami, Z., & Salahinia, H. (2014). The information literacy status of students at the faculty of management and information science of medical sciences Tehran University. *Journal of Medical Education*, 14(7), 633-640. (Persian).
5. Bakhtiarzade, A. (2002). Studying the information literacy of Alzahra university students. (Unpublished master's thesis). Iran University of medical sciences, Tehran. (Persian).
6. Bardestani, M. (2004). Studying the information literacy of students at Shahid Chamran university of Ahvaz in teaching users and developing information literacy in libraries and information centers (proceedings of the conference). Paper presented at Organization of libraries, Museums and Astan Qods Razavi Documentation Centers, Mashhad. (Persian).
7. Bawden, D. (2001). Information and digital literature, a review of concepts. Available at: http://gti.edcs.um.es.8080/jgomes/hei/intt_anet/bawden_pdf (21 September 2012).
8. Chery, P., Delwar, H., & Kaye, C. (2008). Nursing students' information literacy skills prior to and after information literacy instruction. Paper presented at the 5th International Lifelong Learning Conference: Reflecting on successes and framing futures, 16-19 Jun 2008, Yeppoon, Australia. Available at: http://eprints.Usq.Edu.Au/1/4182/Perrin_Hossain_Cumming.Pdf (25 Aug 2016).
9. Durham County Council, (2006), Available at: <http://www.durham.gov.uk/durhamcc/usp.nsf/pws/2C2D45476FC3E94E80256CC5004EEC2A?opendocument,06/04/2006>.
10. Ghasemi, A. (2006). Study of the information literacy status of graduate students and their compliance with ACRL information literacy standards. (Unpublished doctoral dissertation). Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad. (Persian).
11. Ghasemi, A., & Diani, M. H. (2007). Standardization of information literacy capabilities for Iranian university community. *Journal of Faculty of Educational Sciences and Psychology*, 8(3), 75-98. (Persian).
12. Hisrich, R. D., & Peters, M. (2002). *Entrepreneurship* (6th ed.). Boston: McGraw-Hill.
13. <https://www.tasnimnews.com/fa/news>
14. Krejcm, R., Morgan, D. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*, 30, 607-610.
15. Mader, S. (2012). Transforming students into scholars: Creating MIL competencies through communicating research. Paper presented at the International Conference on Media and Information Literacy for Knowledge Societies, Moscow, Russian Federation.
16. Mirzasafi, A., Rajaeipour, S., & Gamshidian, A. (2011). The relationship between information literacy and entrepreneurship capacity of graduate students of Isfahan University. (Unpublished master's thesis). Isfahan University, University. (Persian).
17. Momeni, M., Valizade, S., & Ghorbani, R. (2014). Study of information literacy among students of medical sciences Semnan University, *Koomesh*, 15(4), 502-510. (Persian).

18. Mueller, S. L., & Thomas, A. (2001). Culture and entrepreneurial potential: A nine country study of locus of control and innovativeness. *Journal of Business Venturing*, 26(2), 185-194.
19. Nazari, M. (2005). How to become literate, library and information science. *Library and Information Quarterly*. *Library and Information Quarterly* 2(30), 27-58. (Persian).
20. Nemati, M. (2013). Studying the entrepreneurial personality characteristics of Tehran state University students. *Journal of Innovation and Value Creation*, 3, 47-64. (Persian).
21. Nozari, H., Karimi, A. (2017). The role of formal and informal relationships (social relations network) in students' employment (case study: Kharazmi University), *Social Welfare Quarterly*, 17 (64), 159-194. (Persian).
22. Patterson, A. (2009). A needs analysis for information literacy provision for research: A case study in University College Dublin, [on-line] Available at: *Journal of information literacy*, 3 (1), pp. 5-18.
23. Rahimi, H., Yazdekhsti, A., & Feizi, Z. (2014). Information literacy status of high school secretaries. *Quarterly Journal of Information Systems and Services*, 2(9), 91-102. (Persian).
24. Salari, M., & Hasanabadi, A. (2004). Identification and analysis of predicting the need for information literacy skills in user education and development of information literacy in libraries and information centers (Proceedings). Paper presented at the Organization of Libraries, Museums and Astan Quds Razavi Documentation Centers, Mashhad. (Persian).
25. Siamak, M. (2011). Impact of academic life on information literacy of LIS undergraduate students. *National studies on librarianship and information organization*. *National Studies on Librarianship and Information Organization*, 21(4), 54-71. (Persian).
26. Siamak, M., Alipour, K., & Khaleghi, N. (2013). Measuring the information literacy level of students of medical sciences Qom University. *Journal of Medical Sciences Qom University*, 7(2), 23-30. (Persian).
27. Singh, J. (2012). Placing media and information literacy at the core of instruction. Paper presented at the International Conference on Media and Information Literacy For knowledge Societies, Moscow, Russian Federation.
28. Sun, P. (2002). Information literacy in Chinese higher education. *Library Trends*, 51(2), 210-217.
29. Tabarsa, Gh., Sharifi, S., & Hosseini, A. (2016). Investigating the effect of information literacy of employees on organizational agility. *Journal of Human Resource Management Researches*, 2(24), 113-136. (Persian).
30. Thirion, P. (2009). Information literacy in students entering higher education in the French speaking community of Belgium: Lessons learned from an evaluation. *IFLA Journal*, 35(2), 152-170.
31. Tuamsuk, K. (2013). Information literacy instruction in higher education. *Social and Behavioral Sciences*, 73, 145-150.

32. UNESCO. (2003). World declaration on higher education for the 21 at century: Vision and action. Available at: [www. Cepes.ro/hed/meeting/Gelsenkirchen/ pdf](http://www.Cepes.ro/hed/meeting/Gelsenkirchen/pdf). (10 Aug 2008).

استناد به مقاله

مختاری دینانی، مریم، ططری، سعیده. (۱۳۹۷). ارتباط بین سواد اطلاعاتی و قابلیت کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی در دانشگاه‌های شهر تهران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۹۵-۱۱۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4532.1338

Mokhtari Dinani, M., Tatari, S. (2019). The Relationship Between Information Literacy and Entrepreneurial Capabilities of Sports Science Graduated Students of Tehran Universities. *Research on Educational Sport*, 6(15): 95-116. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.4532.1338

طراحی مدل قداست ورزشی در دانشجویان ورزشکار

صلاح دستوم^۱، محمدصادق افروزه^۲، مهدی جوکار^۳، حکیمه افروزه^۴

۱، ۳ و ۴. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه گیلان

۲. استادیار دانشگاه جهرم*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۲

چکیده

هدف این پژوهش، طراحی سازه قداست ورزشی در دانشجویان ورزشکار بود. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و با هدف کاربردی بود. جامعه آماری دانشجویان ورزشکار دانشگاه‌های کشور بودند. نمونه آماری به تعداد قابل کفایت برای مدل‌سازی (۱۵۰ نفر)، به شیوه تصادفی طبقه‌ای از یازدهمین المپیاد ورزشی انتخاب شد و از آن‌ها نظرخواهی شد. براساس مطالعه نظری و مصاحبه با مربیان و اساتید، پرسش‌نامه پژوهشگرساخته‌ای تنظیم شد و با استفاده از نظر متخصصان، روایی (محتوایی)، پایایی (آلفای کرونباخ) و اعتبار عاملی (برازش مدل) تأیید شد. از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (نرم‌افزار پی.ال.اس.) برای تحلیل یافته‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که متغیر معنویت و نیایش به میزان ۴۴ درصد از تغییرات تعهد و اخلاق را به‌طور مستقیم تبیین کرد. همچنین، دو ضریب $0/810$ و $0/456$ نشان دادند که متغیر معنویت و نیایش به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی منش و احساس به میزان ۳۷ درصد، بر متغیر تعهد و اخلاق تأثیر داشت. با توجه به ساختار تبیین‌شده و اینکه تعهد و اخلاق پیامدهای موردانتظار در توسعه فرهنگی ورزش هستند، می‌توان گفت که جنبه‌های معنوی نقش پیشاینندی، جنبه‌های احساسی نقش فراینندی و جنبه‌های اخلاقی نقش پیامدی در تقدیس ورزش برای ورزشکاران دارند.

واژگان کلیدی: قداست ورزشی، اخلاق ورزشی، منش ورزشی، دانشجویان ورزشکار.

مقدمه

با وجود تفاوت‌های اساسی که پدیده‌های دین و ورزش در مؤلفه‌هایی مانند روش‌ها و اهداف دارند (نادریان، ۱۳۸۴)، این دو پدیده از ماندگارترین و مقدس‌ترین نهادها در تاریخ هستند؛ به‌صورتی که بسیاری از ورزشکاران دارای تقیده‌های دینی مانند دعاکردن در قبل و بعد از مسابقات هستند. افزون‌براین، بسیاری از رهبران مذهبی، اغلب در موعظه‌های خود از استعاره‌های مرتبط با ورزش استفاده می‌کنند (کوینتن، ۲۰۰۸). یکی از مظاهر پیوند دین و ورزش، اخلاق‌گرایی و پای‌بندی به اخلاق در ورزش است. پژوهش‌های فراوانی در زمینه دین و ورزش، اخلاق و با مفاهیم مختلفی مانند روحیه ورزشکاری، سلحشوری، بازی منصفانه یا جوانمردانه، منش ورزشی، پهلوانی و رفتار شهروندی انجام شده‌اند که یکی از این مفاهیم جدید، قداست ورزشی است. در تعریف قداست ورزشی می‌توان گفت که قداست استفاده از خودگویی‌های خداپرستانه و بهره‌بردن از نمادهای دینی در ورزش است که موجب می‌شود ورزشکاران درک بهتری از اعمال و حرکات خود داشته باشند. همچنین، تقدس به روندی گفته می‌شود که از طریق آن به جنبه‌های زندگی شخصیت الهی می‌دهد و در امکان کسب تعالی به فرد کمک شایانی می‌کند. در این راستا، ابعاد گوناگونی را برای قداست در نظر گرفته‌اند که شامل پرورش ویژگی‌های معنوی اجتماعی، روان‌شناسی، فیزیکی و بدنی است و این حالت‌های روحانی تمایزی بین افراد به‌وجود می‌آورند (پارگامنت و ماهونی، ۲۰۰۵). این موضوع را در سازمان‌ها به‌عنوان معنویت سازمانی می‌شناسند و به نتایج مؤثر آن اذعان داشته‌اند. در این راستا فرهنگی و رستگار (۱۳۸۵) نیز معنویت را موجب انگیزش فردی در تیم‌های کاری دانسته‌اند. دیان و تیت^۴ (۲۰۰۰) در تحلیل نتایج معنویت که باعث افزایش اعتماد و رضایت می‌شود، سطح سواد را از عوامل معنویت دانسته‌اند و درک ارتباط امور دنیوی با خدا را از دلایل آن نشان دادند؛ اما در مقوله ورزش، با گسترش روزافزون جنبه‌های حرفه‌ای ورزش و به‌حاشیه‌رفتن روح بازی و لذت در ورزش‌ها، مسئله ضعف و اضمحلال اخلاق ورزشی و سکولاریسم ورزشی نیز به چالشی بزرگ تبدیل شده است (گاتمن^۵، ۱۹۷۸). باید اذعان کرد که نگرش‌های مذهبی بر زندگی اجتماعی، ارتباطات و رفتارهای بین افراد و فعالیت‌های ورزشی تأثیرگذارند (رز، ۱۹۹۶). هدف دین و ورزش، رساندن فرد به کمال و شکوفایی همه استعدادهای وجودی است که بخشی از آن استعدادهای جسمانی و مهارتی هستند. پیوند ورزش

-
1. Quinten
 2. Sacred Sport
 3. Pargament, K. I., & Mahoney
 4. Dillon & Tait
 5. Guttman
 6. Rose

و دین می‌تواند شامل اخلاق و تعهد، معنویت و نیایش و نیز منش و احساس به ورزش است که این مفهوم در ورزش از دین وام گرفته شده است و یکی از اهداف اختصاصی هر نوع فعالیت ورزشی در نظر گرفته شده است (رزاقی، رضانی‌نژاد و مهرابی، ۱۳۹۳)؛ البته در این پیوند باید به مفاهیم و ظرفیت کارکردی اخلاق در ورزش نیز توجه کرد؛ هرچند در مواردی مانند سکولاریته در ورزش ممکن است مذهب و اخلاق نتوانند با ورزش در یک جهت قرار گیرند و گاهی اخلاق ورزشی و اخلاق مذهبی می‌توانند باعث هم‌افزایی یکدیگر شوند (بورنستال؛ ۲۰۰۰).

اگر مذهب را به‌مثابه دین تصور کنیم، پژوهشگران درباره رابطه مذهب و ورزش نظرهای گوناگونی را مطرح کرده‌اند؛ به‌طوری‌که هوفمن (۱۹۹۲) و کوکلی (۲۰۰۱) اشاره کردند که مذهب و ورزش جایگاه و ساختارهای ویژه‌ای در رویدادهای خاص دارند و پریش (۱۹۹۳) و نوواک (۱۹۹۲) در توضیح همگرایی ورزش و مذهب بر تعاملات و ارتباط بین این دو پدیده تمرکز داشته‌اند. از دیدگاه آن‌ها، ورزش و مذهب هر دو الهه عشق هستند که در آن افراد می‌توانند چیزی بیش از خودشان، چیزی با مفهوم نمادین عمیق و چیزی که به آن‌ها اجازه می‌دهد به کمال برسند، بیان و تجربه کنند. نوواک (۱۹۹۲) بیان می‌کند که مراسم‌های ورزشی (خواندن آوازه‌های جنگ، رژه‌ها و سخنان قبلی از بازی) و مذهب (مثل عشای ربانی، روزه‌گرفتن و نیایش) به مشارکت‌کنندگان اجازه می‌دهند تا حس بهتر و کامل‌تری را تجربه کنند. پریش (۱۹۹۳) نیز عقیده دارد که ورزش و مذهب فرصت‌هایی برای افراد فراهم می‌کنند تا واقعیت‌هایی جالب بین انسان و آفرینش را تجربه کنند. درزمینه تأثیر دین بر ورزشکاران نیز روان‌شناسان از دینداری به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم برای ورزشکاران، یاد می‌کنند و پیامد آن را رفاه روحی بیشتر ذکر می‌کنند.

در بسط و تحلیلی تخصصی می‌توان گفت که نوع نگاه ورزشکاران دانشگاهی و غیردانشگاهی به مقوله دین و مذهب می‌تواند متفاوت باشد. حتی در برخی موارد، سطوح بالاتر دینداری در ورزشکاران نخبه و سرآمد دانشگاهی نسبت به ورزشکاران غیردانشگاهی گزارش شده است (استورچ و کولسکی، سیلوستر و استورچ؛ ۲۰۰۱؛ استورچ، استورچ، کاواکس، اوکان؛ ۲۰۰۲). علاوه‌براین، دینداری می‌تواند ورزشکاران را از افسردگی مصون کند (استورچ، استورچ، ویلش و اوکان؛ ۲۰۰۲). از منظر

-
1. Wiese-Bjornstal
 2. Hoffman
 3. Coakley
 4. Prebish
 5. Novak
 6. Storch, Kolsky, Silvestri, & Storch
 7. Storch, E. A., Storch, J. B., Kovacs, A. H., Okun, A., & Welsh, E
 8. Storch, Storch, Welsh, & Okun

دیگر، دینداری می‌تواند احتمال مصرف موادمخدر را در ورزشکاران دانشگاهی کاهش دهد (ویلز، ۲۰۰۲).^۱ کاوار، سکولیک و کولجاک همکاران^۲ (۲۰۱۲) نیز قدرت ایمان مذهبی را در سوءمصرف مواد غیرمجاز در ورزشکاران زنی که تجربه کم ورزشی داشتند، قابل توجه دانستند. مور، برکلی و هاووس^۳ (۲۰۱۳) نیز نشان دادند که اعتقادات مذهبی در بین دانشجویان ورزشکار تأثیر قابل توجهی بر میزان مصرف الکل و همچنین، کاهش رخدادهای جنسی خطرزا دارد.

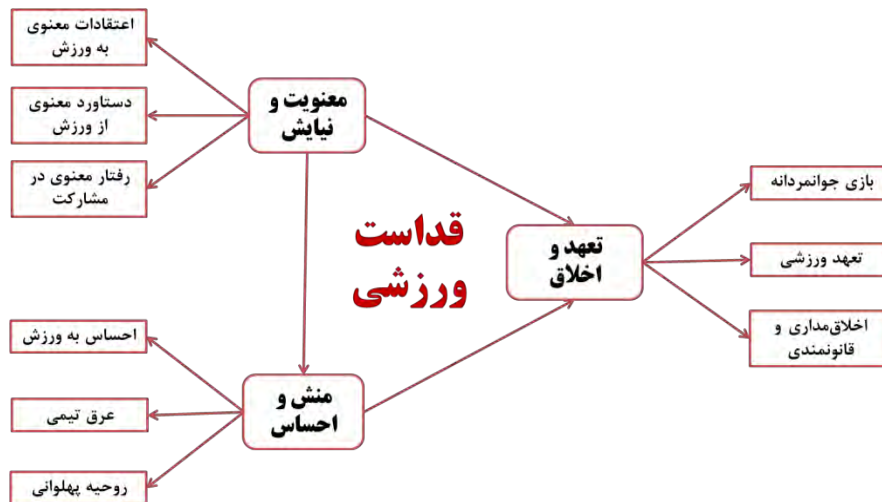
مطابق نتایج پژوهش زوان، زنیک، سکولیک، کوبلا و لسنیک^۴ (۲۰۱۷)، مذهب باعث کاهش استفاده بسیاری از ورزشکاران از دوپینگ می‌شود؛ اما برخی از ورزشکاران ممکن است تصور کنند استفاده از توانایی بدنی آن‌ها در ورزش ایجاد حس الهی می‌کند و مظهر قدرت و خیرخواهی خدا است و این امر می‌تواند سبب قدرتی روانی شود. این ورزشکاران احتمالاً رضایت بیشتری از ورزش و در نتیجه، آرامش درونی بیشتری کسب می‌کنند (پارگامنت و ماهونی، ۲۰۰۵). با اینکه بیشتر پژوهشگران بر جنبه‌های مثبت مقدس‌شمردن مشارکت ورزشی متمرکز شده‌اند، باید جنبه‌های دیگر این موضوع نیز بررسی شود. پارگامنت و ماهونی^۵ (۲۰۰۵) بیان کردند که اگر افراد چیزی را مقدس بدانند و در ادامه آن نقصانی را تجربه کنند، به نتایج معکوسی مانند آسیب‌پذیری روحی می‌رسند. در زمینه ورزش، ورزشکارانی که مشارکت خود در ورزش را مقدس می‌دانند، در صورت اذیت‌دادن توانایی خود برای مشارکت در ورزش بر اثر آسیب، خستگی یا بازنشستگی، بیشتر آسیب‌پذیر می‌شوند. در این زمینه، کار ماهونی و همکاران (۲۰۰۲) بیان کردند که اگر طرفداران تیم را مقدس بشمارند و دیگران را به‌عنوان نقض‌کننده تیمشان استنباط کنند، ممکن است در معرض انتقام از تیم‌های پیروز قرار گیرند. اگر برنده مقدس باشد، ورزشکاران (یا طرفداران) باور دارند که خدا از آن‌ها حمایت کرده است و در مقابل، ورزشکاران و تیم‌های دیگر از آن‌ها حمایت می‌کند و این عقاید باعث پیش‌قضاوت، بی‌احترامی و سختی رقابت بیشتر می‌شوند.

در ایران، پژوهشگرانی مانند عسگردون، فرزانه، الماسی و زمانی دادنه (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی معنویت بین مربیان و سرپرستان تیم‌های شرکت‌کننده در یازدهمین المپیاد ورزشی دانشجویان دختر» نشان دادند که معنویت چه در مربیان و چه در سرپرستان، به‌طور معناداری شیوع دارد. گودرزی، فراهانی، علی دوست قهفرخی و جلال منش (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی هویت دینی و ملی جوانان کشتی‌گیر و فوتبالیست شهر تهران» اظهار کردند که وضعیت پای‌بندی

-
1. Wiese-Bjornstal
 2. Cavar, Sekulic & Culjak
 3. Moore, Berkley-Patton & Hawes
 4. Zvan, Zenic, Sekulic, Cubela & Lesnik
 5. Pargament & Mahoney

نظری و عملی به هویت دینی در کشتی‌گیران جوان شهر تهران در سطح اطمینان ۹۹ درصد، کمتر از متوسط است و این میزان برای پای‌بندی نظری و عملی به هویت ملی، در حد ضعیف است؛ البته همتی، رمضان نژاد، طباطبایی، شاهین طبع و عابدینی (۱۳۹۲) منش اخلاقی را در بین ورزش‌های انفرادی بیشتر از ورزش‌های گروهی اعلام کردند. به‌رحال، از آنجایی که اخلاق و معنویت در بین ورزشکاران رنگ باخته است و با توجه به رشد اعتیاد در بین آنان و رواج فحش، تاتو و پوشش‌های نامناسب، (احمدزاده، دوستی و فرزاد، ۲۰۱۲) و نیز کاهش ارزش‌های اخلاقی در بین ورزشکاران رشته‌های خاص مانند فوتبال (کمانی و اکبری، ۱۳۹۲)، به‌نظر می‌رسد پژوهشگران باید به دنبال رویکردی بومی برای کاهش این پدیده‌های متنوع دور از اخلاق باشند که با توجه به جامعه عمده مذہبی ایران، شناسایی تأثیرات این مقوله می‌تواند مریبان را در توسعه و استفاده از این ابزار درونی ورزشکاران یاری رساند. طیف ورزش دانشجویی نیز از این قاعده مستثنا نیست و در بسیاری از موارد شاهد این رویکرد در ورزش دانشگاهی هستیم؛ اما به‌نظر می‌رسد از آنجایی که ورزش دانشگاهی هنوز با ورزش قهرمانی فاصله دارد و همچنین، همه ورزشکاران در محیطی دانشگاهی در حال تحصیل هستند، با ابعاد قداست مانند معنویت احساسی و اخلاقی قرابت بیشتری داشته باشند. در این پژوهش سعی خواهد شد بررسی قداست و تقدیس ورزش (مقدس‌شمردن ورزش) فراتر از صرف مقوله مذهب باشد و ابعاد اخلاقی و احساسی را نیز در برگیرد. علاوه بر این، تاحدی نقایص و تناقض‌های نتایج مطالعات پیشین مرتفع شوند و چهارچوبی برای درک رابطه تقدس و ورزش در بین دانشجویان ورزشکار ترسیم شود. این پژوهش به مریبان این امکان را خواهد داد که بدانند با رویکردهای مذہبی و احساسی ورزشکار دانشجوی خود چگونه برخورد کنند و خود ورزشکار نیز بتواند با دید روشنی به این مقوله بنگرد.

در شکل شماره یک مدل مفهومی پژوهش ترسیم شده است. ابعاد شناسایی شده و روابط ترسیم‌شده بین آن‌ها براساس مطالعه کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه با تعدادی صاحب‌نظر است. مبنای اصلی براساس مطالعاتی مانند پژوهش‌های کوینتن (۲۰۰۸) است. دلیل اینکه مدل به‌صورت ارتباط بین سه متغیر (تحلیل مسیر) ترسیم شده و از قالب تحلیل عاملی استفاده نشده است، سه مورد است: ۱- این سه مفهوم به‌صورت کلی در قالب، یک سازه واحد و یکپارچه، جمع‌پذیری زیادی ندارند (نظر متخصصان)؛ ۲- قداست ورزشی بیشتر همانند یک جریان روانی است و ماهیت آن با توجه به ابعاد شناسایی شده به تحلیل مسیر نزدیک‌تر است؛ یعنی دارای پیشانیدها، فرایندها و پیامدها است؛ ۳- تحلیل روابط علی و معلولی بین اجزای یک سازه مفهومی یا یک سیستم رفتاری (مانند قداست) دیدگاه جامع‌تر و بینش عمیق‌تری از موضوع به‌دست می‌دهد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

در جدول شماره یک، مدل مفهومی پژوهش به صورت نظری و عملیاتی تعریف شده است. مبنای دسته‌بندی و کدگذاری مفهومی براساس مبانی نظری، پیشینه پژوهش و نظر اساتید صاحب نظر انجام شده است.

جدول ۱- مفهوم‌شناسی متغیرهای پژوهش (تعریف نظری و عملیاتی)

منبع	تعریف عملیاتی (گویه‌ها)	ابعاد	تعریف نظری	متغیر
	مشارکت در ورزش به مثابه بازتابی از اراده خداوند			معنویت روحانی ظاهری امری دین معنابخشی یعنی پدیده‌ها آفرین آفرین زاری (فرهنگ لغت دهخدا).
	مقدس شمردن ورزش و مشارکت در آن	اعتقادات	معنوی درمقابل لفظی است و به معنای	
	مشارکت در ورزش به مثابه عبادت بدن	معنوی به	روحانی درمقابل مادی، و باطنی درمقابل	
	پای بندی به ارزش‌های معنوی و اصول انسانی	ورزش	ظاهری نیز به کار می‌رود. معنویت م تواند امری قدسی یا غیبی، ارزش‌های اخلاقی،	
	متصور شدن جایگاه والاتر برای خود هنگام مشارکت در ورزش		دین، عرفان و مواردی از این قبیل، هرنوع معنابخشی به زندگی را در برگیرد. نیایش؛	
	احساس هدایت و حمایت خداوند هنگام مشارکت در ورزش		یعنی توجه پیدا کردن به سبب اصلی پدیده‌ها. نیایش در لغت به معنای دعا،	
	ایجاد ارتباط معنوی قوی بین فرد و خدا هنگام مشارکت در ورزش		آفرین، دعای نیکوآفرین، ستایش، تحسین،	
	آگاه شدن فرد از قدرت خلاقانه در ماورای خود هنگام مشارکت در ورزش	دستاورد	آفرین و دعا از روی خواش و زاری، تضرع،	
	نزدیک شدن به کمال انسانی و اسرار زندگی هنگام مشارکت در ورزش	معنوی ورزش	زاری، عبادت و مواردی از این قبیل است (فرهنگ لغت دهخدا).	
	آرامش و نشاط درونی هنگام مشارکت در ورزش			

ادامه جدول ۱- مفهوم‌شناسی متغیرهای پژوهش (تعریف نظری و عملیاتی)

منبع	تعریف عملیاتی (گویه‌ها)	ابعاد	تعریف نظری	متغیر
	مشارکت در ورزش به‌مثابه بخشی از بعد معنوی و برنامه زندگی	رفتار		معنویت و نیایش
	کمک از ائمه دینی هنگام مشارکت در ورزش شکر خدا هنگام پیروزی شکر خدا حتی هنگام شکست زمزمه دعا (آیات و غیره) هنگام مشارکت در ورزش	معنوی در مشارکت		
	تجربه احساس خوشبختی و شادی هنگام مشارکت در ورزش	احساس به ورزش	منش به‌معنای خو، فطرت، طینت، خصلت، نهاد، سرشت، طبیعت، عادت و غیره است. منش برای ارزیابی شخصیت با مقیاس‌های اخلاقی، یعنی خوبی و بدی است؛ درحالی‌که شخصیت را معرف تمام کیفیات روحی، اخلاقی، عقلی، عاطفی و حتی بدنی می‌دانند. احساس عبارت است از نخستین تجربه‌ها و یادگیری‌های آدمی از طریق گیرنده‌های حسی مختلف. در این مبحث، منظور از احساس ابعاد شناختی و ادراکی ذهنی آن است (قره، ۱۳۹۴).	منش و احساسات
	احساس لمس زندگی هنگام مشارکت در ورزش	عرق تیمی		
	ورزشی‌بودن بزرگ‌ترین رؤیای زندگی مشارکت در ورزش به‌مثابه یک معجزه احترام به اعضا و تصمیم‌های تیم احترام به فرهنگ و فلسفه تیم تعهد به تیم و هواداران مشارکت در ورزش به‌مثابه بازتابی از اراده خداوند	روحیه پهلوانی		تعهد و اخلاق
	مشارکت در ورزش به‌مثابه عبادت بدن پای‌بندی به ارزش‌های معنوی و اصول انسانی دست‌دادن با حریف و تصدیق تلاش او بعد از شکست یا پیروزی	بازی جوانمردانه	تعهد یعنی وظیفه یا ضمانتی در مقابل کسی یا برای چیزی و خود را ملزم به انجام کاری دانستن. تعهد، نگرش و حالتی روانی است که به منظور توصیف تمایل افراد به رفتارهای مشخص استفاده می‌شود. تعهد نوعی احساس وابستگی و تعلق خاطر به رفتار خاص است. اخلاق ورزش یکی از موضوعات اخلاق کاربردی است که برای سنجش تصمیمات عملی اخلاقی و مواجهه با مسائل، رفتارها و سیاست‌های اخلاقی در حرفه‌ها، تکنولوژی، حکومت و غیره کاربرد دارد (کوینتن، ۲۰۰۸).	
	اطاعت از داور و مدیریت رویداد رعایت اخلاق بازی نگرش مثبت به ورزش ارجح‌بودن ورزش به سایر فرصت‌های شغلی یا الگوهای فراغتی اولویت خود ورزش نسبت به مزایای آن (مقام، شهرت، پول و غیره) نداشتن شک و تردید نسبت به مشارکت در ورزش اجتناب از نژادپرستی پای‌بندی به قوانین ورزشی و عرف ورزشی مصرف‌نکردن مواد اعتیادآور (روان‌گردان، سیگار و غیره). مصرف‌نکردن مواد نیروزای منع‌شده	قانونمندی		

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و با هدف کاربردی بود. جامعه آماری پژوهش دانشجویان ورزشکار دانشگاه‌های کشور بودند. نمونه آماری به تعداد قابل کفایت برای مدل‌سازی و فرضیه‌آزمایی (۱۵۰ نفر) از یازدهمین المپιάد ورزشی به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و از آن‌ها نظرخواهی شد.

ابزار مطالعه پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته براساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش بود. مبنای اصلی این پرسش‌نامه براساس پژوهش لاین (۲۰۰۸) است و رویکرد آن مبتنی بر همگرایی بین مذهب و ورزش است. پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته در دو بخش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سؤال‌های تخصصی، تنظیم، توزیع، جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر شد. این ابزار شامل سه رویه اصلی شامل معنویت و نیایش، منش و احساس و نیز تعهد و اخلاق (هرکدام دارای سه خرده‌مقیاس) بود (۴۰ سؤال). در تدوین پرسش‌نامه، ابتدا با مطالعه کتابخانه‌ای خلأ موجود در دانش قبلی و چهارچوب آن شناسایی شد. سپس، با استفاده از مصاحبه اکتشافی ساختارمند با متخصصان، پرسش‌نامه تکمیل و تنظیم شد. عامل‌ها، ابعاد و گویه‌های اولیه، با بررسی مبانی و پیشینه از طریق مطالعه اسناد، کتاب‌ها و مقالات شامل منابع داخلی و خارجی متغیرها و شاخص‌های مربوط به جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دین در ورزش شناسایی و انتخاب شدند. برای بررسی متغیرهای شناسایی شده و اکتشاف بیشتر در زمینه پژوهش، از مصاحبه‌های اکتشافی نیمه‌هدایت‌شده استفاده شد. برای تعیین پایایی (اعتماد و میزان همگونی درونی پرسش‌نامه‌ها)، در مرتبه اول یک مطالعه مقدماتی (راهنما) روی ۳۵ نمونه از جامعه انجام شد و با استفاده از روش آماری آلفای کرونباخ، پایایی عامل‌ها و متغیرها تأیید شد ($0/87 =$ آلفای کل مرحله مقدماتی). در نهایت، روایی ابزار از طریق نظر متخصصان (روایی صوری با ۱۲ نفر) و تحلیل عاملی (روایی سازه برازش) و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ($0/90 =$ آلفای کل مرحله نهایی)، مطلوب ارزیابی شد.

در قسمت تحلیل داده‌ها، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری^۳ با رویکرد حداقل مربعات جزئی^۴ و استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس. سه^۵ برای بررسی همه‌جانبه مدل مفهومی پژوهش بهره گرفته شد.

1. Lynn
2. Spirituality and Benediction, Nature and Feel, Commitment and Ethics
3. Structural Equation Modeling (SEM)
4. Partial Least Squares (PLS)
5. Smart PLS 3

نتایج

ابتدا مشخصات نمونه آماری پژوهش در جدول شماره دو توصیف شده است. براساس این جدول، غالب پاسخ‌دهندگان در رشته تربیت‌بدنی و در مقطع کارشناسی درحال تحصیل بودند.

جدول ۲- مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه آماری پژوهش

متغیر	مؤلفه				جمع
سن	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد	
	۱۸	۳۲	۲۲/۱۶	۰/۹۵۳	
جنسیت	پسر	دختر			
	۲۰۷	۱۷۴			
تحصیلات	کارشناسی	کارشناسی‌ارشد	دکتری		۳۸۴ نفر
	۲۴۲	۱۲۸	۱۴		
رشته ورزشی	ورزش‌های گروهی	ورزش‌های راکتی	ورزش‌های پایه	ورزش‌های رزمی	سایر
	۸۶	۷۱	۶۸	۱۰۱	۵۸
رشته تحصیلی	علوم ورزشی	علوم انسانی و اجتماعی	علوم مهندسی و هنر	علوم پایه کشاورزی	علوم
	۱۶۶	۵۴	۵۲	۶۳	۴۹

در پژوهش حاضر، سه متغیر پنهان در سطح دوم، نه متغیر پنهان در سطح اول (که همان ابعاد متغیرهای سطح دوم هستند) و ۳۶ متغیر آشکار (سؤال‌های پرسش‌نامه) وجود دارند. متغیرهای سطح اول یا ابعاد مدل به‌طور مستقیم با سؤال‌ها در رابطه هستند. منظور از متغیرهای سطح دوم متغیرهایی هستند که با ابعاد رابطه دارند و به‌طور غیرمستقیم به سؤال‌ها مربوط می‌شوند. متغیرهای پنهان پرسش‌نامه براساس پیشینه پژوهش و نظرهای خبرگان، به‌صورت پژوهشگر ساخته تهیه شده‌اند. جدول شماره سه این متغیرها را نشان می‌دهد.

برای بررسی میزان پایایی پرسش‌نامه از روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. در این روش، پایایی با دو معیار سنجیده می‌شود: ۱- آلفای کرونباخ؛ ۲- پایایی ترکیبی. ضریب آلفای کرونباخ بیانگر میزان توانایی سؤال‌ها در تبیین مناسب ابعاد مربوط به خود است. ضریب پایایی ترکیبی نیز میزان همبستگی سؤال‌های یک بعد را با یکدیگر برای برازش کافی مدل‌های اندازه‌گیری مشخص می‌کند (فرنل و لاکر، ۱۹۸۱). مقدار آلفای کرونباخ و ضرایب پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۶ نشانگر

1. Composite Reliability

2. Fornell & Larcker

پایایی قابل قبول است (موس و همکاران، ۱۹۸۸). در جدول شماره سه، نتایج پایایی مربوط به دو معیار حاکی از پایایی قابل قبول معیارها برای پژوهش است.

جدول ۳- معیارهای پایایی درمورد متغیرهای پژوهش

ابعاد	شاخص‌ها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
معنویت و نیایش	اعتقادات معنوی به ورزش	۰/۷۶۶	۰/۸۳۶
	دستآورد معنوی از ورزش	۰/۷۷۲	۰/۸۴۱
	رفتار معنوی در مشارکت	۰/۷۵۸	۰/۸۳۸
	معنویت و نیایش	۰/۸۹۱	۰/۹۰۰
منش و احساس	احساس به ورزش	۰/۷۳۱	۰/۸۲۴
	عرق تیمی	۰/۶۱۹	۰/۷۷۷
	روحیه پهلوانی	۰/۶۷۱	۰/۷۹۲
	منش و احساس	۰/۸۵۳	۰/۸۹۹
تعهد و اخلاق	بازی جوانمردانه	۰/۶۵۹	۰/۷۹۶
	تعهد ورزشی	۰/۷۴۹	۰/۸۴۱
	قانونمندی	۰/۶۸۶	۰/۸۰۰
	تعهد و اخلاق	۰/۸۴۵	۰/۸۷۲

روایی پرسش‌نامه به کمک دو معیار روایی همگرا و واگرا که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری هستند، بررسی شد. روایی همگرا به میزان توانایی شاخص‌های یک بعد در تبیین آن بعد اشاره دارد. روایی واگرا بیانگر این است که سازه‌های مدل پژوهشی باید همبستگی بیشتری با سؤال‌های خود داشته باشند تا با سازه‌های دیگر (هالند، ۱۹۹۹).

در این مرحله، به‌طور مشخص برای ارزیابی روایی همگرا از معیار میانگین واریانس استخراج‌شده^۳ استفاده شد که نتایج این معیار برای متغیرهای پژوهش در جدول شماره چهار نشان داده شده است.

-
1. Moss and et al.
 2. Hulland
 3. Average Variance Extracted(AEV)

جدول ۴- نتایج مقدار میانگین واریانس استخراج شده برای سازه‌های پژوهش

عوامل (متغیرهای پنهان مرتبه دوم)	ابعاد (متغیرهای پنهان مرتبه اول)
تعهد و اخلاق	عشق و احساس
ممنونیت و نپیش	قانونمندی
۰/۶۹۵	تعهد ورزشی
۰/۷۴۹	بازی جوانمردانه
۰/۷۶۸	روحیه پهلوانی
۰/۵۰	عرق تیمی
۰/۵۷۱	احساس به ورزش
۰/۶۰۳	رفتار معنوی در مشارکت
۰/۵۶۸	دستاوردهای معنوی از ورزش
۰/۵۵۹	اعتقادات معنوی به ورزش
۰/۵۶۴	۰/۵۰۹
۰/۵۱۷	۰/۵۰۰

مقدار ملاک برای سطح پذیرش میانگین واریانس استخراج شده، رقم $0/5$ است (منگر، ولکر و کمپل، ۱۹۹۶). همان گونه که در جدول شماره چهار مشخص است، تمامی مقادیر میانگین واریانس استخراج شده مربوط به سازه‌ها، مقداری بیش از $0/5$ را نشان می‌دهند و این مطلب گویای حد قابل قبول برای روایی همگرای پرسش‌نامه پژوهش است.

در قسمت روایی واگرا، میزان همبستگی سازه‌های مدل با شاخص‌های مربوط به خود در مقابل همبستگی با سازه‌های دیگر مدل مقایسه می‌شود. این کار از طریق جذر میانگین واریانس استخراج شده هر سازه با مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها به دست می‌آید. چنانچه سازه‌ها با شاخص‌های مربوط به خود همبستگی بیشتری داشته باشند، روایی واگرای مناسب مدل تأیید می‌شود. همان طور که در ماتریس جدول شماره پنج مشاهده می‌شود، مقادیر قطر اصلی ماتریس (جذر ضرایب میانگین واریانس استخراج شده هر سازه) از مقادیر پایین (ضرایب همبستگی بین هر سازه با سازه‌های دیگر) بیشتر است که این مطلب قابل قبول بودن روایی واگرای سازه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۵- ماتریس مقایسه جذر میانگین واریانس استخراج شده ضرایب همبستگی سازه‌ها (روایی واگرا)

فونرل و لارکر	دستاورد معنوی از ورزش	روحیه پهلوانی	رفتار معنوی در مشارکت	اعتقادات معنوی به ورزش	عرق تیمی	احساس به ورزش	قانونمندی	تعهد ورزشی	بازی جوانمردانه
دستاورد معنوی از ورزش	۰/۷۱۹								
روحیه پهلوانی	۰/۴۵۱	۰/۷۵۴							
رفتار معنوی در مشارکت	۰/۱۶۰	۰/۴۷۰	۰/۷۱۳						
اعتقادات معنوی به ورزش	۰/۱۶۳	۰/۵۶۴	۰/۵۹۹	۰/۷۰۷					
عرق تیمی	۰/۵۵۵	۰/۱۶۲۰	۰/۵۴۵	۰/۵۷۹	۰/۷۴۸				
احساس به ورزش	۰/۵۹۹	۰/۵۷۹	۰/۵۵۸	۰/۶۸۸	۰/۵۵۷	۰/۷۵۱			
قانونمندی	۰/۱۶۱۴	۰/۵۳۷	۰/۵۶۸	۰/۶۳۳	۰/۵۹۴	۰/۵۷۰	۰/۷۰۸		
تعهد ورزشی	۰/۵۵۹	۰/۵۰۵	۰/۵۶۰	۰/۵۵۳	۰/۶۳۵	۰/۵۷۶	۰/۴۵۷	۰/۷۵۶	
بازی جوانمردانه	۰/۵۸۰	۰/۴۹۹	۰/۵۶۳	۰/۵۶۶	۰/۶۳۳	۰/۴۹۰	۰/۵۰۱	۰/۶۱۵	۰/۷۷۶

جدول شماره پنج امکان مقایسه همبستگی سازه‌های پژوهش را با سؤال‌های خود و سازه‌های دیگر می‌دهد. برای نمونه، درمورد ستون اول که مربوط به سازه دستاورد معنوی از ورزش است، میزان همبستگی این سازه با سؤال‌های خود در حدود ۷۲ درصد (۰/۷۱۹) است. این عدد از اعداد قرارگرفته در پایین ستون که میزان همبستگی میان سازه‌های دستاورد معنوی از ورزش و سایر سازه‌ها را نشان می‌دهد، بیشتر است. این توضیح درمورد ستون‌های دیگر نیز صادق است؛ بنابراین، روایی واگرای پرسش‌نامه پژوهش حاضر قابل تأیید است.

جدول ۶- نتایج برازش مدل ساختاری پژوهش

نتایج	معیار میزان اثر	ضریب معنی‌داری ۱/۹۶	ضریب مسیر	فرضیه‌های فرعی و اصلی
تأیید فرضیه	۲/۵۹۳	۳۰/۹۴۲	۰/۸۵۰	اعتقادات معنوی به ورزش > معنویت و نیایش
تأیید فرضیه	۳/۱۰۹	۳۴/۳۱۰	۰/۸۷۰	دستاورد معنوی از ورزش > معنویت و نیایش
تأیید فرضیه	۲/۹۳۶	۲۸/۶۳۶	۰/۸۶۴	رفتار معنوی در مشارکت > معنویت و نیایش
تأیید فرضیه	۲/۵۴۱	۲۷/۹۴۸	۰/۸۴۷	احساس به ورزش > منش و احساس
تأیید فرضیه	۲/۰۷۸	۲۹/۹۰۸	۰/۸۲۲	عرق تیمی > منش و احساس
تأیید فرضیه	۲/۱۰۵	۲۴/۸۴۳	۰/۸۲۳	روحیه پهلوانی > منش و احساس
تأیید فرضیه	۲/۲۱۴	۲۴/۶۰۲	۰/۸۳۰	بازی جوانمردانه > تعهد و اخلاق
تأیید فرضیه	۲/۶۸۴	۴۰/۲۳۷	۰/۸۵۴	تعهد ورزشی > تعهد و اخلاق
تأیید فرضیه	۱/۵۰۹	۱۷/۷۹۱	۰/۷۷۵	قانونمندی > تعهد و اخلاق
تأیید فرضیه	۱/۹۱۰	۱۴/۲۸۳	۰/۸۱۰	معنویت و نیایش > منش و احساس
تأیید فرضیه	۰/۲۶۱	۵/۰۰۲	۰/۴۴۷	معنویت و نیایش > تعهد و اخلاق
تأیید فرضیه	۰/۲۷۲	۵/۷۶۳	۰/۴۵۶	منش و احساس > تعهد و اخلاق
نتیجه آزمون	شاخص شمول واریانس	آزمون سوبل		فرضیه میانجی
تأیید فرضیه	۰/۴۵۲	۹/۳۱۱		معنویت و نیایش > منش و احساس > تعهد و اخلاق

جدول ۷- نتایج برازش کلی مدل

مقدار میانگین مقادیر اشتراک	معیار واریانس تعیین شده	سازه‌ها
۰/۵۱۷	۰/۷۵۷	دستاورد معنوی از ورزش
۰/۵۶۸	۰/۶۷۸	روحیه پهلوانی
۰/۵۰۹	۰/۷۴۶	رفتار معنوی در مشارکت
۰/۵۰۰	۰/۷۲۲	اعتقادات معنوی به ورزش
۰/۵۵۹	۰/۶۷۵	عرق تیمی
۰/۵۶۴	۰/۷۱۸	احساس به ورزش
۰/۵۰۰	۰/۶۰۱	قانونمندی
۰/۵۷۱	۰/۷۲۹	تعهد ورزشی

1. Communalities

ادامه جدول ۷- نتایج برازش کلی مدل

مقدار میانگین مقادیر اشتراک	معیار واریانس تعیین شده	سازه ها
۰/۶۰۳	۰/۶۸۹	بازی جوانمردانه
۰/۷۴۹	مرتبه دوم	منش و احساس
۰/۶۹۵	مرتبه دوم	تعهد و اخلاق
بروزا	مرتبه دوم	معنویت و نیایش
۰/۵۷۵	۰/۷۰۱	میانگین

$$\sqrt{COMMUNALITY \times R2} = \sqrt{0/575 \times 0/701} = 0/634$$

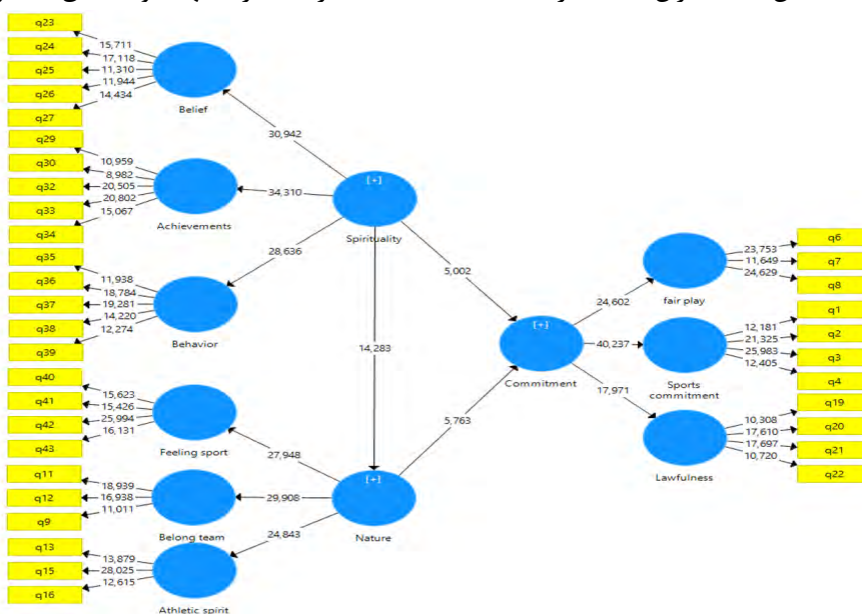
نیکویی برازش مدل^۲
= برازش قوی

بر اساس داده‌های جدول شماره چهار، رابطه بین عامل‌های معنویت و نیایش، منش و احساس، و تعهد و اخلاق در مد ساختاری به کمک نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس. سنجیده شده است. ابتدا برای تأیید فرضیه‌های پژوهش و نیز روابط بین سؤال‌ها با ابعاد، از فرمان خود راه انداز نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس. استفاده شد که خروجی حاصل، ضرایب معنی‌داری را نشان می‌دهد (شکل شماره دو). اگر مقادیر تی در بازه‌ای بیشتر از ۱/۹۶+ باشند، بیانگر معناداری متغیر مربوطه و به دنبال آن، تأیید فرضیه‌های پژوهش و معنادار بودن تمامی سؤال‌ها و روابط بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد هستند (وینزی، ترینچرا و آماتو، ۲۰۱۰). مطابق شکل شماره دو، تمامی ضرایب معنی‌داری از ۱/۹۶ بیشتر هستند که این مطلب معنادار بودن تمامی سؤال‌ها و روابط بین سازه‌های اصلی پژوهش را در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که مبین پذیرش فرضیه اصلی پژوهش هستند. با توجه به جدول شماره پنج که معیار نیکویی برازش مدل برابر با ۰/۶۳۴ است که برازش کلی مدل در حد «بسیار قوی» تأیید می‌شود.

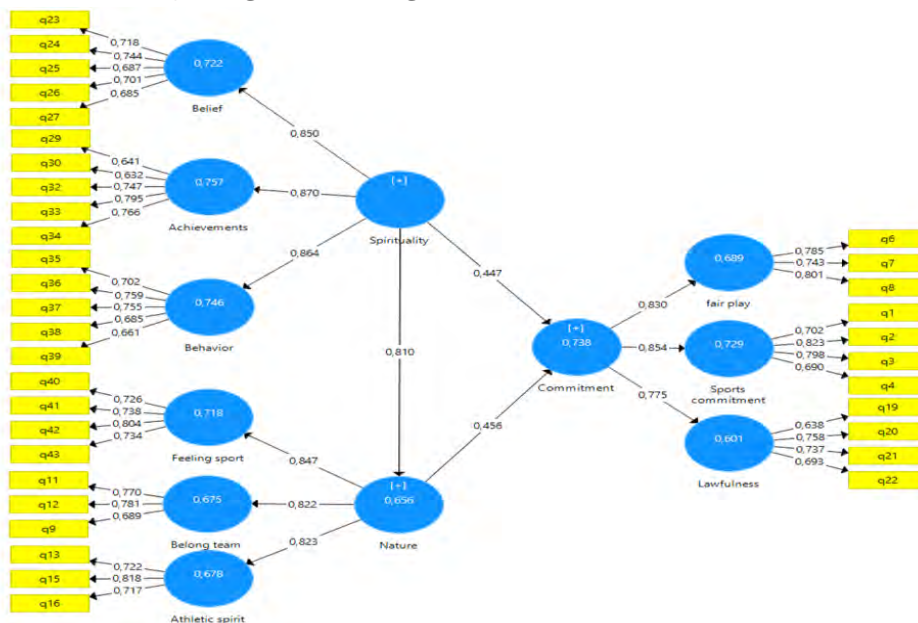
پس از اینکه مشخص شد عامل معنویت و نیایش بر عامل‌های منش و احساس و نیز تعهد و اخلاق تأثیر معناداری دارد و همچنین، عامل منش و احساس تأثیر معناداری بر عامل تعهد و اخلاق دارد، در مرحله بعد، به بررسی میزان تأثیر عامل‌ها بر یکدیگر پرداخته شد. طبق ضرایب استاندارد خروجی نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس. که در شکل شماره دو نیز نمایان است، معنویت و احساس به میزان ۴۴ درصد از تغییرات تعهد و اخلاق را به‌طور مستقیم تبیین می‌کند. افزون‌براین، دو ضریب ۰/۸۱۰ و ۰/۴۵۶ نشان می‌دهند که متغیر معنویت و احساس به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی منش

1. Communalities
2. Doogness of fit
3. Bootstrapping

و احساس به میزان ۳۷ درصد (۰/۴۵۶*۰/۸۱۰) بر متغیر تعهد و اخلاق تأثیر دارد.



شکل ۲- ضرایب معناداری برای بررسی فرضیه های اصلی پژوهش



شکل ۳- ضرایب استاندارد مدل پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، شناسایی و تعریف سازه مفهومی قداست ورزشی و تقدیس دانشجویان ورزشکار بود. این مفهوم برگرفته از مطالعات خارجی مانند پژوهش کوینتن (۲۰۰۸) است؛ اما پیوند عمیقی با مبانی فرهنگ ایرانی و اسلامی دارد. پژوهش‌های قبلی در کشور به بررسی موضوع‌های اخلاق ورزشی، منش ورزشی، پهلوانی و معنویات ورزشکاران پرداخته بودند؛ اما قداست ورزشی و تقدیس ورزشکاران مفهومی غنی‌تر و بین‌المللی‌تر است؛ زیرا، سه بعد معنویت و نیایش، اخلاق و تعهد و نیز منش و احساس ورزشی را در برمی‌گیرد.

نتایج نشان داد که درزمینه معنویت و نیایش، هر سه مؤلفه (اعتقادات معنوی به ورزش، دستاورد معنوی از ورزش و رفتار معنوی در مشارکت) دارای نقش معناداری در تبیین معنویت و نیایش هستند؛ به طوری که به ترتیب دستاورد معنوی از ورزش، رفتار معنوی در مشارکت و اعتقادات معنوی به ورزش با ضریب مسیرهای برابر با ۰/۸۷۰، ۰/۸۶۴ و ۰/۸۵۰ بیشترین نقش را در تبیین معنویت و نیایش دارند. در ادامه، درزمینه منش و احساس مشخص شد که هر سه مؤلفه احساس به ورزش، عرق تیمی و روحیه پهلوانی دارای نقش معناداری در تبیین عامل منش و احساس هستند؛ به طوری که به ترتیب مؤلفه احساس به ورزش با ضریب ۰/۸۴۷، روحیه پهلوانی با ضریب ۰/۸۲۳ و عرق تیمی با ضریب ۰/۸۲۲ بیشترین نقش را در تبیین بعد منش و احساس دارند. درنهایت، چنین مشخص شد که درزمینه تعهد و اخلاق هر سه مؤلفه آن؛ یعنی تعهد ورزشی با ضریب ۰/۸۵۴، بازی جوانمردانه با ضریب ۰/۸۳۰ و قانونمندی با ضریب ۰/۷۷۵ بیشترین نقش را به صورت معنادار در تبیین عامل تعهد و اخلاق دارند.

یافته‌های فرضیه‌های اصلی پژوهش نشان داد که ۴۵ درصد از تغییرات متغیر تعهد و اخلاق توسط عامل نیایش و معنویت به صورت مستقیم و معنادار تبیین می‌شود و همچنین، این متغیر به طور مستقیم و معنادار ۸۱ درصد از تغییرات عامل منش و احساس را تبیین می‌کند. افزون‌براین، مؤلفه منش و احساس به طور مستقیم و معنادار ۴۶ درصد از تغییرات متغیر تعهد و اخلاق را تبیین می‌کند. براساس آزمون سوبل مشخص شد که فرضیه میانجی پژوهش معنادار است؛ به صورتی که ۴۵ درصد از اثر کل متغیر معنویت و نیایش بر عامل تعهد و اخلاق به صورت غیرمستقیم توسط متغیر میانجی منش و احساس تبیین می‌شود.

منش و احساس بالاتر از میانگین ارزیابی شد. با وجود تفاوت میان ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و معنوی زندگی روزمره با ارزش‌های حاکم بر ورزش، باز هم ورزشکاران به دلیل تأثیرگذاری ابعاد معنویت منش و احساسی بالاتر از میانگین را کسب کردند؛ با این حال، تفاوت میان منش پهلوانی در بین تیم‌های دانشجویی نشان‌دهنده وجود برخی مکانیسم‌های اثرگذار بر منش پهلوانی از جمله فرایندهای آموزشی

و خانوادگی است و اینکه ممکن است فعالیت حرفه‌ای در تیم‌های مختلف در کاهش یا افزایش این منش تأثیرگذار باشد که با پژوهش‌های گودرزی و همکاران (۱۳۸۸) و فورد (۲۰۰۷) هم‌خوان بود. همچنین، درصد کلی همه ابعاد در ورزشکاران دانشجوی، در همه ابعاد تقدس و معنویت بالاتر از حد میانگین بود. استورچ و همکاران (۲۰۱۱)، استورچ و استورچ (۲۰۰۲) و استورچ و همکاران (۲۰۰۴) نیز سطوح بالاتری از دینداری را در ورزشکاران دانشگاهی نسبت به ورزشکاران غیردانشجو گزارش دادند. به نظر می‌رسد که سطوح بالاتر دینداری در دانشجویان ورزشکار به متغیرهای سلامت روانی مبتنی بر تجربه مربوط هستند. همچنین، از عوامل تأثیرگذار معناداری معنویت و نیایش بر تعهد و اخلاق، وجود الگوهای معاصر کهن و شخصیت‌های پرورش‌یافته با اعتقادات معنوی و همچنین، دستاوردهای معنوی و درنهایت، رفتارهای پهلوانی الگوها و شخصیت‌ها هستند. وجود این الگوها در جامعه ورزشی دانشگاهی و حتی غیردانشگاهی می‌تواند تعهد و اخلاق ورزشی با بازی‌های جوانمردانه و احترام به قوانین بازی را افزایش دهد و بر مقدس‌بودن ورزش از دیدگاه اخلاقی تأثیر فراوانی داشته باشد. الگوهای تحصیل‌کرده ورزشی و محترم در جامعه ورزشی کم نیستند که با احساس مسئولیت آنان می‌توان با حضور بیشتر در جامعه اخلاق را در عرصه الگودهی قرار داد. همچنین، با توجه به یافته‌ها، بیشترین بار ارزشی گویه‌ها نه‌تنها در بعد معنویت، بلکه در همه ابعاد شاخص دستاوردهای معنوی است که با توجه به این موضوع می‌توان درک کرد که با توجه به آنچه ورزشکار به‌دست می‌آورد، پای‌بندی به معنویت و درنهایت، تأثیرگذاری بر ابعاد دیگر نیز افزایش می‌یابد. یکی از دستاوردهای معنوی ورزشکار، آرامش و احساس خوبی و رضایت از نتایج بازی چه در برد و چه در شکست و ناامیدشدن در ادامه‌دادن تلاش‌هایش است که از اعتقادات و باورهای افراد از دین و مذهب به‌دست می‌آید (دیان و کاترین، ۲۰۰۰).

نتایج یک پژوهش نشان داد که رابطه‌ای منفی بین دین‌داری ذاتی و نشانه‌ها با علائم مؤثر افسردگی وجود دارد که برای ورزشکاران دانشجوی، دین‌داری ذاتی و درونی می‌تواند به‌عنوان یک بافر درمقابل علائم مؤثر افسردگی تأثیر بگذارد. همچنین، دین‌داری در ورزشکاران می‌تواند از آن‌ها در برابر رفتارها و علائم زیان‌آور مراقبت کند که این رفتارهای زیان‌آور می‌توانند شامل استعمال موادمخدر یا استفاده از الکل باشند (استورچ و همکاران، ۲۰۰۲). افرادی که تقدس و دین‌داری جنبه‌ای از زندگی آن‌ها است، به‌احتمال زیاد از آن به‌عنوان راهی برای مقابله با مشکلات استفاده می‌کنند (پاراگامنت، ۱۹۹۷؛ ماهونی، ۲۰۰۷). معنویت باعث می‌شود که ورزشکاران با اعتمادبه‌نفس بیشتری در فعالیت‌ها مشارکت کنند که خود باعث تعهد اخلاقی بیشتری در ورزش می‌شود. احتمالاً این ورزشکاران مشارکت خود

را امری مقدس می‌دانند که با تعهد بیشتری در آن شرکت می‌کنند و اهداف خود را دنبال می‌کنند. (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۵). به‌هرحال، نتایج نشان می‌دهد که تقدس در ورزش دانشگاهی می‌تواند به افزایش اخلاق و رفتارهای جوانمردانه منجر شود. همچنین، به‌نظر می‌رسد ورزشکارانی که به تقدس در زندگی خود اهمیت می‌دهند، به‌دلیل دوری از مواد اعتیادآور و احتمالاً دوپینگ‌های متنوع بتوانند مدت بیشتری حضوری سالم را در این عرصه تجربه کنند. همچنین، چنانچه نتایج پژوهشگران نشان داده است که هر ورزشکاری عهد بیشتری و نیز تمایل بیشتری به پیگیری اهداف تیم و اطاعت از قوانین بازی‌ها دارند. به‌نظر می‌رسد که مربیان و مشاوران لازم است نسبت به این واقعیت واقف باشند و محیطی را ایجاد کنند که برای عقاید روحی و مذهبی ورزشکاران قابل احترام باشد. همچنین، بهتر است مربیان و مشاوران از صحبت و اشاره به یک سنت مذهبی خاص دوری کنند. مربیان و مشاوران می‌توانند محیطی را ایجاد کنند که به سازگاری ورزشکاران و به‌خصوص ورزشکاران دانشجوی منجر گردد و به آن‌ها این فضا را بدهد که معنویت خود را به‌نمایش بگذارند؛ برای مثال، مربیان ممکن است چند دقیقه قبل از رقابت به تیمشان فرصت تفکر یا ستایش‌های فردی دهند. همچنین، مدیران و مربیان باشگاه هیچ‌گاه ورزشکار را به‌خاطر تقید به عقاید مذهبی خود سرزنش نکنند. پادگامنت و همکاران (۲۰۰۵) اشاره کردند که ارتباط دادن باخت ورزشکار به تقدسات می‌تواند به کاهش سلامت روانی و سرخوردگی آن‌ها منجر شود؛ بنابراین، باید تأکید شود که باخت و بردهای تیم به تقدس و عقاید مذهبی کلی بازیکنان تیم ارتباط داده نشوند تا ورزشکاران دچار افت روحی نشوند و از انگیزش و هیجان ناشی از تقدس و مذهب محروم نگردند؛ بنابراین، ارتباط با نهادها یا اشخاص مذهبی برای آموزش بیشتر مدیران و مربیان در باشگاه، می‌تواند مؤثر باشد و ارتباط بین مربیان و ورزشکاران را از این جنبه منطقی‌تر کند. به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد تقدس در ورزش تاجایی که فردی و درونی باشد، می‌تواند به نتایج خوشایندی منجر شود و بهتر است احترام به مذاهب هر فرد و میزان بروز آن در تیم و باشگاه مشخص شود تا به نتایج مثبت نزدیک شود و از نتایج منفی درگیری‌ها و سرخوردگی‌ها دور ماند. در نتیجه‌گیری کلی از پژوهش می‌توان گفت با توجه به تبیین ساختار و تأیید تاثیر تعهد و اخلاق در جهت برای توسعه فرهنگی ورزش، به نظر می‌رسد که جنبه‌های معنوی نقش ابتدایی، جنبه‌های احساسی نقش فرایندی و جنبه‌های اخلاقی نقش پیامدی در تقدیس ورزش برای ورزشکاران دانشجوی دارند.

براساس یافته‌های کلی پژوهش مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین سه بعد معنویت و نیایش، تعهد و اخلاق و نیز منش و احساس، پیشنهاد می‌شود که در آموزه‌های فرهنگی به ورزشکاران و به‌ویژه ورزشکاران دانشجوی بر خلاف عرف موجود که تنها بر بعد تعهد و اخلاق متمرکز است، بر دو بعد دیگر نیز تأکید شود. همچنین، مربیان در سطوح پایه تا قهرمانی به این مؤلفه در قالب شیوه هدایت و پرورش

خود توجه کافی داشته باشند. پیشنهاد می‌شود در معیارهای انتخاب و معرفی ورزشکاران اخلاق‌مدار، تقدیس ورزشی نیز شناسایی شود.

این پژوهش مانند هر پژوهش دیگری با تعدادی محدودیت مواجه بوده است؛ مانند همکاری مناسب نداشتن مدیریت رویداد در توزیع و پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها، دسترسی نداشتن به بعضی منابع قدیمی کتابخانه‌ای در زمینه تربیت‌بدنی و پیشاهنگی کشور و نیز محدودیت‌های تعداد سؤال‌های پرسش‌نامه برای جلوگیری از کیفیت پاسخ‌های نمونه آماری.

در انتها، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی سازه‌های قداست ورزش و تقدیس ورزشکاران در ورزش دانش‌آموزی، قهرمانی و حرفه‌ای، تعیین ارتباط این سازه با سایر متغیرها و به‌ویژه با استفاده از روش‌های کیفی و تجربی بپردازند.

منابع

1. Ahmadzadeh, A., Dousti, M., & Farzan, F. (2012). Identifying of sport cultural challenges in Iran (Case study: Mazandaran province). *International Journal of Sport Studies*, Vol. 2, pp. 250-254. (Persian)
2. Asgardon, M., Farzan, F., Almasi, S., & Zammad Dastani, K. (2012). Surveying spirituality between coaches and supervisors of teams participating in the eleventh women's athletic olympiad. Paper Presented at the International Conference on Physical Education and Sport Sciences, Amol.
3. Cavar, M. Sekulic, D., & Culjak, Z (2012). Complex interaction of religiousness with other factors in relation to substance use and misuse among female athletes. *Journal of Religion and Health*, 51(2), 381-389.
4. Coakley, J. (2001). *Sport in society: Issues & controversies* (2nd ed.). New York: McGraw-Hill.
5. Dillon, K. M., & Tait, J. L. (2000). Spirituality and being in the zone in team sports: A relationship? *Journal of Sport Behavior*, 23, 91-100.
6. Farhangi, A.A. Rastegar, A.A (2005) Provide and explain the motivational model of employees, *daneshvar behavior*, vol 13, no 20 pp: 40 (persian)
7. Ford, J. A. (2007). Alcohol use among college students: A comparison of athletes and nonathletes. *Substance Use & Misuse*, 42, 1367-1377.
8. Fornell, C., & Larcker, D.F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 56, 39-50.
9. Goodarzi, M., Farahani, A., Ali Doost Ghahfarakhi, E., & Jalal Manesh, A. (2010). Investigating the religious and national identity of the wrestlers and footballers of Tehran city. *Olympic*, 18(3), 21-31.
10. Guttmann, A. (1978). *From ritual to record*. New York: Columbia University Press.
11. Hematinejad, M.A. Ramazani Nejad, R. Tabatabaei, H. shahin Tabah, M. Abedini , B (2013) Sporting athletes of elite men of team and individual sports, *Olympic magazine*, No. 4, pp. 39- 2

12. Hoffman, S. J. (1992). Recovering a sense of the sacred in sport. In S. J. Hoffman (Ed.), *Sport and religion*, Champaign, IL: Human Kinetics. (pp. 153-159)
13. Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: a review of four recent studies. *Strategic management journal*, 20(2): 195-204.
14. Kamani, S. Akbari, A.(2013) Examining Ethical Values of Soccer Teams, National Concert of Ethics in Sport, Islamic Azad University of South, pp:263-265 (Persian)
15. Magner, N., Welker, R.B. & Campbell, T.L. (1996). Testing a model of cognitive budgetary participation processes in a latent variable structural equations framework. *Accounting and Business Research*, 27(1): 41-50.
16. Mahoney, A., Pargament, K. I., Ano, G., Lynn, Q., Magyar, G. M., McCarthy, S. & Procidano, M. (2002). The devil made them do it: Desecration & demonization & the 9/11 attacks. Symposium conducted at the American Psychological Association's Annual Convention, Chicago, IL.
17. Mahoney, A., Pargament, K. I., Cole, B., Jewell, T., Magyar, G., Tarakeshwar, N., & Phillips, R (2005). A higher purpose: The sanctification of strivings in a community sample. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 15, 239-262.
18. Mahoney, A., Pargament, K. I., Cole, B., Jewell, T., Magyar, G., Tarakeshwar, N., Phillips, R (2005b). The sanctification of the body and behavioral health patterns of college students. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 15, 221-238.
19. Mahoney, A., Pargament, K. I., DeMaris, A. (2007). Couples viewing marriage and pregnancy through the lens of the sacred: A descriptive study. In R.L. Piedmont & A. Village (Eds.), *Research in the Social Scientific Study of Religion*, The Netherlands: Leiden. doi:10.1163/ej.9789004175624.i-334.7
20. Moore E, W., Berkley-Patton, J. Y., & Hawes, S. M. (2013). Religiosity, alcohol use, and sex behaviors among college student-athletes. *Journal of Religion and Health*. 52(3), 930-940.
21. Moss, S., Prosser, H., Costello, H., Simpson, N., Patel, P., Rowe, S. & Hatton, C. (1998). Reliability and validity of the PAS-ADD Checklist for detecting psychiatric disorders in adults with intellectual disability. *Journal of Intellectual Disability Research*, 42(2): 173-183
22. Murray-Swank, N., A., Pargament, K., I., & Mahoney, A. (2005). At the crossroads of sexuality and spirituality: The sanctification of sex by college students. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 15, 199-219.
23. Naderian, M. (2005). *The foundations of sociology in sport*. Bamdad ketab Publications, Tehran
24. Novak, M. (1992). The natural religion. In S. J. Hoffman (Ed.), *Sport and religion* (pp. 35-42). Champaign, IL: Human Kinetics.
25. Pargament, K. I. (1997). *The psychology of religion and coping: Theory, research, practice*. New York: Guilford Press.
26. Pargament, K. I. (2007). *Spiritually integrated psychotherapy: Understanding and addressing the sacred*. New York: Guilford Press.
27. Pargament, K. I., & Mahoney, A. (2005). Sacred Matters: Sanctification as a vital topic for the psychology of religion. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 15, 179-198.

28. Pargament, K. I., Magyar-Russell, G. M., & Murray-Swank, N. A. (2015). The sacred and the search for significance: Religion as a unique process. *Journal of Social Issues*, 6, 665-687.
29. Park, J. (2000). Coping strategies used by Korean national athletes. *The Sport Psychologist*, 14, 63-80.
30. Prebish, C. S. (1992). Heavenly father, divine goalie: Sport and religion. In S.J. Hoffman (Ed.), *Sport and religion* (pp.43-54). Champaign, IL: Human Kinetics.
31. Quinten, K. L. (2008). Sacred sport: A study of student athletes' sanctification of sport. (doctoral dissertation). College of Bowling Green,
32. Razaghi, M.E., Ramezani Nezhad, R., Mehrabi, Gh. (2015). A Study of Factors Affecting Administrative Corruption in Soccer. *New Trends in Sport Management*. 2 (7) :41-52
33. Rose, C. (1996). Ropin, ridin, and religion. *Colorodo Springs Gazette*, 3, 1-2.
34. Storch, E. A., & Storch, J. B. (2002). Intrinsic religiosity and aggression in a sample of intercollegiate athletes. *Psychological Reports*, 91, 1041-1042.
35. Storch, E. A., Kolsky, A. R., Silvestri, S. M., & Storch, J. B. (2011). Religiosity of elite college athletes. *The Sport Psychologist*, 15, 346-351.
36. Storch, E. A., Kovacks, A. H., Roberti, J. W., Bailey, L. M., Bravata, E. A., & Storch, J. B. (2004). Strength of religious faith and psychological adjustment in intercollegiate athletes. *Psychological Reports*, 94, 48-50.
37. Storch, E. A., Storch, J. B., Kovacs, A. H., Okun, A., & Welsh, E. (2013). Intrinsic religiosity and substance abuse in intercollegiate athletes. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 25, 248-252.
38. Storch, E. A., Storch, J. B., Welsh, E., & Okun, A. (2002). Religiosity and depression in intercollegiate athletes. *College Student Journal*, 36, 526-531.
39. Vernacchia, R. A., McGuire, R. T., Reardon, J. P., & Templin, D. P. (2000). Psychosocial characteristics of Olympic track and field athletes. *International Journal of Sport Psychology*, 31, 5-23.
40. Wiese-Bjornstal, D. (2002). Spirit, Mind, and Body. *Athletic Therapy Today*, 5, 41-4

استناد به مقاله

دستوم، صلاح، افروزه، محمدصادق، جوکار، مهدی، افروزه، حکیمه. (۱۳۹۷). طراحی مدل قداست ورزشی در دانشجویان ورزشکار. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۳۸-۱۱۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.4914.1372

Dastoom, S., Afroozeh, M. S., Jokar, M. Afrouzeh, H. (2019). Designing a Model of Sports Sacred Sanctity Among Students Athlete. *Research on Educational Sport*, 6(15): 117-38. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.4914.1372

آسیب‌شناسی تربیت‌بدنی و ورزش مدارس با استفاده از مدل سه‌شاخگی

هادی قنبری^۱، ناهید شتاب بوشهری^۲، پروانه شفیعی‌نیا^۳، یدالله مهرعلیزاده^۴

۱. دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز*

۲. استادیار گروه رفتار حرکتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

۳. دانشیار گروه رفتار حرکتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

۴. استاد علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۲۶

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف آسیب‌شناسی تربیت‌بدنی و ورزش مدارس ابتدایی استان خوزستان انجام شده است. در این پژوهش که به روش آمیخته انجام شد، پژوهشگران با مراجعه به خبرگان حوزه ورزش دانش‌آموزی استان خوزستان، از طریق مصاحبه عمیق به جمع‌آوری اطلاعات از آنان پرداختند و داده‌های حاصل از ۲۵ مصاحبه به روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد کدگذاری و تجزیه و تحلیل شدند. سپس، پرسش‌نامه‌ای مطابق با کدهای به‌دست‌آمده طراحی شد. روایی پرسش‌نامه با تکنیک دلفی، توسط تعدادی از اساتید و کارشناسان صاحب‌نظر انجام شد و پایایی آن با آلفای کرونباخ تأیید شد. با توجه به جامعه پژوهش و مراجعه به جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب، پرسش‌نامه در میان ۲۸۰ نفر از معلمان تربیت‌بدنی، کارشناسان تربیت‌بدنی ادارات آموزش و پرورش و اعضای هیئت‌علمی تربیت‌بدنی دانشگاه‌های استان، توزیع و جمع‌آوری شد و با استفاده از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس. و پی.ال.اس. تحلیل شد. طبق یافته‌های پژوهش، به ترتیب عوامل سازمانی، فردی و زمینه‌ای دارای بیشترین آسیب‌ها در حوزه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس بودند. در بین زیرشاخه‌های هر سه سطح، معلم تربیت‌بدنی (سطح سازمانی) دارای بیشترین آسیب و محیط زیست (سطح زمینه‌ای) دارای کمترین آسیب بودند. آسیب‌های سطح سازمانی بیشترین تأثیر را بر توسعه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس داشته‌اند؛ بنابراین، بازنگری وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی، تخصیص منابع و تجهیز مدارس، در این راستا ضروری است. در سطح فردی، آموزش به خانواده‌ها و در سطح زمینه‌ای، ترویج فرهنگ گرایش به ورزش و گسترش ورزش همگانی از اقدام‌های لازم و مفید به نظر می‌رسند.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی ورزش، تربیت‌بدنی و ورزش مدارس، مدل سه‌شاخگی.

مقدمه

تربیت بدنی، بخش مهمی از تعلیم و تربیت است که از طریق حرکت و فعالیت‌های بدنی جریان رشد را در تمام ابعاد وجودی انسان تسهیل می‌کند و موجب شکوفایی استعدادها می‌شود و همچنین، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، به دلیل تنوع در کارکردها، اثرهای متقابلی بر سایر پدیده‌های اجتماعی دارد. توسعه تربیت بدنی و ورزش زمینه‌ساز تأمین و تربیت نیروی انسانی سالم است و بخشی از برنامه‌های توسعه ملی به‌شمار می‌آید. پژوهشگران اظهار کرده‌اند که قرن بیستم و یکم قرن ورزش همگانی است؛ اما مطالعات مختلف نشان می‌دهند که بیش از نیمی از جمعیت جهان در فعالیت‌های جسمانی کافی برای حفظ سلامت شرکت نمی‌کنند؛ حال آنکه کاستن یک درصد از این جمعیت غیرفعال می‌تواند جان میلیون‌ها نفر را حفظ کند و در میلیاردها دلار هزینه صرفه‌جویی کند (صفاری، ۱۳۹۱). مول و جیمسون (۲۰۰۵) در کتاب *مدیریت ورزش‌های تفریحی* آهرم ورزش را به‌صورت چهار بخش تربیتی، تفریحی، قهرمانی و حرفه‌ای ترسیم کرده‌اند. در این مدل، میزان گستردگی هر کدام از ورزش‌ها تعیین شده است؛ به‌طوری‌که در قاعده هرم، ورزش تربیتی و همگانی و در رأس آن ورزش قهرمانی و حرفه‌ای قرار می‌گیرند. توسعه ورزش تربیتی زمینه را برای رشد ورزش همگانی و قهرمانی فراهم می‌کند و لازم است ورزش تربیتی پیش از ورزش همگانی و قهرمانی توسعه یابد (غفوری، رحمان سرشت، کوزه چیان و احسانی، ۱۳۸۴).

محمدی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی عوامل بازدارنده و سوق‌دهنده دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر اردبیل به انجام فعالیت‌های ورزشی پرداخت. نتایج نشان داد که از نظر دانش‌آموزان، عوامل ساختاری مهم‌ترین عامل بازدارنده در مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بودند. سلطانی‌مقدم (۱۳۹۳) در پژوهشی مطرح کرد که تدریس تربیت بدنی در مدارس ابتدایی استان خراسان جنوبی در بخش‌های اجرای طرح‌های وزارتی شنا و ژیمناستیک، استفاده از رسانه‌های آموزشی مثل فیلم و عکس در تدریس، استفاده از همکاری والدین در اجرای برنامه‌های ورزشی و اقدام به تشکیل پرونده‌های بهداشتی و ورزشی برای دانش‌آموزان در حیطة کلاس‌داری و مدیریت معلم، آموزش اصول مربوط به ناهنجاری‌های اسکلتی و وضعیت بدنی و آموزش اصول مربوط به تغذیه ورزشی در حیطة شناختی، در سطح نامطلوبی قرار دارند. هاشمی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «شناسایی موانع توسعه ورزش‌های پایه در مدارس شهر تهران» به این نتیجه رسید که موانع فرهنگی، موانع مالی، موانع ساختاری، موانع زمانی، موانع انگیزشی، موانع جسمانی- روانی و موانع

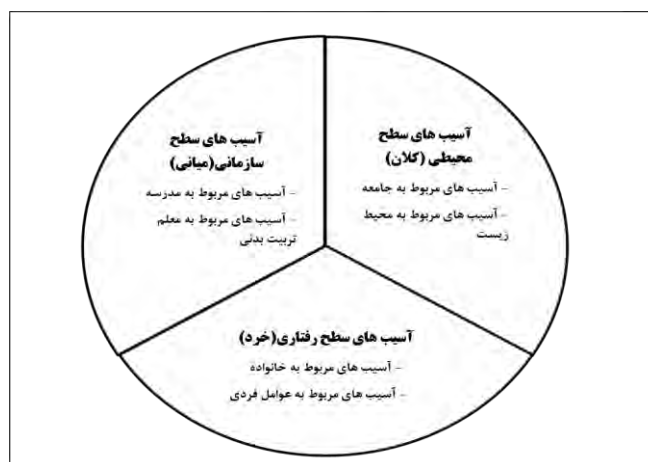
-
1. Mull & Jamieson
 2. Recreational Sport Management

مدیریتی و برنامه‌ریزی، بر رشد و توسعه ورزش‌های پایه در مدارس تأثیر داشته‌اند. هیلز، دنگل و لوبانز (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «حمایت از اولویت‌های سلامت عمومی: توصیه‌هایی برای توسعه تربیت‌بدنی و فعالیت بدنی در مدارس» برنامه درسی سنگین مدرسه با تمرکز بر پیشرفت تحصیلی، حمایت‌نکردن مدیران مدرسه، محدودیت‌های بودجه و نیز منابع و آموزش با کیفیت پایین را از جمله موانع اصلی توسعه فعالیت بدنی در مدارس کشور استرالیا ذکر کردند. براساس پژوهش آن‌ها، مدیران و معلمان تربیت‌بدنی به‌طور ویژه باید با ارائه یک برنامه فعالیت بدنی در مدارس نقش خود را در سلامت عمومی جامعه ایفا کنند. تی‌سانگاریدو^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی به مطالعه دیدگاه‌ها و ادراک‌های معلمان دبستان نسبت به چالش‌های اصلی تربیت‌بدنی در مدارس قبرس پرداخت. او بیان کرد که به عقیده شرکت‌کنندگان، باید هدف اصلی تربیت‌بدنی در سال‌های اولیه ایجاد فرصتی برای کودکان برای توسعه روانی، شناختی و مهارت‌های اجتماعی آنان باشد و تربیت‌بدنی باید از موضوع‌های مهم در برنامه درسی مدرسه محسوب شود؛ اما به عقیده آنان، جایگاه تربیت‌بدنی در مدارس تاحدزیادی ضعیف است و به‌عنوان یک موضوع حاشیه‌ای به آن نگاه می‌شود. همچنین، یافته‌های پژوهش تی‌سانگاریدو نشان داد که مریدان چهار سال اول دوران کودکی، با مشکلات، کمبودها و محدودیت‌های مربوط به منابع آموزشی مواجه‌اند و به برنامه‌های توسعه مهارت‌های حرفه‌ای نیاز دارند. در کشور ما تاکنون بیشتر پژوهش‌هایی که در زمینه هرم ورزش انجام شده‌اند، مربوط به بخش‌های همگانی و قهرمانی بوده‌اند؛ حال آنکه مطابق خود هرم ورزش کشور که موردقبول و مورداستفاده سیاست‌گذاران ورزش کشور است، ورزش آموزشی در قاعده هرم قرار دارد و اهمیت آن بیشتر از سایر بخش‌ها است؛ بنابراین، این ضرورت احساس می‌شود که این بخش زیربنایی ورزش کشور بیشتر موردتوجه و موردبررسی پژوهشگران و متخصصان قرارگیرد تا با واکاوی ابعاد مختلف آن، زوایای مغفول آن را آشکار کنند، آسیب‌های آن را شناسایی کنند و درصد رفع آن‌ها و برنامه‌ریزی بهتر برای آینده برآیند؛ چه‌بسا ریشه بسیاری از ضعف‌ها و ناکامی‌ها در ورزش همگانی، ورزش قهرمانی و ورزش حرفه‌ای کشور به سهل‌انگاری در این بخش پایه‌ای ورزش مربوط باشد.

اگر به مدرسه به‌عنوان یک سازمان بنگریم، می‌توان پدیده‌های موجود در آن را برحسب سه دسته عوامل رفتاری، سازمانی و زمینه‌ای بررسی کرد. در این مطالعه، براساس سطوح (تجزیه و تحلیل) سه‌گانه مدل سه‌شاخگی به آسیب‌شناسی تربیت‌بدنی و ورزش مدارس ابتدایی استان خوزستان

-
1. Hills & Dengel & Lubans
 2. Tsangarido

پرداخته شده و سعی شده است که در پایان، آسیب‌های موجود در قالب یک مدل شرح داده شوند؛ براین اساس و براساس مطالعه مبانی نظری پژوهش (جوادی پور، ۱۳۸۵؛ هاشمی، ۱۳۹۳؛ قاسمی، ۱۳۹۳؛ احمدی، ۱۳۹۳؛ چمبرز، ۱۹۹۱؛ دنیز و ینل، ۲۰۱۳؛ آمایاکاستلانوس، شمله‌لوی، اسکالانتیه-زتا، مورالس‌روان، جیمینز آگولیار، سالازار کرنل و آمایاکاستلانوس، ۲۰۱۵؛ کوبل، کتنر، کستایز، ارکلنز، درنواتز و استینکر، ۲۰۱۵؛ گرینفیلد، الموند، کلارک و ادواردز، ۲۰۱۶؛ پاول، وودفیلد و نوئل، ۲۰۱۶ و غیره، مدل سطح صفر پژوهش به صورت زیر بنا نهاده شد:



شکل ۱- مدل سه شاخه‌ای آسیب‌های تربیت بدنی و ورزش مدارس (مدل سطح صفر پژوهش)

روش‌شناسی پژوهش

تمام مطالعات پژوهشی بر یک چهارچوب مفهومی استوارند که متغیرهای مورد نظر و روابط میان آن‌ها را مشخص می‌کند (ادوارد، تامپسون و روزن، ۱۳۷۹). هر نظریه دارای سطوح تجزیه و تحلیل است؛ به گونه‌ای که در قلمرو یا سطوح خاصی مطرح می‌شود. نظریه‌ها به طور کلی شامل سه قلمرو یا

1. Chambers
2. Deniz & Yenal
3. Amaya-Castellanos & Shamah-Levy & Escalante-Izeta & Morales-Ruan & Jiménez-Aguilar & Salazar-Coronel & Amaya-Castellanos
4. Kobel & Kettner & Keszyüs & Erkelenz & Drenowatz & Steinacker
5. Greenfield & Almond & Clarke & Edwards
6. Powell & Woodfield & Nevill
7. Edward & Thompson & Rosen

سطح رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای هستند. به عبارت دیگر، هر نظریه که پدید می‌آید، یا در رابطه با رفتار انسان در سازمان که سطح خرد به‌شمار می‌آید مطرح می‌شود یا در رابطه با ساختار سازمان که سطح میانی این علم به‌شمار می‌آید مطرح می‌شود یا در رابطه با زمینه‌ای است که سازمان را احاطه می‌کند و با آن تعامل دارد (میرزایی اهرنجانی و امیری، ۱۳۸۱). در این مطالعه، به‌عنوان چهارچوب نظری از مدل سه‌شاخگی استفاده شده است. مدل موردنظر ابزاری تحلیلی است که براساس آن می‌توان مطالعات و نظریه‌های سازمان و مدیریت را در سه حوزه بررسی کرد. در این مدل، ارتباط بین عوامل رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای به‌گونه‌ای است که هیچ پدیده یا رویداد سازمانی نمی‌تواند خارج از تعامل این سه شاخه صورت گیرد. رابطه بین این سه شاخه رابطه‌ای تنگاتنگ است و در عمل از هم جدایی‌ناپذیرند. در واقع، نوع روابط موجود بین این سه شاخه از نوع لازم و ملزوم است و به‌مثابه سه شاخه روئیده از تنه واحد حیات پدیده هستند (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۷۷).

در مطالعه حاضر، براساس سطوح (تجزیه و تحلیل) سه‌گانه مدل سه‌شاخگی به تربیت‌بدنی و ورزش مدارس استان خوزستان پرداخته شده است و سعی بر این بوده است که زوایای پنهان و مغفول آن آشکار شوند و آسیب‌ها و مشکلات این حوزه از ورزش استان شناسایی و معرفی شوند.

این مطالعه به روش ترکیبی انجام شد و از نوع طرح‌های پژوهش آمیخته اکتشافی است. برای فهم بهتر مسأله پژوهش و تبیین دقیق‌تر آن می‌توان داده‌های کمی و کیفی را با هم ترکیب کرد. در این نوع طرح پژوهش اکتشافی، ابتدا داده‌های کیفی و سپس، داده‌های کمی گردآوری و تحلیل می‌شوند؛ بنابراین، ابتدا با روش نظریه‌سازی زمینه‌ای؛ پدیده مربوطه موشکافی می‌شود و سپس، برای تعیین روابط داده‌های کیفی از داده‌های کمی استفاده می‌شود؛ به طوری که داده‌های کیفی داده‌های کمی را می‌سازند. در روش آمیخته اکتشافی، به داده‌های کیفی اهمیت بیشتری داده می‌شود و در توالی گردآوری داده‌ها، ابتدا داده‌های کیفی و سپس، داده‌های کمی گردآوری می‌شوند.

با توجه به کیفی بودن مطالعه، در مرحله اول از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد. این روش یکی از رویکردهای متداول در نمونه‌گیری متوالی یا متواتر برای پژوهش‌های کیفی است؛ بنابراین، ابتدا فهرستی از اسامی کارشناسان تربیت‌بدنی و ورزش مدارس استان خوزستان شامل معاون و کارشناسان تربیت‌بدنی اداره کل و ادارات آموزش و پرورش نواحی ۴۱ گانه استان خوزستان، آموزگاران درس تربیت‌بدنی در مدارس ابتدایی استان خوزستان و اساتید دانشگاه (دارای کتب یا پژوهش در حوزه ورزش دانش‌آموزی)، تهیه شد و به روش گلوله‌برفی با تعدادی از آنان مصاحبه

عمیق انجام شد. پس از اتمام مصاحبه، از هریک از افراد مصاحبه‌شده خواسته شد سایر خبرگان در زمینه مورد نظر را به پژوهشگر معرفی کنند. این کار تازمانی ادامه یافت که با تمام افراد معرفی‌شده از سوی خبرگان، مصاحبه انجام شده باشد. در مجموع، با ۲۵ نفر از خبرگان ورزش دانش‌آموزی استان خوزستان مصاحبه انجام شد. از مصاحبه پانزدهم به بعد، میزان تکرار در اطلاعات دریافتی افزایش یافت و از مصاحبه بیست و یکم به بعد داده‌ها کاملاً تکراری بودند و به اشباع رسیده بودند؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه بیست و پنجم مصاحبه ادامه یافت. گردآوری اطلاعات از اسفند ۱۳۹۴ آغاز شد و تا مهر ۱۳۹۵ طول کشید. مصاحبه با طرح سؤال‌هایی در مورد عوامل مؤثر در گرایش دانش‌آموزان به ورزش در مدرسه آغاز می‌شد و باقی پرسش‌ها براساس پاسخ-های مصاحبه‌شونده طرح می‌شد (چنانچه مصاحبه‌شونده موافقت می‌کرد، مصاحبه او ضبط می‌شد و برای موشکافی دقیق مجدداً بررسی می‌شود). پس از انجام هر مصاحبه، تجزیه و تحلیل داده‌های آن با هدف پایه‌گذاری مدل انجام می‌شد. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده عبارت‌اند از:

گام اول: کدگذاری باز

ابتدا محتوای همه مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و سپس، کدگذاری باز آن‌ها به روش کدگذاری نکات کلیدی انجام شد؛ بدین ترتیب که داده‌های جمع‌آوری‌شده در مصاحبه‌ها به صورت مکتوب روی کاغذ درج شدند و سپس، با تجزیه و تحلیل خطبه‌خط و پاراگراف به پاراگراف نوشته‌های موجود، کدهای باز ایجاد شدند. در مجموع، از تجزیه و تحلیل ۲۵ مصاحبه، ۲۴۵ کد باز به دست آمدند.

گام دوم: کدگذاری محوری

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. هدف از این مرحله، برقراری رابطه بین طبقه‌های تولیدشده (در مرحله کدگذاری باز) است. در کدگذاری محوری، کدهای تولیدشده در گام قبلی، به روشی جدید و با هدف ایجاد ارتباط میان کدها بازنویسی شدند. کدگذاری محوری به ایجاد گروه‌ها و مقوله‌ها منجر می‌شود. تمامی کدهای مشابه در گروه خاص خود قرار گرفتند. بدین منظور، تمامی کدهای ایجادشده دوباره بازبینی شدند و با متون مقایسه شدند تا مطالبی فراموش نشود. در این فرایند ممکن بود که چندین کد باز با عنوان یک کد محوری کدگذاری شوند. ۲۴۵ کد باز استخراجی به ۵۳ کد محوری تبدیل شدند.

گام سوم: مرحله نظریه‌پردازی (کدگذاری انتخابی)

پس از اینکه تمامی داده‌ها به صورت ذکر شده کدگذاری باز و محوری شدند، نوبت به گروه‌بندی آن‌ها می‌رسد. در واقع، هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه است و نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی

براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است؛ بدین ترتیب که طبقه محوری را به صورت نظام‌مند به طبقه‌های دیگر ربط می‌دهد و آن روابط را در چهارچوب یک روایت ارائه می‌کند و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. در گروه‌بندی کدها، کدهای محوری مستخرج از مصاحبه‌ها گروه‌بندی شدند و سپس، گروه‌های ایجادشده با یکدیگر مقایسه شدند تا گروه‌های اصلی و ابعاد هر یک شناسایی و استخراج شوند؛ البته در این مرحله، مراجعه به ادبیات نظری پژوهش نیز به هرچه دقیق‌تر شدن گروه‌بندی‌ها کمک کرد.

پسپس، پرسش‌نامه‌ای منطبق بر کدهای انتخابی استخراج‌شده، به تعداد ۵۳ پرسش طراحی شد که برای مرحله دوم پژوهش (مرحله کمی) استفاده شد. برای بررسی روایی محتوایی پرسش‌نامه با استفاده از تکنیک دلفی، در سه راند از ۱۲ نفر متخصص رشته مدیریت ورزشی خواسته شد براساس مدل مرحله اول، سؤال‌ها را بررسی کنند. با توجه به نظر متخصصان، تعدادی از عوامل شناخته‌شده به دلیل شباهت با عوامل قبلی حذف شدند یا در طبقات مربوطه قرار گرفتند و در نهایت، پرسش‌نامه‌ای با ۵۳ سؤال که با روش لیکرت و ارزش عددی یک تا پنج برای پاسخ هر سؤال امتیازبندی شده بود، تهیه شد. پایایی پرسش‌نامه با آلفای کرونباخ سنجیده شد که ۰/۸۰ به دست آمد و قابل قبول بود. با توجه به حجم جامعه و براساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب، پرسش‌نامه ذکرشده درمیان ۲۸۰ نفر از معلمان تربیت‌بدنی، کارشناسان تربیت‌بدنی ادارات آموزش و پرورش و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های استان خوزستان توزیع و جمع‌آوری شد. داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس.^۱ و اسمارت پی.ال.اس.^۲ تحلیل شدند و مدل پژوهش استخراج و اعتبارسنجی شد.

نتایج

گروه‌بندی کدهای محوری در هر مورد و مقایسه آن‌ها نشان داد که می‌توان تمامی کدهای به‌دست‌آمده را در سه گروه اصلی جای داد: ۱- سطح زمینه‌ای: آسیب‌هایی که مربوط به بستر و زمینه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس هستند و تربیت‌بدنی و ورزش مدارس استان خوزستان را در برمی‌گیرند؛ ۲- سطح سازمانی یا ساختاری: آسیب‌هایی که به تشریح سطح اجرایی و به‌کارگیری سیستم‌های پشتیبانی نرم و سخت برای پیاده‌سازی تربیت‌بدنی و ورزش مدارس می‌پردازند؛ ۳-

1. SPSS
2. Smart PLS

سطح رفتاری: آسیب‌هایی که مربوط به سطح رویدادهای عینی هستند و در رابطه با رفتار ورزشی افراد با رویکرد سلامت تعیین می‌شوند.

بر اساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد، مؤلفه‌های سطح زمینه‌ای عبارت‌اند از:

جامعه: جامعه عبارت است از افرادی که گردهم جمع شده‌اند و مناسبات و روابطی در میان آن‌ها به وجود آمده است. این روابط به وسیله مقررات، مؤسسه‌ها یا نهادهای اجتماعی مستحکم می‌شوند و همچنین، برای اجرای این مناسبات و حفظ روابط، مکافات یا ضمانت اجرایی وجود دارد (دورکیم، ۱۸۹۴). در این مطالعه، آسیب‌های مرتبط با جامعه این موارد بودند: توجه ناکافی به تربیت‌بدنی و ورزش مدارس در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور، ضعف فرهنگ ورزش همگانی و ناکافی بودن برنامه‌های ورزشی خانوادگی، حمایت ناکافی رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی از تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی، مجهز نشدن پارک‌ها و اماکن ورزشی اطراف مدارس توسط برخی از شهرداری‌ها، وجود برخی از دیدگاه‌های منفی و مخرب در میان برخی از مردم نسبت به فعالیت‌های ورزشی کودکان (از جمله اینکه ورزش مانع پیشرفت درسی کودک می‌شود یا ورزش موجب آسیب‌های جسمانی می‌شود یا ورزش موجب آموزش خشونت و پرخاشگری می‌شود)، ضعف کمی و کیفی در برگزاری مسابقات ورزشی درون منطقه‌ای، استانی و کشوری، بودجه و امکانات ناکافی برای پیاده‌سازی طرح‌های ملی ورزشی سابق و جاری در مدارس از قبیل آموزش شنا، شناورز، ژیمناست، المپیاد ورزشی، مدرسه قهرمان و غیره، ضعف آگاهی و نگرش برخی از رؤسا و مسئولان ادارات آموزش و پرورش مناطق نسبت به اهمیت و جایگاه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس، کارایی ضعیف برخی از کارشناسان تربیت‌بدنی ادارات آموزش و پرورش مناطق، نبود قابلیت اجرا و فقدان تناسب محتوای برخی از مطالب و سرفصل‌های درس تربیت‌بدنی.

محیط زیست: محیط زیست عبارتی ترکیبی از دانش‌های متفاوت در علم است که شامل مجموعه‌ای از عوامل زیستی و محیطی در قالب محیط زیست و محیط غیرزیستی (فیزیکی و شیمیایی) است که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌گیرد. امروزه، این تعریف غالباً به انسان و فعالیت‌های او مرتبط می‌شود و می‌توان محیط زیست را مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و غیره که انسان را احاطه می‌کنند، خلاصه کرد (روانشادنی، ۱۳۹۲). در این مطالعه، آسیب‌های مرتبط با محیط زیست شامل آلودگی هوای استان و مشکل ریزگردها و گرمای طاقت‌فرسای هوا در بیشتر ماه‌های سال می‌شوند (جدول شماره یک).

جدول ۱- کدهای محوری مستخرج از کل مصاحبه‌های مربوط به جامعه

گروه کلی	گروه فرعی	کدهای محوری
سطح زمینه‌ای	جامعه	- کم‌توجهی به حوزه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور
		- حمایت ناکافی رسانه‌ها به‌ویژه رسانه ملی از تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی
		- ضعیف‌بودن فرهنگ ورزش همگانی و ناکافی‌بودن برنامه‌های ورزشی خانوادگی
		- کم‌توجهی به وضعیت پارک‌ها و اماکن ورزشی اطراف مدارس توسط بسیاری از شهرداری‌ها
		- وجود این دیدگاه منفی در بین برخی از افراد جامعه که «ورزش مانع پیشرفت درسی دانش‌آموزان می‌شود»
	جامعه	- وجود این دیدگاه منفی در بین برخی از افراد جامعه که «ورزش موجب آموزش خشونت و پرخاشگری می‌شود»
		- وجود این دیدگاه منفی در بین برخی از افراد جامعه که «ورزش موجب بروز آسیب‌های جسمانی می‌شود»
		- ضعف کمی و کیفی در برگزاری مسابقات ورزشی درون‌منطقه‌ای، استانی و کشوری
		- ضعف آگاهی و ضعف نگرش برخی از رؤسا و مسئولان ادارات آموزش و پرورش مناطق نسبت به اهمیت و جایگاه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس
		- ضعف توانمندی و کارایی برخی از کارشناسان تربیت‌بدنی ادارات آموزش و پرورش مناطق
محیط‌زیست	- نبود قابلیت اجرا و فقدان تناسب محتوای برخی از مطالب و سرفصل‌های درس تربیت‌بدنی	
	- ناکافی‌بودن بودجه و امکانات برای اجرای بهینه طرح‌های ورزشی سابق و جاری در مدارس از قبیل آموزش رشته‌های مختلف ورزشی، المپیک ورزشی، مدرسه قهرمان، حیاط پویا و غیره	
	- آلودگی هوای استان و مشکل ریزگردها	
	- گرمای طاقت‌فرسای هوا در بیشتر ماه‌های سال	

براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد، مؤلفه‌های سطح ساختاری عبارت‌اند از:

مدرسه: در این مطالعه، آسیب‌های مرتبط با مدرسه شامل این موارد بودند: کمبود بودجه ورزشی و سرانه ورزشی مدرسه، کمبود فضا و امکانات ورزشی مدرسه، نگرش نامناسب برخی از مدیران

مدارس نسبت به تربیت‌بدنی و ورزش مدارس، نبود تناسب فرهنگ حاکم بر هر مدرسه با تحرک بدنی و پویایی دانش‌آموزان (مدرسه رسمی - اداری، مدرسه پایدارگرا و غیره)، تشویق و حمایت ناکافی از دانش‌آموزان ورزشکار توسط اولیای مدرسه، کافی نبودن تعداد جلسات درس تربیت‌بدنی در هفته، دوزبانه بودن دانش‌آموزان و معلمان تربیت‌بدنی در برخی مدارس، ازدیاد بخش‌نامه‌های ارسالی به مدارس، نگرش ضعیف آموزگار اصلی کلاس (نه معلم تربیت‌بدنی) به تربیت‌بدنی و ورزش، برگزاری ضعیف مسابقه‌ها و فوق‌برنامه‌های ورزشی درون‌مدرسه، برگزاردن یا برگزاری نامستمر ورزش صبحگاهی، ضعف در نظارت و ارزشیابی مستمر از کار معلمان تربیت‌بدنی و چیدمان نامناسب زنگ تربیت‌بدنی در برنامه کلاسی.

معلم تربیت‌بدنی: در این مطالعه، آسیب‌های مرتبط با معلم تربیت‌بدنی شامل این موارد بودند: پایین بودن سطح وجدان کاری برخی از معلمان تربیت‌بدنی، پایین بودن سطح رضایت شغلی و رفاه معلمان از جمله معلم تربیت‌بدنی، کوتاهی برخی از معلمان تربیت‌بدنی در برخورد عادلانه و یکسان با همه دانش‌آموزان، کوتاهی برخی از معلمان تربیت‌بدنی در جلوگیری از بروز خشونت و زورگویی کودکان قوی‌تر نسبت به کودکان ضعیف‌تر، ارزشیابی غیراصولی برخی از معلمان تربیت‌بدنی در درس تربیت‌بدنی، روش تدریس نامناسب برخی از معلمان تربیت‌بدنی، پوشش غیرورزشی برخی از معلمان تربیت‌بدنی و شرکت نکردن در بازی و تمرین دانش‌آموزان، ناتوانی و کوتاهی برخی از معلمان تربیت‌بدنی در ایجاد ارتباط مثبت و حسنه با دانش‌آموزان، ضعف خلاقیت برخی از معلمان تربیت‌بدنی در تدریس تربیت‌بدنی، کم‌توجهی برخی از معلمان تربیت‌بدنی به سطوح رشدی کودکان و اصل تفاوت‌های فردی و پایین بودن سطح علاقه برخی از معلمان تربیت‌بدنی به آموزش تربیت‌بدنی (جدول شماره دو).

جدول ۲- کدهای محوری مستخرج از کل مصاحبه‌های مربوط به معلم تربیت‌بدنی

گروه کلی	گروه فرعی	کدهای محوری
سطح ساختاری (سازمانی)	مدرسه	- کمبود بودجه ورزشی و سرانه ورزشی مدرسه
		- تناسب پایین فضا و تجهیزات برخی از مدارس با برنامه درسی
		- نگرش نادرست برخی از مدیران مدارس نسبت به تربیت‌بدنی و ورزش مدارس
		- فرهنگ مغایر با پویایی و تحرک و نشاط (مدرسه رسمی- اداری، مدرسه قانون‌محور و غیره)
		- حمایت ناکافی از دانش‌آموزان ورزشکار توسط اولیای مدرسه
		- کافی نبودن تعداد جلسات درس تربیت‌بدنی در هفته
		- دوزبانه بودن دانش‌آموزان و معلمان تربیت‌بدنی
		- کثرت بخشنامه‌های ارسالی به مدارس
		- نگرش ناکافی برخی از آموزگاران پایه به ساعت درس تربیت‌بدنی و فوق‌برنامه ورزشی
		- برگزاری ضعیف مسابقه‌ها و فوق‌برنامه‌های ورزشی درون مدرسه در برخی از مدارس
معلم تربیت‌بدنی	معلم (غیره)	- برگزاری ضعیف و نامستمر ورزش صبحگاهی در برخی از مدارس
		- کافی نبودن نظارت و ارزشیابی مستمر نسبت به کار معلمان تربیت‌بدنی
		- چیدمان نادرست زنگ تربیت‌بدنی در برنامه کلاسی
		- پایین بودن میزان وجدان کاری برخی از معلمان تربیت‌بدنی
		- پایین بودن میزان رضایت شغلی و رفاه معلمان از جمله معلم تربیت‌بدنی
		- کوتاهی برخی از معلمان تربیت‌بدنی در برخورد عادلانه و یکسان نسبت به همه دانش‌آموزان
		- کوتاهی برخی از معلمان تربیت‌بدنی در جلوگیری از بروز خشونت و زورگویی کودکان قوی‌تر نسبت به کودکان ضعیف‌تر
		- ارزشیابی غیراصولی برخی از معلمان تربیت‌بدنی در درس تربیت‌بدنی
		- روش تدریس نامناسب برخی از معلمان تربیت‌بدنی (معلم‌محوری و غیره)
		- کوتاهی برخی از معلمان تربیت‌بدنی نسبت به پوشش ورزشی خود و شرکت در بازی و تمرین دانش‌آموزان
معلم تربیت‌بدنی	معلم (غیره)	- ناتوانی برخی از معلمان تربیت‌بدنی در ایجاد ارتباط مثبت و حسنه با دانش‌آموزان
		- ضعف خلاقیت برخی از معلمان تربیت‌بدنی در تدریس تربیت‌بدنی
		- کم‌توجهی برخی از معلمان تربیت‌بدنی به سطوح رشدی کودکان و اصل تفاوت‌های فردی
		- پایین بودن سطح علاقه برخی از معلمان تربیت‌بدنی به آموزش تربیت‌بدنی

براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد، مؤلفه‌های سطح رفتاری عبارت‌اند از:

عوامل فردی: این عوامل یا منشأ ژنتیکی دارند یا مربوط به تجارب و ویژگی‌های مختص به هر فرد هستند. عوامل فردی ارجح بودن یا علاقه به ورزش و فعالیت‌های بدنی را در برمی‌گیرند (پارک، ۲۰۰۴) و در پژوهش حاضر، عبارت‌اند از: جنسیت (مؤنث‌بودن)، ضعف ویژگی‌های جسمانی (آمادگی جسمانی، قد، وزن و غیره)، نامساعدبودن ویژگی‌های شخصیتی برخی از کودکان (گوشه‌گیری، درون‌گرایی و غیره)، پایین‌بودن سطح سلامت روانی، پایین‌بودن سطح علاقه ذاتی به فعالیت بدنی، پایین‌بودن سطح استعداد ورزشی، قراردادن در گروه دوستان و همسالان کم‌تحرک و غیرفعال و نیز تجارب حرکتی ناموفق در انجام مهارت‌های حرکتی موردانتظار در کلاس تربیت‌دنی.

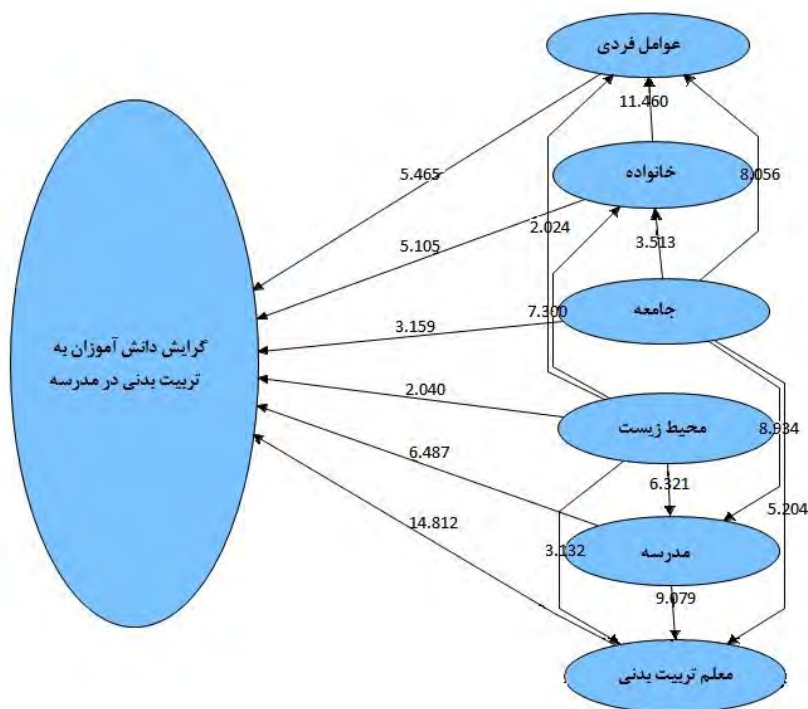
خانواده: در این پژوهش، آسیب‌های مرتبط با خانواده شامل این موارد بودند: پایین‌بودن سطح سطح سواد و تحصیلات پدر و مادر، ضعف نگرش خانواده نسبت به تربیت‌دنی و ورزش، مشکلات اقتصادی خانواده، پایین‌بودن سطح فعالیت بدنی اعضای خانواده، اختصاص هزینه ناکافی خانواده برای فعالیت‌های ورزشی، حمایت و تشویق ناکافی پدر و مادر و اعضای خانواده از فعالیت‌دنی و ورزش و نیز امکان و دسترسی محدود کودک به فعالیت‌های ورزشی در بیرون از مدرسه (جدول شماره سه).

جدول ۳- کدهای محوری مستخرج از کل مصاحبه‌های مربوط به عوامل فردی

گروه کلی	گروه فرعی	کدهای محوری
سطح رفتاری	عوامل فردی	- جنسیت (دختر بودن) کودکان - نامساعد بودن ویژگی‌های جسمانی برخی از کودکان (آمادگی جسمانی، قد، وزن، سلامتی و غیره) - نامساعد بودن ویژگی‌های شخصیتی برخی از کودکان (گوشه‌گیری، درون‌گرایی و غیره) - پایین بودن سطح سلامت روانی برخی از کودکان - پایین بودن سطح علاقه ذاتی برخی از کودکان به فعالیت بدنی و ورزش - پایین بودن سطح استعداد ورزشی برخی از کودکان - قرارداشتن در گروه دوستان و همسالان کم‌تحرک و غیرفعال - تجارب حرکتی ناموفق برخی از کودکان در انجام مهارت‌های حرکتی موردانتظار در کلاس تربیت‌بدنی
		- پایین بودن سطح سواد و تحصیلات پدر و مادر - ضعف نگرش خانواده نسبت به تربیت‌بدنی و ورزش - وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده - پایین بودن سطح فعالیت بدنی خانواده - اختصاص هزینه ناکافی خانواده برای فعالیت‌های ورزشی - حمایت و تشویق ناکافی پدر و مادر و اعضای خانواده از فعالیت بدنی و ورزش - امکان و دسترسی محدود کودک به فعالیت ورزشی در بیرون از مدرسه

مدل عوامل مؤثر در گرایش دانش‌آموزان دبستانی به تربیت‌بدنی و ورزش در مدارس استان خوزستان

براساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و کمی و ادبیات نظری، به استخراج و طراحی مدل اقدام شد. در این پژوهش سعی شده است براساس فهم پژوهشگران از متن پدیده مورد مطالعه؛ یعنی آسیب‌شناسی تربیت‌بدنی و ورزش مدارس ابتدایی استان خوزستان با استفاده از مدل سه‌شاخگی، چهارچوب مدل پارادایم به صورت روایتی به شکل ترسیمی نشان داده شود. از جمع‌بندی ادبیات پژوهش برداشت شد که می‌توان اکثر آسیب‌های تأثیرگذار بر تربیت‌بدنی و ورزش مدارس را در سه سطح زمینه‌ای، سازمانی و رفتاری جای داد که این سه سطح در مجموع شامل شش گروه از آسیب‌ها می‌شوند: ۱- آسیب‌های مرتبط با عوامل فردی (سطح رفتاری)؛ ۲- آسیب‌های مرتبط با خانواده (سطح رفتاری)؛ ۳- آسیب‌های مرتبط با مدرسه (سطح سازمانی)؛ ۴- آسیب‌های مرتبط با معلم تربیت‌بدنی (سطح سازمانی)؛ ۵. آسیب‌های مرتبط با جامعه (سطح زمینه‌ای)؛ ۶- آسیب‌های مرتبط با محیط‌زیست (سطح زمینه‌ای).



شکل ۲- مدل عوامل (آسیب‌های) مؤثر در تربیت بدنی و ورزش مدارس به همراه نمرات تی (خروجی نرم افزار پی.ال.اس.)

جدول ۴- مقادیر تی و سطح معنی‌داری مدل پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون تی	مسیر
تأیید	۰/۰۵	۱۴/۸۱	مشکلات معلم تربیت بدنی به تربیت بدنی و ورزش مدارس
تأیید	۰/۰۵	۵/۴۶	مشکلات عوامل فردی به تربیت بدنی و ورزش مدارس
تأیید	۰/۰۵	۵/۱۰	مشکلات خانواده به تربیت بدنی و ورزش مدارس
تأیید	۰/۰۵	۳/۱۵	مشکلات جامعه به تربیت بدنی و ورزش مدارس
تأیید	۰/۰۵	۶/۴۸	مشکلات مدرسه به تربیت بدنی و ورزش مدارس
تأیید	۰/۰۵	۲/۰۴	مشکلات محیط زیست به تربیت بدنی و ورزش مدارس
تأیید	۰/۰۵	۳/۵۱	جامعه به خانواده
تأیید	۰/۰۵	۸/۰۵	جامعه به عوامل فردی

ادامه جدول ۴- مقادیر تی و سطح معنی‌داری مدل پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون تی	مسیر
تأیید	۰/۰۵	۵/۲۰	جامعه به معلم تربیت‌بدنی
تأیید	۰/۰۵	۸/۹۳	جامعه به مدرسه
تأیید	۰/۰۵	۱۱/۴۶	خانواده به عوامل فردی
تأیید	۰/۰۵	۲/۰۲	محیط‌زیست به عوامل فردی
تأیید	۰/۰۵	۶/۳۲	محیط‌زیست به مدرسه
تأیید	۰/۰۵	۳/۱۳	محیط‌زیست به معلم تربیت‌بدنی
تأیید	۰/۰۵	۷/۳۰	محیط‌زیست به خانواده
تأیید	۰/۰۵	۹/۰۷	مدرسه به معلم تربیت‌بدنی

در مدل‌های مسیری پی.ال.اس، آزمون معناداری مسیرها از طریق روش خودگردان‌سازی یا بوت‌استرپ^۱ که روش باز نمونه‌گیری است، آزمون می‌شوند. براساس بوت‌استرپ می‌توان آزمون فرضیه‌های مربوطه را انجام داد. در خروجی‌های مربوطه، ضریب مسیر به‌همراه نمره‌های استخراج‌شده آماره تی وجود دارد. از آنجایی که سطح خطای تعریف‌شده در پژوهش‌ها ۰/۰۵ است، نمرات تی بالاتر از ۱/۹۶ نشان‌دهنده پذیرش فرضیه است. مطابق جدول شماره پنج و براساس نمرات تی می‌توان گفت که به‌ترتیب معلم تربیت‌بدنی، مدرسه، عوامل فردی، خانواده، جامعه و محیط‌زیست بیشترین آسیب‌ها را متوجه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس کرده‌اند. همچنین، متغیر جامعه علاوه بر تأثیر مستقیم بر تربیت‌بدنی و ورزش مدارس، بر متغیرهای عوامل فردی، مدرسه، خانواده و معلم تربیت‌بدنی اثر معنادار داشته است. متغیر محیط نیز علاوه بر تأثیر مستقیم بر تربیت‌بدنی و ورزش مدارس بر متغیرهای خانواده، مدرسه، معلم تربیت‌بدنی و عوامل فردی اثر معنادار داشته است. متغیرهای خانواده و مدرسه نیز به‌ترتیب بر متغیرهای عوامل فردی و معلم تربیت‌بدنی اثر معنادار داشته‌اند.

1. Bootstrap



شکل ۳- مدل آسیب‌های تربیت‌بدنی و ورزش مدارس ابتدایی خوزستان

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، آسیب‌شناسی تربیت‌بدنی و ورزش مدارس ابتدایی استان خوزستان با استفاده از مدل سه‌شاخگی بود. بدین‌منظور، پژوهشگران به خبرگان حوزه ورزش دانش‌آموزی استان خوزستان مراجعه کردند و از طریق مصاحبه‌های عمیق و باز به جمع‌آوری اطلاعات پرداختند. سپس، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد کدگذاری شدند. نتیجه گروه‌بندی کدها، آسیب‌های موجود در حوزه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس ابتدایی استان خوزستان را در سه قلمرو اصلی و شش زیرشاخه اصلی مشخص و طبقه‌بندی کرد که در ادامه آن‌ها را شرح می‌دهیم.

مطابق با یافته‌های پژوهش، آسیب‌های سطح سازمانی (ساختاری) بیشتر از دو سطح دیگر، تربیت‌بدنی و ورزش مدارس را تحت‌شعاع قرار دادند. در این سطح که دارای دو مؤلفه اساسی مدرسه و معلم تربیت‌بدنی است، عوامل مربوط به معلم تربیت‌بدنی بیشترین آسیب را متوجه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس کردند و پس از آن، مدرسه و عوامل مربوط به آن دارای بیشترین آسیب‌ها در زمینه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس بودند. محمدی (۱۳۹۰) در پژوهش خود عوامل ساختاری را مهم‌ترین عامل بازدارنده در مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای ورزشی بیان کرد. هاشمی (۱۳۹۳) نیز موانع ساختاری را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانعی که بر رشد و توسعه ورزش‌های پایه در مدارس اثر دارند، ذکر کرد. هیلز و همکاران (۲۰۱۵) در کشور استرالیا و تی‌سانگاریدو (۲۰۱۷) در کشور قبرس، در پژوهش‌های خود، مشکلات مربوط به مدرسه و معلم تربیت‌بدنی را از جمله موانع اصلی توسعه فعالیت بدنی در مدارس ذکر کردند. نتایج این مطالعات با

نتایج پژوهش حاضر همسو است. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه ویژه معلمان تربیت‌بدنی و عوامل مدرسه‌ای در توسعه فعالیت بدنی در مدارس است. احساس مسئولیت معلمان در زمینه‌های شغلی و فنی از قبیل وجدان کاری، تعامل مثبت با دانش‌آموزان، شیوه‌های صحیح ارزشیابی و غیره، تا حد زیادی مرتبط با رضایت شغلی آنان است و طبیعی است که رضایت شغلی با وضعیت معیشتی و جایگاه و منزلت اجتماعی آنان ارتباط تنگاتنگ دارد؛ بنابراین، جذب معلمان کارداران و کارآمد، آموزش و حمایت کافی از آنان، توجه به معیشت و رضایت شغلی آنان و هدایت و نظارت مستمر بر کار آنان، از جمله مهم‌ترین راهکارهایی هستند که اهمیت دارند و با تأثیر مستقیم بر کیفیت کار معلمان تربیت‌بدنی، به‌طور غیرمستقیم در گرایش دانش‌آموزان به فعالیت‌های ورزشی و در نهایت، در رشد تربیت‌بدنی و ورزش مدارس مؤثرند. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) نیز در راهکارهای بندهای ۸، ۱۰، ۱۲ و ۱۵ بر ارتقای جایگاه معلمان (به‌طور کلی) تأکید شده است که از جمله مهم‌ترین آنان، جذب و تربیت معلمان مستعد، رفع مشکلات معیشتی آنان، توانمندسازی حرفه‌ای آنان، بهینه‌سازی نظام پرداخت‌ها و غیره هستند (راهکارهای شماره ۱-۱۰ تا ۳-۱۲ و راهکار ۴-۱۵).

همچنین، به دلیل کمبود سرانه و بودجه ورزشی مدارس، محدودیت فضا و امکانات ورزشی مناسب، حمایت ناکافی اولیای مدرسه از فعالیت‌های ورزشی، کم‌اهمیت‌پنداشتن درس تربیت‌بدنی نسبت به سایر دروس توسط برخی مدیران، عوامل مدرسه و غیره، در بسیاری از مدارس جلسات درس تربیت‌بدنی کیفیت لازم را ندارند و فعالیت‌های ورزشی فوق‌برنامه از جمله ورزش صبحگاهی، مسابقات ورزشی درون‌مدرسه‌ای و برون‌مدرسه‌ای، اردوهای تفریحی- ورزشی و غیره نیز به‌اندازه کافی و به‌صورت مطلوب برگزار نمی‌شوند. این عوامل تأثیر زیادی هم بر کیفیت کار معلمان تربیت‌بدنی و هم بر میزان گرایش کودکان به فعالیت‌های ورزشی در مدارس دارند. در راهکارهای بندهای ۶، ۷، ۱۴، ۱۷، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، بسیاری از این موارد پیش‌بینی شده‌اند که برخی از آنان عبارت‌اند از: طراحی و ساخت فضاهای تربیتی مناسب، افزایش اعتبارات آموزش و پرورش، اولویت‌بخشی به مدارس ابتدایی در تخصیص منابع، تربیت و نگهداشت مدیران کارآمد و غیره. به‌علاوه، در حال حاضر در کشور ما، در مقطع ابتدایی برای همه پایه‌ها دو جلسه تربیت‌بدنی در هفته در برنامه کلاسی دانش‌آموزان وجود دارد که به عقیده بسیاری از کارشناسان این میزان کافی نیست و باید به حداقل سه جلسه در هفته ارتقا یابد. با توجه به اینکه در استان خوزستان مردم مناطق مختلف به سه زبان مختلف (زبان‌های فارسی، عربی و لری بختیاری) تکلم می‌کنند، گاهی دوزبانه‌بودن معلم و دانش‌آموزان به‌ویژه در مقطع ابتدایی، برقراری ارتباط را با مشکل مواجه کرده است که پیشنهاد می‌شود در سازمان‌دهی معلمان تربیت‌بدنی، بومی‌بودن نیز ملاک قرار گیرد.

طبق یافته‌ها، دومین سطحی که پس از سطح سازمانی بیشترین آسیب را متوجه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس کرده است، سطح رفتاری است که شامل دو مؤلفه عوامل فردی و خانواده است. در این پژوهش، منظور از عوامل فردی عواملی هستند که یا منشأ ژنتیکی دارند یا به تجارب و ویژگی‌های مختص به هر فرد مربوط هستند. عواملی مثل جنسیت (دختربودن)، درون‌گرایی و گوشه‌گیری، ضعف یا نبود سلامت روانی، ضعف یا فقدان علاقه‌مندی به فعالیت‌های بدنی، پایین‌بودن سطح استعداد ورزشی، تجارب حرکتی ناموفق کودک، عضویت در گروه دوستان و همسالان غیرفعال و کم‌تحرك و غیره مواردی هستند که باعث می‌شوند کودکان تمایل کمتری به فعالیت‌های بدنی نشان دهند. برخی از این عوامل، ژنتیکی هستند و امکان تغییر آن‌ها وجود ندارد؛ اما برخی دیگر اکتسابی هستند و قابل‌تغییرند. خانواده نیز به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی که از فرد حمایت می‌کند، بر همه کنش‌های اجتماعی فرد، به‌ویژه در سنین پایین تأثیرگذار است. پایین‌بودن سطح سواد و تحصیلات والدین، پایین‌بودن سطح درآمد خانواده، نگرش نادرست اعضای خانواده به فعالیت بدنی و ورزش، سبک زندگی ساکن و کم‌تحركی اعضای خانواده، هزینه‌نکردن خانواده برای فعالیت‌های ورزشی و غیره، از جمله عواملی هستند که بر انگیزه و تمایل کودکان به فعالیت‌های ورزشی درون مدرسه و خارج از مدرسه اثر منفی دارند. هاشمی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود موانع انگیزشی و موانع جسمانی- روانی را جزو مهم‌ترین موانع توسعه ورزش‌های پایه در مدارس دانست که این یافته با نتایج این بخش از پژوهش حاضر همسو است. در راهکارهای بندهای ۴، ۵ و ۱۶ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برخی از راهکارهای مقابله با آسیب‌های مربوط به فرد و خانواده پیش‌بینی شده‌اند که برخی از آنان عبارت‌اند از: تعمیم دوره پیش‌دبستانی به همه مناطق، توجه به نیازهای روحی و جنسیتی دانش‌آموزان، تدوین برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای جنسیتی دانش‌آموزان، آموزش و ارتقای مدیریت خانواده، افزایش مشارکت خانواده‌ها در امور مدرسه و غیره؛ بنابراین، آموزش به خانواده‌ها در این خصوص و فرهنگ‌سازی در زمینه اهمیت و جایگاه فعالیت بدنی و ورزش، برای تأمین سلامتی اعضای خانواده ضروری است.

سومین و آخرین سطحی که تربیت‌بدنی و ورزش مدارس را دچار آسیب کرده است، سطح محیطی (کلان) بود که شامل دو مؤلفه جامعه و محیط‌زیست است. جامعه به عنوان بستری که دربرگیرنده همه پدیده‌های اجتماعی از جمله ورزش است، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر بسیار زیادی بر حوزه ورزش از جمله تربیت‌بدنی و ورزش مدارس دارد. کم‌توجهی به حوزه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور و نیز اعتبارات ناکافی و برنامه‌های ناکارآمد و غیراصولی که برای این حوزه اختصاص داده می‌شوند، تأثیر بسیار زیادی بر افت کمی و کیفی سطح ورزش و فعالیت‌های بدنی در مدارس دارند. ضعف فرهنگی و نگرش نادرست عموم جامعه نسبت به اهمیت فعالیت بدنی و ورزش، برخوردهای غیرمفید رسانه‌ها با این پدیده و ضعف دیدگاه برخی از مسئولان

آموزش و پرورش، از جمله عوامل کلی و مهم دیگری هستند که هم به‌طور مستقیم بر افت کیفی و کمی سطح تربیت‌بدنی و ورزش مدارس تأثیرگذارند و هم به‌طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر عوامل دیگر نظیر خانواده، مدرسه، معلم تربیت‌بدنی و عوامل فردی، بر عدم تمایل و عدم جذب کودکان به فعالیت‌های ورزشی مدارس مؤثرند. هاشمی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود به موانع مدیریتی و موانع فرهنگی در توسعه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس اشاره کرد که این یافته با نتایج این بخش از پژوهش حاضر همسو است. تنها در ماده ۹۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶)، اشاره ضمنی و مختصری به توسعه ورزش مدارس شده است مبنی بر اینکه: «دولت مکلف است ۰/۲۷ درصد از کل ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده را برای توسعه ورزش مدارس، ورزش همگانی، فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی، ورزش روستایی و عشایری، ورزش بانوان و زیرساخت‌های ورزش به‌ویژه در حوزه معلولان و جانبازان اختصاص دهد»، که تازه اگر به مرحله اجرا برسد، به‌نظر مکفی و چشمگیر نخواهد بود. در راهکارهای مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، به‌صورت ویژه و تخصصی به توسعه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس پرداخته نشده است؛ اما می‌توان راهکارهای بندهای ۸ تا ۲۳ را برای حل برخی از مشکلات زمینه‌ای ورزش مدارس مرتبط دانست که برخی از آنان عبارت‌اند از: بهینه‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت، تعامل با مراکز فرهنگی - اجتماعی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها به‌ویژه رسانه ملی، نهادینه کردن برنامه محوری، اصلاح ساختار اجرایی و غیره. از راهکارهای دیگر کلی و بلندمدت که در این زمینه بسیار مهم و اساسی به‌نظر می‌آیند، توسعه فرهنگ ورزش همگانی در جامعه است که نیازمند یک برنامه ریزی کلان و ملی است. در کوتاه‌مدت و در سطح مدارس نیز برگزاری کارگاه‌های توجیهی برای اولیای مدرسه و خانواده‌ها می‌تواند در گسترش فرهنگ گرایش به ورزش و تربیت‌بدنی مؤثر باشد.

محیط زیست و وضعیت آب‌وهوایی هر منطقه می‌تواند از آسیب‌های مهم دیگری باشد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های ورزشی کودکان در مدارس تأثیر می‌گذارد. در این باره، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در راهکارهای بندهای ۱۴ و ۲۱، به‌طور اجمالی به این موارد اشاره شده است: ساخت فضاهای تربیتی متناسب با اقتضات برنامه درسی، تحولات جمعیتی، شرایط اقلیمی و غیره، بازطراحی تقویم سال تحصیلی منعطف با توجه به شرایط اقلیمی، استقرار نظام مکان‌یابی مدارس براساس آمایش سرزمین و تحولات جمعیتی و نیز اهتمام به ساخت و تجهیز نمازخانه، کتابخانه، فضای ورزشی و غیره در تمام مدارس. استان خوزستان از این حیث، به‌لحاظ گرمای طاقت‌فرسا، آلودگی هوا و مشکل ریزگردها در اکثر مناطق آن، دارای شرایطی خاص است. عوامل محیطی هم به‌طور غیرمستقیم از طریق عواملی مثل مدرسه، معلم تربیت‌بدنی، عوامل فردی و خانواده و هم به‌طور مستقیم، بر میزان گرایش کودکان دبستانی به ورزش در مدارس استان

خوزستان اثر دارند. رفع مشکل ریزگردها نیازمند عزم و تلاشی ملی است که مسئولان عالی‌رتبه استانی و نمایندگان محترم استان خوزستان در مجلس شورای اسلامی باید بتوانند دولت را متقاعد و مصمم کنند تا با رای‌زنی با کشورهای همسایه و مداخلات زیست‌محیطی، چاره‌ای پایدار برای رفع این مشکل بیندیشند. مرتفع کردن تأثیر گرمای شدید هوا بر فعالیت‌های ورزشی دانش‌آموزان در مدارس، تنها با استفاده از سالن‌های ورزشی سرپوشیده امکان‌پذیر است. استفاده از سالن‌های ورزشی هم‌جوار با مدارس، تهیه سرویس برای مراجعه به سالن‌های ورزشی، استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی، احداث سالن‌های سرپوشیده برای مدارس و غیره می‌توانند برخی از راهکارهای پیشنهادی در این زمینه باشد. در پایان، براساس آسیب‌های شناسایی شده و مدل برآمده از پژوهش می‌توان گفت که آسیب‌های سطح زمینه‌ای تربیت‌بدنی و ورزش مدارس استان خوزستان که دو سطح دیگر در آن ریشه دارند، شامل عوامل محیطی و بیرونی (جامعه و محیط‌زیست) هستند که به‌طور کلی سبب‌ساز و مؤثر بر سطوح سازمانی و رفتاری هستند. سطح سازمانی که دارای بیشترین آسیب بوده است، دربرگیرنده عوامل فیزیکی، اولیای مدرسه، معلمان و روابط و ضوابط میان آنان است و سطح رفتاری شامل عوامل مربوط به رفتار فردی دانش‌آموزان در گرایش به تربیت‌بدنی و ورزش در مدارس است. رابطه بین این سطوح تنگاتنگ است و در عمل جدایی‌ناپذیرند. در چنین رابطه‌ای، مؤلفه‌های سه سطح با هم تعامل مستمر دارند و تفکیک و تشخیص این سطوح صرفاً جنبه نظری داشته است و برای تجزیه و تحلیل و شناخت مفاهیم و مؤلفه‌ها بوده است. تجربه‌های موجود در ایران و کشورهای دیگر نشان داده است که وزارت آموزش و پرورش به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات موجود در این حوزه را مرتفع کند و تربیت‌بدنی و ورزش مدارس را متحول کند؛ بلکه این امر نیازمند تعامل سطوح سه‌گانه ذکر شده است. مدل برآمده از این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک ابزار تحلیلی مبنای عمل قرار گیرد تا با برنامه‌ریزی و مرتفع کردن آسیب‌های ذکر شده، راه برای توسعه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس که زیربنای تحول ورزش جامعه هستند، هموارتر شود.

منابع

1. Ahmadi, A. (2015). The relationship between leadership styles of physical education teacher and Sport motivations of student athletes in the city of Fariman. (Unpublished master's thesis). University of Imam Reza, Mashhad. (Persian).
2. Amaya-Castellanos, C., Shamah-Levy, T., Escalante-Izeta, E., Morales-Ruan, M., Jiménez-Aguilar, A., Salazar-Coronel, A., & Amaya-Castellanos, A. (2015). Development of an educational intervention to promote healthy eating and physical activity in Mexican school-age children. *Evaluation and Program Planning*, 52, 159–168.
3. Chambers, S. T. (1991). Factors affecting elementary school students' participation in sports. *The Elementary School Journal*, 91, 413-419.

4. Deniz, S., & Yenel, F. (2013). The structural analysis of physical education and sports system in the Turkish Republic of Northern Cyprus. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 89, 772-780.
5. Durkheim, A. (1894). *The rules of the sociology method*. (A. Mohammad Kardan, translator). Tehran: Tehran University Press. (Persian).
6. Edward, J., Thompson, M. D., & Rosen, F. P. (1990). *Survey research (practice guide)*. (M. Arabi, & D. Izadi, translators). Tehran: Office of Cultural Research. (Persian).
7. Ghafouri, F., Rahman Seresht, H., Kozechian, H., & Ehsani, M. (2005). The role and place of social demand in orienting sports strategies. *Journal of Harekat*, 25, 5-19. (Persian).
8. Ghasemi, N. (2015). Studying the causes and factors affecting the tendency elementary students, middle students, high school students, to sports in different fields and at all levels, professional and heroism in Ilam province. Research Projects Department of Education in Ilam Province. Available at: <https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/704872> (accessed 18 September 2017). (Persian).
9. Greenfield, J. R. F., Almond, M., Clarke, G. P., & Edwards, K. L. (2016). Factors affecting school physical education provision in England: A cross-sectional analysis. *Journal of Public Health*, 38, 316-322.
10. Hashemi, S. (2015). Identify barriers to the development of basic sports schools of Tehran. (Unpublished master's thesis). Islamic Azad University of Tehran, Tehran. (Persian).
11. Hills, A., Dengel, D., & Lubans, D. (2015). Supporting public health priorities: Recommendations for physical education and physical activity promotion in schools. *Progress in Cardiovascular Diseases*, 57(4), 368-374.
12. Javadipour, M. (2006). Design and validation of the pattern of physical education curriculum in elementary schools in Iran. (Unpublished doctoral dissertation). Tarbiat Moalem, Tehran. (Persian).
13. Kobel, S., Kettner, S., Kesztyüs, D., Erkelenz, N., Drenowatz, C., & Steinacker, J. M. (2015). Correlates of habitual physical activity and organized sports in German primary school children. *Public Health*, 129(3), 237-243.
14. Krejcie, R. V. & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30: 608-610.
15. Ministry of Education of the Islamic Republic of Iran (2005). General National Education Plan Document Editor. Available at: <http://www.medu.ir> (accessed 21 October 2017). (Persian).
16. Mirzaei Ahranjani, H. (1998). Designing a model for explaining the factors affecting conscience and social discipline. *Proceedings of the Workshop on Social Conscience and Discipline* (pp.18-41). Qazvin: Qazvin Islamic Azad University Publications. (Persian).
17. Mirzai Ahrenjani, H., & Amiri, M. (2002). Presenting a three dimensional model of the analysis of philosophical foundations and the basic infrastructure of management theories. *Management Knowledge*, 56, 3-21. (Persian).

18. Mohammadi, V (2012). Barriers and impellent the male and female high school students in Ardabil in sports. (Unpublished master's thesis). Payam Noor University, Tehran. (Persian).
19. Mull R. F., Bayless, K. G., & Jamieson, L. M. (2005). Recreational sport management. Australia, Sydney: Human Kinetics.
20. Park, S. (2004). Constraints to recreational sport participation for adolescents exposed to internet-related delinquency: Developing marketing strategies for increasing sport participation. *International Journal of Applied Sport Sciences*, 16(1), 41-54.
21. Powell, E., Woodfield, L., & Nevill, A. (2016). Increasing physical activity levels in primary school physical education: The SHARP principles model. *Preventive Medicine Reports*, 3, 7-13.
22. Ravanshadnia, M. (2013). Safety management reference in development projects. Tehran: Simaye Danesh Publications. (Persian).
23. Safari, M. (2013). Designing the model of sport for all in Iran. (Unpublished doctoral dissertation). Tarbiat Modarres University, Tehran. (Persian).
24. Soltani Moghadam, N. (2014). Study of the teaching of physical education course in elementary schools in South Khorasan province. (Unpublished master's thesis). Birjand University, Birjand. (Persian).
25. Supreme Revolutionary Cultural Council of the Islamic Republic of Iran. (2011). Document of fundamental transformation of education. (Persian).
26. Tsangaridou, N. (2017). Early childhood teachers' views about teaching physical education: challenges and recommendations. *Physical Education and Sport Pedagogy*. 22(3), 283-300.
27. The Law of the Sixth Program of the Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran (2017). Official newspaper of Islamic Republic of Iran, No. 20995, p. 28. (Persian).

استناد به مقاله

قنبری، هادی، شتاب بوشهری، ناهید، شفیع نیا، پروانه، مهرعلیزاده، یدالله. (۱۳۹۷). آسیب شناسی تربیت بدنی و ورزش مدارس با استفاده از مدل سه شاخگی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۶۰-۱۴۹. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4786.1359

Ghanbari, H., Shetabbushehri, N., Shafiniya, P. Mehralizadeh, Y. (2019). Pathology of Physical Education and School Sports by Applying Three Dimensional Model. *Research on Educational Sport*, 6(15): 149-60. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.4786.1359

طراحی الگوی عوامل مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش با استفاده از الگوی نقشه شناختی-فازی

محمد رواسی زاده^۱، زهرا نوبخت رضانی^۲، شهاب بهرامی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان*

۲. استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

۳. استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۵

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، طراحی الگوی عوامل مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش با استفاده از الگوی نقشه شناختی-فازی بوده است. روش پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش جمع آوری داده‌ها، پیمایشی بود. ابزار اندازه‌گیری پژوهش پرسش‌نامه بود که روایی صوری و محتوایی آن به تأیید پنج نفر از خبرگان حوزه مدیریت رسید. با مرور پژوهش‌های پیشین و بهره‌گیری از نظرهای خبرگان، ابتدا ۱۷ متغیر تأثیرگذار بلوغ دانشی شناسایی شدند. سپس، این متغیرها برای وزن‌دهی، در قالب پرسش‌نامه‌ای در اختیار اعضای گروه کانونی قرار گرفتند و ازمیان ۱۷ متغیر ذکر شده، ۱۰ متغیر با توجه به وزن و اهمیت استخراج شدند و در قالب پرسش‌نامه‌ای فازی، برای وزن‌دهی در اختیار هشت نفر از مدیران (گروه کانونی) قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل خلاقیت، تحصیلات، انگیزه درونی، تجربه، رهبری، فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی، راهبردهای سازمانی، مدیریت اطلاعات و ارتباطات سازمانی و مدیریت منابع انسانی، از دیدگاه خبرگان به عنوان عوامل اصلی مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان شناخته شدند.

واژگان کلیدی: بلوغ دانشی، معاونت تربیت بدنی و سلامت، الگوی شناختی-فازی.

مقدمه

در عصر حاضر که «عصر دانایی» نامیده می‌شود، سازمان‌ها شاهد محیط‌هایی هستند که روزبه‌روز پویاتر و چالش‌برانگیزتر می‌شوند و سرمایه‌های نامشهود و معنوی را که همان «دانش» نامیده می‌شوند، به‌عنوان عامل مهم و حیاتی مدنظر قرار می‌دهند (وانگ و اسپینوال^۱، ۲۰۰۵، ۲۶). دانش به‌عنوان منبعی برای بقای سازمان‌ها ضروری است و شرط موفقیت سازمان‌ها دستیابی به دانش و فهم عمیق در تمامی سطوح است؛ بنابراین، مدیریت سازمان‌ها باید با تکیه بر دانایی برتر، امکان اتخاذ تصمیم‌های معقول‌تر و موضوع‌های مهم و بهبود عملکرد مبتنی بر دانش را پیدا کند (پروبت^۲، ۱۹۹۸). با بررسی و تحلیل دانش و اهمیت ویژگی‌های آن در حیطه عملکرد سازمان‌ها می‌توان دریافت که برخورداری از دانش و اطلاعات به‌روز برای ادامه حیات سازمان‌ها به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است (هریجران^۳، ۲۰۰۸، ۵۳). مدیریت دانش مجموعه راهبردها^۴ و فرایندهایی است که می‌تواند چرخه جریان دانش را با هدف برآورده کردن انتظارات سازمان، مشتریان و صاحبان منافع در کل سازمان، مدیریت کند و دانش مطلوب و موردنیاز سازمان را در اختیار صاحبان منافع آن سازمان قرار دهد (نعمتیو جمشیدی، ۱۳۸۹، ۳۲).

امروزه، چالش اصلی سازمان‌ها درک مدیریت دانش و چگونگی پیاده‌سازی آن است و بزرگ‌ترین آرزوی آن‌ها نیز تعریف سیستم مدیریت دانش مناسب و اداره آن با یک روش موفق است. افزون‌براین، جهانی‌گرایی و رقابت سبب شده است که دانش ارزشمندترین منبع راهبردی شناخته شود و توانایی سازمان با هدف کاربرد دانش برای استفاده از فرصت‌های بازار و حل مسأله، مهم‌ترین توانایی آن محسوب شود (وانگ و چانگ^۵، ۲۰۰۷، ۸۰۱). کانات و آلتیگان^۶ (۲۰۱۴) فرایند مدیریت دانش را به سه مرحله تقسیم کردند: ۱- مرحله ایجاد که در آن دانش به‌دست می‌آید و معتبر شده است؛ ۲- مرحله ذخیره‌سازی که در آن دانش حفظ و سازمان‌دهی می‌شود؛ ۳- مرحله انتقال که در آن دانش به تبادل و اشتراک گذاشته می‌شود.

پژوهش‌های مختلفی در زمینه مدیریت دانش و عوامل مؤثر در آن انجام شده‌اند. خاوری، حمیدی، سجادی و فراهانی (۱۳۹۵) در طراحی مدل عوامل تسهیل‌کننده در پیاده‌سازی راهبرد مدیریت دانش کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیدند که پنج عامل شامل راهبرد

-
1. Wong & Aspinwal
 2. Probst
 3. Hariharan
 4. Strategy
 5. Wang & Chang
 6. Kanat & Atilgan

مدیریت دانش، ساختار سازمان، فرهنگ سازمانی، فناوری اطلاعات و منابع انسانی، باعث تسهیل در فرایند مدیریت دانش می‌شوند. نقوی، میرغفوری و مروتی (۱۳۹۵) در شناسایی و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت در پیاده‌سازی مدیریت دانش در سازمان‌های ورزشی به این نتیجه رسیدند که نه عامل مدیریت، ساختار سازمانی، معماری دانش، فرهنگ، منابع انسانی، فناوری اطلاعات، فرایندهای دانشی، پاداش‌های انگیزشی و محتوای دانش، عوامل کلیدی موفقیت در پیاده‌سازی مدیریت دانش در سازمان‌های ورزشی به‌شمار می‌آیند. فاضلی، صفانیا، حسینی، و امیرنژاد (۱۳۹۳) در ارتباط بین عوامل ساختاری و فرهنگی سازمان با استقرار موفقیت‌آمیز مدیریت دانش در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور ایران به این نتیجه رسیدند که اگر مدیران سازمان بدون توجه به فرهنگ غالب سازمان به‌خصوص ابعاد یادگیری و تسهیم دانش و اطلاعات، دست به اجرای مدیریت دانش بزنند، دچار مشکلات جدی خواهند شد. حاتمی، صابونچی، و سبحانی (۱۳۹۴) در ارائه مدل عوامل کلیدی موفقیت مدیریت دانش با هدف افزایش خلاقیت و یادگیری سازمانی در وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیدند که با تقویت و گسترش عوامل مرتبط با مدیریت دانش می‌توان زمینه تقویت خلاقیت و یادگیری سازمانی را در وزارت ورزش و جوانان فراهم کرد. ایرجی، هادوی و تندنویس (۱۳۹۴) در تعیین مدل معادلات ساختاری مدیریت دانش با نوآوری سازمانی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان خراسان رضوی به این نتیجه رسیدند که با توجه به اینکه مدیریت دانش نقش بسزایی در بهبود نوآوری سازمانی دارد، مسئولان سازمان‌های ورزشی باید به دنبال ایجاد محیطی صمیمانه و قابل اعتماد همراه با ارتباطات مفید و سودمند در سازمان‌ها باشند و در پی آن بتوانند با تعاملات سازنده شرایط توسعه دانش را در سطوح مختلف سازمان به‌وجود آورند. پی و لی^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود اشاره کردند که ادبیات مدیریت دانش بر انگیزش درونی در ارتقای دانش کارکنان به‌طور مداوم و پایدار اثری مثبت دارد. پارت، مکدونلد و گولت^۲ (۲۰۱۳) با ارائه الگوی مدیریت دانش در بازی‌های المپیک ونکوور سال ۲۰۱۰ برای پیاده‌سازی مدیریت دانش در فرایندهای مدیریتی به این نتیجه رسیدند که نیاز به منابع دانشی، دلایل فرهنگ سازمانی و مکانیسم درونی متناسب با سازمان است.

آموزش و پرورش رکن اصلی و اساسی نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. دانش و اطلاعات، مهم‌ترین اصل برای بهره‌وری، رقابت‌های اقتصادی و توسعه است و منابع انسانی مهم‌ترین ابزار و سرمایه جامعه برای تحقق اهداف و مقاصد سیاسی و اقتصادی هستند و دولت‌ها برای پیشرفت در این زمینه، اولویت بیشتری به آموزش و منابع انسانی می‌دهند (یوسفی و غلامی، ۱۳۸۵، ۳۱).

1. Pee & Lee

2. Parent, MacDonald, D., & Goulet

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز تأکید فراوانی بر توانمندسازی منابع انسانی کرده است؛ به طوری که «برقراری نظام اثربخش و کارآمد مدیریت منابع انسانی» به عنوان یکی از اهداف کلان مندرج در سند یادشده ذکر شده است. همچنین، در راهکار ۶-۸ مندرج در سند، به تقویت شایستگی‌های حرفه‌ای و اعتقادی مدیران و معلمان اشاره شده است؛ براین اساس، بلوغ دانشی منابع انسانی مرتبط با آموزش و پرورش، یکی از عوامل مهم و اساسی برای توسعه دانش، کارایی و بهره‌وری سازمان است؛ بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر در بلوغ دانشی منابع انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از این رو، هدف این پژوهش، بررسی عوامل تأثیرگذار در بلوغ دانشی منابع انسانی معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، پیمایشی بود. نمونه آماری هشت نفر از متخصصان حوزه مدیریت در معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش بودند که در قالب گروه کانونی نسبت به استخراج عوامل و تعیین روابط علی- معلولی اقدام کردند. حسینی (۱۳۹۴) بیان می‌کند که اندازه هر گروه و تعداد گروه‌ها موضوع‌های دیگری هستند که باید در تشکیل گروه‌های کانونی درباره آن‌ها تصمیم گرفته شود. تعداد کم شرکت‌کنندگان در هر گروه - کمتر از چهار نفر - بحث را محدود می‌کند؛ در حالی که در گروه‌های با تعداد زیاد - بیشتر از ۱۰ نفر - نیز مدت زمانی که هر شرکت‌کننده می‌تواند به گفت‌وگو بپردازد، کاهش می‌یابد. ابزار پژوهش شامل فرم‌های تعیین روابط علی- معلولی و ماتریس‌های مرتبط با الگوی FCM^۱ است. پس از استخراج عوامل مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان از ادبیات موضوع، براساس فراوانی متغیرهای تکرار شده در ادبیات و مصاحبه با خبرگان، ۱۷ عامل شناسایی شدند. تعداد زیاد این متغیرها و لزوم کاهش و حفظ متغیرهای بااهمیت‌تر ایجاب کرد که به طراحی پرسش‌نامه و نظرسنجی از خبرگان اقدام شود؛ بنابراین، پس از مطرح کردن عوامل در گروه کانونی و تجمیع آن‌ها، در نهایت، تعداد عوامل به ۱۰ عامل کاهش یافتند؛ بنابراین، پرسش‌نامه‌ای حاوی ۱۰ گویه با مقیاس صفر تا ۱۰۰ طراحی شد و در اختیار گروه خبرگان قرار گرفت. روش‌شناسی^۲ مدل‌سازی این پژوهش بر مبنای روش‌شناسی‌ای است که ریپزو- رودریگز^۳ ارائه کرد و دارای چهار بخش ماتریس اولیه^۴ عوامل،

-
1. Fuzzy Cognitive Map
 2. Methodology
 3. Rodriguez-Repiso
 4. Initial Matrix Factors (IMF)

ماتریس فازی شده عوامل، ماتریس قدرت ارتباط بین عوامل^۲ و ماتریس نهایی عوامل^۳ است. در گام اول، بر مبنای نظرهای گردآوری شده از خبرگان، یک ماتریس $[n \times m]$ تشکیل می‌شود که «n» عبارت است از تعداد فاکتورهای شناسایی شده که متغیرهای اصلی تصمیم‌گیری هستند و «m» عبارت است از تعداد افراد خبره‌ای که از طریق آن‌ها اطلاعات جمع‌آوری شده است. هر سلول در این ماتریس O_{ij} نشان‌دهنده ضریب یا وزنی است که هر کدام از افراد خبره «j» به هر کدام از عوامل «i» با توجه به تجربه‌ای که دارند، تخصیص می‌دهند. نتیجه اطلاعات به دست آمده در این ماتریس، در گام بعد تبدیل به مجموعه‌های فازی با درجه عضویتی بین صفر و یک خواهد شد. هر کدام از سلول‌هایی

$$X_i(O_{ij}) = \frac{O_{iq} - \text{MIN}(O_{ip})}{\text{MAX}(O_{iq}) - \text{MIN}(O_{ip})}$$

که در یک ردیف قرار می‌گیرند. یعنی $O_{i1}, O_{i2}, O_{i3}, \dots, O_{im}$ جزئی از بردار V_i هستند. برای هر عامل در جدول از مجموعه نظرهای جمع‌آوری شده خبرگان، یک بردار V_i ایجاد می‌شود. در گام بعد، داده‌های به دست آمده در مرحله اول، با استفاده از توابع فازی به مقادیر فازی تبدیل می‌شوند. در این گام، بردارهای عددی به مجموعه‌های فازی تبدیل می‌شوند که ارزش هر کدام از اجزای این بردارها در طیف [صفر و یک] قرار می‌گیرد.

برای فازی کردن ماتریس ذکر شده باید مراحل زیر طی شود:

بزرگ‌ترین عدد در بردار V_i را یافته و مقدار $X_i = 1$ را به آن اختصاص می‌دهیم که نتیجه این محاسبه عبارت است از:

$$\text{MAX}(O_{iq}) \rightarrow X_i(O_{iq}) = 1$$

کوچک‌ترین عدد در بردار V_i را یافته و مقدار $X_i = 0$ را به آن اختصاص می‌دهیم که نتیجه این محاسبه عبارت است از:

$$\text{MIN}(O_{ip}) \rightarrow X_i(O_{ip}) = 0$$

بدین ترتیب، هر کدام از مقادیر عوامل ماتریس درونی مطابق رابطه زیر به مقدار فازی موجود در بازه [صفر و یک] تبدیل می‌شوند.

در گام بعدی، ارتباط میان دو عامل V_1 و V_2 به وسیله شاخص میزان مشابهت میان دو بردار مشخص می‌شود. تعیین قدرت ارتباط میان عوامل بستگی کامل به دو بردار مربوط به آن‌ها دارد. این عدد به وسیله پارامتر S_{12} نمایش داده می‌شود. میزان نزدیکی رابطه بین دو بردار بر مبنای فاصله میان دو بردار تعیین می‌شود.

-
1. Fuzzy Matrix Factors (FZMF)
 2. Strength Relationship Matrix Factors (SRMF)
 3. Final Matrix Factors (FMF)

محاسبه‌های متفاوتی برای بردارهایی که دارای ارتباط مستقیم یا معکوس هستند، نیاز است. در صورتی که دو بردار V_1 و V_2 به صورت مستقیم با هم در ارتباط باشند، نزدیکی ارتباط میان آنها برای هر j که $(j = 1, \dots, m)$ است، برابر با $X_1(V_j) - X_2(V_j)$ می باشد. در صورتی که رابطه بین دو بردار معکوس باشد، نزدیکی ارتباط برابر است با:

$$X_1(V_j) - (1 - X_2(V_j))$$

در این حوزه، متغیر دیگری نیز تعریف می شود که d_j است. این پارامتر برابر با اختلاف بین «J» امین عناصر متناظر دو بردار است.

این پارامتر براساس معادله برای رابطه مستقیم $d_j = |X_1(V_j) - (1 - X_2(V_j))|$ و برای رابطه معکوس $d_j = |X_1(V_j) - X_2(V_j)|$ محاسبه می شود. با توجه به این فرمول، پارامتر دیگری نیز با عنوان AD تعریف می شود که مقدار آن برابر است با:

$$AD = \frac{\sum_{j=1}^m |d_j|}{m}$$

رابطه نزدیک و مشابهت دو بردار با پارامتر S نمایش داده می شود که مقدار آن برابر با $S=1-AD$ است. در گام آخر، پس از تشکیل ماتریس قدرت ارتباط بین عوامل لازم است افراد خبره نتایج به دست آمده را بازنگری کنند؛ زیرا، ممکن است برخی از داده های درون آن گمراه کننده باشند؛ به این معنای نتایجی که از منطق ریاضی مورداستفاده به دست آمده است، ممکن است نشان دهنده وجود رابطه و نزدیکی قابل قبولی میان عوامل باشد؛ در حالی که ممکن است به صورت منطقی عوامل با هم بی ارتباط باشند. خبرگان در این حوزه می توانند این ارتباطات نامناسب را شناسایی و حذف کنند.

نتایج

جدول شماره یک متغیرهای جمعیت شناختی اعضای نمونه را نشان می دهد. براساس این جدول، ۶۲ درصد از افراد نمونه پژوهش دارای مدرک تحصیلی دکترای تخصصی و ۳۸ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد بودند. همچنین، ۵۰ درصد از افراد نمونه پژوهش مرد و ۵۰ درصد زن بودند.

جدول ۱- توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	۴	۵۰٪
	۴	۵۰٪
مدرک تحصیلی	۳	۳۸٪
	۵	۶۲٪

جدول شماره دو عوامل شناسایی شده مورد تأیید گروه کانونی را نشان می‌دهد. عوامل شناسایی شده در جدول شماره دو براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از مطالعه کتابخانه‌ای و پیشینه پژوهش بوده‌اند.

جدول ۲- عوامل شناسایی شده مورد تأیید گروه کانونی

ردیف	عامل	منابع
۱	خلاقیت	ایرجی و همکاران (۱۳۹۴)، حاتمی و همکاران (۱۳۹۴)
۲	تحصیلات	کیم و ادلر ^۱ (۲۰۱۵)
۳	انگیزه درونی	نقوی و همکاران (۱۳۹۵)، پی و لی (۲۰۱۵)
۴	تجربه	نقوی و همکاران (۱۳۹۵)، هلسپل و جوشی ^۲ (۲۰۰۰)
۵	رهبری	اسکریم و آمیدن ^۳ (۲۰۰۳)، هلسپل و جوشی (۲۰۰۰)
۶	فرهنگ سازمانی	خاوری و همکاران (۱۳۹۵)، نقوی و همکاران (۱۳۹۵)، پارت و همکاران (۲۰۱۳)، فاضلی و همکاران (۱۳۹۳)، اسکریم و آمیدن (۲۰۰۳)
۷	ساختار سازمانی	خاوری و همکاران (۱۳۹۵)، نقوی و همکاران (۱۳۹۵)، پارت و همکاران (۲۰۱۳)، فاضلی و همکاران (۱۳۹۳)
۸	راهبردهای سازمانی	نقوی و همکاران (۱۳۹۵)، پارت و همکاران (۲۰۱۳)، فاضلی و همکاران (۱۳۹۳)
۹	مدیریت اطلاعات و ارتباطات سازمانی	خاوری و همکاران (۱۳۹۵)، نقوی و همکاران (۱۳۹۵)، اسکریم و آمیدن (۲۰۰۳)
۱۰	مدیریت منابع انسانی	خاوری و همکاران (۱۳۹۵)، نقوی و همکاران (۱۳۹۵)

1. Kim & Adler
2. Holsapple & Joshi
3. Skryme & Amidon

در ابتدا، براساس امتیازاتی که هشت خبره مشارکت‌کننده به ۱۰ عامل سؤال‌شده داده بودند، ماتریس اولیه مطابق با جدول شماره سه تشکیل شد.

جدول ۳- ماتریس اولیه براساس نظرهای خبرگان

خبرگان عامل‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
خلاقیت	۶۰	۳۰	۵۵	۹۰	۹۰	۸۰	۸۰	۶۰
تحصیلات	۹۰	۹۰	۹۵	۹۰	۶۰	۶۰	۷۰	۶۰
انگیزه درونی	۷۰	۸۰	۷۵	۱۰۰	۸۰	۸۰	۱۰۰	۹۰
تجربه	۳۰	۴۰	۴۰	۱۰۰	۶۰	۹۰	۷۰	۹۰
رهبری	۶۰	۷۰	۵۵	۹۰	۵۰	۹۰	۸۰	۱۰۰
فرهنگ سازمانی	۷۰	۸۰	۶۵	۶۵	۷۰	۷۰	۷۰	۱۰۰
ساختار سازمانی	۵۰	۵۰	۵۵	۶۵	۶۰	۵۰	۶۵	۸۰
راهبردهای سازمانی	۴۵	۶۰	۵۰	۸۰	۷۰	۸۰	۸۰	۷۰
مدیریت اطلاعات و ارتباطات سازمانی	۷۰	۶۰	۶۵	۸۰	۸۰	۷۵	۸۰	۷۰
مدیریت منابع انسانی	۸۰	۹۰	۸۰	۸۰	۵۰	۹۵	۱۰۰	۱۰۰

در ادامه، ماتریس فازی‌شده عوامل به‌دست آمد. شایان ذکر است که برای جلوگیری از سوگیری پاسخ‌ها، حد پایین ۲۰ و حد بالای ۹۰ برای پاسخ‌ها در نظر گرفته شد. با این توضیح، همه پاسخ‌هایی که برابر یا بیشتر از ۹۰ بودند، برابر با یک لحاظ شدند. جدول شماره چهار ماتریس فازی‌شده عوامل را نشان می‌دهد؛ به‌عنوان مثال، برای محاسبه $X_{1(O11)}$ به شرح زیر عمل می‌شود:

$$X_{1(O11)} = (60 - 20) / (90 - 20) = 0.57$$

جدول ۴- ماتریس فازی‌شده

خبرگان عامل‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
خلاقیت	۰/۵۷	۰/۱۴	۰/۵۰	۱	۱	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۵۷
تحصیلات	۱	۱	۱	۱	۰/۵۷	۰/۵۷	۰/۷۱	۰/۵۷
انگیزه درونی	۰/۷۱	۰/۸۵	۰/۷۸	۱	۰/۸۵	۰/۸۵	۱	۱
تجربه	۰/۱۴	۰/۲۸	۰/۲۸	۱	۰/۵۷	۱	۰/۷۱	۱
رهبری	۰/۵۷	۰/۷۱	۰/۵۰	۱	۰/۴۲	۱	۰/۸۵	۱
فرهنگ سازمانی	۰/۷۱	۰/۸۵	۰/۶۴	۰/۶۴	۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۷۱	۱
ساختار سازمانی	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۵۰	۰/۶۴	۰/۵۷	۰/۴۲	۰/۶۴	۰/۸۵
راهبردهای سازمانی	۰/۳۵	۰/۵۷	۰/۴۲	۰/۸۵	۰/۷۱	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۷۱
مدیریت اطلاعات و ارتباطات سازمانی	۰/۷۱	۰/۵۷	۰/۶۴	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۷۸	۰/۸۵	۰/۷۱
مدیریت منابع انسانی	۰/۸۵	۱	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۴۲	۱	۱	۱

سپس، ماتریس قدرت روابط به دست آمد. جدول شماره پنج ماتریس قدرت روابط را نشان می‌دهد. در این ماتریس، ارتباط هریک از عوامل ده‌گانه پژوهش با یکدیگر نشان داده شده است.

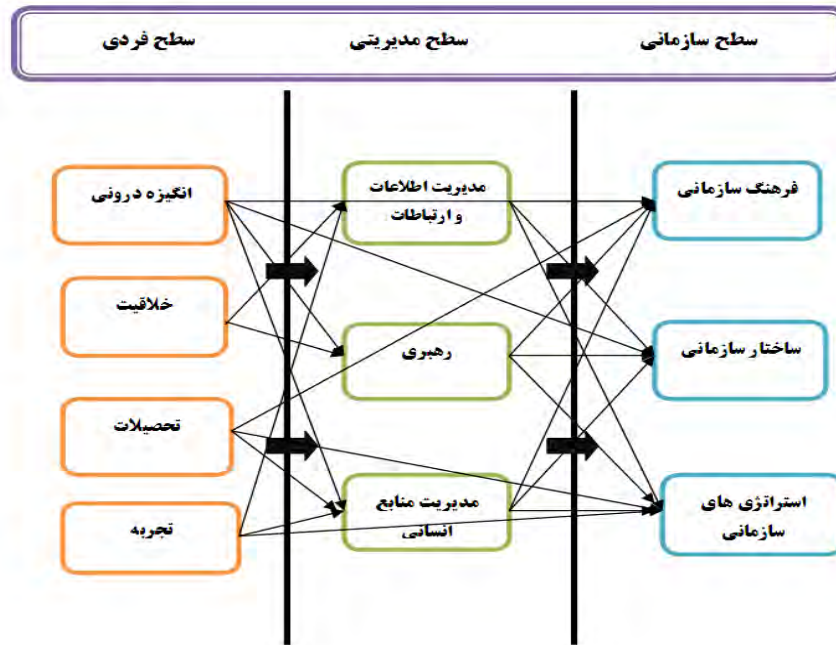
جدول ۵- ماتریس قدرت روابط

مدیریت منابع انسانی	مدیریت اطلاعات و ارتباطات سازمانی	راهبردهای سازمانی	ساختار سازمانی	فرهنگ سازمانی	رهبری	تجربه	انگیزه درونی	تحصیلات	خلاقیت
۰/۶۵	۰/۸۵	۰/۸۴	۰/۷۴	۰/۷۱	۰/۷۸	۰/۷۵	۰/۷۶	۰/۶۷	خلاقیت
۰/۷۹	۰/۷۵	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۷۷	۰/۷۱	۰/۶۱	۰/۷۶	۰/۶۷	تحصیلات
۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۷۹	۰/۶۸	۰/۸۷	۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۷۶	۰/۷۶	انگیزه درونی
۰/۶۸	۰/۷۲	۰/۸۲	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۸۳	۰/۷۱	۰/۶۱	۰/۷۵	تجربه
۰/۸۵	۰/۸۲	۰/۸۴	۰/۷۷	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۷۸	رهبری
۰/۸۱	۰/۸۶	۰/۸۰	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۷۲	۰/۸۷	۰/۷۷	۰/۷۱	فرهنگ سازمانی
۰/۶۵	۰/۷۶	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۷۷	۰/۷۸	۰/۶۸	۰/۶۹	۰/۷۴	ساختار سازمانی
۰/۷۱	۰/۸۹	۰/۸۲	۰/۸۰	۰/۸۴	۰/۸۲	۰/۷۹	۰/۶۹	۰/۸۴	راهبردهای سازمانی
۰/۷۶	۰/۸۹	۰/۷۶	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۷۲	۰/۸۷	۰/۷۵	۰/۸۵	مدیریت اطلاعات و ارتباطات سازمانی
۰/۷۶	۰/۷۱	۰/۶۵	۰/۸۱	۰/۸۵	۰/۶۸	۰/۸۷	۰/۷۹	۰/۶۵	مدیریت منابع انسانی

برای تشکیل ماتریس پایانی، براساس نظرهای خبرگان، ارتباطات بی‌معنای میان عوامل پژوهش حذف شدند و جهت علی روابط نیز تعیین شد. در جدول شماره شش، نتیجه بررسی و در شکل شماره یک، نمودار نقشه شناختی فازی نشان داده شده است. براساس نظر گروه کانونی، عوامل نهایی در سه سطح فردی، مدیریتی و سازمانی دسته‌بندی شدند و در نهایت، الگوی نهایی عوامل مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان معاونت تربیت‌بدنی و سلامت، مطابق شکل شماره یک ترسیم شد.

جدول ۶- ماتریس نهایی

مدیریت منابع انسانی	مدیریت اطلاعات و ارتباطات سازمانی	راهبردهای سازمانی	ساختار سازمانی	فرهنگ سازمانی	رهبری	تجربه	انگیزه درونی	تحصیلات	خلاقیت
۰/۶۵					۰/۷۸	۰/۷۵	۰/۷۶		خلاقیت
۰/۷۹		۰/۶۹		۰/۷۷					تحصیلات
۰/۸۷			۰/۶۸	۰/۸۷	۰/۸۴			۰/۷۶	انگیزه درونی
۰/۶۸	۰/۷۲	۰/۸۲					۰/۷۵		تجربه
۰/۸۵	۰/۸۲	۰/۸۴	۰/۷۷	۰/۸۲		۰/۸۴		۰/۷۸	رهبری
۰/۸۱	۰/۸۶	۰/۸۰	۰/۸۲		۰/۸۲		۰/۸۷	۰/۷۷	فرهنگ سازمانی
۰/۶۵	۰/۷۶	۰/۸۲		۰/۸۲	۰/۷۷		۰/۶۸		ساختار سازمانی
۰/۷۱	۰/۸۹		۰/۸۲	۰/۸۰	۰/۸۴	۰/۸۲		۰/۶۹	راهبردهای سازمانی
۰/۷۶		۰/۸۹	۰/۷۶	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۷۲			مدیریت اطلاعات و ارتباطات سازمانی
	۰/۷۶	۰/۷۱	۰/۶۵	۰/۸۱	۰/۸۵	۰/۶۸	۰/۸۷	۰/۷۹	مدیریت منابع انسانی



شکل ۱- الگوی عوامل مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش، طراحی الگوی عوامل مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش با استفاده از الگوی ماتریس شناختی فازی بود. در پژوهش حاضر، برای شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در پیاده سازی مدیریت دانش در سازمان های ورزشی، از مصاحبه با گروه کانونی استفاده شد که در نتیجه آن، ۱۰ عامل به عنوان عوامل کلیدی شناسایی شدند. نتایج نشان داد که خلاقیت، تحصیلات، انگیزه درونی، تجربه، رهبری، فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی، راهبردهای سازمانی، مدیریت اطلاعات و ارتباطات سازمانی و مدیریت منابع انسانی، عوامل مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان معاونت تربیت بدنی و سلامت را تشکیل می دهند. این یافته ها با نتایج مطالعات هلسپل و جوشی (۲۰۰۰)، اسکریم و آمیدن (۲۰۰۳)، پارت و همکاران (۲۰۱۳)، خاوری و همکاران (۱۳۹۵)، فاضلی و همکاران (۱۳۹۳)، ایرجی و همکاران (۱۳۹۴)، حاتمی و همکاران (۱۳۹۴)، کیم و ادلر (۲۰۱۵)، پی و لی (۲۰۱۵) و نقوی و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

عامل خلاقیت یکی از عواملی است که ایرجی و همکاران (۱۳۹۴) و حاتمی و همکاران (۱۳۹۴) نیز آن را گزارش کرده‌اند. خلاقیت، فرایندی ذهنی است که از فرد معینی و در یک زمان مشخص دیده می‌شود؛ فرایندی که در نتیجه آن، یک اثر جدید - اعم از ایده یا چیزی نو و متفاوت - تولید می‌شود. تولید جدید و متفاوت می‌تواند کلامی یا غیرکلامی و عینی یا ذهنی باشد. فرایند خلاقیت باید همراه با کاوش و آمیختگی فکری باشد که می‌تواند به پدید آمدن ایده جدید و یافته‌های نو منجر شود. افزون‌براین، لازمه درگیر شدن در فرایند و یک ایده جدید مستلزم مطالعه و انجام پژوهش است که خود زمینه‌ای برای توسعه دانش افراد فراهم می‌کند.

عامل تحصیلات یکی از عواملی است که کیم و ادلر (۲۰۱۵) آن را گزارش کرده است؛ به این معنا که با افزایش تحصیلات (کلاس‌های درسی و گذراندن واحدهای دانشگاهی) دانش افراد افزایش می‌یابد. نقوی و همکاران (۱۳۹۵) و پی و لی (۲۰۱۵) عامل انگیزه درونی را گزارش کرده‌اند که با پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. ارتباطدهی پاداش به عملکرد فردی که باعث ایجاد رقابت شود، در فرهنگ تسهیم دانش، تعیین‌کننده و اثربخش خواهد بود. در حمایت از مدیریت دانش باید پاداش‌های پولی و غیرپولی در یک سیستم پاداش جامع یکپارچه شوند؛ بنابراین، می‌توان گفت که دادن پاداش به کارمندان به تحریک و تقویت رفتار مثبت در جهت مدیریت دانش اثربخش منجر می‌شود. علاوه بر این، برای ایجاد یک سازمان دانش‌محور موفق لازم است سیستم‌های تشویقی بر معیارهایی مانند تسهیم دانش، کار تیمی، خلاقیت و راه‌حل‌های نوآورانه تمرکز کنند. چنین سیستم‌هایی باید به نگرش‌های خطرگرا و کارهای گروهی پاداش دهند؛ به‌ویژه اینکه، اعطای پاداش به کارکنان با تأکید بر عملکرد گروهی، سطح بالایی از مبادله دانش بین کارمندان را تحریک خواهد کرد.

عامل تجربه یکی دیگر از عوامل مؤثر در بلوغ دانشی است. با افزایش تجربه در کارکنان فرصت‌های یادگیری و انتقال دانش در آنان بیشتر فراهم می‌شود و این امر می‌تواند به توسعه بلوغ دانشی آنان منجر شود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات هلسپل و جوشی (۲۰۰۰) و نقوی و همکاران (۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد. یکی از صور دانش در عرصه سازمانی، تجربه است. مفهوم تجربه مترادف با بیان مشاهده‌ها، تجزیه و تحلیل، اندازه‌گیری، ثبت، مقایسه، تمثیل، طبقه‌بندی و تعریف فعل و انفعال‌های پدیده‌ها است. در تعریف دیگر، تجربه فرایند به‌دست آوردن دانش یا مهارت در یک مقطع زمانی خاص است که از طریق مشاهده و انجام کاری معین حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، تجربه‌اندوزی نیازمند درگیری مستقیم در برنامه‌ریزی و عمل است و نمی‌توان انتظار داشت که تجربه صرفاً از طریق خواندن و مطالعه حاصل شود؛ بر این اساس، «مجرب» به کسی اطلاق می‌شود که در زمینه‌ای خاص از دانشی عمیق برخوردار باشد و به‌واسطه تمرین و تجربه چیزهایی را

آموخته است و در مقاطعی خاص به دلیل بروز شرایطی معین، در عمل آزموده و آبدیده شده است. این دانش عمیق می‌تواند به بلوغ دانشی در کارکنان منجر شود.

عامل رهبری یکی از عواملی است که در پژوهش‌های هلسپل و جوشی (۲۰۰۰) و اسکریم و آمیدن (۲۰۰۳) گزارش شده است. تعهد و حمایت رهبری از فرایند چرخه دانش و توانمندی منابع انسانی یکی از عوامل اساسی است که می‌تواند فرصت‌های بسیار خوب و مؤثری را برای توسعه دانش کارکنان فراهم آورد. این یافته با نتایج مطالعات هلسپل و جوشی (۲۰۰۰) و اسکریم و آمیدن (۲۰۰۳) هم‌خوانی دارد. رهبری، فرایند نفوذ در پیروان برای دستیابی به نتایج موردانتظار است. چگونگی این نفوذ برپایه رفتارها و ویژگی‌های ذاتی رهبر، ادراکات پیروان و زمینه‌ای که در آن فرایند نفوذ رخ می‌دهد، تشریح می‌شود. رهبران فرهنگ‌سازی می‌کنند و نقش اساسی آنان اثرگذاری بر دیگران است. حمایت‌های مؤثر رهبران در خصوص تسهیم و تبادل دانش قطعاً می‌تواند نقش مهمی در توسعه دانش در سازمان باشد.

اسکریم و آمیدن (۲۰۰۳)، فاضلی و همکاران (۱۳۹۳)، پارت و همکاران (۲۰۱۳)، خاوری و همکاران (۱۳۹۵) و نقوی و همکاران (۱۳۹۵) عامل فرهنگ سازمانی را گزارش کرده‌اند. همچنین، فاضلی و همکاران (۱۳۹۳)، پارت و همکاران (۲۰۱۳)، خاوری و همکاران (۱۳۹۵) و نقوی و همکاران (۱۳۹۵) عامل ساختار سازمانی را گزارش کرده‌اند. با ایجاد فرهنگ حمایت از دانش در سازمان، مدیریت دانش باید بخشی از مأموریت و چشم‌انداز سازمان به‌شمار رود؛ یعنی در تمام لایه‌های سازمانی و فعالیت‌های سازمان نمود داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که کارکنان و مدیران مدیریت دانش را بخشی از کار خود بدانند.

عامل ساختار سازمانی یکی دیگر از عوامل است که با یافته‌های مطالعات فاضلی و همکاران (۱۳۹۳)، پارت و همکاران (۲۰۱۳)، خاوری و همکاران (۱۳۹۵) و نقوی و همکاران (۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد. به‌نظر می‌رسد که ساختارهای عمودی و غیرمنعطف زمان را برای انتقال و چرخه دانش در کارکنان افزایش می‌دهند و انگیزه را در کارکنان کاهش می‌دهند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که برای انتقال سریع چرخه دانش، از ساختارهای افقی و منعطف در معاونت تربیت‌بدنی و سلامت استفاده شود.

عامل راهبردهای سازمانی عاملی دیگر است که در بلوغ دانشی کارکنان مؤثر است. این نتایج با یافته‌های مطالعات پارت و همکاران (۲۰۱۳)، فاضلی و همکاران (۱۳۹۳) و نقوی و همکاران (۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد. اگر در راهبردها، مأموریت، چشم‌انداز و اهداف راهبردی سازمان به بحث توانمندسازی و مدیریت دانش توجه شود، قطعاً شرایطی را برای توسعه بلوغ دانشی در کارکنان فراهم خواهد آورد. درحقیقت، راهبردها به اهداف راهبردی، اهداف کمی، اقدامات و ابتکارات ترجمه

می‌شوند و با تبیین و تدوین اقداماتی مرتبط با مدیریت دانش، شرایط برای افزایش دانش کارکنان فراهم می‌شود.

اسکریم و آمیدن (۲۰۰۳)، خاوری و همکاران (۱۳۹۵) و نقوی و همکاران (۱۳۹۵) عامل فناوری اطلاعات را گزارش کرده‌اند که با پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. فناوری اطلاعات بستر نرم‌افزاری قوی‌ای برای مدیریت دانش و افزایش تأثیر آن در سازمان است که به‌طور نظام مند مدیریت دانش را در سازمان پشتیبانی و آسان می‌کند؛ بنابراین، می‌توان گفت فناوری اطلاعات یکی از توانمندسازهای کلیدی در پیاده‌سازی مدیریت دانش است که قابلیت آن از یک آرشیو ایستای اطلاعات شروع می‌شود و با اتصال افراد به اطلاعات و نیز اتصال افراد به یکدیگر ادامه می‌یابد. فناوری اطلاعات باعث جست‌وجوی سریع، دسترسی و بازیافت اطلاعات می‌شود و از همکاری و ارتباطات بین افراد حمایت می‌کند. دراصل، فناوری اطلاعات می‌تواند نقش‌های متنوعی در حمایت از مدیریت دانش سازمانی ایفا کند.

خاوری و همکاران (۱۳۹۵) و نقوی و همکاران (۱۳۹۵) عامل منابع انسانی را گزارش کرده‌اند. از نظر تاریخی، توانمندسازی به عقاید و ابتکاراتی مانند درگیرکردن ذهن و عاطفه کارکنان در کار، مدیریت مشارکتی، برنامه‌های پیشنهادی کارکنان، دوایر کیفیت، انواع تیم‌سازی و ابتکارات توسعه‌ای مربوط می‌شود. همه این عقاید و فعالیت‌های اولیه اشکال گوناگون توانمندسازی هستند و همه آن‌ها از درجات متفاوتی از موفقیت بهره‌مندند. بسیاری از آن‌ها به‌عنوان نمودهایی از اشکال مختلفی که توانمندسازی به خود می‌گیرد، باقی مانده‌اند و باقی خواهند ماند.

اغلب عوامل مستخرج در مدل پژوهش حاضر با راهکارها و اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز هم‌خوانی دارند. راهکار ۵-۲۲ به اصلاح ساختار اجرایی و کاهش تعداد واحدهای اداری، متناسب با مدیریت کارآمد و اثربخش اشاره دارد که می‌تواند به گسترش بلوغ دانشی در کارکنان منجر شود. راهکار ۱-۶ سند بر ایجاد، توسعه و غنی‌سازی واحد اطلاعات در آموزش و پرورش تأکید دارد که با یافته پژوهش حاضر همسو است. در راهکار ۸-۶ بر تقویت شایستگی‌های حرفه‌ای و اعتقادی مدیران و معلمان تأکید شده است. همچنین، راهکارهای ۳-۲۳ بر حمایت مادی و معنوی از کرسی‌های نظریه‌پردازی در علوم تربیتی و روش‌های تعلیم و تربیت و فراهم‌آوردن زمینه کاربست یافته‌های جدید و نوآوری تأکید دارند که با یافته‌ها و پیشنهادهای پژوهش حاضر همسو هستند.

در مجموع، مدیریت و رهبری سازمان با توجه به عوامل ذکر شده می‌تواند زمینه توسعه دانش و تسهیل چرخه دانش در سازمان را فراهم کند. توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، تدوین راهبرد توانمندسازی منابع انسانی، جذب و استخدام کارکنانی خلاق، باتجربه بانگیزه و با

تحصیلات عالی و همچنین، تعهد و حمایت از انتقال دانش در کارکنان از جمله اقداماتی هستند که مدیر سازمان می‌تواند انجام دهد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای توسعه مدیریت دانش در معاونت تربیت‌بدنی و سلامت باید بر تغییر و ترویج فرهنگ دانشی به‌عنوان یک پیش‌پروژه در استقرار نظام مدیریت دانش تأکید بیشتری شود و بدنه سازمان را به این مورد آگاه کنیم که از محل انتقال دانش، دانش فرد نیز رشد می‌کند و با تبادل نظرها و هم‌فکری در حوزه‌های دانشی، دانش فرد و بعد دانش سازمان عمیق‌تر می‌شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود معاونت با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی برای ثبت و انتقال تجارب ارزش فائق شود، بهای مادی و معنوی آن را پردازد و جایگاه و احترام افراد در سازمان ارتقا یابد. از جمله برنامه‌های عملیاتی که می‌توان برای توسعه بلوغ دانش در کارکنان در نظر گرفت، موارد زیر هستند:

- ۱- برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
- ۲- تقویت و تشویق کارکنانی که در تولید، انتقال و اجرای دانش‌های جدید فعال هستند؛
- ۳- تشکیل کمیته مدیریت دانش در معاونت تربیت‌بدنی و سلامت؛
- ۴- پیگیری در خصوص ایجاد زیرساخت‌های توسعه دانش از جمله پیوند با پایگاه‌های علمی دنیا که مرتبط با حوزه کاری معاونت تربیت‌بدنی و سلامت هستند.

منابع

1. Fazeli, F., Safania, A. M., Hoseini, S. E., & Amirnezhad, S. (2016). The relationship between organizational structural and cultural factors with successful establishment of knowledge management in selected sport organizations in Iran. *Journal of Sport Management and Action behavior*, 12(24), 39-52.
2. Hariharan, A. (2008). Knowledge management: Strategic tool. *Journal of Knowledge Management*, 82(2), 52-63.
3. Hatami, S., Saboonchi, R., & Sobhani, Y. (2015). Presenting a model of key factors of knowledge management success to increase organizational creativity and learning in Ministry of Sport and Youth of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Sport Management*, 7(3), 253-266. (Persian).
4. Holsapple, C.W. & Joshi, K. D. (2000). An investigation of factors that influence the management of knowledge in organizations. *Journal of Strategic Information Systems*, 6 (9): 35 - 61.
5. Holsapple, C. W., & Joshi, K. D. (2000). An investigation of factors that influence the management of knowledge in organizations. *Journal of Strategic Information Systems*, 9(2), 235-61.
6. Hoseini, M. (2015). Introducing the method of the focal group and its application in research. Tehran: Center of Research and Opinion Survey. (Persian).
7. Iraj, N. R., Hadavi, F., & Tondnevis, F. (2015). Determining the structural equation model of knowledge management and organizational innovation in employees of

- sport and Youth Offices in Khorasan Razavi province. *Journal of sport Management*, 7(3), 403-419. (Persian).
8. Kanat, S., & Atilgan, T. (2014). Effects of knowledge management on supply chainmanagement in the clothing sector: Turkish case. *Fibres and Textiles in Eastern Europe*, 103, 9-13.
 9. Khavari Khorasani, L., Hamidi, M., Sajjadi, S., Jalali Farahani, M. (2016). Modeling of Facilitators to Implementation of Knowledge Management Strategy of National Olympic Committee of IRAN. *Sport Management Studies*, 8(38), 183-204. doi: 10.22089/smrj.2016.843
 10. Kim, Y., & Adler, M. 2015. Social scientists' Data Sharing behaviors: Investigating the roles of individual motivations, institutional pressures, and data repositories. *International Journal of Information Management* 35: 408-418.
 11. Naghavi S., A., Mirghafoori, S. H., & Morovati A. (2016). Identification and prioritization of key factors in successful implementation of knowledge. *Management in Sport Organization*, 8(36), 12-93. (Persian).
 12. Nemati, M. A., & Jamshidi, L. (2007). Investigating the relationship and the effect of the process of sharing knowledge and experience on the development of social capital among the members of the Technology Center of Shahid Beheshti University Development Center. Paper presented at the First of National Conference of Knowledge Management, Razi Conference Center, Tehran.
 13. Parent, M. M., MacDonald, D., & Goulet, G. (2013). The theory and practice of knowledge management and transfer: The case of the Olympic Games. *Sport Management Review*, 17(2), 205-218.
 14. Pee, L. G., & Lee, J. (2015). Intrinsically motivating employees' online knowledge sharing: understanding the effects of job design. *International Journal of Information Management*, 35(6), 679-690.
 15. Probst, G. J. (1998). Practical knowledge management: A model that works. *PRISM-CAMBRIDGE MASSACHUSETTS*-, 17-30.
 16. Skyrme, D. J., & Amidon, D. M. (1997). *Creating the knowledge-based business*. London: Business Intelligence.
 17. Wang, T., & Chang, T. (2007). Forecasting the probability of successful knowledge management by consistent fuzzy preference relations. *Expert Systems with Applicationa*, 32(3), 801-813.
 18. Wong, K. Y., & Aspinwal, L. E. (2005). An empirical study of the important factors for knowledge-management adoption in the SME secto. *Journal of Knowledge Management*, 9(3), 64-82.
 19. Yousefi, A., & Gholami, B. (2006). Entrepreneurship Isfahan on the establishment of knowledge management in education organization in Isfahan in the academic year 85-84. *Journal of Educational Sciences*, 10(11), 29-48. (Persian).

استناد به مقاله

رواسی‌زاده، محمد، نوبخت‌رمضانی، زهرا، بهرامی، شهاب. (۱۳۹۷). طراحی الگوی عوامل مؤثر در بلوغ دانشی کارکنان معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش با استفاده از الگوی FCM. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۷۸-۱۶۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4659.1348

Ravasizadeh, M., Nobakht Ramezani, Z., Bahrami, Sh. (2019). Designing of Affective Factors of Knowledge Maturity in Employees of Physical Education and Health Department Uses the FCM Model. Research on Educational Sport, 6(15): 161-78. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.4659.1348

ارزیابی کارایی نسبی تیم‌های ورزشی دانشگاه‌ها در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها

سیدمحمدجواد رضوی^۱، محمد زارعی محمودآبادی^۲، محمد پورکیانی^۳، فرشاد امامی^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران*

۲. استادیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران

۳. استادیار، گروه مدیریت ورزشی و رسانه، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۴. گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۹

چکیده

ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌های شرکت‌کننده در بازی‌های المپیاد براساس مجموع امتیازهای کسب‌شده آن‌ها است؛ اما باید دانست که دستیابی به خروجی‌های رقابت (مجموع امتیازهای کسب‌شده در مسابقات) تنها در بستر بهره‌برداری از ورودی‌ها و با استفاده از فرایندهای مناسب امکان‌پذیر است؛ بنابراین، در این پژوهش با استفاده از یکی از تکنیک‌های ناپارامتریک پژوهش عملیاتی با عنوان «تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها»، عملکرد تیم‌های ورزشی پسران و دختران دانشگاه‌های شرکت‌کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور ارزیابی شد. نتایج حاصل از مدل برای ارزیابی عملکرد تیم‌های ورزشی پسران نشان داد که از ۲۴ دانشگاه شرکت‌کننده در بازی‌های المپیاد، ۱۰ دانشگاه حداکثر کارایی را از این مدل کسب کردند. همچنین، ارزیابی عملکرد تیم‌های ورزشی دختران نشان داد که از ۲۳ دانشگاه شرکت‌کننده در بازی‌های المپیاد، هشت دانشگاه حداکثر کارایی را از این مدل کسب کردند. در نهایت، رتبه‌بندی براساس مدل تحلیل پوششی داده‌ها نشان داد که در گروه پسران، دانشگاه فردوسی مشهد رتبه اول و در گروه دختران، دانشگاه کوثر بجنورد رتبه اول را کسب کردند. این درحالی است که براساس مدال‌های کسب‌شده، دانشگاه کوثر بجنورد رتبه ۱۱ را کسب کرده بود و دلیل این اختلاف در استفاده بهینه از منابع محدود برای کسب مدال بود؛ بنابراین، برای ارزیابی کارایی کاروان‌های ورزشی دانشگاه‌ها، علاوه بر در نظر گرفتن رتبه‌بندی آن‌ها براساس مجموع امتیازهای کسب‌شده، لازم است به ورودی‌های دانشگاه‌ها نیز توجه شود؛ بدین صورت که برای ارزیابی دقیق، منظم و هدفمند کاروان‌های ورزشی دانشگاه‌ها باید ورودی‌های کمتر نیز در کنار خروجی‌های بیشتر در مدل‌های ارزیابی وارد شوند.

واژگان کلیدی: المپیاد ورزشی، ارزیابی عملکرد، تحلیل پوششی داده‌ها.

مقدمه

المپیادهای ورزشی دانشگاهی به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد ورزشی در میان دانشجویان دانشگاه‌های کشور قلمداد می‌شوند؛ به‌طوری‌که المپیادهای ورزشی دانشگاهی علاوه‌براینکه باعث ایجاد شور، نشاط و هیجان در دانشجویان می‌شوند، مبنایی برای توسعه و ترویج ورزش همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای و مکانی برای گزینش بازیکنان منتخب تیم‌های اعزامی به یونیورسیادهای جهانی به‌شمار می‌روند (وحدانی، پایمزد و سلطانی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، سنجش و ارزیابی کارایی و عملکرد کاروان‌های ورزشی شرکت‌کننده در این رویداد بسیار مهم است. سابقه ارزیابی کارایی ورزش حداقل به حدود ۲۵ سال پیش بازمی‌گردد (نویل، آتکینسون و هیوز، ۲۰۰۸). همچنین، کارایی مفهومی مدیریتی است که سابقه‌های طولانی در علم مدیریت دارد (ویتزل، ۲۰۰۲). کارایی نشان می‌دهد که سازمان نسبت به بهترین عملکرد در مقطعی از زمان، چگونه به خوبی از منابع خود برای تولید استفاده کرده است. (پیرس، ۱۹۹۶). افزون‌براین، سنجش و ارزیابی عملکرد موضوعی است که از گذشته‌های بسیار دور به آن توجه شده است. در واقع، ارزیابی عملکرد فرایندی است که با تولد انسان آغاز می‌شود و سعی در اصلاح و ارتقای عملکرد فرد، سازمان یا جامعه دارد. ارزیابی عملکرد فرایندی است که همه سازمان‌ها ملزم به انجام آن هستند. امکان دارد سازمان‌ها این کار را به‌طور کاملاً منظم یا خیلی سریع انجام دهند؛ ولی سازمان‌ها برای بهبود باید ارزیابی عملکرد را انجام دهند (زارعی محمودآبادی، طحاری مهرجردی و مهدویان، ۱۳۹۳). مطالعات اخیر تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها را به‌عنوان بهترین تکنیک ارزیابی عملکرد معرفی کرده‌اند. تحلیل پوششی داده‌ها یکی از روش‌های پرکاربرد در زمینه سنجش کارایی نسبی مجموعه‌ای از واحدهای تصمیم‌گیری همگن با ورودی‌ها و خروجی‌های یکسان است. چارنز، کوپر و رودز در سال ۱۹۷۸ این مدل را معرفی کردند. این مدل با تمرکز بر هریک از واحدهای تصمیم‌گیری اوزانی برای ورودی‌ها و خروجی‌های آن‌ها به‌صورت جداگانه محاسبه می‌کند و با استفاده از نسبت مجموع موزون خروجی‌ها به ورودی‌ها، کارایی هر واحد را به دست می‌آورد (طحاری مهرجردی، زنجیرچی، بابایی و زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۱؛ آذر، زارعی محمودآبادی و امروزنژاد، ۲۰۱۶). تحلیل پوششی داده‌ها رویکرد جامعی برای ارزیابی عملکرد است و محبوب بودن این روش عمدتاً به‌دلیل وجود ورودی‌ها و خروجی‌های چندگانه در این مدل و تناسب آن برای بررسی

-
1. Nevill, Atkinson & Hughes
 2. Witzel
 3. Pierce
 4. Data Envelopment Analysis (DEA)
 5. Decision Making Units (DMU)
 6. Charnes, Cooper & Rhodes

روابط غیرخطی در تحلیل‌ها است (آذر، زارعی محمودآبادی، مقبل باعرض و خدیور، ۱۳۹۳). روزبه‌روز بر تعداد مدل‌های تحلیل پوششی داده‌ها افزوده می‌شود و هریک جنبه تخصصی پیدا می‌کنند؛ ولی مبنای همه آن‌ها تعدادی مدل اصلی است که بنیان‌گذاران این روش؛ یعنی چارنز، کوپر و رودز طراحی کرده‌اند. هدف این تکنیک، دستیابی به کارایی نسبی واحدهای تصمیم‌گیری مشابه است که چندین ورودی (نهاده) و چندین خروجی (ستانده) مشابه دارند (چارنز و همکاران، ۱۹۷۸). با فرض اینکه n واحد تصمیم‌گیری با m ورودی و s خروجی وجود داشته باشد، کارایی نسبی هریک از واحدهای تصمیم‌گیری با حل مدل برنامه‌ریزی کسری زیر، به‌دست می‌آید (مدل ۱).

$$\begin{aligned} \text{Max} \quad & \sum_r u_r y_{r0} / \sum_i v_i x_{i0} \\ \text{s.t.} \quad & \sum_r u_r y_{rj} / \sum_i v_i x_{ij} \leq 1, \quad \text{all } j \\ & u_r, v_i \geq \varepsilon, \quad \text{all } r, i. \end{aligned}$$

مدل (۱): مدل اولیه؛
تحلیل پوششی داده‌ها

در مدل بالا، y_{rj} مقدار خروجی I ام برای واحد تصمیم‌گیری j ام، x_{ij} مقدار ورودی i ام برای واحد تصمیم‌گیری j ام، u_r وزن تخصیص داده‌شده به خروجی I ام و v_i وزن تخصیص داده‌شده به ورودی i ام است که توسط مدل و با حل مدل به‌دست می‌آیند و مقدار تابع هدف به‌عنوان امتیاز کارایی واحد مورد ارزیابی است. در مدل بالا، امتیاز کارایی هر واحد مورد بررسی از تقسیم مجموع موزون خروجی‌ها به مجموع موزون ورودی‌ها به‌دست می‌آید که این امتیاز کمتر یا مساوی عدد یک است. در صورتی که این امتیاز برابر با یک شود، آن واحد کارا و در صورتی که کمتر از یک باشد، آن واحد ناکارا تلقی می‌شود. همچنین، به‌عنوان یک قاعده سرانگشتی، برای تحلیل مناسب در مدل تحلیل پوششی داده‌ها لازم است تعداد واحدهای تصمیم‌گیری، حداقل سه برابر مجموع تعداد ورودی‌ها و خروجی‌ها باشد؛ در غیر این صورت، قدرت تفکیک در مدل‌های تحلیل پوششی داده‌ها پایین خواهد آمد (تن و تسوتسویی، ۲۰۱۴). منظور از واحدهای تصمیم‌گیرنده عبارت است از یک واحد سازمانی یا یک سازمان مجزا که توسط فردی به نام «مدیر»، «رئیس» یا «مسئول» اداره می‌شود، به شرط آنکه این سازمان یا واحد سازمانی دارای فرایند سیستمی باشد، یعنی تعدادی عوامل تولید در آن واحد سازمانی به‌کار گرفته شوند تا تعدادی محصول به‌دست آید.

با معرفی مدل تحلیل پوششی داده‌ها، پژوهش‌های بسیاری دربارهٔ این مدل و کاربردها و فرضیه‌های آن انجام شدند. براساس فرضیه‌های متفاوت، مدل‌هایی برحسب ورودی محور یا خروجی محور بودن و نیز بازده ثابت و متغیر نسبت به مقیاس ارائه شدند. در یک مدل ورودی محور، یک واحد در صورتی ناکارا است که امکان کاهش هر یک از ورودی‌ها بدون افزایش ورودی‌های دیگر یا کاهش هر یک از خروجی‌ها وجود داشته باشد. در این حالت، کاهش نهاده‌ها بدون کاهش ستانده‌ها تا رسیدن به واحدی روی مرز کارا امکان‌پذیر است. در یک مدل خروجی محور، یک واحد در صورتی ناکارا است که امکان افزایش هر یک از خروجی‌ها بدون افزایش یک ورودی یا کاهش خروجی‌های دیگر وجود داشته باشد. در این مدل، افزایش ستانده‌ها تا رسیدن به مرز کارا بدون جذب نهاده‌های بیشتر، امکان‌پذیر است. منظور از بازگشت به مقیاس ثابت این است که با تغییر یک واحد در ورودی‌ها، خروجی‌ها نیز با نسبت ثابت تغییر (کاهش یا افزایش) می‌کنند. در واقع، شیب تابع تولید در این مدل ثابت است. به عبارت دیگر، بازده به مقیاس ثابت بدین معنی است که هر مضربی از ورودی‌ها همان مضرب از خروجی‌ها را تولید می‌کند و بازده به مقیاس متغیر بدین معنی است که هر مضربی از ورودی‌ها همان مضرب از خروجی‌ها کمتر از آن یا بیشتر از آن را تولید می‌کند (زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۵).

دانشگاه‌ها برای حفظ مزیت رقابتی خود باید به ارزیابی عملکرد بپردازند و پس از آن برای بهبود وضعیت خود نیاز دارند از جنبه‌های متعددی در فرایندها و خروجی‌های خود تغییراتی ایجاد کنند و در نتیجه، عملکردشان را در قالب کارایی اندازه‌گیری کنند. در زمینه ارزیابی عملکرد سازمان‌های مختلف پژوهش‌های مختلفی انجام شده‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود. ژانگ، لی، منگ و لیو (۲۰۰۹) با ارائه مدل‌های تحلیل پوششی داده‌ها با ساختار ترجیحی به ارزیابی عملکرد کشورهای شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود از شاخص‌های جمعیت و تولید ناخالص داخلی به عنوان ورودی و از شاخص تعداد مدال کسب‌شده به عنوان خروجی مدل تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کردند. در پژوهشی دیگر، شعبانی‌بهار و پارساجو (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «بازنگری و بهینه‌سازی شاخص‌های ارزیابی عملکرد هیأت‌های ورزشی استان همدان» انجام دادند. نتایج نشان داد که از شاخص‌های موجود، ۳۰ عنوان شاخص بازنگری و دو عنوان شاخص بدون تغییر باقی ماندند و در نهایت، شاخص‌های ارزیابی در ۳ محور کلی با ۶۶ عنوان شاخص تقسیم‌بندی شدند. با توجه به نتایج به دست آمده برای ارزیابی عملکرد هیأت‌های ورزشی استان همدان، تیپ‌بندی‌های مختلفی پیشنهاد شد. زارعی محمودآبادی، طحاری مهرجردی و محبی (۱۳۹۲) نیز با ارائه مدل نوینی از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها به ارزیابی کارایی نسبی عملکرد کشورهای شرکت‌کننده در بازی‌های

المپیک ۲۰۰۸ پکن پرداختند. در این پژوهش، شاخص‌های جمعیت کشور و تولید ناخالص داخلی به‌عنوان ورودی و تعداد مدال‌های طلا، نقره و برنز کسب‌شده با وزن و اهمیت‌های متفاوت به‌عنوان شاخص خروجی مدل در نظر گرفته شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که کشور جامائیکا کاراثرین کشور در کسب مدال‌های بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن بوده است. در پژوهشی دیگر، نژادسجادی و سلیمانی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد فدراسیون‌های ورزشی ایران» انجام دادند. براساس این اولویت‌بندی، در میان چهار معیار کلی ارزیابی عملکرد فدراسیون‌ها، امور پشتیبانی و برنامه‌ریزی، توسعه زیرساخت‌های ورزش، امور فنی و ورزشی و توسعه منابع کالبدی و تجهیزاتی به‌ترتیب در اولویت‌های اول تا چهارم قرار گرفتند. همچنین، سلیمانی، حمیدی و سجادی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «ارزیابی عملکرد تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران با استفاده از مدل تلفیقی فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و تحلیل پوششی داده‌ها» انجام دادند. نتایج نشان داد که بیشترین نمره کارایی مربوط به تیم‌های شاهین، ابومسلم و استیل‌آذین بود و تیم استقلال اهواز با نمره کارایی ۰/۳۱۳ کمترین نمره کارایی را داشت. همچنین، بین رتبه کارایی تیم‌ها با رتبه آن‌ها در جدول مسابقات هم‌خوانی وجود نداشت. به‌طور کلی، با توجه به نتایج پژوهش می‌توان مهم‌ترین عامل ناکارآمدی در تیم‌های لیگ برتر ایران را رقم بالای دستمزدها و کسب درآمدهای کم بیان کرد. در پژوهشی دیگر، عیدی، عباسی، ناظری، عیدی‌پور و سوری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی و تحلیل عملکرد ورزشکاران ایران در بازی‌های المپیک تابستانی» نشان دادند که با توجه به میانگین رتبه به دست آمده، عملکرد ورزشکاران در رشته‌های تکواندو، کشتی و وزنه‌برداری در رتبه‌های اول تا سوم قرار داشت. از طرف دیگر، بین مجموع مدال کسب‌شده با تعداد ورزشکاران شرکت‌کننده رابطه معناداری وجود داشت؛ اما از نظر مدال طلای کسب‌شده تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین، بین تعداد ورزشکاران مرد شرکت‌کننده ایرانی در بازی‌های المپیک با مجموع مدال‌های کسب‌شده رابطه معنادار وجود داشت. عیدی و عسگری (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «ارزیابی عملکرد ایران در بازی‌های المپیک در مقایسه با رقبا» انجام دادند. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش می‌توان به نوسانات عملکرد ایران در بازی‌های المپیک در مقایسه با دیگر رقبا اشاره کرد؛ به‌طوری‌که نمودار عملکرد ایران سینوسی شکل و فاقد ثبات بود؛ بنابراین، لازم است مسئولان اقداماتی در جهت توسعه زیرساخت‌های ورزش قهرمانی، شناسایی و پرورش ورزشکاران نخبه و ثبات مدیریت ورزش انجام دهند تا ورزشکاران نخبه به بازی‌های المپیک اعزام شوند و با کسب نتایج مناسب، روند تعادل عملکرد ایران در بازی‌های المپیک را رقم بزنند. همچنین، عسگریان، جعفری و فخری (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر عملکرد ورزش قهرمانی در ایران» انجام دادند. براساس نتایج به دست‌آمده مشخص شد که افزایش تولید ناخالص داخلی، بهبود توزیع درآمد و شاخص سلامت (امید

به زندگی) استان‌های کشور در بهبود عملکرد ورزش قهرمانی مؤثر بودند. اسکندری، امیرتاش و صفائیان (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «ارزیابی عملکرد منتخبی از فدراسیون‌های ورزشی ایران با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها با رویکرد سیستم‌های فازی» انجام دادند. نتایج نشان داد که فدراسیون‌های ورزشی فوتبال، والیبال، کشتی، وزنه‌برداری، تکواندو، کاراته، بوکس و دوومیدانی عملکرد کارا داشتند. درنهایت، سوس، فلورس مارتینز و سابو (۲۰۱۷) در پژوهشی به ارزیابی اثرهای اندازه جمعیت، تولید ناخالص داخلی و درجه حرارت کشور در برنده‌شدن مدال در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که سه شاخص تعداد جمعیت، بودجه و متوسط درجه دمای سالیانه کشورها به میزان ۸۲ درصد در دستیابی به مدال المپیک نقش داشتند.

هدف اصلی هر سازمان بهبود عملکرد است و ارزیابی عملکرد یکی از بهترین راه‌ها برای بهبود عملیاتی در سازمان‌ها است. هدف ارزیابی عملکرد این است که موقعیت سازمان در بین رقبا مشخص شود و براساس آن اقدامات لازم انجام شوند. بدون شک، برای ارزیابی عملکرد کاروان‌های ورزشی علاوه بر توجه به مجموع امتیازها و رتبه کسب‌شده توسط آن‌ها در مسابقات، لازم است به میزان امکانات دانشگاه‌ها و سرانه ورزشی آن‌ها نیز توجه شود تا بدین‌وسیله ارزیابی دقیق‌تری از عملکرد آن‌ها انجام شود و مدیران اداره کل تربیت‌بدنی وزارت علوم با گرفتن بازخورد از نتایج این امر تصمیم‌های مناسب‌تری بگیرند؛ بنابراین، با توجه به ضرورت ارزیابی عملکرد کاروان‌های ورزشی دانشگاه‌ها در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور و با توجه به منابع به‌کارگرفته‌شده و استفاده از روش‌های علمی، در این پژوهش از مدل ریاضی تحلیل پوششی داده‌ها در این خصوص استفاده شده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از حیث شیوه گردآوری داده‌ها، زمینه‌یابی و از نظر برخورد با مسئله، توصیفی است. این پژوهش به دنبال به‌کارگیری مدلی مناسب برای ارزیابی عملکرد تیم‌های ورزشی دانشگاه‌های شرکت‌کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی و ورزشی کشور به‌عنوان واحدهای تصمیم‌گیری مشابه، با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها است. در این راستا، به دلیل نبود روشی مناسب برای ارزیابی عملکرد این دانشگاه‌ها، از روشی پیشنهادی برای ارزیابی دانشگاه‌های شرکت‌کننده استفاده شد. با بهره‌گیری از مبانی و تعاریف ارائه‌شده در بخش ادبیات موضوع در مورد تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها، پژوهش‌های انجام‌شده برای ارزیابی عملکرد دانشگاه‌های شرکت‌کننده در بازی‌های المپیاد با استفاده از این تکنیک و پس از آن، از طریق مصاحبه با خبرگان (۲۱ نفر از اساتید مدیریت

ورزشی)، شاخص‌های مؤثر در ارزیابی شناسایی شدند. با استفاده از این شاخص‌ها، ورودی‌ها که نشان دهنده منابع به کار گرفته شده هستند شامل تعداد کل دانشجویان دانشگاه و سرانه ورزشی دانشگاه (مجموع سرانه جاری و عمرانی هر دانشگاه) و خروجی‌ها که نمایانگر موفقیت و سطح عملکرد واحدهای تصمیم‌گیری هستند شامل جمع امتیاز کاروان‌های ورزشی و تعداد ورزشکاران راه‌یافته به المپiad هستند، مشخص شدند. جدول شماره ۱ یک ورودی‌ها و خروجی‌های انتخابی را نشان می‌دهد.

جدول ۱- خروجی‌ها و ورودی‌های مدل تحلیل پوششی داده‌ها

پارامتر	تعریف	ورودی/خروجی
X_1	تعداد کل دانشجویان دانشگاه	ورودی ۱
X_2	سرانه ورزشی دانشگاه	ورودی ۲
Y_1	جمع امتیاز کاروان ورزشی	خروجی ۱
Y_2	تعداد ورزشکار راه‌یافته به المپiad	خروجی ۲

کسب مدال در بازی‌های المپiad دانشجویی و کسب رتبه توسط دانشگاه‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله این عوامل میزان جمعیتی است که دانشجویان یک دانشگاه دارند و میزان فضاها و ورزشی‌ای است که برای آماده کردن این دانشجویان برای مسابقات استفاده می‌شوند؛ بنابراین، در پژوهش حاضر اطلاعات ورودی‌ها و خروجی‌های مربوط به ۲۴ دانشگاه سراسری شرکت‌کننده (مراکز استان‌های کشور) در سیزدهمین المپiad فرهنگی ورزشی دانشجویان کشور مدنظر قرار گرفته شد. در این پژوهش از مدل بازده به مقیاس متغیر و خروجی محور استفاده شده است. دلیل این انتخاب آن است که دانشگاه‌ها دارای مقدار ثابتی از منابع مانند بودجه، دانشجو و غیره هستند؛ اما خروجی حداکثر از بخش مسابقات از آن‌ها خواسته می‌شود. همچنین، از آنجایی که هدف افزایش خروجی‌های مدل است، برای ارزیابی، مدل‌های خروجی محور مناسب‌تر است. مدل بازده به مقیاس متغیر نیز بدین دلیل انتخاب می‌شود که دلیلی دال بر بازده ثابت به مقیاس در کارکرد فعالیت‌های ورزشی دانشجویان وجود ندارد؛ بنابراین، لازم است مقدار بازده به مقیاس آزاد گذاشته شود. مدل بازده به مقیاس متغیر و خروجی محور به صورت زیر است (زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۷):

$$\text{Min } Z_0 = \sum_{i=1}^m v_i x_{i0} + w$$

$$s.t : \sum_{r=1}^s u_r y_{r0} = 1$$

$$\sum_{i=1}^m v_i x_{ij} - \sum_{r=1}^s u_r y_{rj} + w \geq 0; (j = 1, 2, \dots, n)$$

$$u_r, v_i \geq \varepsilon; w : \text{Free in Sign}$$

مدل (۲): مدل DEA با

بازده به مقیاس متغیر و

خروجی محور

نتایج

با طراحی و اجرای مدل مناسب برای ارزیابی دانشگاه‌های شرکت‌کننده در مسابقات المپیک دانشجویی، میزان کارایی عملکرد آن‌ها سنجیده شد. مدل طراحی شده بر مبنای مدل شماره دو است. در جدول شماره دو، نتایج مربوط به کارایی دانشگاه‌ها ارائه شده است.

جدول ۲- کارایی دانشگاه‌های شرکت‌کننده در سیزدهمین المپیک فرهنگی ورزشی کشور

نام دانشگاه (تیم ورزشی پسران)	میزان کارایی	نوع کارایی	نام دانشگاه (تیم ورزشی دختران)	میزان کارایی	نوع کارایی
دانشگاه فردوسی مشهد	۱	کارایی قوی	دانشگاه تهران	۱	کارایی قوی
دانشگاه تهران	۱	کارایی قوی	دانشگاه فردوسی مشهد	۱	کارایی قوی
دانشگاه تبریز	۰/۶۴۷	ناکارا	دانشگاه الزهراء	۱	کارایی قوی
دانشگاه خوارزمی	۰/۹۶۸	ناکارا	دانشگاه شیراز	۱	کارایی قوی
دانشگاه زنجان	۱	کارایی قوی	دانشگاه اصفهان	۰/۸۲۴	ناکارا
دانشگاه مازندران	۱	کارایی قوی	دانشگاه خوارزمی	۰/۹۸۱	ناکارا
دانشگاه شیراز	۰/۸۸۲	ناکارا	دانشگاه رازی کرمانشاه	۰/۴۱۷	ناکارا
دانشگاه محقق اردبیلی	۰/۷۲۸	ناکارا	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	۰/۸۴۷	ناکارا
دانشگاه کاشان	۱	کارایی قوی	دانشگاه صنعتی امیرکبیر	۰/۳۲۹	ناکارا
دانشگاه یزد	۰/۵۰۰	ناکارا	دانشگاه بیرجند	۱	کارایی قوی
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	۱	کارایی قوی	دانشگاه کوثر بجنورد	۱	کارایی قوی
دانشگاه کردستان	۰/۶۷۷	ناکارا	دانشگاه تبریز	۰/۸۲۸	ناکارا
دانشگاه فرهنگیان	۰/۴۷۶	ناکارا	دانشگاه صنعتی اصفهان	۱	کارایی قوی
دانشگاه شهیدبهشتی	۰/۷۴۰	ناکارا	دانشگاه مازندران	۰/۳۲۹	ناکارا

ادامه جدول ۲- کارایی دانشگاه‌های شرکت‌کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور

نام دانشگاه (تیم ورزشی پسران)	میزان کارایی	نوع کارایی	نام دانشگاه (تیم ورزشی دختران)	میزان کارایی	نوع کارایی
دانشگاه اراک	۱	کارایی قوی	دانشگاه زنجان	۱	کارایی قوی
دانشگاه شهیدباهنر کرمان	۱	کارایی قوی	دانشگاه محقق اردبیلی	۰/۴۹۶	ناکارا
دانشگاه اصفهان	۰/۶۱۸	ناکارا	دانشگاه کاشان	۰/۱۱۲	ناکارا
دانشگاه بیرجند	۱	کارایی قوی	دانشگاه بین‌المللی امام	۰/۳۲۹	ناکارا
دانشگاه رازی کرمانشاه	۰/۹۲۱	ناکارا	دانشگاه یزد	۰/۰۹۵	ناکارا
دانشگاه صنعتی امیرکبیر	۰/۵۸۰	ناکارا	دانشگاه اراک	۰/۵۰۱	ناکارا
دانشگاه سیستان و بلوچستان	۰/۶۰۵	ناکارا	دانشگاه سیستان و بلوچستان	۰/۰۷۳	ناکارا
دانشگاه گیلان	۰/۶۹۸	ناکارا	دانشگاه گیلان	۰/۵۴۵	ناکارا
دانشگاه تربیت مدرس	۰/۷۸۲	ناکارا	دانشگاه ایلام	۰/۵۶۳	ناکارا
دانشگاه ایلام	۱	کارایی قوی	-	-	-

براساس نتایج حاصل از جدول شماره دو، در مجموع از ۲۴ تیم ورزشی پسران در دانشگاه‌های کشور، ۱۰ تیم دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه تهران، دانشگاه زنجان، دانشگاه مازندران، دانشگاه کاشان، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، دانشگاه اراک، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، دانشگاه بیرجند و دانشگاه ایلام حداکثر کارایی؛ یعنی ۱۰۰ درصد را به دست آوردند. همچنین، در مجموع، از ۲۳ تیم ورزشی دختران در دانشگاه‌های کشور، هشت تیم دانشگاه کوثر بجنورد، دانشگاه تهران، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه الزهراء، دانشگاه شیراز، دانشگاه بیرجند، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه زنجان حداکثر کارایی؛ یعنی ۱۰۰ درصد را به دست آوردند.

شایان ذکر است که پس از اجرای مدل‌های تحلیل پوششی داده‌ها، مجموعه‌ای با عنوان مجموعه مرجع ارائه می‌شود. در این مجموعه مشخص شده است که هر واحد ناکارا برای رسیدن به مرز کارایی باید با کدام یک از واحدهای کارا مقایسه شود. واحد(های) مرجع که با عنوان الگو یا واحدهای معرف تعریف می‌شوند، واحد یا واحدهایی هستند که مبنای الگو برداری برای واحد مورد بررسی در محاسبه کارایی قرار می‌گیرند و لزوماً روی مرز کارایی قرار دارند (زارعی محمودآبادی، آذر و امروزنژاد، ۲۰۱۸). در ادامه دانشگاه‌های مرجع ارائه شده‌اند. مجموعه مرجع دانشگاه‌های کارایی هستند که الگوی بعضی از دانشگاه‌های دیگر هستند. جدول شماره سه گروه‌های مرجع را نشان می‌دهد و بنابراین، مشخص شده است که هر یک از دانشگاه‌هایی که کارایی نسبتاً پایین‌تری دارند، کدام دانشگاه‌ها را می‌توانند به عنوان الگوی خود قرار دهند.

1. Reference Set

جدول ۳- واحدهای مرجع دانشگاه‌های شرکت‌کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی دختران کشور

نام دانشگاه	مرجع ۱	مرجع ۲	مرجع ۳	مرجع ۴
دانشگاه تهران	دانشگاه تهران	-	-	-
دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه فردوسی مشهد	-	-	-
دانشگاه الزهراء	دانشگاه الزهراء	-	-	-
دانشگاه شیراز	دانشگاه شیراز	-	-	-
دانشگاه اصفهان	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه شیراز	دانشگاه کوثر بجنورد	دانشگاه زنجان
دانشگاه خوارزمی	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه شیراز	-	-
دانشگاه رازی کرمانشاه	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه الزهراء	دانشگاه کوثر بجنورد	-
دانشگاه شهیدباهنر کرمان	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه شیراز	دانشگاه زنجان	-
دانشگاه صنعتی امیرکبیر	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه الزهراء	دانشگاه کوثر بجنورد	دانشگاه زنجان
دانشگاه بیرجند	دانشگاه بیرجند	-	-	-
دانشگاه کوثر بجنورد	دانشگاه کوثر بجنورد	-	-	-
دانشگاه تبریز	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه شیراز	دانشگاه زنجان	-
دانشگاه صنعتی اصفهان	دانشگاه صنعتی اصفهان	-	-	-
دانشگاه مازندران	دانشگاه الزهراء	دانشگاه بیرجند	دانشگاه کوثر بجنورد	-
دانشگاه زنجان	دانشگاه زنجان	-	-	-
دانشگاه محقق اردبیلی	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه بیرجند	دانشگاه زنجان	-
دانشگاه کاشان	دانشگاه کوثر بجنورد	دانشگاه صنعتی اصفهان	-	-
دانشگاه بین‌المللی امام	دانشگاه الزهراء	دانشگاه بیرجند	دانشگاه کوثر بجنورد	دانشگاه زنجان
دانشگاه یزد	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه شیراز	دانشگاه زنجان	-
دانشگاه اراک	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه الزهراء	دانشگاه کوثر بجنورد	دانشگاه زنجان
دانشگاه سیستان و بلوچستان	دانشگاه شیراز	دانشگاه صنعتی اصفهان	-	-
دانشگاه گیلان	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه شیراز	-	-
دانشگاه ایلام	دانشگاه شیراز	دانشگاه کوثر بجنورد	دانشگاه صنعتی اصفهان	دانشگاه زنجان

نتایج جدول شماره سه نشان داد که دانشگاه تهران (یک مورد)، دانشگاه فردوسی مشهد (۱۱ مورد)، دانشگاه الزهراء (شش مورد)، دانشگاه شیراز (نه مورد)، دانشگاه بیرجند (چهار مورد)، دانشگاه کوثر بجنورد (نه مورد)، دانشگاه صنعتی اصفهان (چهار مورد) و دانشگاه زنجان (۱۰ مورد) مرجع دانشگاه-های دیگر شدند.

جدول ۴- واحدهای مرجع دانشگاه‌های شرکت‌کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی پسران کشور

نام دانشگاه	مرجع ۱	مرجع ۲	مرجع ۳	مرجع ۴
دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه فردوسی مشهد	-	-	-
دانشگاه تهران	دانشگاه تهران	-	-	-
دانشگاه تبریز	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	-	-
دانشگاه خوارزمی	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه اراک	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	-
دانشگاه زنجان	دانشگاه زنجان	-	-	-
دانشگاه مازندران	دانشگاه مازندران	-	-	-
دانشگاه شیراز	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	-	-
دانشگاه محقق اردبیلی	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه زنجان	دانشگاه مازندران	دانشگاه بیرجند
دانشگاه کاشان	دانشگاه کاشان	-	-	-
دانشگاه یزد	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه زنجان	دانشگاه اراک	-
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	دانشگاه بین‌المللی امام	-	-	-
دانشگاه کردستان	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه زنجان	دانشگاه اراک	-
دانشگاه فرهنگیان	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه اراک	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	-
دانشگاه شهیدبهشتی	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه زنجان	دانشگاه اراک	-
دانشگاه اراک	دانشگاه اراک	-	-	-
دانشگاه شهیدباهنر کرمان	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	-	-	-
دانشگاه اصفهان	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه اراک	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	-
دانشگاه بیرجند	دانشگاه بیرجند	-	-	-
دانشگاه رازی کرمانشاه	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه اراک	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	-
دانشگاه صنعتی امیرکبیر	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه تهران	دانشگاه بیرجند	-
دانشگاه سیستان و بلوچستان	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	-	-
دانشگاه گیلان	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه اراک	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	-
دانشگاه تربیت مدرس	دانشگاه فردوسی مشهد	دانشگاه زنجان	دانشگاه بیرجند	-
دانشگاه ایلام	دانشگاه ایلام	-	-	-

نتایج جدول شماره چهار نشان داد که دانشگاه فردوسی مشهد (۱۵ مورد)، دانشگاه تهران (دو مورد)، دانشگاه زنجان (شش مورد)، دانشگاه مازندران (دو مورد)، دانشگاه کاشان (یک مورد)، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (یک مورد)، دانشگاه اراک (نُه مورد)، دانشگاه شهیدباهنر کرمان (نُه مورد)، دانشگاه بیرجند (چهار مورد) و دانشگاه ایلام (یک مورد) مرجع دانشگاه‌های دیگر شدند. در ادامه با توجه به اینکه از میان تیم‌های ورزشی پسران، تعداد ۱۰ دانشگاه کارایی کامل؛ یعنی ۱۰۰ درصد را کسب کردند و از میان تیم‌های ورزشی دختران، تعداد هشت دانشگاه کارایی کامل؛ یعنی ۱۰۰ درصد را کسب کردند، برای دستیابی به رتبه‌بندی نهایی واحدهای دانشگاهی از مدل اندرسون و پیترسون استفاده شد. یک مسئله مهم در ادبیات تحلیل پوششی داده‌ها رتبه‌بندی واحدهای کارا به‌وسیله مدل تحلیل پوششی داده‌ها است که همگی امتیاز کارایی یک را دارند. یک رویکرد برای مسئله رتبه‌بندی واحدهای کارا، توسط مدل کارایی فوق‌العاده^۲ اندرسون و پیترسون (۱۹۹۳) مطرح شده است. اگر واحد K یک واحد کارا باشد، مدل کارایی فوق‌العاده اندرسون و پیترسون برای ارزیابی واحدهای کارا به‌صورت زیر است (اندرسون و پیترسون، ۱۹۹۳):

$$\begin{aligned}
 & \text{Max} \sum_r u_r y_{rk} \\
 & \text{s.t.} \sum_i v_i x_{ik} = 1, \\
 & \sum_r u_r y_{rj} - \sum_i v_i x_{ij} \leq 0, \quad \forall j, j \neq k \\
 & u_r \geq \varepsilon \quad \forall r, \quad v_i \geq \varepsilon \quad \forall i.
 \end{aligned}$$

مدل (۳): مدل کارایی فوق‌العاده اندرسون و پیترسون

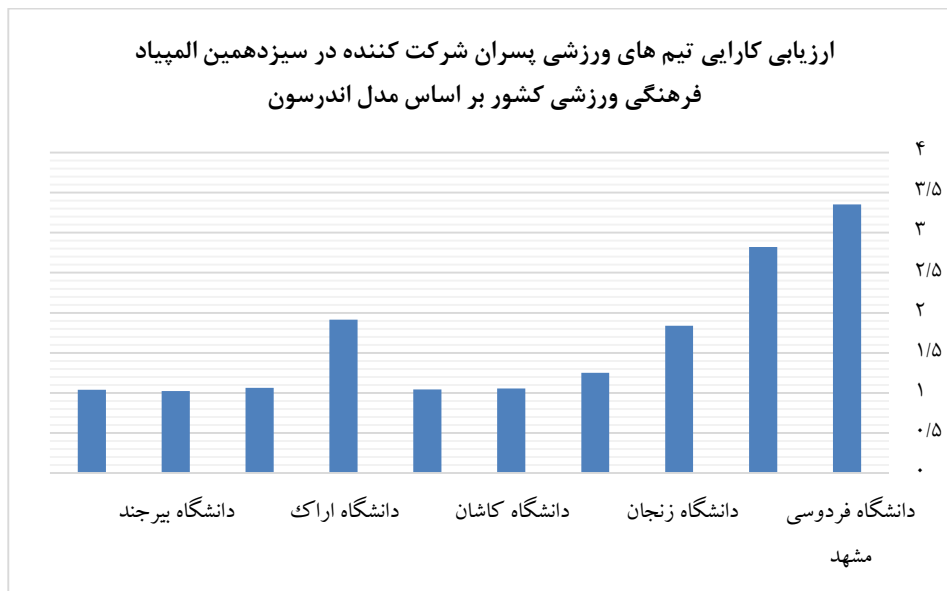
لازم است ذکر شود دانشگاه‌هایی که در جدول شماره پنج آمده‌اند، همگی از کارایی مناسب و بالایی برخوردار بوده‌اند.

-
1. Andersen & Petersen
 2. Super-Efficiency

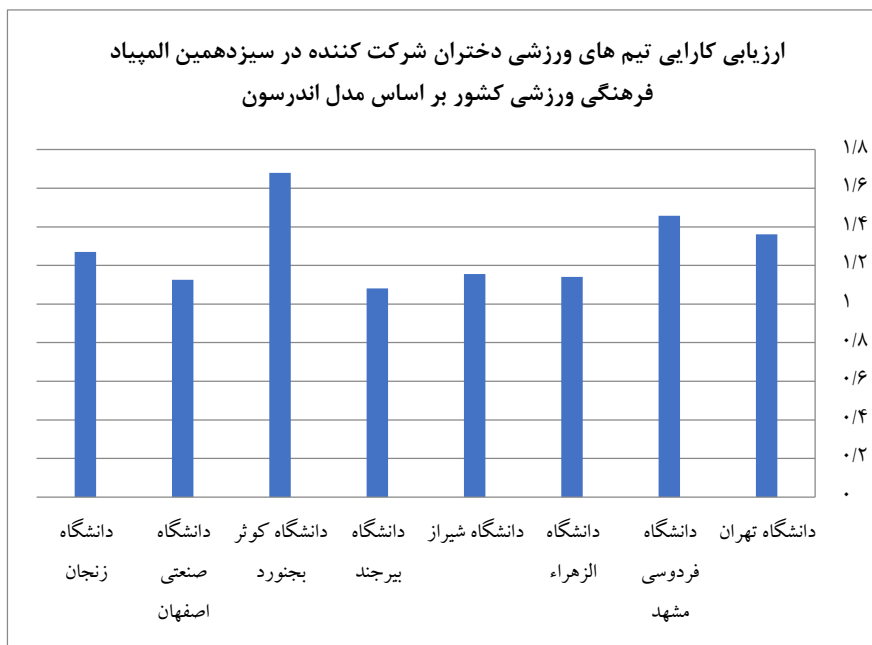
جدول ۵- رتبه‌بندی دانشگاه‌های کارا

کارایی	نام دانشگاه (تیم ورزشی دختران)	کارایی	نام دانشگاه (تیم ورزشی پسران)
۱/۳۶۱	دانشگاه تهران	۳/۳۵۳	دانشگاه فردوسی مشهد
۱/۴۵۸	دانشگاه فردوسی مشهد	۲/۰۸۲	دانشگاه تهران
۱/۱۴۱	دانشگاه الزهراء	۱/۸۴۰	دانشگاه زنجان
۱/۱۵۶	دانشگاه شیراز	۱/۲۵۲	دانشگاه مازندران
۱/۰۸۰	دانشگاه بیرجند	۱/۰۵۴	دانشگاه کاشان
۱/۶۸۰	دانشگاه کوثر بجنورد	۱/۰۴۴	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
۱/۱۲۵	دانشگاه صنعتی اصفهان	۱/۹۱۴	دانشگاه اراک
۱/۲۷۰	دانشگاه زنجان	۱/۰۶۲	دانشگاه شهیدباهنر کرمان
-	-	۱/۰۲۵	دانشگاه بیرجند
-	-	۱/۰۴۱	دانشگاه ایلام

نتایج حاصل از جدول شماره پنج از مدل اندرسون پیترسون نشان داد که از میان تیم‌های ورزشی پسر دانشگاه‌هایی که کارایی برابر با یک را داشتند، به ترتیب دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه تهران و دانشگاه اراک دارای بیشترین کارایی بودند. همچنین، از میان تیم‌های ورزشی دختر دانشگاه‌هایی که کارایی برابر با یک را داشتند، به ترتیب دانشگاه کوثر بجنورد، دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه تهران دارای بیشترین کارایی بودند.



شکل ۱- ارزیابی کارایی تیم های ورزشی پسران شرکت کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور



شکل ۲- ارزیابی کارایی تیم های ورزشی دختران شرکت کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور

جدول ۶- رتبه‌بندی نهایی تیم‌های ورزشی دانشگاه‌های شرکت‌کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی

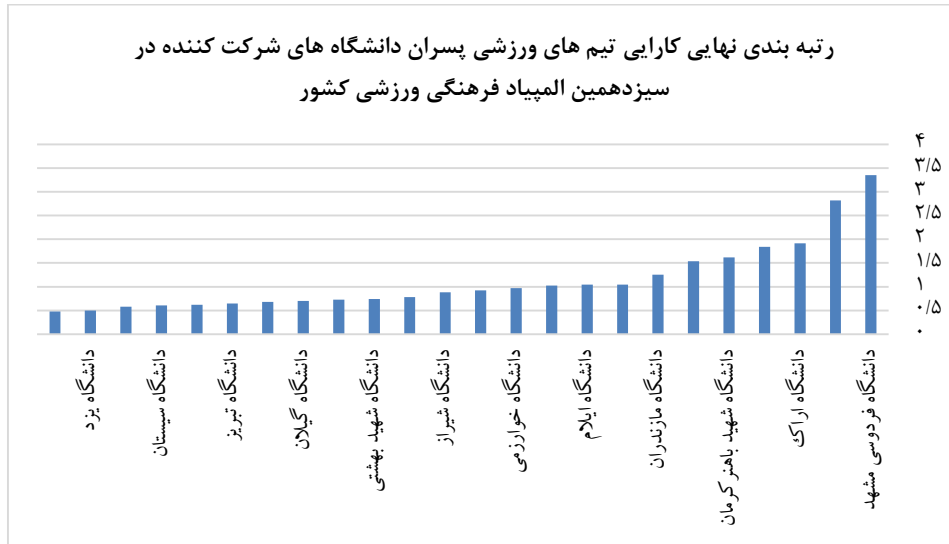
ورزشی کشور							
رتبه	میزان کارایی	رتبه براساس مدال	نام دانشگاه (تیم ورزشی دختران)	رتبه	میزان کارایی	رتبه براساس مدال	نام دانشگاه (تیم ورزشی پسران)
۱	۱/۶۸	۱۱	دانشگاه کوثر بجنورد	۱	۳/۳۵۳	۱	دانشگاه فردوسی مشهد
۲	۱/۴۵۸	۲	دانشگاه فردوسی مشهد	۲	۲/۰۸۲	۲	دانشگاه تهران
۳	۱/۳۶۱	۱	دانشگاه تهران	۳	۱/۹۱۴	۱۴	دانشگاه اراک
۴	۱/۲۷۰	۱۸	دانشگاه زنجان	۴	۱/۸۴۰	۵	دانشگاه زنجان
۵	۱/۱۵۶	۴	دانشگاه شیراز	۵	۱/۰۶۲	۱۶	دانشگاه شهیدباهنر کرمان
۶	۱/۱۴۱	۳	دانشگاه الزهراء	۶	۱/۰۵۴	۹	دانشگاه کاشان
۷	۱/۱۲۵	۱۲	دانشگاه صنعتی اصفهان	۷	۱/۲۵۲	۶	دانشگاه مازندران
۸	۱/۰۸۰	۱۰	دانشگاه بیرجند	۸	۱/۰۴۴	۱۱	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
۹	۰/۹۸۱	۶	دانشگاه خوارزمی	۹	۱/۰۴۱	۱۹	دانشگاه ایلام
۱۰	۰/۸۴۷	۸	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	۱۰	۱/۰۲۵	۱۹	دانشگاه بیرجند
۱۱	۰/۸۲۸	۱۲	دانشگاه تبریز	۱۱	۰/۹۶۸	۴	دانشگاه خوارزمی
۱۲	۰/۸۲۴	۵	دانشگاه اصفهان	۱۲	۰/۹۲۱	۲۱	دانشگاه رازی کرمانشاه
۱۳	۰/۵۶۳	۱۵	دانشگاه ایلام	۱۳	۰/۸۸۲	۷	دانشگاه شیراز
۱۴	۰/۵۴۵	۱۵	دانشگاه گیلان	۱۴	۰/۷۸۲	۲۳	دانشگاه تربیت مدرس
۱۵	۰/۵۰۱	۱۷	دانشگاه اراک	۱۵	۰/۷۴۰	۱۴	دانشگاه شهیدبهشتی
۱۶	۰/۴۹۶	۱۸	دانشگاه محقق اردبیلی	۱۶	۰/۷۲۸	۸	دانشگاه محقق اردبیلی
۱۷	۰/۴۱۷	۷	دانشگاه رازی کرمانشاه	۱۷	۰/۶۹۸	۱۸	دانشگاه گیلان
۱۸	۰/۳۲۹	۸	دانشگاه صنعتی امیرکبیر	۱۸	۰/۶۷۷	۱۲	دانشگاه کردستان
۱۹	۰/۳۲۹	۱۴	دانشگاه مازندران	۱۹	۰/۶۴۷	۳	دانشگاه تبریز

ادامه جدول ۶- رتبه‌بندی نهایی تیم‌های ورزشی دانشگاه‌های شرکت‌کننده در سیزدهمین المپیاد

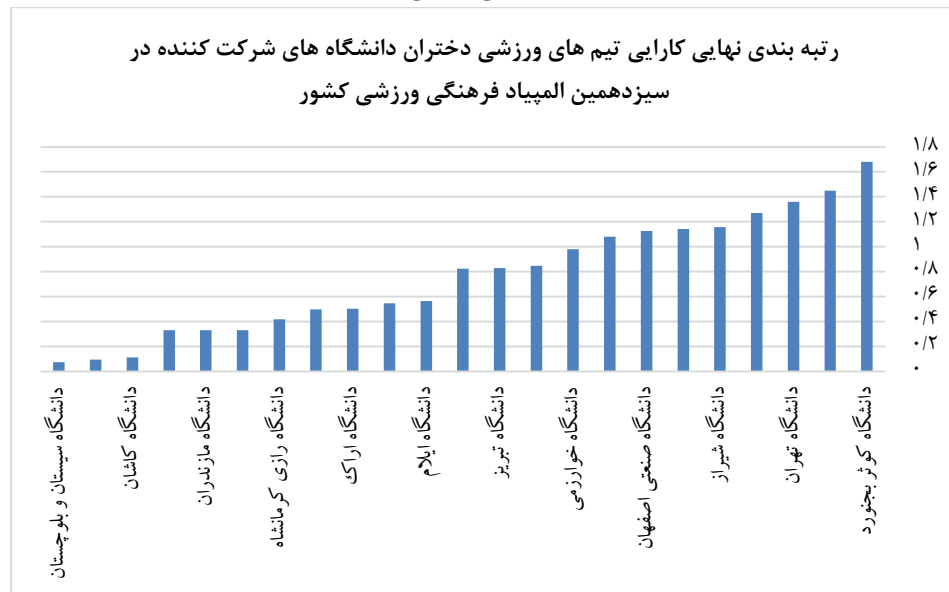
فرهنگی ورزشی کشور

رتبه	میزان کارایی	رتبه	نام دانشگاه (تیم ورزشی دختران)	رتبه	میزان کارایی	رتبه	نام دانشگاه (تیم ورزشی پسران)
۲۰	۰/۳۲۹	۲۰	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	۲۰	۰/۶۱۸	۱۷	دانشگاه اصفهان
۲۱	۰/۱۱۲	۲۱	دانشگاه کاشان	۲۱	۰/۶۰۵	۲۲	دانشگاه سیستان و بلوچستان
۲۲	۰/۰۹۵	۲۲	دانشگاه یزد	۲۲	۰/۵۸۰	۲۴	دانشگاه صنعتی امیرکبیر
۲۳	۰/۰۷۳	۲۲	دانشگاه سیستان و بلوچستان	۲۳	۰/۵۰۰	۹	دانشگاه یزد
-	-	-	-	۲۴	۰/۴۷۶	۱۲	دانشگاه فرهنگیان

یافته‌های جدول شماره شش در زمینه رتبه‌بندی نهایی تیم‌های ورزشی پسران شرکت‌کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور نشان می‌دهد که تیم ورزشی پسران دانشگاه فردوسی مشهد، تیم ورزشی پسران دانشگاه تهران و تیم ورزشی پسران دانشگاه اراک، به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند و بیشترین کارایی را نسبت به دیگر واحدهای دانشگاهی داشته‌اند. همچنین، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه یزد و دانشگاه فرهنگیان نسبت به دانشگاه‌های دیگر رتبه پایین‌تری داشتند. افزون‌براین، رتبه‌بندی نهایی تیم‌های ورزشی دختران شرکت‌کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور نشان داد که تیم‌های ورزشی دختران دانشگاه کوثر بجنورد، تیم ورزشی دختران دانشگاه فردوسی مشهد و تیم ورزشی دختران دانشگاه تهران، به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند و بیشترین کارایی را نسبت به دیگر واحدهای دانشگاهی داشته‌اند. همچنین، دانشگاه کاشان، دانشگاه یزد و دانشگاه سیستان و بلوچستان نسبت به دانشگاه‌های دیگر رتبه پایین‌تری داشتند.



شکل ۳- رتبه بندی نهایی ارزیابی کارایی تیم‌های ورزشی پسران دانشگاه‌های شرکت کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور



شکل ۴- رتبه بندی نهایی ارزیابی کارایی تیم‌های ورزشی دختران دانشگاه‌های شرکت کننده در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه نتایج دانشگاه‌ها در بازی‌های المپiad به‌عنوان یکی از شاخص‌های پیشرفت آن دانشگاه در سایر زمینه‌ها مطرح می‌شود، ارزیابی عملکرد دانشگاه‌های شرکت‌کننده در این بازی‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. در این پژوهش از روش تحلیل پوششی داده‌ها که ابزار مناسبی برای ارزیابی واحدهای تصمیم‌گیری است، استفاده شد. شیوه‌های مرسوم ارزیابی عملکرد عموماً سطح خروجی‌های منتج از عملکرد دانشگاه‌ها را مدنظر قرار می‌دهند؛ درحالی‌که با رویکردی سیستمی به‌راحتی می‌توان دریافت که دستیابی به خروجی‌ها تنها در بستر بهره‌برداری از ورودی‌ها و با استفاده از فرایندهای مناسب امکان‌پذیر است؛ بنابراین، توجه صرف به خروجی‌ها در ارزیابی و مدیریت عملکرد ما را به اشتباه خواهد کشانید؛ از این‌رو، در پژوهش حاضر سعی شد با استفاده از یکی از روش‌های پژوهش عملیاتی با عنوان «روش تحلیل پوششی داده‌ها» این مشکل برطرف شود و مدل مناسبی برای ارزیابی عملکرد و کارایی دانشگاه‌های شرکت‌کننده در بازی‌های المپiad فرهنگی ورزشی دانشجویان طراحی شود و با استفاده از آن عملکرد دانشگاه‌های شرکت‌کننده ارزیابی شود. در این پژوهش از میان مدل‌های تحلیل پوششی داده‌ها که روشی مبتنی بر برنامه‌ریزی ریاضی هستند و برای ارزیابی کارایی نسبی واحدهای تصمیم‌گیری مشابه کاربردهای بسیاری دارند، مدل بازده متغیر نسبت به مقیاس و خروجی-محور انتخاب شد. در مرحله بعد، با در نظر گرفتن شاخص‌های ورودی (تعداد کل دانشجویان دانشگاه و سرانه ورزشی دانشگاه) و شاخص‌های خروجی (جمع امتیاز تیم ورزشی و تعداد ورزشکار راه‌یافته به المپiad) تیم‌های ورزشی شرکت‌کننده در سیزدهمین مسابقات المپiad فرهنگی ورزشی کشور ارزیابی شدند.

در این مدل شاخص‌های ورودی به‌ترتیب جمعیت دانشجویان دانشگاه و میزان سرانه ورزشی دانشگاه‌ها بودند که شاخص‌های ورودی در این پژوهش با عوامل به‌کارگیری شده و شناسایی شده در پژوهش‌های ژانگ و همکاران (۲۰۰۹)، خدایاری و مظفری (۱۳۸۹)، زارعی محمودآبادی و همکاران (۱۳۹۲)، سجادی و سلیمانی (۱۳۹۳) و اسکندری و همکاران (۱۳۹۶) هم‌راستا بودند؛ به‌طوری‌که ژانگ و همکاران (۲۰۰۹) از دو شاخص تولید ناخالص داخلی و جمعیت کشور به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های قدرت اقتصادی و اجتماعی یک کشور یاد کردند و از این دو شاخص به‌عنوان ورودی تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کردند. همچنین، اسکندری و همکاران (۱۳۹۶) از منابع مالی، ساختار سازمانی و منابع انسانی به‌عنوان شاخص‌های ورودی استفاده کردند. از طرفی، خدایاری و مظفری (۱۳۸۹) با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها به تعیین رتبه‌بندی و بهره‌وری دانشکده‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی پرداختند و از بودجه به‌عنوان یکی از شاخص‌های ورودی در پژوهش خود استفاده کردند؛ از این‌رو، در پژوهش حاضر با استفاده از شاخص‌های استفاده‌شده در پژوهش‌های گذشته و نظرهای

اساتید مدیریت ورزشی به‌عنوان خبرگان، از دو شاخص جمعیت دانشجویان دانشگاه و میزان سرانه ورزشی به‌عنوان ورودی مدل تحلیل پوششی داده‌ها استفاده شد.

در مجموع، از ۲۴ تیم ورزشی پسران در دانشگاه‌های کشور، ۱۰ تیم دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه تهران، دانشگاه زنجان، دانشگاه مازندران، دانشگاه کاشان، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، دانشگاه اراک، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، دانشگاه بیرجند و دانشگاه ایلام حداکثر کارایی؛ یعنی ۱۰۰ درصد را به‌دست آوردند. در این پژوهش، به‌ترتیب از جمع امتیاز تیم ورزشی پسران و تعداد ورزشکار پسر راه‌یافته به المپیاد به‌عنوان خروجی مدل استفاده شد که شاخص‌های انتخابی با شاخص‌های به‌دست‌آمده در پژوهش‌های عیدی و همکاران (۱۳۹۳) و سوس و همکاران (۲۰۱۷) هم‌راستا هستند. به‌نظر می‌رسد که مدل پیشنهادی توجه منصفانه‌ای به ظرفیت‌های هر دانشگاه در کسب امتیاز دارد؛ برای مثال، دانشگاهی مانند تبریز با جمعیت دانشجویی پسر نزدیک به ۹۰۰۰ نفر توانسته است در مجموع ۷۱ امتیاز از این بازی‌ها را کسب کند؛ در حالی که دانشگاهی مانند اراک که جمعیت پسران آن نزدیک به ۳۰۰۰ نفر است، موفق شده است ۳۵ امتیاز کسب کند. این در حالی است که در رتبه‌بندی برگزارکنندگان این رقابت‌ها به تیم ورزشی پسران دانشگاه تبریز رتبه‌ای بالاتر از دانشگاه اراک اختصاص داده می‌شود؛ اما در مدل پیشنهادی این پژوهش به دانشگاه اراک رتبه‌ای بالاتر از دانشگاه تبریز اختصاص داده می‌شود که این نوع رتبه‌بندی دانشگاه‌ها تا حد زیادی منصفانه‌تر از رتبه‌بندی دانشگاه با استفاده از تنها مجموع امتیازهای کسب‌شده هر دانشگاه است.

از طرفی، در مجموع از ۲۳ تیم ورزشی دختر در دانشگاه‌های کشور، هشت تیم دانشگاه کوثر بجنورد، دانشگاه تهران، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه الزهراء، دانشگاه شیراز، دانشگاه بیرجند، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه زنجان حداکثر کارایی؛ یعنی ۱۰۰ درصد را به‌دست آوردند. به‌نظر می‌رسد که مدل پیشنهادی توجه منصفانه‌ای به ظرفیت‌های هر دانشگاه در کسب امتیاز دارد؛ برای مثال، دانشگاهی مانند تهران با جمعیت دانشجویی دختر نزدیک به ۲۲۰۰۰ نفر توانسته است در مجموع ۱۹۹ امتیاز مختلف از این بازی‌ها را کسب کند؛ در حالی که دانشگاهی مانند کوثر بجنورد که جمعیت دختران آن نزدیک به ۵۰۰ نفر است، موفق شده است ۲۰ امتیاز کسب کند. این در حالی است که در رتبه‌بندی برگزارکنندگان این رقابت‌ها به تیم ورزشی دختران دانشگاه تهران رتبه‌ای بالاتر از دانشگاه کوثر بجنورد اختصاص داده می‌شود؛ اما در مدل پیشنهادی این پژوهش به دانشگاه کوثر بجنورد رتبه‌ای بالاتر از دانشگاه تهران اختصاص داده می‌شود که این نوع رتبه‌بندی دانشگاه‌ها تا حد زیادی منصفانه‌تر از رتبه‌بندی دانشگاه با استفاده از تنها مجموع امتیازهای کسب‌شده هر دانشگاه است. شایان ذکر است در مدل پیشنهادی، رتبه هر دانشگاه براساس ارتباط بین نهادها و ستاده‌ها در نظر گرفته می‌شود و در مقایسه با دیگر دانشگاه‌ها است و اینکه در دانشگاهی با شرایط نامساعدتر از نظر

برخی نهادها مانند میزان سرانه ورزشی، تعداد جمعیت پسر دانشگاه توانسته است جایگاه برتری را نسبت به دانشگاه‌های دیگر کسب کند. این اصل که دانشگاه موردنظر توانسته است با همین وضعیت نامطلوب، ستاده‌های بیشتری را کسب کند، یکی از راهکارهای ارتقای کارایی است؛ بنابراین، توجه مسئولان برای ارزیابی کارایی تیم‌های ورزشی به مواردی همچون تعداد جمعیت دانشجوی دانشگاه، میزان فضاهای ورزشی موجود آن‌ها و تعداد سهمیه کسب‌شده توسط آن‌ها مهم است.

از نتایج قابل توجه پژوهش حاضر این است که رتبه‌بندی براساس مدل تحلیل پوششی داده‌ها نشان داد که در گروه پسران، دانشگاه فردوسی مشهد رتبه اول و در گروه دختران، دانشگاه کوثر بجنورد رتبه اول را کسب کرده‌اند. این درحالی است که براساس مدال‌های کسب‌شده، دانشگاه کوثر بجنورد رتبه ۱۱ را کسب کرده بود و دلیل این اختلاف در استفاده بهینه از منابع محدود برای کسب مدال است که در مدل تحلیل پوششی داده‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. همچنین، در گروه پسران، دانشگاه یزد براساس مدال‌های کسب‌شده رتبه نهم را کسب کرده است؛ درحالی که براساس مدل تحلیل پوششی داده‌ها رتبه ۲۳ (کارایی ۵۰ درصد) را به دست آورده است. دلیل این تفاوت قابل توجه در دو نوع رتبه‌بندی، در لحاظ کردن میزان منابع (ورودی‌ها) مورد استفاده برای کسب ستانده‌ها (خروجی‌ها) در مدل تحلیل پوششی داده‌ها و استفاده نامناسب از منابع در کسب مدال است.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های دیگر با استفاده از مدل طراحی شده عملکرد تیم‌ها، استان‌های کشور و دانشگاه‌ها در سایر مسابقات ورزشی ارزیابی شود. همچنین، می‌توان با استفاده از تکنیک‌های عارضه‌یابی زمینه‌دستیابی دانشگاه‌های ناکارا به سطح کارایی بالاتر را فراهم کرد. همچنین، می‌توان با اضافه کردن ورودی‌هایی همچون تعداد مربیان و سرپرستان ورزشی دانشگاه‌ها، اردوهای ورزشی برگزارشده توسط دانشگاه‌ها، بودجه ورزشی دانشگاه‌ها، تعداد کارشناسان ورزشی اداره‌های تربیت‌بدنی دانشگاه‌ها و رشته‌های ورزشی فعال در دانشگاه‌ها، دقت ارزیابی دانشگاه‌های شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک را افزایش داد.

منابع

1. Andersen, P., & Petersen, N. C. (1993). A procedure for ranking efficient units in DEA. *Management Science*, 39, 1261-1264.
2. Askariyan, F., Jafari, A., & Fakhri, F. (2015). Influential factors on athletic performance in Iran. *Sports Management Studies*, 7(29), 37-50. (Persian).
3. Azar, A., Zarei Mahmoudabadi, M., & Emrouznejad, A. (2016). A new fuzzy additive model for determining the common set of weights in Data Envelopment Analysis. *Journal of Intelligent & Fuzzy Systems*, 30(1), 61-69.
4. Azar, A., Zarei Mahmoudabadi, M., Moghbel Baerz, A., & Khadivar, A. (2014). Evaluating branches productivity of bank by using network data envelopment analysis approach. *Journal of Monetary and Banking Researches*, 7(20), 285-305. (Persian).

5. Charnes, A., Cooper, W. W., & Rhodes, E. (1978). Measuring the efficiency of decision making units. *European Journal of Operational Research*, 2, 429-444.
6. Eydi, H., Abbasi, H., Nazari, F., Eydipour, K., & Souri, A. (2014). Evaluation and analysis of Iranian athletes performance in the summer Olympics Games (London 1948-2012). *Practical Research in Sports Management*, 2(8), 91-102. (Persian).
7. Eydi, H., & Asgari, A. (2014). Appraisal and analyze of Iran performance in the Asian games compared with other competitors organizational behavior. *Management in Sport Studies*, 1(1), 73-84. (Persian).
8. Khodayari, A., amirtash, A. M., & Mozafari, A. M. (2009). The application of data envelopment analysis method to determine productivity and to rank faculties and departments of physical education and sport sciences. *Journal of Sport Management*, 1(2), 117-248.
9. Nevill, A., Atkinson, G., & Hughes, M. (2008). Twenty-five years of sport performance research in the *Journal of Sports Sciences*. *Journal of Sports Sciences*, 26, 413-426.
10. Nezaad Sajjadi, S. A., & Soleimani, J. (2014). Identify and prioritize the criteria of performance evaluation of Iranian sport federation form expert point of view sing the AHP model. *Sports Management Studies*, 6(23), 179-192. (Persian).
11. Pierce, J. (1996). Efficiency progress in the new south wale government. Available at: www.treesury.nsw.gov.edu (Accessed, 9 April 2017).
12. Shabanibahar, Gh. R., & Parsaju, A. (2014). Reviewing and optimizing the performance evaluation indicators of athletic boards of hamedan province. *Contemporary Study of Sport Management*, 3(6), 39-47. (Persian).
13. Skandari Dastgiri, S., Amirtash, A. M., & Safania, A. M. (2018). Performance measurement of selected Iranian sport federations using data envelopment analysis by an approach to fuzzy systems, 5(19), 23-36.
14. Soós, I., Flores Martínez, J. C., & Szabo, A. (2017). Before the Rio games: A retrospective evaluation of the effects of the population size, GDP and national temperature on winning medals at the 2012 London Olympic Games. *Journal of Human Sport and Exercise*, 12(1), 246-250.
15. Soleimani, D., Hamidi, M., & Sajjadi, N. (2014). Performance evaluating of Iranian football primer League by marging DEA with AHP. *Sport Management Studies*, 22, 105-126.
16. Tahari Mehrjardi, M. H., Zanjirchi, S. M., Babaei, H., & Zarei Mahmoudabadi, M. (2012). Extension a nonparametric model for measuring the performance of participating nations at the Olympic Games. *Journal of Sport Management*, 4(14), 177-196. (Persian).
17. Tone, K., & Tsutsui, M. (2014). Dynamic DEA with network structure: A slacks-based measureapproach. *Omega*, 42, 124-131.
18. Vahdani, M., Paimozd, M., & Rezasoltani, N. (2016). The relationship between sport motivation and athletic burnout in male soccer players participating in the 12th universiade. *Journal of Sport Management*, 8(2), 251-264. (Persian).
19. Witzel, M. (2002). A short history of efficiency. *Business Strategy Review*, 13, 38-47.
20. Zarei Mahmoudabadi, M., (2018). New models in data envelopment analysis (DEA). Yazd University Publishing. (Persian)

21. Zarei Mahmoudabadi, M., (2016). Multilevel measuring of efficiency in banking industry (Network slacks-based measure approach). *Journal of Industrial Management*, 8(3), 359-380. (Persian).
22. Zarei Mahmoudabadi, M., Azar, A., & Emrouznejad, A., (2018). A novel multilevel network slacks-based measure with an application in electric utility companies. *Energy*, 158, 1120-1129.
23. Zarei Mahmoudabadi, M., Tahari Mehrjardi, M. H., & Mahdavian, A. (2014). Evaluation of R & D activities in Iran: Data envelopment analysis approach. *Journal of Industrial Management*, 6(1), 55-74. (Persian).
24. Zarei Mahmoudabadi, M., Tahari Mehrjardi, M. H., & Mohebbi, H. (2013). Presentation a new model for measuring the performance of participating nations at the international game. *Journal of Sport Management Review*, 5(17), 105-124. (Persian).
25. Zhang, D., Li, X., Meng, W., & Liu, W. (2009). Measuring the performance of nations at the Olympic Games using DEA models with different preferences. *Journal of the Operational Research Society*, 60, 983-990.

استناد به مقاله

رضوی، سیدمحمدجواد، زارعی محمودآبادی، محمد، پورکیانی، محمد، امامی، فرشاد. (۱۳۹۷). ارزیابی کارایی نسبی تیم‌های ورزشی دانشگاه‌ها در سیزدهمین المپیاد فرهنگی ورزشی کشور با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۱۷۹-۲۰۰. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5812.1453

Razavi, SMJ, Zarei Mahmoudabadi, M., Pourkiani, M., Emami, F. (2019). Evaluation of the Relative Efficiency of Universities Sport Teams at the Thirteenth Iranian National Cultural-Sport Olympiad Using Data Envelopment Analysis. *Research on Educational Sport*, 6(15): 179-200. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.5812.1453

اثر آگاهی، احساسات و شدت اخلاقی در قصد خرید پوشاک ورزشی تقلبی

بهزاد ایزدی^۱، عابد محمودیان^۲

۱. استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۹

چکیده

امروزه، پدیده تقلب به عنوان مشکل بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سراسر جهان مطرح می‌شود. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر نیز بررسی اثر آگاهی، احساسات و شدت اخلاقی در قصد خرید برندهای تقلبی پوشاک ورزشی بود. پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی - همبستگی انجام شد. دانشجویان رشته تربیت بدنی دانشگاه کردستان به روش سرشماری (N=۲۰۰) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد، متغیر آگاهی اخلاقی بر قضاوت اخلاقی (۰/۵۹)، احساسات اخلاقی (۰/۵۸) و شدت اخلاقی (۰/۹۰) اثر معنادار دارد. همچنین متغیر احساسات اخلاقی با قضاوت اخلاقی و شدت اخلاقی و قضاوت اخلاقی با قصد خرید نیز رابطه معناداری داشت و مدل ارائه شده دارای برازش مناسبی بود. می‌توان با طراحی کمپین و برنامه‌هایی برای افزایش آگاهی اخلاقی مصرف‌کنندگان از طریق بیان پیامدها و آسیب‌های خرید و مصرف برندهای پوشاک ورزشی تقلبی، سطح احساسات اخلاقی و شدت اخلاقی مصرف‌کنندگان را بالا برده تا قضاوت اخلاقی بهتری داشته و در نهایت قصد خرید و مصرف برندهای تقلبی پوشاک ورزشی را کاهش داد.

واژگان کلیدی: آگاهی اخلاقی، احساسات اخلاقی، پوشاک تقلبی، شدت اخلاقی، قصد خرید

مقدمه

جعل و تقلب پدیده‌ای جهانی است که در سال‌های اخیر به صورت فوق‌العاده‌ای در حال رشد است و پیامدهای منفی متعددی را به دنبال دارد که نه تنها گریبان‌گیر کسب‌وکارهای مشروع شده بلکه مصرف‌کنندگان، صاحبان مشاغل و حتی جامعه را نیز دربر گرفته است (مارتینز و یایگر، ۲۰۱۶). ائتلاف بین‌المللی ضد تقلب (IACC) اعلام داشته است، که صنعت کالاهای تقلبی در ۲۰ سال گذشته بیش از ۱۰۰۰۰٪ افزایش داشته است (چودری و زیمرمن، ۲۰۱۳). همچنین این ائتلاف تخمین می‌زند که ۵ تا ۷ درصد از تجارت جهانی، از تجارت کالاهای تقلبی تشکیل شده است و اعلام کرده که درآمد حاصل از تجارت کالاهای تقلبی در سراسر جهان در سال حدود ۶۰۰ میلیارد دلار است. مصرف‌کنندگان آسیایی نسبت به مصرف‌کنندگان کشورهای اروپایی تمایل بیشتری به خرید کالاهای تقلبی دارند. به علاوه طیف گسترده‌ای از کالاهای تقلبی در کشورهای آسیایی در دسترس بوده و آشکارا در بازار فروخته می‌شوند (تانگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۴؛ هاملین^۵ و همکاران، ۲۰۱۳). به نظر می‌رسد که مصرف‌کنندگان از خطرات احتمالی مرتبط با مصرف کالاهای تقلبی آگاه بوده و نیز می‌دانند که تولید و توزیع محصولات تقلبی به وسیله افرادی انجام می‌گیرد که نسبت به شرایط کار در کارگاه‌ها و استانداردهای زیست محیطی بی‌توجه هستند. همچنین دستمزد ناعادلانه، شرایط کاری نامناسب، استفاده از کودکان کار، عدم پرداخت مالیات، تحمیل ضرر مالی به مالکان برندهای اصلی، آسیب به اقتصاد کشور، کاهش فرصت‌های شغلی، تهدید سلامت افراد جامعه و بسیاری دیگر از موارد از پیامدهای تولید کالاهای تقلبی است (آرگت، ۲۰۱۴).

با وجود این جنبه‌های منفی، تقاضای مصرف محصولات تقلبی از سوی مصرف‌کنندگان بالا است. بنابراین محققان علاقه‌مندند تا عوامل مؤثر در ترغیب مصرف‌کنندگان به خرید محصولات تقلبی را پیدا کنند (مارتینز و یایگر، ۲۰۱۶). تحقیقات انجام گرفته در این زمینه به تأثیر عوامل مختلفی از جمله ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های محصول و تأثیرات اجتماعی - فرهنگی را بر رفتار خرید محصولات تقلبی از سوی مصرف‌کنندگان اشاره کرده‌اند (آیزند و گولر، ۲۰۰۶؛ استاکی^۸ و همکاران، ۲۰۰۹).

-
1. Martinez & Jaeger
 2. International Anti-Counterfeit Coalition
 3. Chaudhry & Zimmerman
 4. Tang
 5. Hamelin
 6. Arget
 7. Eisend & guler
 8. Staake

همچنین کیم^۱ و همکاران (۲۰۰۹) و زامپتاکیس^۲ (۲۰۱۴) ابراز کردند که احساسات فردی نیز بر قصد خرید محصولات تقلبی اثرگذارند.

با توجه به اینکه جعل و تقلب را می‌توان به‌کار و شرایط محیطی ضعیف مرتبط دانست. عمل خرید یک محصول تقلبی نشان دهنده یک معضل اخلاقی است که ممکن است منجر به ایجاد احساسات اخلاقی خاصی مانند گناه شود، که به نوبه خود ممکن است از انجام رفتار خرید جلوگیری به عمل بیاورد (مارتینز و یاگر، ۲۰۱۶). با وجود محبوبیت پوشاک ورزشی در میان مصرف‌کنندگان، مصرف پوشاک ورزشی تقلبی تاکنون مورد تحقیق و پژوهش آکادمیک قرار نگرفته است (چیو^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد، بازار محصولات تقلبی در زمینه پوشاک ورزشی در حال رشد است. لیگ ملی فوتبال در ایالات متحده آمریکا گزارش داده که درآمد حاصل از فروش کالاهای ورزشی تقلبی در سال ۲۰۱۲ بیش از ۴۰ میلیون دلار بوده است (یومار^۴، ۲۰۱۵).

از این‌رو بررسی خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از طرف دیگر بیشتر تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، مربوط به خرید و مصرف کالاهای لوکس بوده است، پوشاک ورزشی نیز جزء این دسته از کالاها به شمار می‌آید. علاوه بر این پوشاک ورزشی معمولاً دارای قیمت پایین‌تری از برندها و کالاهای لوکس است. همچنین پوشاک ورزشی علاوه بر اینکه دارای عملکرد نمادین که از ویژگی‌های دسته کالاهای لوکس است، دارای ارزش کارکردی و بهبود عملکرد نیز بوده و آسایش را برای مصرف‌کنندگان به ارمغان می‌آورد (چیو و همکاران، ۲۰۱۴).

کالای تقلبی، کالایی است که مصرف‌کننده را فریب داده تا باور کند، کالا واقعی است (گرگوری^۵، ۲۰۰۱). همچنین کالاهای تقلبی به‌عنوان کالایی تعریف می‌شوند که به نسخه اصلی از جمله در بسته‌بندی، علائم تجاری و برچسب‌ها شبیه بوده و معمولاً در قیمت و کیفیت پایین‌تری به‌فروش می‌رسند (آنگ^۶، ۲۰۰۱). تقلب در دو شکل مختلف، به دو صورت تقلب فریبنده و غیر فریبنده وجود دارد (کیم و کارپووا^۷، ۲۰۱۰). در تقلب فریبنده، مصرف‌کننده نمی‌داند، کالایی که او خریده است، اصلی نیست. تقلب غیر فریبنده زمانی رخ می‌دهد که مصرف‌کننده به‌طور کامل، با توجه به قیمت

-
1. Kim
 2. Zampetakis
 3. Chiu
 4. Umar
 5. Gregory
 6. Ang
 7. Kim & Karpova

پایین، محل خرید و کیفیت محصول، از این که کالا اصلی نیست و تقلبی بوده، آگاهی کامل دارد (مارتیکونت و آرکاند، ۲۰۱۷).

توجه به گروه مصرف‌کنندگان غیر فریبنده بسیار جالب است، زیرا تقاضای آنان به خرید و مصرف کالاهای تقلبی یکی از دلایل اصلی رشد و شکوفایی صنعت کالاهای تقلبی شده است (کیم و کارپووا، ۲۰۱۰). حدود $\frac{1}{3}$ مصرف‌کنندگان کالاهای تقلبی، آگاهانه رفتار خرید را انجام می‌دهند. این واقعیت آنقدر جدی است که برخی از مصرف‌کنندگان، حتی ممکن است برندهای تقلبی را به برندهای اصلی ترجیح دهند (آرگنت، ۲۰۱۴). بنابراین مطالعه حاضر بر شکل غیر فریبنده تقلب تمرکز خواهد کرد. بسیاری از مطالعات گذشته بر رابطه بین نگرش مصرف‌کننده و قصد خرید برای بررسی و توضیح رفتار خرید تمرکز داشته‌اند (پنز و استوتنجر، ۲۰۰۵؛ جیرومونتري، ۲۰۱۳) و ابراز می‌کنند که نگرش، شاخصی عالی برای قصد خرید کالاهای تقلبی است (میکائیدو و کریستوتولیدز، ۲۰۱۱؛ فائو^۵ و همکاران، ۲۰۰۹). جنبه‌های محصول، زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی، محیط خرید و ویژگی‌های جمعیت شناختی از جمله عواملی هستند که بر قصد خرید و مصرف کالاهای تقلبی به‌وسیله محققان بررسی شده و در تحقیقات گوناگون نتایج ضد و نقیضی به دست آمده است. بر اساس نتایج بیشتر تحقیقات، افراد جوان با درآمد پایین تمایل بیشتری به خرید محصولات تقلبی دارند. همچنین مصرف‌کنندگان مادی‌گرا، مستعد ابتلا به نظرات دیگران و بی تفاوت نسبت به مسائل اخلاقی، اغلب تمایل بیشتری به خرید کالاهای تقلبی از خود نشان داده‌اند (فرناندس، ۲۰۱۳؛ دمتاس^۶ و همکاران، ۲۰۰۷).

درک کیفیت از کالاهای تقلبی (پنز و استوتنجر، ۲۰۰۸)، تمایل به ایجاد هویت و ابراز خود(ویلکاکس^۸ و همکاران، ۲۰۰۹)، رسیدن به منافع داخلی خاص از طریق خرید و مصرف کالاهای تقلبی، مانند بهینه‌سازی و فریب دیگران(پرز^۹ و همکاران، ۲۰۱۰) و درک زرنگی از خرید محصولات تقلبی (پنز و استوتنجر، ۲۰۰۸)، عوامل دیگری هستند که بر قصد خرید مصرف‌کنندگان کالاهای تقلبی اثرگذارند. اگرچه خرید یک محصول تقلبی یک عمل مجرمانه نیست، اما فردی که به خرید و مصرف یک محصول تقلبی اقدام می‌کند در واقع به‌صورت غیرمستقیم از یک فعالیت غیر قانونی حمایت کرده است (مارتینز

-
1. Marticotte & Arcand
 2. Penz & Stottinger
 3. Jirotmontree
 4. Michaelidou & Christodoulidis
 5. Phau
 6. Fernandes
 7. De Matos
 8. Wilcox
 9. Perez

و یایگر، ۲۰۱۶). از این رو خرید و یا قصد خرید یک محصول تقلبی می‌تواند به‌عنوان سوء رفتار مصرف‌کننده در نظر گرفته شود (پنز و استوتنگر، ۲۰۰۵). برخی از محققان بعد اخلاقی خرید محصولات تقلبی را برجسته کرده‌اند (چیو و همکاران، ۲۰۰۵؛ هیلتون^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). به‌طور خاص محققانی که به پژوهش در این زمینه علاقه داشته‌اند عواملی مانند تعهد اخلاقی (میکائیدو و کریستوتولیدز، ۲۰۱۱)، قضاوت اخلاقی (فرناندس، ۲۰۱۳)، یکپارچگی شخصی (دماتاس و همکاران، ۲۰۰۷) را در مدل‌های پژوهش خود گنجانیده‌اند. یکی از مطرح‌ترین این مدل‌ها، که مدلی برای توضیح تصمیم‌گیری اخلاقی مصرف‌کنندگان است، شامل ۴ جزء، ۱- تشخیص یک مسئله اخلاقی در وضعیت (آگاهی اخلاقی)، ۲- تصمیم بر این‌که از نظر اخلاقی چه چیزی درست یا نادرست است (قضاوت اخلاقی)، ۳- در اولویت بودن نگرانی‌های اخلاقی نسبت به دیگر نگرانی‌ها (قصد اخلاقی) و ۴- شرکت در عمل اخلاقی (رفتار اخلاقی) است (جوردن، ۲۰۰۷). جزء اول و دوم، دو متغیری هستند که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

آگاهی اخلاقی: آگاهی اخلاقی اولین گام مهم در فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی است. و تحت عنوان توانایی فرد در تشخیص وضعیتی که شامل یک مسئله اخلاقی است، تعریف می‌شود (لینکولد و هولمز، ۲۰۱۱). در این مطالعه آگاهی اخلاقی به توانایی شناختی در تشخیص مسئله اخلاقی در یک وضعیت برمی‌گردد. محققان بر اهمیت آگاهی اخلاقی تأکید کرده و معتقدند که بدون شناخت جنبه اخلاقی از یک وضعیت، غیر ممکن است برای حل هرگونه مشکل اخلاقی اقدام شود (کلارکبرن^۲، ۲۰۰۲). اگر مصرف‌کننده نسبت به یک مسئله اخلاقی در یک وضعیت آگاه باشد، بعید به‌نظر می‌رسد که در تصمیم‌گیری او تغییری ایجاد نشود (جونز^۳؛ ۱۹۹۱). آگاهی اخلاقی بر قضاوت اخلاقی مصرف‌کننده به هنگام مصرف کالای تقلبی و فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی مصرف‌کننده اثر دارد (جوردن، ۲۰۰۷). ایشیدا^۴ و همکاران (۲۰۱۶) نیز اثر آگاهی اخلاقی بر قضاوت اخلاقی را مثبت اعلام کرده است. زمانی که مردم از مسائل اخلاقی در خرید یک محصول تقلبی آگاه باشند، به احتمال بیشتری، درک خواهند کرد که این یک عمل غیر اخلاقی است (مارتینز و یایگر، ۲۰۱۶).

قضاوت اخلاقی: قضاوت اخلاقی به عنوان این‌که چه چیزی درست یا نادرست است، تعریف شده است (لینکولن و هولمز، ۲۰۱۱). تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که قضاوت اخلاقی افراد رفتار و قصد و نیت

-
1. Hilton
 2. Jordan
 3. Lincoln & Holmes
 4. Clarkeburn
 5. Jones
 6. Ishida

آنها در شرایط مصرف و خرید قلبی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مورس و چانگ، ۲۰۰۶؛ تان، ۲۰۰۲؛ واگنر و ساندرس، ۲۰۰۱). شارما و چان^۳ (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود تحت‌عنوان ابهام‌زدایی از رفتار خرید قلبی عمدی به‌سوی یک چهارچوب مفهومی واحد و یکپارچه، گزارش کردند که قضاوت اخلاقی بر قصد خرید محصولات قلبی اثر دارد. همچنین ها و لنون^۴ (۲۰۰۶) در تحقیق خود تحت عنوان تأثیر قضاوت اخلاقی مصرف‌کننده بر خرید محصولات قلبی ابراز می‌کنند، قضاوت اخلاقی بالاتر فرد، کاهش قصد خرید کالاهای قلبی را به‌دنبال دارد. علاوه بر این مارتینز و یایگر، (۲۰۱۶) معتقدند، کسی که خرید و مصرف محصول قلبی را نادرست و غیراخلاقی تلقی می‌کند، بعید به‌نظر می‌رسد نسبت به خرید آن محصول اقدام کند.

احساسات اخلاقی: در رفتار خرید محصولات قلبی احساسات به‌عنوان منبع اطلاعاتی عمل می‌کنند. در صورتی که خرید منجر به احساسات مثبت شود خرید محصول قلبی اتفاق می‌افتد. اگر احساسات منفی بروز کند، مصرف‌کننده به خرید محصول قلبی اقدام نخواهد کرد (زامپتاکیس، ۲۰۱۴). جالب توجه است بزرگترین نقطه ضعف مصرف‌کنندگان که اغلب در رابطه با خرید محصولات قلبی ابراز می‌کنند، ترس از این‌که دیگران قلبی بودن محصول آنان را تشخیص دهند و احساس شرم به‌آنها دست بزنند (مارتینز و یایگر، ۲۰۱۶). بر این اساس مصرف محصولات قلبی منجر به افزایش واکنش-های پیچیده احساسی می‌شود. بسیاری از مصرف‌کنندگان به گزارش احساس شادی و اضطراب به هنگام خرید محصولات قلبی اشاره کرده‌اند (زامپتاکیس، ۲۰۱۴). با توجه به اهمیت بعد اخلاقی در مورد خرید قلبی، محققان به تازگی شروع به بررسی تأثیرات احساسات اخلاقی بر قضاوت مصرف-کنندگان و قصد رفتار خرید آنان کرده‌اند (کیم و جانسون، ۲۰۱۴).

احساسات اخلاقی، احساساتی هستند که با علایق افراد یا منافع و رفاه خواه جامعه به‌طور کل یا حداقل انسان‌ها بدون توجه به اینکه آنها از چه ارگانی هستند، عجین شده‌اند (هایت، ۲۰۰۳). آنها از احساسات عمومی (به‌عنوان مثال: اندوه، شادی، تعجب) متفاوتند، در واقع به چیزی خارجی مانند رفاه اجتماعی مربوط می‌شوند. احساسات اخلاقی مردم را به تمرکز بر دیگران تحریک و تشویق کرده تا ببینند که چگونه اقداماتشان رفاه دیگران راه تحت تأثیر قرار می‌دهد (دهوگ^۵ و همکاران، ۲۰۰۷).

-
1. Moores & Chang
 2. Tan
 3. Sharma, P., & Chan
 4. Ha & Lennon
 5. Haidt
 6. De Hooge

محققان احساسات اخلاقی را به‌عنوان عنصری مهم در تصمیم‌گیری اخلاقی برجسته کرده‌اند (مونین^۱ و همکاران، ۲۰۰۷؛ هایت، ۲۰۰۳؛ گرین^۲ و هایت، ۲۰۰۲).

با توجه به تحقیق هایت (۲۰۰۳)، چهار دسته مختلف از احساسات اخلاقی را می‌توان شناسایی کرد، که عبارت‌اند از شرم، گناه، خجالت و غرور، که همه آنها جزء طبقه احساسات خودآگاه هستند، یعنی خود بازتاب یا خود ارزیاب هستند. هایت (۲۰۰۳) ادعا می‌کند که در اقدامات اخلاقی، احساسات نقش اولیه و اصلی را دارند. همچنین قضاوت اخلاقی به‌صورت خودکار و به‌عنوان یک نتیجه اخلاقی به‌طور مستقیم بر اساس احساسات اخلاقی شکل می‌گیرند. کیم و همکاران (۲۰۰۹) بر اساس تحقیق خود تحت عنوان اثر احساسات شرم و گناه بر قضاوت اخلاقی و قصد خرید محصولات تقلبی نشان دادند، افرادی که بیشتر احساس گناه و شرم را تجربه می‌کنند، قضاوت اخلاقی بیشتری در مورد خرید محصولات تقلبی داشته و معتقد بودند خرید محصولات تقلبی از نظر اخلاقی نادرست است. به این معنی که، احساس گناه اثر منفی بر قصد خرید محصولات تقلبی از سوی مصرف‌کننده دارد. کیم (۲۰۰۹) در تحقیق میان فرهنگی خود ابراز می‌کند مصرف‌کنندگان کره‌ای احساس خشم، ناراضی‌تی و پشیمانی بیشتری نسبت به مصرف‌کنندگان آمریکایی از خرید محصولات تقلبی نشان می‌دهند. همچنین بیان کرد، احساسات اخلاقی بر قضاوت اخلاقی و قصد خرید محصولات تقلبی تأثیرگذارند. کیم و جانسون (۲۰۱۴) دریافتند که مصرف‌کنندگان قضاوت اخلاقی خود را بر اساس احساسات خود شکل می‌دهند و بیان کردند، احساس شرم و غرور اثر قابل توجهی بر قضاوت اخلاقی آنان برای خرید و مصرف محصولات تقلبی دارند. همانطور که پیش از این مشخص گردید، احساسات اخلاقی نقش مهمی در شرایط مربوط به خرید محصولات غیر قانونی و تقلبی بازی می‌کنند. به‌خصوص احساس شرم و گناه، شدیدترین نوع احساسات در طول مصرف کالای تقلبی هستند (زامپتاکیس، ۲۰۱۴). مصرف‌کنندگان به‌خاطر تشخیص مسائل اخلاقی در وضعیت (آگاهی اخلاقی) واکنش‌های عاطفی منفی مانند: احساس گناه، شرم و یا حتی خشم (به دلیل آگاهی از زیان‌های ناشی از تولید و توزیع محصولات تقلبی) احساس می‌کنند (مارتینز و پایگر، ۲۰۱۶). پنز و ستوتینگر (۲۰۰۵) دریافتند مصرف‌کنندگان با آگاهی قوی‌تر از جنبه‌های اخلاقی مربوط به خرید تقلبی، به احتمال زیاد به‌هنگام تشخیص تقلبی بودنشان از سوی دیگران، احساس خجالت بیشتری می‌کنند.

شدت اخلاقی: جونیز (۱۹۹۱) شدت اخلاقی را میزان ضرورت اخلاقی مرتبط با مسئله اخلاقی در یک وضعیت تعریف کرده است. به عبارتی دیگر شدت اخلاقی تحت عنوان شدت مسئله اخلاقی در وضعیت خرید محصولات تقلبی تعریف می‌شود (ایشیدا و همکاران، ۲۰۱۶). جونیز (۱۹۹۱) شش جزء برای

1. Monin
2. Green

شدت اخلاقی در نظر می‌گیرد که عبارتند از: اندازه عواقب (درجه آسیب‌ها و مزایای مسئله اخلاقی)، احتمال اثر (اتفاق مسئله توام با مضرات و منافع)، فوریت زمانی (فاصله زمانی بین حال و شروع عواقب ناشی از مسئله اخلاقی)، اجماع اجتماعی (میزان توافق اجتماع راجع به مسئله اخلاقی)، غلظت اثر (تعداد افراد مبتلا به وسیله اندازه عواقب مسئله اخلاقی) و نزدیکی (اثر مسئله اخلاقی، مثل: اجتماعی، فرهنگی، روانی و فیزیکی). سوینی و کوستلو^۱ (۲۰۰۹)، اشاره دارد که همبستگی بسیار بالایی بین اجزای شدت اخلاقی وجود دارد.

ایشیدا (۲۰۱۶) در تحقیق خود تحت عنوان شدت اخلاقی، آگاهی اخلاقی و زمینه‌های اخلاقی در تقلب شرکت‌های بیمه بیان می‌کند دانش افراد از شدت عواقب مسئله غیر اخلاقی در وضعیت بر قضاوت و رفتار آنان اثر دارد. علاوه بر این معتقد است، آگاهی اخلاقی بر شدت اخلاقی اثر مثبتی دارد. لینکولن و هولمز (۲۰۱۱)، اثر آگاهی اخلاقی بر شدت اخلاقی را گزارش کردند. تان (۲۰۰۲) گزارش داده است، شدت اخلاقی به‌طور مستقیم بر قصد خرید محصولات قلبی اثرگذار بوده به‌طوری‌که هرگاه مصرف‌کننده خرید محصول قلبی را غیر اخلاقی درک کند، به‌احتمال بیشتر رفتار خرید انجام نمی‌دهد. مای پائولی^۲ (۲۰۰۲) نیز در پژوهش خود اثر شدت اخلاقی بر قضاوت اخلاقی را گزارش کرده است (کیم، ۲۰۰۹). همچنین شواهد نشان می‌دهد که قضاوت اخلاقی تحت تأثیر شدت اخلاقی قرار دارد (سینگر^۳، ۱۹۹۶؛ موریس و مک‌دونالد^۴، ۱۹۹۵؛ کارلسون و همکاران، ۲۰۰۹). از سویی دیگر فورست و همکاران (۱۹۹۶) ابراز کردند شدت اخلاقی هم بر قضاوت اخلاقی و هم بر قصد رفتار اثر دارد. ویتل و پائولیلو^۵ (۲۰۰۲) اثر شدت اخلاقی بر قصد رفتار مصرف‌کنندگان را گزارش کردند. ریدنبک^۶ و همکاران (۱۹۹۶) اعلام کردند، شدت اخلاقی هم بر قضاوت اخلاقی و هم بر قصد رفتار اثر می‌گذارد. کوس کولیک و ویدا^۷ (۲۰۱۶) در تحقیق خود تحت عنوان اثر متقابل محرک‌ها و بازدارنده‌های مقاصد خرید قلبی در اوقات فراغت ابراز داشتند که شدت اخلاقی بر قصد خرید اثر دارد. در واقع شدت اخلاقی بالا، تمایل به دست آوردن و خرید محصولات قلبی را کاهش می‌دهد (تان، ۲۰۰۲؛ چن و همکاران، ۲۰۰۹).

مطالعات قبلی بیان می‌دارند، اکثراً افراد جوان و کم درآمد تمایل بیشتری به خرید محصولات قلبی دارند. همچنین پوشاک ورزشی از کالاهای بسیار محبوب در میان جوانان است. بنابراین دانشجویان

-
1. Sweenney & Costello
 2. May & Pouli
 3. Singer
 4. Morris & mc donald
 5. Vitell & Paolilo
 6. Reidnbach
 7. Kos & Vida

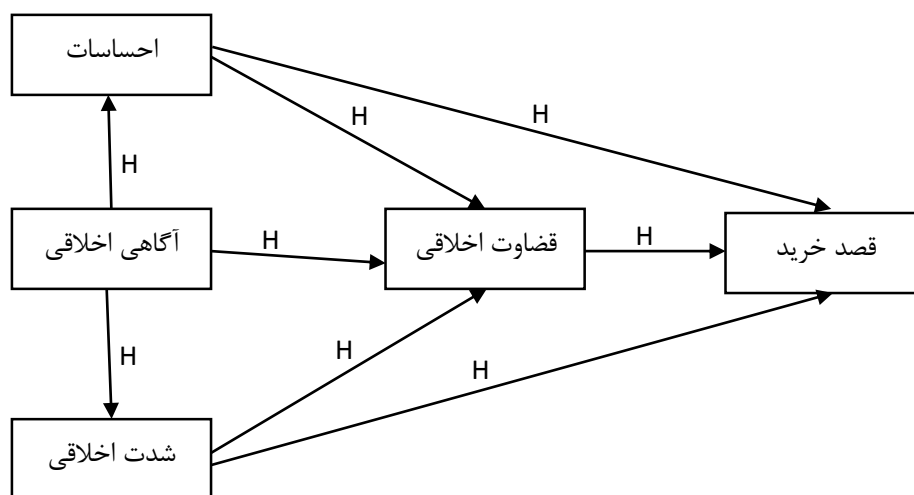
با توجه به سن و درآمد آنها جامعه و نمونه مناسبی برای خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی هستند (کی‌لنگ، ۲۰۱۶). به منظور پیشبرد دانش در رفتار مصرف‌کننده، محققان انواع مختلفی از بخش‌های رفتار مصرف‌کننده را مورد بررسی قرار داده‌اند. در میان این بخش‌ها با توجه به قدرت خرید و ویژگی‌های منحصر به فرد، بازار دانشجویان به عنوان یکی از پرسودترین بازارها در سال‌های اخیر در تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته است (باهنگ و همکاران، ۲۰۱۳). آژانس رفیول^۳ (۲۰۱۵) گزارش کرد دانشجویان در ایالات متحده بیش از ۵۴۵ میلیارد دلار در سال هزینه می‌کنند. دانشجویان طیف گسترده‌ای از محصولات دسته بندی شده را مصرف می‌کنند. پوشاک ورزشی یکی از محبوب‌ترین اقلام خرید برای دانشجویان است. همچنین با وجود اینکه دانشجویان به عنوان گروه مهم مصرف‌کننده در نظر گرفته می‌شوند، اما رفتار مصرف و خرید این گروه بسیار ناشناخته مانده است (چن و جانگ، ۲۰۱۶). باهنگ و همکاران (۲۰۱۳) بیان می‌دارند در حالی که بازار دانشجویان به عنوان گروهی مهم از مصرف‌کنندگان جوان اغلب در مطالعات رفتار مصرف‌کننده و بازار مورد غفلت قرار گرفته است. دانشجویان در سال ۱۸/۶ میلیارد دلار در لباس و کفش هزینه می‌کنند (آژانس رفیول، ۲۰۱۵). دانشجویان به عنوان مرفه‌ترین مصرف‌کنندگان نه تنها برای بازار فعلی، بلکه برای بازار آینده نیز در نظر گرفته می‌شوند. همچنین دانشجویان در تصمیم‌گیری خرید خانواده و همسالان به خاطر اینکه آنها به عنوان پیشگامان مد و مصرف محصولات جدید هستند، نفوذ زیادی را اعمال می‌کنند (چن و جانگ، ۲۰۱۶).

بازار دانشجویان بازاری جذاب و فرصتی برای ایجاد توسعه و وفاداری نسبت به برند خاصی است (آژانس رفیول، ۲۰۱۵). بیشتر مطالعات انجام گرفته در بازار دانشجویان در زمینه ویژگی‌های جمعیتی شناختی و نگرش آنان بوده است، نه رفتارهای مصرف‌کنندگان. از یک طرف کشور ایران به عنوان یکی از بزرگترین بازارهای مصرفی پوشاک ورزشی تقلبی است. از سویی دیگر بیش از ۰/۶ جمعیت کشور ایران جوان بوده و بیش از ۴ میلیون دانشجو نیز در ایران مشغول تحصیل هستند. بر این اساس می‌توان برداشت کرد، دانشجویان در ایران بخش بزرگی از بازار خرید و فروش پوشاک ورزشی را تشکیل می‌دهند.

بنابراین، با توجه به فقدان تحقیقات دانشگاهی در مورد تأثیر احساسات در زمینه کالاهای تقلبی در داخل کشور، هدف از این مطالعه بررسی احساسات اخلاقی، آگاهی اخلاقی، شدت اخلاقی و قضاوت

-
1. Keat Leng
 2. Bahng
 3. Refule
 4. Chen & Jang
 5. Bahng

اخلاقی و تأثیر آنها در روند خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی می باشد. با تکیه بر تحقیقات قبلی این مطالعه به درک عمیق تر از تأثیر اخلاق در تصمیم‌گیری اخلاقی و انگیزه مصرف‌کنندگان به شرکت در رفتار خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی منجر شده و بینش جدیدی را برای سیاست‌مداران جهت آموزش و آگاهی مصرف‌کنندگان نسبت به خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی و همچنین کمک به آنها برای طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثر برای محدود کردن خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی است. این مطالعه نه تنها به ادبیات جعل و تقلب کمک می‌کند بلکه تنها مطالعه ای در داخل کشور است که تأثیر اجزای شناختی و عاطفی را در فرآیند خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی بررسی کرده است. مطالعه حاضر بینش جدیدی را برای پژوهشگران علاقه‌مند به پدیده مصرف برندهای تقلبی پوشاک ورزشی و سیاست عمومی به ویژه برای تولیدکنندگان، بازاریابان و ارائه دهندگان خدمات ضد جعل و تقلب پوشاک ورزشی ارائه می‌دهد. همچنین به کسانی که به مهار تمایلات مصرف‌کنندگان نسبت به برندهای تقلبی پوشاک ورزشی علاقه‌مندند، کمک می‌کند.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش اقتباس از مارتینز و یایگر (۲۰۱۶)

روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. از آنجایی که دانشجویان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی بیشتر از سایر دانشجویان پوشاک ورزشی خرید و مصرف می‌کنند، پس دانشجویان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه کردستان به روش سرشماری (N= 200) به عنوان نمونه انتخاب شدند. پرسشنامه‌های مورد استفاده (احساسات اخلاقی از کیم و جانسون (۲۰۱۴)، آگاهی اخلاقی از

ایشیدا و همکارا (۲۰۱۶)، شدت اخلاقی از کوسکولیک و ویدا (۲۰۱۶)، قضاوت اخلاقی از کیم و جانسون (۲۰۱۴) و قصد خرید کوسکولیک و ویدا (۲۰۱۶)، پس از ترجمه به زبان فارسی و اعمال تغییرات و اصلاحات لازم، برای روایی صوری و محتوایی پرسشنامه از نظرات کارشناسان و برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ و از تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی روایی سازه استفاده شد (جدول ۱). با استفاده از سایت کافه پردازش، پرسشنامه به صورت آنلاین طراحی شد. لینک پرسشنامه به گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی مربوط به دانشجویان رشته تربیت‌بدنی دانشگاه کردستان ارسال شده و از اعضای گروه و کانال‌ها خواسته شد که از طریق لینک به پرسشنامه پاسخ دهند. در ابتدا با توصیف سناریویی در پرسشنامه از شرکت‌کنندگان خواسته شده بود تصور کنند برای خرید یک کالای ورزشی به فروشگاه‌هایی که به فروش پوشاک ورزشی قلبی مشغول است، وارد می‌شوند. و پوشاک ورزشی قلبی با برندهای معروف ورزشی را می‌بینند که در تمام جنبه‌ها به برند اصلی شبیه بوده، اما از برند و آرم برند اصلی بدون اجازه بر روی محصولات قلبی استفاده شده است. در حالی که تفاوت بین کالای اصلی و قلبی را تشخیص می‌دهند، اقدام به خرید کالای قلبی می‌کنند (کیم و جانسون، ۲۰۱۴). از شرکت‌کنندگان خواسته شد با تمرکز بر این سناریو و تصور خود در آن موقعیت به همه سؤالات پاسخ دهند.

متغیر احساسات اخلاقی با ۵ سوال در طیف لیکرت ۵ (اصلاً تجربه نکردم = ۱ تا به شدت تجربه کردم = ۵)، متغیر آگاهی اخلاقی با ۳ سوال، متغیر شدت اخلاقی با ۳ سوال، متغیر قضاوت اخلاقی با ۴ سوال و متغیر قصد خرید کالاهای قلبی با ۳ سوال در طیف لیکرت ۷ (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۷) مورد سنجش قرار گرفتند. در نهایت ۱۸۷ پرسشنامه از طریق سایت کافه پردازش برگشت و فرآیند تجزیه و تحلیل با ۱۸۷ پرسشنامه انجام گرفت. با احتساب ۱۸۷ پرسشنامه برگشتی، نرخ پاسخ ۸۹ درصد بود. نتیجه آزمون تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که تمامی سؤالات دارای بار عاملی مناسبی (بار عاملی بالاتر از ۰/۴) هستند. با توجه به نتایج آزمون آلفای کرونباخ که در تمامی شاخص‌ها مقدار آن بیشتر از ۰/۶ بود می‌توان اذعان نمود که سؤالات برای شاخص‌ها دارای پایایی مناسبی بوده و ابزار اندازه‌گیری از همسانی درونی خوبی برخوردار است (جدول ۱). میانگین و انحراف استاندارد پاسخگویی شرکت‌کنندگان به دو سوال (که در انتهای پرسشنامه در طیف لیکرت ۷ آورده شده بودند) "بعد از خواندن سناریو تا چه اندازه تصور اینکه در آن وضعیت باشید، آسان بود؟" به ترتیب برابر با ۵/۶۵ و ۱/۴۸ و سوال "تا چه اندازه سناریو به صورت واقعی توصیف شده بود؟" به ترتیب برابر با ۵/۹۵ و ۱/۰۱ بود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت شرکت‌کنندگان توانسته‌اند خود را در سناریو تعریف شده تصور کرده و رفتار واقعی خرید و مصرف پوشاک ورزشی قلبی را از خود نشان دهند. همچنین به منظور سازمان دادن، طبقه‌بندی و خلاصه نمودن داده‌های خام از آمار توصیفی و در بخش آمار

استنباطی از آزمون مدل معادلات ساختاری برای بررسی برازش مدل تحقیق استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای آماری اس.پی.اس.اس و آموس نسخه ۲۳ انجام پذیرفت.

جدول ۱. شاخص‌ها، منابع مورد استفاده پرسشنامه و میزان همسانی درونی پرسشنامه

شاخص	تعداد گویه	منابع پرسشنامه	آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ها	پایایی کل
احساسات اخلاقی	۵	کیم و جانسون (۲۰۱۴)	۰/۸۵	۰/۸۷
آگاهی اخلاقی	۳	ایشیدا و همکاران (۲۰۱۶)	۰/۶۴	
شدت اخلاقی	۳	کوسکولیک و ویدا (۲۰۱۶)	۰/۶۵	
قضاوت اخلاقی	۴	کیم و جانسون (۲۰۱۴)	۰/۷۸	
قصد خرید	۳	کوسکولیک و ویدا (۲۰۱۶)	۰/۷۶	

نتایج

ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در تحقیق در جدول شماره ۲ اشاره شده است:

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در تحقیق

متغیر	جنسیت		تحصیلات				سن	
	مرد	زن	کارشناسی ارشد	کارشناسی دکتری	زیر ۲۰ سال	۲۰-۲۵	۲۶-۳۰	۳۱ به بالا
فراوانی	۹۹	۸۸	۱۶۱	۲۴	۲	۴۰	۱۲۲	۲۳
درصد	۵۲/۹	۴۷/۱	۸۶/۱	۱۱/۳	۱/۱	۲۱/۴	۶۵/۲	۱۲/۳

اطلاعات مربوط به ویژگی‌های فردی نمونه‌های پژوهش در جدول شماره ۲ گزارش شده است. براساس این جدول بیشترین فراوانی (۵۲/۹) بر اساس متغیر جنسیت مربوط به دانشجویان پسر و بیشترین فراوانی (۸۶/۱) بر اساس مقطع تحصیلی مربوط به دانشجویان دوره کارشناسی و در متغیر سن بیشترین فراوانی (۶۵/۲) مربوط به رده سنی ۲۰-۲۵ سال می‌باشد.

مشخصات برندهای پوشاک ورزشی قلبی خریداری شده در پژوهش در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

1. Spss
2. Amos

جدول ۳. مشخصات خرید برندهای تقلبی

متغیر	خرید برند تقلبی		اسامی برندها					
	بله	خیر	نایک	آدیداس	اسیکس	پوما	ریبوک	نیوبالانس
فراوانی	۱۷۷	۱۰	۴۹	۶۴	۳۶	۲۱	۱۳	۴
درصد	۹۵/۷	۵/۳	۲۶/۲	۳۴/۲	۱۹/۳	۱۱/۲	۷/۰	۲/۱

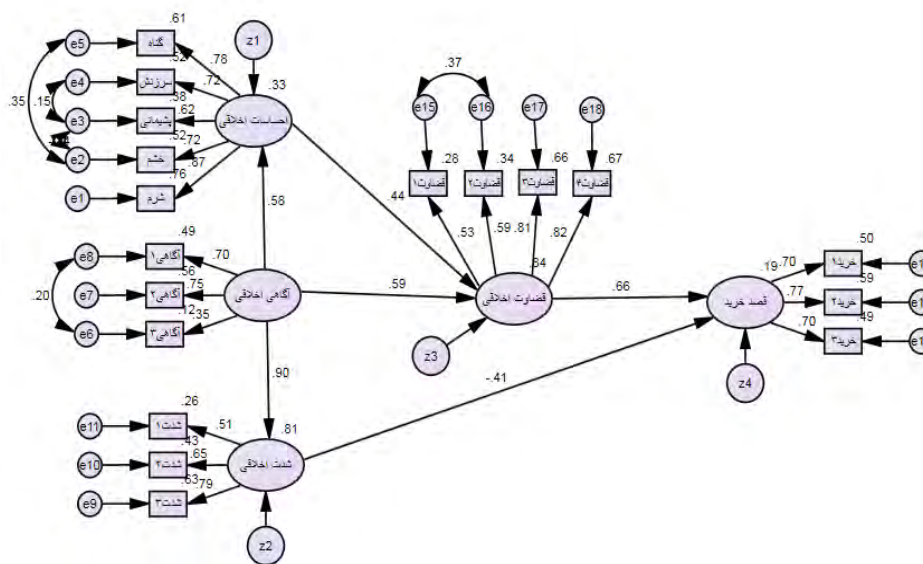
نتایج جدول شماره ۳ گویای این مطلب است که بیش از ۹۵ درصد (۱۷۷ نفر) از نمونه مورد پژوهش برندهای تقلبی را خریداری نموده‌اند این یافته حاکی از این است که دانشجویان خرید تقلب غیر فریبنده را به مقدار قابل توجهی انجام می‌دهند. همچنین بیشترین فراوانی (۳۴/۲) خرید پوشاک ورزشی تقلبی در نمونه مورد پژوهش مربوط به برند ورزشی آدیداس است. همبستگی بین متغیرهای مدل پژوهش، در جدول شماره ۴ ارائه شده است. با توجه به جدول شماره ۴ بیشترین همبستگی بین متغیرهای قضاوت اخلاقی و احساسات اخلاقی (۰/۶۸۰) و کمترین همبستگی بین متغیرهای قصد خرید و شدت اخلاقی (۰/۰۲۶) می‌باشد:

جدول ۴. ضرایب همبستگی بین متغیرهای مدل پژوهش

احساسات اخلاقی	آگاهی اخلاقی	شدت اخلاقی	قضاوت اخلاقی	قصد خرید
۱				
۰/۴۰۲**	۱			
۰/۴۰۹**	۰/۵۹۲**	۱		
۰/۶۸۰**	۰/۵۱۴**	۰/۴۷۴**	۱	
۰/۲۳۰**	۰/۱۶۷*	۰/۰۲۶	۰/۳۰۳**	۱

** $P \leq 0.01$, * $P \leq 0.05$

نتیجه معادلات ساختاری نشان داد متغیر آگاهی اخلاقی به صورت مستقیم بر احساسات، شدت اخلاقی و قضاوت اخلاقی تأثیرگذار است. همچنین نتیجه نشان داد که احساسات اخلاقی بر قصد خرید به صورت مستقیم تأثیر ندارد و شدت اخلاقی نیز بر قضاوت اخلاقی تأثیر ندارد.



شکل ۲. مدل اصلاحی پژوهش

جدول ۵. شاخص های برازش مدل پژوهش

NFI	TLI	RMSEA	CFI	IFI	RFI	X2/DF	DF	X2
۰/۸۰	۰/۸۳	۰/۰۹	۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۷۵	۲/۷۸	۱۲۴	۳۴۴/۹۴۳

نتایج جدول شماره ۵ گویای این مطلب است که شاخص های نسبت خبی دو به درجه آزادی مناسب می باشد (کمتر از ۳) و شاخص های NFI, RFI, TLI, IFI و CFI بین ۰/۸۰ و ۰/۹۰ و شاخص RMSEA کمتر از ۰/۱ در حد قابل قبولی قرار دارند. بدین معنی که مدل تحقیق حاضر دارای برازش مناسب و ساختار عاملی در نظر گرفته شده برای آن قابل قبول است و به عبارتی داده های حاصل از تحقیق مدل نظری تحقیق را حمایت و تأیید می کنند.

جدول ۶. ضرایب رگرسیونی مسیرهای مدل تحقیق

P	C.R	S.E.	Estimate	Regression Weights	Path
***	۳/۸۰۵	۰/۸۳۷	۳/۱۸۴	۰/۵۷۵	احساسات اخلاقی <---
***	۴/۱۲۵	۰/۴۲۰	۱/۷۳۱	۰/۸۹۸	شدت اخلاقی <--
***	۳/۶۱۵	۰/۵۵۵	۲/۰۰۵	۰/۵۹۵	قضاوت اخلاقی <--
***	۴/۳۵۰	۰/۰۶۱	۰/۲۶۶	۰/۴۳۸	احساسات اخلاقی <--
۰/۰۳۳	-۲/۱۳۷	۰/۴۲۸	-۰/۹۱۵	۰/۴۰۹	شدت اخلاقی <--
۰/۰۰۱	۳/۲۶۰	۰/۲۵۹	۰/۸۴۶	۰/۶۶۱	قضاوت اخلاقی <--

تأثیر مستقیم، غیر مستقیم، اثرات کل مسیرهای مدل پژوهش، در جدول شماره ۷ بیان شده است. با توجه به جدول ۷ بیشترین تأثیر مستقیم مربوط به مسیر آگاهی اخلاقی - شدت اخلاقی و کمترین تأثیر مستقیم مربوط به مسیر شدت اخلاقی - قصد خرید است.

جدول ۷. تأثیر مستقیم، غیر مستقیم و اثرات کل متغیرهای پژوهش

ضرایب اثر در حالت استاندارد			مسیر		
اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	مسیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم
۰/۵۷۵	۰/۵۷۵	۰/۰۰۰	احساسات اخلاقی <---	۰/۵۷۵	۰/۰۰۰
۰/۸۹۸	۰/۸۹۸	۰/۰۰۰	شدت اخلاقی <---	۰/۸۹۸	۰/۰۰۰
۰/۸۴۷	۰/۵۹۵	۰/۲۵۲	قضاوت اخلاقی <---	۰/۵۹۵	۰/۲۵۲
۰/۴۳۸	۰/۴۳۸	۰/۰۰۰	قضاوت اخلاقی <---	۰/۴۳۸	۰/۰۰۰
-۰/۴۰۹	-۰/۴۰۹	۰/۰۰۰	قصد خرید <---	-۰/۴۰۹	۰/۰۰۰
۰/۶۶۱	۰/۶۶۱	۰/۰۰۰	قصد خرید <---	۰/۶۶۱	۰/۰۰۰
۰/۱۹۲	۰/۰۰۰	۰/۱۹۲	قصد خرید <---	۰/۰۰۰	۰/۱۹۲
۰/۲۸۹	۰/۰۰۰	۰/۲۸۹	قصد خرید <---	۰/۰۰۰	۰/۲۸۹

بحث و نتیجه گیری

یکی از روندهای جهانی که به صورت هشدار دهنده‌ای در حال افزایش است، تولید، توزیع و مصرف کالاهای تقلبی است. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که برندهای ورزشی معتبری نظیر آدیداس،

نایک و پوما بیشتر از سایر برندهای معروف و معتبر ورزشی مورد تقلب و کپی برداری قرار می-گیرند (آستوگلو و اردوغان، ۲۰۰۹). محققان به نقش اخلاق در تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان و به طور عمده به بررسی جنبه‌های شناختی و باورهای اخلاقی مصرف‌کنندگان برای خرید و مصرف اخلاقی و غیر اخلاقی، علاقه‌مندند (چیو و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین تلاش در جهت محدود کردن تقاضای مصرف‌کنندگان محصولات تقلبی باید جزء اولویت‌های پژوهش در این زمینه باشد. با توجه به این هدف از پژوهش حاضر نیز بررسی احساسات، آگاهی، شدت و قضاوت اخلاقی در قصد خرید برندهای تقلبی پوشاک ورزشی است.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که سطح بالاتر آگاهی پاسخ‌دهندگان به احتمال بیشتر، خرید پوشاک ورزشی تقلبی را از نظر اخلاقی اشتباه می‌دانند. در این مورد افرادی که از تنوع مسائل اخلاقی مربوط به تولید، توزیع و خرید پوشاک ورزشی تقلبی بسیار آگاه هستند، به احتمال بیشتری درک خواهند کرد که رفتار خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی از نظر اخلاقی اشتباه است. ضریب رگرسیونی مسیر آگاهی اخلاقی و قضاوت اخلاقی حاکی از اثر مثبت و معنادار آگاهی اخلاقی بر قضاوت اخلاقی است. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های ایشیدا و همکاران (۲۰۱۶) و مارتینز و یایگر (۲۰۱۶) مبنی بر این که آگاهی اخلاقی مصرف‌کنندگان بر سطح قضاوت اخلاقی آنان اثر معنادار دارد، همخوان است. در واقع هرچه اطلاعات و دانش مصرف‌کنندگان از اثرات منفی و آسیب‌های خرید و مصرف محصولات ورزشی تقلبی بیشتر باشد، قضاوت بالاتری را کسب خواهند کرد و رفتار خرید و مصرف محصولات تقلبی را کمتر انجام خواهند داد.

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش قضاوت اخلاقی بر قصد خرید برندهای تقلبی پوشاک ورزشی اثر مثبت و معنادار دارد. در واقع آگاهی اخلاقی بالاتر باعث سطح بالاتر قضاوت اخلاقی و قضاوت اخلاقی بالاتر اثر مثبتی در کاهش قصد خرید پوشاک ورزشی تقلبی دارد. این نتیجه با یافته‌های ولز و لنون (۲۰۰۶)، شارما و چان (۲۰۱۶) و مارتینز و یایگر (۲۰۱۶) مبنی بر اثر مثبت و معنادار قضاوت اخلاقی بر کاهش قصد خرید برندهای تقلبی همخوان است. در واقع بر اساس نتایج حاصل از مدل تحقیق قضاوت اخلاقی بالاتر می‌تواند ۰/۶۰ از کاهش قصد خرید پوشاک ورزشی تقلبی را در میان بازار بزرگ و پراهمیت دانشجویان تبیین کند. در رفتار خرید محصولات تقلبی احساسات به‌عنوان منبع اطلاعاتی عمل می‌کنند. گناه و شرم از شدیدترین احساسات تجربه شده در طول خرید و مصرف کالاهای تقلبی غیر فریبنده هستند (زامپتاکیس، ۲۰۱۴). در واقع افرادی که احساسات اخلاقی بسیار قوی‌ای دارند ممکن است احساسات اخلاقی نظیر خشم را نسبت به کسانی که به فروش پوشاک ورزشی تقلبی و یا حتی به مقاماتی که اجازه می‌دهند این اتفاق بیفتد، تجربه می‌کنند. از آنجایی که

خشم یکی از مهمترین احساسات اخلاقی است و قصد خرید برندهای تقلبی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بنابراین سیاست‌گذاران می‌توانند با ایجاد کمپین‌های تبلیغاتی ضد جعل و تقلب احساس خشم مصرف‌کننده را تحریک کنند. آگاهی اخلاقی احساسات اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این معنی که هرچه آگاهی اخلاقی شرکت‌کنندگان بیشتر باشد، آنان احساسات گناه، خشم، سرزنش، پشیمانی و شرم بیشتری را ناشی از خرید و مصرف برند تقلبی پوشاک ورزشی تجربه می‌کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر و ضریب‌های رگرسیونی مسیر آگاهی اخلاقی و احساسات اخلاقی و مسیر احساسات اخلاقی و قضاوت اخلاقی در مدل پژوهش حاکی از اثر مثبت و معنادار آگاهی اخلاقی بر احساسات اخلاقی و احساسات اخلاقی بر قضاوت اخلاقی است. می‌توان بیان داشت آگاهی اخلاقی بالاتر مصرف‌کننده باعث برانگیختگی احساسات مصرف‌کننده و به دنبال آن قضاوت اخلاقی بالاتر و در نتیجه عدم اقدام رفتار خرید برندهای تقلبی پوشاک ورزشی را به دنبال دارد. این یافته‌ها با نتایج کیم و همکاران (۲۰۰۹)، کیم و جانسون (۲۰۱۴)، مارتینز و یایگر (۲۰۱۶) و زامپتاکیس (۲۰۱۴) مبنی بر اینکه احساسات اخلاقی تحت تأثیر آگاهی اخلاقی بوده و بر قضاوت اخلاقی اثرگذار هستند، همخوان است. نتایج پژوهش حاضر بازگو کننده اثر مثبت و معنادار آگاهی اخلاقی بر شدت اخلاقی و شدت اخلاقی بر قصد خرید برندهای تقلبی پوشاک ورزشی است. می‌توان بیان نمود آگاهی اخلاقی بالاتر مصرف‌کننده سطح شدت اخلاقی مصرف‌کننده را بالاتر برده و به دنبال آن قصد خرید برندهای تقلبی پوشاک ورزشی را کاهش می‌دهد.

با توجه به کمک‌های عملی این مطالعه، سیاست‌گذاران می‌توانند از این یافته‌ها برای مبارزه با جعل و تقلب پوشاک ورزشی استفاده کنند. می‌توان با ایجاد کمپین‌هایی برای افزایش آگاهی و دانش مصرف‌کنندگان در جهت پیامدهای منفی مختلفی ناشی از خرید و استفاده از پوشاک ورزشی تقلبی، سطح قضاوت اخلاقی، احساسات اخلاقی و شدت اخلاقی مصرف‌کنندگان را بالا برد تا در نهایت رفتار خرید و مصرف برندهای تقلبی پوشاک ورزشی را انجام ندهند. در واقع مالکان برندهای اصلی و سیاست‌گذاران می‌توانند با طراحی برنامه‌های تبلیغاتی برای توصیف و ویژگی‌های برندهای اصلی، نمایش محیط و شرایط کاری کارگاه‌ها و کارخانه‌های و استانداردهای زیست محیطی، برجسته‌سازی مسائل اخلاقی مربوط به خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی، توسعه تبلیغات ضد جعل و تقلب برای افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان و تحریک احساسات اخلاقی آنان و نهایتاً کاهش قصد خرید برندهای تقلبی را فراهم آورند.

برنامه‌ها باید روی افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان با مرتبط جلوه دادن خرید و مصرف یک برند پوشاک ورزشی تقلبی به مباحث اخلاقی، بیان پیامدهای ناشی از مصرف برند تقلبی، خرید و مصرف برند تقلبی را غیر اخلاقی، رفتاری اشتباه، حمایت از کسب و کارهای نامشروع، آسیب‌های جسمانی و مالی،

آلودگی محیط زیست و غیره تمرکز کند تا افزایش سطح احساسات اخلاقی، شدت اخلاقی و قضاوت اخلاقی مصرف‌کنندگان را به دنبال داشته و نهایتاً قصد خرید و مصرف و تقاضای برندهای تقلبی پوشاک ورزشی کاهش دهد. اطلاع‌رسانی عمومی درباره خطراتی که از جانب برندهای تقلبی پوشاک ورزشی افراد را تهدید می‌کند، بازتاب و بزرگ‌نمایی رضایت مصرف‌کنندگان برندهای اصلی در رسانه‌های جمعی و مورد نکوهش قرار دادن برندهای تقلبی پوشاک ورزشی، تبلیغات گسترده در جهت آشناسازی مردم با معایب خرید و مصرف برندهای تقلبی پوشاک ورزشی و به نقد کشیدن تجربه بد مصرف‌کنندگان برندهای تقلبی پوشاک ورزشی و بازتاب گسترده آن از طریق ابزارهای تبلیغاتی از جمله راه‌های افزایش اطلاعات و دانش مصرف‌کنندگان در جهت افزایش آگاهی آنان است.

به نظر می‌رسد، در دنیای متلاطم امروز مبارزه با جاعلان برندهای معتبر تا حدودی غیرممکن به نظر می‌رسد و با حذف یکی از این شرکت‌های جعل‌کننده، شرکت دیگری، در جای دیگر پدیدار می‌شود. برای این منظور، مدیران سازمان‌های صاحب برند باید به طور ریشه‌ای به حل این بحران بپردازند و بر مصرف‌کنندگان تمرکز کرده تا در بلندمدت تمایل آنان را به مصرف غیر فریبنده برندهای تقلبی کاهش دهند. برای کم کردن معضل خرید آگاهانه و روز افزون خرید و مصرف برندهای تقلبی ورزشی پیشنهاد می‌گردد خریداران را از خرید و مصرف برندهای تقلبی آگاه سازند و کیفیت برندهای اصلی را نسبت به برندهای تقلبی بیشتر نمایان سازند و از این طریق دلایل قیمت بالاتر خود را به صورت منطقی برای افراد توضیح دهند (نظری، عابدی و خراسانی، ۱۳۹۳). همچنین پیشنهاد می‌شود اقدامات لازم جهت فرهنگ‌سازی در زمینه غیر اخلاقی بودن استفاده از محصولات جعلی همچون، غیر اخلاقی بودن تولید این محصولات را انجام دهند. گروه‌ها، مجامع و یا ائتلاف‌هایی با موضوعیت مبارزه با جعل، جعل‌کننده، تولیدکننده و وارد کننده برندهای تقلبی پوشاک ورزشی تشکیل دهند.

با عنایت به اینکه امروزه، مهمترین دغدغه شرکت‌های تولیدکننده برندهای اصلی جلوگیری از تولید و فروش برندهای تقلبی در جامعه است، پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌های بعدی به دنبال شناسایی استراتژی‌های بازاریابی مؤثر برای مقابله با برندهای تقلبی پوشاک ورزشی صورت گیرند.

منابع

1. Argent, F., 2014. Online enforcement of counterfeit luxury goods: the China problem. Global Legal Post. (Retrieved from) <http://www.globallegalpost.com/bigstories/online-enforcement-of-counterfeit-luxury-goods-62665863/>
2. Argent, F., 2014. Online enforcement of counterfeit luxury goods: the China problem. Global Legal Post. (Retrieved from) <http://www.globallegalpost.com/bigstories/online-enforcement-of-counterfeit-luxury-goods-62665863/>

3. Atesoglu, I. & Erdogan, H. H. (2009). "The Effects of Brand Imitation on Ready-Made Clothing Companies". *Electronic Journal of Textile Technologies*, 3 (2), PP. 43-49.
4. Augusto de Matos, C., Trindade Ituassu, C., & Vargas Rossi, C. A. (2007). Consumer attitudes toward counterfeits: a review and extension. *Journal of Consumer Marketing*, 24(1), 36-47.
5. Bahng, Y., Kincade, D., & Yang, J. (2013). U.S. college students' apparel shopping orientation and brand/product preferences within the context of college major. *Journal of Fashion Marketing and Management*, 17(3), 367-384.
6. Carlson, D. S., Kacmar, K. M., & Wadsworth, L. L. (2009). The impact of moral intensity dimensions on ethical decision-making: Assessing the relevance of orientation. *Journal of Managerial Issues*, 534-551.
7. Chaudary, M. W. T., Ahmed, F., Gill, M. S., & Rizwan, M. (2014). The determinants of purchase intention of consumers towards counterfeit shoes in Pakistan. *Journal of Public Administration and Governance*, 4(3), 20-38.
8. Chaudhry, P. E. (2013). Protecting your intellectual property rights. *Business horizons*, 2(56), 131-133.
9. Chen, M. F., Pan, C. T., & Pan, M. C. (2009). The joint moderating impact of moral intensity and moral judgment on consumer's use intention of pirated software. *Journal of Business Ethics*, 90(3), 361-373.
10. Chiou, J.-S., Huang, C.-y., & Lee, H.-h. (2005). The antecedents of music piracy attitudes and intentions. *Journal of Business Ethics*, 57(2), 161-174.
11. Chiu, W., & Leng, H. K. (2016). Consumers' intention to purchase counterfeit sporting goods in Singapore and Taiwan. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 28(1), 23-36.
12. Chiu, W., Lee, K.-Y., & Won, D. (2014). Consumer behavior toward counterfeit sporting goods. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 42(4), 615-624.
13. Clarkeburn, H. (2002). A test for ethical sensitivity in science. *Journal of Moral education*, 31(4), 439-453.
14. De Hooge, I. E., Zeelenberg, M., & Breugelmans, S. M. (2007). Moral sentiments and cooperation: Differential influences of shame and guilt. *Cognition and emotion*, 21(5), 1025-1042.
15. Eisend, M., & Schuchert-Güler, P. (2006). Explaining counterfeit purchases: A review and preview.
16. Fernandes, C. (2013). Analysis of counterfeit fashion purchase behaviour in UAE. *Journal of Fashion Marketing and Management: An International Journal*, 17(1), 85-97.
17. Greene, J., & Haidt, J. (2002). How (and where) does moral judgment work? *Trends in cognitive sciences*, 6(12), 517-523.
18. Gregory, B. T., Armenakis, A. A., Moates, K. N., Albritton, M. D., & Harris, S. G. (2007). Achieving scientific rigor in organizational diagnosis: An application of the diagnostic funnel. *Consulting Psychology Journal: Practice and Research*, 59(2), 79.
19. Ha, S., & Lennon, S. J. (2006). Purchase intent for fashion counterfeit products: Ethical ideologies, ethical judgments, and perceived risks. *Clothing and Textiles Research Journal*, 24(4), 297-315.

20. Haidt, J. (2003). The moral emotions. *Handbook of affective sciences*, 11, 852-870.
21. Hamelin, N., Nwankwo, S., & El Hadouchi, R. (2013). 'Faking brands': consumer responses to counterfeiting. *Journal of Consumer Behaviour*, 12(3), 159-170.
22. Hilton, B., Choi, C. J., & Chen, S. (2004). The ethics of counterfeiting in the fashion industry: Quality, credence and profit issues. *Journal of Business Ethics*, 55(4), 343-352.
23. Hoon Ang, S., Sim Cheng, P., Lim, E. A., & Kuan Tambyah, S. (2001). Spot the difference: consumer responses towards counterfeits. *Journal of Consumer Marketing*, 18(3), 219-235.
24. Ishida, C., Chang, W., & Taylor, S. (2016). Moral intensity, moral awareness and ethical predispositions: The case of insurance fraud. *Journal of Financial Services Marketing*, 21(1), 4-18.
25. Jirotmontree, A. (2013). Business ethics and counterfeit purchase intention: A comparative study on Thais and Singaporeans. *Journal of International Consumer Marketing*, 25(4), 281-288.
26. Jones, T. M. (1991). Ethical decision making by individuals in organizations: An issue-contingent model. *Academy of management review*, 16(2), 366-395.
27. Jordan, J. (2007). Taking the first step toward a moral action: A review of moral sensitivity measurement across domains. *The Journal of Genetic Psychology*, 168(3), 323-359.
28. Kim, H., & Karpova, E. (2010). Consumer attitudes toward fashion counterfeits: Application of the theory of planned behavior. *Clothing and Textiles Research Journal*, 28(2), 79-94.
29. Kim, J.-E. (2009). *The Influence of Moral Emotions in Young Adults moral Decision Making: a Cross-Cultural Examination*. University of Minnesota.
30. Kim, J.-E., & Johnson, K. K. (2013). The impact of moral emotions on cause-related marketing campaigns: A cross-cultural examination. *Journal of Business Ethics*, 112(1), 79-90.
31. Kim, J.-E., & KP Johnson, K. (2014). Shame or pride? The moderating role of self-construal on moral judgments concerning fashion counterfeits. *European Journal of marketing*, 48(7/8), 1431-1450.
32. Kim, J.-E., Cho, H. J., & Johnson, K. K. (2009). Influence of moral affect, judgment, and intensity on decision making concerning counterfeit, gray-market, and imitation products. *Clothing and Textiles Research Journal*, 27(3), 211-226.
33. Kos Koklic, M., & Vida, I. (2016). Interplay of the drivers and deterrents of leisure counterfeit purchase intentions. *Journal of Business Economics and Management*, 17(6), 916-929.
34. Lincoln, S. H., & Holmes, E. K. (2011). Ethical decision making: A process influenced by moral intensity. *Journal of Healthcare, Science and the Humanities*, 1(1), 55-69.
35. Maldonado, C. & Hume, E. C. (2005). Attitudes Toward Counterfeit Products: An Ethical Perspective. *Journal of Legal, Ethical and Regulatory Issues*, 8(2), 105-117.
36. Marticotte, F., & Arcand, M. (2017). Schadenfreude, attitude and the purchase intentions of a counterfeit luxury brand. *Journal of Business Research*.

37. Martinez, L. F., Martinez, L. F., Jaeger, D. S., & Jaeger, D. S. (2016). Ethical decision making in counterfeit purchase situations: the influence of moral awareness and moral emotions on moral judgment and purchase intentions. *Journal of Consumer Marketing*, 33(3), 213-223.
38. May, D. R., & Pauli, K. P. (2002). The role of moral intensity in ethical decision making: A review and investigation of moral recognition, evaluation, and intention. *Business & Society*, 41(1), 84-117.
39. Michaelidou, N., & Christodoulides, G. (2011). Antecedents of attitude and intention towards counterfeit symbolic and experiential products. *Journal of Marketing Management*, 27(9-10), 976-991.
40. Monin, B., Pizarro, D. A., & Beer, J. S. (2007). Deciding versus reacting: Conceptions of moral judgment and the reason-affect debate. *Review of General Psychology*, 11(2), 99.
41. Moores, T. T., & Chang, J. C.-J. (2006). Ethical decision making in software piracy: Initial development and test of a four-component model. *Mis Quarterly*, 167-180.
42. Morris, S. A., & McDonald, R. A. (2013). The role of moral intensity in moral judgments: An empirical investigation. In *Citation Classics from the Journal of Business Ethics* (pp. 463-479). Springer Netherlands.
43. Nazari, M. A. Khorasani Taraqi, H. (2014) Determinants of purchasing counterfeit luxury brands (Case Study in Tehran). *Business Management*. 2: 61- 83. (Persian).
44. Penz, E., & Stottinger, B. (2005). Forget the Areal@ Thingbtake the Copy! an Explanatory Model For the Volitional Purchase of Counterfeit Products. *NA-Advances in Consumer Research Volume 32*.
45. Perez, M. E., Castaño, R., & Quintanilla, C. (2010). Constructing identity through the consumption of counterfeit luxury goods. *Qualitative Market Research: An International Journal*, 13(3), 219-235.
46. Phau, I., Teah, M., & Lee, A. (2009). Targeting buyers of counterfeits of luxury brands: A study on attitudes of Singaporean consumers. *Journal of Targeting, Measurement and Analysis for Marketing*, 17(1), 3-15.
47. Refuel Agency (2015). What makes college consumers so valuable to marketers? Retrieved from <http://www.refuelagency.com/expertise/college-marketing>.
48. Sharma, P., & Chan, R. Y. (2016). Demystifying deliberate counterfeit purchase behaviour: Towards a unified conceptual framework. *Marketing Intelligence & Planning*, 34(3), 318-335.
49. Staake, T., Thiesse, F., & Fleisch, E. (2009). The emergence of counterfeit trade: a literature review. *European Journal of marketing*, 43(3/4), 320-349.
50. Sweeney, B., & Costello, F. (2009). Moral intensity and ethical decision-making: An empirical examination of undergraduate accounting and business students. *Accounting Education*, 18(1), 75-97.
51. Tan, B. (2002). Understanding consumer ethical decision making with respect to purchase of pirated software. *Journal of Consumer Marketing*, 19(2), 96-111.
52. Tang, F., Tian, V.-I., & Zaichkowsky, J. (2014). Understanding counterfeit consumption. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 26(1), 4-20.
53. Umar, B. 2015. Fight Against Counterfeit Sports Products Grows as Business Booms. *The Street* [Online]. [Accessed 13 February 2015].

54. Vitell, S. J., Paolillo, J. G., & Singh, J. J. (2006). The role of money and religiosity in determining consumers' ethical beliefs. *Journal of business ethics*, 64(2), 117-124.
55. Wagner, S. C., & Sanders, G. L. (2001). Considerations in ethical decision-making and software piracy. *Journal of Business Ethics*, 29(1), 161-167.
56. Wilcox, K., Kim, H. M., & Sen, S. (2009). Why do consumers buy counterfeit luxury brands? *Journal of marketing research*, 46(2), 247-259.
57. Yoh, T., Chen, H. Y., & Jang, I. (2016). Utilitarian and Hedonic Consumption Values on American College Students' Athletic Footwear Purchase Intention. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 6(12), 307-320.
58. Zampetakis, L. (2014). The emotional dimension of the consumption of luxury counterfeit goods: an empirical taxonomy. *Marketing Intelligence & Planning*, 32(1), 21-40.

استناد به مقاله

ایزدی، بهزاد، محمودیان، عابد. (۱۳۹۷). اثر آگاهی، احساسات و شدت اخلاقی در قصد خرید پوشاک ورزشی تقلبی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۲۲-۲۰۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2017.4234.1305

Izadi. B., Mahmoudian. A. (2019). Identifying and Modeling of the Development Guidelines of Sports for all among the Female Students in University of Birjand. *Research on Educational Sport*, 6(15): 201-22. (Persian). Doi: 10.22089/res.2017.4234.1305

مدل سازی معادلات ساختاری: مطالعه‌ی عامل‌های مؤثر بر فرایند مشارکت

ورزشی

محمد مهدی رحمتی^۱، فردین علیخواه^۲، سیده معصومه شادمنفعت^۳، سعید کبیری^۴

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان*

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان

۴. دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۲

چکیده

ورزش و رویدادهای ورزشی در جهان امروز به بخش مهمی از زندگی روزمره تبدیل شده است. مشارکت ورزشی افراد تحت تأثیر عوامل مختلفی چون، جامعه‌پذیری ورزشی، و عوامل ساختاری- اجتماعی شکل می‌گیرد. از این رو پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کنش متقابل نمادین قصد دارد تا به بررسی جامعه‌شناختی فرآیند مشارکت ورزشی بپردازد. در این ارتباط، با استفاده از روش کمی و مقیاس‌های جامعه-پذیری ورزشی (سیج، ۱۹۸۰، گریندورفر و همکاران، ۱۹۸۶؛ گریندورفر و لوکو، ۱۹۸۷؛ لئو و همکاران، ۲۰۰۴؛ سیسلاک و همکاران، ۲۰۰۴)، هویت ورزشی (سیسلاک و همکاران، ۲۰۰۴)، تعهد ورزشی (کسپر و اندرو، ۲۰۰۸)، محدودیت‌های اجتماعی-ساختاری (لی و همکاران، ۲۰۰۴، الکساندریس و کارول، ۱۹۹۷) و مشارکت ورزشی (کانگ، ۲۰۱۳)، و نمونه‌ای به حجم ۵۷۴ نفر از ورزشکاران شهر رشت با استفاده مدل معادلات ساختاری فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که، فرآیند مشارکت ورزشی ورزشکاران در وهله اول به طور کلی با جامعه‌پذیری ورزشی آغاز می‌گردد، از طریق فرآیند جامعه‌پذیری و میزان حمایت‌های دریافتی مختلف فرآیند مشارکت ورزشی اولیه آغاز می‌گردد، در مرحله بعد با استمرار مشارکت ورزشی، هویت ورزشی ورزشکاران شکل گرفته، در همین راستا با توجه به نقشی که هویت ورزشی در بازتعریف ورزشکاران در جامعه دارد، تعهد ورزشی نیز شکل می‌گیرد. همچنین فشارهای ساختاری و اجتماعی نیز نقش تعیین کننده‌ای در فرآیند جامعه‌پذیری ورزشی، هویت ورزشی، تعهد ورزشی و مشارکت ورزشی ورزشکاران ایفاء می‌کنند.

واژگان کلیدی: مشارکت ورزشی، عوامل جامعه‌پذیری ورزشی، عوامل ساختاری- اجتماعی، کنش متقابل نمادین

مقدمه

در جهان امروز، ورزش و رویدادهای ورزشی به بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند (کاکلی، ۲۰۱۵). جامعه‌شناسان فعالیت‌های ورزشی را پدیده‌هایی اجتماعی- فرهنگی می‌بینند؛ زیرا، فعالیت‌های ورزشی شکل‌گرفته در جامعه، نحوه سازمان‌دهی و اجرای آن‌ها، منابع اقتصادی اختصاص‌یافته، شرایط شکل‌گیری فعالیت‌های ورزشی، مدیران و حامیان تیم‌های ورزشی، تعاریف مرتبط با یک ورزشکار و مشارکت ورزشی، همگی از طریق روابط اجتماعی تعیین می‌شوند (کاکلی، ۲۰۰۱). و به‌نوعی می‌توان گفت که فعالیت‌های ورزشی بیرون از جامعه شکل نمی‌گیرند؛ بلکه در متن نظام اجتماعی تکامل می‌یابند. از آنجایی که انسان خودش را تولید می‌کند و خودتولیدی انسان عملی اجتماعی است، ورزش لزوماً و همیشه پدیده‌ای اجتماعی است (کبیری، ۲۰۱۱). ورود به دنیای فعالیت‌های ورزشی، همانند سایر فعالیت‌های مهم اجتماعی مستلزم درگیر شدن در فرایند جامعه-پذیری خاص خود است (رحمتی، ۲۰۰۹). برای اینکه بتوانیم به عضویت خرده‌فرهنگی همچون خرده‌فرهنگ ورزشی درآییم، باید ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های لازم برای عضویت در آن خرده‌فرهنگ را درونی کنیم. به‌واسطه جامعه‌پذیری^۱ است که ما همه شکل‌های نقش‌های اجتماعی را از قبیل نقش‌های ورزشی می‌آموزیم (مکفرسن، کورتیس و لوی، ۱۹۸۹). درحقیقت، فرایند مشارکت ورزشی^۲ آدامنه‌ای از تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد که به عقیده دانلی و یانگ^۳ (۱۹۹۹) با فرایندهای تصمیم‌گیری و شکل‌گیری هویت ورزشی^۴ مرتبط است؛ به‌گونه‌ای که ورزشکاران در محیط‌های اجتماعی به ورزش می‌پردازند، راجع به مشارکت ورزشی‌شان تصمیم می‌گیرند و بدین ترتیب، هویت ورزشی‌شان را شکل می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر، مشارکت ورزشی برساختی اجتماعی است که تحت‌تأثیر عوامل ساختاری- اجتماعی شکل می‌گیرد و استمرار می‌یابد (یسو و هاروود، ۲۰۱۵^۷).

در این راستا، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که فرایند مشارکت ورزشی تحت‌تأثیر عوامل اجتماعی مختلفی چون محدودیت‌های ساختاری و اجتماعی^۸ (کنیون و مکفرسن، ۱۹۷۳؛ گریندورفر، بلاپند

-
1. Coakley
 2. Socialization
 3. McPherson, Curtis & Loy
 4. Sport Participation
 5. Donnelly & Young
 6. Sport Identity
 7. Yesu & Harwood
 8. Social and Structural Restrictions
 9. Kenyon & McPherson

و پلگرینی^۱؛ ۱۹۸۶؛ گریندورفر و لکو^۲؛ ۱۹۸۷؛ مکفرسن و همکاران، ۱۹۸۹؛ کاکلی و وایت^۳؛ ۱۹۹۹؛ لی، لی و مین هنگ^۴؛ ۲۰۰۴؛ لاو، فوکس و چیونگ^۵؛ ۲۰۰۴؛ هورن، تاملینسون و ونل^۶؛ ۲۰۰۶؛ اریکسون، نردکیویست و راسموسن^۷؛ ۲۰۰۸؛ هاردین و گرییر^۸؛ ۲۰۰۹؛ فتحی، ۲۰۰۹؛ کبیری، ۲۰۱۱؛ تافتیگارد، نیلسن، آبنسن و اندرسون^۹؛ ۲۰۱۱؛ هالت، کینگسلی، تینک و اسپرر^{۱۰}؛ ۲۰۱۱؛ احمدی و کارگر، ۲۰۱۳؛ یسو و هاروود، ۲۰۱۵)، حمایت‌های ورزشی دریافتی از نهادهای اجتماعی مختلف و دیگران مهم همچون نهاد خانواده (کنیون و مکفرسن، ۱۹۷۳؛ سیج^{۱۱}؛ ۱۹۸۰؛ یاماگوچی^{۱۲}؛ ۱۹۸۴؛ مکفرسن و همکاران، ۱۹۸۹؛ کاکلی، ۱۹۹۳؛ اندرسون، فانک، الیوت و اسمیت^{۱۳}؛ ۲۰۰۳؛ لوبنز، سیلوا و مورگان^{۱۴}؛ ۲۰۰۷؛ کانتز، بوکارو و کاسپر^{۱۵}؛ ۲۰۰۸؛ فتحی، ۲۰۰۹؛ لاونستون^{۱۶}؛ ۲۰۱۰، کیگان، اسپری، هاروود و لاوالی^{۱۷}؛ ۲۰۱۰؛ کبیری، ۲۰۱۱، اسمیت و اسمال^{۱۸}؛ ۲۰۱۴؛ یسو و هاروود، ۲۰۱۵)، گروه همتایان (گریندورفر و همکاران، ۱۹۸۷؛ اسمیت^{۱۹}؛ ۱۹۸۹؛ کاکلی و وایت، ۱۹۹۹؛ پروچسکا^{۲۰}؛ ۲۰۰۲؛ لوبنز و همکاران، ۲۰۰۷؛ فتحی، ۲۰۰۹؛ کبیری، ۲۰۱۱؛ یسو و هاروود، ۲۰۱۵)، مدرسه و دانشگاه (یاماگوچی، ۱۹۸۴؛ مکفرسن و همکاران، ۱۹۸۹؛ کاکلی و وایت، ۱۹۹۹؛ کبیری، ۲۰۱۱)، مربیان ورزشی (یاماگوچی، ۱۹۸۴؛ کاکلی، ۱۹۹۳؛ دانلی و یانگ، ۱۹۹۹؛ ساکنزا^{۲۱}؛ بورزوسکی و

-
1. Grendorfer, Blande, & Pellegrini
 2. Greendorfer & Lewko
 3. Coakley & With
 4. Lee, Lee, & Min-Haeng,
 5. Lau, Fox & Cheung,
 6. Horne, Tomlinson & Whannel
 7. Eriksson, Nordqvist & Rasmussen
 8. Hardin & Greer
 9. Toftegaard, Nielsen, Ibsen & Andersen
 10. Holt, Kingsley, Tink & Scherer
 11. Sage
 12. Yamaguchi
 13. Anderson, Funk, Elliott & Smith,
 14. Lubans, Sylva & Morgan,
 15. Kanters., Bocarro & Casper
 16. Lowenstein
 17. Keegan, Spray, Harwood & Lavallee
 18. Smith & Smoll
 19. Smith
 20. Prochaska
 21. Saxena

ریکرت، ۲۰۰۲؛ تیلور و همکاران، ۲۰۰۲، سالیس، تیلوردودا، فردسون و پت، ۲۰۰۲؛ یسو و هاروود، ۲۰۱۵) و رسانه‌های گروهی (یاماگوچی، ۱۹۸۴؛ دانلی و یانگ، ۱۹۹۹؛ کیم، ۲۰۰۱؛ پرین، ۲۰۰۲؛ کبیری، ۲۰۱۱؛ یسو و هاروود، ۲۰۱۵) شکل می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال، درزمینه تأثیر خانواده بر مشارکت ورزشی ورزشکاران، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که محیط خانوادگی فرد ورزشکار تأثیر معناداری بر فرایند تصمیم‌گیری شروع و استمرار مشارکت ورزشی دارد (تافتیگارد و همکاران، ۲۰۱۱؛ ویلر، ۲۰۱۲؛ تیمپریو و همکاران، ۲۰۱۳). ویلر (۲۰۱۲) مدعی است که الگوهای ارزشی و رفتاری اعضای خانواده یکی از دلایل اصلی شروع مشارکت ورزشی هستند. به اعتقاد تافتیگارد و همکاران (۲۰۱۱)، احتمال درگیری در مشارکت ورزشی برای افرادی که وضعیت خانوادگی نامطلوبی دارند، پایین است، شوملز، کرستتر و اندرسون^۸ (۲۰۰۸) بر اهمیت نقش پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر استمرار مشارکت ورزشی تأکید کرده‌اند و مدعی شده‌اند که با کاهش تمکن مالی میل به استمرار مشارکت ورزشی به‌طور معنادار کاهش می‌یابد. ادبیات حوزه جامعه‌پذیری به ورزش^۹ حاکی از آن است که عوامل اجتماعی چون حمایت‌های دریافتی از اطرافیان، هویت و تعهد ورزشی ورزشکار، محدودیت‌های ساختاری و اجتماعی نقشی معنادار در شکل‌گیری، استمرار و تعقیب رشته ورزشی محبوب ورزشکار دارند (ایسو و هاروود، ۲۰۱۵). ویلر (۲۰۱۲) مدعی است که نحوه مشارکت ورزشی ورزشکاران، اهمیت ورزش برای فرد و شکل‌گیری تعهد و هویت ورزشی تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی-محیط خانواده و فشارهای اجتماعی-شکل می‌گیرند. در این راستا، کودکانی که دارای خانواده ورزشی هستند، از انگیزه بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی برخوردارند (اریکسون و همکاران، ۲۰۰۸؛ تافتیگارد و همکاران، ۲۰۱۱). تیمپریو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که همبستگی معناداری بین حمایت‌های عاطفی و مالی، ورزشی بودن اعضای خانواده به‌خصوص والدین، در دسترس بودن امکانات ورزشی و مشارکت ورزشی افراد وجود دارد. تافتیگارد و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد و فشارهای اجتماعی تجربه‌شده در زندگی، به‌صورت معناداری انگیزه مشارکت ورزشی را پیش‌بینی می‌کنند. در خانواده‌هایی که تمکن مالی پایینی دارند،

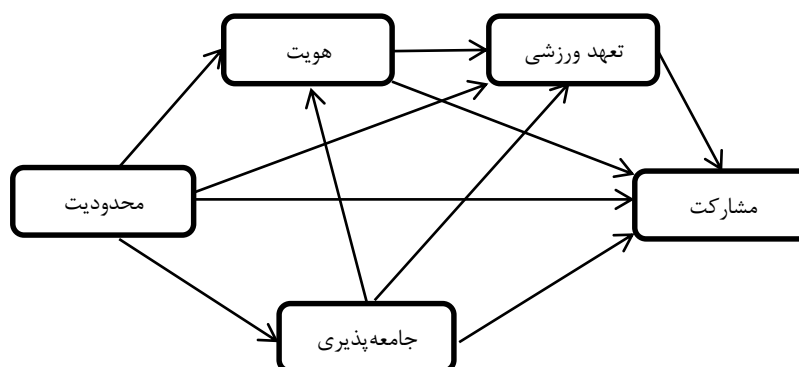
-
1. Saxena, Borzekowski & Rickert
 2. Taylor
 3. Sallis, Taylor, Dowda, Freedson & Pate
 4. Kim
 5. Pirinen
 6. Wheeler
 7. Timperio
 8. Schmalz, Kerstetter & Anderson
 9. Socialization into Sport

نبود حمایت‌های اقتصادی و عاطفی اعضای خانواده، محدودیت زمانی و فقدان دسترسی مطلوب به تجهیزات و امکانات ورزشی، مانع از استمرار درست مشارکت ورزشی فرزندان می‌شوند (هولت و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین، آلن^۱ (۲۰۰۳)، شوملز و همکاران (۲۰۰۸) و نایت و همکاران (۲۰۱۰) خاطرنشان کردند که ارتباط فرد با دوستان ورزشکار - حمایت ورزشی ادراک شده از سوی گروه همسالان - تشویق و راهنمایی درست الگوهای نقشی فرد، رسانه‌ها و حتی مدرسه، از جمله عوامل اجتماعی مهمی هستند که فرایند مشارکت ورزشی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ بدین‌معناکه وقتی ورزشکار مشارکت ورزشی خود را آغاز می‌کند، تصمیم‌گیری راجع به مشارکت جدی (حرفه‌ای)، تفریحی و کناره‌گیری از فعالیت‌های ورزشی تحت تأثیر حمایت‌های دریافتی، محدودیت‌های ساختاری و اجتماعی و نیز شکل‌گیری هویت ورزشی قرار می‌گیرند (کیگان و همکاران، ۲۰۱۰؛ یسو و هاروود، ۲۰۱۵). به عقیده کاکلی (۲۰۱۵)، بیشتر پژوهشگران در جست‌وجوی روش‌های جدیدی برای مطالعه فرایند مشارکت ورزشی هستند. فرایند مشارکت ورزشی ورزشکار را در فضایی قرار می‌دهد که کنش‌های متقابل فرد با اطرافیان (کنیون و مکفرسن، ۱۹۷۳؛ اسمیت، ۱۹۷۹؛ سیج، ۱۹۸۰؛ یاماگوچی، ۱۹۸۴؛ مکفرسن و همکاران، ۱۹۸۹؛ کاکلی، ۱۹۹۳؛ پروچسکا، ۲۰۰۲؛ لوبنز و همکاران، ۲۰۰۷؛ فتحی، ۲۰۰۹؛ کبیری، ۲۰۱۱) و محدودیت‌های اجتماعی - ساختاری (گریندورفر و لکو، ۱۹۸۷؛ مکفرسن و همکاران، ۱۹۸۹؛ کاکلی و وایت، ۱۹۹۹؛ هورن، ۲۰۰۶؛ هاردین و گرییر، ۲۰۰۹) نقش مهمی در کسب هویت ورزشی، تأیید هویت ورزشی و متعاقب آن، تعهد فرد ورزشکار دارند؛ بنابراین، نظریه کنش متقابل نمادین چهارچوب مناسبی برای تحلیل این فرایند است. از نظر بلومر^۲ (۱۹۶۹)، اصطلاح «کنش متقابل نمادین» به خصوصیت ممتاز و منحصر به فردی اشاره دارد که افراد را با هم مرتبط می‌کند. این خصوصیت ممتاز، قابلیت تفسیر رفتارهای متقابل افراد است که کنش‌هایشان را بر پایه همین تفاسیر و تعاریف استوار می‌کنند. این نظریه بر این باور است که شکل‌گیری اعمال به هم‌پیوسته زندگی اجتماعی یک جامعه بشری را می‌سازد. این قضایا یک جامعه بشری را به‌صورتی نشان می‌دهند که از مردم زنده و در حال انجام فعالیت تشکیل شده است؛ مردمی که یکدیگر را در موقعیت‌های زیادی (همچون موقعیت‌های ورزشی) ملاقات می‌کنند و در این موقعیت‌ها باید رفتارشان را با یکدیگر وفق دهند (بلومر، ۱۹۶۹، به نقل از کبیری، ۲۰۱۱). فرض اصلی رویکرد کنش متقابل این است که معنای مشارکت ورزشی نه از فراگردهای ذهنی (علاقه روان‌شناختی)، بلکه از فراگرد کنش متقابل برمی‌خیزد. ورزشکاران در طی کنش متقابل اجتماعی (ارزیابی شرایط و نحوه مقابله با محدودیت‌ها)،

1. Allen
2. Belumer

نمادها و معانی موردنیاز را برای مشارکت ورزشی فرامی‌گیرند (ریتزر، ۲۰۰۵). نظریه کنش متقابل انسان را موجودی کنشگر می‌داند و رفتار انسان شامل انتخاب‌هایی است که مبتنی بر تعریف از واقعیت هستند؛ واقعیتی که ورزشکاران درحین کنش متقابل با اطرافیان و ساختارهای کلان اجتماعی و فرهنگی می‌سازند (کاکلی، ۲۰۱۵)؛ بنابراین، این فرایند شامل مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی می‌شود که ورزشکار با کنش‌های متقابل تنگاتنگ خود با اطرافیان و در نظر گرفتن جنبه‌های مثبت و منفی مشارکت ورزشی خود بدان می‌رسد. رویکرد کنش متقابل نمادین با تأکید بر مسائلی چون کسب هویت اجتماعی (همچون هویت ورزشی)، نحوه تعریف جهان و زندگی، اهداف و آرزوهایی که فرد در زندگی دنبال می‌کند، کنش‌های متقابلی که فرد با دیگران دارد و نقش این اهداف اجتماعی و کنش‌های متقابل در تصمیم‌گیری‌های فردی (تصمیم‌گیری‌های ورزشی) و مطالعه جهان اجتماعی (خرده‌فرهنگ ورزشی) که فرد در آن به سر می‌برد، چهارچوبی مناسب برای پژوهش حاضر است؛ در نتیجه، با توجه به اهمیت عوامل اجتماعی در فرایند مشارکت ورزشی و نقش تعیین‌کننده حمایت‌های دریافتی از اطرافیان، محدودیت‌های ساختاری و اجتماعی، فرایند شکل‌گیری و تأیید هویت ورزشی و تأثیر آن بر تعهد و استمرار مشارکت ورزشی، این پژوهش با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و بررسی هم‌زمان روابط علی مدل مفروض پژوهش، فرایند مشارکت ورزشی ورزشکاران سطح شهر رشت را با تکیه بر الگوی نظری کنش متقابل نمادین بررسی می‌کند و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که به‌راستی فرایند مشارکت ورزشی تحت تأثیر چه عوامل اجتماعی و ساختاری شکل می‌گیرد؟

براین‌مبنا، مدل مفهومی پژوهش حاضر به‌صورت شکل شماره یک است.



شکل ۱- مدل مفهومی فرایند مشارکت ورزشی

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش کمی بر تکنیک پیمایش و ابزار پرسش‌نامه تکیه می‌کند. همه ورزشکاران شهر رشت در سال ۱۳۹۴ جامعه آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند. براساس آمارهای گزارش شده از سوی اداره تربیت‌بدنی شهرستان رشت، تعداد ورزشکارانی که به صورت فعال در سطح شهر به مشارکت ورزشی می‌پردازند، ۱۵۲۳۶۰ نفر هستند که از این تعداد، ۸۳۷۹۸ ورزشکار مرد و ۶۸۵۶۲ ورزشکار زن هستند و نسبت جنسیتی ورزشکاران، ۵۵ درصد مرد و ۴۵ درصد زن است؛ بنابراین، در مرحله اول با مشخص کردن توزیع فراوانی رشته‌های ورزشی فعال در سطح شهر رشت، پنج رشته ورزشی با بیشترین فراوانی انتخاب شدند و در مرحله بعد با توجه به سهم هر رشته ورزشی در مرحله اول، سهم هر رشته در حجم نمونه پژوهش؛ یعنی ۵۷۴ نفر با رعایت نسبت جنسیتی برآورد شد.

جدول ۱- توزیع فراوانی رشته‌ها به تفکیک رشته ورزشی

ردیف	رشته ورزشی	جمع کل		تعداد کل براساس حجم نمونه	مرد	زن	درصد کل
		تعداد	درصد				
۱	فوتبال و فوتسال	۲۹۷۲۱	۳۸٪	۲۱۸	۱۲۰	۹۸	۳۸٪
۲	آمادگی جسمانی	۲۰۰۵۶	۲۶٪	۱۴۷	۸۱	۶۶	۲۶٪
۳	تکواندو	۱۲۴۲۷	۱۶٪	۹۱	۵۰	۴۱	۱۶٪
۴	کاراته	۹۰۳۵	۱۱٪	۶۶	۳۶	۳۰	۱۱٪
۵	والیبال	۷۰۴۱	۹٪	۵۲	۲۷	۲۵	۹٪
	جمع	۷۸۲۸۰	۱۰۰	۵۷۴	۳۱۶	۲۵۸	۱۰۰

براین‌مبنا، با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای (با توجه به سهمیه هر رشته به تفکیک جنسیت) در دسترس، ۵۷۴ ورزشکار از مناطق مختلف شهر رشت برای آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شدند. برای برآورد حجم نمونه، پژوهشگران از قاعده سرانگشتی استفاده کردند؛ بدین مفهوم که تعداد متغیرها و پارامترها در اغلب مدل‌های معادله ساختاری امکان برآورد حجم بهینه را در مقایسه با موقعیتی که پژوهشگر با تعداد محدودی از متغیرها و پارامترها در پژوهش خود مواجه است، موضوعی دشوار و پیچیده می‌کند. چنین دشواری و پیچیدگی‌ای در برآورد حجم نمونه برای یک مدل در جمعیت آماری خاص، به توافق ضمنی در استفاده از معیارهای کلی یا قواعد سرانگشتی منجر شده است. معیارها یا قواعدی که به صرف نامشان نباید آن‌ها را غیردقیق یا غیرعلمی ارزیابی کرد. این قواعد ریشه در مطالعات شبیه‌سازی مونت کارلو دارند (قاسمی، ۱۳۹۴)؛ روش‌هایی که مبتنی بر نمونه‌های تصادفی

۱. منظور از ورزشکاران در این پژوهش کلیه افراد درگیر در یک یا چند رشته ورزشی است که نام آنها در اداره ورزش و جوانان شهر رشت ثبت شده و برای آن‌ها کارت بیمه ورزشی صادر گردیده است.

مکرر از جمعیت آماری مفروض با پارامترهای شناخته شده هستند. این مطالعات توسط بومسما^۱ (۱۹۸۲) و اندرسون و گرینگ^۲ (۱۹۸۴) صورت گرفت. در این میان، مولر^۳ (۱۹۹۹) برای تعیین حجم نمونه از نسبت حجم نمونه به پارامتر آزاد برای برآورد استفاده کرده است. وی حداقل این نسبت را پنج به یک، حد متوسط آن را نسبت ۱۰ به یک و حد بالای آن را ۲۰ به یک مطرح کرده است؛ براین اساس، می توان برای مدل تدوین شده پژوهش (تعداد پارامترهای پژوهش: ۴۴، درجه آزادی: ۱۲۳) با توجه به وجود پارامترهای آزاد برای برآورد حداقل حجم نمونه، درحالت کلی ۲۲۰ نفر، درحالت متوسط، ۴۴۰ نفر و درحد بالا ۸۸۰ مورد را تعیین کرد؛ بنابراین، گزارشگر از حد متوسط حجم نمونه بین ۴۴۰ تا ۸۸۰ نفر برای حجم نمونه مکفی مدل معادلات ساختاری بهره گرفته است که درنهایت با جمع آوری پرسش نامه های موردنظر، ۵۷۴ نفر با حذف داده های مخدوش برای آزمون فرضیه ها انتخاب شدند.

در این پژوهش برای سنجش بعد جامعه پذیری ورزشی از پرسش نامه سیج (۱۹۸۰)، حضور ورزش در زندگی اجتماعی ورزشکار^۴ از مقیاس سیج (۱۹۸۰)، میزان کمک دیگران مهم در فهم قوانین بازی^۵ از مقیاس گریندورفر و همکاران (۱۹۸۶)، میزان اهمیت ورزش برای دیگران مهم از مقیاس گریندورفر و همکاران (۱۹۸۶)، میزان تشویق یا دلسرد کردن ورزشکار از مقیاس گریندورفر و همکاران (۱۹۸۶) و گردیندورفر و لوکو (۱۹۸۷)، حمایت دریافتی از مدرسه از مقیاس لاو و همکاران (۲۰۰۴)، میزان دنبال کردن فعالیت های ورزشی از طریق رسانه های گروهی^۶ از مقیاس سیسلاک (۲۰۰۴) و تمرکز اطرافیان بر فعالیت های ورزشی^۷ از مقیاس سیسلاک و همکاران (۲۰۰۴) استفاده شد. بعد هویت ورزشی^۸ با مؤلفه های هویت اجتماعی^۹ و هویت فردی^{۱۰} و همچنین، حالات عاطفی منفی و حالات

-
1. Boomsma
 2. Anderson & Gerbing
 3. Mueller
 4. The Presence of Sports in the Social Life of an Athlete
 5. Understanding the Rules of the Game by Others
 6. Importance of Sport Participation for Significant Others
 7. Others' Encouragement or Discouragement
 8. Received Support from School
 9. Following Sport Events from Mass Media
 10. Cieslak
 11. Others Focus on Sport Activities
 12. Sport Identity
 13. Social Identity
 14. Self- Identity

عاطفی مثبت^۱ با پرسش‌نامه سیسلاک و همکاران (۲۰۰۴) سنجیده شدند. بعد تعهد ورزشی^۲ با پرسش‌نامه کاسپر و اندرو^۳ (۲۰۰۸) بررسی شد. محدودیت‌های ساختاری و اجتماعی با مؤلفه‌های فشارهای اجتماعی^۴، محدودیت امکانات ورزشی^۵، محدودیت حمل‌ونقل^۶ و محدودیت زمانی^۷ و استفاده از مقیاس لی و همکاران (۲۰۰۴) و الکساندریس و کارول^۸ (۱۹۹۷) سنجیده شدند. بعد مشارکت ورزشی^۹ نیز با نمرات استاندارد شده میزان مشارکت ورزشی در هفته، سابقه مشارکت ورزشی و سطح مشارکت ورزشی در نظر گرفته شد. گفتنی است همه مقیاس‌های پژوهش با طیف لیکرت سنجیده شدند.

جدول ۲- خلاصه ضرایب مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش

آلفای کرونباخ	روایی همگرا	پایایی ترکیبی	تحلیل عاملی تأییدی	
۰/۸۸۴	۰/۵۳۷	۰/۸۸۹	۰/۷۲۳- ۰/۶۵۲	میزان حمایت از طریق مدرسه
۰/۸۶۰	۰/۶۰۴	۰/۸۵۲	۰/۹۴۰- ۰/۵۲۰	مشارکت ورزشی دیگران مهم به‌عنوان الگوهای نقش ورزشی
۰/۸۴۴	۰/۵۱۷	۰/۸۶۴	۰/۷۴۱- ۰/۵۵۵	میزان حضور و رواج ورزش در بطن زندگی اجتماعی فرد
۰/۸۲۴	۰/۵۳۸	۰/۸۷۴	۰/۷۱۵- ۰/۵۹۷	میزان کمک دیگران مهم در فهم قوانین بازی
۰/۸۷۴	۰/۵۲۴	۰/۸۸۵	۰/۷۷۵- ۰/۷۰۷	میزان اهمیت ورزش برای دیگران مهم
۰/۸۱۲	۰/۵۵	۰/۸۸	۰/۷۳۸- ۰/۶۸۳	میزان دنبال کردن فعالیت‌های ورزشی از طریق رسانه‌های گروهی
۰/۸۲۱	۰/۵۳۷	۰/۸۸۹	۰/۷۴۲- ۰/۵۲۵	میزان تشویق یا دل‌سرد کردن ورزشکار
۰/۸۸۴	۰/۵۲۲	۰/۸۱۳	۰/۷۵۶- ۰/۶۷۴	تمرکز زیاد بر فعالیت ورزشی در زندگی اطرافیان
۰/۸۰۶	۰/۵۴۲	۰/۸۵۵	۰/۷۳۱- ۰/۶۳۴	هویت اجتماعی اکتسابی از طریق مشارکت ورزشی
۰/۷۹۸	۰/۵۲۸	۰/۸۴۷	۰/۶۸۵- ۰/۶۳۰	هویت ورزشی فردی (خودهویتی)
۰/۷۵۵	۰/۵۸۸	۰/۸۵	۰/۷۴۱- ۰/۵۶۷	حالات عاطفی منفی
۰/۸۵۳	۰/۵۹۴	۰/۸۵۴	۰/۸۰۸- ۰/۷۲۰	حالات عاطفی مثبت
۰/۸۲۶	۰/۷۱۶	۰/۸۳۴	۰/۸۴۰- ۰/۷۲۱	تعهد ورزشی
۰/۹۲۹	۰/۷۰۳	۰/۹۲۱	۰/۹۷۳- ۰/۷۳۶	فشارهای اجتماعی
۰/۸۷۷	۰/۶۴۱	۰/۸۷۷	۰/۸۳۸- ۰/۷۹۹	محدودیت‌های مربوط به امکانات ورزشی
۰/۷۹۸	۰/۵۶۸	۰/۷۹۸	۰/۸۸۹- ۰/۸۵۱	محدودیت‌های مربوط به مشکلات مالی و حمل‌ونقل
۰/۸۳۰	۰/۵۵۳	۰/۸۳۲	۰/۷۹۴- ۰/۷۱۷	محدودیت‌های زمانی

1. Negative Emotional States & Positive Emotional States
2. Sport Commitment
3. Casper
4. Social Pressures
5. Restriction of Sports Facilities
6. Restriction of Transportation
7. Time Limitation
8. Alexandris & Carroll
9. Sport Participation

برای بررسی پایایی و روایی مقیاس‌های پژوهش از ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، ضریب بارهای عاملی و روایی همگرا استفاده شد و همه ضرایب، بالاتر از حد مطلوب و معنادار گزارش شدند که در جدول شماره یک به اختصار آمده‌اند. در این پژوهش، برای بررسی مفروض طبیعی بودن داده‌ها از شاخص‌های چولگی، کشیدگی و کشیدگی چندمتغیره مردیا استفاده شد که چمینگوی و لالونا^۱ (۲۰۱۳) محدوده قابل قبول برای چولگی را $2 \pm$ ، کشیدگی را $8 \pm$ و کشیدگی چندمتغیره مردیا را \geq از ۱/۹۶ گزارش داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که ضرایب ذکرشده در بازه قابل قبول گزارش شده‌اند. در ادامه، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل معادلات ساختاری و روش خودگردان‌سازی بهره گرفته شد. یکی از مهم‌ترین مزایای روش خودگردان‌سازی، آزمون مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بدون اتکا به مفروض‌های توزیعی نمرات است (پریچر و هایس^۴، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، این روش محبوب از جمله روش‌هایی است که با نمونه‌گیری مجدد^۵ ۲۰۰۰ نفری، ۵۰۰۰ نفری و ۱۰۰۰۰ نفری از نمونه‌های موجود، مسیرهای غیرمستقیم را به آزمون می‌گذارد (کلاین^۶، ۲۰۱۵). به اعتقاد بایرن^۷ (۲۰۱۰)، مهم‌ترین مزایای استفاده از روش خودگردان‌سازی را می‌توان در گزارش مسیرهای غیرمستقیم مدل، مرتفع شدن حجم پایین نمونه‌های پژوهش، دقت بالاتر یافته‌ها و ضرایب برازش مدل ساختاری گزارش کرد. در این پژوهش از روش خودگردان‌سازی با حجم نمونه ۲۰۰۰ نفری استفاده شده است.

نتایج

نگاه کلی به نمونه‌های این پژوهش حاکی از آن است که ۴۵/۵ درصد از پاسخ‌گویان زنان و ۵۴/۵ درصد مردان بودند. ۶۲/۲ درصد از پاسخ‌گویان افراد مجرد و ۳۷/۸ درصد را متأهلان تشکیل دادند. ۳۵/۴ درصد از پاسخ‌گویان ۲۰ سال، ۴۲ درصد بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۱۳/۸ درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال و ۸/۹ درصد بالاتر از ۳۰ سال داشتند. ۲۰/۹ درصد از پاسخ‌گویان مدرک دیپلم، ۲۳ درصد کاردانی، ۳۶/۸ درصد کارشناسی و ۱۹/۳ درصد مدرک کارشناسی ارشد داشتند. ۳۸/۲ درصد از پاسخ‌گویان در رشته فوتبال و فوتسال، ۲۶/۱ درصد در رشته آمادگی جسمانی، ۱۶/۶ درصد در رشته تکواندو،

-
1. Mardia
 2. Chemingui & lallouna
 3. Bootstrapping
 4. Preacher & Hayes
 5. Resampling Method
 6. Kline
 7. Bayern

۱۰/۵ درصد در رشته کاراته و ۸/۷ درصد در رشته والیبال مشغول به فعالیت بودند. ۴۱/۸ درصد از پاسخ‌گویان سه ساعت و کمتر به مشارکت پرداختند. ۲۲/۶ درصد بین چهار تا نه ساعت مشارکت ورزشی در طول هفته داشتند و ۲۹/۶ درصد میزان مشارکت ورزشی خود را بیشتر از نه ساعت در طول هفته ذکر کردند. ۴۰/۹ درصد از پاسخ‌گویان سابقه مشارکت ورزشی به مدت سه سال و کمتر، ۲۷/۵ درصد چهار تا هفت سال و ۳۱/۵ درصد بیشتر از هفت سال سابقه مشارکت ورزشی داشتند. ۲۰/۶ درصد از پاسخ‌گویان در سطح غیر حرفه‌ای، ۱۹ درصد در سطح استانی، ۳۰/۷ درصد در سطح ملی و ۲۹/۸ درصد در سطح بین‌المللی به مشارکت ورزشی پرداختند.

بررسی عوامل ساختاری- اجتماعی مؤثر در فرایند مشارکت ورزشی

جدول ۳- ضرایب مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل معادلات ساختاری فرایند مشارکت ورزشی

ضرایب کل استاندارد	معناداری سطح	ضرایب غیرمستقیم استاندارد	ضرایب مستقیم	معناداری سطح	انحراف معیار	ضرایب غیر استاندارد	مشارکت ورزشی	جامعه‌پذیری ری ورزشی
۰/۶۰۴	***	۰/۰۸۸	۰/۵۱۷	***	۰/۳۲۶	۱/۱۹۲	مشارکت ورزشی	جامعه‌پذیری ری ورزشی
۰/۱۵۲	۰/۰۰۲	۰/۰۲۶	۰/۱۲۷	۰/۰۰۸	۰/۰۳۳	۰/۰۹۵	مشارکت ورزشی	هویت ورزشی
۰/۱۵۵	-	-	۰/۱۵۵	***	۰/۰۳۴	۰/۱۴۷	مشارکت ورزشی	تعهد ورزشی
۰/۳۶۶	***	۰/۲۳۱	۰/۲۳۵	***	۰/۰۱۲	۰/۰۵۳	مشارکت ورزشی	فشار اجتماعی
۰/۱۲۸	***	۰/۰۲۴	۰/۱۰۴	***	۰/۱۴۸	۰/۹۴۰	مشارکت ورزشی	محدودیت زمانی
۰/۲۳۵	***	۰/۱۲۳	۰/۱۱۲	۰/۰۰۲	۰/۰۲۳	۰/۰۸۴	مشارکت ورزشی	محدودیت حمل و نقل

ادامه جدول ۳- ضرایب مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل معادلات ساختاری فرایند مشارکت ورزشی

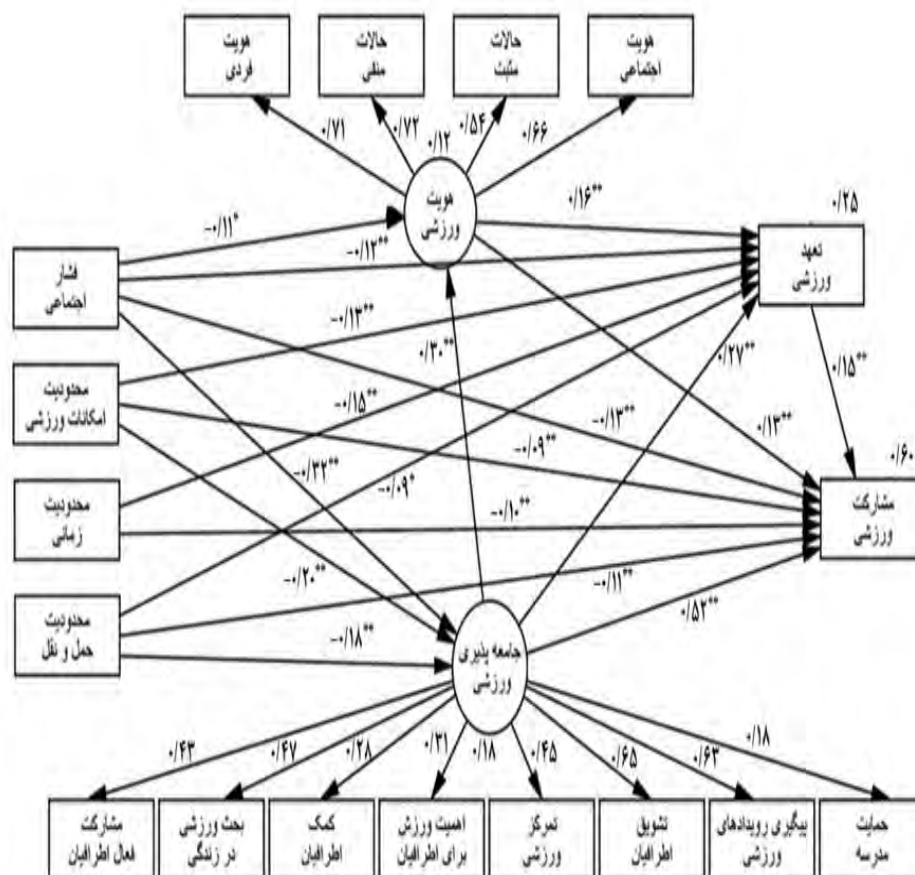
ضرایب کل استاندارد	سطح معناداری	ضرایب غیرمستقیم استاندارد	ضرایب مستقیم	سطح معناداری	انحراف معیار	ضرایب غیر استاندارد		
-۰/۲۳۶	***	-۰/۱۴۱	-۰/۰۹۴	۰/۰۱۰	۰/۰۱۴	-۰/۰۴۳	مشارکت ورزشی	محدودیت امکانات ورزشی
۰/۳۰۱	-	-	۰/۳۰۱	***	۰/۳۰۶	۰/۹۲۱	هویت ورزشی	جامعه‌پذیری ورزشی
-۰/۲۰۸	***	۰/۰۹۷	-۰/۱۱۱	۰/۰۴۸	۰/۰۲۷	-۰/۰۵۸	هویت ورزشی	فشار اجتماعی
-۰/۰۵۴	***	-۰/۰۵۴	-	-	-	-	هویت ورزشی	محدودیت حمل‌ونقل
-۰/۰۰۶	***	-۰/۰۰۶	-	-	-	-	هویت ورزشی	محدودیت امکانات ورزشی
۰/۳۲۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۲۷۱	***	۰/۲۱۳	۰/۶۵۸	تعهد ورزشی	جامعه‌پذیری ورزشی
۰/۱۶۵	-	-	۰/۱۶۵	۰/۰۰۲	۰/۰۴۴	۰/۱۳۱	تعهد ورزشی	هویت ورزشی
-۰/۲۴۴	***	-۰/۱۲۲	-۰/۱۲۲	۰/۰۰۳	۰/۰۱۷	-۰/۰۵۱	تعهد ورزشی	فشار اجتماعی
-۰/۱۵۵	-	-	-۰/۱۵۵	***	۰/۰۲۲	-۰/۰۹۲	تعهد ورزشی	محدودیت زمانی

ادامه جدول ۳- ضرایب مستقیم، غیر مستقیم و کل مدل معادلات ساختاری فرآیند مشارکت ورزشی

ضرایب کل استاندارد	سطح معناداری	ضرایب غیر مستقیم استاندارد	ضرایب مستقیم	سطح معناداری	انحراف معیار	ضرایب غیر استاندارد	تجهید ورزشی
-۰/۱۴۸	***	-۰/۰۵۸	-۰/۰۹	۰/۰۳۲	۰/۰۳۰	-۰/۰۷۲	↑
-۰/۱۹۵	***	-۰/۰۶۴	-۰/۱۳	***	۰/۰۱۹	۰/۰۶۳	↑
-۰/۳۲۳	-	-	-۰/۳۲۳	***	۰/۰۱۶	-۰/۰۵۵	↑
-۰/۱۸۱	-	-	-۰/۱۸۱	***	۰/۰۳۱	-۰/۰۵۹	↑
-۰/۲	-	-	-۰/۲۰	***	۰/۰۱۴	-۰/۰۴	↑
							جامعه پذیری ورزشی
							↑
							فشار اجتماعی
							↑
							جامعه پذیری ورزشی
							↑
							محدودیت حمل و نقل
							↑
							امکانات ورزشی
							↑

خلاصه ضرایب برازش مدل معادلات ساختاری: ضریب تعیین مدل: ۰/۵۹۹، کای اسکوتر: ۲۴۲/۳۵؛ درجه آزادی: ۱۰۶؛ کای اسکوتر بهنجار شده: ۲/۲۸۶؛ سطح معناداری: ۰/۰۰۰؛ ریشه میانگین مربعات باقی مانده: ۱/۱۰۹؛ شاخص نیکویی برازش: ۰/۹۵۵؛ شاخص نیکویی برازش اصلاح شده: ۰/۹۲۸؛ شاخص برازش هنجار نشده: ۰/۹۰۱؛ شاخص برازش تطبیقی: ۰/۹۳۱؛ ریشه میانگین خطای برآورد: ۰/۰۴۷

1. Squared Multiple Correlations



شکل ۲- مدل معادلات ساختاری فرایند مشارکت ورزشی

همان طور که مدل معادلات ساختاری در شکل شماره دو نشان می‌دهد، در وهله اول، مشارکت ورزشی به صورت مستقیم و معنادار توسط فرایند جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۵۱۷)، هویت ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۲۷)، تعهد ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۵۵)، فشار اجتماعی (ضرایب بتا: -۰/۱۳۵)، محدودیت زمانی (ضرایب بتا: -۰/۱۰۴)، محدودیت حمل و نقل (ضرایب بتا: -۰/۱۱۲) و محدودیت امکانات ورزشی (ضرایب بتا: -۰/۰۹۴) پیش‌بینی می‌شود. همچنین، در مورد ضرایب غیرمستقیم، با استفاده از روش خودگردان‌سازی^۱ تأثیر عوامل اجتماعی مختلف بر مشارکت ورزشی بررسی شده

1. Bootstrapping (N= 2000)

است. در مسیر غیرمستقیم جامعه‌پذیری، این شاخص تأثیر معناداری بر هویت ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۳۰۱) و تعهد ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۲۷۱) دارد و از این مسیر، تأثیر غیرمستقیمی بر مشارکت ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۰۸۸) دارد. در مسیر غیرمستقیم هویت ورزشی، این شاخص تأثیر معناداری بر تعهد ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۶۵) و از این مسیر تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر مشارکت ورزشی دارد (ضرایب بتا: ۰/۰۲۶). در مسیر غیرمستقیم فشار اجتماعی، این شاخص تأثیر معناداری بر هویت ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۱۱-)، تعهد ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۲۲-) و جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۳۳۳-) دارد و از این مسیر، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر مشارکت ورزشی دارد (ضرایب بتا: ۰/۲۳۱-). در مسیر غیرمستقیم محدودیت زمانی، این شاخص تأثیر معناداری بر تعهد ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۵۵-) دارد و از این مسیر، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر مشارکت ورزشی دارد (ضرایب بتا: ۰/۰۲۴-). در مسیر غیرمستقیم محدودیت حمل‌ونقل، این شاخص تأثیر معناداری بر تعهد ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۰۹-) و جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۸۱-) دارد و از این مسیر، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر مشارکت ورزشی دارد (ضرایب بتا: ۰/۱۲۳-). در مسیر غیرمستقیم محدودیت امکانات ورزشی، این شاخص تأثیر معناداری بر تعهد ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۳-) و جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۸۱-) دارد و از این مسیر، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر مشارکت ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۳۱-) دارد. در مورد شاخص هویت ورزشی، مدل معادلات ساختاری پژوهش حاکی از آن است که جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۳۰۱) و فشار اجتماعی (ضرایب بتا: ۰/۱۱۱-) تأثیر معنادار و مستقیمی بر هویت ورزشی دارند. در مسیر غیرمستقیم، فشار اجتماعی تأثیر معناداری بر جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۳۲۳-) دارد و از این مسیر، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر هویت ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۰۹۷-) دارد. محدودیت حمل‌ونقل تأثیر معناداری بر جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۸۱-) دارد و از این مسیر، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر هویت ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۰۵۳-) دارد. همچنین، محدودیت امکانات ورزشی تأثیر معناداری بر جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۲۰-) دارد و از این مسیر، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر هویت ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۰۶-) دارد.

در مورد شاخص تعهد ورزشی، مدل معادلات ساختاری پژوهش حاکی از آن است که جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۲۷۱)، هویت ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۶۵) و فشار اجتماعی (ضرایب بتا: ۰/۱۲۲-)، محدودیت زمانی (ضرایب بتا: ۰/۱۵۵-)، محدودیت حمل‌ونقل (ضرایب بتا: ۰/۰۹-) و محدودیت امکانات ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۱۳-) تأثیر معنادار و مستقیمی بر تعهد ورزشی دارند. در مسیر غیرمستقیم، جامعه‌پذیری ورزشی تأثیر معناداری بر هویت ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۳۰۱) دارد و از این طریق، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر تعهد ورزشی (ضرایب بتا: ۰/۰۵) دارد. در مسیر غیرمستقیم

فشار اجتماعی، این شاخص تأثیر معناداری بر جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: $0/323-$) دارد و از این مسیر، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر تعهد ورزشی (ضرایب بتا: $0/122-$) دارد. محدودیت حمل‌ونقل تأثیر معناداری بر جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: $0/181-$) دارد و از این مسیر، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر هویت ورزشی (ضرایب بتا: $0/058-$) دارد. همچنین، محدودیت امکانات ورزشی تأثیر معناداری بر جامعه‌پذیری ورزشی (ضرایب بتا: $0/20-$) دارد و از این مسیر، تأثیر معنادار و غیرمستقیمی بر هویت ورزشی (ضرایب بتا: $0/064-$) دارد.

درباره شاخص جامعه‌پذیری ورزشی، مدل معادلات ساختاری پژوهش حاکی از آن است که فشار اجتماعی (ضرایب بتا: $0/323-$)، محدودیت حمل‌ونقل (ضرایب بتا: $0/181-$) و محدودیت امکانات ورزشی (ضرایب بتا: $0/20-$) تأثیر معنادار و مستقیمی بر جامعه‌پذیری ورزشی دارند.

در ادامه، همان‌طور که ضریب تعیین مدل نشان می‌دهد، متغیرهای مستقل پژوهش توانسته‌اند ۶۰ درصد از واریانس مشارکت ورزشی را تبیین کنند. همچنین، ضرایب مرتبط با برازش مدل همگی بالاتر از سطح مفروض برازش مناسب مدل معادلات ساختاری قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

به اعتقاد نظریه‌پردازان کنش متقابل، می‌توان جهان اجتماعی و به‌ویژه تصمیم‌گیری‌های افراد را (در این مورد، تصمیم‌گیری‌های ورزشی) در چهارچوب روابط اجتماعی آنان با اطرافیان‌شان تبیین کرد. طبق نظریه کنش متقابل، ما انسان‌ها صرفاً به‌صورت غیرارادی به جهان پیرامون خود واکنش نشان نمی‌دهیم؛ بلکه براساس پیامدهایی که فکر می‌کنیم رفتار ما بر زندگی، مردم اطرافمان و جهان اجتماعی‌ای که در آن زندگی می‌کنیم دارد، فعلاً در رفتار خود تصمیم می‌گیریم (کاکلی، ۲۰۱۵). با توجه به اهمیت کنش‌های متقابل ورزشکار با اعضای خانواده، گروه هم‌تایان، دیگران مهم و رسانه‌های گروهی، پژوهش حاضر به کنش‌های متقابل ورزشکاران نگاه ویژه‌ای کرده است؛ براین‌اساس، فرض پژوهش حاضر این است که حجم حمایت‌های دریافتی از عوامل اجتماعی و محدودیت‌های ساختاری تأثیر بسزایی بر میزان مشارکت ورزشی فرد ورزشکار دارد.

طبق یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، عوامل جامعه‌پذیری مشارکت ورزشی ورزشکاران را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. در تبیین این مسئله می‌توان اذعان کرد که فرایند جامعه‌پذیری و میزان حمایت‌های دریافتی از عوامل فردی و نهادی، در نحوه مشارکت ورزشی ورزشکاران نقش بسزایی دارند. اگر فرد در دوران کودکی و مراحل جامعه‌پذیری اولیه ورزشی از اعضای خانواده‌اش حمایت‌های ورزشی مناسبی همچون تشویق و ترغیب‌شدن، حضور در میادین ورزشی، آشنایی با مهارت‌ها و قوانین ورزشی

و حمایت مدارس را دریافت کند، فرایند مشارکت ورزشی وی علاوه بر توجه به استعداد و مهارت‌های شخصی، در مسیر مناسبی قرار خواهد گرفت که فرد را می‌تواند به اهداف و موفقیت‌های ورزشی برساند. در این مورد می‌توان به اهمیت نهاد خانواده در شکل‌بخشیدن به فرایند مشارکت ورزشی اشاره کرد. والدین و سایر اعضای خانواده براساس ارتباطی که با فرد دارند و همچنین، دامنهٔ نفوذشان در تصمیم‌گیری‌های وی، نقش مهمی در شکل‌گیری فرایند جامعه‌پذیری ورزشی و متعاقب آن، مشارکت ورزشی فرد ورزشکار دارند. میزان تشویق‌های دریافتی از هریک از اعضای خانواده برای مشارکت ورزشی، تعریف و تمجید از استعداد ورزشی فرد، بالا بردن حس اعتماد به نفس ورزشکار و همچنین، با خبر بودن از موقعیت ورزشی و عملکرد وی، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های ورزشی فرد خواهند داشت. به عبارت دیگر، از آنجایی که خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه است و بسیاری از کودکان فرایند مشارکت ورزشی خود را با تقلید و الگوبرداری از اعضای خانواده فرا می‌گیرند (کاکلی، ۲۰۱۵)، اهمیت این نهاد در فرایند جامعه‌پذیری بیش از سایر نهادهای اجتماعی همچون مدرسه است. یکی از مهم‌ترین علل عملکرد ضعیف نهاد مدرسه در الگودهی به فرایند مشارکت ورزشی ورزشکاران را می‌توان در استفادهٔ نادرست از نیروهای کارآموده و باتجربه (با تحصیلات تخصصی در رشتهٔ تربیت‌بدنی)، اختصاص ندادن بودجه، نبود طرح‌های استعدادیابی در سطح مدارس و فقدان تمرکز بر ورزش مدارس مشاهده کرد. نتایج پژوهش‌های کیم (۲۰۰۱)، پروچسکا (۲۰۰۲)، ساکزنا و همکاران (۲۰۰۲)، تیلور و همکاران (۲۰۰۲)، سالیس و همکاران (۲۰۰۲)، پرینن (۲۰۰۲)، اندرسون و همکاران (۲۰۰۳)، لوبنز و همکاران (۲۰۰۷)، کانترز و همکاران (۲۰۰۸)، فتحی (۲۰۰۹)، کیگان و همکاران (۲۰۱۰)، اوینستون (۲۰۱۰)، کبیری (۲۰۱۱)، نایت و همکاران (۲۰۱۱)، آوراکی و همکاران (۲۰۱۱)، اسمیت و اسمال (۲۰۱۴) و یسو و هاروود (۲۰۱۵) که در آن‌ها بر نقش عوامل اجتماعی مختلف در سوق‌یافتن ورزشکاران به سمت فعالیت‌های ورزشی تأکید شده است، با یافتهٔ مطالعهٔ حاضر همسویی دارند.

طبق نتایج به‌دست‌آمده، هویت ورزشی اکتسابی بر مشارکت ورزشی ورزشکاران اثرگذار است. در تبیین این مسئله می‌توان گفت زمانی که هویت ورزشی به بخش مهمی از هویت اجتماعی ورزشکار تبدیل می‌شود، خود ورزشکار و اطرافیان وی را به‌عنوان ورزشکار شناسایی می‌کنند. چنین منبع مهم هویتی به انگیزه و انرژی معناداری در استمرار مشارکت ورزشی تبدیل می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، فردی که بیشتر دوستانش ورزشکار هستند، افراد مرتبط با وی او را به‌عنوان ورزشکار می‌شناسند و خانواده از وی انتظار مشارکت فعالیت ورزشی دارد. ورزش کردن و آگاهی دیگران از مشارکت ورزشی فرد از اهمیت زیادی برای وی برخوردار است و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به او شهرت و اعتبار می‌دهد و سطح مشارکت ورزشی‌اش به‌طور معناداری افزایش می‌یابد. چنین یافته‌ای با نتایج

پژوهش‌های کانتروز و همکاران (۲۰۰۸)، کیگان و همکاران (۲۰۱۰)، کبیری (۲۰۱۱)، اسمیت و اسمال (۲۰۱۴) و یسو و هاروود (۲۰۱۵) همسو است.

درواقع، زمانی که زنان و مردان ورزشکار از طریق هویت ورزشی توسط اعضای خانواده، جامعه و اطرافیان شناسایی می‌شوند و هویت ورزشی برای فرد در حکم شناسنامه و به ابزاری برای احراز پایگاه اجتماعی تبدیل می‌شود، دامنه مشارکت ورزشی چه از نظر میزان مشارکت ورزشی (میزان وقتی که ورزشکار برای مشارکت ورزشی اختصاص می‌دهد) و از نظر سطح مشارکت ورزشی (سطحی که ورزشکار در آن به رقابت می‌پردازد: سطوح استان، ملی و بین‌المللی) افزایش می‌یابد؛ اما زمانی که هویت ورزشی برای فرد مزایایی نداشته باشد و مشارکت ورزشی و هویت ورزشکار بودن با محدودیت‌های اجتماعی همراه باشند، دامنه مشارکت ورزشی نیز کاسته می‌شود. افزون‌براین، تعهد ورزشی بر مشارکت ورزشی ورزشکاران اثرگذار است. تعهد ورزشکار به استمرار مشارکت ورزشی نقش مهمی در میزان مشارکت ورزشی دارد. زمانی که ورزشکار برای خود اهداف ورزشی مهمی انتخاب می‌کند، با مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بازخوردهای مثبتی دریافت می‌کند، به فعالیت ورزشی به‌عنوان هدف شغلی و حرفه‌ای می‌نگرد و ورزشکار بودن بخش مهمی از هستی او را تشکیل می‌دهد. تعهد نیرومند ناشی از چنین نگرشی سبب می‌شود که فرد مشارکت ورزشی خود را در بالاترین سطح دنبال کند. چنین یافته‌ای با نتایج مطالعات یاماگوچی (۱۹۸۴)، گریندورفر و همکاران (۱۹۸۶)، کاکلی (۱۹۹۳)، کاکلی و وایت (۱۹۹۹) و کبیری (۲۰۱۱) همسو است.

درنهایت اینکه، محدودیت‌های ساختاری- اجتماعی نیز فرایند مشارکت ورزشی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. مؤثرترین محدودیت‌های ساختاری و اجتماعی بر مشارکت ورزشی، به‌ترتیب فشارهای اجتماعی، محدودیت امکانات ورزشی، محدودیت حمل‌ونقل و محدودیت زمانی بوده‌اند. باید اذعان کرد که فشارهای اجتماعی و نبود امکانات ورزشی و نبود وقت کافی برای مشارکت ورزشی، نقش مهمی در فقدان مشارکت ورزشی ورزشکاران دارند؛ برای مثال، همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، فشارهای اجتماعی مهم‌ترین نقش را در فقدان مشارکت ورزشی ایفا می‌کنند. ورزشکارانی که با کمترین میزان فشارهای اجتماعی مواجه هستند، خانواده مشوق آن‌ها است و دیگران مهم از فعالیت ورزشی آنان رضایت دارند و نیز دریافت انرژی و بازخوردهای مثبت باعث افزایش مشارکت ورزشی‌شان می‌شوند؛ اما زمانی که ورزشکار با محدودیت‌هایی مانند دسترسی درست نداشتن به امکانات ورزشی و رشته موردعلاقه، دوری مسیر و کیفیت پایین امکانات ورزشی مواجه می‌شود، تمایل و انگیزه‌اش برای استمراربخشیدن به مشارکت ورزشی کاهش می‌یابد. چنین یافته‌ای با نتایج پژوهش‌های گریندورفر و لکو (۱۹۸۷) مکفرسن و همکاران (۱۹۸۹)، وایت و کاکلی (۱۹۹۹)، هورن (۲۰۰۶) و هاردین و گرییر (۲۰۰۹) همسویی دارد.

به‌طور کلی، نتایج مدل معادلات ساختاری حاکی از آن است که فرایند مشارکت ورزشی تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و اجتماعی است. در این مورد، با افزایش میزان حمایت دریافتی از عوامل فردی و نهادی جامعه‌پذیری ورزشی بر میزان مشارکت ورزشی ورزشکاران افزوده می‌شود. افزون‌براین، فرایند جامعه‌پذیری ورزشی تأثیر معناداری بر شکل‌گیری هویت ورزشی و تعهد ورزشی ورزشکاران دارد. فشارهای اجتماعی نقشی منفی در مشارکت ورزشی ورزشکاران دارند. این فشارها اهمیت فرایند جامعه‌پذیری ورزشی، هویت ورزشی و تعهد ورزشی را در ورزشکاران کاهش می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر، با افزایش فشارهای اجتماعی از میزان اهمیت هویت ورزشی و تعهد ورزشی در ورزشکاران کاسته می‌شود. از سوی دیگر، با افزایش هویت ورزشی و تقدم این هویت بر سایر جنبه‌های هویت اجتماعی در فرد، میزان تعهد ورزشی ورزشکاران افزایش می‌یابد. از جنبه‌ای دیگر، زمانی که فرد با مشکلاتی ساختاری همچون نبود امکانات ورزشی، محدودیت‌های زمانی و حمل‌ونقل مواجه می‌شود، این متغیرها تأثیر معناداری بر جامعه‌پذیری ورزشی و تعهد ورزشی می‌گذارند؛ در نتیجه، فرایند مشارکت ورزشی ورزشکاران در وهله اول، به‌طور کلی با جامعه‌پذیری ورزشی آغاز می‌شود. فرایند مشارکت ورزشی اولیه از طریق فرایند جامعه‌پذیری و میزان حمایت‌های دریافتی مختلف آغاز می‌شود. در مرحله بعد، با استمرار مشارکت ورزشی، هویت ورزشی ورزشکاران شکل می‌گیرد. در همین راستا، با توجه به نقشی که هویت ورزشی در بازتعریف زنان و مردان ورزشکار در جامعه دارد، تعهد ورزشی نیز شکل می‌گیرد. همچنین، فشارهای ساختاری و اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در فرایند جامعه‌پذیری ورزشی، هویت ورزشی، تعهد ورزشی و در نهایت، مشارکت ورزشی ورزشکاران ایفا می‌کنند.

با توجه به اهمیت جامعه‌پذیری ورزشی در فرایند مشارکت ورزشی، پیشنهاد می‌شود با برگزاری همایش‌ها و سمینارهای علمی و دانشگاهی درباره اهمیت مراحل آغازین مشارکت ورزشی (جامعه‌پذیری اولیه) با توجه به یافته‌های پژوهشی در این عرصه، بر کسب موفقیت‌های ورزشی در آینده تأکید شود. با توزیع جزوه‌های آموزشی درباره اهمیت مشارکت ورزشی و نقش عوامل اجتماعی در فرایند مشارکت ورزشی، پیشنهاد می‌شود که مسئولان حوزه ورزش با اختصاص بودجه و امکانات لازم به اقشار کم‌درآمد جامعه، زمینه مشارکت ورزشی استعدادهای ورزشی را فراهم کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که مسئولان فضاهای شهری با نگاهی دوباره به توزیع سرانه امکانات و تجهیزات ورزشی، با مرتفع کردن محدودیت‌های ساختاری فرصت‌های برابر ورزشی برای اقشار مختلف جامعه فراهم کنند. افزون بر این، پیشنهاد می‌شود با تهیه فیلم و مستندهای ورزشی در مورد اهمیت مشارکت ورزشی و فقدان تعارض مشارکت ورزشی با نقش‌های اجتماعی، موانع اجتماعی پیش روی اقشار اجتماعی مختلف تاحدی تعدیل شوند.

این پژوهش علاوه بر داشتن یافته‌ها، دارای محدودیت‌های مختلفی بوده است که می‌توان به مقطعی بودن پژوهش، نبود مقایسه بین اقشار مختلف اجتماعی و کنترل متغیرهای مداخله‌گر همچون سابقه ورزشی، رشته ورزشی، جنسیت ورزشکار و غیره و نیز استفاده نکردن از روش‌های کیفی اشاره کرد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در آینده پژوهشگران مطالعاتی طولی و چندمقطعی در این راستا انجام دهند تا بر قدرت تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش افزوده شود. استفاده نکردن از روش‌های کیفی همچون مصاحبه عمیق و تحلیل روایت‌های زندگی فرایند مشارکت ورزشی یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش بوده است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده پژوهشگران علاوه بر استفاده از روش پیمایش و قدرت تعمیم‌پذیری آن با استفاده از روش‌هایی چون مصاحبه‌های عمیق و تحلیل روایت‌های زندگی، به یافته‌های پژوهش عمق بیشتری دهند و بر درستی یا نادرستی یافته‌ها در دو بعد تعمیم‌پذیری و تعمیق یافته‌ها بیفزایند و با نگاهی کیفی فرایند مشارکت ورزشی را مطالعه کنند و چگونگی شکل‌گیری هویت ورزشی ورزشکاران را تحلیل کنند.

منابع

1. Ahmadi, S., Kargar, S. (2013). The study of women's attitude toward sport participation and socio-psychological factors affecting it. *Journal of Applied Sociology*, 4, 189-210. (Persian).
2. Alexandris, K., & Carroll, B. (1997). An analysis of leisure constraints based on different recreational sport participation levels: Results from a study in Greece. *Leisure Sciences*, 19(1), 1-15.
3. Allen, J. B. (2003). Social motivation in youth sport. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 25(4), 551-567.
4. Anderson, J. C., & Gerbing, D. W. (1984). The effect of sampling error on convergence, improper solutions, and goodness-of-fit indices for maximum likelihood confirmatory factor analysis. *Psychometrika*, 49(2), 155-173.
5. Anderson, J. C., Funk, J. B., Elliott, R., & Smith, P. H. (2003). Parental support and pressure and children's extracurricular activities: Relationships with amount of involvement and affective experience of participation. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 24(2), 241-257.
6. Boomsma, A. (1982). The robustness of LISREL against small sample sizes in factor analysis models. *Systems under indirect observation: Causality, structure, prediction*, 1, 149-173.
7. Byrne, B. (2010). *Multivariate applications series. Structural equation modeling with AMOS: Basic concepts, applications, and programming*. New York: Routledge/Taylor & Francis Group.
8. Casper, J. M., & Andrew, D. P. (2008). Sport commitment differences among tennis players on the basis of participation outlet and skill level. *Journal of Sport Behavior*, 31(3), 201-219.

9. Chemingui, H., & Ben lallouna, H. (2013). Resistance, motivations, trust and intention to use mobile financial services. *International Journal of Bank Marketing*, 31(7), 574-592.
10. Cieslak I, T. J. (2004). Describing and measuring the athletic identity construct. Scale development and validation. Doctor of Philosophy, The Ohio State University.
11. Coakley, J. (1993). Sport and socialization. *Exercise and Sport Science Reviews*, 21, 169-200.
12. Coakley, J. (2001). *Sport in society. Issues & Controversies* (7th ed.). New York: McGraw, Hill Publication.
13. Coakley, J. (2015). *Sport in society: Issues and controversies* (11th ed.). New York: McGraw, Hill Publication.
14. Coakley, J., & With, A. (1999). Making decisions: How yong people become involved and stay involved in sport. In J. Coakley, & P. Donnley (Eds.), *Inside sport* (pp. 77-85). London, Routledge.
15. Donnly, P., & Young, K. (1999). Rock climbers and rugby players: Identity construction and confirmation. In J. Coakley, & P. Donnley (Eds.), *Inside sport* (pp. 67-76.). London: Routledge.
16. Eriksson, M., Nordqvist, T., & Rasmussen, F. (2008). Associations between parents' and 12-year-old children's sport and vigorous activity: the role of self-esteem and athletic competence. *Journal of Physical Activity and Health*, 5(3), 359-373.
17. Fathi, S. (2009). The sociological explanation of student's sport participation. *Social Science Research*, 3(4), 1-29. (Persian).
18. Greendorfer, S. L., & Lewko, J. H. (1987). Role of family members in sport socialization of children. *Physical Education and Recreation*, 49(2), 146-152.
19. Grendorfer, S. L., Blinde, E. M., & Pellegrini, M. (1986). Gender differences in Brazilian children's socialization into sport. *International Review for the Sociology of Sport*. New York: Sage.
20. Hardin, M., & Greer, J. (2009). The influence of gender-role socialization, media use and sport participation on perceptions of gender-appropriate sports. *Journal of Sport Bihavior*, 32(2), 207-226.
21. Holt, N. L., Kingsley, B. C., Tink, L. N., & Scherer, J. (2011). Benefits and challenges associated with sport participation by children and parents from low-income families. *Psychology of Sport and Exercise*, 12(5), 490-499.
22. Horne, J., Tomlinson, A., & Whannel, G. (2006). *Understanding sport: An introduction to the sociological and cultural analysis of sport*. London: Taylor & Francis.
23. Kabiri, S. (2011). The study of effective social factors on sport participation (Case study: Rasht sport participants). (Unpublished master's thesis). University of Guilan, Guilan. (Persian).
24. Kanters, M. A., Bocarro, J., & Casper, J. (2008). Supported or pressured? An examination of agreement among parent's and children on parent's role in youth sports. *Journal of Sport Behavior*, 31(1), 64-69.

25. Keegan, R., Spray, C., Harwood, C., & Lavallee, D. (2010). The motivational atmosphere in youth sport: Coach, parent, and peer influences on motivation in specializing sport participants. *Journal of Applied Sport Psychology*, 22(1), 87-105.
26. Kenyon, G., & McPherson, B. (1973). Becoming involved in physical activity and sport: A process of socialization. In G. L. Rarick (Ed.), *Physical activity and sport, Growth and development* (pp. 303-333). New York: Academic Press.
27. Kim, S. J. (2001). The influence of media sports audiences sex on acceptance behaviors. *Korea International Journal of Sports Dance*, 7, 51-59.
28. Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York: Guilford publications.
29. Knight, C. J., Neely, K. C., & Holt, N. L. (2011). Parental behaviors in team sports: How do female athletes want parents to behave? *Journal of Applied Sport Psychology*, 23(1), 76-92.
30. Lau, P. W., Fox, K. R., & Cheung, M. W. (2004). Psychosocial and socio-environmental correlates of sport identity and sport participation in secondary school-age children. *European Journal of Sport Science*, 4(3), 1-21.
31. Lee, J.-H., Lee, C.-S., & Min-Haeng, C. (2004). Influence of perceived constraints and social factors on sport-participation after school among Korean youths. *World Leisure Journal*, 46(2), 48-54.
32. Lowenstein, L. F. (2010). Attachment theory and parental alienation. *Journal of Divorce & Remarriage*, 51(3), 157-168.
33. Lubans, D. R., Sylva, K., & Morgan, P. J. (2007). Factors associated with physical activity in a sample of British secondary school students. *Australian Journal of Educational & Developmental Psychology*, 7, 22-30.
34. McPherson, B., Curtis, J., & Loy, J. (1989). *The social significance of sport*. Illinois: Human Kinetics.
35. Mueller, R. O. (1999). Basic principles of structural equation modeling: An introduction to LISREL and EQS: Springer Science & Business Media, *Journal of Marketing Research*, 33(2), 211-215.
36. O'Rourke, D. J., Smith, R. E., Smoll, F. L., & Cumming, S. P. (2011). Trait anxiety in young athletes as a function of parental pressure and motivational climate: Is parental pressure always harmful? *Journal of Applied Sport Psychology*, 23(4), 398-412.
37. Pirinen, R. (2002). Catching up with men? Finnish newspaper coverage of women's entry into traditionally male sports. *Gender and Sports: A Reader. International Review for the Sociology of Sport*, 32(3), 94-105.
38. Preacher, K. J., & Hayes, A. F. (2008). Assessing mediation in communication research. in Hayes, A. F., Slater, D & Snyder L, B (Ed.), *The Sage sourcebook of advanced data analysis methods for communication research* (pp. 13-29). London: SAGE Publications.
39. Preacher, K. J., & Hayes, A. F. (2008). Asymptotic and resampling strategies for assessing and comparing indirect effects in multiple mediator models. *Behavior Research Methods*, 40, 879-891.

40. Prochaska, J. J., Rodgers, M. W., & Sallis, J. F. (2002). Association of parent and peer support with adolescent physical activity. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 73(2), 206-210.
41. Qasemi, V. (2015). *Structural equation modeling in social researches using Amos graphics*. Tehran: Publishing of Sociologists.
42. Rahmati, M. M. (2009). *The sociology of sport aggression*. Tehran: Publication of Cultural and Scientific Publishing Company. (Persian).
43. Ritzer, G. (2005). *Contemporary sociological theories*. (M. Salasi, translation). Tehran: Scientific Publishing. (Persian).
44. Sage, G. H. (1980). Parental influence and socialization sport for male and female intercollegiate athletes. *Journal of Sport & Social Issues*, 4, 1-13.
45. Sallis, J. F., Taylor, W. C., Dowda, M., Freedson, P. S., & Pate, R. R. (2002). Correlates of vigorous physical activity for children in grades 1 through 12: Comparing parent-reported and objectively measured physical activity. *Pediatric Exercise Science*, 14, 30-44.
46. Saxena, R., Borzekowski, D. L. G., & Rickert V. I. (2002). Physical activity levels among urban adolescent females. *Journal of Pediatric & Adolescent Gynecology*, 15, 279-284.
47. Schmalz, D. L., Kerstetter, D. L., & Anderson, D. M. (2008). Stigma consciousness as a predictor of children's participation in recreational vs. competitive sports. *Journal of Sport Behavior*, 31(3), 276-298.
48. Smith, M. (1989). Getting involved in sport: Sex Differences. *International Review of Sport Sociology* 14, 94-101.
49. Smith, R. E., & Smoll, F. L. (2014). Psychological interventions in youth sports. In Van Raalte, J. (Ed.), *Exploring sport and exercise psychology* (pp. 353-378). Washington, DC, US: American Psychological Association.
50. Taylor, W. C., Sallis, J. F., Dowda, M., Freedson, P. S., Eason, K., & Pate, R. R. (2002). Activity patterns and correlates among youth: Differences by weight status. *Pediatric Exercise Science*, 14, 418-431.
51. Timperio, A. F., van Stralen, M. M., Brug, J., Bere, E., Chinapaw, M. J., De Bourdeaudhuij, & Moreno, L. A. (2013). Direct and indirect associations between the family physical activity environment and sports participation among 10–12 year-old European children: testing the EnRG framework in the ENERGY project. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 10(1), 15-21.
52. Toftgaard-Støckel, J., Nielsen, G., Ibsen, B., & Andersen, L. B. (2011). Parental, socio and cultural factors associated with adolescents' sports participation in four Danish municipalities. *Scandinavian journal of medicine & science in sports*, 21(4), 606-611.
53. Wheeler, S. (2012). The significance of family culture for sports participation. *International Review for the Sociology of Sport*, 47(2), 235-252.
54. Yamaguchi, Y. A. (1984). Comparative study of adolescent socialization into sport: The case of Japan and Canada. *International Review of Sport Sociology*, 19(1), 63-81.

55. Yesu, L., & Harwood, E. A. (2015). The Effect of parental involvement, support and pressure on athletic participation. *Rivier Academic Journal*, 11, 1-12.

استناد به مقاله

رحمتی، محمدمهدی، علیخواه، فردین، شادمنفعت، سیده معصومه، کبیری، سعید.
(۱۳۹۷). مدل سازی معادلات ساختاری: عامل‌های مؤثر بر فرایند
مشارکت ورزشی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۴۶-۲۲۳.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4245.1307

Rahmati, M. M., Alikhah, F., ShadManfaat, S. M., Kabiri, S. (2019). Structural Equation Modeling: The Study on Factors Affecting Sports Participation. *Research on Educational Sport*, 6(15): 223-46. (Persian).
Doi: 10.22089/RES.2017.4245.1307

شناسایی و اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران

احمدعلی آصفی^۱

۱. استادیار مدیریت ورزشی دانشکده علوم ورزشی دانشگاه اصفهان*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران بود. روش پژوهش آمیخته اکتشافی بود که در دو مرحله کیفی و کمی انجام شد. در مرحله کیفی، جامعه آماری پژوهش همه افراد صاحب‌نظر در زمینه موضوع ورزش همگانی و نهادینه‌کردن بودند که تا رسیدن به نقطه اشباع نظری افراد برای انجام مصاحبه به روش نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی و گلوله‌برفی انتخاب شدند (تعداد = ۱۵ نفر). در بخش کمی، جامعه آماری متشکل از مدیران و کارشناسان مسئول ورزش همگانی بود که به روش نمونه‌گیری تمام‌شمار افراد به‌عنوان نمونه انتخاب شدند (تعداد = ۳۰۶ نفر). در مرحله کیفی، ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختارمند و در مرحله کمی، پرسش‌نامه بود. روایی مصاحبه و پرسش‌نامه با استفاده از نظر ۱۰ تن از اساتید و متخصصان بررسی شد. پایایی مصاحبه‌ها از طریق بازآزمون برابر با ۰/۸۳ و پایایی پرسش‌نامه از طریق آزمون ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱ محاسبه شد. در مرحله کیفی پژوهش، از کدگذاری باز، محوری و گزینشی برای تحلیل و دسته‌بندی داده‌ها استفاده شد. در مرحله کمی پژوهش نیز از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول برای اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران استفاده شد. نتایج مراحل اول و دوم نشان داد که هفت گروه به ترتیب اولویت شامل مدرسه، رسانه‌های جمعی، گروه‌های مرجع، خانواده، دولت، نهادهای مذهبی و نیز دوستان و همسالان، در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران مؤثر بودند؛ از این رو، کمک به ایفای نقش‌های اساسی هریک از گروه‌های یادشده در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در کشور با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی درست باید در دستور کار مسئولان قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی، نهادینه‌کردن، ورزش همگانی.

مقدمه

امروزه، ورزش‌های همگانی یک راه افزایش فعالیت بدنی و کسب فواید ناشی از آن شناخته می‌شوند. از نظر پالم و وولفانگ^۱ (۲۰۰۲)، ورزش همگانی؛ یعنی ورزش برای همه، بدون در نظر گرفتن سن، جنسیت، توانایی و وابستگی اجتماعی. ورزش همگانی به سیاست ورزش برای همه اشاره دارد که برای توسعه یک جامعه متحد از طریق مشارکت بیشتر و فرصت‌های بهتر در ورزش هدفمند به کار می‌رود (آمان، محمد و عمر فوضی،^۲ ۲۰۰۹). چنین شکلی از ورزش و حضور در آن می‌تواند بر سلامت عمومی جامعه را تأثیر بگذارد و به افزایش آن کمک شایانی کند؛ زیرا، اهمیت و ارزش سلامتی آن هم در بعد وسیع سلامت عمومی جامعه یکی از شاخصه‌های مهم توسعه پایدار در کشورها شناخته شده است. همواره، دولت‌ها به دلیل پایداری نیروی کار سالم و کاهش هزینه‌های بی‌مورد در زمینه بهداشت عمومی سعی دارند سلامت عمومی جامعه را از طرق مختلف و به شیوه‌های متفاوت تبلیغاتی گوشزد کنند. جامعه‌ای با افراد ناسالم چه به لحاظ جسمی و چه از حیث روانی و ذهنی، نمی‌تواند به توسعه اقتصادی، پیشرفت و توسعه فرهنگی و موارد مشابه دست یابد. چنین جامعه‌ای از کشورهای دیگر در زمینه‌های مختلف عقب می‌افتد و علاوه بر اینکه هیچ‌گونه پیشرفتی در کشور به وجود نمی‌آید، زمینه‌های پسرفت جدی نیز ایجاد می‌شود (گریزی و برگ،^۳ ۲۰۰۸). با توجه به اهمیت سلامتی و پیامدهای آن برای هر جامعه‌ای، داشتن یک جامعه سالم در گرو تثبیت راهکارهای علمی و عملی برای ایجاد سلامتی، نشاط و شادابی در افراد آن جامعه است. با توجه به اینکه ورزش‌های همگانی چنین فرصتی را می‌توانند ایجاد کنند، ایجاد زمینه‌های مشارکت مستمر افراد در این فعالیت‌ها امری مهم و ضروری برای هر جامعه‌ای است. مشارکت در این فعالیت‌ها می‌تواند به افراد در کسب فواید سلامتی کمک کند؛ اما آنچه بسیار مهم و اساسی است مشارکت مستمر در این فعالیت‌ها برای حفظ فواید سلامتی است (مارکوس^۴ و همکاران، ۲۰۰۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کسب فواید بی‌شمار سلامتی ناشی از فعالیت بدنی منظم است که در طول زمان استمرار دارد (اویاجی،^۵ ۲۰۰۹؛ هانکینسون^۶ و همکاران، ۲۰۱۰)؛ با این حال، بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه ورزش همگانی در کشور به بررسی انگیزاننده‌های مشارکت افراد در ورزش همگانی (شروع مشارکت) تمرکز داشته‌اند و کمتر به بحث حضور مستمر و فراگیر افراد در ورزش همگانی پرداخته‌اند (رمضانی‌نژاد، رحمانی‌نیا و تقوی‌تکیار،

-
1. Palm & Wolfyang
 2. Sport for All
 3. Aman, Mohamed & Omar-Fauzee
 4. Grazi & Bergh
 5. Marcus
 6. Aoyagi
 7. Hankinson

۱۳۸۸). افزون‌براین، براساس مطالعات، مؤثرترین مداخلات برای کمک به افزایش فعالیت بدنی در افراد موفقیت‌هایی را در شروع فعالیت بدنی نشان داده‌اند؛ بااین‌حال، اثربخشی کمی در کمک به افراد برای حفظ و استمرار فعالیت بدنی درطول زمان داشته‌اند (کان و همکاران، ۲۰۰۲). این درحالی است که ایجاد تغییرات رفتاری در زندگی افراد باید استمرار تغییرات مثبت را پیگیری کند. با توجه به این مطلب باید گفت ایجاد زمینه‌ها و شرایط شروع مشارکت افراد جامعه در ورزش همگانی به‌عنوان نقطه آغاز، مهم است؛ بااین‌وجود، استمراربخشیدن به حضور افراد جامعه در ورزش‌های همگانی برای کسب و حفظ فواید سلامتی ناشی از آن مهم‌تر است؛ زیرا، اول اینکه، پژوهش‌ها نشان می‌دهند فواید ناشی از فعالیت بدنی زمانی به‌دست می‌آید و حفظ می‌شود که حضور مستمر و منظم باشد و دوم اینکه، افراد مشارکت‌کننده در ورزش‌های همگانی بنا بر دلایل مختلف و گاهی جزئی به حضور خود پایان می‌دهند. از این منظر، دنبال کردن راهکاری برای استمراربخشیدن به حضور افراد در ورزش‌های همگانی و فراگیر کردن این حضور در افراد جامعه اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. چنین راهکار و سیاستی را می‌توان در کاربرد نظریه نهادینه‌کردن و مشخص کردن عوامل دخیل در آن درخصوص ورزش‌های همگانی جست‌وجو کرد. نهادینه‌کردن رویکردی است که فراهم‌آوردن زمینه و شرایط مناسب را برای ثبات، پایداری و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب دنبال می‌کند (اسکات، ۲۰۰۱). به‌عبارتی، نهادینه‌کردن، فرایند اجرا و درونی‌کردن عمل‌های جدید شناخته می‌شود؛ جایی که اعمال جدید پذیرفته می‌شوند. پذیرش فعال موقع اجرا (در اعمال و رفتارها) و درونی‌کردن (موقعی که افراد اعمال را ارزشمند می‌بینند و برای انجام آن متعهد می‌شوند) رخ می‌دهد (کوستا و روس، ۲۰۰۲). گودمن، بازرمن و کانلون (۱۹۸۰) نهادینه‌کردن را عملی می‌دانند که طی آن تغییرات در سیستم‌های اجتماعی درطول زمان حفظ می‌شوند و استمرار می‌یابند. یک عمل نهادینه‌شده به‌عنوان رفتاری تعریف می‌شود که درطول زمان استمرار دارد؛ ازاین‌رو، استمرار (تمایل اجراشدن عمل درطول زمان) یک ویژگی مهم عمل نهادینه‌شده است. به اعتقاد زوکر^۵ (۱۹۸۷)، فعالیت‌های نهادی شده درطول دوره‌های زمانی بلندمدت بدون توجیه یا تفسیر بیشتر حفظ می‌شوند و شدیداً نسبت به تغییر مقاوم هستند. شکل‌گیری چنین اعمالی مستلزم طی کردن فرایند سه‌مرحله‌ای نظریه نهادینه‌کردن (عادت‌سازی، عینی‌سازی و رسوب‌گذاری (تولبرت و زوکر، ۱۹۹۶)) است. تولبرت و زوکر^۶ (۱۹۶۶) کنش/اعمال عادت‌شده را به‌عنوان رفتارهای اکتسابی از طریق تجربه و پذیرفته‌شده توسط مجموعه‌ای

-
1. Kahn
 2. Scott
 3. Kostova & Roth
 4. Goodman Goodman, P, S., Bazerman, M. & Conlon
 5. Zucher
 6. Tolbert & Zucker

از کنشگران با هدف حل مشکلات تکراری روزمره تعریف کردند. طبق نظر آن‌ها، این رفتارها تبدیل به عادت می‌شوند و با حداقل کوشش، در تصمیم‌گیری و موقع بروز محرک مشابه تکرار می‌شوند. این محققین ایجاد معانی کلی اجتماعی مشترک که نتیجه اعمال عادت شده و معمول است را به‌عنوان دومین مرحله نهادینه‌سازی؛ یعنی عینی‌سازی عنوان کردند. همچنین، آن‌ها ذکر کردند ایجاد معانی تاحدی ضروری است که کنش‌ها/ اعمال بتوانند به زمینه و ورای مقصود اصلی‌شان انتقال یابند؛ این فرایند رسوب‌گذاری نامیده می‌شود؛ زمانی که اعمال عادت شده کیفیت بیرونی به‌دست می‌آورند. به‌عبارتی، اگر عملی بخواهد نهادینه شود، باید ابتدا به‌صورت عادت در افراد تبدیل شود و سپس، عینیت یابد (توسعه معانی اجتماعی مشترک برای رفتارهای عادت شده) و درنهایت، در وجود افراد رسوب کند. از این فرایند دریافت می‌شود که صرف عادت‌دادن افراد به ورزش همگانی (شروع فعالیت) نمی‌تواند راهکار مناسبی برای حضور مستمر و منظم آن‌ها در این فعالیت‌ها باشد؛ زیرا، براین‌اساس، صرفاً در مرحله اول باقی‌مانده‌ایم. از طرفی، واقف هستیم که عادت‌ها ممکن است رها شوند و کنار گذاشته شوند؛ ولی چنانچه بتوانیم به مرحله آخر برسیم؛ یعنی رسوب‌گذاری؛ جایی که اعمال در فکر، اندیشه، رفتار و گفتار افراد ته‌نشین می‌شوند و جزئی از شخصیت فرد می‌شوند، آن‌گاه امکان کنار گذاشتن و ترک آن تاحدزیادی غیرممکن خواهد بود؛ از این‌رو، نهادینه‌کردن ورزش‌های همگانی در وجود تک‌تک افراد جامعه و درنهایت، در کل جامعه می‌تواند راهکار مناسبی برای افزایش حضور مستمر و منظم افراد در ورزش‌های همگانی باشد. در این مسیر، شناخت گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی می‌تواند نقطه آغاز خوبی باشد؛ زیرا، درک رفتار انسان‌ها بدون توجه به نقشی که گروه‌ها در زندگی آن‌ها بازی می‌کنند، غیرممکن است. اغلب افراد متعلق به مجموعه‌ای از گروه‌های رسمی و غیررسمی هستند که از آن‌ها هم به‌صورت محسوس و هم نامحسوس تأثیر می‌پذیرند. این گروه‌ها شامل خانواده، دوستان و همسالان، همکاران، گروه‌های ورزشی، گروه‌های درمانی، سازمان‌های تجاری و مذهبی و غیره هستند که اکثر فعالیت‌های روزانه افراد در این گروه‌ها صورت می‌گیرد. تأثیر گروه‌ها بر افراد آن‌قدر زیاد است که در برخی حالات نمی‌توان شناختی نسبت به افکار، احساسات و رفتارهای افراد جدا از گروه به‌دست آورد (لوین و مورلند؛ ۲۰۰۶). آرنولد^۲ (۲۰۰۵)، گروه را دو یا تعداد بیشتری از افراد تعریف می‌کند که توسط خودشان و دیگران به‌عنوان یک نهاد اجتماعی درک می‌شود. به‌عبارتی، گروه مجموعه‌ای نسبتاً پایدار از افراد است که با هم روابط متقابل دارند و به‌دنبال اهداف مشترکی با یکدیگر تعامل می‌کنند. گروه می‌تواند به اعمال و افکار اعضای خود جهت دهد و فرد را برای دستیابی به اهدافی خاص ترغیب و تشویق کند و از این طریق

-
1. Levine & Moreland
 2. Arnold

الگوهای رفتاری مشترکی را بین اعضای گروه به وجود آورد. با توجه به اینکه گروه چنین نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای افراد در جامعه دارد، شناخت آن و نقشی که می‌تواند در یک زمینه خاص (در این پژوهش، نهادینه‌کردن ورزش همگانی) ایفا کند، بسیار اهمیت دارد. همچنین، از آنجایی که تاکنون پژوهشی به این مسئله نپرداخته است، به بررسی و مطالعه این مسئله نیاز است؛ از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران کدام‌اند و کدام اهمیت بیشتری دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، آمیخته و از نوع آمیخته اکتشافی بود که در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول، داده‌های کیفی و در مرحله دوم، داده‌های کمی جمع‌آوری شدند. همچنین، از نظر هدف، در مرحله کیفی، پژوهش جزو پژوهش‌های اکتشافی و در مرحله کمی، از نوع پژوهش‌های تبیینی بود. به علاوه، از نظر نتیجه، مطالعه در مرحله کیفی جزو پژوهش‌های بنیادی و در مرحله کمی از نوع مطالعات کاربردی بود. در طرح پژوهش آمیخته اکتشافی، پژوهشگر درصد زمینه‌یابی درباره «موقعیت نامعین» است؛ بر این اساس، ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی می‌پردازد. انجام این مرحله او را به توصیف جنبه‌های بی‌شماری از پدیده هدایت می‌کند. با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت‌بندی فرضیه(هایی) درباره بروز پدیده مورد مطالعه فراهم می‌شود. پس از آن، در مرحله بعدی، پژوهشگر می‌تواند از طریق گردآوری داده‌های کمی، فرضیه(ها) را بیازماید؛ بنابراین، در این نوع طرح‌های پژوهش آمیخته، به داده‌های کیفی اهمیت بیشتری داده می‌شود. علاوه بر آن، در توالی گردآوری داده‌ها، ابتدا داده‌های کیفی و سپس، داده‌های کمی گردآوری می‌شوند. در نهایت، پژوهشگر بر مبنای یافته‌های حاصل از داده‌های کیفی سعی می‌کند داده‌های کمی را گردآوری کند تا تعمیم‌پذیری یافته را میسر کند (بازرگان، ۱۳۸۷).

جامعه آماری پژوهش در مرحله کیفی «اکتشاف گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی»، همه افراد صاحب‌نظر و آگاه در زمینه موضوع ورزش همگانی و نهادینه‌کردن بودند. در مرحله کمی، برای اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر و کسب اطلاعات لازم در این زمینه، جامعه آماری متشکل از همه افراد مسئول ورزش همگانی از جمله تمامی مدیران، کارشناسان و اعضای فدراسیون ورزش همگانی و هیئت‌های ورزش همگانی استان‌های کشور، دفتر توسعه ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان، مدیران و کارشناسان سازمان شهرداری تهران و دانشجویان مقطع دکتری مدیریت ورزشی بودند (تعداد = ۳۰۶ نفر). در مرحله کیفی، برای انتخاب نمونه از ترکیب روش‌های هدفمند قضاوتی و روش گلوله‌برفی استفاده شد که روش‌های غیراحتمالی هستند. از کل مجموعه افراد صاحب‌نظر تاجایی که نسبت به

موضوع پژوهش اشباع نظری حاصل شد، افراد برای انجام مصاحبه و کسب اطلاعات لازم در زمینه موضوع مورد نظر به صورت کاملاً غیراحتمالی انتخاب شدند (تعداد = ۱۵ نفر). در مرحله کمی، با توجه به حجم کم جامعه، از روش نمونه‌گیری تمام‌شمار برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شد. با پیگیری‌های مکرر پژوهشگر، تعداد ۲۰۵ پرسش‌نامه قابل تحلیل با نرخ برگشت ۶۷ درصد جمع‌آوری شدند. ابزار پژوهش در مرحله کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختارمند و در مرحله کمی، پرسش‌نامه بود. پرسش‌نامه حاوی ۲۱ سؤال درباره گروه‌های مؤثر در نهادینه کردن بود. در این پرسش‌نامه برای هر گروه حاصل از مصاحبه، سه سؤال تدوین شد. این سه سؤال ویژگی یک عمل نهادینه شده شامل استمرار، فراگیری و واقعیت اجتماعی شدن را بیان می‌کردند که تأثیر هر گروه را در نهادینه شدن ورزش همگانی در ایران می‌سنجیدند.

در این پژوهش، روایی مصاحبه‌ها از طریق دقت در مطرح کردن سؤال‌ها و کنترل مستمر اطلاعات کسب شده بود. در یک مطالعه کیفی، اعتبار به میزانی اشاره دارد که مشاهده پژوهشگر توانسته است پدیده مورد مطالعه یا متغیرهای مربوط به آن را انعکاس دهد. برای معتبر کردن مصاحبه‌ها، دقت نظرها و ملاحظات لازم در این موارد لحاظ شدند: الف- انتخاب موضوع و نوع سؤال‌ها: در این پژوهش، برای اطمینان از روایی مصاحبه در مرحله انتخاب موضوع، مبانی نظری و پیشینه مطالعات انجام شده در زمینه ورزش همگانی و نهادینه کردن در سطوح مختلف نظری بررسی شدند و سؤال‌های اصلی پژوهش بر این مبنا طراحی شدند؛ ب- طراحی: در مرحله طراحی مصاحبه‌ها، دقت زیادی در صورت‌بندی و روش‌های مورد استفاده برای شناخت موضوع و هدف مطالعه انجام شد؛ ج- مصاحبه: برای اطمینان از گزارش‌های مربوط به موضوع و کیفیت مصاحبه، گزارش‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها توسط خود پژوهشگر تهیه و تایپ شدند تا از اعتبار مرحله مصاحبه کاسته نشود. علاوه بر این، هنگام انجام مصاحبه‌ها پژوهشگر در شیوه مطرح کردن سؤال‌ها دقت کرده است تا در کیفیت و اعتبار آن‌ها تردیدی صورت نگیرد؛ د- نسخه‌برداری: هنگام تدوین برنامه اجرایی مصاحبه‌ها، پژوهشگر سبک نسخه‌برداری دومرحله‌ای را برای پژوهش کنونی مشخص کرد. مرحله اول شامل نگارش داده‌های شفاهی حاصل از مصاحبه‌ها در برگه‌های مخصوص یادداشت‌برداری بود. این مرحله در جلسه مصاحبه و هم‌زمان با طرح سؤال‌ها توسط مصاحبه‌گر انجام شد. مرحله دوم، تایپ کردن و تهیه نسخه الکترونیک مصاحبه‌هایی بود که به صورت دستی یادداشت‌برداری شدند؛ و- تحلیل: در پژوهش حاضر، سؤال‌ها به ترتیبی در مصاحبه‌ها گنجانده شدند که از نظم منطقی برخوردار باشند. ابتدا در مورد مسئله پژوهش از مصاحبه‌شوندگان پرسش شد و سپس، بقیه سؤال‌های مصاحبه در یک ترتیب خاص هدایت شدند؛ ه- تأیید: با رعایت همه مراحل ذکر شده و همچنین، دقت زیاد در انجام و تحلیل مصاحبه‌ها سعی شد نتایج پژوهش از اعتماد و اعتبار خوبی برخوردار باشند؛ ی- گزارشگری:

در تدوین گزارش مصاحبه‌ها، پژوهشگر سعی کرده است مطالبی که به پژوهشگران و خوانندگان در قالب نتایج ارائه می‌شوند، از درستی زیادی برخوردار باشند.

همچنین، برای محاسبه پایایی مصاحبه از روش بازآزمون استفاده شد. در این روش، از بین مصاحبه‌های انجام‌گرفته، سه مصاحبه به‌طور تصادفی انتخاب شدند و هرکدام از آنها در فاصله زمانی ۳۰ روز توسط پژوهشگر دو بار کدگذاری شدند. با توجه به توافقی‌های بین کدها و تعداد کل نبود توافقات در این دو زمان، پایایی مصاحبه‌های انجام‌گرفته محاسبه شد و ضریب توافق برابر با ۰/۸۳ به‌دست آمد. این میزان پایایی نشان می‌دهد که قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است.

در پژوهش حاضر، برای تعیین روایی پرسش‌نامه علاوه بر بررسی دقیق متون و ادبیات پژوهش در مورد ورزش همگانی و به‌خصوص نهادینه‌کردن، از نظر ۱۰ تن از اساتید و متخصصان در این زمینه (روایی صوری و محتوایی) نیز استفاده شد. همچنین، برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی ابزار پژوهش برابر با ۰/۹۱ به‌دست آمد.

در مرحله اول پژوهش، با توجه به استفاده از روش مصاحبه‌های عمیق از روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شد. در این مرحله، از کدگذاری باز، محوری و گزینشی برای تحلیل و دسته‌بندی داده‌ها استفاده شد. در فرایند مصاحبه، علاوه بر شرح مفهوم نهادینه‌کردن و اهمیت آن، این سؤال‌ها مطرح شدند: الف- به‌نظر شما، چه گروه‌هایی در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران مؤثر هستند؟ ب- چرا این «گروه» در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران مؤثر است؟ ج- چگونه این «گروه» می‌تواند در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران تأثیر بگذارد؟ بعد از انجام مصاحبه‌ها و جمع‌آوری داده‌های پژوهش، برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از فرایند کدگذاری استفاده شد. فرایند کدگذاری داده‌ها در جریان گردآوری داده‌ها اجرا می‌شود تا مشخص شود چه داده‌هایی در مرحله بعد باید گردآوری شوند (بازرگان، ۱۳۸۷). کدگذاری فرایندی است که طی آن مجموعه‌ای داده متنی و پراکنده به داده‌هایی بامعنی و بامفهوم تبدیل می‌شود. این امر معمولاً با مشخص کردن مقوله‌های کدگذاری باز شروع می‌شود و با کدگذاری محوری^۳ و درنهایت، کدگذاری گزینشی^۴ ادامه می‌یابد. فرایند تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز آغاز شد. در این مرحله، شناسایی مفاهیم و کشف ویژگی‌ها و ابعاد مربوط به هر مفهوم در دستور کار پژوهشگر قرار گرفت. بدین منظور، پژوهشگر به کاوش عمیق در جملات و عبارات مصاحبه‌شوندگان پرداخت و موارد مشابه را با عنوانی واحد گروه‌بندی کرد. سپس، با طرح سؤال‌هایی نظیر چه کسی، چه چیزی، چه موقع، چگونه، چه مدت و

-
1. Coding
 2. Open Coding
 3. Axial Coding
 4. Selective Coding

چرا، به شناسایی ویژگی‌های موارد گروه‌بندی شده پرداخت. در مرحله کدگذاری محوری، یکی از مقوله‌های کدگذاری باز به‌عنوان مقوله یا پدیده اصلی انتخاب شد و در مرکز فرایند قرار گرفت و سپس، سایر مقوله‌ها (زیرمقوله‌ها) به آن ربط داده شدند. در نهایت، با انتخاب یک عنوان کلی در مرحله کدگذاری گزینشی، کار خاتمه یافت. در این مسیر، مقوله‌ها مرتبط شدند و یک مقوله به‌عنوان تنه اصلی تمام مقوله‌ها مطرح شد. در مرحله دوم پژوهش، برای اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه کردن ورزش همگانی از روش‌های تجزیه و تحلیل آماری مانند آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۱ و تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول استفاده شد. در این قسمت، تحلیل‌ها از طریق نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. و لیزرل انجام شدند.

نتایج

جدول شماره یک و شماره دو، ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش را در مراحل اول و دوم نشان می‌دهند.

جدول ۱- توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش در مرحله اول

تعداد	سطح تحصیلات	حوزه فعالیت	رشته تحصیلی	گرایش تحصیلی	سابقه پژوهش در ورزش همگانی	سابقه پژوهش در نهادینه‌سازی	سابقه اجرایی در ورزش همگانی
۱۵ نفر	دکتری	دانشگاه / فدراسیون ورزش همگانی	تربیت بدنی مدیریت	مدیریت ورزشی (۱۱) فیزیولوژی ورزشی (۱) مدیریت دولتی (۳)	۱۵ نفر	۲ نفر	۶ نفر

1. Kolmogorov-Smirnov Test
2. SPSS & Lisrel

جدول ۲- توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش در مرحله دوم

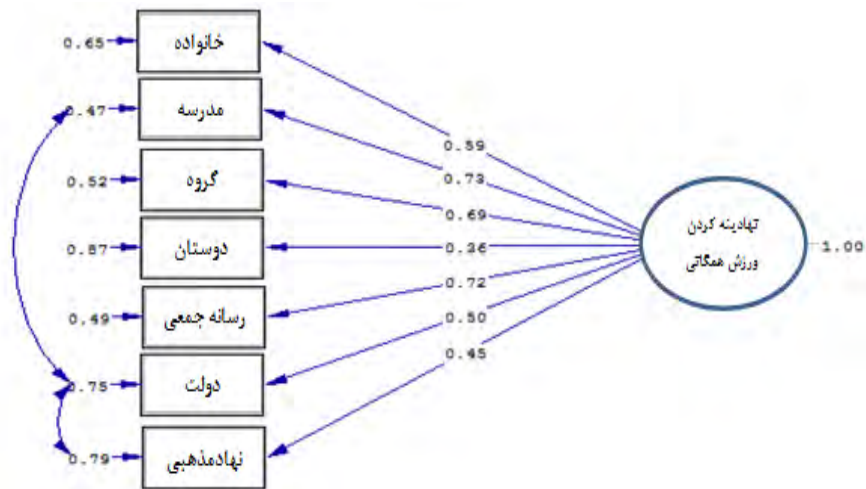
متغیر	آماره	تعداد	درصد	متغیر	آماره	تعداد	درصد	متغیر	آماره	تعداد	درصد
	کمیتر	۴۹	۲۳/۹		دیپلم	۱۲	۵/۹		۲۵ تا ۲۰	۱۶	۷/۸
	از ۵ سال تا ۵				کاردانی	۱۲	۵/۹		۳۰ تا ۲۶	۶۲	۳۰/۲
	۱۱ تا ۱۵ سال	۲۶	۱۲/۷	سابقه کاری	کارشناسی	۹۴	۴۵/۹	سطح تحصیلات	۳۵ تا ۳۱	۵۰	۲۴/۴
	۱۶ تا ۲۰ سال	۲۳	۱۱/۲		کارشناسی ارشد	۶۷	۳۲/۷		۴۰ تا ۳۶	۲۲	۱۰/۷
	۲۱ سال به بالا	۲۹	۱۴/۱		دکتری	۲۰	۹/۸		۴۱ سال به بالا	۵۵	۲۶/۸
	کل	۲۰۵	۱۰۰		کل	۲۰۵	۱۰۰		کل	۲۰۵	۱۰۰

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، در مرحله اول، هر ۱۵ نفر مصاحبه‌شونده دارای مدرک دکتری بودند، همگی سابقه پژوهش در ورزش همگانی داشتند و شش نفر سابقه اجرایی در ورزش همگانی داشتند. در مرحله دوم، سطح تحصیلات بیشتر افراد کارشناسی بود، سابقه کاری پنج تا ۱۰ سال بیشترین فراوانی را داشت و بیشتر افراد نمونه در رده سنی ۲۶-۳۰ سال قرار داشتند.

جدول ۳- کدگذاری گزینشی، محوری و باز گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی

مفهوم کدگذاری گزینشی	مفاهیم کدگذاری محوری	مفاهیم کدگذاری باز	کد مصاحبه
گروه	خانواده	۱. پدر و مادر ۲. سایر اعضای خانواده	P1, P2, P3, P4, P5, P6, P7, P8, P9, P10, P11, P12, P13, P14, P15
	مدرسه	۱. معلمان و مربیان ۲. امکانات و تجهیزات ورزشی مدارس	P1, P2, P3, P4, P5, P7, P8, P9, P10, P11, P12, P13, P14, P15
گروه	گروه‌های مرجع	۱. گروه و تعیین هویت فردی ۲. گروه و ارزیابی فردی	P5, P6, P7, P8, P9, P11
	دوستان و همسالان	۱. نگرش به فعالیت بدنی و ورزش ۲. شرکت در فعالیت بدنی و ورزش	P1, P2, P3, P5, P6, P7, P8, P10, P12, P15
گروه	رسانه‌های جمعی	۱. اطلاع‌رسانی ۲. آگاهی‌بخشی ۳. آموزش	P1, P5, P6, P7, P8, P9, P10, P11, P12, P13, P15
	دولت	۱. حمایت و پشتیبانی دولت ۲. قوانین دولتی	P2, P3, P4, P9, P11, P12, P13, P14
گروه	نهادهای مذهبی	۱. حمایت معنوی و مادی	P3, P4, P5, P7, P11, P12, P13, P14

جدول شماره سه کدگذاری گزینشی، محوری و باز داده‌های پژوهش را در مرحله کیفی نشان می‌دهد؛ براین اساس، یک کد باز، هفت کد محوری و ۱۴ کد گزینشی حاصل شده‌اند که در ادامه اولویت‌بندی این گروه‌ها ارائه شده است.



Chi-Square=35.74, df=12, P-value=0.00036, RMSEA=0.098

شکل ۱- نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول

جدول ۴- رتبه‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران

ردیف	عامل	معرف در مدل	بار عاملی استاندارد شده	انحراف استاندارد	مقدار تی	ارزش پی	رتبه
۱	مدرسه	School	۰/۷۳	۰/۴۴	۷/۴۶	۰/۰۰۱*	۱
۲	رسانه‌های جمعی	Mass Media	۰/۷۲	۰/۲۵	۷/۳۹	۰/۰۰۱*	۲
۳	گروه‌های مرجع	Reference groups	۰/۶۹	۰/۳۸	۷/۳۷	۰/۰۰۱*	۳
۴	خانواده	Family	۰/۵۹	۰/۴۳	۶/۹۸	۰/۰۰۱*	۴
۵	دولت	Government	۰/۵۰	۰/۴۰	۶/۱۸	۰/۰۰۱*	۵
۶	نهادهای مذهبی	Religious institutions	۰/۴۵	۰/۵۵	۶/۴۳	۰/۰۰۱*	۶
۷	دوستان و همسالان	Peer	۰/۳۶	۰/۳۵	۵/۲۲	۰/۰۰۱*	۷

** و *: معناداری در سطح خطای به ترتیب ۰/۰۵ و ۰/۰۱

نتایج جدول شماره چهار نشان می‌دهد که مهم‌ترین گروه در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران (براساس بارهای عاملی)، مدرسه با بار عاملی ۰/۷۳ است. بعد از آن، به ترتیب رسانه‌های جمعی با بار عاملی ۰/۷۲، گروه‌های مرجع با بار عاملی ۰/۶۹، خانواده با بار عاملی ۰/۵۹، دولت با بار عاملی ۰/۵۰، نهادهای مذهبی با بار عاملی ۰/۴۵ و دوستان و همسالان با بار عاملی ۰/۳۶ قرار دارند.

جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل پژوهش

وضعیت	مقدار مطلوب	مقدار	معادل انگلیسی	معادل فارسی	شاخص
-	-	۳۵/۷۴	χ^2	خی‌دو	
مطلوب	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۳۲	RMR	ریشه میانگین مربعات باقی مانده	
مطلوب	مساوی یا بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۲	CFI	شاخص برازش تطبیقی	
مطلوب	مساوی یا بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۲	IFI	شاخص برازش افزایشی	
مطلوب	بزرگ‌تر از ۰/۵۰	۰/۵۱	PGFI	شاخص نیکویی برازش مقتصد	
مطلوب	کمتر از ۰/۱	۰/۰۹۸	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	
مطلوب	بین ۲ تا ۳	۲/۹۷۸	CMIN/DF	خی‌دو بهنجار شده	

نتایج جدول شماره پنج نشان می‌دهد که شاخص‌های نسبت خی‌دو به درجه آزادی^۱ برابر با ۲/۹۷۸، شاخص برازش مطلق^۲ کمتر از ۰/۰۵، شاخص‌های برازش تطبیقی^۳ بیشتر از ۰/۹۰، شاخص نیکویی برازش مقتصد^۴ برابر با ۰/۵۱ و شاخص رمزی^۵ برابر با ۰/۰۹۸ در سطح قابل قبولی قرار دارند؛ بدین معنای مدل پژوهش حاضر دارای برازش مطلوبی است و ساختار عاملی در نظر گرفته شده برای آن قابل قبول است و از برازش مناسبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در مرحله اول نشان داد که هفت گروه در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران نقش دارند که عبارت‌اند از: خانواده، مدرسه، گروه‌های مرجع، دوستان و همسالان، رسانه‌های جمعی، دولت و نهادهای مذهبی. در مرحله دوم، نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول نشان داد که مهم‌ترین گروه در

1. CMIN/DF
2. RMR
3. CFI & IFI
4. PGFI
5. RMSEA

نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران مدارس بودند و بعد از آن، به ترتیب رسانه‌های جمعی، گروه‌های مرجع، خانواده، دولت، نهاد‌های مذهبی و دوستان و همسالان قرار داشتند.

– مدرسه

نتایج پژوهش نشان داد که مدرسه عامل بسیار مهمی در نهادینه کردن و به عبارتی عادت‌دهی، عینی‌سازی و رسوب‌گذاری ورزش همگانی به‌عنوان یک فعالیت بدنی ارتقادهنده نشاط، شادابی و سلامتی در جامعه است. مدرسه نقش مهمی در پیشبرد و پالایش مهارت‌های از قبل یادگرفته‌شده افراد ایفا می‌کند. نقش دیگر مدرسه عادت‌دادن افراد به ورزش و فضای آن برای انجام شکل‌های گوناگون ورزش است. در کل، مدارس به‌عنوان آغازگر فعالیت‌های ورزشی افراد اعتبار زیادی ندارد؛ اما نقش مهمی در ترغیب و گسترش الگوهای اولیه جذب افراد به ورزش از طریق برنامه‌های ورزشی درون مدرسه ایفا می‌کند (آهولا و هتفیلد، ۱۹۸۶). مدارس نقش مهمی در گرایش افراد به ورزش و فعالیت بدنی و عادت‌دهی افراد به این مهم دارند، تاجایی که تجارب مدرسه بر سطح فعالیت بدنی افراد در آینده تأثیر می‌گذارد (آلندر، کوبورن و فوستر، ۲۰۰۶). عوامل مختلفی در مدارس هستند که بر گرایش و مشارکت در فعالیت بدنی و ورزش دانش‌آموزان تأثیر دارند و می‌توانند زمینه‌ساز نهادینه‌شدن فعالیت بدنی و ورزش با رویکرد همگانی در آنان شوند. یکی از این عوامل، وجود معلمان تربیت‌بدنی و ورزش متخصص و ماهر است. معلمان تربیت‌بدنی و ورزش در مدارس برای بسیاری از دانش‌آموزان نقش الگو را دارند و حمایت و تشویق دانش‌آموزان توسط آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت در فعالیت‌های بدنی و ورزشی شود. حمایت و تشویق معلمان تربیت‌بدنی می‌تواند بر ادراک ارزشمندی فعالیت بدنی در دانش‌آموزان اثر بگذارد و معلمان با ایفای نقش الگو بودن خود و ارائه بازخورد مثبت به دانش‌آموزان در مشارکت آنان در فعالیت بدنی و ورزش تأثیر می‌گذارند. به عبارتی، معلمان در عادت‌دادن دانش‌آموزان به فعالیت بدنی و ورزش به‌خصوص با رویکرد همگانی نقش مهمی ایفا کنند. پژوهش‌های مختلف نشان‌دهنده این موضوع هستند (کیسی، ایمه، پاینه و هاروی، ۲۰۰۹). نقش معلمان آن‌قدر مهم است که حتی ظاهر بدنی معلمان بر توانایی‌شان برای آموزش و القای تمایلات ورزشی در دانش‌آموزان تأثیر دارد (ملویل و مدالوزو، ۱۹۸۸)؛ با این وجود، معلمان تربیت‌بدنی بدون داشتن فضا، امکانات و تجهیزات کافی، پیشرفته و در دسترس نمی‌توانند نقش خود را به‌خوبی ایفا کنند؛ زیرا، بدون وجود فضا، امکانات و تجهیزات مناسب امکان برگزاری و اجرای برنامه‌های ورزشی وجود ندارد؛ در حالی که پژوهش‌های

-
1. Ahola & Hatfield
 2. Allender, Cowburn & Foster
 3. Casey, Eime, Payne & Harvey
 4. Melville & Maddalozzo

نشان داده‌اند که امکانات، تجهیزات و برنامه‌های ورزشی مدارس در گرایش افراد به ورزش و فعالیت بدنی تأثیر مثبت دارند (برگر، اورلی، پرنس، سگوین و هماندز؛ ۲۰۰۸؛ هارینز، کارینست، دفورچ، ماز، کاردون و دبوردوچی؛ ۲۰۰۹). مطالب ذکر شده گویای این واقعیتند که امروزه مدارس نقش انکارناپذیری در فعال کردن بدنی دانش‌آموزان دارند. اگر این نقش به‌خوبی انجام شود، علاوه بر فعال کردن دانش‌آموزان در سنین پایه، در صورت آموزش درست و مناسب شاهد بهبود و افزایش مشارکت آن‌ها در آینده در ورزش و فعالیت بدنی خواهیم بود. در صورتی که این آموزش رویکرد همگانی داشته باشد و اهداف ورزش همگانی را دنبال کند، می‌تواند بر گرایش به ورزش‌های همگانی در جامعه تأثیر فراوانی داشته باشد و در صورت داشتن اهداف و راهبردهای درست، به نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور کمک شایانی کند.

– رسانه‌های جمعی

از نتایج دیگر پژوهش این بود که رسانه‌های جمعی می‌توانند نقش قابل توجهی در تغییر نگرش و باور افراد، اطلاع‌رسانی، آموزش و فرهنگ‌سازی ورزش همگانی و در نهایت، نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران ایفا کنند. امروزه، رسانه‌های جمعی به منبع غالب شکل‌گیری واقعیت‌های اجتماعی در جوامع تبدیل شده‌اند و این ادعا که دنیای ما در محاصره واقعیت‌های رسانه‌ای قرار دارد، بی‌شک ادعای قابل‌بحثی می‌تواند باشد. رسانه‌ها مسئول بخش اعظمی از مشاهده‌ها و تجربه‌هایی هستند که ما از طریق آن‌ها درک خود را نسبت به جهان پیرامون و نحوه عملکرد آن سامان می‌بخشیم. در واقع، بخش عمده‌ای از نگرش ما به دنیا ریشه در پیام‌های رسانه‌ای دارد که از پیش ساخته شده‌اند. آن‌ها به لحاظ دارا بودن دامنه نفوذ وسیع اثر مستقیمی بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دارند. همچنین، در تغییر آگاهی‌ها و نگرش‌های جامعه نقش بسزایی ایفا می‌کنند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶). در دوران کنونی، رسانه‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم شده‌اند. مردم در طول شبانه‌روز از محتوای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و سرگرمی رسانه‌ها استفاده می‌کنند. نسل کنونی جامعه از ابتدای حیاتش با رسانه‌ها بزرگ می‌شود و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، این نسل بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را از رسانه‌ها دریافت می‌کنند. نفوذ و تأثیر رسانه تا جایی است که برخی از نظریه‌پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند و اگر چگونه فکر کردن را به ما یاد ندهند به ما می‌آموزند که به چه چیزی فکر کنیم (ملک‌پور، ۱۳۹۰). پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که رسانه‌ها در شکل‌گیری باورها، نگرش‌ها و

1. Berger, O'Reilly, Parent, Séguin, & Hernandez

2. Haerens, Craeynest, Deforche, Maes, Cardon, & De Bourdeaudhuij

گرایش افراد به ورزش و فعالیت بدنی نقش بسزایی دارند (اوون، بومن، بوث، اولدربرگ و مگنوس، ۱۹۹۵؛ غفوری، رحمان‌سرشت، احسانی و کوزچیان، ۱۳۸۲). ممکن است مشارکت در فعالیت بدنی با مجموعه‌های تبلیغات رسانه‌های جمعی در سطح گسترده افزایش یابد؛ با این وجود، ممکن است اثربخشی این نوع از مجموعه تبلیغات محدود باشد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رویکرد کاربرد پیام‌های مختلف هدفمند در مراحل آمادگی انگیزشی افراد اثربخش‌تر است (بومن و همکاران، ۲۰۰۱)؛ از این رو، می‌توان گفت که نقش رسانه‌های جمعی در توسعه ورزش همگانی و نهادینه کردن آن در جامعه انکارناپذیر است و رسانه‌های جمعی با فرهنگ‌سازی، آموزش، اطلاع‌رسانی، ایجاد مشارکت اجتماعی، تغییر باور و نگرش افراد به ورزش همگانی و کارکردهای دیگر خود می‌توانند این نقش را ایفا کنند. پژوهش‌های مختلف داخلی این موضوع را تأیید کرده‌اند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶؛ صفاری، ۱۳۹۲). با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که رسانه‌های جمعی می‌توانند نقش مهمی در نهادینه کردن ورزش همگانی به‌عنوان یک فعالیت بدنی ارتقا‌دهنده سلامتی در وجود افراد و در جامعه ایفا کنند. در این راستا، تدوین مجموعه‌ای از تبلیغات هدفمند برای اطلاع‌رسانی درباره فواید و اهمیت ورزش همگانی، ایجاد باور و نگرش مثبت در مردم نسبت به ورزش همگانی، افزایش دانش و رفتار فعالیت بدنی و ورزش، آموزش و فرهنگ‌سازی ورزش همگانی می‌تواند کمک‌کننده باشد.

– گروه‌های مرجع

از نتایج دیگر پژوهش این بود که افراد و گروه‌هایی که فرد هویت خود را با آن‌ها تعیین و ارزیابی می‌کند، می‌توانند نقش مهمی در افزایش مشارکت افراد در ورزش همگانی و نهادینه کردن آن در افراد و جامعه ایفا کنند. انسان‌ها به دلایل مختلف نظیر نیاز به احترام، آبرو و فشار هنجاری، به‌طور عمده خود را در زمینه‌هایی با عده‌ای مقایسه و ارزیابی می‌کنند. در این فرایند، انسان، ارزش‌ها و استانداردهای افراد یا گروه‌های دیگر را به‌عنوان یک قالب مقایسه‌ای و مرجع می‌گیرد. در این صورت، آن افراد را گروه‌های مرجع می‌نامند. به عبارت دیگر، گروه مرجع گروهی است که افراد خود را با آن مقایسه می‌کنند و با استانداردهای آن خود را ارزیابی می‌کنند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸). اولین بار، هایمن^۴ اصطلاح گروه‌های مرجع را به کار برد و منظور گروه‌هایی هستند که استانداردهایی را برای قضاوت و ارزیابی در مورد نگرش‌ها و رفتارهای ما در اختیار قرار می‌دهند. ما از گروه‌های مرجع به‌عنوان استاندارد برای ارزیابی خود استفاده می‌کنیم. افراد در سنجش ارزش خود و اعمال خود از این گروه‌ها الهام می‌گیرند و آن‌ها را مبنای داوری قرار می‌دهند. تصور فرد از مقام و منزلت خود بستگی

-
1. Owen, Bauman, Booth, Oldenburg, and Magnus
 2. Bauman
 3. Reference Group
 4. Hyman

به گروه مرجعی دارد که وی خود را با آن مقایسه می‌کند. افراد معمولاً ارزش‌هایی را می‌پذیرند که از گروه‌های مرجع آموخته باشند. این گروه‌ها تأثیر زیادی بر نگرش‌ها و طرز تلقی افراد دارند و روابط آن‌ها را با سایر گروه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند. یک فرد ممکن است هم‌زمان تحت تأثیر دو یا چند گروه مرجع باشد. در این حالت، خود و دیگران را با استانداردهای چند گروه مرجع ارزشیابی می‌کند (قلی‌پور، ۱۳۹۰). گروه‌های مرجع دو کارکرد عمده ایفا می‌کنند: اول اینکه، هنجارها، رویه‌ها، ارزش‌ها و باورهایی را به دیگران القا می‌کنند و به اصطلاح کارکرد هنجاری دارند؛ دوم اینکه، استانداردها و معیارهایی در اختیار کنشگران قرار می‌دهند که کنش و نگرش خود را با آن محک می‌زنند و در اصطلاح، کارکرد مقایسه‌ای / تطبیقی ایفا می‌کنند (صدیق سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱). گروه‌های مرجع دسته‌بندی‌های مختلفی اعم از گروه مرجع مثبت و منفی، گروه مرجع خودی و غیر خودی و غیره دارند. در یک دسته‌بندی گروه مرجع را می‌توان از نظر اқشار و گروه‌های اجتماعی جامعه طبقه‌بندی کرد؛ یعنی گروه‌هایی که ما برای ارزیابی و مقایسه به آنان رجوع می‌کنیم. در این میان، جوانان در پذیرش الگوهای رفتاری تأثیرپذیری زیادی از این گروه‌ها دارند و در دنبال کردن آرزوها و اهداف شخصی‌شان به آنان مراجعه می‌کنند. این گروه‌ها می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم جزئی از شبکه روابط ما شوند؛ نظیر گروه‌های دوستی، خانواده، قشر هنرمندان، هنرپیشه‌ها، نویسندگان، روحانیون و افراد نخبه و الگو (صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰). خانواده به‌عنوان یک گروه مرجع تأثیر زیادی بر کنش‌ها، رفتارها، انگیزه‌ها و تصورات، داوری‌ها و پیش‌داوری‌ها و جهت‌گیری‌های افراد دارد. در کنار خانواده، گروه دوستان و همسالان نیز به‌عنوان یکی از عوامل اجتماعی‌شدن بیشترین نفوذ را بر شبکه اجتماعی نوجوان دارند. بحث در مورد تأثیرات این دو گروه مرجع در شکل‌دهی به باور، نگرش و رفتار فعالیت بدنی و ورزش افراد، به صورت مجزا در قسمت مربوط به گروه خانواده، دوستان و همسالان مطرح شده است. در بحث مربوط به گروه‌های مرجع در این قسمت، منظور بیشتر قشر ورزشکاران، قهرمانان، استادان، هنرمندان، هنرپیشه‌ها، نویسندگان، روحانیون، پزشکان و افراد نخبه و الگو هستند که تأثیرات زیادی بر افکار و رفتارهای افراد جامعه دارند. ذکر این نکته نیز مهم است که انتخاب گروه مرجع فرایندی پویا است. فرد در طی مراحل زندگی گروه‌های مرجع خود را تغییر می‌دهد؛ یعنی ممکن است در دوران نوجوانی یک گروه مرجع را معیار ارزشیابی خود قرار دهد و در دوران جوانی گروه مرجع دیگری را برای ارزیابی خود انتخاب کند (قلی‌پور، ۱۳۹۰). با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که گروه‌های مرجع نقش بسیار مؤثر و مهمی در شکل‌گیری و تغییر باورها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد دارند؛ بنابراین، اگر این گروه‌ها به سمت ورزش همگانی به‌عنوان فعالیت بدنی ارتقا دهنده سلامتی سوق پیدا کنند، با حضور خود به‌عنوان مراجع ارزیابی بسیاری از افراد جامعه

به‌خصوص نوجوانان و جوانان، می‌توانند کمک شایانی به تغییر باور و نگرش آنان به ورزش همگانی کنند و چنین تغییر باور و نگرشی زمینه پذیرش رفتار فعالیت بدنی و درنهایت، نهادینه‌شدن آن در افراد را فراهم می‌کند. پژوهشی در زمینه نقش گروه‌های مرجع در شکل‌گیری عادات فعالیت بدنی و ورزشی افراد انجام نشده است؛ ولی برخی پژوهش‌ها به‌طور ضمنی به نقش این افراد و گروه‌ها در مشارکت افراد در ورزش و فعالیت بدنی اشاره کرده‌اند. چوگاهاارا، اوبرین-کوسینز و وانک^۱ (۱۹۹۸) نشان دادند که همسران، کودکان، دیگر اعضای خانواده، همسالان و هم‌ردیفان، مربیان و پزشکان، از جمله عوامل مؤثر در فعالیت بدنی در افراد مسن بودند. یانگ و مدیک^۲ (۲۰۱۱) نشان دادند که حمایت اجتماعی متخصصان سلامتی تعهد الزامی را برای ورزش کردن مستمر پیش‌بینی می‌کرد؛ بنابراین، ترغیب و تشویق ورزشکاران، قهرمانان، استادان، هنرمندان، هنرپیشه‌ها، نویسندگان، روحانیون، پزشکان و افراد نخبه و الگو برای شرکت در ورزش‌های همگانی می‌تواند عنصر مؤثر و مهمی در ترغیب و تشویق افراد دیگر جامعه برای شرکت در ورزش‌های همگانی باشد و این به رشد و توسعه ورزش همگانی و درنهایت، نهادینه‌شدن آن در افراد و جامعه کمک کند.

- خانواده

از نتایج دیگر پژوهش این بود که خانواده نهادی تأثیرگذار بر تغییر نگرش و عادت‌پذیری افراد به ورزش و فعالیت بدنی است و می‌تواند نقش مهمی در نهادینه‌کردن ورزش همگانی به‌عنوان یک فعالیت بدنی ارتقادهنده سلامتی در افراد و در جامعه ایفا کند. خانواده قوی‌ترین نیروی سازمان‌دهی است. یک فرد بیشترین اوقات اوایل کودکی‌اش را در خانه با راهنمایی‌ها و پیشنهادهای والدینش می‌گذراند (آهولا و هتفیلد، ۱۹۸۶). درباره خانواده چندین عامل مهم مطرحند که به‌نظر می‌آید تأثیر زیادی بر مشارکت در فعالیت بدنی و ورزش داشته باشند. این عوامل عبارت‌اند از: وجود الگوهای رفتاری مؤثر مربوط به فعالیت بدنی و ورزش (یعنی والدین و دیگر اعضای خانواده) و حمایت‌ها و تشویق‌های مربوط به این فعالیت‌ها. در سال‌های اولیه زندگی، والدین الگوی مهمی برای رفتارهای کودکان هستند و کودکان در این سال‌ها سعی در تقلید و الگوبرداشتن از والدین خود دارند. والدین ورزشکار یا والدینی که به انجام فعالیت بدنی و ورزش می‌پردازند می‌توانند بر پذیرش، شروع و استمرار فعالیت بدنی و ورزش کودکانشان تأثیر بگذارند؛ زیرا، روشن است که هرچه گرایش مثبت والدین به سمت فعالیت بدنی و ورزش بیشتر باشد، فرزندان نیز به انجام این فعالیت‌ها بیشتر سوق می‌یابند. همچنین، تشویق و حمایت کودکان از سوی والدین می‌تواند عامل مهمی در پذیرش، شروع و استمرار فعالیت بدنی و ورزش

1. Chogahara, O'Brien-Cousins & Wanke

2. Young & Medic

توسط آنان باشد. پژوهش‌های مختلف نقش والدین و سایر اعضای خانواده را در جذب و حفظ کودکان در فعالیت بدنی و ورزش تأیید کرده‌اند (برگر و همکاران، ۲۰۰۸؛ چئوک من، ۲۰۰۹؛ کیسی و همکاران، ۲۰۰۹؛ یانگ و مدیک، ۲۰۱۱). والدین می‌توانند مشوق و حامی فرزندان خود برای مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی باشند. همچنین، والدین می‌توانند مانع انجام فعالیت بدنی و ورزش کودکانشان باشند. دفرانسیسکو و جانسون^۱ (۱۹۹۷) نشان دادند والدینی که تأکید بر برنده شدن دارند و رفتارهای شرم‌آور با کودکان خود انجام می‌دهند، باعث دلسرد شدن پسران و دخترانشان از مشارکت در فعالیت بدنی می‌شوند. همچنین، ادراک والدین از ایمنی محیط و محله بر سطح فعالیت بدنی و ورزش کودکان تأثیر می‌گذارد. ویر، اتلسون و برند^۲ (۲۰۰۶) نشان دادند که کودکان مناطق داخل شهر نسبت به کودکان حومه شهر فعالیت بدنی کمتری داشتند. همچنین، سطح فعالیت بدنی ارتباطی منفی با اضطراب والدین درباره ایمنی محله داشت. با توجه به این مطالب و پژوهش‌های ذکر شده می‌توان گفت که نقش خانواده و به‌خصوص پدر و مادر در تغییر باور و نگرش و شکل‌گیری رفتار فعالیت بدنی و ورزش در افراد بسیار مهم و حیاتی است. اگر خانواده‌ها و به‌خصوص پدران و مادران برای مشارکت مستمر و منظم در ورزش و فعالیت بدنی با رویکرد همگانی که برای ایجاد سلامتی، نشاط و شادابی هدفمند است، آموزش ببینند و اهمیت این موضوع را در حال حاضر درک کنند، می‌توانند علاوه بر تشویق و ترغیب فرزندان‌شان به مشارکت مستمر در فعالیت بدنی و ورزش، به نهادینه شدن این رفتارهای مطلوب در وجود اعضای خانواده و در نهایت، در جامعه بسیار کمک کنند.

– دولت

از نتایج دیگر پژوهش این بود که دولت یا نهاد حکومتی کشور می‌تواند نقش مهمی در نهادینه شدن ورزش همگانی در ایران ایفا کند. واژه دولت (State) از ریشه لاتین Stave به معنای ایستادن و وضع مستقر و پابرجا گرفته شده است. تعاریف دولت نیز عموماً بر ساختار قدرت و سازمان‌هایی که بدان عینیت می‌دهند، تأکید دارند. دولت شکل سازمان‌یافته‌ای از قدرت است که نوعی استقلال دارد و بر این اساس، می‌تواند قدرت را انتخاب کند، مقوله‌بندی کند و متشکل سازد و آن را به صورت نهادهای رسمی درآورد (حضور و خداداد حسینی، ۱۳۸۴). در اکثر جوامع، نهادهای حکومتی در چهارچوب یک دولت سازمان می‌یابند؛ به طوری که بر سایر نهادها و همه افراد جامعه اعمال قدرت می‌کنند. از کارکردهای اساسی نهادهای حکومتی می‌توان به اعمال قدرت قانونی در سطح جامعه، نهادینه‌سازی هنجارها از طریق تصویب قوانین، ایجاد نظم و

1. Cheuk Man
2. DeFrancesco & Johnson
3. Weir, Etelson & Brand

امنیت درونی و بیرونی، حل‌وفصل اختلافات بین افراد جامعه، ارائه خدمات عمومی و ارتقای سطح رفاه عمومی جامعه اشاره کرد (قلی‌پور، ۱۳۸۴). نقش دولت در قانون‌گذاری و گسترش ورزش، از چالش‌های مشترک فراروی دولت‌ها به‌شمار می‌رود. آنچه بیش‌ازهمه مشخص است، دخالت و ورود فزاینده دولت به عرصه ورزش در زمینه فراهم کردن امکانات، اجرا و هماهنگ‌کردن فعالیت‌ها است. دخالت دولت‌ها در ورزش ضرورت یک هماهنگی جهانی را عیان می‌کند. هماهنگی در قوانین ورزشی از ضرورت‌های ورزش همگانی است که باید توسط دولت پیگیری شود. ورزش همگانی به‌طور ذاتی درآمدزا نیست و دولت‌ها باید با سیاست‌های حمایتی برای گسترش آن اقدام کنند. دولت‌ها با سرمایه‌گذاری‌های اندک می‌توانند در مواقعی که فرصت‌هایی برای انجام ورزش و تفریح پیش می‌آید، کیفیت اوقات فراغت مردم را بالا ببرند و همه افراد جامعه را وارد عرصه ورزش کنند. یکی از ابزارهای دولت برای دخالت در بخش ورزش بودجه است. در اغلب کشورها، بودجه اختصاص‌یافته به بخش ورزش همگانی بیشتر از سایر بخش‌ها است. برخی از پژوهش‌ها نقش دولت را در گسترش ورزش همگانی، فعالیت‌های اوقات فراغت، گسترش فضاهای ورزشی و غیره تأیید کرده‌اند (هامفریز و روسیچکی، ۲۰۰۷؛ جوادی‌پور، ۱۳۹۰). دولت می‌تواند با حمایت مالی از ورزش همگانی و سرمایه‌گذاری روی پارک‌ها و فضاهای تفریحی، مشارکت در ورزش‌های همگانی را افزایش دهد. همچنین، دولت می‌تواند نقش حمایتی و پشتیبانی مهمی در راستای رشد و توسعه ورزش همگانی و نهادینه کردن آن در جامعه ایفا کند. به‌عبارتی، دولت از طریق تعیین اهداف، راهبردها و سیاست‌گذاری کلان در زمینه ورزش همگانی، اتخاذ تمهیدات لازم برای تحقق اهداف و راهبردها، اختصاص و توزیع مناسب بودجه، ایجاد هماهنگی لازم بین واحدهای مسئول، تعیین دستگاه‌های مسئول ورزش همگانی، گسترش امکانات و تسهیلات ورزش همگانی، تنظیم و تصویب آیین‌نامه‌ها و قوانین سازمانی تشویقی و تنبیهی در عرصه ورزش همگانی و غیره می‌تواند گام‌های مهمی در رشد، توسعه و درنهایت، نهادینه کردن ورزش همگانی در جامعه بردارد.

– نهادهای مذهبی

نتیجه دیگر پژوهش این بود که نهادهای مذهبی مانند پایگاه‌های بسیج، مساجد، هیئت‌ها و غیره می‌توانند نقش مؤثری در نهادینه کردن ورزش همگانی در جامعه ایفا کنند. در جوامع مختلف، نهادهای دینی و مذهبی متعدد و متنوعی وجود دارند؛ ولی اکثر کارکردهای نهادهای دینی در جوامع متفاوت، مشترک هستند. از جمله این کارکردها می‌توان به ایجاد مبانی اخلاقی و ارزشی، تقویت انسجام بین افراد، ایجاد همبستگی در جامعه، ایجاد هویت

اخلاقی، تقویت ارزش‌های انسانی و توجه‌دادن انسان‌ها به نیروهای فوق‌طبیعی اشاره کرد (قلی‌پور، ۱۳۸۴). پژوهشی درباره نقش نهادهای مذهبی در رشد و توسعه ورزش و ارتقای سطوح فعالیت بدنی در بین افراد و در جامعه انجام نشده است؛ اما با توجه به جایگاه و نقش نهادهای مذهبی در محیط فرهنگی و اجتماعی کشور، این نهادها اعم از مساجد، هیئت‌ها، پایگاه‌های بسیج، انجمن‌ها و پایگاه‌های مقاومت می‌توانند با ایجاد محیط، زمینه و شرایط مناسب برای پرداختن افراد به ورزش و فعالیت بدنی و همچنین، آموزش و اطلاع‌رسانی در مورد ورزش و فعالیت بدنی، سخنرانی و بیان اهمیت تربیت جسم در تکامل روحی، روانی و جسمی افراد و ذکر سخنان پیامبران و ائمه درباره اهمیت ورزش و فعالیت بدنی، به ایجاد باور و نگرش درست در مورد ورزش و فعالیت بدنی در افراد و همچنین، افزایش مشارکت آن‌ها در ورزش همگانی کمک کنند.

- دوستان و همسالان

نتیجه دیگر پژوهش این بود که دوستان و همسالان نقشی اساسی در گرایش افراد به ورزش و حضور مستمر در آن دارند و می‌توانند زمینه‌ساز نهادینه‌شدن ورزش همگانی به‌عنوان یک فعالیت بدنی ارتقا‌دهنده سلامتی در افراد جامعه شوند. از منظر شبکه اجتماعی، گروه همسالان در کنار خانواده به‌عنوان یکی از عوامل اجتماعی‌شدن، بیشترین نفوذ را در شبکه اجتماعی نوجوان دارد. در این دوره، موردپسند دیگران واقع‌شدن هدف اصلی نوجوان است. به اعتقاد کوئن، بسیاری بر این باورند که نوجوانان و جوانان جامعه کوچکی برای خودشان می‌سازند. از آنجایی که نوجوانان عموماً وقت بیشتری را به گروه همسالان اختصاص می‌دهند، غالباً ارزش‌هایی متفاوت با جامعه بزرگسالان پیدا می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی دوستان از عواملی هستند که در رشد خرده‌فرهنگ‌های خاص جوانان مؤثرند. این شبکه‌های روابط تقریباً در همه کشورهای جهان موجب می‌شوند جوانان با دوستانی که از لحاظ خرده‌فرهنگ با آن‌ها اشتراکات زیادی دارند، وقت بیشتری را بگذرانند. شبکه دوستان در مقابل شبکه خانواده از منابعی است که اوقات مفرح و حتی کسب هویت را برای جوانان به‌همراه دارد (صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰). دوستان و همسالان به‌عنوان گروه مرجع نقش مهمی در شکل‌گیری باورها، نگرش‌ها و رفتارهای فرد دارند. همچنین، آن‌ها در شکل‌دهی به شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی افراد و نیز انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه نقش بسزایی دارند. دوستان و همسالان در تجربه فعالیت‌های فرد مهم هستند. آن‌ها از طریق الگوبودن و ایجاد ادراک ارزشمندی فعالیت، شکل‌گیری نگرش و باور مثبت، فرصت باهم‌بودن، احساس امنیت، آرامش و انجام کار گروهی، زمینه‌ساز شروع و استمرار حضور در فعالیت بدنی و ورزش افراد می‌شوند (برگر و همکاران،

۲۰۰۸؛ کیسی و همکاران، ۲۰۰۹؛ وود، ۲۰۱۱)؛ با این حال، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دوستان و همسالان نه تنها مشوق حضور افراد در فعالیت بدنی و ورزش هستند، بلکه در برخی حالات اگر دوستانشان از آن‌ها بخواهند در فعالیت‌های دیگر شرکت کنند، در ورزش و فعالیت بدنی مشارکت نمی‌کنند (آلندر و همکاران، ۲۰۰۶). ذکر این نکته نیز مهم است که قدرت تأثیر دوستان بر فرد به سطح ارتباط عاطفی بین آن‌ها بستگی دارد. با توجه به این مطالب می‌توان گفت که دوستان و همسالان فرد و ارتباطات بین آن‌ها می‌توانند در نهادینه کردن فعالیت بدنی و ورزش در وجود افراد و در کل جامعه نقش مؤثر و مهمی ایفا کنند. برای استفاده از این نیروی مهم باید مسئولان ورزش همگانی به فراهم کردن زمینه و شرایط انجام فعالیت بدنی و ورزش گروهی، طراحی و اجرای فعالیت‌های گروهی و اتخاذ سیاست‌های ترغیبی و تشویقی برای مشارکت با دوستان و همسالان در فعالیت بدنی و ورزش اقدام کنند.

در نهایت، باید گفت هریک از گروه‌های ذکر شده با کارکردهای مختلفی که دارند (تأمین نیازهای اعضا اعم از زیستی، روان‌شناختی، اطلاعاتی و هویتی، الگوسازی رفتاری برای اعضا، ترغیب، تشویق و تنبیه اعضا و غیره) می‌توانند زمینه و شرایط مناسب ثبات، پایداری و فراگیر شدن ورزش همگانی را به‌عنوان یک فعالیت بدنی ارتقادهنده سلامتی، نشاط و شادابی در وجود فرد و جامعه فراهم کنند و به‌عبارتی، با کارکردهای مثبت خود باعث عادت‌سازی، عینی‌سازی و رسوب‌گذاری (نهادینه‌شدن) فعالیت بدنی در فکر، اندیشه، رفتار و گفتار فرد شوند. بدین منظور، ابتدا باید این عمل یا رفتار در ذهن فرد یا افراد عضو گروه پذیرفته شود. لازمه این امر تغییر در نگرش، ارزش و باورهای گروه است. بدین معنای گروه باید به آن عمل یا رفتار اعتقاد و باور پیدا کند. در مرحله بعد، باید این تغییر در نگرش یا باور فرد یا افراد گروه در رفتارهای اعضا متجلی شود و حالت عینی به خود گیرد و در نگرش و باور عده بیشتری از آن‌ها تثبیت شود. لازمه این عمل، تغییر و تعدیل در ساختارها، کارکردها و اهداف گروه است که طوری تطبیق یابند که متناسب با تغییر نگرش و رفتار به‌وجود آمده در فرد یا افراد شوند. در مرحله نهایی باید رفتارهای تغییر یافته و تثبیت شده در عده‌ای از افراد تکرار و ادامه یابد و به بقیه بخش‌ها و افراد جامعه تعمیم داده شوند تا در سراسر جامعه گسترش یابند و فراگیر شوند؛ از این رو، کمک به ایفای نقش‌های اساسی هریک از گروه‌های ذکر شده در نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور، باید با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی درست در دستور کار مسئولان امر قرار گیرد.

منابع

1. Ahola, S., & Hatfield, B. (1986). Psychology of sports: A social psychological approach. (Reza, Fallahi, & Mohsen, Hajjilu, translators). Tehran: Physical Education Organization Press. (Persian).
2. Allender, S., Cowburn, G., & Foster, C. (2006). Understanding participation in sport and physical activity among children and adults: a review of qualitative studies. *Health Education Research*, 21(6):826-35.
3. Aman, M. S., Mohamed, M., & Omar-Fauzee, M. S. (2009). Sport for all and elite sport: Underlining values and aims for government involvement via Leisure policy. *European Journal of Social Sciences*, 9(4), 659-668.
4. Aoyagi, Y., Park, H., Watanabe, E., Park, S., Shephard, R. J. (2009). Habitual physical activity and physical fitness in older Japanese adults: The Nakanajojo Study. *Gerontology*, 55, 523-531.
5. Arnold, J., Silvester, J., Patterson, F., Robertson, I., Cooper, C., & Burnes, B. (2005) *Work psychology* (4th ed.). London: Financial Times Prentice Hall.
6. Bauman, A. E., Bellew, B., Owen, N., & Vita, P. (2001). Impact of an Australian mass media campaign targeting physical activity in 1998. *American Journal of Preventive Medicine*, 1,41-47.
7. Berger, I. E., O'Reilly, N., Parent, M. M., Séguin, B., & Hernandez, T. (2008). Determinants of sport participation among Canadian adolescents. *Sport Management Review*, 11, 277-307.
8. Casey, M. M., Eime, R. M., Payne, W. R., & Harvey, J. T. (2009). Using a socioecological approach to examine participation in sport and physical activity among rural adolescent girls. *Qualitative Health Research*, 19(7), 881-893.
9. Cheuk Man, L. (2009). Parental influence on children's participation in physical activity. (Unpublished doctoral dissertation). Hong Kong Baptist University, Kowloon Tong.
10. Chogahara, M., O'Brien-Cousins, S., & Wankel, L. M. (1998). Social influences on physical activity in older adults: A review. *Journal of Aging and Physical Activity*, 6, 1-17.
11. DeFrancesco, C., & Johnson, P. (1997). Athlete and parent perceptions in junior tennis. *Journal of Sport Behavior*, 20, 29-36.
12. Ghafouri, F., Rahmanseresht, H., Ehsani, M., & Kozechian, H. (2003). The study and investigative of physical education specialists attitude to the role of mass media (radio, TV and newspapers) in the tendency of people to the sport for all and the championship sport. *the Harekat Magazine*, 16, 57-78. (Persian).
13. Gholipour, A. (2005). Institutions and organizations (Institutional Ecology of Organization). Tehran: Samt Press. (Persian).
14. Gholipour, E. (2011). Organizational sociology, sociological approach to organization and management. Tehran: Samt Press. (Persian).
15. Goodman, P. S., Bazerman, M. & Conlon, E. (1980). Institutionalization of planned organizational change, Tepper School of Business, Paper 895. In Staw, B. M. & Cummings, L. L. *Research in Organizational Behavior*: 215-246. Greenwich, CT, JAI Press.
16. Grazi, F. & Van den Bergh, & Jeroen C. J. M. (2008). Spatial organization, transport, and climate change: Comparing instruments of spatial planning and policy, *ecological eoomics*, 67, 630-639.

17. Haerens, L., Craeynest, M., Deforche, B., Maes, L., Cardon, G., & De Bourdeaudhuij, I. (2009). The contribution of home, neighbourhood and school environmental factors in explaining physical activity among adolescents. *Journal of Environmental and Public Health*, (1687-9805):320372, 1-10.
18. Hankinson, A. L., Daviglus, M. L., Bouchard, C., Carnethon M, Lewis CE, Schreiner PJ, ..., Sidney, S. (2010). Maintaining a high physical activity level over 20 years and weight gain. *JAMA*, 304, 2603-2610.
19. Hozori, M. J., & Khodadadhoseini, S. H. (2005). The designing and explanating a model for institutionalizing innovation in the public sector of Iran. *Research and Scientific Bimonthly of Daneshvar Raftar*, 12(11), 37-57. (Persian).
20. Humphreys, B., & Ruseski, J. (2007). Participation in physical activity and government spending on parks and recreation. *Contemporary Economic Policy*, 25(4), 1-15.
21. Javadipoor, M., & Saminia, M. (2012). Sport for all in Iran and develop vision, strategy and future plans. *Journal of Applied Research in Sport Management*, 4, 21-30. (Persian).
22. Kahn, E. B., Ramsey, L. T., Brownson, R. C., Heath, G. W., Howze, E. H., Powell, K. E., ..., Corso, P. (2002). The effectiveness of interventions to increase physical activity: A systematic review. *American Journal of Preventive Medicine*, 22(4S), 73-107.
23. Kostova, T., & Roth, K. (2002). Adoption of an organizational practice by subsidiaries of multinational corporations: Institutional and relational effect. *The Academy of Management Journal*, 45, 215-233.
24. Levine, J. M., & Moreland, R. L. (2006). *Small Groups (Key Readings in Social Psychology)*. Routledge; 1 edition, Great Britain, Psychology Press.
25. Malekpour, F. (2011). The role of the media in changing family values and norms, *Media and Family Quarterly*, 1, 219-234. (Persian).
26. Marcus, B. H., Dubbert, P. M., Forsyth, L. A., McKenzie, T. L., Stone, E. J., Dunn, A. L., & Blair, S. N. (2000). Physical activity behavior change: Issues in adoption and maintenance. *Health Psychology*, 19(1), 32-41.
27. Melville, D. S., & Maddalozzo, J. G. F. (1988). The effects of a physical educator's appearance of body fatness on communicating exercise concepts to high school students. *Journal of Teaching in Physical Education*, 7, 343-352.
28. Owen, N., Bauman, A., Booth, M., Oldenburg, B., and Magnus, P. (1995). Serial mass-media campaigns to promote physical activity: Reinforcing or redundant? *American Journal of Public Health*, 85, 244-248.
29. Palm, J., & Wolfyang, B. (2002). Sport for all as departure into the unknown lands of sport. Heusenstamm, Germany.
30. Rafipor, F. (1999). *Anatomy of society (Introduction to applied sociology)*. Tehran: Enteshar Press. (Persian).
31. Ramezaninejad, R., Rahmaninia, F., & Taghvitakyar, S. A. (2009). The investigative of incentives of the participants in sport for all of public open spaces. *Sport Management Journal*, 2, 5-19. (Persian).
32. Roshandele Arbatani, T. (2007). The Explain of position of the mass media in institutionalization of sport for all in country. *The Harekat magazine*, 33, 165-177. (Persian).
33. Sabori Khosroshahi, H. (2011). The investigative of reference groups of youth in Tehran city. *Social Researchs Quarterly*, 11, 35-51. (Persian).
34. Safari, M. (2012). *The designing Iran sport for all model (Unpublished doctoral dissertation)*. Tarbiat Modares University, Tehran. (Persian).

35. Scott, R. W. (2001). *Institutions and organizations* (2nd ed.). Sage, Thousand Oaks, CA.
36. Sedighe Sarvestani, R., & Hashemi, S. Z. (2002). The reference groups in sociology and social psychology with an emphasis on Merton and Festinger theories. *Letter of Social Sciences*, 20, 149-167. (Persian).
37. Tolbert, P. S., & Zucker, L. G. (1996). The institutionalization of institutional theory. In S. R. Clegg, C. Hardy, Y., Walter, & R. Nord (Eds.), *Handbook of Organization Studies* (pp. 175-190). Thousand Oaks, CA: Sage.
38. Weir, L. A., Etelson, D., & Brand, D. A. (2006). Parents' perception of neighborhood safety and children's physical activity. *Preventive Medicine*, 43, 212-217.
39. Wood, L. (2011). *Continued sport participation and the negotiation of constraints*. (Unpublished doctoral dissertation). the University of Western Ontario London, Ontario, Canada.
40. Young, B. W., & Medic, N. (2011). Examining social influences on the sport commitment of masters swimmers. *Psychology of Sport and Exercise*, 12, 168-175.
41. Zucher, L. G. (1987). Institutional theories of organization. *Annual Review of Sociology*, 13, 443-464.

استناد به مقاله

آصفی، احمدعلی. (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۷۰-۲۴۷.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4034.1288

Asefi, A. (2019). The Identifying and Prioritizing Effective Groups in the Institutionalization of Sport for All in Iran. *Research on Educational Sport*, 6(15): 247-70. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.4034.1288

ارزیابی میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی استان اصفهان با حقوق ورزشی

مینا مستحفظیان^۱، سمیه رهبری^۲، مسعود راعی دهقی^۳

۱. گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

۲. گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

۳. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، ارزیابی میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی بود. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و براساس نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش تمام معلمان تربیت‌بدنی استان اصفهان بودند (تعداد = ۱۷۴۰) که با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۴۰۷ نفر محاسبه شد و نمونه آماری به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته که با توجه به مبانی نظری و با استناد به منابع معتبر در حوزه حقوق ورزشی طراحی شد، استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه با استفاده از نظر اساتید متخصص و پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای و فریدمن انجام شد. نتایج نشان داد که میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با مؤلفه‌های حقوق ورزشی شامل تعهد و تکلیف، استانداردهای تجهیزات ورزشی و اهداف و مأموریت‌های تربیت‌بدنی مدارس در حد بالاتر از میانگین، مؤلفه‌های حقوق و امتیازات آموزش و مسئولیت‌های سازمانی مدیر و اداره کل در حد متوسط و میزان آشنایی با قوانین و مقررات در حد پایین‌تر از میانگین قرار داشتند. در نهایت، با توجه به بالابودن میانگین میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی و مؤلفه‌های آن به جز مؤلفه میزان آشنایی با قوانین و مقررات پیشنهاد می‌شود در جهت ارتقای دانش حقوقی معلمان ورزش، به محض تدوین قوانین و مقررات جدید، دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای معلمان برگزار شوند و به محض دریافت نتایج مطالعات در خصوص آسیب‌شناسی حوادث ورزشی، به معلمان و مدیران به سرعت اطلاع‌رسانی شود.

واژگان کلیدی: ارزیابی، حقوق ورزشی، تربیت‌بدنی، معلم ورزش، مسئولیت.

مقدمه

حقوق ورزشی، مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، هنجارها و اصولی است که چهارچوب معین و دستورالعمل‌های مشخصی را بر روابط افراد (مربیان، داوران، تماشاچیان، ورزشکاران، مدیران، معلمان و سایر افراد) در محیط‌های ورزشی و در تمرینات و به‌ویژه در مسابقات، با هدف برقراری عدالت، ایجاد نظم و حاکمیت قانون به‌وجود می‌آورد (آقایی‌نیا، ۱۳۸۶، ۲۵). در حیطه گسترده ورزش نیز ارتباط بین انسان‌ها گاهی باعث می‌شود افراد به دلایل مختلف، عمدی یا سهوی باعث آسیب به فرد یا افراد دیگر شوند که این آسیب گاهی باعث زیان یک فرد می‌شود و گاهی عمل مجرمانه یک فرد، به کل جامعه زیان وارد می‌کند. در محیط‌های ورزشی، بیشتر تصمیم‌هایی که در حوزه اختیارات و وظایف کاربران ورزشی است، تأثیرهای خود را به‌صورت فردی بروز می‌دهند؛ بنابراین، از نیازهای اساسی اعضای جامعه ورزش است که به حیطه وظایف و اختیارات خود آگاهی کامل داشته باشند تا با رفتار خود باعث آسیب به فرد یا افراد دیگر نشوند. می‌توان گفت که در حقوق ورزش، هدف، افزایش آگاهی‌های حقوقی جامعه ورزش، جلوگیری و کاهش حوادث ناشی از ورزش، تشریح وظایف و اختیارات مربیان و معلمان ورزش، ورزشکاران و مدیران و مسئولان ورزشی، مطلع کردن جامعه ورزش از پیامدهای حقوقی تخلفات در ورزش، حفظ کردن سلامتی جسمی، روانی و حیثیتی ورزشکاران و مربیان، مصون داشتن مدیران ورزشی از مسئولیت‌های قانونی و در یک سخن، تلاش برای تدوین مقررات لازم با هدف حمایت از همه کسانی است که در امر ورزش درگیر هستند (آقایی‌نیا، ۱۳۸۶، ۶۸؛ میرسلیمانی، ۱۳۹۲، ۱۸). به مسائل مربوط به ایمنی مکان‌های ورزشی و فضاهایی که در آن‌ها به فعالیت ورزشی پرداخته می‌شود، کمتر توجه می‌شود؛ در صورتی که حوادث مربوط به برگزاری مسابقات و تمرینات آمادگی ورزشکاران می‌تواند پرهزینه و ناگوار باشد. از طرف دیگر، ارائه راهکارهای مناسب برای ایجاد تسهیلات و برطرف کردن موانع موجود از قبیل درون زمین‌های ورزشی، تجهیزات و لوازم ورزشی، سکوها و پوشش‌های فضاهای ورزشی، بهداشت و حریم‌های ورزشی، تنها با انجام پژوهش‌ها و ارائه آمار، ارقام و داده‌های پژوهشی امکان‌پذیر است (رمضانی و نظریان مادوانی، ۱۳۹۲، ۱۲؛ جیمز، ۲۰۱۰، ۳۶۹). نادریان و سلطان‌حسینی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «مهارت‌ها و توانایی‌های فنی برای مدیران ورزشی» به این نتیجه رسیدند که مدیران ورزشی برای اثربخشی در انجام وظایف و موفقیت، به ترتیب اولویت به مهارت‌ها و توانایی‌هایی همچون نظارت مؤثر در اجرای تقویم ورزشی، مدیریت تأسیسات، توانایی

در سازمان‌دهی تیم‌های ورزشی، مدیریت مسابقات ورزشی، مدیریت اردوها و مسافرت‌های ورزشی و نیز برنامه‌ریزی تمرینات ورزشی نیاز دارند.

معلمان تربیت‌بدنی وظیفه دارند در حفظ و نگهداری وسایل و امکانات آموزشگاه و استفاده بهینه از آن‌ها بیشترین تلاش خود را به کار گیرند. وجود یک فلسفه درست و کامل برای تربیت‌بدنی در نظام تعلیم و تربیت کشور ضروری است و تعیین‌کننده جهت و مسیر راهبردها، اهداف و برنامه‌های تربیت‌بدنی آموزش و پرورش کشور خواهد بود (نادریان و رهبری، ۱۳۹۴، ۲۰). به عبارت دیگر این فلسفه، اصول و مبانی تربیت‌بدنی و درک درست آن است که سند تحول بنیادین در حیطه تربیت‌بدنی براساس آن، به طراحی چشم‌اندازها و تدوین اهداف کلی و جزئی پرداخته است. در سند چشم‌انداز آموزش و پرورش توجه ویژه و خاصی به تربیت‌بدنی شده و از آن به عنوان ابزاری مهم برای تعلیم و تربیت یاد شده است. بی شک اگر به درستی از این ابزار مهم و جذاب استفاده کنیم، ثمرات مطلوبی خواهد داشت. ولی قدم نهادن در این مسیر با توجه به حساسیت‌ها و ویژگی‌های خاص ورزش و جذابیت بسیار زیاد آن برای اقشار مختلف جامعه بالاخص دانش‌آموزان و از سوی دیگر، ناشناخته بودن فلسفه وجودی تربیت‌بدنی برای بسیاری از متخصصان تربیت‌بدنی (برنامه‌ریزان، مدیران، معلمان و مربیان) ممکن است خواسته یا ناخواسته برنامه‌های طرح‌ریزی شده را برای رسیدن به سند چشم‌انداز دچار انحراف کند (گودرزی، ۱۳۹۲، ۳۳). تربیت‌بدنی، علمی کاربردی است که سعی دارد با استفاده از علوم مختلف تغییرات مطلوب را ایجاد کند (عبداللهی، فرخی و باقری، ۱۳۸۰، ۱۰۳). کلاس تربیت‌بدنی می‌تواند از طریق آموزش مهارت‌های جسمانی و موارد لازم در این زمینه، فعالیت بدنی را در تمام طول عمر افزایش دهد (هاگرو و بیگل، ۱۳۸۷؛ تیموتی، ۲۰۰۱، ۲۲).

با وجود گذشت ۸۰ سال از حضور تربیت‌بدنی در برنامه درسی دوره‌ها و پایه‌های گوناگون تحصیلی، اجرای این درس توسط معلمان تربیت‌بدنی و غیرتربیت‌بدنی، بنا به سلیقه شخصی، سوابق ورزشی و مدارک دانشگاهی هفته‌ای دو ساعت در هفته برگزار می‌شود که به لحاظ قانونی، معلم ورزش وظیفه محافظت از دانش‌آموزان را در برابر هرگونه آسیب ورزشی برعهده دارد. در یک جامعه قانونمند، هرگونه کوتاهی معلم تربیت‌بدنی می‌تواند او و مدرسه را در معرض اتهام‌های قانونی قرار دهد. و ندر سیمسن^۳ در سال ۱۹۹۰، بیشترین موارد اتهام علیه معلمان تربیت‌بدنی را ناشی از کافی نبودن

-
1. Hagrou & Bagel
 2. Timothy
 3. Van der Smisen

حفاظت اعلام کرده است. حفاظت کافی به نسبت تعداد دانش‌آموز به معلم، تمرینات معلم، فاصله بین دانش‌آموز و معلم در زمان حادثه و رعایت قوانین ایمنی وابسته است (رضائی و نظریان مادوانی، ۱۳۹۲، ۱۵). در کشور ما برخلاف کشورهای پیشرفته، بنا به دلایل گوناگون، شهروندان در مقابل زیان‌های وارد شده به آنان به‌ندرت علیه سازمان مربوط طرح دعوا می‌کنند که این موضوع بیش‌ازآنکه یک مشکل حقوقی تلقی شود، یک معضل فرهنگی ناشی از ناآگاهی بیشتر مردم از حقوق اساسی و مدنی خودشان است (جباری و شعاریان، ۱۳۸۸، ۲۳۸).

آلا ژوزف^۱ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «منابع مسئولیت حقوقی معلمان تربیت‌بدنی» مسئولیت ناشی از غفلت معلمان تربیت‌بدنی را در چهار حیطة نظارت، امکانات و تجهیزات، صدمه‌های ناشی از مشارکت ورزشی و آموزش مناسب بیان کرد. بنیان و کاشف (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تفاوت آگاهی‌های حقوقی و مسئولیت مدنی مربیان ورزش زن و مرد در رویدادهای ورزشی» نشان دادند که بین دیدگاه زنان و مردان در خصوص مسئولیت‌های حقوقی تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین‌معناکه مربیان ورزش زن نسبت به مرد آگاهی بیشتری دربارهٔ مسئولیت‌های حقوقی داشتند. از لحاظ مدرک تحصیلی، بین مربیان با مدرک تحصیلی متفاوت در زمینهٔ آگاهی از حقوق ورزشی تفاوت معناداری وجود داشت؛ بدین‌معناکه مربیانی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی‌ارشد و بالاتر بودند، آگاهی بیشتری نسبت به دیگران داشتند. در خصوص سابقهٔ خدمت نیز بین دیدگاه مربیان تفاوت معناداری وجود داشت؛ بدین‌معناکه مربیانی که دارای سابقهٔ متوسط به بالا (۱۵ سال به بالاتر) بودند، به آگاهی‌های حقوقی اشراف بیشتری داشتند. مصطفی‌پور انزلی و کاشف (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «التزام مربیان ورزشی به مسئولیت‌های حقوقی از دیدگاه ورزشکاران» به این نتیجه رسیدند که ۷۳/۲۸ درصد از مربیان ورزشی به مسئولیت‌های حقوقی خود آگاهی داشتند. همچنین، بین دیدگاه زنان و مردان، مدرک تحصیلی، تجربه و مهارت در خصوص میزان التزام عملی مربیان ورزشی به مسئولیت‌های حقوقی تفاوت معناداری وجود داشت.

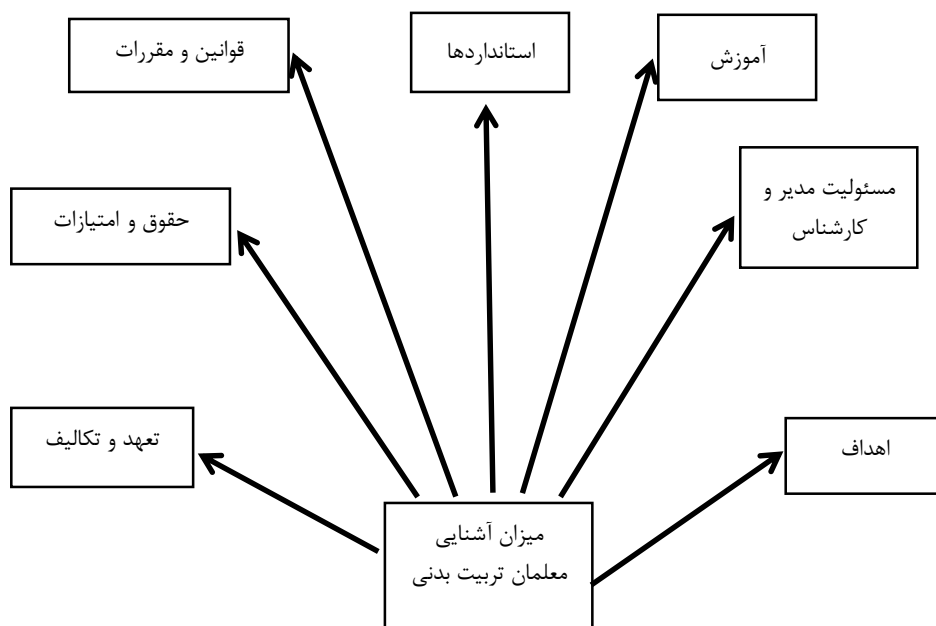
ایزدی، کوزه چیان، احسانی، صادقی بروجردی و سلیمانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «نقش اقدامات مدیریت خطر در کاهش دادخواهی‌ها در استخرهای شهر تهران» نتیجه گرفتند که بین تجربه و عملیات مدیریت خطر رابطهٔ معناداری وجود نداشت؛ البته بین میزان وقوع حوادث در استخرها و دادخواهی‌ها رابطهٔ معناداری مشاهده شد. همچنین، نتایج نشان داد که بین میزان دادخواهی‌ها و عملیات مدیریت خطر در استخرها رابطهٔ معناداری وجود داشت. آن‌ها به این نتیجه

1. Alla Joseph Babalola

رسیدند که به‌کارگیری اقدامات مدیریت خطر در استخرها می‌تواند میزان وقوع حوادث و دادخواهی‌ها را کاهش دهد و محیطی امن را برای استفاده‌کنندگان از این اماکن فراهم کند. یزدانیان (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «طرح مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز در حقوق ایران همراه با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه» به این نتیجه دست یافت که در حقوق کشورهای دیگر، به مسئولیت مدنی آموزگار توجهی ویژه شده است؛ درحالی‌که در حقوق ایران این مسئله مطرح نشده است. در ماده هفت ق.م.م، فقط درباره مسئولیت سرپرست «صغیر» و «مجنون» بحث شده است؛ درحالی‌که مسئولیت مدنی آموزگار ممکن است نسبت به دانش‌آموزان بالغ، عاقل و رشید نیز مطرح باشد. طبق ماده ۱۱ ق.م.م، در صورت خطای معلم، خود معلم ضامن است. در حقوق ایران، در شرایط فعلی و با لحاظ ماده ۱۱ ق.م.م، امکان مسئول دانستن دولت منتفی است. به‌محض اینکه دانش‌آموز از حالت صغر بیرون آمد و بالغ شد، از یک طرف از شمول ماده هفت خارج می‌شود و از طرف دیگر، مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز در حقوق ایران مطرح نشده است و با لحاظ ماده ۱۱، دولت نیز ضامن نیست؛ ولی اگر مسئولیت ناشی از عمل غیر بر مبنای تفسیر آموزگار در امر نگهداری و مواظبت مطرح شود، تضمینی برای زیان‌دیده است تا با جبران نشدن خسارت مواجه نشود. این مسئولیت به‌ظاهر ناشی از عمل غیر است؛ اما در واقع، نوعی مسئولیت ناشی از عمل شخص است؛ بنابراین، از قانون‌گذار انتظار می‌رود نسبت به تدوین مقررات در این زمینه اهتمام ورزد. در فقه نیز ابزارهایی برای پاسخ به مسئولیت آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز وجود دارند و این می‌تواند که با استفاده از فقه و به کمک حقوق تطبیقی مسئله ذکر شده در قوانین منعکس شود.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه و اینکه در ایران علوم مربوط به حقوق ورزشی، علوم نوپایی هستند و در بسیاری از حوادث مربوط به ساعات درس تربیت‌بدنی قانونی وجود ندارد، ضروری به نظر می‌رسد که معلمان تربیت‌بدنی شناخت بیشتری از وظایف خود به‌دست آورند تا با دیدی شفاف‌تر از دامنه اختیارات و وظایف خود علاوه بر کاهش آسیب‌های دانش‌آموزان میزان اتهام‌های علیه خود را کاهش دهند. افزون‌براین، کسب آگاهی معلمان تربیت‌بدنی از حقوق ورزشی برای آموزش و پرورش نیز می‌تواند مفید باشد؛ زیرا، آموزش و پرورش با شناخت میزان آگاهی معلمان تربیت‌بدنی از حوزه حقوق ورزشی، می‌تواند برنامه‌های آموزشی لازم را با هدف افزایش آگاهی معلمان تربیت‌بدنی، کاهش صدمه‌های دانش‌آموزان و کاهش پرونده‌های قضایی معلمان برگزار کند.

بدیع‌بودن موضوع پژوهش در حوزه آموزش و پرورش و افزایش آمار پرونده‌های اتهام‌های علیه معلمان تربیت‌بدنی انجام این پژوهش را ضروری می‌کند. در شکل شماره یک، مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است؛ البته برازش مدل زیر با نرم‌افزار لیزرل بررسی خواهد شد تا مشخص شود تاچه‌اندازه با واقعیت انطباق دارد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش مطالعه حاضر، توصیفی از نوع پیمایشی بود که از لحاظ هدف، جزو پژوهش‌های کاربردی است. جامعه آماری همه معلمان تربیت‌بدنی استان اصفهان بودند که طبق آمار اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، ۱۷۴۰ نفر در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ اعلام شد. روش نمونه‌گیری پژوهش تصادفی طبقه‌ای، متناسب با حجم نمونه و با استناد به جدول کوکران و شارپ^۱ بود که تعداد ۴۰۷ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

1. Cochran and Sharp

ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته بود که با توجه به مبانی نظری و با استناد به منابع معتبر در حوزه حقوق ورزشی طراحی شد. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی خواسته شد نظرها و پیشنهادهای خود را درباره شکل و محتوای پرسش‌نامه، نگارش سؤال‌های پرسش‌نامه، کامل بودن سؤال‌ها از نظر کسب اطلاعات در زمینه متغیرهای پژوهش، هماهنگی متن سؤال‌ها با گزینه‌های سؤال و حذف یا اضافه کردن سؤال یا سؤال‌ها بیان کنند. در فرایند بررسی این نظرها، برخی سؤال‌ها به دلیل مبهم بودن و ناهمگونی با موضوع پژوهش حذف شدند و برخی دیگر به دلیل تکرار یا همپوشی درهم ادغام شدند. همچنین، تعدادی سؤال که به نظر متخصصان برای پرسش‌نامه ضروری به نظر می‌رسید، به تعداد سؤال‌ها افزوده شدند. بدین ترتیب، اعتبار صوری و محتوایی پرسش‌نامه تأیید شد.

به‌طور کلی، در استنتاج علمی در علوم مدیریت و رفتاری دو مسئله عمده وجود دارد: اولین مسئله مربوط به اندازه‌گیری سنجش متغیرها است؛ یعنی چگونه می‌توان اعتبار و روایی مقیاس را بیان کرد؟ دومین مسئله مربوط به روابط علی میان متغیرها و قدرت تبیین چنین روابطی است. به عبارتی، چگونه می‌توان روابط علی پیچیده را بین متغیرهایی که به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیستند با شاخص‌های دارای احتمال خطا استنتاج کرد؟ چگونه می‌توان قوت روابط نهان بین متغیرها را ارزیابی کرد؟ مدل لیزرل در کلی‌ترین شکل خود، برای رفع دو مشکل عمده ذکر شده در استنتاج علمی ایجاد شده است و دارای دو بخش است: مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری. مدل اندازه‌گیری مشخص می‌کند که چگونه متغیرهای نهان یا سازه‌های فرضی بر حسب متغیرهای قابل مشاهده سنجیده می‌شوند و اعتبار و روایی آن‌ها به چه میزان است. مدل معادلات ساختاری، روابط علی بین متغیرهای نهان را مشخص می‌کند و اثرهای علی میزان واریانس تبیین‌شده را شرح می‌دهد (آذر، ۱۳۸۱، ۷۰).

در این پژوهش نیز برای تعیین روایی سازه، از تحلیل عاملی^۱ تأییدی استفاده شد و نتایج نشان داد که شاخص کای اسکوئر نسبی مدل از مقدار قابل قبول ۲/۶۴ برخوردار است و نشان‌دهنده برازش خوب مدل پژوهش است. همچنین، مقدار P کوچک‌تر از ۰/۰۱ بود و با توجه به اینکه مقدار P برای الگوی ذکر شده بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بود، می‌توان نتیجه گرفت که مقدار کای اسکوئر نسبی برای الگو قابل قبول است ($P = ۰/۰۱$, $df = ۴۰۶$, $AGFI = ۰/۸۴$). برای تعیین پایایی، پژوهشگر به‌طور تصادفی

ساده تعداد ۳۰ پرسش‌نامه را در جامعه مورد بررسی توزیع کرد و پس از تکمیل جمع‌آوری کرد. با محاسبه واریانس این نمونه، براساس ضریب آلفای کرونباخ، پایایی برابر با ۰/۸۵ به دست آمد. در نهایت، پرسش‌نامه دارای ۳۹ سؤال بود و در سه بخش تهیه شد و آماده ارائه به نمونه‌های آماری شد. بخش اول، شامل نامه ابتدایی پرسش‌نامه بود که در آن توضیحاتی درباره موضوع پرسش‌نامه داده شد. در بخش دوم پرسش‌نامه، برخی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از قبیل جنسیت، مقطع آموزشی، سابقه خدمت و میزان تحصیلات بیان شدند. در بخش سوم پرسش‌نامه، گویه‌های اصلی پژوهش در هفت بعد (قوانین و مقررات، حقوق و امتیازات، تعهدات و تکالیف، استانداردهای تجهیزات و اماکن، حیطه آموزش، مسئولیت‌های مدیر و کارشناسی اداره، اهداف تربیت‌بدنی در مدارس) طراحی شدند و با استفاده از طیف لیکرت و در قالب امتیازات یک تا پنج مشخص شدند. هر بعد و شاخص براساس امتیازاتی که پاسخ‌دهندگان به گویه‌های مرتبط به آن داده بودند، سنجیده شد (از امتیاز پنج به گزینه انتخابی بسیار زیاد تا امتیاز یک به گزینه انتخابی بسیار کم). میانگین امتیازات گویه‌های هر مؤلفه، نمره کل آن مؤلفه را مشخص کرد و سپس، از متوسط مؤلفه‌های مربوط به هر بعد یا شاخص، امتیاز آن تعیین شد. در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از بسته آماری علوم اجتماعی نسخه ۲۱ و نرم‌افزار لیزرل در سطح خطای ۰/۰۵ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصدها) استفاده شد. در سطح آمار استنباطی، از آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای برای مقایسه میانگین موجود در جامعه پژوهش با متوسط نظر شرکت‌کنندگان که در این پژوهش مقدار متوسط برای هر گویه عدد سه در نظر گرفته شد و همچنین، از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی نظر شرکت‌کنندگان و تعیین اولویت‌های نظر آن‌ها استفاده شد.

نتایج

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین تعداد اعضای نمونه، زنان با ۵۲ درصد فراوانی بودند. بیشتر اعضای نمونه آماری دارای مدرک کارشناسی با ۶۷/۴۴ درصد، بیشتر اعضای نمونه آماری با سابقه خدمت کمتر از پنج سال با درصد فراوانی ۳۴/۸۹ و کمترین اعضای نمونه آماری با ۱۳/۹۶ درصد در رده سابقه خدمتی بین ۲۰-۱۵ سال بودند. همچنین، بیشتر اعضای نمونه آماری در

مقطع ابتدایی با درصد فراوانی ۳۹/۶۰ و کمترین اعضای نمونه آماری با درصد فراوانی ۲۷/۹۰ در مقطع متوسطه دوره اول قرار داشتند.

با توجه به نتایج جدول شماره یک، گویه دو (وجود معلم تربیت‌بدنی برای تکمیل فرم سلامت عمومی دانش‌آموزان ضرورت دارد) با میانگین کل ۴/۴۴ دارای بیشترین میانگین و گویه ۱۰ (ترک کلاس توسط معلم تربیت‌بدنی برای انجام کار ضروری مانند پاسخ به تلفن و غیره امری طبیعی است) با میانگین کل ۲/۰۰ دارای کمترین میانگین است.

جدول ۱- توصیف گویه‌های پرسش‌نامه میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی

ردیف	حیطه	گویه‌ها	میانگین
۱		اگر مدیر مدرسه اجازه دهد که معلم تربیت‌بدنی کلاس را زودتر از وقت قانونی تعطیل کند، مسئولیت بروز هر نوع آسیبی برعهده مدیر یا معاون مدرسه است.	۳/۵۸
۲		وجود معلم تربیت‌بدنی برای تکمیل فرم سلامت عمومی دانش‌آموزان ضرورت دارد.	۴/۴۴
۳		بیشتر وقت معلم تربیت‌بدنی به آماده‌سازی تیم‌های ورزشی برای شرکت در مسابقات سپری می‌شود.	۲/۴۸
۴	قوانین و مقررات	مسئولیت دانش‌آموزی که کلاس ریاضی دارد، اما در کلاس‌های تربیت‌بدنی حاضر شود با خود دانش‌آموز است.	۲/۴۱
۵		افزایش نمره درس تربیت‌بدنی در اثر مشارکت مدنی دانش‌آموز در سایر کارهای مدرسه امری طبیعی است.	۲/۳۱
۶		در حادثه‌ای که به بروز آسیب در کلاس‌های تربیت‌بدنی منجر شود، مسئولیت آن به‌طور مستقیم برعهده معلم تربیت‌بدنی است.	۳/۲۰
۷		بخشی از نمره درس تربیت‌بدنی بر مبنای میزان مشارکت والدین در امور جاری مدرسه تعیین می‌شود.	۲/۱۶
۸		وقتی که معلم تربیت‌بدنی بیمار است، می‌تواند از دیگر همکارانش برای اداره کلاس تربیت‌بدنی استفاده کند.	۲/۶۸
۹	حقوق و امتیازات	شوخی‌ها و شیطنت دانش‌آموزان در کلاس‌های تربیت‌بدنی به بروز آسیب‌های جسمانی سایر دانش‌آموزان منجر می‌شود. در چنین شرایطی، مسئولیت حادثه با معلم تربیت‌بدنی است.	۳/۵۷
۱۰		ترک کلاس توسط معلم تربیت‌بدنی برای انجام کار ضروری مانند پاسخ به تلفن و غیره امری طبیعی است.	۲/۰۰
۱۱		در آسیب غیر عمدی دانش‌آموزان با یکدیگر معلم مقصر نیست.	۳/۸۵
۱۲		وقتی معلم تربیت‌بدنی از ناهموار بودن زمین بازی اطلاعی ندارد، مسئولیتی در قبال آسیب دانش‌آموزان ندارد.	۲/۳۴

ادامه جدول ۱- توصیف گویه‌های پرسش‌نامه میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی

ردیف	حیطه	گویه‌ها	میانگین
۱۳		تنها وظیفه مدیر است که سالم و استاندارد بودن تجهیزات را بررسی کند.	۲/۰۵
۱۴		در مسابقات آموزشی می‌توان از دانش‌آموزانی که بیماری ساده (نظیر سرماخوردگی) دارند، استفاده کرد.	۲/۴۵
۱۵		به دلیل تعداد زیاد دانش‌آموزان، معلم تربیت‌بدنی قادر به اداره کلاس و ارائه تمرین‌های متفاوت نیست.	۳/۰۹
۱۶		دانش‌آموز آسیب‌دیده می‌تواند از کمک‌های اولیه غیراصولی معلم تربیت‌بدنی شکایت کند.	۳/۴۴
۱۷		به خاطر حفظ روحیه و آمادگی جسمانی دانش‌آموزان بیمار، معلم تربیت‌بدنی باید به آن‌ها تمرین‌های سبک‌تری پیشنهاد کند.	۴/۱۰
۱۸		معلم تربیت‌بدنی باید شیوه‌های درست و نادرست اجرای مهارت‌های حرکتی روزمره مانند راه‌رفتن، خوابیدن و غیره را شرح دهد.	۴/۳۵
۱۹	تعهدات و تکالیف	مسئولیت بروز آسیب‌های جسمانی دانش‌آموزان در کلاس تربیت‌بدنی در فضای غیرورزشی، به‌عهده مدیر مدرسه است.	۳/۰۲
۲۰		به دلیل کمبود بودجه و نبود توانایی در تعویض وسایل، معلم تربیت‌بدنی نباید خطرناک بودن وسایل و تجهیزات ورزشی غیراستاندارد را (دروازه هندبال، میله والیبال و غیره) برای دانش‌آموزان بیان کند.	۲/۱۹
۲۱		معلم تربیت‌بدنی در صورت لزوم می‌تواند در محوطه آسفالت و بتنی کلاس - های تربیت‌بدنی را برگزار کند.	۳/۰۲
۲۲	استانداردهای	معلم تربیت‌بدنی می‌تواند از هرگونه وسایل و تجهیزات ورزشی در دسترس برای اجرای برنامه‌های تربیت‌بدنی استفاده کند.	۳/۹۰
۲۳	تجهیزات و اماکن	استفاده از فضاهای ورزشی برای کاربردهای غیرورزشی با اجازه مدیر مدرسه مسئولیتی برای معلم تربیت‌بدنی ندارد.	۳/۳۱
۲۴		انتخاب محیط برگزاری کلاس‌های تربیت‌بدنی وظیفه معلم تربیت‌بدنی نیست و مدیر مدرسه باید زمین مناسب در اختیار معلم قرار دهد.	۳/۳۹
۲۵		مدیر مدرسه از معلم تربیت‌بدنی موفقیت حتمی تیم‌های ورزشی را در مسابقات می‌خواهد.	۲/۰۲
۲۶		معلم تربیت‌بدنی می‌تواند ارزشیابی پایانی را متفاوت از محتوای آموزشی ارائه شده انجام دهد.	۲/۲۲
۲۷	آموزش	معلم تربیت‌بدنی باید تمامی تکنیک‌های ورزشی را به‌طور صحیح آموزش دهد و اشتباه‌های رایج را بیان کند.	۴/۰۹
۲۸		معلم باید دانش‌آموزان کلاس را به چند دسته تقسیم کند و هرکدام را به ورزش موردعلاقه‌شان هدایت کند.	۴/۱۰
۲۹		به دلیل کمبود ساعات تربیت‌بدنی، دانش‌آموزان در تمامی ساعات تربیت‌بدنی به بازی مشغول هستند.	۳/۰۳

ادامه جدول ۱- توصیف گویه‌های پرسش‌نامه میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی

۳/۶۵	جلب به موقع کمک‌های پزشکی وظیفه مدیر مدرسه است.	۳۰
۲/۷۸	در آسیب‌دیدن دانش‌آموزی که داوطلبانه به برگزاری مسابقات مدرسه کمک می‌کند، مدیر مدرسه مقصراست.	۳۱
۲/۲۱	مدیر می‌تواند در غیاب معلمان تربیت‌بدنی از معلمان دیگر برای اداره کلاس تربیت‌بدنی استفاده کند.	۳۲
۴/۲۳	معلم تربیت‌بدنی مسئولیت تشکیل انجمن‌های ورزشی مدرسه را برعهده دارد.	۳۳
۴/۲۸	معلم تربیت‌بدنی باید برنامه‌های ورزشی مدرسه را تدوین کند.	۳۴
۲/۷۰	مدیر مدرسه باید مسابقات قهرمانی دانش‌آموزان را برنامه‌ریزی کند.	۳۵
۳/۳۱	مسئولیت تهیه و خرید وسایل و تجهیزات ورزشی برعهده مدیر مدرسه است.	۳۶
۳/۳۵	مدیر مدرسه باید دستورالعمل‌های مدونی را برای نیل به اهداف تربیت‌بدنی و ورزش در مدارس ارائه دهد.	۳۷
۴/۰۴	حرکات و بازی‌های دسته‌جمعی مانند بازی‌های انفرادی، روحیه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را تقویت می‌کنند.	۳۸
۳/۲۸	دستورالعمل‌های مدونی درباره آموزش مهارت‌های بنیادی در کلاس‌های تربیت‌بدنی وجود ندارد.	۳۹

در جدول شماره دو مشاهده می‌شود که میانگین میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی بالاتر از حد میانگین است.

جدول ۲- نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای مربوط به میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی

فاصله اطمینان	اختلاف	انحراف	میانگین	سطح	درجه	آماره
۹۵٪ برای میانگین	میانگین	معیار	میانگین	معناداری	آزادی	تی
حد بالا	حد پایین					
۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۲۱	۳/۲۱	۰/۰۰۱	۴۰۶	۳/۳
آشنایی با حقوق ورزشی						

با توجه به نتایج جدول شماره سه مشاهده می‌شود که میانگین متغیر آشنایی با قوانین و مقررات کمتر از حد میانگین است. میزان آشنایی معلمان در حیطه حقوق و امتیازات و حیطه آموزش در حد میانگین ($\mu = 3$) و برابر با سه قرار دارد. همچنین، میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با

استانداردهای تجهیزات ورزشی، تعهد و تکلیف، مسئولیت‌های سازمانی مدیر و اداره کل و اهداف و مأموریت‌های تربیت‌بدنی در مدارس، در سطح ۰/۹۵ و بالاتر از حد میانگین است؛ زیرا، حد بالا و پایین این متغیر هر دو مثبت شده‌اند؛ یعنی مقدار این متغیرها بیشتر از سه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای مربوط به میزان آشنایی با مؤلفه‌های حقوق ورزشی

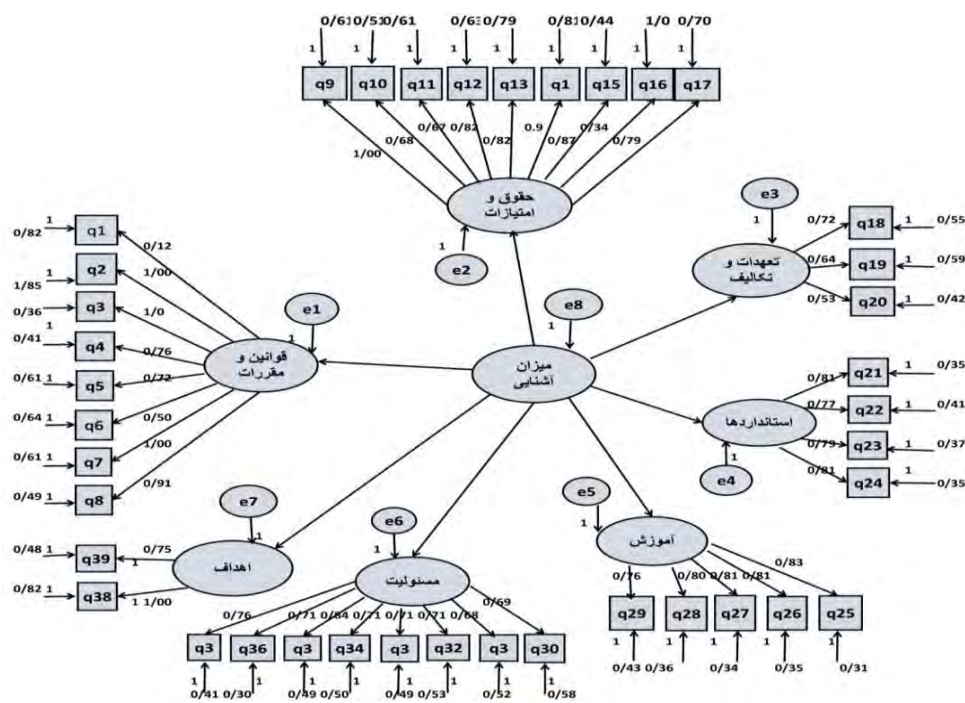
مؤلفه‌های حقوق ورزشی	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین حد پایین حد بالا
قوانین و مقررات	-۲/۲۰	۴۰۶	۰/۰۲۹	۲/۸۸	۰/۷۲	-۰/۱۲	-۰/۰۱۳ - ۲/۴۲
حقوق و امتیازات	-۰/۰۲	۴۰۶	۰/۸۰	۲/۹۸	۰/۷۵	-۰/۰۲	-۰/۱۰ - ۰/۰۸
تعهد و تکلیف	۲/۶۹	۴۰۶	۰/۰۰۸	۳/۱۸	۰/۳۶	۰/۱۸	۰/۰۶۱ - ۲/۶۹
استانداردهای تجهیزات	۴/۶۸	۴۰۶	۰/۰۰۱	۳/۴۰	۰/۳۱	۰/۴۰	۰/۲۳ - ۰/۰۵۷
آموزش	۱/۳۷۰	۴۰۶	۰/۱۷۳	۳/۰۹	۰/۸۸	۰/۰۹۱۴۷	-۰/۰۴۰۶ - ۰/۲۲۳۶
مسئولیت‌های مدیر و اداره کل	۵/۴۷	۴۰۶	۰/۰۰۱	۳/۳۱	۰/۶۸	۰/۳۱	۰/۲۰ - ۰/۴۳
اهداف و مأموریت‌های تربیت‌بدنی	۷/۶۳	۴۰۶	۰/۰۰۱	۳/۶۶	۰/۳۷	۰/۶۷	۰/۴۹ - ۰/۸۴

برای اولویت‌بندی مؤلفه‌های میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که از نظر پاسخ‌دهندگان، اهداف و مأموریت تربیت‌بدنی در بین متغیرهای میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی با میانگین ۳/۶۶ در بالاترین رتبه و قوانین و مقررات دارای کمترین رتبه با میانگین ۲/۹۱ هستند (جدول شماره چهار).

جدول ۴- اولویت بندی مولفه های میزان آشنایی معلمان تربیت بدنی با حقوق ورزشی

معنی داری	درجه آزادی	خی دو	تعداد نمونه	آزمون معناداری	فریدمن
۰/۰۰۱	۶	۱۱۹/۳۳	۴۰۷		
اولویت ها	مولفه ها	رتبه			
۳/۶۶	اهداف و مأموریت تربیت‌بدنی	۱			
۳/۴۰	استانداردهای تجهیزات و اماکن	۲			مؤلفه‌های میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی
۳/۳۱	مسئولیت‌های مدیر و اداره کل	۳			
۳/۱۸	تعهدات و تکالیف	۴			
۳/۰۹	آموزش	۵			
۲/۹۸	حقوق و امتیازات	۶			
۲/۹۱	قوانین و مقررات	۷			

در شکل شماره دو، تحلیل عاملی میزان آشنایی معلمان ورزشی با مؤلفه‌های حقوق ورزشی و بارهای عاملی متناظر هر یک که با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام گردید، آورده شده است.



شکل ۲- ضرایب حاصل از مدل معادلات ساختاری پژوهش

سؤال اساسی مطرح‌شده این است که آیا این مدل، مدل مناسبی است؟ برای پاسخ به این پرسش باید آماره کای‌دو و سایر معیارهای برازش مدل بررسی شوند. در این راستا، همه شاخص‌های ارزیابی تناسب برازش مدل همراه با مقادیر آن‌ها در جدول شماره پنج ارائه شده‌اند و نشان‌دهنده برازش مناسب مدل هستند.

یافته‌های جدول شماره پنج نشان می‌دهد که شاخص کای‌اسکوئر نسبی^۱ از مقدار قابل قبول ۲/۶۸ برخوردار است و نشان‌دهنده برازش خوب مدل است. در این مدل، ریشه دوم برآورد واریانس خطای برآورد عدد ۰/۰۹۸ را نشان می‌دهد. از آنجایی که این عدد پایین‌تر از ۰/۱ است، نشان می‌دهد که مدل برازش ضعیفی ندارد. از آنجایی که شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده بیشتر از ۰/۹ است، برازش مدل را تأیید می‌کند. در جدول شماره پنج، سایر شاخص‌هایی که غالباً برای تحلیل برازش مدل در معادلات ساختاری به آن‌ها توجه می‌شود، به همراه دامنه مورد قبول آن‌ها ارائه شده‌اند.

جدول ۵- شاخص‌های مرتبط با برازش مدل

نام شاخص	نماد	مقدار استاندارد شاخص	مقدار شاخص در مدل مورد نظر	نتیجه‌گیری
کای‌اسکوئر نسبی	X ² /df	> ۳	۲/۶۸	برازش مدل مناسب است.
سطح معناداری	sig	بیشتر از ۰/۰۵	۰/۰۰۱	برازش مدل نامناسب است.
شاخص نیکویی برازش	GFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲	برازش مدل مناسب است.
شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده	AGFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۴	برازش مدل مناسب است.
شاخص برازندگی هنجار شده	NFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲	برازش مدل مناسب است.
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	کمتر از ۰/۱	۰/۰۹۸	برازش مدل مناسب است.

1. X²/df

بحث و نتیجه‌گیری

بسیاری از حوادث ناگوار ورزشی در اثر قصور در انجام وظیفه روی می‌دهند. امروزه، ثابت شده است که قصور در انجام برخی وظایف مسئولیت‌آور است و شاید وقت آن رسیده باشد تحولی در نگرش نسبت به آسیب‌های وارد شده در حین ورزش ایجاد شود تا از مرگ و نقص عضو در حین ورزش به‌راحتی نگذریم و زمینه پیش‌آمد چنین رخدادهایی در آینده نیز از بین رود؛ براین‌اساس، پژوهشگر تصمیم گرفت پژوهشی با عنوان «ارزیابی میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی» انجام دهد.

برای سنجش میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی، ۳۹ سؤال در هفت حیطه طراحی شدند. نتایج آمار توصیفی حاکی از این بود که گویۀ «وجود معلم تربیت‌بدنی برای تکمیل فرم سلامت عمومی دانش‌آموزان ضرورت دارد» با میانگین کل ۴/۴۴ دارای بیشترین میانگین و گویۀ «ترک کلاس توسط معلم تربیت‌بدنی برای انجام کار ضروری مانند پاسخ به تلفن امری طبیعی است» با میانگین کل ۲/۰۰ دارای کمترین میانگین در بین گویه‌های پرسش نامه بودند. با توجه به نظر نمونه آماری پژوهش و حساس‌بودن و خطرهای احتمالی که ممکن است هر لحظه برای دانش‌آموزان اتفاق افتد، معلم حق ترک کلاس را حتی برای انجام کاری ضروری ندارد. اصولاً ابتدایی‌ترین وظیفه هر معلم تربیت‌بدنی در کلاس، اعمال نظارت مطلوب و مراقبت از دانش‌آموزان است که در ابتدا باید به‌صورت حضور مرتب و مستمر در کلاس ورزش تجلی کند. حتی در مواردی که مشارکت دانش‌آموزان در یک فعالیت ورزشی با افزایش شدت صدمه باشد، بدیهی است میزان نظارت بیشتر باید به همان نسبت افزایش یابد. بسیاری از موارد رفتارهای سهل‌انگاری به نظارت‌نداشتن کافی معلمان طی فعالیت‌های بدنی نسبت داده شدند. نظارت‌نداشتن صرف لزوماً ممکن نیست ایجاد مسئولیت کند؛ اما اگر نبود یا نظارت ناکافی علل تقریبی آسیب باشد، عاملی تعیین‌کننده است. در صورت نبود نظارت، اگر معلم قادر به مراقبت مناسب برای جلوگیری از یک حادثه نباشد زیان می‌بیند (آلا ژوزف، ۲۰۱۲). مربی ورزش نه‌فقط آموزش ورزشکاران را به‌عهده دارد، بلکه مکلف است از آن‌ها در جریان فعالیت ورزشی نیز مراقبت کند (منتظری نجف‌آبادی، ۱۳۹۰).

نتایج پژوهش نشان داد که میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی بالاتر از میانگین است؛ زیرا، حد بالا مثبت و حد پایین این متغیر مثبت است که این یافته با مطالعات آتش‌بار (۱۳۹۲)، بنیان و کاشف (۱۳۹۲) و مصطفی‌پور انزلی و کاشف (۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد؛ ولی با پژوهش فروغی‌پور (۱۳۸۴) که به بررسی میزان آشنایی مربیان، معلمان و مدیران ورزشی شهر تهران

با حقوق ورزشی پرداخته بود، همسو نیست؛ زیرا، وی دریافته بود که درصد کمی از مربیان ورزش با مبحث حقوق ورزشی آشنایی دارند که این امر می‌تواند به دلیل اختلاف در فرهنگ و ویژگی‌های جغرافیایی این دو جامعه آماری و همچنین، افزایش سطح آگاهی معلمان و مربیان باشد. امروزه در مشاغل مختلف، آگاهی انسان‌ها از حقوق و مسئولیت‌های خود و عواقب ناشی از غفلت و سهل‌انگاری در انجام وظایف، نسبت به گذشته پیشرفت تصاعدی داشته است. همگام با این جریان روبه‌رشد نیز معلمان تربیت‌بدنی خود را همپای این جنبش قرار داده‌اند و خود را بی‌نیاز از دانش حقوق و مسئولیت مدنی ندانسته‌اند؛ تا هم علم و دانش خود را افزایش دهند و هم با شناخت بیشتر از اختیارات، وظایف و مسئولیت‌ها و با آمادگی روانی زیاد از ضایعات جبران‌ناپذیر جلوگیری کنند و تعداد و شدت حوادث را به حداقل برسانند. شادبودن و لذت دانش‌آموزان از تربیت‌بدنی و ورزش، ارتقای سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان، پیشگیری از مسئولیت‌های ناشی از غفلت و سهل‌انگاری، آموزش نامناسب، نظارت و دانش ناکافی، جلوگیری از خدشه‌دار شدن وجهه و اعتبار تربیت‌بدنی و ورزش مدارس و معلمان تربیت‌بدنی، از دلایل عمده معلمان تربیت‌بدنی از آشنایی و شناخت درست و مناسب از حقوق ورزشی، وظایف و اختیارات آنان هستند. افزون‌براین، به‌کارگیری علم حقوق ورزشی و مسئولیت مدنی و توجه به آن در ابتدای مسیر رشد خود است؛ اما نسبت به گذشته رشد بیشتری یافته است.

نتایج آزمون آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حیطة قوانین و مقررات نشان داد که میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی استان اصفهان با قوانین و مقررات کمتر از حد میانگین است. مشاهده‌های تجربی نشان می‌دهند که هنگام بروز حوادث، معلمان در بسیاری موارد به‌جای‌اینکه از راه قانونی فعالیت‌ها را انجام دهند، رفاقتی و دوستانه مسائل را حل می‌کنند؛ مثلاً ساعت تربیت‌بدنی را ریاضی درس می‌دهند یا در نبود معلم تربیت‌بدنی، همکاران دیگر وی کلاس را اداره می‌کنند. توجه به تعداد دانش‌آموزان کلاس و اجازه‌ندادن به دانش‌آموزان کلاس‌های دیگر برای مشارکت در ساعات غیر درسی‌شان، دخالت‌نکردن مدیر و معاون در فرایند نمره‌دهی و ارزشیابی، ترک‌نکردن کلاس حتی به دلایل موجه و با موافقت مدیر، استفاده‌نکردن از همکاران دیگر در زمان بیماری و گرفتاری و نیز حضور به‌موقع در کلاس، جنبه‌هایی از قوانین و مقررات کلاس تربیت‌بدنی هستند که رعایت این دسته قوانین هرگونه مسئولیتی را از معلمان تربیت‌بدنی سلب می‌کند؛ پس، هرگاه حادثه، آسیب و خسارت وارد شده به دانش‌آموزان ناشی از فعل یا ترک فعل در اجرای صحیح و به‌موقع قوانین و انجام وظایف باشد، معلم تربیت‌بدنی متحمل مسئولیت مدنی می‌شود که این مطلب با

پژوهش محمدی‌نژاد، میرصفیان و سلطان حسینی (۱۳۹۰) مبنی بر مسئولیت داوران در زمینه خسارت وارد شده به ورزشکاران در اثر فعل یا ترک فعل در اجرای صحیح و به‌موقع قوانین و انجام وظایف همسو است. افزون‌براین، نبود حکم روشن، نبود یا ضعف قانون در خصوص مسئولیت مدنی معلمان تربیت‌بدنی و مشاغل دیگر که در پژوهش‌های محقق منتظری (۱۳۸۳)، نصیری (۱۳۸۹)، یزدانیان (۱۳۹۱) و صفایی (۱۳۹۱) بیان شده‌اند، نشان می‌دهند که در اکثر مشاغل به مبحث حقوق ورزشی و قوانین و مقررات مربوط به آن‌ها بی‌توجهی شده است و باید قانون‌گذاران و کارشناسان دارای صلاحیت به تدوین مقررات در تمامی مشاغل و زمینه‌ها به‌خصوص در زمینه حقوق ورزشی معلمان تربیت‌بدنی کوشش کنند.

همچنین، نتایج نشان داد که میزان متغیر حقوق و امتیازات برابر با میانگین است. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعه جباری و شعاریان (۱۳۸۸) همسو و با مطالعه دهقانی (۱۳۷۹) ناهمسو است؛ بنابراین، اگر معلم تربیت‌بدنی از احتمال وقوع حادثه اطلاع داشته باشد و به‌موقع وظیفه مراقبت از دانش‌آموزان را انجام ندهد، می‌توان به علت کوتاهی و نقض این وظیفه او را مسئول قلمداد کرد و مصونیت وی را نادیده گرفت. کنترل دانش‌آموزان بیش‌فعال و دانش‌آموزان بی‌نظم (که به‌طور عمد و غیرعمد) زمینه‌ساز حادثه می‌باشند، بررسی تجهیزات و فضای ورزشی و اطمینان از سالم و استاندارد و ایمن بودن هر وسیله‌ای که در حیاط یا فضای ورزشی ایجاد خطر کند (وسایل متحرک مانند دروازه هندبال، میله‌های والیبال)، شناسایی دانش‌آموزان با استعداد و کم‌توان و دارای بیماری خاص و برگزاری تمرینات سازمان‌دهی شده برای آنان و درگیری کمتر آنان در برنامه‌های دانش‌آموزان عادی، آشنایی معلم با کمک‌های اولیه و استفاده به‌موقع از این کمک‌ها در هنگام بروز حادثه، از جمله فعالیت‌هایی هستند که با رعایت آن‌ها معلم می‌تواند هرگونه مسئولیت ناشی از آنان را رد کند.

میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی در حیطه تعهدات و تکالیف بالاتر از حد میانگین است. نداشتن تعهد نسبت به تکالیف معلمان تربیت‌بدنی مسئولیت مدنی برای آن‌ها به بار می‌آورد که این مطلب با نتایج مطالعات بزرگمهر (۱۳۸۵) و حکمت‌نیا و ویشکایی (۱۳۹۰) همسو است؛ از این‌رو، برای کاهش هرگونه مسئولیتی در زمینه تعهد و تکالیف دانش‌آموزان، همه معلمان وظیفه دارند دانش‌آموزان را از حوادث و اتفاق‌های پیرامون خود آگاه کنند. آگاهی‌بخشی کلامی معلمان تربیت‌بدنی به دانش‌آموزان، اجازه‌دادن به دانش‌آموزان برای انجام حرکات خطرناک و تشویق نکردن آن‌ها هنگام انجام این حرکات به دلیل تعهد و مسئولیت در قبال سلامت جسمی و روانی‌شان، نصب اطلاعیه‌های

هشداردهنده درباره استفاده از وسایل آسیب‌زا، آشناکردن دانش‌آموزان با حوادث ناشی از حرکات و مهارت‌های غیرمتعارف و غیراصولی آنان و همچنین، حوادث مربوط به تجهیزات و امکانات، هم به صورت کلامی و هم به صورت نصب در دیوارهای سالن و حیاط مدرسه یا در کنار هر وسیله ورزشی از جمله راه‌های ساده برای انجام تکالیف معلمی هستند.

در حیطه استانداردهای تجهیزات و اماکن ورزشی، نتایج آزمون تی نشان داد که میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی بالاتر از حد میانگین است. در تأیید این نتایج باید اشاره کرد که معلمان تربیت‌بدنی به طور عینی و ملموس با فضا و تجهیزات ورزشی درگیرند و ویژگی‌ها، کیفیت و استانداردهای مناسب تجهیزات و اماکن ورزشی را به مرور زمان و با تجربه دریافته‌اند؛ براین اساس، شناخت زیادی از ویژگی‌ها و استانداردهای تجهیزات و اماکن ورزشی کسب کرده‌اند و عواقب و مسئولیت‌های ناشی از استفاده و کاربرد تجهیزات و اماکن نامناسب را به خوبی درک کرده‌اند. هم‌زمان با افزایش شناخت از استانداردهای اماکن و تجهیزات، معلمان تربیت‌بدنی از حقوق قانونی خود بیشتر آگاه شده‌اند. این آگاهی بیشتر به این دلیل حاصل می‌شود که هم‌زمان با گسترش فناوری اطلاعات در اقصی نقاط کشور و دسترسی بهتر به اینترنت، دانش مربوط به حقوق ورزشی و مسئولیت مدنی آسان‌تر و سریع‌تر در اختیار معلمان تربیت‌بدنی قرار می‌گیرد. افزون‌براین، تشکیل دادرهای ورزشی و افزایش آگاهی عموم مردم از جمله والدین در زمینه مسئولیت مدنی، معلمان تربیت‌بدنی را از پیامدهای قانونی غفلت (سهل‌انگاری) از صدمات و همچنین، ذهنیت پیشگیرانه رایج درباره این صدمات را آگاه‌تر کرده است؛ زیرا، مسئولیت‌های مدنی در پی سهل‌انگاری و نظارت ناکافی معلمان ایجاد می‌شوند. کمبود وسایل و امکانات و نیز نبود فضای باز و سرپوشیده مناسب، در اولویت مشکلاتی هستند که بعضی از پژوهشگران در مطالعات خود به آن‌ها دست یافتند؛ بنابراین، باید به تهیه بروشورهای حقوق ورزشی متناسب با ایمنی و سلامت فضاهای ورزشی برای مربیان ورزش، والدین و ورزشکاران با هدف تکمیل‌ترشدن آگاهی‌های مربیان ورزش اقدام شود. در خصوص آشنایی معلمان تربیت‌بدنی در حیطه آموزش نتایج نشان داد که میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی در حیطه آموزش مناسب در حد متوسط قرار دارد. با توجه به نتایج تحقیق، دانش به‌روز و مطالعات کافی که با مطالعات دهقان‌نیری، نگارنده و یزدی (۱۳۹۰) و صالحی (۱۳۹۲) همسو است، فن بیان مناسب و آمادگی بدنی بالا برای انتقال مفاهیم و اطلاعات، از ویژگی‌های ضروری معلمان تربیت‌بدنی برای آموزش مناسب هستند. داشتن این ویژگی‌ها باعث می‌شود معلمان از وظایف خود در حین آموزش شناخت نسبی داشته باشند و محیطی امن برای آموزش ایجاد کنند یا

در فضایی عاری از وقوع احتمالی هرگونه حادثه به آموزش بپردازند و درنهایت، از بروز حادثه و مسئولیت خود بکاهند.

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با مسئولیت‌های مدیر و کارشناس اداره تربیت‌بدنی بالاتر از حد میانگین قرار دارد. با توجه به نتایج، معلمان تربیت‌بدنی همانند معلمان دیگر می‌دانند که مدیر و کارشناس اداره تربیت‌بدنی سلسله‌مراتبی از اختیارها را دارند که برای برطرف کردن نیازها و تجهیزات و ارائه پیشنهادها و دریافت برنامه‌ها، با آنها در تعامل نزدیک هستند. همکاری و تعاملات زیاد به شناخت بیشتر از وظایف این دو گروه منجر می‌شود. آشنایی با حیطه وظایف و اختیارهای مدیر و کارشناس تربیت‌بدنی، مسئولیت مدنی کمتری برای معلم تربیت‌بدنی ندارد؛ اما اختیارهای مدیران در برنامه‌ریزی ورزشی، تهیه تجهیزات و لوازم مناسب، همکاری مدیر مدرسه و کارشناسی اداره تربیت‌بدنی با سایر سازمان‌ها و اداره‌ها و نیز استفاده از امکانات آنها برای آموزش و اثربخشی بهتر این درس نیز قابل توجه هستند. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی در حیطه اهداف تربیت‌بدنی در مدارس بالاتر از حد میانگین قرار دارد. اهداف تربیت‌بدنی در مدارس ابعاد مختلف رشد دانش‌آموزان را در برمی‌گیرند (توسعه و شکوفایی جسمانی، ذهنی و عاطفی دانش‌آموزان) و موجب اهمیت تربیت‌بدنی در میان دروس دیگر می‌شوند. معلمان با این بینش که اهداف تربیت‌بدنی در مدارس در راستای اهداف آموزش و پرورش هستند و هدف تربیت انسان سالم برای داشتن جامعه‌ای سالم است، فقط به آموزش صرف حرکات و مهارت‌های ورزشی تکیه نمی‌کنند؛ بلکه روان و فکر دانش‌آموزان را پالایش می‌کنند و پرورش می‌دهند و در راستای حدیث عقل سالم در بدن سالم است، گام برمی‌دارند که این تبیین‌ها با نتایج مطالعه عبداللهی و همکاران (۱۳۸۰) همسو است. بند سوم ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفی را در مورد حوادث ناشی از عملیات ورزشی منتفی دانسته است؛ ولی مسئولیت مدنی ناشی از آن چندان روشن نیست؛ درحالی‌که این‌گونه حوادث به‌علت گستردگی و استقبال روزافزون از ورزش در حال افزایش هستند (علوی قزوینی و مقدادی، ۱۳۹۰)؛ از این‌رو، شناخت میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی از حقوق ورزشی به نفع معلمان خواهد بود. تعیین میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی از حقوق ورزشی می‌تواند کمک شایانی به معلمان کند تا بتوانند با شناخت و آگاهی بیشتری وضعیت حقوقی خود را بهبود دهند و همچنین، با مطالعات جامع‌تر مبانی حقوق ورزشی توسط متخصصان و کارشناسان حقوق ورزش، بستر مناسب برای شکل‌گیری قوانین و مقررات مربوط به وظایف و مسئولیت‌های معلمان تربیت‌بدنی فراهم شود.

با رتبه‌بندی متغیرهای میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی می‌توان تشخیص داد که از نظر پاسخ دهندگان، برای پیشگیری و کاهش مسئولیت مدنی درقبال دانش‌آموزان، اولیای دانش‌آموزان و مدیران مدارس به کدام بخش‌ها باید بیشتر توجه کنند.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که به‌محض تدوین قوانین و مقررات جدید، دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای معلمان برگزار شوند و به‌محض دریافت نتایج پژوهش‌ها درخصوص آسیب‌شناسی حوادث ورزشی، به معلمان و مدیران به‌سرعت اطلاع‌رسانی شود. همچنین، استانداردهای اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی به اطلاع مدیران مدارس و معلمان تربیت‌بدنی رسانده شود و در صورت نامناسب بودن اماکن و تجهیزات ورزشی از برگزاری کلاس خودداری شود یا معلمان تربیت‌بدنی به‌صورت کتبی به مدیر مدرسه اعلام کنند که در صورت بروز هرگونه حادثه ای مسئولیتی نمی‌پذیرند. در خرید تجهیزات و وسایل ورزشی به سن دانش‌آموزان توجه شود. همچنین، برای ارتقای دانش معلمان و آشنایی آن‌ها با وظایف و مسئولیت‌های خود، دوره‌های آموزشی حقوق ورزشی در نظر گرفته شوند. از کارشناسان حقوق ورزشی برای برگزاری دوره‌های آموزشی استفاده شود. قانون‌گزاران و کارشناسان حقوق ورزشی قوانین شفاف و روشنی درمورد حقوق معلمان تربیت‌بدنی تدوین کنند. با همکاری صداوسیما و آموزش و پرورش و نهادهای مسئول دیگر، برای کاهش حوادث ورزشی همانند حوادث رانندگی، مسئولیت مدنی به یک گفتمان ملی، به‌خصوص درمیان معلمان تربیت‌بدنی تبدیل شود. همچنین، برای پیشگیری از حوادث مربوط به اماکن ورزشی، آموزش و پرورش در ساخت اماکن ورزشی از تخصص مهندسان ورزشی استفاده کند. در پایان، به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود پژوهشی درمورد عوامل مؤثر در افزایش میزان آشنایی معلمان با حقوق ورزشی انجام دهند. همچنین، پیشنهاد می‌شود پژوهشی درمورد حقوق ورزشی و مسئولیت‌پذیری معلمان تربیت‌بدنی یا ارتباط آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با حقوق ورزشی با عملکرد معلمان تربیت‌بدنی انجام شود.

منابع

1. Abdollahi, M., Farokhi, A., & Bagheri, K. (2001). Objectives, principles and methods of physical education in Islamic Education. *Journal of Motion*, 7, 101-110. (Persian).
2. Aghaeinia, H. (2007). *Sports Law* (7th ed.). Tehran: Nashr Publication. (Persian).
3. Alla Joseph, B. (2012). Sources of legal liability among physical education Teachers. *International Education Studies*, 5(3), 193-198.

4. Atashbar, Sh. (2013). The investigation of physical education teachers' knowledge of civil responsibility in the four cities of Khuzestan province. (Unpublished master's thesis). University of Isfahan, Isfahan. (Persian).
5. Azar, A. (2002). Path analysis and reasoning in management science. *Journal of the Supreme Assembly of Qom*, 4(15), 59-96. (Persian).
6. Bonyan, A., & Kashif, M. (2014). The difference in Law awareness and civic responsibility of men and women's coach in sports events. *Applied Research in Sport Management*, 2(4), 79-90. (Persian).
7. Bozorgmehr, D. (2006). Civil responsibility of goods manufacturers. *Journal of Law Court*, 54, 33-54. (Persian).
8. Dehghan Naieri, N., Negarandeh, R., & Yazdi, Kh. (2011). Look at the moral and civil responsibility's nurse in Law's Iran. *Journal of Ethics and History of Medicine*, 4(4), 1-10. (Persian).
9. Dehghani, M. (2000). Physical education in secondary schools from the perspective of school principals, physical education teachers and students of the Meibod city. (Unpublished master's thesis). University of Isfahan, Isfahan. (Persian).
10. Foroughi Pour, H. (2005). Investigation knowledge of the coaches, administrators and physical education teachers in Tehran from sports law and the provision of educational strategies. (Unpublished master's thesis). University of Tehran, Tehran. (Persian).
11. Goudarzi, A. (2013). Document of fundamental development of education, philosophy and physical education position. *Journal of Physical Education*, 13(47), 32-34. (Persian).
12. Hagrou, L., & Bagel, A. (2008). Increasing mobility and physical activity with exercise. (N. Hashemi, translator). Tehran: Physical Education Growth.
13. Hekmat Nia, M., & Abdullahi Vishka'I, S. (2011). Civil responsibility arising from the lack of information on medicinal products. *Journal of Islamic Law*, 8(29), 61-88. (Persian).
14. Izadi, B., Kozehchyan, H., Ehsani, M., Sadeghi-Boroujerdi, S., & Soleimani, R. (2013). The role of risk management actions to reduce litigation in pools of Tehran. *Sport Management and Development*, 2(2), 61-76. (Persian).
15. Jabari, M., & Shoaryan, E. (2009). The police civil responsibility in duty of care's breach. *Journal of Security Knowledge. Quarterly Danesh- E- Entezami*, 11(3), 238-270. (Persian).
16. James A. R. Nafziger. (2010). Globalizing sports law. *Marquette Sports Law Review*, 13(2), 367-379.
17. Mirsoleimani, M. H. (2013). The globalization of sports law and sports jurisprudence. (Unpublished master's thesis). University of Isfahan, Isfahan. (Persian).
18. Mohamadinejad, A., Mirsfyan, H., & Sultan Hosini, M. (2011). The study of civil responsibility of judges in sports competitions. Paper Presented at the Sixth International Conference of Sports Science, Hungary.
19. Mohaghegh Montazeri, L. (2004). The civil responsibility for damage caused by nuclear accidents in international treaties and domestic regulations of states. *Journal of Dadrasi*, 8(46), 25-35. (Persian).

20. Montazeri Najafabadi, H. (2011). Sports law and athletic civil liability. Tehran: Law Firm of Soroush Justice Publication. (Persian).
21. Mostafapour Anzali, M., & Kashef, S. M. (2016). Practical obligation of sport coaches to the legal responsibility from athlete's viewpoint. Journal of Sport Management, 8(4), 541-554. (Persian).
22. Naderian, M., & Soltan Hosini, M. (2012). Technical skills and abilities of sport executives (indicators and standards, according to sport managers' point of view). Management of Sport and Movement Sciences, 2(2), 11-18. (Persian).
23. Naderian, M., & Rahbari, S. (2015). The feasibility of establishing sports law's field in master's degree of Iran's university. Journal of Interdisciplinary Studies, 6(4), 19-32. (Persian).
24. Nassiri, M. (2010). Civil responsibility of swimming trainers. Quarterly of Legal Views, 49, 127-140. (Persian).
25. Qazvini Alavi, A., & Meqdadi, M. (2011). Jurisprudential and legal foundations of civil responsibility's Lack of athletes in the sport, Mofid Journal, 85, 107-130. (Persian).
26. Ramezani, A., & Nazarian Madvany, A. (2013). How do safe environment for our sport? Journal of Physical Education Learning, 13(4), 10-17. (Persian).
27. Salehi, H. (2013). Schematics of nurse's, civil responsibility. Journal of Ethics Medical, 7(25), 163-186. (Persian).
28. Safaei, H. (2012). Civil responsibility of physicians with the Look at the new bill of Islamic Penal Code. Journal of Judicial Law Views, 17(56), 141-156. (Persian).
29. Timothy, D. (2001). What Is Sports Law? Marquette Sports Law Review, 11(211), 210-244.
30. Yazdani, A. (2012). The plan of civil responsibility's teachers arising from the practice of student in the Iran law with a comparative study in French law. Journal of students' civil responsibility, (1), 37-48. (Persian).

استناد به مقاله

مستحفظیان، مینا، رهبری، سمیه، راعی‌دهقی، مسعود. (۱۳۹۷). ارزیابی میزان آشنایی معلمان تربیت‌بدنی استان اصفهان با حقوق ورزشی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۹۲-۲۷۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4034.1288

Mostahfezian, M., Rahbari, S., Raei, M. (2019). The Investigate of Familiarity Rate of Physical Education Teachers with Sports Law in Isfahan. Research on Educational Sport, 6(15): 271-92. (Persian).
Doi: 10.22089/RES.2017.4034.1288

فهم فرایند شکل‌گیری بازاریابی اجتماعی برای توسعه ورزش همگانی

علی صابری^۱، قدرت‌الله باقری^۲، محمد خیبری^۳، حمیدرضا یزدانی^۴، ابراهیم

علی دوست قهفرخی^۵

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران*
۲. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۳. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۴. استادیار مدیریت منابع انسانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۵. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۴

چکیده

هدف این پژوهش، فهم فرایند شکل‌گیری بازاریابی اجتماعی برای توسعه ورزش همگانی و ارائه مدل مفهومی آن بود. این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از نظریه بر خاسته از داده‌ها انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان اجرایی و دانشگاهی در زمینه ورزش همگانی و بازاریابی بودند که پس از مصاحبه با ۱۳ نفر از جامعه، این پژوهش به اشباع نظری رسید. حاصل این مصاحبه‌ها، طی مراحل کدگذاری باز (کد نهایی)، محوری (شرایط علی، راهبردها، عوامل زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر و پیامدها) و انتخابی (سیر داستان) انجام شد. در این پژوهش، شرایط علی اثرگذار بر پدیده بازاریابی اجتماعی، دیدگاه و رویکرد افراد به ورزش، مسائل اجتماعی حاد ناشی از بی‌توجهی به توسعه ورزش، اهمیت ورزش در توسعه پایدار، بی‌حرکی ناشی از فناوری‌های مدرن، کارایی‌نداشتن مدل‌های استفاده‌شده از ورزش همگانی شناسایی شدند. شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر راهبردها شامل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، دیدگاه و رویکرد خانواده به ورزش، تأثیرات زیست‌محیطی، خودکارایی و توانمندسازی روانی و نیز وضعیت عمومی جامعه بودند. راهبرد پژوهش به صورت شش‌پی‌عنصر آمیخته بازاریابی (قیمت، محصول، مکان، ترفیع، شواهد فیزیکی و افراد)، صحنه‌گذاری، بخش‌بندی، هدف‌گذاری، تثبیت موقعیت و روان‌سازی تعاملات و شبکه‌سازی شناسایی شد. عوامل مداخله‌گر شامل منابع انسانی توانمند، مسائل زیرساختی ورزش، ناهم‌راستایی بیرونی و مشکلات برنامه‌ریزی در ورزش بودند. در نهایت، پیامدهای شناسایی‌شده، پیامدهای اجتماعی، تغییر نگرش و رفتار فردی بودند؛ بنابراین، سازمان‌های مرتبط با ورزش همگانی با توجه به مفاهیم شناسایی‌شده می‌توانند برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری را برای توسعه ورزش همگانی انجام دهند.

واژگان کلیدی: بازاریابی اجتماعی، ورزش همگانی، نظریه بر خاسته از داده‌ها.

مقدمه

زندگی در دنیای امروز ابتکار عمل سریع را از انسان گرفته است و او را دچار فقر حرکتی کرده است که این فقر حرکتی مشکلات متعدد جسمی، روانی و اجتماعی را برای وی پدید آورده است. ورزش به عنوان راه حل راهبردی و ورزش همگانی به عنوان وسیله‌ای ارزان قیمت و فرحبخش می‌تواند این مشکل را به نحو مطلوب حل کند (ممتازبخش و فکور، ۱۳۸۶). بسیاری از مؤسسه‌های بین‌المللی به ورزش به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف غیرورزشی می‌نگرند. آن‌ها تأکید می‌کنند که ورزش یک پدیده اجتماعی وسیع جهانی است که در زندگی جوانان و بزرگسالان زن و مرد ریشه دارد؛ بنابراین، ورزش نباید به عنوان تنها یک محصول جامعه ما، بلکه باید به عنوان یک موتور محرکه شناخته شود (فرایس، ۲۰۱۴).

سازمان جهانی بهداشت آسه شاخص را برای سنجش سلامت و تندرستی بین ملل گوناگون ارائه کرده است: بیماری، مرگومیر و کامیابی. از طرفی، امروزه دیگر رشد اقتصادی تنها معیار توسعه یافتگی کشورها به شمار نمی‌رود. میزان سلامت جامعه، کیفیت زندگی مردم و استانداردهای زندگی از شاخص‌های دیگر نمایانگر سطح توسعه یافتگی یک جامعه به شمار می‌روند. یکی از مهم‌ترین این شاخص‌ها، سطح سلامت و تندرستی جامعه است که می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم سایر عوامل را تحت تأثیر قرار دهد که به برنامه‌ریزی دولت‌ها نیاز است (شعبانی‌مقدم، ۱۳۹۰). درحقیقت، امروزه انگیزه مردم دنیا از شرکت در فعالیت‌های ورزشی رسیدن به درجه‌های بالا و دستیابی به شعار المپیک (سریع‌تر، بالاتر و قوی‌تر) نیست؛ بلکه به دست آوردن سلامتی، تندرستی، نشاط، روابط اجتماعی و دوری‌جستن از بیماری‌ها، علل مهم شرکت در ورزش هستند. همچنین، ورزش‌های تفریحی که مترادف ورزش همگانی هستند، پرداختن به مجموعه‌ای از فعالیت‌های ورزشی ساده، کم‌هزینه، غیررسمی، فرحبخش و بانشاط هستند که امکان شرکت در آن‌ها برای همه افراد وجود دارد (خاکی‌آفرینش، تندنویس و مظفری، ۱۳۸۴). افزون‌براین، تقویت بنیه جسمانی و پرورش ابعاد روانی و اجتماعی در این ورزش، با ورزشی که رقابت در آن مطرح است (ورزش قهرمانی) پیوند می‌خورد و در عرصه‌های مختلف می‌تواند موجب پدید آمدن ارزش‌ها و افتخارات ملی و بین‌المللی شود. شورای اروپا ورزش همگانی را چیزی کاملاً متفاوت از مفهوم اصلی ورزش تعریف کرده است که نه تنها دربرگیرنده خود ورزش است، بلکه شامل تمام شکل‌های مختلف فعالیت بدنی از جمله بازی‌های

-
1. Frías
 2. WHO

خودجوش سازمان‌دهی نشده و کمترین تمرین بدنی است که به صورت منظم اجرا می‌شود (آمان^۱، ۲۰۰۹).

فعالیت بدنی نگرانی مهمی در میان افراد است که باعث شده است پژوهش‌های زیادی روی سلامتی متمرکز شوند. کمبود فعالیت‌های بدنی دلیل اصلی بیماری‌هایی همانند بیماری‌های قلبی-عروقی، سرطان، دیابت و مشکلات مرتبط با فعالیت بدنی است که هر ساله به مرگ ۳/۲ میلیون نفر در جهان منجر می‌شود. به‌طور میانگین، از هر چهار نفر بزرگسال در دنیا، یک نفر فعالیت کافی ندارد (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۵) و نقطه‌نظرهای مشترکی نیز در خصوص کاهش فعالیت بدنی در تمام سنین به‌ویژه در سنین سالمندی مشاهده شده‌اند (سان، نورمن و ویل، ۲۰۱۳؛ میلنویک^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). با توجه به بهبود قابل توجه امید به زندگی، سطوح شرایط سلامتی افزایش یافته‌اند؛ اما سطح فعالیت بدنی در میان افراد مسن به‌ویژه در کشورهای صنعتی در حال کاهش است (تیلور^۳، ۲۰۱۳). با توجه به سناریوهای ارائه‌شده در ترکیبات سنی، سالمندان جمعیت بیشتری دارند؛ به‌ویژه اینکه پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ تعداد افراد بالای ۶۰ سال به دو میلیارد نفر خواهد رسید (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۵).

زندگی بدون تحرک و بدون فعالیت بدنی عامل خطر بیماری‌های مختلفی شناخته شده است و به‌عنوان یکی از عوامل اصلی قابل‌اصلاح بیماری‌های قلبی-عروقی مطرح شده است که نقش مهمی در ایجاد سایر بیماری‌ها دارد. فقر حرکتی عامل بسیاری از بیماری‌ها چون چاقی، ضعف دستگاه قلبی-عروقی و تنفسی است و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سلامتی انسان را به‌خطر می‌اندازد (افتخاری، رجبی و شفیع زاده، ۲۰۰۷). در سال ۱۳۸۶، غفوری، همکاران میزان مشارکت در ورزش همگانی در ایران را ۱۹ درصد اعلام کرده‌اند (غفوری، ۱۳۸۶). نتایج پژوهش‌های مختلف در مورد میزان مشارکت در ورزش همگانی نیز گویای این موضوع است (آذرنیا، ۱۳۸۴؛ عطار زاده، ۱۳۸۶، به نقل از آصفی، خبیری، گودرزی و اسدی، ۱۳۹۳). پژوهش‌ها و مداخله‌های مختلفی مانند تغییر نگرش افراد به فعالیت بدنی و تغییر سبک زندگی برای افزایش مشارکت افراد در ورزش‌های همگانی به‌عنوان فعالیت بدنی ارتقادهنده سلامتی، انجام شده‌اند؛ با این وجود، رویکردهای استفاده‌شده در ورزش همگانی برای ترغیب مشارکت در ورزش و فعالیت‌های بدنی اغلب ناکارآمد هستند (برام و سموتیک^۴، ۱۹۹۱). با وجود فواید تمرین منظم و تغذیه سالم، اغلب افراد در شروع و حفظ تغییرات رفتاری مثبت مشکل

-
1. Aman
 2. Sun and Norman
 3. Milanovic
 4. Taylor
 5. Beram& Semotiuk

دارند (برینسام؛ ۲۰۱۳)؛ به طوری که مؤثرترین مداخله‌ها برای افزایش فعالیت بدنی موفقیت‌هایی را در کمک به افراد برای شروع فعالیت بدنی نشان داده‌اند؛ با این حال، اثربخشی کمی در کمک به افراد برای حفظ و استمرار فعالیت‌های بدنی در طول زمان داشته‌اند (کان و همکاران، ۲۰۰۲).

با توجه به این مطلب و فواید بی‌شمار مشارکت در فعالیت بدنی که به خوبی اثبات شده‌اند، هنوز درصد زیادی از افراد کشورمان بی‌تحرك هستند یا فعالیت بدنی کافی ندارند. به عبارت دیگر، درصد مشارکت آن‌ها در ورزش‌های همگانی به عنوان یک فعالیت بدنی بسیار کم است؛ در صورتی که این رقم در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین است؛ به عنوان مثال، درصد مشارکت در ورزش همگانی در کشورهای فنلاند ۸۱ درصد، هلند ۷۷ درصد، آمریکا در زنان ۵۷ درصد و در مردان ۷۲ درصد، کانادا ۳۴ درصد، استرالیا ۵۲ درصد، هنگ کنگ ۴۵ درصد و سنگاپور ۳۸ درصد است (نول، ۲۰۰۲؛ پالم، ۲۰۰۲؛ پیرا، ۲۰۰۲؛ وان، تاپکوم و اسچردر، ۲۰۰۸، به نقل از شهبازی، شعبانی و صفاری، ۱۳۹۲). حرکت، زندگی و پویایی بشر است و نداشتن حرکت یا همان فقر حرکتی در هر سنی با عوارض جانبی چون چاقی، ضعف عضلات، بیماری‌های دستگاه گردش خون، تنفس و اختلالات روانی همراه است که شهرنشینی و زندگی جدید از طریق کاهش فعالیت بدنی، نقش اصلی را در شیوع چاقی در جهان دارند (جهان‌بینی، ۱۳۸۸)؛ از این رو، ضرورت پرداختن به ورزش و تربیت بدنی و انجام مستمر و منظم حرکات بدنی در این راستا، امری لازم و حیاتی به نظر می‌رسد.

با توجه به اهمیت موضوع، کاربرد روش‌های خاص برای توسعه ورزش همگانی نیاز است. در مباحث رفتاری، این مطلب وجود دارد که اگر بتوان عملی را در رفتار فرد نهادینه کرد، می‌توان الگوی پایداری از آن رفتار را در فرد مشاهده کرد. به همین دلیل، برای ایجاد تغییر در رفتار افراد باید به دنبال نظریه‌های تغییر رفتار همانند تغییر رفتار برنامه‌ریزی شده و بازاریابی اجتماعی بود تا اینکه بتوان مدلی تدوین کرد تا به هدف مورد نظر رسید که ایجاد رفتارهای مطلوب اجتماعی است. حال، یکی از پرسش‌های مهمی که در حیطه بازاریابی اجتماعی مطرح می‌شود این است که در عصر مشکلات محیط‌زیستی، تخریب جنگل‌ها و مراتع، رشد فزاینده جمعیت، تورم جهانی، نارضایتی مشتریان و رعایت‌نشدن منافع بلندمدت خریدار، آیا تکیه و اعتماد بی‌چون و چرا به بازاریابی محض خواهد توانست مشکلات یادشده را از میان بردارد؟ پرسش دیگری که در مفهوم بازاریابی اجتماعی مطرح می‌شود، این است که اگر شرکتی نیازها و خواسته‌های فردی مشتریان را در کوتاه‌مدت تأمین کند، آیا در بلندمدت نیز قادر به تحقق این مهم خواهد بود؟

-
1. Brinthaupt
 2. Kahn

نخستین بار، کاتلر و زالتمن^۱ مفهوم «بازاریابی اجتماعی» را مطرح کردند. آن‌ها دریافتند همان روش‌هایی که در دانش بازاریابی به کار می‌روند تا محصولات را به مشتریان بفروشند، می‌توانند مورد استفاده فعالان اجتماعی و بهداشتی قرار گیرند تا یک ایده را به مخاطب بفروشند (کاتلر و زالتمن، ۱۹۷۱، ۵). این تعریف منعکس‌کننده مفهوم چهار پی‌آمخته بازاریابی است که به تلاش‌های مدیریت برای توسعه محصولات، قیمت‌گذاری، ترویج و مکان اشاره دارد (پیتیگرو، ۲۰۱۵، ۲). بازاریابی اجتماعی کاربرد فن‌های بازاریابی تجاری برای تجزیه و تحلیل، طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های تعیین‌شده است که داوطلبانه بر رفتار مخاطبان هدف تأثیر می‌گذارد و به بهبود رفاه شخصی و رفاه جامعه منجر می‌شود (آندرسون، ۲۰۰۶، ۳).

همچنین، بازاریابی اجتماعی برای گروه‌های مختلف جامعه به کار می‌رود؛ به‌عنوان مثال، برای کودکان بین سه تا پنج سال (بلوز، داویز، لندرسون و کندی، ۲۰۱۳، ۲). به نقل از فوجیرا، کوبیاک، رانتو، پانگ و رادلی^۲ (۲۰۱۵)؛ دانشجویان کارشناسی (تامسون، اوستر آلان، استاستی و کرافورد، ۲۰۱۳) و بزرگسالان بین ۲۰ تا ۵۴ سال (میتلر و روبینگ، ۲۰۱۰، ۲). به نقل از فوجیرا و همکاران، ۲۰۱۵). در زمینه فعالیت‌های بدنی در گروه‌های سنی مختلف چالش‌های خاصی برای استفاده از بازاریابی اجتماعی وجود دارند؛ ولی با توجه به پیشنهادها سازمان جهانی بهداشت در مورد میزان فعالیت بدنی برای کودکان، نوجوانان و افراد بالای ۶۰ سال، پژوهش‌ها رشد قابل توجهی را در استفاده از مداخله‌های بازاریابی اجتماعی در گروه‌های سنی کودکان و سالمندان نشان می‌دهند (راسل و اکلند، ۲۰۰۷، ۲). به نقل از فوجیرا و همکاران، ۲۰۱۵؛ هامن، بومن و بولز، ۲۰۰۸؛ شولدز و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به مباحث ذکرشده، بازاریابی اجتماعی به دنبال دستیابی به یکی از چهار هدف پذیرش رفتار جدید، رد رفتار بالقوه، تعدیل رفتار فعلی یا ترک رفتار قدیمی در مخاطبان است. تغییر رفتار، داوطلبانه است و با استفاده از رویکرد مشتری‌مداری به درک چیزی که مخاطبان هدف از آن آگاهی دارند، آن را باور دارند یا انجام می‌دهند، کمک می‌کند (کاتلر و روبرت، ۲۰۰۳). در بازاریابی اجتماعی در حوزه ورزش، باید به دنبال پذیرش یک رفتار جدید بود؛ بدین معنای که برای افراد و مردم، ورزش کردن و انجام

-
1. Kotler & Zaltman
 2. Pettigrew
 3. Andreasen
 4. Bellows, Davies, Anderson & Kennedy
 5. Fujihira, Kubacki, Ronto, Pang, Rundle-Thiele
 6. Tompson, Heley, Oster-Aaland, Stastny & Crawford
 7. Mitler and Robing
 8. Haman, Bomanand and bowlls
 9. Schultz and et al
 10. Kotler & Roberto

فعالیت‌های بدنی ارزش باشد و این موضوع در سبب هزینه خانوار، هزینه در نظر گرفته شود، یا اینکه ورزش کردن منظم یک رفتار مطلوب پذیرفته شود، یا اینکه رفتارهای بالقوه مانند استفاده بیش از حد از فست‌فودها یا ماشین شخصی از بین بروند، یا اینکه رفتار فعلی را تعدیل کنیم؛ مانند غیرفعال بودن بیش از حد اساتید یا افراد مختلف و مشارکت در فعالیت‌های بدنی و یا اینکه رفتارهای نامناسب مانند استفاده بیش از حد کودکان از بازی‌های کامپیوتری ترک شوند.

با توجه به مبانی نظری ارائه شده، به‌کارگیری بازاریابی اجتماعی توسط سازمان‌های ورزشی بسیار مهم است؛ زیرا، این سازمان‌ها ظرفیت خدمت‌رسانی به‌عنوان یک چرخه مهم و قوی برای توسعه ایده‌ها و رفتارهای اجتماعی دارند (اینون و کنت؛ ۲۰۱۲)؛ با این وجود، پژوهش‌های کمی در حوزه بازاریابی اجتماعی و فعالیت بدنی و ورزش همگانی انجام شده‌اند.

شمس و شمسی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «افزایش استفاده از وسایل ایمنی و حفاظت فردی در ایستگاه‌های در حال ساخت مترو با استفاده از رویکرد بازاریابی اجتماعی» انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در محیط کار انجام مداخله‌هایی که مبنای آن‌ها تهیه وسایل ایمنی و حفاظت فردی متناسب با نیازها و خواسته مخاطبان، کاهش هزینه‌های مادی و غیرمادی استفاده از این وسایل، عرضه آن‌ها در محل مناسب و ترویج استفاده از آن‌ها باشد، می‌تواند کارکنان را برای استفاده مستمر از وسایل ایمنی ترغیب کند. در حوزه ورزش، خداداد حسینی و مسیبی (۱۳۹۳) به بررسی اعتبار باشگاه‌ها در تغییر رفتار هواداران با رویکرد بازاریابی اجتماعی پرداختند. نتایج نشان داد که اعتبار محیطی تأثیر زیادی بر رفتار محیطی هواداران شامل بهبود رفتار دائمی و بهبود رفتار آنان در هر بازی دارد. معزی، شافعی و صلاحیان (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان بررسی «نقش راهکارهای اثربخشی عوامل مؤثر بر بازاریابی اجتماعی» انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که چهار عامل تحلیل مخاطب، تحلیل بازار، تحلیل کانال و اجرای برنامه بر بازاریابی اجتماعی تأثیرگذارند. رضایی پنداری و کشاورز محمدی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود با عنوان «کاربرد رویکرد بازاریابی اجتماعی در حوزه سلامت» به این نتیجه رسیدند که نتیجه بازاریابی اجتماعی نه تنها بر رفتار مصرف یک محصول خاص، بلکه بر تغییرهای دیگر چون آگاهی، باورها و وضعیت سلامت نیز گزارش شده است. جیمز، ادوارد و داوید^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش خود که از دو نظریه بازاریابی اجتماعی و بازاریابی نشر و نوآوری استفاده کرده‌اند، ۱۰ اصل را برای هم‌پوشانی بازاریابی اجتماعی و انتشار مطرح کردند که این اصول شامل این موارد بودند: ۱- مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن بخش‌های اجتماعی به‌عنوان تغییر مکان؛ ۲- شناسایی کردن و درمیان گذاشتن با سازمان‌های عقیده‌محور به‌همراه بخش‌های منتخب؛ ۳- استفاده از ساختارهای

-
1. Inoun & Kent
 2. Jamse, Edward and David
 3. Diffusion Marketing

ارتباطی موجود به‌عنوان کانال‌های توزیع برای برنامه‌ها؛ ۴- شناسایی و تصاویر اختیارات هدف، رهبران اعتقادی و برنامه‌های قهرمانی به‌همراه سازمان‌های اجتماعی با اطلاعات؛ ۵- فراهم کردن حمایت‌های اجرایی با برنامه‌های مربوط به آن‌ها؛ ۶- پیش‌بینی فعالیت در قسمت وکلا و پزشکان؛ ۷- طراحی برنامه‌ها و تصاویر آن‌ها برای دعوت به سازش‌های بهره‌ور و پربار؛ ۸- تشریح هریک از برنامه‌های نظریه تغییر رفتار برای افزایش احتمال اینکه عناصر اصلی به شیوه‌هایی که برون‌ده‌های اثربخشی را تولید می‌کنند، به‌کار می‌روند؛ ۹- استفاده از پژوهش‌های بازاریابی برای افزایش احتمال اینکه برنامه‌ها قبول واقع می‌شوند و اجرا می‌شوند؛ ۱۰- مجموعه‌ای از گزینه‌های جایگزین برای افزایش انتخاب و درک از اهداف درمیان پذیرندگان بالقوه. در پژوهشی، کولینز (۲۰۱۱) با ترکیب بازاریابی اجتماعی و تجاری که با استفاده از کارت‌های تفریحی انجام داد، به این نتیجه رسید که استفاده از این روش بازاریابی می‌تواند توسعه ورزش را در جوامع چاق و بی‌تحرک تقویت کند. همچنین، چگونگی استفاده از این کارت تفریحی با توجه به منابع محدود و اینکه چطور کارآمدترین کارت‌ها به‌دقت در جامعه هدف خود قرار داده شوند و جامعه را بخش‌بندی کنند، نشان داد منتخبی از ورزش، هنر و فعالیت‌های تجاری که زنان و مردان سالمند را به ورزش جذب کنند، به‌عنوان روشی از بازاریابی استفاده شوند. اینون و کنت (۲۰۱۲) پژوهشی با هدف اینکه چگونه سازمان‌های ورزشی می‌توانند بر رفتار داوطلبانه مصرف‌کنندگان و مشتریان درمورد بحث‌های زیست‌محیطی از طریق بازاریابی اجتماعی مشارکتی با توجه به نقش اعتبار باشگاهی تأثیر بگذارند، انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که اعتبار باشگاه‌ها و برنامه‌های آن‌ها با برنامه‌های داوطلبانه حمایت از محیط‌زیست در ارتباط است. براساس پیشنهاد نتایج، سازمان‌های ورزش حرفه‌ای می‌توانند چرخه اثربخشی بر رفتارهای مفید اجتماعی را با افزایش اعتبار شرکتی و باشگاهی خود در به‌کارگیری بازاریابی اجتماعی مشارکتی افزایش دهند. فوجیرا و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «بازاریابی اجتماعی برای فعالیت‌های بدنی» نشان دادند که بازاریابی اجتماعی می‌تواند ابزاری برای افزایش مشارکت در فعالیت‌های بدنی باشد. دشپاندو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «بررسی مقایسه تأثیر نسخه ثابت و پویای رسانه در ارزیابی تبلیغاتی ترویج فعالیت بدنی» بیان کردند که اگرچه تلاش‌های توسعه بازاریابی اجتماعی به‌وسیله استفاده آنلاین ویدئو و تصاویر بی‌حرکت ارزیابی می‌شوند، شواهد محدودی بر اینکه آیا نوع رسانه بر واکنش پاسخ‌شوندگان تأثیر دارد یا خیر، وجود دارند. کسانی که نسخه ویدئویی را به‌کار بردند، در مقایسه با تصاویر ثابت، یادآوری پیام و تمایل و انگیزه بیشتر در پاسخ‌هایشان مشاهده شد؛ ولی تفاوتی در رفتار حمایتی والدین وجود نداشت. تلاش‌های ترویج بازاریابی اجتماعی باید با استفاده مشابه از

-
1. Collins
 2. Deshpande

قالب‌ها، به‌عنوان استفاده پایه‌ای از پیام رسانه‌ای ارزیابی شوند. دشیپاند و همکاران چنین نتیجه‌گیری کردند که نوع رسانه زمانی که کمپین‌های ترویج بازاریابی اجتماعی آزمون می‌شوند، بر نتایج تأثیر می‌گذارد. نیومن، هالت و بورتون (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «پیامدهای رستوران‌های غذای فوری برای چاقی کودکان پیش‌دبستانی» انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که سطوح بالاتر رستوران‌های فست‌فود با افزایش سطح چاقی کودکان هم مناطق شهری و هم مناطق فقیرنشین رابطه دارند. همچنین، منفی‌ترین اثر غذاهای فست‌فود در دسترس بر چاقی، با ضررهای اقتصادی بیشتر در مناطق شهری همراه است. یافته‌ها تأکید می‌کنند که چرا اثرهای اجتماعی جامعه حساس هدف (کودکان پیش‌دبستانی) از طریق راهبردهای آمیخته انتخاب منطقه‌ای باید کاملاً در طرح‌های بازاریابی اجتماعی بررسی شوند؛ به‌ویژه اینکه محصولات ناسالم با خطرهای زیادی در حال افزایش هستند.

همه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه ورزش همگانی، بیشتر پژوهش‌هایی بوده‌اند که عوامل مؤثر، نقش رسانه‌ها، موانع و راهکارها را بررسی کرده‌اند (رمضانی‌نژاد، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸؛ معتمدین، ۱۳۸۸؛ معین‌الدینی، ۱۳۹۱؛ سیدعامری، ۱۳۹۱؛ ظریفی، ۱۳۹۱؛ جعفری نیکو، ۱۳۹۲؛ صادقیان، ۱۳۹۲؛ آصفی، ۱۳۹۳؛ مهدی‌زاده، ۱۳۹۳؛ مولایی، ۱۳۹۳ به نقل از شهبازی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ اما با توجه به آمارهای موجود، در سال‌های اخیر، هنوز میزان فعالیت بدنی در ایران بسیار پایین است و بیماری‌ها و مرگ‌ومیرهای ناشی از ورزش نکردن در حال افزایش هستند؛ در حالی که فواید شرکت در فعالیت‌های بدنی بر اکثر افراد مشهود و مشخص است. معاونت توسعه ورزش همگانی و فدراسیون ورزش همگانی و شهرداری‌ها به‌عنوان متولی ورزش همگانی در کشور، نیاز دارد برای اینکه تعداد افراد مشارکت‌کننده در فعالیت بدنی را افزایش دهد، نگرش و رفتار آن‌ها را نسبت به فعالیت‌های بدنی تغییر دهد. با توجه به پژوهش غفوری (۱۳۸۶)، تنها ۱۹ درصد از افراد ایرانی در فعالیت‌های بدنی مشارکت دارند. همچنین، با توجه به اینکه از ۷۰ درصد از بیماری‌ها از طریق فعالیت‌های منظم جلوگیری می‌شود، برای فعالیت بدنی منظم و ورزش به‌صورت سازمان‌دهی شده، به بازاریابی نیاز است. درحقیقت، بازاریابی به‌عنوان یک روش مؤثر در توسعه ورزش همگانی می‌تواند استفاده شود که یکی از مرتبط‌ترین مفاهیم در بازاریابی، بازاریابی اجتماعی است. این پژوهش به دنبال ارائه مدلی جامع با رویکرد بازاریابی اجتماعی برای توسعه ورزش همگانی است که از طریق تأثیرگذاری بر رفتار افراد می‌تواند باعث توسعه ورزش همگانی شود؛ بنابراین، می‌توان گفت که تاکنون پژوهشی به‌طور جامع به کل پدیده بازاریابی اجتماعی از شرایط علی و مداخله‌ای مؤثر بر پدیده گرفته تا خود پدیده، تعریف آن و ابعاد آن، راهبردهای پدیده و درنهایت، پیامدهای متأثر از پدیده، در قالب یک مدل مفهومی توجه نکرده است؛

-
1. NewmanNewman, Howlett, Burton
 2. Strategy

براین‌اساس، پژوهش حاضر درصدد فهم فرایند شکل‌گیری بازاریابی اجتماعی به‌عنوان روشی برای توسعه ورزش همگانی است.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی براساس نظریهٔ برخاسته از داده‌ها بود. این پژوهش برای رفع نواقص پژوهش‌های گذشته، با رویکردی کیفی و با استفاده از روش نظریهٔ برخاسته از داده‌ها، به‌دنبال فهم فرایند شکل‌گیری بازاریابی اجتماعی برای توسعهٔ ورزش همگانی در جامعه (که شامل شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای آن است) است؛ بنابراین، رویکرد چندوجهی و جامع آن با توجه به ملاحظات مختلف، از نظر خبرگان ورزش همگانی چه در حوزهٔ اجرایی و چه دانشگاهی پوشش داده شد. با توجه به شرایط علی، زمینه و مداخله‌گر، علاوه‌بر متغیرهای درون‌سازمانی به متغیرهای برون‌سازمانی و محیطی نیز توجه شده است. برای توسعهٔ این مدل، از روش پژوهش نظریهٔ برخاسته از داده‌ها استفاده شد. درواقع، این پژوهش می‌کوشد به بررسی پدیدهٔ بازاریابی اجتماعی برای توسعهٔ ورزش همگانی در بستر واقعی آن بپردازد و با ساخت مدلی براساس تجربیات و نگرش افراد صاحب‌نظر، به تبیین عمیق و جامعی از این پدیده دست یابد.

پژوهشگر نظریهٔ برخاسته از داده‌ها، به‌طور نظری به نمونه‌گیری می‌پردازد. خبرگان توسعهٔ ورزش همگانی در کشور چه در محیط‌های دانشگاهی و چه اجرایی و دستگاه‌های اجرایی، جامعهٔ آماری این پژوهش را تشکیل دادند؛ اما گام اول نمونه‌برداری، شناسایی افرادی بود که در زمینهٔ توسعهٔ ورزش همگانی اطلاعات کامل و جامعی در اختیار داشتند. به‌همین دلیل، براساس اطلاعات به‌دست‌آمده در این زمینه، تعداد افرادی که هم در محیط اجرایی و هم در دانشگاه‌ها کار مناسب انجام دادند، شناسایی شدند؛ اما از آنجایی که ابزار اصلی انجام این پژوهش مصاحبه بود، امکان اینکه از قبل مشخص می‌شد چه تعداد افراد باید در مطالعهٔ حاضر انتخاب می‌شدند تا پدیدهٔ موردعلاقه در مطالعهٔ کیفی به‌طور کامل شناسایی شود، نبود؛ بر همین اساس، در این پژوهش به جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه دادیم که به نقطهٔ اشباع برسیم؛ جایی که داده‌های جدید جمع‌آوری‌شده با داده‌هایی که قبلاً جمع‌آوری شده‌اند، هیچ تفاوتی نداشتند و مثل هم بودند. در این پژوهش، با انجام مصاحبهٔ متوالی با ۱۳ نفر از افراد اشباع نظری به‌دست آمد. پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و اشراف پژوهشگر بر ادبیات موجود، از مصاحبهٔ عمیق به‌عنوان نخستین ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در این خصوص، پژوهشگر به هدایت تمامی مصاحبه‌ها اقدام کرد. افزون‌براین، مرور پیشینه و نظرخواهی از خبرگان انجام شد. با توجه به روش کیفی نظریهٔ برخاسته از داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه قسمت کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. فرایند تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز آغاز می‌شود. کدگذاری باز فرایندی تحلیلی است که طی آن مفاهیم شناسایی‌شده و ویژگی‌ها و ابعاد مربوط به هر مفهوم

کشف می‌شوند. در کدگذاری باز، دو فعالیت کلیدی شامل مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی وجود دارند (استروس و کوربین، ۱۹۹۸). هدف از کدگذاری محوری، تلفیق داده‌هایی است که در مرحله کدگذاری باز خرد شده‌اند. در کدگذاری محوری، یکی از مقوله‌های کدگذاری باز به‌عنوان مقوله یا پدیده اصلی انتخاب می‌شود و در مرکز فرایند قرار می‌گیرد و سپس، سایر مقوله‌ها (زیرمقوله‌ها) به آن ربط داده می‌شوند. به عقیده استروس و کوربین (۱۹۹۸)، کدگذاری محوری ربط‌دادن مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها در امتداد ویژگی‌ها و ابعاد مترتب بر آن‌ها است. کدگذاری محوری به شکل‌گیری روابط بین پدیده/مقوله اصلی و پاسخ به سؤال‌های مترتب بر پدیده اصلی (زیرمقوله‌ها) نظیر چه موقع، کجا، چرا، چه کسی، چگونه و با چه پیامدهایی کمک می‌کند.

اگرچه کدگذاری باز و محوری زیربنای نظریه را شکل می‌دهند، این دو نوع کدگذاری قادر به ارائه چهارچوبی بزرگ‌تر برای روابط موجود در یک نظریه کلی نیستند. کدگذاری انتخابی دو مرحله کدگذاری پیشین را با یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در چهارچوبی نظری تکمیل می‌کند. در یکپارچه‌سازی، مقوله‌ها حول پدیده اصلی یا محوری سازمان‌دهی می‌شوند. پدیده اصلی مقوله‌ای است که به‌عنوان تنه اصلی چهارچوب نظری مطرح است. دیگر مقوله‌های عمده که از آن‌ها می‌توان به‌عنوان زیرمقوله‌های پدیده اصلی یاد کرد، با استفاده از جملات و عبارات تبیینی به پدیده اصلی ربط داده می‌شوند. هنگامی که نظریه کلی آماده شد، پژوهشگر با حذف زوائد از مقوله‌ها و بسط مقوله‌هایی که تا پیش از این به‌خوبی به آن‌ها پرداخته نشده بود، به پالایش نظریه می‌پردازد.

در پژوهش حاضر از روش پایایی بازآزمون استفاده شده است. در پایایی باز آزمون، تعدادی از مصاحبه‌ها به‌عنوان نمونه انتخاب می‌شوند و هرکدام از آن‌ها در فاصله معین دوباره کدگذاری می‌شوند. در هرکدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که به هم شبیه هستند به‌عنوان توافق و کدهای غیرمشابه به‌عنوان نبود توافق مشخص شده‌اند و سپس، از فرمول زیر برای تعیین پایایی کدگذاری‌ها استفاده شده است:

$$\text{درصد پایایی آزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100$$

در پژوهش حاضر، از سه مصاحبه برای ارزیابی پایایی با استفاده از تکنیک بازآزمون استفاده شده است که در فاصله یک هفته دوباره به‌وسیله پژوهشگر کدگذاری شده‌اند. در جدول شماره یک، نتایج کدگذاری مجدد آمده است.

جدول ۱- نتایج مربوط به بررسی پایایی مصاحبه‌ها

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقی‌ها	پایایی بازآزمون
۱	P2	۳۶	۱۴	۰/۷۷
۲	P5	۳۸	۱۷	۰/۸۹
۳	P6	۴۰	۱۶	۰/۸
	کل	۱۱۴	۴۷	۰/۸۲

همان‌طور که در جدول شماره یک مشاهده می‌شود، تعداد کل کدها در فاصله زمانی یک هفته برابر با ۱۱۴ و تعداد کل توافقی‌های بین کدها برابر با ۴۷ است. با توجه به فرمول بالا، میزان پایایی بازآزمون ۰/۸۲ درصد است و با توجه به بیشتر بودن از ۰/۶ می‌توان گفت که مصاحبه پایایی کافی را دارد. برای روایی پژوهش حاضر از تکنیک‌های مقایسه شواهد با ادبیات موجود، اطمینان از اینکه مفاهیم به صورت سامانمند با هم مرتبط هستند و انسجام درونی دارند، استفاده از منابع متعدد از شواهد، توصیف غنی از مجموعه داده‌ها در طول گردآوری آن‌ها، تعریف حدود مرز پژوهش و داشتن یک پیش‌نویس کلیدی و همچنین، مطالعه اسناد و مدارک شرکت برای افزایش روایی داده‌های حاصل استفاده شده است. همچنین، در روش مصاحبه، اعتبار باید برای هر کدام از مراحل هفت‌گانه پژوهش مورد توجه قرار گیرد تا نتایج به دست آمده موثق و قابل اتکا باشد. در ادامه، به روش‌های تعیین اعتبار در هر هفت مرحله اشاره شده است.

انتخاب موضوع: در پژوهش کنونی، پژوهشگر با مطالعه ادبیات بازاریابی اجتماعی و ورزش همگانی منابع مبانی نظری را بررسی کرد و با توجه به ادبیات قبلی سؤال‌ها را طراحی کرد. طراحی: در پژوهش حاضر، بعد از انتخاب موضوع و انتخاب ابزار مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات، برنامه‌ریزی‌های دقیق و لازم برای انجام مصاحبه‌ها انجام شد. مصاحبه: پژوهشگر به دقت سؤال‌ها را برای سؤال‌شونده‌ها مطرح کرد و در تهیه گزارش و مکتوب کردن پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان دقت کافی داشت. نسخه‌برداری: در این مرحله، ابتدا پژوهشگر به دقت اطلاعات صوتی جمع‌آوری شده را ضبط کرد و در مرحله دوم، به تهیه نسخه متنی اقدام کرد. تحلیل: در این مرحله، روایی بستگی به ترتیب نگاشتن سؤال‌ها در مصاحبه و منطقی دارد که پژوهشگر برای تفسیر پاسخ‌ها برمی‌گزیند؛ از این رو، سؤال‌ها با منطق منظم پرسیده شدند. تأیید: باید پژوهشگر نهایت تلاش خود را با استفاده از تکنیک‌های متفاوت کند تا داده‌ها نهایت روایی را داشته باشند. چنانکه در مطالعه حاضر، پژوهشگر از تکنیک‌های متفاوتی استفاده کرد.

گزارش‌دهی: گزارش‌دهی، فرایند ایجاد ارتباط میان یافته‌های مصاحبه با استفاده از معیارهای علمی و ملاحظات اخلاقی و خوانندگان است. در پژوهش حاضر، در قسمت یافته‌ها به تحلیل و نتیجه‌گیری داده‌ها پرداخته شده است و تلاش شده است گزارشی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش و پیشنهادهایی برای پژوهشگران آینده ارائه شود.

نتایج

با توجه به آمار توصیفی، اکثر نمونه آماری بین ۳۰ تا ۴۰ سال قرار داشتند. همچنین، سطح تحصیلات اکثر نمونه‌ها دکتری بود. از لحاظ حوزه کاری نیز بیشتر نمونه‌ها حوزه کاری اجرایی داشتند و سابقه کاری نمونه آماری نیز بین ۲۰ تا ۳۰ سال بود.

جدول ۲- جزئیات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه

ویژگی	طبقه	فراوانی
سن	بین ۳۰ تا ۴۰	۶
	۴۱ تا ۵۰ سال	۴
	۵۱ تا ۶۰ سال	۳
تحصیلات	کارشناسی	۰
	کارشناسی‌ارشد	۳
	دکتری	۱۰
حوزه کاری	دانشگاهی	۲
	اجرایی	۷
	دانشگاهی و اجرایی	۴
سابقه کاری	بین ۵ تا ۱۰ سال	۵
	بین ۱۱ تا ۲۰ سال	۱
	بین ۲۱ تا ۳۰ سال	۷
جمع		۱۳

جدول ۳- نتایج کدگذاری باز و محوری حاصل از مصاحبه‌ها

مقوله‌ها	مفاهیم	کدهای نهایی
شرایط علی	دیدگاه و رویکرد افراد به ورزش	بی‌توجهی به ورزش، بی‌توجهی به ترکیب بدنی، کاهش فعالیت مردم، مناسب نبودن باور افراد، نگرش منفی به ورزش، تفکر زیرساختی جامعه
	مسائل اجتماعی حاد ناشی از بی‌توجهی توسعه ورزشی	مشکلات اجتماعی، نگرانی جامعه، هزینه بالای درمانی، نشاط پایین جامعه، ایجاد هویت فردی و اجتماعی، کاهش بازده کاری
راهبردها	اهمیت ورزش در توسعه پایدار	ورزش در سبک کالا خانواده، ورزش به‌عنوان نیاز اجتماعی
	بی‌حرکی ناشی از فناوری‌های مدرن کارایی نداشتن مدل‌های استفاده‌شده در ورزش همگانی	اعتیاد به سیستم‌های مجازی، پیشی گرفتن رقبا، رشد فناوری، شیوع استفاده از رسانه‌های اجتماعی کمبود آگاهی از نوع مشارکت، مؤثر نبودن پژوهش‌های پیشین، ورزش یک ابزار تبلیغاتی
راهبردها	مکان	دسترسی، مجهز کردن اماکن، زمینه‌سازی برای ورزش در تمام مکان‌ها، استفاده از مکان‌های بلااستفاده، امنیت اماکن، ایمنی، توجه به فرهنگ مختلف در انتخاب مکان، توجه به علائق مردم، انعطاف‌پذیر بودن مکان، مکان با ارتباطات اجتماعی بالا، مکان و انسجام خانواده، بهداشتی بودن
	روان‌سازی تعاملات یا شبکه‌سازی	همکاری سازمانی، کاهش موازی‌کاری، تعاملات اجتماعی مشخص، یکپارچه‌سازی برنامه‌ها، مصوب کردن قوانین، نظارت بر حسن اجرا، تشکیل شورای عالی ورزش
	بخش‌بندی هدف‌گذاری	توجه به نیازهای مختلف جامعه (بخش‌بندی)، توجه به سبک‌های مختلف زندگی، بخش‌بندی جامعه با توجه به سطح فرهنگ و درآمد شناسایی نیازها، مشخص کردن جامعه هدف، برآورده کردن نیازهای جامعه هدف
محصول ویژگی‌های بومی	تثبیت موقعیت	متناسب بودن محصول با جامعه هدف، قراردادادن افراد در طبقات خود برای ایجاد احساس تطبیق، توجه به نیازهای فعالیت بدنی برای افراد مختلف با توجه به سنین و ویژگی‌های بدنی و آنتروپومتریک، آموزش‌های متفاوت به اقشار مختلف، قراردادادن تجهیزات متناسب با سن و جنسیت افراد
	محصول ویژگی‌های بومی	هم‌خوانی محصول با استانداردهای جامعه، هم‌خوانی محصول با آداب و رسوم مردم، هم‌خوانی محصول با نظام‌های اعتقادی، عرف و استانداردهای هنجاری

ادامه جدول ۳- نتایج کدگذاری باز و محوری حاصل از مصاحبه‌ها

مقوله‌ها	مفاهیم	کدهای نهایی
	محصول ویژگی‌های عمومی	هم‌خوانی محصول با استانداردهای جامعه، هم‌خوانی محصول با آداب و رسوم مردم، هم‌خوانی محصول با نظام‌های اعتقادی، عرف و استانداردهای هنجاری، ایجاد محصولات مفرح، نوع فعالیت ورزشی برای گونه‌های مختلف افراد با سلیقه‌های مختلف، محصولات باید در دسترس باشند، محصولات باید جذاب باشند، محصولات باید ارگونومی داشته باشند، محصولات مناسب با توجه به مشکلات جامعه، بسته‌بندی محصول برای ارائه محصول هم از لحاظ نظری و هم در عمل نتایج منطقی داشته باشد، ساده بودن محصول و قابل هضم بودن، محصول قابل مشاهده و عینی، لذت بخش بودن محصول
	جذب نیروی انسانی	ایجاد کمیته‌های تخصصی، استفاده از نیروی انسانی متخصص در زمینه برنامه‌ریزی، استفاده از نیروی انسانی متخصص برای سیاست‌گذاری در ورزش، استفاده از داوطلبان ورزشی برای توسعه ورزش همگانی
	توسعه نیروی انسانی	آموزش مربیان و متخصصان از قشر خود افراد در طبقات مختلف، تربیت نیروی متخصص، پرورش مربیان ورزشی متخصص برای ارائه فعالیت مناسب برای هر قشری
راهبردها	جبران خدمات	توجه به مسائل فنی و انگیزشی در غالب گروه‌های داوطلب، استفاده از سیستم‌های پرداخت و پاداش به صورت مناسب برای نیروی متخصص
	قیمت	کاهش هزینه مرتبط با مشارکت در فعالیت بدنی، برگزاری دوره‌های رایگان آموزشی توجه به فرهنگ بدن، محصولی که ارائه می‌شود باید ارزان باشد، قیمت محصول مقداری باشد که قابل پذیرش باشد، قیمت محصولات باید متناسب با جامعه هدف باشد، ارائه تخفیف‌های استفاده از مکان‌ها و تجهیزات ورزشی
	تبلیغات	استفاده از تبلیغات پویا و مستمر، استفاده درست صداوسیما از شخصیت ورزشی و ورزشکار در فیلم‌ها و برنامه‌های خود، تشویق فیلم‌هایی که در راستای توسعه ورزش و فعالیت بدنی هستند، برنامه‌های تبلیغی به صورتی اطلاع‌رسانی کنند که فرد با دیدن چاقی خود احساس نقص فراوان در خود کند، پیام تبلیغی باید در زمان‌های خاص و در زمان مناسب باشد
	انگیزاننده‌های مادی	ارائه کارت‌های ارزیابی برای تشویق افراد با توجه به مزایای مادی که به افراد داده می‌شود، ارائه مزایا به افراد با سطح مشارکت بالا، ارائه مزایا به افراد با سطح سلامتی بالا

ادامهٔ جدول ۳- نتایج کدگذاری باز و محوری حاصل از مصاحبه‌ها

مقوله‌ها	مفاهیم	کدهای نهایی
راهبردها	صحه‌گذاری	استفاده از گروه‌های مورد تأیید جامعه، استفاده از قهرمانان ورزشی، استفاده از پیشکسوتان برای تأیید، ورزش، استفاده از والدین برای صحه‌گذاری ورزش همگانی، استفاده از چهره‌های سرشناس هنری کشور، استفاده از برندهای اجتماعی، استفاده از اعتبار باشگاه‌های حرفه‌ای جذاب‌بودن مکان، هیجان‌انگیزبودن، مکان‌های یکدست، فضاهای طبیعی و دل‌انگیز
شرایط زمینهای	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دیدگاه و رویکرد خانواده به ورزش تأثیرات زیست‌محیطی خودکارایی و توانمندسازی روانی	مشکلات اقتصادی، سن، جنسیت، میزان تحصیلات، نداشتن سواد حرکتی خانواده‌ها بی‌توجهی خانواده، بافت سنتی، توجه به سرگرمی‌های غیرفعال، باور خانواده، بی‌توجهی به ورزش در دوران کودکی، بی‌توجهی خانواده به حقوق خود شرایط جوی و آب‌وهوایی نامناسب، آلودگی هوا، سروصدای ناشی از ترافیک
شرایط مداخله‌گر	منابع انسانی توانمند مسائل زیرساختی ورزش	تعهد افراد نسبت به سلامتی خود، توانایی نداشتن فرد، ادراک فرد در مورد میزان توانایی، باور فرد، ادراک در سنین پایین، مشغولیت بیش‌ازحد افراد کمبود نیروی انسانی، کمبود آگاهی مدیران کمبود زیرساخت‌های مناسب، سرانهٔ پایین، انعطاف‌پذیر نبودن زیرساخت‌ها
پیامدها	پیامدهای اجتماعی تغییر نگرش و رفتار فردی	نبود ثبات مدیریتی، موازی‌کاری سازمانی، نبود همکاری بین ارگان‌ها، نداشتن زبان مشترک، قوانین و مقررات، نبود قوانین مالی مشخص، بی‌توجهی به تلاش ارگان‌ها، وجود اختلاف سلیقه بین مدیران نگاه کوتاه‌مدت، نبود برنامه‌های مدون، نبود رویکرد بومی بازاریابی، بی‌تعهدی ثابت افراد نسبت به ورزش پرورش جامعه‌ای فعال، کاهش هزینه‌های درمانی، افزایش تعاملات اجتماعی، ورزش به‌نوعی سبکی از زندگی می‌شود افزایش اطلاعات فرد، تغییر باور هنجاری، نگرش مثبت به فعالیت بدنی، افزایش تمایل افراد برای مشارکت در فعالیت بدنی، افزایش توانایی افراد در مشارکت در بدنی، میزان مشارکت در افراد افزایش پیدا می‌کند، استمرار در فعالیت بدنی

در جدول شمارهٔ سه، نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری به‌تفکیک شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها تشریح شد.

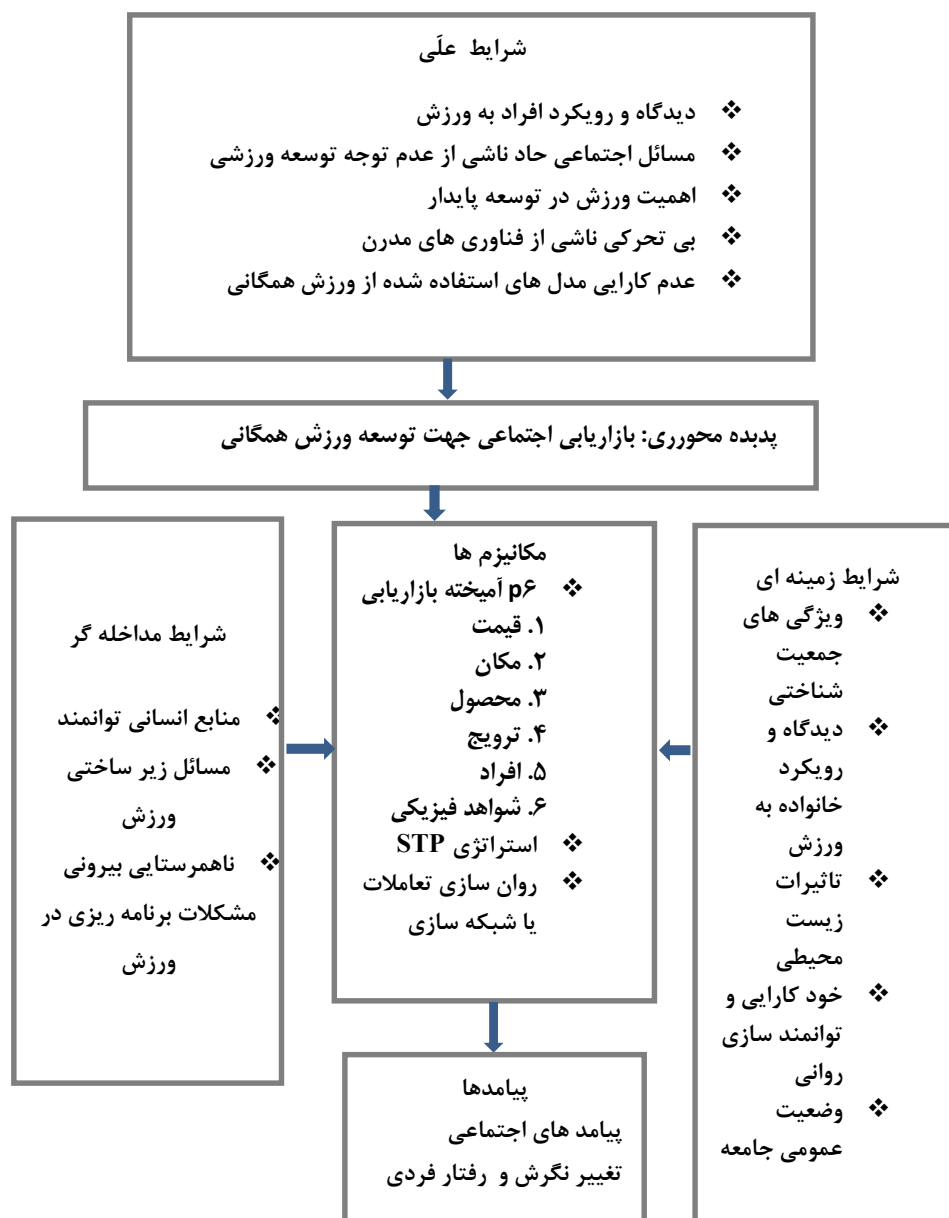
کدگذاری انتخابی

در این پژوهش، برای فرایند کدگذاری انتخابی، پنج قضیه نظری براساس مدل پارادایمی ارائه می‌شوند. قضیه اول: در قضیه اول که مربوط به شرایط علی دیدگاه و رویکرد افراد به ورزش است، وجود مسائل اجتماعی حاد ناشی بی‌توجهی به توسعه ورزش همگانی، اهمیت ورزش در توسعه پایدار، بی‌حرکی ناشی از فناوری‌های مدرن و کارایی نداشتن مدل‌های استفاده‌شده به‌عنوان شرایط علی شناسایی شدند. قضیه دوم: عواملی وجود دارند که می‌توانند بر اجرای راهبرد تأثیر داشته باشند؛ چه به‌صورت مثبت و چه منفی. درحقیقت، این عوامل می‌توانند هم باعث توسعه و هم باعث تحدید در اجرای راهبرد شوند که به‌عنوان عوامل زمینه‌ای خواند می‌شوند. در این پژوهش، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، دیدگاه و رویکرد خانواده به ورزش، تأثیرات زیست‌محیطی، خودکارایی و توانمندسازی روانی افراد و وضعیت عمومی جامعه به‌عنوان شرایط زمینه‌ای شناخته شدند.

قضیه سوم: همیشه در اجرای راهبردها، سازمان‌ها با مشکلاتی مواجه می‌شوند که این امر می‌تواند بر اجرای راهبردها تأثیرگذار باشد. در این پژوهش، منابع انسانی توانمند، مسائل زیرساختی ورزش، ناهم‌راستایی بیرونی و مشکلات برنامه‌ریزی در ورزش به‌عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شدند. درحقیقت، منابع انسانی در هر سازمانی به‌عنوان منبع شناسایی می‌شوند و بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند تأثیرات مخربی بر پیشبرد اهداف داشته باشد. همچنین، مسائل زیرساختی برای توسعه ورزش همگانی یکی از مشکلاتی است که در توسعه ورزش همگانی بر سازمان‌ها تأثیر گذاشته است.

قضیه چهارم: در قضیه چهارم به راهبردهای مربوط به توسعه ورزش همگانی پرداخته شد. درحقیقت، راهبردهای شناسایی‌شده در توسعه ورزش همگانی از طریق بازاریابی اجتماعی به آمیخته بازاریابی اجتماعی برای ورزش همگانی پرداختند؛ البته در پژوهش‌های خارجی، پژوهشگران صرفاً به چهار پی پرداخته‌اند؛ ولی در مصاحبه‌های انجام‌شده در این پژوهش، شش پی شناخته شد. عناصر آمیخته بازاریابی در این پژوهش شامل قیمت، مکان، محصول، ترفیع، افراد و شواهد فیزیکی بودند. درحقیقت، آمیخته بازاریابی است که می‌تواند به توسعه ورزش همگانی کمک کند. راهبرد آمیخته بازاریابی نیز در حوزه بازاریابی اجتماعی به‌عنوان یک روش مناسب برای توسعه این عناصر بودند. یکی دیگر از راهبردهای بازاریابی شامل بخش‌بندی، هدف‌گذاری و تثبیت موقعیت بود. صحنه‌گذاری راهبردی بود که در این پژوهش تنها به آن پی برده شد. درحقیقت، در صحنه‌گذاری ما به دنبال تأیید یک پدیده یا صفت از طریق برندهای شخصیتی و سازمانی هستیم که به آن پی برده شد. درنهایت، روان‌سازی و یکپارچگی یا شبکه‌سازی به‌عنوان راهبرد شناسایی شدند. برای رشد بیشتر ورزش همگانی می‌توان از این راهبردهای تعریف‌شده در بازاریابی استفاده کرد.

قضیه پنجم: درنهایت، به پیامدهای تغییر نگرش و رفتار فردی و پیامدهای اجتماعی پی برده شد. ماهیت استفاده از این مفهوم بازاریابی اجتماعی به سمت‌وسوی تغییر رفتار است که ماهیت و هدف اصلی بازاریابی در این حوزه را تشکیل می‌دهد. منظور از تغییر نگرش فردی این است که فرد با توجه به شرایط، باور مثبت به فعالیت بدنی و ورزش همگانی پیدا می‌کند و در ادامه، نگرش نسبت به ورزش همگانی نیز مثبت می‌شود که این نگرش با توجه به افزایش اطلاعات فرد است. در ادامه، با توجه به تأثیراتی که از هنجارهای اجتماعی بر فرد گذاشته می‌شود، این باور هنجاری در افراد ایجاد می‌شود که ورزش و فعالیت بدنی می‌تواند به‌عنوان یک نیاز در افراد قرار گیرد. پیامدهای اجتماعی مثبتی که با استفاده از راهبرد های بازاریابی اجتماعی می‌توان به دست آورد، تغییر رفتار به سمت رفتارهای مطلوب که در این پژوهش توسعه ورزش همگانی سوق می‌دهد. منظور از پیامدهای اجتماعی تأثیراتی هستند که از تغییر رویکرد رفتار نسبت به جامعه اثرهای مطلوب دارد که این پیامدهای اجتماعی همانند داشتن جامعه‌ای فعال، کاهش هزینه‌های درمانی، افزایش تعاملات اجتماعی هستند. درحقیقت، در این پژوهش فرایندی بررسی شده است که با اجرای آن می‌توان به اهداف اجتماعی مناسب رسید



شکل ۱- کدگذاری انتخابی و ارائه مدل

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف فهم فرایند شکل‌گیری پدیده بازاریابی اجتماعی برای توسعه ورزش همگانی، با استفاده از نظریه برخاسته از داده‌ها انجام شد. در این پژوهش، برای انتخاب نمونه از نمونه‌گیری هدفمند که از روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی است، استفاده شد که در نتیجه تحلیل مصاحبه به‌غیر از پدیده بازاریابی اجتماعی که پدیده محوری است، پنج مقوله شناسایی شدند. مقوله‌ها عبارت‌اند از: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها. شرایط علی اثرگذار بر پدیده بازاریابی اجتماعی شامل دیدگاه و رویکرد فرد به ورزش، مسائل اجتماعی حاد ناشی از بی‌توجهی به توسعه ورزش، اهمیت ورزش در توسعه پایدار، بی‌حرکی‌های ناشی از فناوری‌های مدرن و کارایی نداشتن مدل‌های استفاده‌شده بودند. عوامل مداخله‌گر شناسایی‌شده (عوامل اثرگذار بر اقدامات و راهبردها) شامل منابع انسانی توانمند، مسائل زیرساختی ورزش، ناهم‌راستایی بیرونی و مشکلات برنامه‌ریزی بودند. عوامل زمینه‌ای (عوامل خاص اثرگذار بر اقدامات انجام‌شده برای بازاریابی اجتماعی)، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، دیدگاه و رویکرد خانواده به ورزش، تأثیرات زیست‌محیطی، خودکارایی و توانمندسازی روانی، وضعیت عمومی جامعه معرفی شدند. راهبردهای شناسایی در توسعه ورزش همگانی از طریق بازاریابی اجتماعی، راهبردهای بخش‌بندی، هدف‌گذاری و تثبیت موقعیت، صحنه‌گذاری و شش‌پی‌آمیخته بازاریابی بودند که شامل محصول، قیمت، مکان، ترفیع، شواهد فیزیکی و افراد بودند. در نهایت، پیامدهای شناسایی‌شده شامل تغییر نگرش و رفتار فردی و پیامدهای اجتماعی بودند. در مطالعات پیشین، تعدادی از کدها و مفاهیم شناسایی‌شده بودند. مطالعات پیشین از عوامل مؤثر برای توسعه ورزش همگانی استفاده کرده‌اند. شمس و شمسی (۱۳۹۲) در پژوهش خود که با هدف استفاده از وسایل ایمنی انجام دادند، دریافتند که تهیه وسایل ایمنی و حفاظت فردی متناسب با نیازها و خواسته مخاطبان، کاهش هزینه‌های مادی و غیرمادی استفاده از این وسایل، عرضه آن‌ها در محل مناسب و ترویج استفاده از آن‌ها در محیط کار می‌تواند کارکنان را برای استفاده مستمر از وسایل ایمنی ترغیب کنند که این مطلب با نتایج پژوهش حاضر در زمینه عرضه محصولات، تخفیف‌ها و متناسب‌بودن خدمات و محصولات با نیازهای افراد همسو است. یکی از اجزای اصلی برای رشد ورزش همگانی، ارائه اطلاعات مناسب در مورد ورزش و نحوه فعالیت بدنی در افراد است. به‌همین دلیل، دوره‌های رایگان آموزش برای همه افراد در تمام اقشار و در کنار آن، کاهش هزینه‌های مربوط به استفاده از اماکن ورزش می‌تواند بر حضور افراد تأثیر مثبت داشته باشند. افزون‌براین، قیمت‌گذاری خدمات ارائه‌شده براساس ویژگی‌های جامعه هدف برنامه‌ریزی شود و قیمت به شکلی باشد که برای آن جامعه پذیرفته باشد. در بازاریابی اجتماعی، قیمت به هزینه‌ای اشاره می‌کند که مخاطب در سازگاری با رفتار جدید متحمل می‌شود و هدف بازاریابی اجتماعی ایجاد این ادراک و آگاهی است که

مزایای حاصل برابر یا بیشتر از هزینه‌های متحمل شده است (کاتلر و روبرت، ۲۰۰۲). به همین دلیل، استفاده از راهبرد تخفیف می‌تواند بر تغییر رفتار به سمت رفتار مطلوب مؤثر باشد. همچنین، خداداد حسینی و مسیبی (۱۳۹۳) در بررسی خود در مورد اعتبار باشگاه‌های ورزشی به این نتیجه رسیدند که اعتبار محیطی باشگاه‌ها تأثیر زیادی بر رفتار محیطی هواداران شامل بهبود رفتار دائمی و بهبود رفتار آنان در هر بازی داشت. نتایج پژوهش حاضر نیز با عامل صحه‌گذاری که در پژوهش خداداد حسینی و مسیبی نیز بررسی شده بود، همسو است. استفاده از افراد سرشناس در مجامع عمومی می‌تواند در تأیید یک محصول یا خدمت مؤثر باشد. این افراد سرشناس می‌توانند ورزشکار مطرح، بازیگران، پیشکسوتان یا گروه‌های مورد تأیید همانند خانواده، برندهای اجتماعی و باشگاه‌ها باشند. زمانی که الگوهای جامعه رفتار مطلوبی همانند فعالیت بدنی را تأیید کنند، افرادی که این الگوها را می‌پذیرند می‌توانند بر رفتارشان تأثیرگذار باشند. در کنار این موضوع، توسعه ورزش همگانی نیازمند افرادی است که در این امر فعالیت دارند؛ بنابراین، افرادی باید جذب شوند که هم در برنامه‌ریزی و هم در سیاست‌گذاری ورزش همگانی نخبه باشند. همچنین، باید از داوطلبان و کمیته‌های تخصصی برای عملیاتی کردن برنامه‌ها استفاده شود. در کنار این عوامل، به آموزش و رشد این نیروها در قسمت‌ها و بخش‌های مختلف پرداخته شود و نظام مناسبی برای ارزشیابی آن‌ها استفاده شود؛ به‌صورتی که آن‌ها با هدف ادامه فعالیت در این حوزه ترغیب شوند. در بازاریابی اجتماعی در حوزه ورزش باید به دنبال پذیرش یک رفتار جدید بود؛ بدین معنا که برای افراد و مردم ورزش کردن و فعالیت‌های بدنی یک ارزش باشد و در سید هزینه خانوار برای این موضوع، هزینه در نظر گرفته شود، یا اینکه ورزش کردن منظم به‌عنوان یک رفتار مطلوب پذیرفته شود، یا اینکه رفتارهای بالقوه همانند استفاده بیش از حد از فست‌فودها یا ماشین شخصی از بین بروند، یا اینکه رفتار فعلی را تعدیل کنیم؛ همانند غیرفعال بودن بیش از حد اساتید یا افراد مختلف و مشارکت در فعالیت‌های بدنی و یا اینکه رفتارهای نامناسب مانند استفاده بیش از حد کودکان از بازی‌های کامپیوتری ترک شوند. با توجه به این موضوع، باید عناصر آمیخته مطرح شده را به کار برد. کولینز (۲۰۱۱) نیز با هدف استفاده از کارت‌های تفریحی برای تغییر رفتار افراد به ورزش به این نتیجه رسید که استفاده از این روش می‌تواند توسعه ورزش را در جوامع چاق و بی‌تحرک تقویت کند. همچنین، چگونگی استفاده از این کارت تفریحی با توجه به منابع محدود و اینکه چطور کارت‌های اوقات فراغت به‌دقت در جامعه هدف خود قرار داده شود و جامعه را بخش‌بندی کند، نشان داد. آن‌ها پیشنهاد کردند که از منتخبی از ورزش، هنر و فعالیت‌های تجاری که زنان و مردان سالمند را به ورزش جذب کند، به‌عنوان روشی از بازاریابی اجتماعی استفاده شود. اینون و کنت (۲۰۱۲) پژوهشی با هدف اینکه چگونه سازمان‌های ورزشی می‌توانند بر رفتار داوطلبانه مصرف‌کنندگان و مشتریان در مورد بحث‌های زیست‌محیطی از طریق بازاریابی اجتماعی مشارکتی و با

توجه به نقش اعتبار باشگاهی خود تأثیر بگذارند، انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که اعتبار باشگاه‌ها و برنامه‌های آن‌ها با برنامه‌های داوطلبانه حمایت از محیط‌زیست در ارتباط است. این یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند که سازمان‌های ورزش حرفه‌ای می‌توانند چرخه اثربخشی بر رفتارهای مفید اجتماعی را با افزایش اعتبار شرکتی و باشگاهی خود در به‌کارگیری بازاریابی اجتماعی مشارکتی افزایش دهند. نتایج این پژوهش در زمینه صحت‌گذاری نیز اهمیت باشگاه‌های ورزشی را به‌عنوان گروه‌های مرجع برای تأثیرگذاری بر رفتار افراد، تأیید کرد.

جامعه امروزی به سمت بی‌حرکی پیش می‌رود و معضلات اجتماعی و هزینه‌های درمانی در حال افزایش هستند. نگاهی تک‌بعدی به سلامتی و تندرستی در جامعه نمی‌تواند راهگشای کاهش هزینه‌های درمانی و زندگی سالم باشد؛ بنابراین، هر نوع خدمتی که به جامعه ارائه می‌شود نیازمند بازاریابی است. با توجه به مباحث، بازاریابی اجتماعی به دنبال دستیابی به یکی از چهار هدف پذیرش رفتار جدید، رد رفتار بالقوه، تعدیل رفتار فعلی یا ترک رفتار قدیمی در مخاطبان است. تغییر رفتار، داوطلبانه است و با استفاده از رویکرد مشتری‌مداری به درک چیزی که مخاطبان هدف از آن آگاهی دارند، آن را باور دارند و انجام می‌دهند، کمک می‌کند (کاتلر و روبرت، ۲۰۰۲)؛ اما بازاریابی باید با توجه به شرایط خاص و گروه‌های خاص باشد. با توجه به نتایج این پژوهش، سازمان‌ها و متولیان توسعه ورزش همگانی باید جامعه را به گروه‌های همگن تقسیم کنند تا نیازهای مشابهی داشته باشند و با توجه به اینکه در شرایط فعلی سازمان‌های متعددی در زمینه ورزش همگانی فعالیت می‌کنند، هر سازمان می‌تواند با انتخاب بازار هدف، جامعه موردنظر خود را پوشش دهد و با توجه به جامعه هدف، برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهد تا اینکه بتواند افراد را به ورزش و فعالیت بدنی جذب کند و آن‌ها را حفظ کند. در این مسیر، عناصر آمیخته بازاریابی می‌توانند بر جذب و حفظ مشتریان تأثیر بسزایی داشته باشند. در واقع، زمانی که از قیمت‌گذاری و هزینه‌ها یا نوع خدمات صحبت می‌شود، باید به تفاوت‌های جوامع مختلف همانند ویژگی‌های جمعیت‌شناختی که در شرایط زمینه‌ای به آن پرداخته شد، توجه شود و براساس آن، خدمت و هزینه ارائه شود؛ ولی با توجه به اینکه سازمان‌های مختلف توسعه ورزش همگانی را برعهده دارند، مشکلات مربوط به تعاملات سازمانی وجود دارند که می‌توانند در روند کار و به‌کارگیری راهبردها مؤثر باشند. راهبرد روان‌سازی تعاملات با هدف از بین بردن مشکلات ایجاد شد. این تعاملات با مصوب کردن قوانین و نظارت بر آن‌ها شناسایی شدند. در این بین، باید به انگیزاننده‌ها و ترویج رفتارهای مطلوب از طریق برگزاری مسابقات نیمه‌رقابتی، تبلیغات مناسب و مشوق‌های بیرونی همانند جوایز و پاداش‌ها برای ایجاد انگیزه نیز توجه شود. در نهایت اینکه، توسعه ورزش در بین افراد به‌عنوان جزئی از فرهنگ، نیازمند انجام برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است و داشتن برنامه‌ای مدون با رویکرد بازاریابی لازم است تا بتوان به هدف موردنظر رسید.

در پژوهش‌های گذشته، به عوامل مؤثر در توسعه ورزش همگانی و روش‌های خاص بازاریابی اجتماعی که به صورت مداخله‌ای انجام شده‌اند، پرداخته شده است؛ در حالی که با توجه به مفهوم بازاریابی در پژوهش‌های گذشته، رویکرد جامعی در حوزه ورزش همگانی مشاهده نشد. طبق نتایج این پژوهش، باید به دنبال رویکردهای تغییر رفتار در توسعه ورزش همگانی باشیم که با توجه به نتایج مطالعه حاضر، رویکرد بازاریابی اجتماعی یکی از مدل‌های مؤثر برای توسعه ورزش همگانی در جامعه ما است. با توجه به روش پژوهشی به کار گرفته شده نیز می‌توان مسیر و مدل مشخصی را برای بازاریابی برای این پدیده مهم؛ یعنی توسعه ورزش همگانی ترسیم کرد و به اهداف مورد نظر رسید.

منابع

1. Aman, M. S. (2009). Sport for all and elite sport: Underlining values and aims for government involvement via leisure policy. *European Journal of Social Sciences*, 9(4), 659-668.
2. Andreasen, A. (2006). *Social marketing in the 21st century*. Thousand Oaks, CA: Sage.
3. Asafi, A., Khabiri, M., Goudarzi, M., & Asadi, H. (2014). Organizational factors influencing the institutionalization of sport for all in the country. *Sport Management and Motor Behavior*, 10(20), 63-76. (Persian).
4. Bellows, L. L., Davies, P. L., Anderson, J., & Kennedy, C. (2013). Effectiveness of a physical activity intervention for head start preschoolers: A randomized intervention study. *The American Journal of Occupational Therapy*, 67(1), 28-36.
5. Beram, J. A., & Semotiuk, D. (1991). Sport for all: Facts and fantasy in the United States and Canada. In J. Standeven (Eds.), *Sport for All in the 90s*. Aachen, Germany: Meyer and Meyer Verlag.
6. Brinthaup, T. M., Kang, M., & Anshel, M. H. (2013). Changes in exercise commitment following a values-based wellness program. *Journal of Sport Behavior*, 36(1), 3-22.
7. Collins, F. M. (2011). Leisure cards in England: An unusual combination of commercial and social marketing? *Social Marketing Qutr*, 13(2), 21-47.
8. Deshpande, S., Berry, T. R., Faulkner, E. G. J., Latimer-Cheung, A. E., Rhodes, R. E., & Tremblay, M. S. (2015). Comparing the influence of dynamic and static versions of media in evaluating physical-activity-promotion Ads. *Social Marketing Quarterly*, 21(3), 135-141.
9. Eftekhari, F., Rajabi, H., & Shafizadeh, M. (2007). The impact of summer sport classes on some factors physical and motor fitness, body composition and physical self-concept teen girls. *Sport and Motor Science Journal*, 5(9), 15-28 (Persian).
10. Frías, F. J. L. (2014). The sport for all ideal: A tool for enhancing human capabilities and dignity. *Physical Culture and Sport Studies and Research*, 18(1), 20-28.
11. Fujihira, H., Kubacki, K., Ronto, R., Pang, B., & Rundle-Thiele, S. (2015). Social marketing physical activity interventions among adults 60 years and older: A systematic review. *Social Marketing Quarterly*, 21(4), 214-222.

12. Ghafoori, F. (2003). Influencing factors to determine strategies to sport for all and the championship sport in Iran. (Unpublished Pdoctoral dissetation). Tarbiyat Modares University, Tehran. (Persian).
13. Homan, H. A. (2010). A practical guide qualitative research: Organization of study and development of human sciences universities (2nd ed.). Tehran: Samt Publication.
14. Huhman, M., Bauman, A., & Bowles, H. R. (2008). Initial outcomes of the VERB campaign: Tweens' awareness and understanding of campaign messages. *American Journal of Preventive Medicine*, 34, 241-248.
15. Inoun, Y., & Kent, A. (2012). Investigating the role of corporate credibility in corporate social marketing: A case study of environmental initiatives by professional sport organization. *Sport Management Review*, 15(3), 330-334.
16. Jahanboni, A. (2009). Formulation of Sports Development Strategy and Championship in Qom Province. M.A of Physical eduction, Payamnoor university, Tehran (Persian).
17. James, W., Edward, W., & David, B. (2006). A convergent diffusion and social marketing approach for disseminating proven approaches to physical activity promotion. *American Journal of Preventive Medicine*, 31(4), 11-23.
18. Kahn, E. B., Ramsey, L. T., Brownson, R. C., Heath, G. W., Howze, E. H., Powell, K. E., ..., & Corso, P. (2002). The effectiveness of interventions to increase physical activity: A systematic review. *American Journal of Preventive Medicine*, 22(4), 73-107.
19. Khaki, A., Tondnevis, F., & Mozafari, A. A. (2005). Comparing the views of faculty members, coaches, athletes and administrators on how to develop the sport. *Sport and Motor Science Journal*, 3(5), 1-22. (Persian).
20. Khodadhosseyni, H., & Mosayebi, A. R. (2014). The effect validity of sport clubs on changing the behavior of fans whit approach of social marketing. *Sports Management Journal*, 6(4), 627-642. (Persian).
21. Kotler, R. W., & Lee, N. (2002) *Social marketing: Improving the quality of life* (2nd ed.). University of manitoba, north america : Sage Publications.
22. Kotler, P., & Zaltman, G. (1971). Social marketing: An approach to planned social change. *Journal of Marketing*, 35(3), 3-12.
23. Milanovic', Z., Pantelic', S., Trajkovic', N., Sporis', G., Kostic', R., & James, N. (2013). Age-related decrease in physical activity and functional fitness among elderly men and women. *Clinical Interventions in Aging*, 8, 549-556.
24. Moezi, F., Shafeei, R., & Salahiyani, Sh. (2014). The role of the factors affecting the effectiveness of social marketing strategies. Ppaer Presented at the First National Conference on Marketing, Opportunities and Challenges, Mashhad University. (Persian).
25. Momtazbakhsh. M., Fakur. Y. (2003). nvestigating the Strategies for Promotion and Development of Women's Sports for all in Police University. *Journal of Danesh-e-Entezami*, 33(2), 53-62. (Persian).
26. Newman, C. L., Howlett, E., & Burton, S. (2014). Implications of fast food restaurant concentration for preschool-aged childhood obesity. *Journal of Business Research*, 67(8), 1573-1580.
27. Pettigrew, S. (2015). Pleasure: An under-utilised 'P' in social marketing for healthy eating. *Appetite*, 104(1), 1-10.

28. Physical Education Organization of Islamic Republic of Iran. (2002). A concise strategy to develop a comprehensive system of physical education and sport. Rad Company, Azar system. (Persian).
29. Rezaipendari, H., & Keshavarz Mohammadi, N. (2014). Applying social marketing in health sector: A case study. *Journal of Health Building Community and Health Education*, 2(2), 109-130. (Persian).
30. Schultz, J., Moodie, M., Mavoa, H., Utter, J., Snowdon, W., McCabe, M., . . . Swinburn, B. (2011). Experiences and challenges in implementing complex community-based research project: The Pacific Obesity Prevention in Communities project. *obesity reviews*, 12(s2), 12-19 .
31. Shabani Moghadam, K. (2011). Sport for all in iran and comparison with some countries of world, barriers, solutions and approaches to the development. (Unpublished Doctoral dissertation). University of Payam Noor.Tehran. (Persian).
32. Shahbazi, Mehdi., Shaabani Moghaddam, Keyvan., Safari, Marjan (2014). Barriers and Solutions to the Sport for all in Iran. *Majlis and Rahbord*, 20(76), 69-97. (Persian).
33. Shams, M., & Shamsi, M. (2013). Increased use of safety equipment and personal protective metro stations under construction: Application of social marketing model in the field of health. *Journal of Medical Science of Yasooj*. 18(6), 495-508. (Persian).
34. Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks, USA: SAGE Publications.
35. Sun, F., Norman, I. J., & While, A. E. (2013). Physical activity in older people: A systematic review. *BMC Public Health*, 13(1), 2-17.
36. Taylor, D. (2013). Physical activity is medicine for older adults. *Postgraduate Medical Journal*, 90, 26-32.
37. World Health Organization. (2015). Ageing well must be a global priority. Available at: <http://www.who.int/ageing/en/> (Accessed 13 May 2015).

استناد به مقاله

صابری، علی، باقری، قدرت‌الله، خبیری، محمد، یزدانی، حمیدرضا، علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۷). فهم فرایند شکل‌گیری بازاریابی اجتماعی برای توسعه ورزش همگانی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۵(۶): ۳۱۶-۲۹۳.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.3295.1217

Saberi, A., Bagheri, GH., KHabiri, M., Yazdani. H. R., Alidoust, E. (2019). Understanding the Process of Formation of Social Marketing for the Development of Sport for All. *Research on Educational Sport*, 6(15): 293-316. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2019.3295.1217

ساخت و روایی سنجی پرسش‌نامه جایگاه ورزش در پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر

مهدی بشیری^۱، سید حجت زمانی ثانی^۲، بهزاد شالچی^۳، زهرا فتحی رضائی^۴

۱. استادیار مدیریت ورزشی، گروه علوم ورزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان*، تبریز

۲. استادیار رفتار حرکتی، گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز

۳. استادیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز

۴. استادیار رفتار حرکتی، گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ساخت و روایی‌سنجی پرسش‌نامه جایگاه ورزش در پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر انجام شد. بدین‌منظور، ۲۰۰ دانشجو در سنین ۱۸ تا ۳۲ سال با استفاده از پرسش‌نامه پژوهشگرساخته ارزیابی شدند. پرسش‌نامه براساس ادبیات پژوهش و کتاب راهنمای ورزش برای پیشگیری از اعتیاد دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد ساخته شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی، تحلیل عامل تأییدی، ضریب آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که عوامل اجتماعی، ورزشی، خانوادگی و فردی، به‌ترتیب در اولویت دانشجویان برای پیشگیری از اعتیاد بودند. همچنین، نتایج تحلیل عاملی از قابلیت عاملی شدن گویه‌های پرسش‌نامه جایگاه ورزش در پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر در دو عامل اجتماعی- ورزشی و فردی- ورزشی حمایت کرد. نتایج مقادیر شاخص برازش تطبیقی (۰/۹۳)، شاخص برازش مقتصد هنجار شده (۰/۹۲)، شاخص برازش فزاینده (۰/۹۳)، شاخص برازش هنجار نشده (۰/۸۱) و ریشه میانگین مربعات خطای برآورده (۰/۰۷) نشان داد که در این مقیاس، دو عامل و در عامل اول؛ یعنی عوامل اجتماعی- ورزشی، ۱۲ گویه و در عامل دوم؛ یعنی عوامل فردی- ورزشی، ۱۶ گویه به‌دست آمدند. همسانی درونی و ثبات درونی پرسش‌نامه نیز تأیید شد. همچنین، نشان داده شد که پرسش‌نامه جایگاه ورزش در پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر، از دیدگاه دانشجویان از روایی و پایایی قابل‌قبولی برخوردار بود. پرسش‌نامه ساخته‌شده می‌تواند در زمینه بررسی نظرهای گروه‌های مشابه درباره جایگاه ورزش در پیشگیری از اعتیاد، به‌کار برده شود.

واژگان کلیدی: اعتیاد، ورزش، موادمخدر، روایی، پایایی.

مقدمه

در نگاه کلی و براساس نظر عموم کارشناسان و متخصصین، پیشگیری، بهترین راه حل درمان اعتیاد به موادمخدر در نظر گرفته شده است (بوتوین^۱، ۱۹۹۴). به همین دلیل، برای شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر پیشگیری از اعتیاد، شناخت عوامل گرایش به موادمخدر در اولویت قرار می‌گیرند. در روان‌شناسی اجتماعی، گرایش به دو نوع تقسیم شده است: گرایش‌های شناختی^۲ و گرایش‌های غیرشناختی یا عاطفی^۳. اولی، با متغیرهای فکری نظیر هوش^۴، تفکر واگرا^۵ و ادراک کلامی^۶ درگیر است و دومی، با متغیرهای شخصیتی از قبیل نگرش‌ها، ترجیح‌ها^۷، علایق و نیازها سروکار دارد؛ هرچند این دو عامل با همدیگر در ارتباط نیستند (گتزلز^۸، ۱۳۷۸). گرایش یک حالت درونی است که در آن احتمال وقوع رفتارهای خاص زیاد است یا به آسانی آموخته می‌شود (پورافکاری، ۱۳۷۶). گرایش به موادمخدر یکی از مقوله‌های مهم در مباحث مربوط به اعتیاد است. در مورد سبب‌شناسی گرایش به مصرف موادمخدر فرضیه‌های مختلفی بیان شده‌اند؛ اما هیچ‌کدام از فرضیه‌ها به تنهایی نمی‌توانند علت گرایش به موادمخدر را تبیین کنند. در بیشتر موارد، مجموعه‌ای از عوامل و زمینه‌ها در گرایش به موادمخدر نقش دارند؛ اما در هر شرایط فرهنگی و اجتماعی و در هر فرد، برخی از عوامل می‌توانند نقش برجسته‌تری داشته باشند. اعتیاد به موادمخدر یک مسأله زیستی- روانی- اجتماعی^۹ است؛ بنابراین، زمینه‌های گرایش به اعتیاد را باید در ابعاد فیزیولوژیک آن از قبیل تغییرات هورمونی و تغییرات در انتقال‌دهنده‌های عصبی^{۱۰} (قبادزاده، مسعودی، محمدخانی و حسنی، ۱۳۹۵)، در ابعاد اجتماعی در مسائلی چون فقر، بیکاری، اعتیاد سایر اعضای خانواده، مهاجرت و غیره (زاهدی اصل و پیله‌وری، ۱۳۹۵) و در بعد روانی در مواردی چون احساس حقارت^{۱۱}، احساس ناامنی، وجود عوامل استرس‌زای مختلف مانند جنگ، سربازی، ازدواج، تحصیل، کنکور، کار، دوری از خانواده یا کاهش اعتماد به نفس، توانایی نداشتن در هدف‌گزینی و غیره جست‌وجو کرد. هریک از عوامل ذکر شده را می‌توان با نقش‌های مختلفی چون اوقات فراغت، ورزش، تفریحات سالم، وجود جایگزین‌های مختلف شغلی و تحصیلی و

-
1. Botvin
 2. Cognitive
 3. Affective
 4. Intelligence
 5. Divergent Thinking
 6. Verbal Perception
 7. Preferences
 8. Gatzels
 9. Bio-Psycho-Social
 10. Neurotransmitters
 11. Inferiority

غیره مرتفع کرد (دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲)؛ بنابراین، با توجه به موارد ذکر شده، اهمیت پیشگیری از سوء مصرف موادمخدر و همچنین، تأثیرگذاری سه‌گانه موادمخدر (زیستی- روانی- اجتماعی)، معرفی روش‌های پیشگیری ضروری است.

در زمینه شیوع‌شناسی موادمخدر و انواع آن، در جمعیت دانشجویی کشور آمار مختلفی گزارش شده است. دهقانی، زارع، دهقانی، صدقی و پورموحد (۱۳۸۹) میزان شیوع را ۲۱/۵ درصد شامل ۱۵/۹ درصد قلیان، ۱۴/۴ درصد سیگار، ۲/۸ درصد تریاک و ۲/۸ درصد الکل گزارش کردند و بقیه موادمخدر با درصد‌های پایین‌تر شامل قرص‌های روان‌گردان، حشیش و هروئین بودند. رحیمی‌موقر، سهیمی‌ایزدیان و یونسیان (۱۳۸۴) در یک مطالعه مروری بیان کردند که شیوع مصرف انواع مواد براساس نوع دانشگاه‌ها، دانشجویان رشته‌های مختلف، مقاطع تحصیلی و جنسیت‌ها متفاوت است که شامل چند صدم درصد تا بالای ۴۵ درصد می‌شود. علاوه بر این، خوابگاه‌های دانشجویی محلی برای رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و مصرف انواع موادمخدر مطرح شده‌اند. عواملی مانند دور بودن از محیط خانه، جداشدن از خانواده، ورود به محیط جدید، مسائل و مشکلات درسی، رقابت با دانشجویان دیگر، مشکلات مالی، آینده کاری مبهم، ناتوانی در تصمیم‌گیری، حجم زیاد کلاس‌ها، حضور دانشجویان سیگاری دیگر، مشکلات بهداشت روانی، احساس غربت، ارزش‌ها و هنجارهای مختلف دانشجویان و برخی عوامل دیگر می‌توانند زمینه‌ساز رفتارهای پرخطر ذکر شده باشند (پروین، ۱۳۹۵). این یافته‌ها اهمیت پرداختن به موضوع پیشگیری را دوچندان می‌کنند. هر روشی که بتواند تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر عوامل اجتماعی، زیستی و روانی افراد بگذارد و مصرف موادمخدر را منع کند یا به تأخیر اندازد، به‌عنوان پیشگیرنده معرفی می‌شود که با بررسی‌های لازم می‌توان در افراد مختلف و جوامع هر عامل را تعیین کرد؛ به‌عنوان مثال، یکی از روش‌های پیشگیری از مصرف موادمخدر، آگاه‌سازی افراد از خطرهای و ضررهای موادمخدر است. همچنین، اصلاح نگرش افراد به موادمخدر، یک راهکار تلقی می‌شود. از جمله راهکارهای دیگر می‌توان به ورزش همگانی یا قهرمانی یا علاقه‌مندی به تماشای برنامه‌های ورزشی یا سایر برنامه‌های صوتی و تصویری هدفمند اشاره کرد که با مطالعه‌ای اندک قابل اجرا هستند (کارپو، ارمین، پترووا، الیفیروو و اسکوروسو، ۲۰۱۵). در همین ارتباط، پژوهشگران تلاش‌های زیادی در نقاط مختلف دنیا در زمینه‌های پژوهشی و اجرایی انجام داده‌اند که در کشور ما به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و قرار گرفتن در یک منطقه حساس از لحاظ تولید و توزیع موادمخدر، توجه ویژه‌ای به این مسأله شده است که نمونه‌های آن پژوهش‌هایی است که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد (جزایری، ۱۳۸۱). برحسب قلمرو پژوهش مواردی به‌عنوان عوامل پیشگیری از اعتیاد به موادمخدر معرفی شده‌اند که به‌عنوان عوامل خانوادگی،

1. United Nations Office for Drug Control and Crime Prevention
2. Karpov, Eremin, Petrova, Alifirov, & Skorosov

فردی و محیطی جمع‌بندی شده‌اند (دهقانی و جزایری، ۱۳۸۳). هم‌راستا با روش‌ها و رویکردهای پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر که در عوامل ذکرشده بیان شده است، درزمینه فعالیت بدنی و ورزش نیز تأکیده‌های زیادی بر عوامل فردی و اجتماعی تأثیر ورزش بر پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر شده است. در این راستا، دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، برنامه‌هایی را برای استفاده از ورزش برای پیشگیری از سوءمصرف مواد به صورت مکتوب بیان کرده است (دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲). درزمینه تأثیر ورزش بر اعتیاد، آرام، غفرانی، صالحی کیا (۱۳۹۵) و قربانزاده، قربانین، یآوری، لطفی، شمیری، رازمندی و شالچی (۱۳۹۶) نتایج مثبتی را گزارش کرده‌اند. آنچه در پژوهش‌ها مشهود است، تأثیرگذاری ورزش و فعالیت‌های بدنی بر مؤلفه‌های پیشگیری از اعتیاد است که پژوهش‌های وسیعی را به خود اختصاص داده‌اند (کارپوو و همکاران، ۲۰۱۵)؛ با این حال، درزمینه مطالعات پیمایشی و توسعه‌ای، پژوهشی که بتواند عوامل تأثیرگذار احتمالی موجود در ورزش را بر پیشگیری از اعتیاد بررسی کند، مشاهده نمی‌شود. این عوامل به صورت توصیفی بیان شده‌اند؛ با این حال، پژوهشی در راستای جمع‌بندی و نظرسنجی از افراد متخصص و جامعه هدف در این زمینه، با هدف دستیابی به یک پرسش‌نامه مشخص انجام نشده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است تا نقش فعالیت بدنی و ورزش (هم از بعد فردی و هم از بعد اجتماعی) را در کنار مؤلفه‌های دیگر (شامل ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی)، درزمینه پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر در یک پرسش‌نامه براساس پیشینه پژوهش، نظرسنجی از نخبگان و درنهایت، روایی‌سنجی در یک جامعه هدف دانشجویی بررسی کند؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، ساخت و روایی‌سنجی پرسش‌نامه جایگاه ورزش در پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر با در نظر گرفتن ویژگی‌های فعالیت بدنی و ورزش از دیدگاه دانشجویان است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توسعه‌ای بود که برای ساخت پرسش‌نامه برگرفته از ادبیات پژوهش، انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی مقاطع مختلف تحصیلی در دانشگاه‌های تبریز بودند. براساس گفته بنتلر^۱ (۱۹۹۳)، درمورد نمونه آماری توصیه می‌شود که نسبت حجم نمونه به تعداد پارامترهایی که در یک مدل برآورد می‌شوند، حداقل پنج به یک، ترجیحاً ۱۰ به یک و حداکثر ۵۰ به یک باشد. در این پژوهش، با توجه به بررسی هر دو جنسیت زن و مرد و برای استفاده بهینه از روش‌های آماری پارامتری، ۲۰۰ شرکت‌کننده با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای-خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین منظور، دو دانشگاه تبریز و شهیدمدنی آذربایجان به عنوان نمونه انتخاب شدند و نظر دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی بررسی شد.

1. Bentler

ابتدا شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه اطلاعات فردی را که شامل سؤال‌هایی از قبیل سن، جنس، تحصیلات، رشته تحصیلی و میزان تحصیلات والدین بود، تکمیل کردند. پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته نگرش به پیشگیری از سوء مصرف مواد شامل عوامل فردی، اجتماعی و خانوادگی، از پیشینه پژوهش به دست آمد (پیوست شماره یک). همچنین، پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته ورزش برای پیشگیری از سوء مصرف مواد، برگرفته از کتاب *راهنمای ورزش برای پیشگیری از اعتیاد*^۱ دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد و پیشینه پژوهش بود (پیوست شماره یک). همه آیت‌ها در یک مقیاس لیکرت شش‌گزینه‌ای (خیلی کم = یک، کم = دو، متوسط = سه، زیاد = چهار، خیلی زیاد = پنج و نظری ندارم = صفر) اندازه‌گیری شدند. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه با بهره‌گیری از متخصصان زبان فارسی (سه نفر)، متخصصان حوزه اعتیاد پژوهی (چهار نفر) و متخصصان فعالیت بدنی (چهار نفر) انجام شد. در شاخص روایی محتوا، ساده بودن، واضح بودن و مربوط بودن به هر گویه بررسی شد و هر گویه‌ای که شاخص آن کمتر از ۰/۷۹ بود، دوباره بازنگری شد. در ادامه، نسبت روایی محتوا^۲ توسط متخصصان انجام شد؛ به طوری که براساس تعداد متخصصان، شاخص ۰/۷۸ برای هر گویه به عنوان نقطه برش استفاده شد. در نهایت، ۳۳ گویه برای عامل غیرورزشی (خانوادگی، فردی و اجتماعی) و ۴۵ گویه برای عامل ورزشی (اجتماعی-ورزشی و فردی-ورزشی) تأیید شدند. روش‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش، روش‌های آمار توصیفی برای محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی در مورد متغیرهای پژوهش، و آمار استنباطی شامل تحلیل عامل اکتشافی، تحلیل عامل تأییدی، آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی بودند که از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس. ۲۳ و لیزرل نسخه ۸/۸ استفاده شد.

نتایج

برای رسیدن به ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه ساخته شده توسط پژوهشگران مطالعه حاضر، از روش تحلیل عامل اکتشافی استفاده شد. برای بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه طراحی شده، عوامل فردی-ورزشی و اجتماعی-ورزشی در دو عامل بررسی شدند. شاخص کایزر-مایر-اولکین^۳ بالای ۰/۸ نشان داد که همبستگی موجود بین داده‌ها، برای تحلیل مناسب خواهد بود. همچنین، آزمون

1. Using Sport for Drug Abuse Prevention
2. Content Validity Index (CVI)
3. Content Validity Ration (CVR)
4. Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)
5. Linear Structural Relations (LISREL)
6. Kaiser-Meyer-Olkin (KMO)

کرویت بارتلت نشان داد ماتریس همبستگی‌هایی که پایهٔ تحلیل عاملی قرار می‌گیرند، در جامعه برابر با صفر نیست؛ بنابراین، قابلیت بررسی تحلیل عاملی برای پرسش‌نامهٔ دردسترس قابل‌توجیه است (جدول شمارهٔ یک).

کایزر- مایر- اولکین		۰/۸۴۷
خی‌دو	۳۶۴۰/۰۸	
درجات آزادی	۹۰۳	
سطح معناداری	۰/۰۰۰۱	

به‌طور کلی، با توجه به جدول ماتریس عناصر چرخش‌یافته نشان داده شد که دو خرده‌مقیاس در ۲۸ آیتم قابلیت عامل شدن را داشتند. این دو عامل، در مجموع ۳۱/۹۲ درصد از واریانس را پیش‌بینی کردند. عامل اول (اجتماعی- ورزشی) ارزش ویژهٔ برابر با ۶/۹۳ داشت و ۱۶/۱۳ درصد از واریانس مشاهده‌شده را توجیه کرد. دومین عامل (فردی- ورزشی) ارزش ویژه‌ای برابر با ۶/۷۹ داشت و ۱۵/۷۹ درصد از واریانس را تبیین کرد.

بار عاملی هر گویه و میزان همسانی درونی با استفاده از روش آلفای کرونباخ، در جدول شمارهٔ دو مشاهده می‌شود.

شمارهٔ گویه	گویه	اجتماعی- ورزشی (۰/۸۵)	فردی- ورزشی (۰/۸۶)
۲	اجتماعی کردن افراد از طریق پیروی از قوانین ورزشی (احترام به قوانین)	۰/۵۸۷	
۴	آموزش همکاری با دیگران برای به‌دست‌آوردن اهداف (ورزشی)	۰/۴۹۰	
۵	تلاش در مقابل محدودیت‌های عملکرد	۰/۶۲۴	
۶	به‌چالش کشیدن قابلیت‌های خود در زمین ورزش برای کسب اعتماد به نفس	۰/۵۴۵	
۷	ایجاد و غلبه بر موقعیت‌های چالش‌برانگیز (در ورزش)	۰/۶۱۱	
۱۱	تجربهٔ غرور و کسب احترام (از طریق ورزش)	۰/۵۶۷	
۱۲	نشان دادن استعدادها و شایستگی‌های فردی (در ورزش)	۰/۵۶۵	
۱۳	تقویت صلح در سطح ملی و بین‌المللی (از طریق ورزش)	۰/۵۹۴	

ادامه جدول ۲- مؤلفه‌های چرخش یافته در هر عامل و آلفای کرونباخ هر عامل

شماره گویه	گویه	اجتماعی - ورزشی (۰/۸۵)	فردی-ورزشی (۰/۸۶)
۱۶	یادگرفتن احترام به دیگران (مربی، بازیکنان هم‌تیمی، بازیکنان دیگر و غیره)	۰/۶۵۱	
۱۷	تقسیم اهداف مشترک با دیگران (به اشتراک گذاشتن اهداف)	۰/۶۳۱	
۱۸	افزایش وفاداری، تعهد و پشتکار		۰/۴۷۷
۱۹	پیشبرد ارزش‌های فرهنگی		۰/۴۵۶
۲۱	افزایش اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس		۰/۴۶۶
۲۲	کاهش استرس و کنترل آن		۰/۵۲۷
۲۵	مدیریت تعارض‌ها در ورزش (نحوه مقابله با شرایط نامساعد در ورزش، مانند دعوا)	۰/۵۲۷	
۲۶	انجام بازی‌های بومی - محلی و افزایش عرق ملی	۰/۴۵۴	
۲۷	انجام ورزش‌های همگانی (پیاده‌روی، کوهنوردی و غیره)		۰/۵۵۹
۲۸	انجام ورزش‌های هوازی (دویدن، شنا، دوچرخه‌سواری و غیره)		۰/۶۰۴
۲۹	اثرهای فیزیولوژیک مثبت (ترشح هورمون‌های شادی‌آور در ورزش، مانند اندروفین و غیره)		۰/۵۲۴
۳۰	انجام ورزش و فعالیت بدنی برای کاهش افسردگی		۰/۶۷۳
۳۱	انجام ورزش و فعالیت بدنی برای کاهش خشم و پرخاشگری		۰/۵۷۴
۳۲	انجام ورزش و فعالیت بدنی برای کاهش اضطراب		۰/۵۶۹
۳۳	انجام ورزش و فعالیت بدنی برای کاهش انزوا و گوشه‌گیری		۰/۵۸۰
۳۴	تخلیه انرژی و هیجانات		۰/۵۴۹
۳۵	ورزش‌هایی برای آرام‌سازی روح و روان، مانند یوگا		۰/۴۵۰
۳۶	آموزش‌های ورزشی به افراد در سنین مختلف		۰/۵۳۸
۴۰	ایجاد حس موفقیت در ورزش		۰/۴۸۷
۴۳	ورزش برای بهبود وضعیت ظاهری و تناسب اندام		۰/۴۵۱

* بارهای عاملی برابر و بزرگ‌تر از ۰/۴۵۰ ± به عنوان بار مبنا انتخاب شدند. آلفای کرونباخ کل = ۰/۹۰

در ادامه، برای بررسی ثبات درونی پرسش‌نامه از ضریب همبستگی پیرسون در خرده‌مقیاس‌ها و کل پرسش‌نامه استفاده شد. همچنین، برای بررسی روایی سازه، همبستگی بین سن، سال‌های زندگی در دانشگاه و خرده‌مقیاس‌ها بررسی شد (جدول شماره سه).

جدول ۳- شاخص‌های توصیفی و همبستگی بین اطلاعات جمعیت شناختی و چهار عامل پیشگیری از

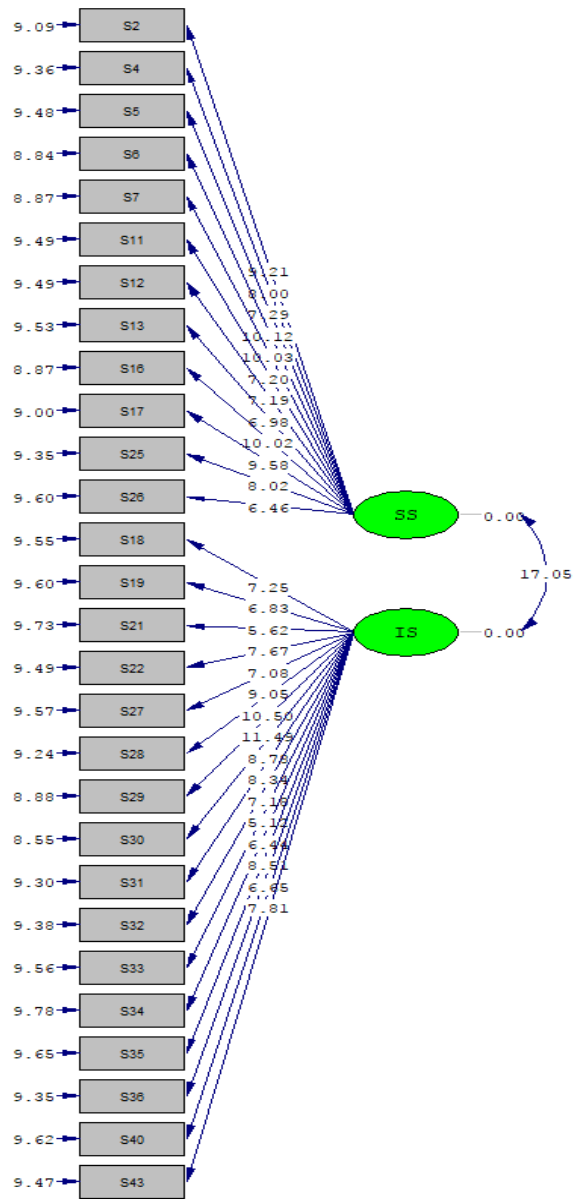
سوءمصرف مواد مخدر

انحراف استاندارد	سال‌های میانگین دانشگاه	کل خانوادگی اجتماعی فردی	اجتماعی - فردی - ورزشی	فردی - ورزشی	اجتماعی - ورزشی				
۰/۷۷	۳/۲۸				اجتماعی - ورزشی				
۰/۷۰	۳/۵۳			۰/۶۱۵**	فردی - ورزشی				
۰/۶۶	۳/۴۱			۰/۸۸۹**	۰/۹۰۸** کل ورزشی				
۰/۷۱	۳/۰۹			۰/۴۲۳**	۰/۳۶** ۰/۳۹۹** خانوادگی				
۰/۶۶	۳/۴۸			۰/۵۹۹**	۰/۴۰۱** ۰/۴۰۷** اجتماعی				
۰/۶۹	۳/۰۹			۰/۵۱۴**	۰/۵۵۶** ۰/۴۷۴** ۰/۴۰۸** فردی				
۲/۷۲	۴/۸۹	۰/۱۱۶	۰/۳۱۵**	۰/۲۱۸**	۰/۰۷۰	۰/۰۹۷	۰/۰۳۲	سال‌های دانشگاه	
۳/۸۱	۲۴/۲۵	۰/۸۴۱**	۰/۱۳۲	۰/۳۴۷**	۰/۲۵۸**	۰/۱۴۳*	۰/۱۴۲*	۰/۱۱۷	سن

P ≤ ۰/۰۱*؛ P ≤ ۰/۰۵**

نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل عامل تأییدی براساس تخمین پارامتر نشان داد که در هر دو عامل پرسش‌نامه موردنظر، گویه‌های مربوط رابطه معناداری داشتند؛ به‌گونه‌ای که دامنه رابطه‌ها بین ۰/۴۹ تا ۰/۹۲ بود. در شکل شماره دو، مقادیر نمره تی بین گویه‌ها و عوامل نشان داده شده‌اند. همان‌طور که در شکل شماره یک مشاهده می‌کنید، مقادیر نمرات تی بین ۴/۶۵ و ۱۰/۶۳ قرار دارند.

شاخص‌های اصلی برازش الگوی پرسش‌نامه حاضر به‌صورت $CFI = ۰/۹۳$ ، $IFI = ۰/۹۲$ ، $NNFI = ۰/۹۳$ ، $PNFI = ۰/۸۱$ و $RMSEA = ۰/۰۷$ بودند. براساس مقادیر به‌دست‌آمده در هر پنج شاخص برازش می‌توان گفت که هر پنج شاخص برازش قابل قبول هستند؛ در نتیجه، پرسش‌نامه مطالعه حاضر با دو عامل اجتماعی-ورزشی با ۱۲ گویه و فردی-ورزشی با ۱۶ گویه تأیید شد.



Chi-Square=728.54, df=349, P-value=0.00000, RMSEA=0.074

SS= Socio-Sportive, IS= Individual-Sportive

شکل ۱- مقادیر تی مربوط به گویه‌های پرسش‌نامه در تحلیل عامل تأییدی

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، عوامل ورزشی (اجتماعی- ورزشی و فردی- ورزشی) و غیرورزشی (خانوادگی، اجتماعی و فردی)، از دیدگاه دانشجویان در زمینه پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر بررسی شدند. نتایج نشان داد که عوامل اجتماعی، ورزشی و سپس، خانوادگی و فردی به ترتیب عوامل مهم از نظر دانشجویان محسوب می‌شوند. این موضوع با مدنظر قرار دادن سن جوانی، دوری از خانواده و بودن در جمع دوستان، به‌ویژه با توجه به اینکه داده‌های پژوهش حاضر از بین دانشجویان ساکن در خوابگاه جمع‌آوری شده بودند، بسیار اهمیت دارد.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات فولادی (۱۳۹۵)، افراسیابی و مداحی (۱۳۹۵) و منصوریان و همکاران (۱۳۹۵) هم‌خوانی داشت. فولادی (۱۳۹۵) بیان کرد که مهم‌ترین علت اعتیاد در تبریز مربوط به عوامل اجتماعی است و عوامل دیگر در اولویت‌های بعدی قرار داشتند. افراسیابی و مداحی (۱۳۹۵) محدودیت امکانات ورزشی را از عوامل مهم برشمردند. در پژوهش منصوریان و همکاران (۱۳۹۵) معتادان سه عامل فردی، خانوادگی و اجتماعی را از عوامل اصلی گرایش به موادمخدر دانستند. در زمینه تأثیر فعالیت بدنی بر اعتیاد، اراضی و دادوند (۱۳۹۵) بیان کردند که ورزش به ترشح بیشتر سروتونین و کاهش علائم افسردگی منجر می‌شود.

با این حال، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعه امیرپور (۱۳۷۶) هم‌خوانی نداشت. وی مهم‌ترین عامل در گرایش به اعتیاد را عامل خانواده بیان کرد؛ البته باید بیان کرد که پژوهش وی در بین نوجوانان انجام شده بود؛ اما پژوهش حاضر در بین جوانان دانشجوی ساکن در خوابگاه دانشجویی انجام شد که موقعیتی غیر از شرایط خانوادگی را در یک اجتماع دیگر به‌خوبی درک کرده‌اند. در این مورد، نتایج همبستگی بین تعداد سال‌های دانشگاه و میزان درک عوامل گرایش به موادمخدر نیز بیانگر این موضوع است؛ به‌طوری‌که نشان داده شد هرچه میزان حضور در دانشگاه افزایش می‌یابد، عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به موادمخدر از دیدگاه دانشجویان نیز پراهمیت‌تر می‌شوند.

همچنین، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که پرسش‌نامه ساخته شده از تحلیل عامل اکتشافی قابل‌قبولی برخوردار است؛ به‌طوری‌که عامل اجتماعی- ورزشی با ۱۲ گویه و عامل فردی- ورزشی با ۱۶ گویه، قابل‌شناسایی بودند. افزون‌براین، نتایج ضریب آلفای کرونباخ نشان‌دهنده همسانی درونی قابل‌قبولی در خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه و کل پرسش‌نامه بود. همچنین، همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه با کل پرسش‌نامه (جدول شماره ۳)، نشان‌دهنده روایی قابل‌قبول همسانی درونی بود. بین عوامل فردی- ورزشی در پیشگیری از اعتیاد و سن نیز رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد که می‌تواند ناشی از اطلاعات و درک بیشتر دانشجویان با سن بیشتر از شرایط دانشجویی و قابلیت ورزش در پیشگیری از اعتیاد در عوامل فردی باشد؛ با این حال، بین

عوامل اجتماعی-ورزشی و سن رابطه‌ای مشاهده نشد. همچنین، بین سن و عوامل اجتماعی، فردی و خانوادگی مؤثر در اعتیاد، رابطه مثبت و معناداری گزارش شد. در واقع، در پرسش‌نامه پژوهش حاضر، قابلیت ورزش در پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر، از نظر دانشجویان تأیید شد. دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد نیز این موضوع را به صورت توصیفی تأیید کرده است. آن دفتر از ورزش به عنوان منبع رشد و تکامل انسان یاد می‌کند و بیان می‌کند که مردم از دوران باستان ورزش می‌کرده‌اند. در طول زمان، بسیاری از انواع ورزش‌ها ایجاد شده‌اند که شامل ورزش‌های انفرادی، تیمی، ورزش‌های سازمان‌یافته غیررسمی، ورزش‌های سازمان‌یافته و حرفه‌ای هستند. انواع ورزش‌ها می‌توانند به روش‌های مختلف اثر مثبتی بر افراد و جوامع داشته باشند؛ برای مثال، ورزش می‌تواند فرصتی برای بازی و سرگرمی، رقابت، رهایی از خستگی با ایجاد زمان آزاد، بهبود جامعه‌پذیری به وسیله معرفی قوانینی که باید رعایت شوند، همکاری با دیگران برای رسیدن به هدف، به چالش کشیدن محدودیت‌های انسانی، اندازه‌گیری (سنجش) خود، ایجاد و غلبه بر خطرها، کشف محدودیت‌های فردی، ایجاد موقعیت دوستی و تقویت روابط با دیگران، شناخت بهتر بدن خود، به دست آوردن درآمد، تجربه غرور، ابراز توانایی و استعدادهای فردی، تقویت صلح در سطوح محلی و بین‌المللی، حفظ فرم بدنی، به دست آوردن یا کاهش وزن بدن، به دست آوردن و حفظ سلامت روانی، یادگیری نحوه احترام به دیگران، به اشتراک گذاری اهداف مشترک با دیگران، توسعه وفاداری، تعهد و پشتکار، پیشبرد ارزش‌های فرهنگی، تمرین مهارت‌های زندگی مانند مدیریت خشم و کاهش استرس باشد (دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲).

پژوهشگران مطالعات متعددی در این زمینه انجام داده‌اند؛ با این حال، همه جوانب تأثیرگذاری ورزش به روشنی مشخص نشده‌اند. برشنايدر بیان کرد که ورزش در جوانان می‌تواند به بهبود عزت‌نفس، مقابله بهینه با استرس، بهبود عملکرد تحصیلی و روابط بهتر با خانواده منجر شود. همه این‌ها، تنها مواردی هستند که ورزش می‌تواند در رشد و تکامل جوانان کارساز باشد. در زمینه پیشگیری از مصرف موادمخدر، این عوامل به عنوان عوامل پیشگیرانه یا دارایی‌هایی هستند که می‌توانند به طور بالقوه از طریق ورزش توسعه داده شوند و می‌توانند به پیشگیری از دامنه‌ای از مشکلات شامل مصرف موادمخدر منجر شوند (دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲).

همان‌طور که مشاهده شد، عامل اجتماعی و به دنبال آن عامل ورزشی، از نظر دانشجویان از اولویت بالایی در پیشگیری از اعتیاد برخوردار بود. با توجه به اینکه داده‌های مطالعه حاضر از بین دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی جمع‌آوری شده بودند، و با توجه به پیشینه پژوهش، قابلیت سازگاری افراد در محیط‌های خوابگاهی را باید در کانون توجه قرار داد. چنین سازگاری‌ای نیازمند

تطبیق یافتن با محیط جدید، غذاهای جدید، افراد و گروه‌های دوستی جدید، تغییر احتمالی ساعات خواب و بیداری، الگوهای نظافتی و حتی تفکر و در یک کلام، سبک زندگی جدید خواهد بود. چنین تفاوت و تغییر محیطی مسلماً باعث افزایش فشار اجتماعی خواهد شد که نحوه مواجهه افراد ساکن در خوابگاه با چنین فشاری بسیار دارای اهمیت خواهد بود (پروین، ۱۳۹۵). در این زمینه، ورزش می‌تواند قابلیت‌های خود را نشان دهد. پرسش‌نامه ساخته شده بر اساس پیشینه پژوهش، در خرده‌مقیاس‌های اجتماعی- ورزشی و فردی- ورزشی که بر اساس کتاب راهنمای ورزش برای پیشگیری از سوءمصرف مواد تهیه شده توسط دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد بود، به روش تحلیل عامل اکتشافی در دو عامل ورزشی تأیید شد. همچنین، میزان همبستگی بین خرده‌مقیاس‌ها و کل پرسش‌نامه نشان‌دهنده ثبات درونی مناسب و ضریب آلفای کرونباخ کافی برای هر خرده‌مقیاس بود و کل پرسش‌نامه نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب پرسش‌نامه ساخته شده بود. به هر حال، با توجه به کمبود منابع در این زمینه و اینکه پرسش‌نامه ساخته شده اولین پرسش‌نامه در این زمینه است، انجام پژوهش‌های آینده با هدف بررسی روایی و پایایی پرسش‌نامه پیشگیری از سوءمصرف مواد از طریق ورزش، در گروه‌های مختلف جامعه نیاز است. در این زمینه، گروه‌های خاص مانند معتادان نیازمند بررسی هستند تا مشخص شود که از دیدگاه آنان، ورزش چه مزایایی در زمینه پیشگیری از سوءمصرف موادمخدر می‌تواند داشته باشد. با توجه به اولویت ارائه شده توسط دانشجویان، به عوامل اجتماعی و ورزشی نیاز است تا عوامل مربوط به این خرده‌مقیاس‌ها به‌طور دقیق مورد توجه قرار گیرند. در این زمینه، دسترسی آسان به موادمخدر، بیکاری، برخی شغل‌ها که ممکن است فرد را به سمت مصرف موادمخدر سوق دهند و در نهایت، اختلاف طبقاتی موجود در جامعه، از دیدگاه دانشجویان بسیار اهمیت داشتند؛ بنابراین، ایجاد فرصت‌های اشتغال برای افراد و کنترل بیش از پیش دسترسی آسان به موادمخدر، باید مدنظر مسئولان محترم قرار گیرند. در این زمینه، ایجاد بسیاری از مشاغل برگرفته از مدارک دانشگاهی که هنوز جزو مشاغل تعریف شده در ایران محسوب نمی‌شوند، می‌تواند توسط سازمان‌های مربوط انجام شوند و بسیاری از مشکلات موجود در کشور را با ایجاد زمینه برای شغل‌های جدید مرتفع کند. همچنین، با توجه به اهمیت عامل ورزش از دیدگاه دانشجویان، در پژوهش حاضر می‌توان موارد زیر را مدنظر قرار داد:

- ایجاد محیط بازی، سرگرمی، شاداب و آزاد از طریق ورزش (ترشح هورمون‌های شادی آور در ورزش، اندورفین و غیره)، انجام ورزش‌های مختلف با حداقل تأکید بر بردو باخت و تأکید فراوان بر مشارکت ورزشی و لذت بردن از آن؛

- اجتماعی کردن، ایجاد دوستی و آموزش همکاری با دیگران از طریق پیروی و احترام به قوانین ورزشی از طریق انجام ورزش‌های همگانی که با قوانین اندک می‌توانند در این زمینه کارساز باشند (پیاده‌روی، کوهنوردی و غیره)؛
- تلاش در مقابل محدودیت‌های عملکرد انسانی، به‌چالش کشیدن قابلیت‌های خود، کشف محدودیت‌های فردی در ورزش، نشان دادن استعدادها و شایستگی‌های فردی و کسب اعتماد به نفس از طریق ورزش؛
- بهبود وضعیت جسمانی و بدنی فرد، تناسب اندام، حفظ یا کاهش وزن، حفظ یا کسب سلامت روانی مناسب، کاهش استرس و کنترل آن، کاهش خشم و پرخاشگری، کاهش اضطراب، کاهش انزوا و گوشه‌گیری، انجام ورزش‌هایی مانند یوگا برای تمرکز و تمدد اعصاب، انجام ورزش ایروبیک برای ایجاد ریتم و هماهنگی بین ذهن و جسم و ارائه آموزش‌های ورزشی به افراد در سنین مختلف برای مشارکت حداکثر در ورزش‌ها؛
- کسب درآمد، تجربه غرور و کسب احترام (از طریق ورزش)؛
- افزایش وفاداری، تعهد و پشتکار و پیشبرد ارزش‌های فرهنگی از طریق ورزش (انجام ورزش‌های استقامتی مانند دویدن‌ها، شنا و دوچرخه‌سواری که نیازمند پشتکار و مداومت در انجام کار و احترام به دیگران در ورزش هستند) (دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲).

منابع

1. Afrasiabi, H., & Maddahi, J. (2016). Identify and explain of the Leisure role in smoking among students. *Social Development and Welfare Planning*, 7(26), 179-216. (Persian)
2. Aghababaie, H., & Rezaei Zadfar, B. (2014). The criminalization of drug addiction in the light of the principle of legal paternalism. *Criminal law studies and criminology*, 1(1), 1-21. (Persian).
3. Ahadi, R., & Mohammadi, S. (2017). Factors affecting in addiction and drug abuse through proactive approach with an emphasis community-based approach. *Social health & addiction*, 3(12), 103-149. (Persian).
4. Ahmadi, S., Kargarfard, M., & Alaei, M. (2016). The effect of aerobic exercise on tendency to consumption of morphine in male rat. *Journal of Isfahan Medical School*, 34(394), 927- 932. (Persian).
5. Akbari Zardkhaneh, S., & Zandi, S. (2016). Predicting university students' addiction admission based on their self-efficacy and social support feelings. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 17(2), 36-44. (Persian).

- Amirpour, M. (1997). Investigation of the causes of youth addiction tendency in Khorasan province. (Unpublished master's thesis). Islamic Azad University Torbat-e Jam branch, Torbat-e Jam (Persian).
6. Aram, S., Ghofrani, M., & Salehikia, A. (2015). Effect of combination of a ten-week aerobic exercise and vitamin E supplement on blood pressure, heart rate and VO2max of addicted women. *Feyz*, 20(1), 16-24. (Persian).
 7. Arazi, H., & Dadvand S. S. (2017). The effect of eight week aerobic training on plasma levels of serotonin and depression in addicted men to methamphetamine during rehabilitation. *Alborz University Medical Journal*, 6(1), 66-74. (Persian).
 8. Bailey, R. (2006). Physical education and sport in schools: A review of benefits and outcomes. *Journal of school health*, 76(8), 397-401.
 9. Beutler, I. (2008). Sport serving development and peace: Achieving the goals of the United Nations through sport. *Sport in Society*, 11(4), 359-369.
 10. Bohrani, Sh., & Soroush, M. (2016). The role of parents conflicts in addicting children in Shiraz. *Woman Police*, 24, 94-113. (Persian).
 11. Borusiak, L. (2010). Soccer as a catalyst of patriotism. *Russian Social Science Review*, 51(1), 72-96.
 12. Botvin, G. L. (1994). Smoking prevention among New York Hispanic youth: Results of a four-year evaluation study. *Preventive Medicine*, 11, 290-301.
 13. Coakley, J. (2011). Youth sports: What counts as "positive development"? *Journal of Sport and Social Issues*, 35(3), 306-324.
 14. Dehghani, M., & Jazayeri, A. (2005). Descriptive and analytical evaluation of substance abuse prevention approaches. *Social Welfare*, 4(15), 13-42. (Persian).
 15. Dehghani, Kh., Zare, A., Dehghani, H., Sedghi, H., & Pourmovahed, Z (2010). Prevalence and related factors of drug abuse among medical science shahid Sadoughi students. *Journal of Shaheed Sadoughi University of Medical Sciences*, 18(3), 164-169. (Persian).
 16. Doosti, I., Ahmadi, H., & Mirfendereski, S. H. (2016). Family and social factors affecting the changing patterns of drug use among women (from traditional to industrial) and providing preventive strategies. *Crime Prevention Studies Quarterly*, 39, 67-100. (Persian).
 17. Ehteshami, A. (2015). Cigarettes consumption as a gate of drug abuse. *Social Health & Addiction*, 2(5), 87-102. (Persian).
 18. Feyzi, H., Vaisi Raygani, A., Abdi, A., Shakeri, J., & Mardokhi M. (2016). The predisposing factors for drug abuse in viewpoints of referrers to addiction treatment centers in Kermanshah. *Iranian Journal of Rehabilitation Research in Nursing*, 2(2), 47-56. (Persian).
 19. Fouladi, A. (2016). An investigation into the causes of addiction in Tabriz, East Azerbaijan Province. *Social Health and Addiction*, 3(10), 55-7. (Persian).
 20. Getzels, J. W. (1999). *Social psychology*. (Y. Karimi, translator). Tehran: Virayesh Publication. (Persian).
 21. Ghobadzadeh, S., Masudi, M., Mohammadkhani, S., & Hasani, J. (2016). A review of physiological and cognitive factors associated with drugs (based on two decades of research in Iran). *Social Health and Addiction*, 3(9), 111-129. (Persian).
 22. Ghorbani, E. (2015). An overview of the variables of women's tendency to drug abuse and its consequences. *Social health & addiction*, 2(7), 151-175. (Persian).

23. Ghorbanzadeh, B., Ghorbanian, B., Yavari, Y., Lotfi, M., Shamiry, M., Razmandi, F., Shalchi, B. (2017). Effect of physical activity on body mass index and some physical fitness factors in addicted women. *Journal of Health Promotion Management*, 6(4), 43-49. (Persian).
24. Hausenblas, H. A., & Fallon, E. A. (2006). Exercise and body image: A meta-analysis. *Psychology and Health*, 21(1), 33-47.
25. Houlihan, B. (Ed.). (2007). *Sport and society: A student introduction*. Los Angeles: Sage.
26. Jackson, S. A. (2000). Joy, fun, and flow state in sport. In Y. L. Hanin (Ed.), *Emotions in sport* (pp. 135-155). Champaign, IL, US: Human Kinetics.
27. Jazayeri, A. (2002). Global drug market in Iran and other countries. (2000-2001). *Social Welfare*, 2(5), 271-300. (Persian).
28. Karpov, V. Y., Eremin, M. V., Petrova, M. A., Alifirov, A. I., & Skorosov, K. K. (2015). Modern approaches to preventing drug addiction by means of physical activity and sports. *Biology and Medicine*, 7(5), 1-4.
29. Mansourian, M., Ebadi Fard Azar, F., Rastgari Mehr, B., Solhi, M., Dehdari, T., Taghdisi M. H., Shafeiyan, Z., Rezapour, A., Ghorbani, M., Ansari, H. (2016). Personal and environmental factors affecting drug abuse tendency in addicts: A qualitative study. *Payesh*, 15(3), 281-291. (Persian).
30. Mazloomi, S., Jalilian F., Mirzaei Alavijeh, M., & Zolghadr, R. (2016). Predicting factors about drug abuse among students: An application of theory of planned behavior. *Journal of Toloo-e-Behdasht*, 14(6), 286-298. (Persian).
31. McCarthy, P. J. (2011). Positive emotion in sport performance: Current status and future directions. *International Review of Sport and Exercise Psychology*, 4(1), 50-69.
32. Mock, V., Pickett, M., Ropka, M. E., Lin, E. M., Stewart, K. J., Rhodes, V. A., & McCorkle, R. (2001). Fatigue and quality of life outcomes of exercise during cancer treatment. *Cancer Practice*, 9(3), 119-127.
33. Nouri, R. (2016). Assessing college students needs to preventive intervention for addiction. *Journal of Psychology*, 20, 189-205. (Persian).
34. Nucci, C., & Young-Shim, K. (2005). Improving socialization through sport: An analytic review of literature on aggression and sportsmanship. *Physical Educator*, 62(3), 123-129.
35. Parvin, S. (2016). The student's life challenges in private dormitories in Tehran (with an emphasis on social pathologies). *Iranian Journal of Social problems*, 7(2), 311-338.
36. Pazani, F., Borjali, A., Ahadi, H., & Kraskian Mujembari, A. (2017). Potential factors for being addicted in adolescents: Psychosocial factors and co-dependency. *Social Health and Addiction*, 3(11), 115-127. (Persian).
37. Pourafkari, N. (1997). *Encyclopedia of psychology, Psychiatric*. Tehran: Farhang Moaser Publication. (Persian).
38. Rafiey, H., & Alipour, F. (2015). Development and validation of a scale for measuring youth's attitudes to substance abuse in Iran. *Social Welfare*, 15(57), 95-107. (Persian).

39. Rahimi Movaghar, A., Sahimi Izadyan, E., & Younesyan, M. (2006). Review study of drug use status in country students. *Payesh*, 5(2), 83- 104. (Persian).
40. Salimi, H., Gohari, S., Kermanshahi, F., & Javdan, M. (2015). On the prediction of addiction potential based on family process and content model in high school students. *Journal of Research of Addiction*, 9(34), 53-66. (Persian).
41. Theokas, C., Danish, S., Hodge, K., Heke, I., & Forneris, T. (2008). Enhancing life skills through sport for children and youth. *Positive Youth Development Through Sport*, 6, 71-81.
42. United Nations Office for Drug Control and Crime Prevention. (2002). *SPORT: using sport for drug abuse prevention*. New York: United Nations.
43. Wichstrom, T., & Wichstrom, L. (2009). Does sports participation during adolescence prevent later alcohol, tobacco and cannabis use? *Addiction*, 104(1), 138-149.
44. Zahedi Asl, M., & Pilevari, A. (2016). A meta-analysis of addiction and family studies. *Social Development & Welfare Planning*, 7(28), 2-40. (Persian).

استناد به مقاله

بشیری، مهدی، زمانی ثانی، سیدحجت، شالچی، بهزاد، فتحی رضایی، زهرا. (۱۳۹۷). ساخت و روایی سنجی پرسش نامه جایگاه ورزش در پیشگیری از سوء مصرف موادمخدر. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۳۸-۳۱۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.4817.1364

Bashiri, M., Zamani Sani, S. H., Shalchi, B., Fathirezaie, Z. (2019). Construction and Validation of Sport Status in Drug Abuse Prevention Questionnaire. *Research on Educational Sport*, 6(15): 317-38. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.4817.1364

پیوست ۱- پرسش‌نامه عوامل گرایش به موادمخدر

به‌نظر شما، هرکدام از عوامل زیر چه مقدار در گرایش به موادمخدر تأثیر دارند؟

منبع	عوامل (خانوادگی در گرایش)
منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)، قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)، فولادی (۱۳۹۵)، نوری (۱۳۹۵)، زاهدی‌اصل و پیلهوری (۱۳۹۶)	۱- کمبود عواطف و دلبستگی بین والدین و فرزندان
منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)، فولادی (۱۳۹۵)، نوری (۱۳۹۵)، بحرانی و سروش (۱۳۹۵)	۲- دعوا و اختلافات خانوادگی
احتشامی (۱۳۹۴)، منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)، فولادی (۱۳۹۵)	۳- مصرف سیگار توسط والدین
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)، فولادی (۱۳۹۵)	۴- مصرف موادمخدر توسط والدین
مظلومی و همکاران (۱۳۹۴)، قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)، نوری (۱۳۹۵)، زاهدی‌اصل و پیلهوری (۱۳۹۶)	۵- طلاق والدین
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)، نوری (۱۳۹۵)	۶- وجود ناپدری یا نامادری در خانه
فولادی (۱۳۹۵)، زاهدی‌اصل و پیلهوری (۱۳۹۶)	۷- تعدد ازدواج والدین
قربانی (۱۳۹۴)، قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)، بحرانی و سروش (۱۳۹۵)	۸- میزان تحصیلات پایین والدین
آقابابایی و رضائی زادفر (۱۳۹۳)	۹- حاکمیت یکی از والدین در خانه (پدرسالاری یا مادرسالاری)
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۱۰- تبعیض بین فرزندان
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۱۱- محدودکردن بیش از اندازه فرزندان
منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)	۱۲- آزادی بیش از اندازه فرزندان
قربانی (۱۳۹۴)، فولادی (۱۳۹۵)	۱۳- میزان درآمد بسیار پایین خانواده
فولادی (۱۳۹۵)	۱۴- میزان درآمد بسیار بالای خانواده
فیضی، ویسی رایگانی، عبدی، شاکری و مردوخی (۱۳۹۴)، منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)	۱۵- دوستان ناباب و هنجارشکن
منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)	۱۶- دسترسی آسان به موادمخدر
فولادی (۱۳۹۵)	۱۷- قیمت پایین موادمخدر
فولادی (۱۳۹۵)، بحرانی و سروش (۱۳۹۵)	۱۸- اختلافات طبقاتی فاحش در جامعه
منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)	۱۹- بیکاری
قربانی (۱۳۹۴)، منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)	۲۰- نوع شغل فرد (برخی از مشاغل فرد را به مصرف مواد ترغیب می‌کنند)
دوستی، احمدی و میرفندرسکی (۱۳۹۵)	۲۱- گذر جامعه از سنتی به مدرنیسم و مصرف انواع روان‌گردان‌ها، الکل و غیره

منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)، قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۲۲- رسیدن به سن نوجوانی
اراضی و دادوند (۱۳۹۵)، قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۲۳- افسردگی
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۲۴- بی‌حوصلگی و انزوای شخصیتی
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۲۵- سازگاری نداشتن فرد با جامعه (ضداجتماعی بودن)
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۲۶- حرف‌شنوی نداشتن فرزندان از والدین و احترام‌نگذاشتن به والدین
سلیمی، گوهری، کرمانشاهی و جاودان (۱۳۹۴)، فولادی (۱۳۹۵)	۲۷- وضعیت ضعیف تحصیلی فرد
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۲۸- خشونت و پرخاشگری فرد
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۲۹- اختلالات روانی (وضعیت روانی نامطوب فرد همراه با توهم، هزیان و غیره)
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۳۰- مشکلات شخصی و ناکامی‌های فردی
فیضی و همکاران (۱۳۹۴)، قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)، پازانی، برجعلی، احدی و کراسکیان موجمباری (۱۳۹۵)، فولادی (۱۳۹۵)	۳۱- کنجکاو بودن فرد
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)، فولادی (۱۳۹۵)	۳۲- تنوع‌طلبی و دوری از روزمرگی
قربانی (۱۳۹۴)، رفیعی و علی‌پور (۱۳۹۱)، سلیمی و همکاران (۱۳۹۴)، فولادی (۱۳۹۵)، قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۳۳- رهایی از دردهای جسمانی

به‌نظر شما، هر کدام از عوامل زیر چه مقدار در پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر تأثیر دارند؟

منبع	عوامل (خانوادگی در گرایش)
قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)	۱- شیوه تربیتی مناسب والدین در نظام‌مندی رفتار کودک
منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)	۲- نظارت والدین بر اعمال فرزندان
سلیمی و همکاران (۱۳۹۴)، قبادزاده و همکاران (۱۳۹۵)، اکبری و زندی (۱۳۹۵)	۳- صمیمیت در بین اعضای خانواده
منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)	۴- آموزش رفتارهای قاطع (نه گفتن)
منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)، احدی و محمدی (۱۳۹۵)	۵- افزایش دانش و اطلاعات افراد در مورد اثرهای مخرب مصرف مواد
دهقانی و جزایری (۱۳۸۳)، احدی و محمدی (۱۳۹۵)	۶- آموزش مداوم در مدرسه و دانشگاه در جهت رشد شخصیت اجتماعی- فرهنگی
منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)	۷- تأثیر افراد مهم (معلم، مربی و غیره) در کاهش اثر مخرب دوستان ناباب
رفیعی و علی‌پور (۱۳۹۱)، احدی و محمدی (۱۳۹۵)	۸- مبارزه و برخورد قضایی و انتظامی با معتادان

۹- آموزش از طریق رسانه‌های گروهی (رادیو، تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی)	منصوریان و همکاران (۱۳۹۵)، احدی و محمدی (۱۳۹۵)
۱۰- آموزش مهارت‌های زندگی و روش‌های پیشگیری از مصرف مواد	دهقانی و جزایری (۱۳۸۳)، احدی و محمدی (۱۳۹۵)
۱۱- اعتقادات مذهبی	سلیمی و همکاران (۱۳۹۴)
۱۲- افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس	اکبری و زندی (۱۳۹۵)
۱۳- اهمیت وضعیت ظاهری و جسمانی در فرد	سلیمی و همکاران (۱۳۹۴)

به نظر شما، هر کدام از عوامل زیر در زمینه ورزش و فعالیت بدنی چه مقدار در پیشگیری از

سوء مصرف مواد مخدر تأثیر دارند؟

منبع	عوامل
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، جکسون (۲۰۰۰)	۱- ایجاد محیط بازی، سرگرمی و شادابی
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، نوسی و یانگ شیم (۲۰۰۵)	۲- اجتماعی کردن افراد از طریق پیروی از قوانین ورزشی (احترام به قوانین)
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، مک و همکاران (۲۰۰۱)	۳- رهاشدن از خستگی و کسالت با فراهم کردن محیطی آزاد
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بتلر (۲۰۰۸)	۴- آموزش همکاری با دیگران برای به دست آوردن اهداف (ورزشی)
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)	۵- تلاش در مقابل محدودیت‌های عملکرد
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)	۶- به چالش کشیدن قابلیت‌های خود در زمین ورزش برای کسب اعتماد به نفس
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)	۷- ایجاد و غلبه بر موقعیت‌های چالش برانگیز (در ورزش)
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بتلر (۲۰۰۸)	۸- ایجاد دوستی و تقویت روابط با دیگران
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، هاسنبلاس و فالون (۲۰۰۶)	۹- بهبود وضعیت جسمانی و بدنی
دفتر مبارزه با مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بتلر (۲۰۰۸)	۱۰- کسب درآمد (از طریق ورزش)

1. Jackson
2. Nucci & Young-Shim
3. Mock, Pickett, Ropka, Lin, Stewart, Rhodes, & McCorkle
4. Hausenblas, & Fallon

دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)	۱۱- تجربه غرور و کسب احترام (از طریق ورزش)
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)	۱۲- نشان دادن استعدادها و شایستگی های فردی
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بتلر (۲۰۰۸)	۱۳- تقویت صلح در سطوح ملی و بین المللی
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، هاسنبلاس و فالون (۲۰۰۶)	۱۴- تناسب اندام، حفظ یا کاهش وزن
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بتلر (۲۰۰۸)	۱۵- حفظ یا کسب سلامت روانی مناسب
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، توکاس (۲۰۰۸)	۱۶- یادگرفتن احترام به دیگران (مربی، بازیکنان هم تیمی، بازیکنان دیگر و غیره)
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، توکاس (۲۰۰۸)	۱۷- تقسیم اهداف مشترک با دیگران (به اشتراک گذاشتن اهداف)
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، توکاس (۲۰۰۸)	۱۸- افزایش وفاداری، تعهد و پشتکار
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، توکاس (۲۰۰۸)	۱۹- پیشبرد ارزش های فرهنگی
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)	۲۰- تجربه پیشگام بودن، احساس رسیدن به حد نهایی محدودیت ها
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بیلی (۲۰۰۶)	۲۱- افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بیلی (۲۰۰۶)	۲۲- کاهش استرس و کنترل آن
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بتلر (۲۰۰۸)	۲۳- بهبود عملکرد تحصیلی
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، کوکلی (۲۰۱۱)	۲۴- بهبود روابط با خانواده (انجام فعالیت های ورزشی خانوادگی)
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، کوکلی (۲۰۱۱)	۲۵- مدیریت تعارض ها در ورزش (نحوه مقابله با شرایط نامساعد در ورزش، مانند دعوا)
بوروسیاک (۲۰۱۰)	۲۶- انجام بازی های بومی - محلی و افزایش عرق ملی
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، هولیهان (۲۰۰۷)	۲۷- انجام ورزش های همگانی (پیاده روی، کوهنوردی و غیره)
دستر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، ویچستروم و ویچستروم (۲۰۰۹)	۲۸- انجام ورزش های هوازی (دویدن، شنا، دوچرخه سواری و غیره)

1. Theokas
2. Bailey
3. Coakley
4. Houlihan

۲۹- اثرهای فیزیولوژیک مثبت (ترشح هورمون‌های شادی‌آور در ورزش، مانند اندروفین و غیره)	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، احمدی و همکاران (۲۰۱۶)، اراضی و دادوند (۱۳۹۵)
۳۰- انجام ورزش و فعالیت بدنی برای کاهش افسردگی	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، (۲۰۰۲)، بیلی (۲۰۰۶)، اراضی و دادوند (۱۳۹۵)
۳۱- انجام ورزش و فعالیت بدنی برای کاهش خشم و پرخاشگری	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، نوسی و یانگ شیم (۲۰۰۵)
۳۲- انجام ورزش و فعالیت بدنی برای کاهش اضطراب	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بیلی (۲۰۰۶)
۳۳- انجام ورزش و فعالیت بدنی برای کاهش انزوا و گوشه‌گیری	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)
۳۴- تخلیه انرژی و هیجانات	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، مک‌کارتی (۲۰۱۱)
۳۵- ورزش‌هایی برای آرام‌سازی روح و روان، مانند یوگا	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، مک‌کارتی (۲۰۱۱)
۳۶- آموزش‌های ورزشی به افراد در سنین مختلف	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)
۳۷- ایجاد موقعیت خودابرازی	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بیلی (۲۰۰۶)
۳۸- ایجاد محیطی برای برتری‌جویی	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)
۳۹- ایجاد حس همبستگی با دیگران در شادی‌ها و غم‌ها (بردها و باخت‌ها)	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بیلی (۲۰۰۶)
۴۰- ایجاد حس موفقیت در ورزش	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بیلی (۲۰۰۶)
۴۱- تنوع رشته‌های ورزشی و دوری از روزمرگی	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)
۴۲- ورزش برای کاهش دردهای جسمانی	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، هاسنبلاس و فالون (۲۰۰۶)
۴۳- ورزش برای بهبود وضعیت ظاهری و تناسب اندام	دفتر مبارزه با موادمخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، بیلی (۲۰۰۶)

راهنمای اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

خواهشمند است قبل از پرکردن برگ درخواست اشتراک به نکات زیر توجه فرمائید:

۱. نشانی خود را کامل و خوانا با ذکر کدپستی بنویسید.

۲. بهای اشتراک سالانه:

- مطالعات مدیریت ورزشی: ۴۵۰۰۰۰ ریال
- فیزیولوژی ورزشی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات طب ورزشی: ۱۵۰۰۰۰ ریال
- رفتار حرکتی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات روانشناسی ورزشی ۳۰۰۰۰۰ ریال
- پژوهش در ورزش تربیتی ۱۵۰۰۰۰ ریال

۳. وجه اشتراک را به حساب ۴۰۰۱۰۲۲۶۰۳۰۰۱۵۸۲ نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه درآمد اختصاصی پژوهشگاه تربیت بدنی و ورزش، و فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به آدرس دفتر نشریه ارسال کنید.

۴. شناسه واریزی حق اشتراک نشریه "۳۲۱۰۲۲۶۷۴۱۴۰۱۰۷۰۰۵۱۰۰۳۰۳۴۰۰۰۵" می باشد. خواهشمند است روی فیش‌های واریزی این شماره را اضافه نمایید.

نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی - دفتر نشریه.

کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱ تلفن: ۸۸۷۴۷۷۹۶-۰۲۱

پست الکترونیکی: journal@ssrc.ac.ir

فرم اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

نام خانوادگی: نام تحصیلات:

تاریخ شروع اشتراک: از شماره: شغل:

نشانی پستی:

کدپستی: صندوق پستی:

نشانی الکترونیکی: تلفن:

به پیوست رسید بانکی شماره: مورخ:

به مبلغ ریال بابت اشتراک یکساله ضمیمه است.

امضاء

تاریخ

Construction and Validation of Sport Status in Drug Abuse Prevention Questionnaire

M. Bashiri¹, S. H. Zamani Sani², B. Shalchi³, Z. Fathirezaie⁴

1. Assistant Professor of Sport Management, Sport Science Group, Faculty of Education and Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University *
2. Assistant Professor of Motor Behavior, Motor Behavior group, Faculty of Physical Education and Sport Science, University of Tabriz
3. Assistant Professor of Psychology, Psychology Group, Faculty of Education and Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University
4. Assistant Professor of Motor Behavior, Motor Behavior group, Faculty of Physical Education and Sport Science, University of Tabriz

Received: 2017/11/02

Accepted: 2018/04/30

Abstract

The present study was done to construction and validation of sport status for drug abuse prevention questionnaire. To do this, 200 student aged 18-32 were assessed by research product questionnaire based on research literature and handbook of using sport for drug abuse prevention, United Nations office for drug control and crime prevention, published by United Nations organization. Data were analyzed by exploratory factor analysis, confirmatory factor analysis, Cronbach's alpha and Pearson correlation coefficient. Results showed that social, sportive, family and individual factors were preferred as addiction prevention factors from student viewpoint, respectively. Also, exploratory factor analysis supported factorial capacity of questionnaire items of sport status in drug abuse prevention in two factors including Socio-Sportive and Individual-Sportive. The results of indexes including CFI (0.93), NNFI (0.92) IFI (0.93), PNFI (0.81) and RMSEA (0.07) showed that in this questionnaire two factors of social sportive 12 items and individual sportive 16 items suitably confirmed. Internal consistency and internal stability of questionnaire were confirmed. Also, Sport for drug abuse prevention questionnaire had acceptable validity and reliability from student viewpoint. Constructed questionnaire could be used in the field of investigation of same group's point of view in about sport status in the prevention of addiction.

Keywords: Addiction, Sport, Drugs, Validity, Reliability

* Corresponding author

Email: mahdibas@gmail.com

Understanding the Process of Formation of Social Marketing for the Development of Sport for All

**A. Saberi¹, GH. Bagheri², M. KHabiri³, H. R. Yazdani⁴,
E. Alidoust⁵**

1. Professor assistance of sport management, Farabi Campus, University of Tehran, Iran*
2. Professor Associate of sport management, management and accounting faculty, Farabi Campus, University of Tehran, Iran
3. Professor Associate of sport management, physical education faculty, University of Tehran, Iran
4. Professor Assistance of human resource management, management and accounting faculty, Farabi Campus, University of Tehran, Iran
5. Professor Associate of sport management, physical education faculty, University of Tehran, Iran

Received: 2016/11/09

Accepted: 2017/01/23

Abstract

The aim of this study was to Understanding the process of formation of social marketing for the development of sport for all. This study was qualitative research that has been done with using of grounded theory. Statistical population included of executive and academic experts in the field of sport and marketing that after interviewing with 13 people from the community, this study reached theoretical saturation .Result of this interviews, open coding process (the Code), axial (with causal, strategies, confounding factors background conditions and consequences) and selective (course story) was done. In this research causal conditions affecting of social marketing was perspective and approach to the sport, acute social problems caused by the lack of attention to the development of sports, the importance of sports in sustainable development, lack of exercise due modern technology inapplicability the of the used sport for all. Condition background affecting to strategies was demographic characteristics, attitudes and family approach to sports, environmental impact, self-efficacy and psychological empowerment, society situation. The strategy research includes six p elements of the marketing mix (price, product, place, promotion, people, and physical evidence) endorsement, segmentation, targeting and positioning and lubrication interaction or networking were identified. Interfering factors, including human resource empowerment, infrastructure issues of sports, external misalignment and planning problems identified in sport and the consequences include the social consequences of changing attitudes and behavior of the individual. Therefore, organizations related to sport for all, can set a more accurate planning regarding to Identify concepts to develop sport for all.

Keyword: Social Marketing, Sport for All, Grounded Theory

* Corresponding Athour

Email: ali_saberi1364@ut.ac.ir

The Investigate of Familiarity Rate of Physical Education Teachers with Sports Law in Isfahan

M. Mostahfezian¹, S. Rahbari², M. Raei³

1. Department of Physical Education and Sport Sciences, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran *
2. Department of Physical Education and Sport Sciences, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran
3. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Received: 2017/04/25

Accepted: 2017/10/17

Abstract

This study aimed to investigate the familiarity of physical education teachers with sports laws in Isfahan. This was applied descriptive-survey study. The population consisted of all physical education teachers in Isfahan (N=1740). Using Cochran's formula, the sample size was calculated to be 407 subjects. Using random stratified sampling method, the subjects were selected. A researcher-made questionnaire was used for collecting the data; this questionnaire was made based on theoretical foundations and valid sources in sports laws field. The face and content validity of this questionnaire was confirmed by specialists and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha test ($\alpha = 0.84$). The data were analyzed using one-sample t-test and Friedman test. The findings indicated that the physical education teachers' knowledge of sports law components including obligation and duty, sports equipment standards, and goals and mission of education in schools was above average ($\mu > 3$), of rights and privileges of education and organizational responsibilities of manager was moderate ($\mu = 3$), and of rules and regulations was lower than average ($\mu < 3$). Considering high average of physical education teachers' familiarity with sports laws and its components, except familiarity with rules and regulations, it was recommended that the in-service training courses to be hold for teachers as soon as new laws and regulations were formulated to promote regulation knowledge of sports teachers. As soon as certain research findings were received on pathology of sports events, also, the teachers and administrators should immediately be informed.

Keywords: Investigate, Sports Law, Physical Education Teachers, Physical Education, Responsibility

* Corresponding author

Email: dr.mostahfezian@gmail.com

The identifying and Prioritizing Effective Groups in the Institutionalization of Sport for All in Iran

A. A. Asefi¹

1. Assistant Professor of Sport management of Sport Science Faculty of University of Isfahan

Received: 2017/03/15

Accepted: 2017/06/11

Abstract

The purpose of the present research was identifying and prioritizing effective groups in the institutionalization of sport for all in Iran. The research method was exploratory mixed method that was conducted in two phases of qualitative and quantitative. The statistical population of this study in the qualitative section was all individuals who have had experience in the field of sport for all and institutionalization that 15 persons interviewed to reach theoretical saturation by purposive sampling and in the format of Snowball Sampling method. In the quantitative section statistical population was composed of all managers and experts responsible for sport for all that subjects were selected by the census method (306 people). In the qualitative section semi-structured interview and in the quantitative section questionnaire were research tools. The validity of Interviews and questionnaire were investigated by professors and experts and reliability of interviews through a retest (%83) and questionnaire's reliability by Cronbach's alpha coefficient (0.91) was calculated. In the qualitative section open coding, axial coding and selective coding for analysis research data were used. In the quantitative section also kalmogorov smiranov test and first order confirmatory factor analysis for prioritizing effective groups in the institutionalization of sport for all in Iran were used. The research results in the qualitative and quantitative section revealed seven groups in order of preference include school, mass media, reference groups, family, government, religious institutions and friends and peers affect in the institutionalization of sport for all in Iran. Hence, helping to perform the basic roles of each of the above groups in institutionalization of sport for all in the country should be put on the agenda of the authorities with proper policy, planning and organization.

Keywords: Family, School, Mass media, Institutionalization, Sport for All.

* Corresponding Author

Email: aa.asefi@spr.ui.ac.ir

Structural Equation Modeling: The Study on Factors Affecting Sports Participation

M. M. Rahmati¹, F. Alikhah², S. M. ShadManfaat³, S. Kabiri⁴

1. Associate Professor, University of Guilan*

2. Assistant Professor, University of Guilan

3. M.A. University of Guilan

4. Ph.D. University of Mazandaran

Received: 2017/06/02

Accepted: 2017/09/18

Abstract

Sport and sport events have become an integral part of Daily life in today's world. People's sport participation will be influenced by various factors, including the "socialization into sport", structural and social factors. This research, by using the symbolic interaction approach, aims to study the sport participation process. In this regard, using the quantitative method and Socialization of Sport (Sage, 1980, Greendorfer et al., 1986; Greendorfer & Lewko, 1987; Lau et al., 2004; Cieslak et al., 2004), athletic identity (Cieslak et al., 2004), sport commitment (Casper & Andrew, 2008), social-structural constraints (Lee et al., 2004, Alexandris & Carroll, 1997) and sports participation (Kang, 2013) scales, a sample of 574 athletes in the city of Rasht was tested through structural equation modelling with Amos. The results indicate that the athletes' sport participation process will firstly be begun with the sport socialization. The initial sport participation process will be made through the socialization and various supports provided. In the next step, the athletic identity of athletes will be built on a continuous basis of sport participation. By the same token, with respect to the role of an athletic identity in refining the society's athletes, the sport commitment will also be created. Furthermore, the structural and social pressures play an important role in the sport socialization, athletic identity, sport commitment and sport participation of athletes.

Keywords: Sport Participation, Sport Socialization Factors, Structural-Social Factors, Symbolic Interaction

* Corresponding Author

Email: mahdi.rahmati@gmail.com

The Impact of Awareness, Emotions, and Moral Intensity on Intention to Buy Counterfeit Sports Apparel

B. Izadi¹, A. Mahmoudian²

1. Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, university of Kurdistan
2. MA of Marketing Management in Sport, Faculty of Humanities and Social Sciences, university of Kurdistan

Received: 2017/05/30

Accepted: 2017/09/18

Abstract

Nowadays, the phenomenon of counterfeiting introduce as a huge economic, social and political issue in all around the world .Accordingly, aiming of the present study was to investigate the impacts of moral awareness, emotions and Intensity on the intention to buy counterfeit brands of sport apparel. Present study was done in descriptive correlative approach. Students of Physical Education in the University of Kurdistan were chosen as statistical sample by census approach (N=200). The findings showed that the moral awareness variable had a significant relationship with moral judgment (0.59), moral emotions (0.58) and Moral Intensity (0.90) had a significant relationship. There is also a significant relationship between moral emotions with moral judgments and Moral Intensity with moral judgment on the purchase intention and the proposed model has an appropriate fitness. It is possible to promote the level of moral emotions and Moral Intensity of the consumers by planning campaigns and programs for raising the moral awareness of the consumers via expressing the consequences and aftereffects of purchasing and consuming counterfeit brands of sport apparels. Therefore, they can have a better moral judgment which lead to reduce intentions to purchase counterfeit sport apparel.

Keywords: Moral Awareness, Moral Emotions, Moral Intensity, Purchase Intention, Counterfeit Apparels

* Corresponding Author

Email: abedmahmoodian70@gmail.com

Evaluation of the Relative Efficiency of Universities Sport Teams at the Thirteenth Iranian National Cultural-Sport Olympiad Using DEA

**SMJ. Razavi¹, M. Zarei Mahmoudabadi², M. Pourkiani³,
F. Emami⁴**

1. Ph.D. student of Sport Management, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran*

2. Assistant Professor, Department of Management, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran

3. Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Sport Sciences and Health, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

4. Department of Physical Education and Sport Sciences, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

Received: 2018/05/19

Accepted: 2018/07/23

Abstract

The evaluation and ranking of the participating universities in Olympiad games is done based on the total points gained by them. However, it should be taken into account that achieving the competition outcomes (total points gained in the competition) is only possible in the context of exploiting inputs and using proper processes. Therefore, using one of the nonparametric methods of operations research, called Data Envelopment Analysis, this study tries to evaluate the performance of universities sports teams of boys and girls participating in the thirteenth Iranian National Cultural-Sport Olympiad. The results of the model for evaluating the performance of the boys' sports teams showed that among the 24 universities participating in the Olympiad, 10 universities obtained the maximum efficiency from this model. In addition, the performance evaluation of the girls' sports teams demonstrated that among the 23 universities participating in the Olympiad, 8 universities obtained the maximum efficiency from this model. Finally, the ranking based on the DEA model indicated that Ferdowsi University of Mashhad was ranked first in the boys group and Kowsar University of Bojnourd was ranked first in in the girls group, while Kowsar University of Bojnourd was ranked eleventh based on the obtained medals. This huge difference was due to the optimal use of the limited resources of this university to gain medals. Thus, in order to evaluate the performance of sports teams of universities, in addition to considering their rankings based on the total points obtained, it is essential to consider the inputs of universities, so that fewer inputs along with more outputs should also enter the evaluation model in order to have accurate, principled, and purposeful evaluation of sports teams of universities.

Keywords: Sport Olympiad, Performance Evaluation, Data Envelopment Analysis (DEA).

* Corresponding Author

Email: razavi.s@mail.um.ac.ir

Designing of Affective Factors of Knowledge Maturity in Employees of Physical Education and Health Department Uses the FCM Model

M.Ravasizadeh¹, Z. Nobakht Ramezani², Sh. Bahrami³

1. Ph.D Student of sport management, Islamic Azad University, Hamedan Branch, Hamedan, Iran*
2. PhD of sport management, Qazvin Islamic Azad University, Qazvin, Iran
3. PhD of sport management, Kermanshah Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Received: 2017/08/16

Accepted: 2017/11/04

Abstract

The propose of this study was Designing of affective factors of knowledge Maturity in employees of Physical Education and Health Department uses the FCM model. The research method is a survey and its target is applicable. The face validity of the Questionnaire is verified by some of management professionals. For this purpose, a review of previous studies and also of expert's comment, we identified 17 variables that influence in knowledge Maturity. Then, variables for weighting was provided to experts through a questionnaire, and these 10 variables was extracted in the form of a Fuzzy questionnaire for weighting was of the 15 Members of the focus group. Results show that variables; Creativity, education, motivation, experience, leadership, organizational culture, organizational structure, organizational strategies, information management and organizational communications, and human resources management as the main factors affecting the maturity of knowledge have been identified.

Keywords: Knowledge Maturity, Department of Physical Education and Health, FCM Model

* Corresponding Author

Email:m.f.ravasizadeh@gmail.com

Pathology of Physical Education and School Sports by Applying Three Dimensional Model

**H. Ghanbari¹, N. Shetabbushehri², P. Shafiniya³,
Y. Mehralizadeh⁴**

1. Ph.D student of sport management, Shahid Chamran University of Ahvaz*¹
2. Assistant Professor of Motor Behavior department, Shahid Chamran University of Ahvaz.
3. Associate Professor of Motor Behavior department, Shahid Chamran University of Ahvaz.
4. Professor of Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz.

Received: 2017/09/17

Accepted: 2017/12/11

Abstract

The present study has been done with the aim of pathology of physical education and Sports in elementary schools of Khuzestan province. In This research, that was done in a mixed method, the researchers were referred to experts in the field of Sports Students in Khuzestan and began to collect information from them through in-depth interviews. Then coded and analyzed data from 25 interviews using grounded theory. Then a questionnaire was designed based on received codes. Validity of the questionnaire was confirmed by Delphi technique by a number of professors and experts and confirmed its reliability with Cronbach's alpha($\alpha=0.80$). According to the research community and Morgan table, by proportional stratified random sampling, were distributed questionnaires among the 280 physical education teachers, physical education experts from the education departments and physical education professors in Khuzestan. Data were analyzed using SPSS and PLS software. According to findings, organizational, personal and background factors were the most damaged in the field Physical Education and School Sports. Among the subcategories of all three levels, the physical education teacher (organizational level) had the most damage and the environment (background level) had the least damage. Given that organizational-level damages has had the greatest impact on the development of Physical Education and School Sports, it is therefore necessary to review the Ministry of Education in planning, allocating resources and equipping schools. At the individual level, education to families and at the background level, promoting the culture of the tendency toward sport for all is a necessary and useful actions.

Keywords: Pathology of Sport, Physical Education and School Sports, Three Dimensional Model

* Corresponding author

Email: hovar63@yahoo.com

Pathology of Physical Education and School Sports by Applying Three Dimensional Model

**H. Ghanbari¹, N. Shetabbushehri², P. Shafiniya³,
Y. Mehralizadeh⁴**

1. Ph.D student of sport management, Shahid Chamran University of Ahvaz*
2. Assistant Professor of Motor Behavior department, Shahid Chamran University of Ahvaz.
3. Associate Professor of Motor Behavior department, Shahid Chamran University of Ahvaz.
4. Professor of Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz.

Received: 2017/09/17

Accepted: 2017/12/11

Abstract

The present study has been done with the aim of pathology of physical education and Sports in elementary schools of Khuzestan province. In This research, that was done in a mixed method, the researchers were referred to experts in the field of Sports Students in Khuzestan and began to collect information from them through in-depth interviews. Then coded and analyzed data from 25 interviews using grounded theory. Then a questionnaire was designed based on received codes. Validity of the questionnaire was confirmed by Delphi technique by a number of professors and experts and confirmed its reliability with Cronbach's alpha($\alpha=0.80$). According to the research community and Morgan table, by proportional stratified random sampling, were distributed questionnaires among the 280 physical education teachers, physical education experts from the education departments and physical education professors in Khuzestan. Data were analyzed using SPSS and PLS software. According to findings, organizational, personal and background factors were the most damaged in the field Physical Education and School Sports. Among the subcategories of all three levels, the physical education teacher (organizational level) had the most damage and the environment (background level) had the least damage. Given that organizational-level damages has had the greatest impact on the development of Physical Education and School Sports, it is therefore necessary to review the Ministry of Education in planning, allocating resources and equipping schools. At the individual level, education to families and at the background level, promoting the culture of the tendency toward sport for all is a necessary and useful actions.

Keywords: Pathology of Sport, Physical Education and School Sports, Three Dimensional Model

* Corresponding author

Email: hovar63@yahoo.com

Designing a Model of Sports Sacred Sanctity among Students Athlete

S. Dastoom¹, M. S. Afroozeh², M. Jokar³, H. Afrouzeh⁴

1. 3, 4. PhD. Student, Sport Management at University of Guilan
2. Assistant Professor, Sport Management at Jahrom University*

Received: 2017/10/14

Accepted: 2018/02/04

Abstract

The purpose of this study designing a sports sacred construction in athletic students. The sample is sufficient to model and hypothesis testing (150) of the Eleventh Olympiad sports were classified random sampling survey. The research instrument was a questionnaire made on the basis of theoretical study and interviews (teachers and professors), respectively. The validity of the instrument using the experts (content), Cronbach's alpha (reliability) and reliability factor (fit) was confirmed. To analyze the findings of structural equation modeling (software PLS) was used). The results showed that spirituality and prayer as much as 44 percent of change and moral obligation to directly explain. On the other hand 0.81 and 0.456 are two factors suggest that spirituality and prayer variable indirectly through the mediating variable disposition and sense of commitment and ethics affects 37% of the variable. According to identify and explain the structure and the commitment and moral consequences are expected in the development of sports culture; Athletes can say that the spiritual context of character and a sense of individual and institutional commitment and ethics in sport athletic Process factor in them.

Keywords: Sports Sacred, Sports Ethic, Sports Character, Athletic Students.

* Corresponding Author

Email: afroozeh.sadegh@gmail.com

The Relationship Between Information Literacy and Entrepreneurial Capabilities of Sports Science Graduated Students of Tehran Universities

Maryam Mokhtari Dinani¹, Saeide Tatari²

1. Assistant Professor of Sport Management, University of Alzahra
2. MSc graduate of Sport Management, University of Alzahra

Received: 2017/07/22

Accepted: 2017/12/23

Abstract

The purpose of this research was the relationship between information literacy with entrepreneurial capabilities of Physical Education Graduated students of Tehran Universities. The Statistical population were all of the Physical Education graduated students of Tehran Universities (N=1100). According to Morgan table, 270 people were chosen with sampling stratified random method. Information literacy standard questionnaire (2003) and Durham entrepreneurial capabilities standard questionnaire (1991) were used to collect data. The results showed there was significant relationship between information literacy with entrepreneurial capabilities of Physical Education Graduated students of Tehran Universities. Also, based on regression analysis, there were significant relationships between components of the information literacy and entrepreneurial capabilities and information literacy can predict entrepreneurial capabilities. In addition, the two components of "the ability to effective access to information" and "the ability to use targeted information" had the most ability to significant prediction for entrepreneurship capability of sport sciences graduated students in Tehran universities. Considering the effective role of "the ability to use targeted information" in predicting of student entrepreneurship capacity, it is necessary that universities to provide specialized information related to entrepreneurship and employment to students interested in sport entrepreneurship.

Keywords: Entrepreneurial Capabilities, Information Literacy, Student

* Corresponding Author

Email: M.mokhtaridinani@Alzahra.ac.ir

Thematic Analysis of Physical Education and Improvement Physical Strength Based on Quran Verses

**H. Bahrololom¹, J. Ghasemi Rooshnavand², M. Emami
Rooshnavand³**

1. Associate Professor of sport management, Shahrood University of technology
2. PhD student in sport management of Shahrood University of technology*
3. Master of Science in Quran and Hadith of Hakim Sabzevari University

Received: 2017/07/17

Accepted: 2017/10/17

Abstract

Sports, recreation and healthy body and mind refreshing grants, the principles are essential in the lives of human beings. Since Islam is a religion of nature is the desire to be recognized and it has confirmed and strengthened, but this concept and its various manifestations in the form of a scientific model is not provided. Whereas sport is one of the things that the topics raised in the world and in many ways it's a lot to deal. The study was patterned after the Qur'an as a guide to practical life, sports fields and strengthen the verse of the Quran's strength. The aim of this study examines three basic questions of why, what and how of Physical Education and reinforce the strength of the Qur'an and the valves provide a comprehensive approach in the field. This research is a fundamental study of descriptive - exploratory, to investigate the pattern of physical education and reinforce the strength of content analysis was used. To collect and identify issues related to the theoretical foundations of experts were the first sports, the full study the Quran, related themes were extracted and coded. The results showed that this model has three dominant theme, 7 overarching themes, 18 themed organizers and 50 basic attributes. The relationship between these themes are presented in the form of a pattern. According to the results of the research, it is suggested that the managers of sports organizations be considered Merit and expertise.

Keywords: Quran, Physical Education, Improvement Physical Strength, Qualitative Methodology, Content Analysis.

* Corresponding Author

Email: Javadghasemi3371@gmail.com

The Effect of Physical Educator's Teaching Styles on Student's Goal Orientation

M. Loghmani¹, M. Gholidahaneh², M. Hassannejad¹

1- Assistant Professor of Sport Management, Shafagh Institute of Higher Education, Tonekabon, Iran*

2- M.A of Sport Management, Shafagh Institute of Higher Education, Tonekabon, Iran

Received: 2017/07/02

Accepted: 2017/11/17

Abstract

The present study was designed based on aim of the effect of teacher-centered, moderate, and student-centered teaching styles of teachers on the sport goal orientation (task and ego orientation) of students in physical education. In a quasi-experimental research of pre-, post-, and pursue-test, sixty and six fifth grade school boy students and three similar physical education teachers of Kallaleh schools were randomly assigned to the three teaching styles groups of teacher-centered (n= 21), moderate (n= 23), and student-centered (n=22). During three stages of beginning, week 5, and week 10, students of each group responded to goal orientation questionnaire (Cuming et al, 2008). Repeated measure analysis results showed that task and ego orientation a significantly decreased among students educated with teacher-centered teaching style. In contrast, students who had been given student-cantered teaching style education from their physical education teacher increased significantly in ego orientation while task orientation decreased after ten weeks. Changes in the mechanism of goal orientation is different in various sport settings (club vs. school), individual types (professional vs. amateur), and other substantial factors. The research findings clearly showed that the moderate teaching style is the best teaching style for sport goal orientation of students during physical education classes.

Keywords: Teaching Style, Goal Orientation, Ego Orientation, Task Orientation, Physical Education Class

* Corresponding author

referee.loghmani67@gmail.com

Identifying and Assessing the Performance of University Sport Coaches in Iran (Case Study: Student Olympiad)

M. Esmaili¹, S. Rezaei²

1. Sport Science Research Institute (Ph.D)*
2. Ilam University (Ph. D)

Received: 2017/06/13

Accepted: 2017/12/17

Abstract

The aim of this research was explaining and comparing the coach's performance in university sport teams in Iran. Sample encompassed four groups associated with coaches' performance, including 324 athletes, 99 coaches, 41 managers and 79 supervisors, (total = 543) presented in the 12th National intercollegiate competitions, held 2014 in Iran. The data collection method was library research, interview and researcher-made questionnaire whose validity and reliability were confirmed. For data analysis was utilized exploratory factor analysis by SPSS software and used AMOS software for designing model. In order to the criteria, a group of experts (N=8) prioritize coaches' performance criteria by decision-making technique of AHP. Eight dimensions including communication skills, technical knowledge, management skills, role model, program success, supporting the student-athlete model, recruiting new athletes, and financial skills were deducted by using exploratory factor analysis method. The research model was designed and fitted. we recommended to collegiate sports managers to apply this model for assessment of coaches' performance.

Keywords: Assessment, Performance, Coaches, University, Student Olympiad

* Corresponding Author

Email: M_smaeili2006@yahoo.com

The Effect of Observation Learning on Students' Promoting Metacognitive Behavior

S. Hamedi¹, B. Abdoli², A. R. Farsi³

1. Motor Learning Ph.D. Student, University of Shahid Beheshti, Department of Physical Education and Sports Science, Tehran, Iran*
2. Associate Professor of Shahid Beheshti University, Department of Physical Education and Sports Science, Tehran, Iran.
3. Associate Professor of Shahid Beheshti University, Department of Physical Education and Sports Science, Tehran, Iran

Received: 2017/08/10

Accepted: 2017/12/23

Abstract

The aim of this study was to examine the effectiveness of observational learning on Students' promoting metacognitive behavior in soccer chip task. Forty-two students, aged 11-13 years old, in region 2th of Tehran, participated in this study. They were divided in 3 groups (control group, observation of skilled model group, and observation of skilled model with metacognitive activities group). An experimental intervention study in soccer chip task was conducted with pre- and post-tests. Metacognition was assessed pre and post-intervention using metacognitive process in physical education questionnaire. Paired sample t-test analysis showed that there were statistically significant differences between pre-test and post-test in groups. The results of ANOVA & Bonferroni test showed that in addition to being metacognitive strategies are an effective way to improve metacognitive behavior, observational learning also is an effective way to improve it, in physical education classes.

Keywords: Metacognition, Modeling, Motor skill, Observational Learning

* Corresponding Author

Email:b-abdoli@sbu.ac.ir

Table of Contents

• The Effect of Observation Learning on Students' Promoting Metacognitive Behavior	7
S. Hamed, B. Abdoli, A. R. Farsi	
• Identifying and Assessing the Performance of University Sport Coaches in Iran (Case Study: Student Olympiad)	8
M. Esmaili, S. Rezaei	
• The Effect of Physical Educator's Teaching Styles on Student's Goal Orientation	9
M. Loghmani, M. Gholidahaneh, M. Hassannejad	
• Thematic Analysis of Physical Education and Improvement Physical Strength Based on Quran Verses	10
H. Bahrololom, J. Ghasemi Rooshnavand, M. Emami Rooshnavand	
• The Relationship Between Information Literacy and Entrepreneurial Capabilities of Sports Science Graduated Students of Tehran Universities	11
Maryam Mokhtari Dinani, Saeide Tatari	
• Designing a Model of Sports Sacred Sanctity among Students Athlete	12
S. Dastoom, M. S. Afroozeh, M. Jokar, H. Afrouzeh	
• Pathology of Physical Education and School Sports by Applying Three Dimensional Model	13
H. Ghanbari, N. Shetabbushehri, P. Shafiniya, Y. Mehralizadeh	
• Designing of Affective Factors of Knowledge Maturity in Employees of Physical Education and Health Department Uses the FCM Model	14
M. Ravasizadeh, Z. Nobakht Ramezani, Sh. Bahrami	
• Evaluation of the Relative Efficiency of Universities Sport Teams at the Thirteenth Iranian National Cultural-Sport Olympiad Using DEA	15
SMJ. Razavi, M. Zarei Mahmoudabadi, M. Pourkiani, F. Emami	
• The Impact of Awareness, Emotions, and Moral Intensity on Intention to Buy Counterfeit Sports Apparel	16
B. Izadi, A. Mahmoudian	
• Structural Equation Modeling: The Study on Factors Affecting Sports Participation	17
M. M. Rahmati, F. Alikhah, S. M. ShadManfaat, S. Kabiri	
• The identifying and Prioritizing Effective Groups in the Institutionalization of Sport for All in Iran	18
A. A. Asefi	
• The Investigate of Familiarity Rate of Physical Education Teachers with Sports Law in Isfahan	19
M. Mostahfezian, S. Rahbari, M. Raei	
• Understanding the Process of Formation of Social Marketing for the Development of Sport for All	20
A. Saberi, GH. Bagheri, M. KHabiri, H. R. Yazdani, E. Alidoust	
• Construction and Validation of Sport Status in Drug Abuse Prevention Questionnaire	21
M. Bashiri, S. H. Zamani Sani, B. Shalchi, Z. Fathirezaie	

Scientific Advisors

- Dr. A. A. Asefi** (Assistant Professor, Esfehan University)
Dr. R. Andam (Associate Professor, Shahrood University of Technology)
Dr. S. M. Aghapour (Assistant Professor, Tehran University)
Dr. H. Bagheri (Assistant Professor, Shahrood University of Technology)
Dr. A. Bahrami (Associate Professor, University of Arak)
Dr. M. Bashiri (Assistant Professor, Azarbaijan Shahid Madani University)
Dr. M. Esmaeili (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)
Dr. H. Eydi (Assistant Professor, Razi University)
Dr. R. Faraji (Assistant Professor, Azarbaijan Shahid Madani University)
Dr. M.H. Ghorbani (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)
Dr. M. Halaji (Assistant Professor, Farhangian University)
Dr. M. Kalateh Seifari (Assistant Professor, University of Mazandaran)
Dr. M. Kashtidar (Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad)
Dr. E. Khosravi Zadeh (Associate Professor, University of Arak)
Dr. B. Naghipour Givi (Ph.D. Sport Management)
Dr. D. Padash (Ph.D. Sport Management)
Dr. M. Poorkiani (Assistant Professor, Shahid Beheshti University)
Dr. M. Saffari (Assistant Professor, Tarbiat Modares University)
Dr. H. R. Safari Jafarloo (Assistant Professor, jahrom University)
Dr. A. Shams (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)
Dr. Z. Taslimi (Ph.D. Sport Management)
Dr. M. Vahdani (Ph.D. Sport Management)
Dr. H. Zareian (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)

Research on Educational Sport

- **Chairman Manager: Reza Gharekhanloo (Professor)**
- **Editor in Chief: Reza Andam (Associate Professor)**
- **Associate Editor: Mohammad Hossein Ghorbani (Assistant Professor)**
- **Managing Director: Samira Gholamian**

- **Editorial Board:**
 - **Abolfazl Farahani** (Professor, Payam e Noor University; Sport Management)
 - **Hasan Asadi** (Professor, University of Tehran; Sport Management)
 - **Mohammad Esmaeil Afzalpour** (Professor, University of Birjand; Physiology Sport)
 - **ValiAllah Dabidi Roshan** (Professor, University of Mazandaran; Physiology Sport)
 - **Reza Rajabi** (Professor, University of Tehran; Sport Medicine)
 - **Farhad Rahmani Nia** (Professor, University of Guilan; Physiology Sport)
 - **Mohammad Hossein Razavi** (Professor, University of Mazandaran; Sport Management)
 - **Mahdi Talebpour** (Associate Professor, Ferdowsi University of Mashahad)
 - **Mehrdad Anbarian** (Professor, Bu Ali Sina University; Bio mechanic)
 - **Habib Honari** (Associate Professor, Alame Tabatabaee University; Sport Management)

- **ISSN: 2538-2721**
- **Publisher: Sport Sciences Research Institute**
- **Publication: Kiamarsi**
- **Volume 15; Fall & Winter 2019**
- **Address: 4st Floor 3, 5th Alley, Mir-Emad St., Shahid Motahari Ave., Tehran-I.R.Iran.**
- **Postal Code: 1587958711**
- **Tel: +98-21-88750884**
- **Fax: +98-21- 88747796**
- **E-mail: journal@ssrc.ac.ir**
- **Website: Journals.ssrc.ac.ir**

Research on Educational Sport

6th Year, No 15

Fall & Winter 2019

In the name of God